بسم الله الرحمن الرحيم

مجموعه قوانین افغانستان

۳

جزایی قوانین

قوانین جزایی

مجموعه قوانین افغانستان – ۳

نام:	قوانین جزایی
ناشر:	وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان
تهیه و ترتیب:	ریاست نشرات
مدیرپروژه:	حیدر محقق رئیس نشرات
تدارکات و اداری:	سید محمد هاشمی رئیس امور مالی و اداری و احمد خالد عزیزی معاون واحد پروژهٔ بانک جهانی در وزارت عدلیه
صفحه‌آرا:	امان الله صداقت، عباس رسولی و حسین امینی
مصححین:	نورعلم خان، حلیم سروش، محمد رفیع عمری، احسان الله نیکزاد
مشاورین:	اسماعیل حکیمی، یماء قاسمیار
تاریخ نشر:	۱۳۸۸
تیراژ:	۸۰۰۰
چاپ:	اول
قیمت:	۲۵۰ افغانی
مطبعه:	مطبعه صنعتی احمد- کابل
تلفن نشرات:	۰۷۰۰۰۸۸۱۲۸
ویب سایت:	www.moj.gov.af

کلیه حقوق چاپ برای وزارت عدلیه محفوظ است.

مجموعه قوانین جزایی

۱. قانون جزاء .....جریدۀ رسمی ۳۴۷، مؤرخ ۱۳۵۵/۷/۱۵

۲. قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی.....جریدۀ رسمی ۶۴۹، مؤرخ ۱۳۶۶/۷/۳۰

۳. قانون مبارزه علیه اختطاف و قاچاق انسان...جریدۀ رسمی۹۵۲، مؤرخ ۱۳۸۷/۴/۲۵

۴. قانون مبارزه علیه تمویل تروریزم.....جریدۀ رسمی ۸۳۹، مؤرخ ۱۳۸۳/۷/۳۰

۵. قانون مبارزه علیه جرایم تروریستی..... جریدۀ رسمی ۹۵۲، مؤرخ۱۳۸۷/۴/۲۵

۶. قانون مبارزه علیه تطهیر پول وعواید ناشی ازجرایم .....جریدۀرسمی ۸۴۰،مؤرخ ۱۳۸۳/۸/۱۰

۷. قانون رسیدگی به تخلفات اطفال .....جریدۀ رسمی ۸۴۶، مؤرخ ۱۳۸۴/۱/۳

۸. قانون جزای عسکری..... جریدۀ رسمی ۹۴۴، مؤرخ ۱۳۸۷/۲/۱۰

۹ . قانون‌نظارت برتطبیق استراتیژی مبارزه علیه‌فساداداری.....

.....جریدۀ رسمی ۹۵۷، مؤرخ ۱۳۸۷/۵/۸

فهرست

مقدمهٔ ناشر **۱۵**

قانون جزاء
کتاب اول
احکام عمومی

باب اول: احکام مقدماتی ۲۰
فصل اول: قواعد عمومی وتعریفات ۲۰
فصل دوم: ساحهٔ تطبیق قانون ۲۵
قسمت اول: تطبیق قانون از حیث مکان و اشخاص ۲۵
قسمت دوم: تطبیق قانون از حیث زمان ۲۹
باب دوم: جرایم ۳۰
فصل اول: جرایم از حیث شدت وخفت ۳۰
فصل دوم: عناصر جرم ۳۱
قسمت اول: عنصر مادی ۳۱
اول: عمل، سببیت و نتیجه ۳۱
دوم: شروع ۳۲
قسمت دوم: عنصر معنوی قصد جرمی وخطاء ۳۵
اول: قصد جرمی ۳۵
دوم: خطاء ۳۶
قسمت سوم: عنصر قانونی ۳۷
فصل سوم: اشتراک در جرم ۳۷
قسمت اول: فاعل وشریک ۳۷
قسمت دوم: اتفاق در جرم ۴۲

فصل چهارم: اسباب اباحت ۴۴
قسمت اول: استعمال حق ۴۴
قسمت دوم: ایفای وظیفه ۴۶
قسمت سوم: حق دفاع مشروع ۴۷
باب سوم: مجرم ۵۱
فصل اول: مسئولیت جزائی وموانع آن ۵۱
قسمت اول: مسئولیت جزائی ۵۱
قسمت دوم: موانع مسئولیت جزائی ۵۲
اول: عوارض ادراک ۵۲
۱: جنون و مرض عقلی ۵۲
۲: سکر ۵۳
۳: سن ۵۴
دوم: فقدان اراده ۶۵
۱: اکراه ۶۵
۲: اضطرار ۶۶
فصل دوم: مسئولیت اشخاص حکمی ۶۶
باب چهارم: جزاء ۶۸
فصل اول: جزاهای اصلی ۶۸
فصل دوم: جزاهای تبعی ۷۳
فصل سوم: جزاهای تکمیلی ۷۶
فصل چهارم: تدابیر امنیتی ۷۹
قسمت اول: احکام عمومی ۷۹
قسمت دوم: تدابیر امنیتی سلب کننده و تحدید کنندۀ آزادی ۸۰
۱: حجز در روغتون های مربوط ۸۰
۲: منع گشت و گذار و بود وباش در بعضی محلات ۸۱
قسمت سوم: تدابیر امنیتی سلب کنندۀ حقوق ۸۳
۱: سقوط ولایت، وصایت و قیمومیت ۸۳
۲: محرومیت از اشتغال به پیشه وحرفه ۸۴

قسمت چهارم: تدابیر امنیتی مالی ۸۶
۱: مصادره ۸۶
۲: مسدود ساختن محل ۸۶
۳: متوقف ساختن فعالیت شخص حکمی و انحلال آن ۸۸
قسمت پنجم: احکام متفرقه مربوط به تدابیر امنیتی ۸۹
فصل پنجم: معاذیر قانونی واحوال مخففهٔ قضائی ۹۱
فصل ششم: احوال مشددهٔ عمومی ۹۴
فصل هفتم: تعدد جرایم و تأثیر آن در جزاء ۹۹
فصل هشتم: تعلیق تنفیذ ۱۰۲
باب پنجم: سقوط جرایم وجزاها ۱۰۵
فصل اول: احکام عمومی ۱۰۵
فصل دوم: احکام تفصیلی وفات محکوم علیه ۱۰۶
قسمت دوم: عفو عمومی وخصوصی ۱۰۷
۱: عفو عمومی ۱۰۷
۲: عفو خصوصی ۱۰۸
قسمت سوم: اعادهٔ حیثیت و تأجیل تنفیذ حکم ۱۰۸

کتاب دوم
جنایات، جنح، قباحات وجزا های آن

باب اول: جنایات وجنح ضد منفعت عامه ۱۰۹
فصل اول: جرایم علیه امنیت خارجی دولت ۱۰۹
فصل دوم: جرایم علیه امنیت داخلی دولت ۱۳۰
فصل سوم: رشوت ۱۶۲
فصل چهارم: اختلاس وغدر ۱۶۷
فصل پنجم: رویهٔ سوء مؤظفین خدمات عامه دربرابر افراد ۱۷۱
فصل ششم: سرقت وتلف کردن اوراق و اسناد رسمی ۱۷۴
فصل هفتم: تجاوز مؤظفین خدمات عامه از حدود صلاحیت قانونی ۱۷۶

فصل هشتم: تجاوز علیه مؤظفین خدمات عامه ۱۸۱
فصل نهم: انتحال وظایف والقاب ۱۸۴
فصل دهم: جعل پول مروجه ۱۸۶
فصل یازدهم: تزویر ۱۸۹
فصل دوازدهم: تقلید علامات واشیای مطبوع پوستی، تلگرافی و مالیاتی ۱۹۶
فصل سیزدهم: تعطیل مواصلات ۱۹۸
فصل چهاردهم: فرار محبوسین و اخفای مجرمین ۲۰۱
فصل پانزدهم: محو یا شکستاندن مهر ۲۰۷
فصل شانزدهم: اتلاف بناها و املاک عامه ۲۰۹
فصل هفدهم: تجارت اشیای ممنوعه ۲۱۰
فصل هجدهم: جرایم ضد ادیان ۲۱۱
فصل نزدهم: استعمال مواد مخدره و مسکره ۲۱۲
فصل بیستم: قمار بازی ۲۱۴
فصل بیست ویکم: امتناع از معاونت ۲۱۵
فصل بیست ودوم: جرایم مربوط به بنوت، رعایت ناقص اهلیت، معروض ساختن صغا
ر و ضعفا بخطر ۲۱۷
فصل بیست وسوم: حریق و انفجار ۲۲۱
فصل بیست وچهارم: جرایم مربوط به غرق ومرافق و صحت عامه ۲۲۶
فصل بیست وپنجم: تضلیل قضاء ۲۳۱
فصل بیست وششم: اطلاع دروغ خود داری از اظهار حقیقت ۲۳۲
فصل بیست وهفتم: شهادت دروغ ۲۳۶
فصل بیست وهشتم: قسم ناحق ۲۴۰
فصل بیست ونهم: بی حرمتی اموات وقبور ۲۴۱
باب دوم: جنایات وجنح ضد افراد ۲۴۳
فصل اول: قتل عمد ۲۴۳
فصل دوم: ضرب منجر به موت و قــتل خطاء ۲۴۶
فصل سوم: اخفای جسد مقتول ۲۴۹

فصل چهارم: اسقاط جنین ۲۴۹
فصل پنجم: ضرب وجرح ۲۵۱
فصل ششم: گرفتاری وتوقیف غیر قانونی ۲۵۵
فصل هفتم: اختطاف ۲۵۷
فصل هشتم: زنا، لواط، وهتک ناموس ۲۶۰
فصل نهم: تحریک به فسق وفجور ۲۶۲
فصل دهم: هتک حرمت مسکن و مسلک غیر ۲۶۳
فصل یازدهم: تهدید ۲۶۶
فصل دوازدهم: قذف ۲۶۷
فصل سیزدهم: دشنام ۲۷۰
فصل چهاردهم: افشای اسرار اشخاص ۲۷۱
فصل پانزدهم: راهزنی ۲۷۳
فصل شانزدهم: سرقت وغصب ۲۷۵
فصل هفدهم: خیانت در امانت ۲۸۲
فصل هجدهم: فریب کاری ۲۸۵
فصل نزدهم: اختفای اشیائیکه در نتیجهٔ ارتکاب جرم به دست می آید ۲۸۹
فصل بیستم: احکام مشترک ۲۹۱
فصل بیست ویکم: مداخله در آزادی مناقصات و مزایدات ۲۹۲
فصل بیست و دوم: جرایم مربوط به تجارت ۲۹۳
قسمت اول: ربح غیر قانونی ۲۹۳
قسمت دوم: تقلب در معاملات تجارتی ۲۹۴
قسمت سوم: جرایم مربوط به افلاس ۲۹۵
فصل بیست وسوم: تجاوز بر حقوق ملکیت معنوی ۳۰۲
فصل بیست وچهارم: جرایم تخریب، اتلاف وانتقال ۳۰۲
قسمت اول: جرایم تخریب واتلاف حدود ۳۰۲
قسمت دوم: انتقال حدود ۳۰۵
فصل بیست وپنجم: جرایم قتل حیوانات وضرر رساندن به آن ۳۰۶

باب سوم: قباحات ۳۰۷
فصل اول: قباحات مربوط به راه ها واماکن عامه ۳۰۷
فصل دوم: قباحات مربو ط به آسایش عامه ۳۱۲
فصل سوم: قباحات مربوط به صحت عامه ۳۱۴
فصل چهارم: قباحات مربو ط به املاک، امــوال وحیوانات ۳۱۶
فصل پنجم: قباحات مربوط به آداب عامه ۳۱۸
فصل ششم: قباحات مربوط به منتظمین هوتلها ۳۱۹
فصل هفتم: احکام متفرقه ۳۱۹
تعدیلات ۳۲۵

قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی

فصل اول: جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی ۳۵۰
فصل دوم: سایر جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی ۳۵۸

قانون مبارزه علیه اختطاف و قاچاق انسان

فصل اول: احکام عمومی ۳۷۵
فصل دوم: مجازات جرایم اختطاف و قاچاق انسان ۳۸۰
فصل سوم: حمایت از مجنی علیه ۳۸۸
فصل چهارم: احکام نهائی ۳۹۱

قانون مبارزه علیه تمویل تروریزم

فصل اول: احکام عمومی ۳۹۷
فصل دوم: تدابیر اجباری و مجازات ۴۰۱
فصل سوم: صلاحیت محاکم ۴۱۰
فصل چهارم: همکاری بین المللی ۴۱۱
فصل پنجم: احکام متفرقه ۴۱۸

قانون مبارزه علیه جرایم تروریستی

فصل اول: احکام عمومی ۴۲۷
فصل دوم: جرایم تروریستی و مجازات آن ۴۳۵
فصل سوم: احکام متفرقه ۴۵۳
فصل چهارم: احکام نهائی ۴۵۶

قانون مبارزه علیه تطهیر پول و عواید ناشی از جرایم

فصل اول: احکام عمومی ۴۶۱
فصل دوم: جلوگیری از تطهیر پول و تمویل تروریزم ازطریق مؤسسات وحرفه‌ها ۴۷۰
فصل سوم: شفافیت در معاملات مالی ۴۷۲
فصل چهارم: کشف جرم تطهیر پول ۴۸۹
فصل پنجم: راپور ها و منجمد سازی معاملات ۴۹۸
فصل ششم: مصادره ۵۰۱
فصل هفتم: معافیت ۵۱۳
فصل هشتم: اسلوب های تحقیقاتی ۵۱۴
فصل نهم: تدابیر اجباری و مجازات ۵۱۷
فصل دهم: درخواست همکاری متقابل بین المللی ۵۲۴
فصل یازدهم: استرداد ۵۳۰
فصل دوازدهم: احکام متفرقه ۵۳۷

قانون رسیدگی به تخلفات اطفال

فصل اول: احکام عمومی ۵۴۹
فصل دوم: کشف و تحقیق جرایم اطفال ۵۵۴
فصل سوم: طرز محاکمه اطفال ۵۷۰

فصل چهارم: وظایف مراکز اصلاح وتربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی ۵۸۵
فصل پنجم: طرز برخورد با اطفال دارای روش و سلوک غیر عادی..... ۵۸۷
فصل ششم: کمک به اطفال نیازمند مراقبت و حفاظت و طرز رسیدگی به آن..... ۵۹۱
فصل هفتم: سرپرستی اطفال ۵۹۶
فصل هشتم: احکام نهائی ۶۰۳

قانون جزای عسکری

فصل اول: احکام عمومی ۶۰۹
فصل دوم: جرایم ومجازات ۶۱۸
فصل سوم: احکام نهایی ۶۴۷

قانون نظارت بر تطبیق استراتیژی مبارزه علیه فساد اداری

فصل اول: احکام عمومی ۶۵۳
فصل دوم: تشکیل، و ظایف و صلاحیت ادارۀ عالی نظارت ۶۵۸
فصل سوم: توامیت با ادارات ۶۶۲
فصل چهارم: احکام متفرقه ۶۶۵
فصل پنجم: احکام نهائی ۶۶۹

مقدمه

براساس اصل تفکیک قوا، قانون محـور اصـلی پیـدایش قـوای سـه گانـه و تقـسیم وظـایف وصلاحیت ها و تنظیم روابط فیمابین آنها می باشد زیرا قوۀ مقننه به وضع وتـصویب قـانون می پردازد و قضائیه آن را تفسیر و مجریه آن را اجرا می نماید. ازسـوی دیگرقـانون مبنـای تعیین و تبیین حقوق، وجایب و آزادی های عمومی مردم و عامل مهم تأمین نظم، امنیـت، عدالت و انصاف وجلوگیری از تجاوز، اجحاف و فساد است. قانون گام اول برای ایجاد هرنـوع تغییر و تحول مثبت و بنیادین و اصلاحات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه می باشد.

اما بدون شک نشر قانون و آگاهی نهادهای دولتی و غیردولتـی و عامـۀ مـردم از احکـام آن، نقش اساسی و مؤثر دردرک و فهم عمیق تر و تطبیق بهتر وکامل ترآن دارد. کشورما با ایـن که درعرصۀ قانونگذاری، سابقۀ ممتد و طولانی داشته و درسـال هـای اخیـر موفقیـت هـای بیشتر و پیشرفت های چشمگیرتری نیزکسب نموده است اما متأسفانه دربارۀ تنظیم و دسته بندی، چاپ و نشر، شرح و تفسیر، آموزش های تخصـصی و آگـاهی هـای عمـومی درمـورد قوانین، هنوزهم با چالشها و خلأهای زیادی مواجه هتیم.

وزارت عدلیه درکنار سایر فعالیت های خـود درمـورد قـوانین، رسـالت خـود مـی دانـد کـه درعرصۀ تنظیم قوانین نافذه و چاپ و نشرآنها از هیچ کوششی دریغ نورزیده و هرنوع اقـدام لازم و مقتضی را به عمل آورد و به امید رسیدن به این مـأمول، اکنـون سلـسلۀ جدیـدی را بنام «مجموعه قوانین افغانستان» باشیوۀ تنظیم موضوعی در ساحات مدنی، جزائی، اجـراآت عدلی و قضائی، تجارتی، مالی و گمرکی، بانکی، علمی و فرهنگی، صـحت و محـیط زیـست، کار وخدمات ملکی، معادن و منابع طبیعی و... دراختیار نهادهای دولتـی، مراکـز آکادمیـک، قضات، حقوقدانان، اساتید، پژوهشگران، نویسندگان و عامۀ مردم قرارمی دهد.

من وظیفۀ خود می دانم که از همکاران عزیز و پرتلاش خود در ریاستهای تقنین، نـشرات و امور مالی و اداری و همۀ کسانی که درانجام و فرجام این پروژه سهم داشـته انـد، صـمیمانه ابراز سپاس و امتنان نمایم.

قانونپوه سرور دانش

وزیرعدلیه

سال ۱۳۸۸

قانون جزا

دعظمی صدارت د ۱۳۵۵ کال دوږی د میاشتې د (۳۱) نېټی (۹۱۰) ګڼه فرمان

ښاغلی دوکتور عبدالمجید عدلیه وزیر!

دوزیرانو مجلس د (۱۶۱۴) ګڼی پریکړی لاندې د **۱۳۵۵** کال دوږی دمیاشتی ددېرشمی نېټې په غونډه کې دعدل دوزارت د **۱۳۵۴** کال دمرغومی د میاشتې ددېرشمې نېټې (۳۱۳۲) ګڼې عرض پاڼې ته په کتنه د جزأ د قانون په باره کښې لاندی مراتب تصویب کړل:

" دجزأ قانون په دوه کتابونو کښې دننه په اته بابونو او پنځه سوه او درویشت مادو مشتمل چه د دار الانشاء مهر پری لګیدلی منظور دی."

د وزیرانو د عالي مجلس مراتب چه د افغانستان د جمهوري دولت د حضور دمنظوری په شرف رسیدلی او د **۱۳۵۵** کال دوږی د میاشتی په **۳۱** نېټه په (۱۹۸۰) ګڼه کې ثبت شوی تاسی ته خبر درکول شو چه په رسمي جریدې کې یې خپریدوته اقدام وشي.

داکتر محمد حسن شرق

فرمان شماره (۹۱۰) مؤرخ (۳۱) سنبله ۱۳۵۵ صدارت عظمی

ښاغلی دوکتور عبدالمجید وزیر عدلیه!

مجلس وزراء تحت فیصلهٔ شماره (۱۶۱۴) در جلسهٔ تاریخی **۱۳۵۵/۶/۳۰** با ملاحظهٔ ورقهٔ عرض شماره (۳۱۳۲) مؤرخ **۱۳۵۴/۱۰/۳۰** وزارت عدلیه راجع به قانون جزاء مراتب آتی را تصویب نمود:

" قانون جزاء بداخل دو کتاب مشتمل به هشت باب و پنجصد و بیست وسه ماده که به مهر دار الانشاء رسیده منظور است."

مراتب تصویب مجلس عالی وزراء که به شرف منظوری حضور رئیس دولت جمهوری افغانستان رسیده وبه شمارهٔ (۱۹۸۰) مؤرخه "۳۱" سنبله **۱۳۵۵** ثبت گردیده بهشما اطلاع داده شد تا در نشر آن به جریدهٔ رسمی اقدام گردد.

داکتر محمد حسن شرق

دجزاء قانون	قانون جزاء
لومړی کتاب	کتاب اول
عمومي حکمونه	احکام عمومی
لومړی باب	باب اول
مقدماتي حکمونه	احکام مقدماتی
لومړی فصل	فصل اول
عمومی قاعدی او تعریفونه	قواعد عمومی وتعریفات

لومړۍ ماده:
دا قانون تعزیري جرمونه او جزأ ګاني تنظیموي، دحدودو، قصاص اودیت دجرمونو ارتکاب کوونکی داسلامي شریعت دحنفی فقهی دحکمونو سره سم مجازات کیږي.

مادۀ اول:
این قانون جرایم و جزاهای تعزیری را تنظیم می‌نماید. مرتکب جرایم حدود، قصاص ودیت مطابق احکام فقه حنفی شریعت اسلام مجازات می‌گردد.

دوهمه ماده:
هېڅ عمل جرم نه ګڼل کیږي مګر د قانون په موجب.

مادۀ دوم:
هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود مگر به موجب قانون.

دریمه ماده:
هېڅوک مجازات کېدی نه شي مګر دهغه قانون دحکمونو سره سم چه دتور دواردیدلو فعل دارتکاب څخه ترمخه نافذ شوی وی.

مادۀ سوم:
هیچکس را نمی‌توان مجازات نمود مگر مطابق به احکام قانونیکه قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

څلورمه ماده:
۱- برائت الذمه اصلي حالت دی. ترڅو چه متهم د صلاحیت لرونکي محکمې په قطعی حکم محکوم علیه واقع شوي نه وی، بي ګناه ګڼل کیږي.
۲- د هغه جزأ ټاکل چه دانساني کرامت په خلاف وي روا نه ده.

مادۀ چهارم:
۱- برائت الذمه حالت اصلی است. متهم تا وقتیکه به حکم قطعی محکمۀ باصلاحیت محکوم علیه قرار نگرفته باشد بی گناه شناخته می‌شود.
۲- تعیین جزائیکه مخالف کرامت انسانی باشد جواز ندارد.

پنځمه ماده:
د قانون دحکمونو څخه بي خبری عذر نه ګڼل کیږي.

مادۀ پنجم:
بی خبری از احکام قانون عذر پنداشته نمی شود.

شپږمه ماده:
۱- هغه شخص چه ددې قانون سره سم مجازات کیږي که یې دجرم دلاری مال لاس ته راوړی وی نو دمال مالک ته دعین مال په ورکولو او که مال موجود نه وي د مثل یا دهغی دقیمت په ورکولو محکومیږي.
۲- هغه شخص چه دجرم دارتکاب په اثر یې تاوان رسولي وي دوارد شوي تاوان په جبیره هم محکومیږي.

مادۀ ششم:
۱- شخصی‌که مطابق احکام این قانون مجازات می شود اگر از طریق جرم مالی را به دست آورده باشد به ردعین آن و اگر مال موجود نباشد به رد مثل یا قیمت آن به مالکش محکوم می‌شود.
۲- شخصی‌که به اثر ارتکاب جرم خساره ئی عاید ساخته باشد به جبران خسارۀ وارده نیز محکوم می‌گردد.

اوومه ماده:
ددې قانون حکمونه د بیرته اخیستلو حق یا دحق العبد دمدعي د تعویض غوښتنه نه اخلالوي.

مادۀ هفتم:
احکام این قانون حق استرداد ویا مطالبۀ تعویض مدعی حق العبد را اخلال نمی کند.

اتمه ماده:
دهغه سیاسي نمایندګانو سره چه په افغانستان کښې دجرم مرتکب شی دهېوادونو ترمنځ دعمومي حقوقو دقاعدو سره سم تګ کیږي.

مادۀ هشتم:
با نمایندگان سیاسی که در افغانستان مرتکب جرم گردند مطابق قواعد حقوق بین الدول عمومی رفتار می شود.

نهمه ماده:
په دې قانون کښې درج شوی نېټې دهجری شمسی سنی په اساس د اعتبار وړ دی.

مادۀ نهم:
میعاد های مندرج این قانون به اساس سنه هجری شمسی مدار اعتبار است.

لسمه ماده:
ددې قانون په مقصد قطعی حکم د هغه حکم څخه عبارت دی چه آخرنی شوی وی یا داستیناف او تمیز غوښتنی موارد ورته موجود نه وی او یا دهغی د استیناف او تمیز غوښتنی نېټی د قانون په حکم تیری شوی وی.

مادۀ دهم:
حکم قطعی به مقصد این قانون عبارت است از حکمی که نهائی شده باشد یا موارد استیناف و تمیز طلبی برای آن موجود نباشد ویا میعاد های استیناف وتمیز طلبی آن قانوناً منقضی شده باشد.

یوولسمه ماده:
هغه اشخاص چه د افغانستان تابعیت ونه لری مګر په افغانستان کښې اقامت یا اوسیدنه ولری، ددې قانون په مقصد د افغاني تبعی په حکم کښې حسابیږی، مګر داچه په قانون کې په بل ډول د هغی تصریح شوی وی.

مادۀ یازدهم:
اشخاصی‌که تابعیت افغانستان را نداشته اما در افغانستان اقامت یا سکونت داشته باشند به مقصد این قانون در حکم تبعۀ افغانی محسوب می‌گردند مگر این‌که در قانون طور دیگری به آن تصریح یافته باشد.

دوولسمه ماده:
ددې قانون په مقصد راتلونکی اشخاص دعمومی خدمتونو وظیفه لرونکی حسابیږي:
۱- ددولت او ددولتي تصدیو مامورین او اجیران.
۲- د عمومي مؤسسو مامورین او اجیران.
۳- د دولت درکنونو دولایتي او محلي جرګو غړی.
۴- مدافع وکیل، حکم، پوهان، شاهدان او نور هغه اشخاص چه تصدیقونه یې معتبر ګڼل کیږي.

مادۀ دوازدهم:
به مقصد این قانون اشخاص آتی مؤظفین خدمات عامه محسوب می گردند:
۱- مامورین واجیران دولت و تصدیهای دولتی.
۲- مامورین و اجیران مؤسسات عامه.
۳- اعضای ارکان دولت و جرگه های ولایتی و محلی.
۴- وکیل مدافع، حکم، اهل خبره، شهود وسایر اشخاصی‌که تصادیق‌شان معتبر شناخته شود.

دیارلسمه ماده:
ددې قانون په مقصد راتلونکي وسیلې علني ګڼل کیږي:
۱- وینا هغه وخت علني ګڼل کیږي

مادۀ سیزدهم:
به مقصد این قانون وسایل آتی علنی شمرده می شود:
۱- گفتار وقتی علنی شمرده

چه په عمومي محفل، عمومي لاره يا نورو ځايونو کښې په داسې ډول په جهر وويل شي يا دنورو وسيلو په واسطه په داسي توګه خپره شي کـه څـوک هلتـه موجـود وي نـوئې اوريدلي شوه.

۲- فعـل هغـه وخـت علنـی ګڼـل کيـږی چـه پـه عمـومي محفـل، عمومی لاز يا نورو ځايونو کښې په داسـی توګـه واقع شی چه که څـوک هلتـه موجـود وی هغـه يـی ليدلی شو.

۳- رسم، تصوير، فلم، ليکنه، رمز او نوری تمثيلی وسيلی هغه وخت علني ګڼل کيږی چه له يوه نفر څخه زياتوتـه توزيـع شـي يـايې پـه داسـي توګـه ښـودنه وشـي چـه کـه څـوك موجود واي نو يې هغـه ليـدلي شـو. يا خرڅ کړاي شي يا خرڅ ته عرضـه شی.

مـی‌شـود کـه در محفـل عـام، راه عـام يـا سـائر مواضـع طـوری بـه جهـر گفتـه شـود يـا توسـط وسـايل ديگـر نـشر شـود کـه اگـر کسی در آن جا مـوجود می‌بـود آن را شنيده می توانست.

۲- فعـل وقتـی علنـی شـمرده می‌شود که در محفل عام، راه عام يـا سـائر مواضـع طـوری واقـع گـردد کـه اگـر کـسی در آنجـا موجـود مـی‌بـود آن را ديـده می‌توانست.

۳- رسـم، تـصوير، فلـم، نوشـته، رمـز وسـاير وسـايل تمثيلی وقتـی علنی شمرده می‌شود که بـه بـيش از يك نفر توزيع گردد يا طوری بـه نمايش گذاشته شود که اگر کسی موجـود مـی‌بـود آن را ديـده می‌توانست. يا فروختـه شـود يـا بـه فروش عرضه گردد.

دوهم فصل
دقانون د تطبیق ساحه
لومړی قسمت
دمکان او اشخاصو له حیثه دقانون تطبیق

څوارلسمه ماده:
۱- ددې قانون حکمونه په هغه اشخاصو تطبیقیږي چې د افغانستان د جمهوری دولت په ساحه کښې د جرم مرتکب شي.
د افغانستان د جمهوری دولت ساحه هر هغه ځای ته شامله ده چه د هغی دسلطی لاندی واقع وی.
۲- افغانی الوتکی او بیړی، چه په افغانستان کې دننه وی اویا ورڅخه د باندی وی د افغانستان د ساحی دجملی څخه حسابیږی مگر داچه د هېوادونو تر منځ دعمومی حقوقو دقاعدو سره سم دپردی دولت تابع وی.

پنځلسمه ماده:
ددې قانون حکمونه په لاندنیو اشخاصو هم د تطبیق وړ دی:
۱- هغه څوک چه د افغانستان څخه د باندی دداسی عمل مرتکب

فصل دوم
ساحۀ تطبیق قانون
قسمت اول
تطبیق قانون از حیث مکان و اشخاص

مادۀ چهاردهم:
۱- احکام این قانون بر اشخاصی که در ساحۀ دولت جمهوری افغانستان مرتکب جرم شوند تطبیق می‌گردد.
ساحه دولت جمهوری افغانستان شامل هر مکانی است که تحت سلطۀ آن واقع باشد.
۲- طیارات وکشتی های افغانی اعم ازین‌که در داخل افغانستان باشد یا در خارج آن از جمله ساحه افغانستان محسوب می‌شود مگر این‌که طبق قواعد حقوق بین الدول عمومی تابع دولت اجنبی باشد.

مادۀ پانزدهم:
احکام این قانون بر اشخاص آتی نیز قابل تطبیق است:
۱- شخصی که در خارج افغانستان مرتکب عملی گردد

وګرځی چه د هغی په اثر دجرم کوونکی یا شریک وپیژندل شی چه ټول یا یو قسمت ئی په افغانستان کښې واقع شوی وی.

۲- هغه شخص چه د افغانستان څخه د باندی دراتلونکی جرمونو څخه په یوه مرتکب وګرځی:

۱- د افغانستان د دولت د باندنی یا کورنی امنیت په ضد جنایت.

۲- ددې قانون په (۳۰۲) او (۳۰۳) مادو کښې درج شوی دجعل جنایت.

۳- ددې قانون په (۳۱۰) ماده کښې درج شوی دتزویر جنایت یا افغانستان ته دذکر شوو جعل او تزویر شوو شیانو داخلول.

شپاړسمه ماده:

۱- ددې قانون حکمونه په هغه جرمونو چه د افغانستان څخه د باندی د افغانی مامورینو یا مستخدمینو یا دباندنیو هغه اتباعو په وسیله چه د افغانستان له خوا په عمومی خدمتونو ګمارل کیږی دورسپارلو شوو وظیفو دسرته رسولو په وخت کښې یا دهغی په سبب ارتکاب کیږي هم د که به اثر آن فاعل یا شریك جرمی شناخته شود که کلاً یا قسماً در افغانستان واقع شده باشد.

۲- شخصی که در خارج افغانستان مرتکب یکی از جرایم آتی گردد:

۱- جنایت علیه امنیت خارجی یا داخلی دولت افغانستان.

۲- جنایت جعل مندرج مواد (۳۰۲) و (۳۰۳) این قانون.

۳- جنایت تزویر مندرج مادۀ (۳۱۰) این قانون یا ادخال اشیاء جعل یا تزویر شدۀ مذکور به افغانستان.

مادۀ شانزدهم:

۱- احکام این قانون بر جرایمی که در خارج افغانستان توسط مامورین و مستخدمین افغانی یا اتباع خارجی‌ای‌که از طرف افغانستان به خدمات عامه گماشته می‌شوند در اثنای انجام وظایف محوله یا به سبب آن ارتکاب می‌گردد نیز قابل تطبیق

تطبیق وړ دی.
۲- ددې قانون حکمونه په هغه جرمونو چه د پورتنی فقری ددرج شوو اشخاصو په ضد دورسپارل شوو وظیفو دسرته رسولو په وخت کې یا دهغې په سبب ارتکاب کیږی هم تطبیقیږي.

اووه لسمه ماده:
۱- ددې قانون حکمونه په هر شخص چه د افغانستان څخه د باندی د افغان یا د افغانستان دګټی په ضد ارتکاب کوونکی شی د تطبیق وړ دی.
۲- ددې جرمونو د ارتکاب کوونکی په ضد جزائی دعوی د جزائی اجراآتو د قانون ددرج شوو حکمونو سره سم اقامه کیږي.

اتلسمه ماده:
هر افغان چه د افغانستان څخه د باندی دداسی عمل ارتکاب کوونکی وګرځی چه ددې قانون د حکمونو په موجب جرم وګڼل شی افغانستان ته د بیرته راتګ په صورت کښې ددې قانون د حکمونو سره سم جزأ ورکول کیږي.

است.
۲- احکام این قانون بر جرایمی که علیه اشخاص مندرج فقرهٔ فوق در اثنای انجام وظایف محوله یا به سبب آن ارتکاب می‌گردد نیز تطبیق می شود.

مادهٔ هفدهم:
۱- احکام این قانون بر هر شخصی‌که در خارج افغانستان علیه افغان یا منفعت افغانستان مرتکب جرم گردد قابل تطبیق است.
۲- دعوی جزائی علیه مرتکب این جرایم مطابق به احکام مندرج قانون اجراآت جزائی اقامه می‌گردد.

مادهٔ هجدهم:
هر افغان که در خارج افغانستان مرتکب عملی گردد که به موجب احکام این قانون جرم شمرده شود در صورت مراجعت به افغانستان طبق احکام این قانون مجازات می‌شود.

خو په دې شرط چه ذکر شوی فعل په هغه هېواد د قانون په موجب چه په کښې ارتکاب شوی د مجازات وړوی.

مشروط بر این که فعل مذکور به موجب قانون کشور محل ارتکاب قابل مجازات باشد.

نولسمه ماده:

ددې قانون د (شپږمی او اوومی) مادی ددرج شوو مواردو په استثنی که یو شخص ثابته کړی چه دده په ضد جزائی دعوی کښی دباندنیو محکمو د نسبت کړی شوی جرم په مورد کښې هغه بری الذمه کړی وی یائې په قطعی حکم په جزأ محکوم کړی او جزأ پری تطبیق شوی یا دا چه جزائی دعوی د قطعی حکم د صادریدو ترمخه یا محکوم بها مجازات د قانون په موجب ساقط شوی وی، جزائی دعوی نه شی اقامه کیدی.

مادۀ نزدهم:

به استثنای موارد مندرج مواد (ششم وهفتم) این قانون دعوی جزائی علیه شخصی‌که ثابت نماید محاکم خارجی در مورد جرم منسوبه او را بری الذمه دانسته یا به حکم قطعی اورا به جزا محکوم و جزا بر او تطبیق شده است یا این که دعوی جزائی قبل از صدور حکم قطعی یا مجازات محکوم بها به موجب قانون ساقط گردیده باشد اقامه شده نمی تواند.

شلمه ماده:

د توقیف او حبس هغه موده چه تورن یا محکوم علیه د جزائی حکمونو د تطبیق په اثر د افغانستان څخه د باندی تیره کړی د هغی جزأ د مودی څخه چه شخص په افغانستان کښی د عین

مادۀ بیستم:

مدت توقیف وحبسی که متهم یا محکوم علیه باثر تطبیق احکام جزائی در خارج افغانستان سپری نموده از مدت جزای که شخص از لحاظ ارتکاب عین جرم در افغانستان محکوم

جرم د ارتکاب له امله محکومیږی یا هغه جزأ چه پری تطبیقیږي، کمیږي.

مـی‌شـود یـا جـزای‌کـه بـر او تطبیـق مـی‌گـردد کـاسته می‌شود.

دوهم قسمت - د زمانې له حیثه د قانون تطبیق

قسمت دوم - تطبیـق قانون از حیث زمان

یوویشتمه ماده:

۱- د جرم ارتکاب کوونکی د هغه قانون په موجب مجازات کیږی چه د فعـل د ارتکـاب پـه وخـت کـښې نافذ وی مگر داچه د قطعی حکم د صـادریدو ترمخه نـوی قـانون چه د تورن په گټه وی نافذ شی.

۲- کـه د قطعـی حکـم صـادریدو وروسته داسی قانون نافذ شی چه د هغی په موجب هغه فعل چه تورن پـری پـه جـزأ محکـوم شـوی د مجازات وړ ونه گڼی، د حکم تنفیذ متوقـف کیږی او پـر هغـی جزائـی مرتب اثرونه له منځه ځی.

مادۀ بیست ویکم:

۱- مرتکب جرم بـه موجب قـانونی مجـازات مـی‌شـود کـه در وقـت ارتکـاب فـعل نـافذ بـاشد مگر این‌که قبـل از صـدور حکم قطعی قـانون جدیـدی‌کـه بـه نفـع مـتهم باشد نافذ گردد.

۲- اگـر بعـد از صـدور حکـم قطعی قانونی نـافذ گردد کـه بـه موجب آن فعلی را کـه مـتهم بـه ارتکاب آن محکوم به جزا گردیده قابـل مجازات نداند تنفیذ حکم متوقف وآثار جزائی مـرتب بر آن از بین می‌رود.

دوه ویشتمه ماده:

که یو شخص دیو عمل د ارتکاب له امله د مؤقت قانون په موجب چه نفاذ یی په ټاکل شوی نهټی پای ته رسـیږی پـه جـزأ محکـوم شـی،

مادۀ بیست ودوم:

هـر گـاه شخـص از ارتکـاب عملـی بـه مـوجب قـانون مـؤقت کـه نفـاذ آن بـه تـاریخ معـین خـاتمه می‌یـابد محکـوم بـه جزا

دمؤقت قانون دنفاذ د نېټې پای ته رسیدل د محاکمې د جریان او د جزأ د تطبیق مانع نه ګرځي.

گردد ختم تاریخ نفاذ قانون مؤقت مانع سیر محاکمه و تطبیق جزا نمی‌گردد.

دوهم باب
جرمونه
لومړی فصل
دشدت او خفت له حیثه جرمونه

در ویشتمه ماده:
د شدت او خفت له حیثه جرمونه په جنایت، جنحې او قباحت تصنیفیږي.

مادۀ بیست وسوم:
جرایم از حیث شدت و خفت به جنایت، جنحه وقباحت تصنیف می‌گردد.

ثلور ویشتمه ماده:
جنایت هغه جرم دی چه ارتکاب کوونکی یې په اعدام یا دوام لرونکی حبس او یا په اوږده حبس محکوم شي.

مادۀ بیست وچهارم:
جنایت جرمی است که مرتکب آن به اعدام یا حبس دوام و یا حبس طویل محکوم گردد.

پنځه ویشتمه ماده:
جنحه هغه جرم دی چه ارتکاب کوونکی یې ددری میاشتو زیات حبس څخه تر پنځو کلو پوری یا ددری زرو افغانیو څخه په زیاتی نقدی جریمی محکوم شي.

مادۀ بیست وپنجم:
جنحه جرمی است که مرتکب آن به حبس بیش از سه ماه الی پنج سال یا جزای نقدی بیش از سه هزار افغانی محکوم گردد.

باب دوم
جرایم
فصل اول
جرایم از حیث شدت وخفت

شپږ ویشتمه ماده:
قباحت هغه جرم دی چه ارتکاب کوونکی یی د (۲۴) ساعتونو حبس څخه تر دری میاشتو پوری یا تر دری زرو افغانیو په نقدی جریمی محکوم شی.

مادۀ بیست وششم:
قباحت جرمی است که مرتکب آن به حبس از (۲۴) ساعت الی سه ماه یا جزای نقدی الی سه هزار افغانی محکوم گردد.

دوهم فصل
دجرم عنصرونه
لومړی قسمت
مادی عنصر
اول - عمل، سببیت او نتیجه

اووه ویشتمه ماده:
دجرم مادی عنصر د قانون څخه د مخالف عمل د ارتکاب یا منع راوړلو څخه عبارت دی په داسی ترتیب چه عمل په جرمی نتیجی منجر شی او د عمل او نتیجی ترمنځ دسببیت رابطه موجود شوی وی.

مادۀ بیست وهفتم:
عنصر مادی جرم عبارت از ارتکاب یا امتناع از عمل مخالف قانون است به نحوی‌که عمل منجر به نتیجۀ جرمی گردیده ورابطۀ سببیت بین عمل و نتیجه موجود شده باشد.

اته ویشتمه ماده:
۱- شخص د هغه جرم څخه چه د جرمی عمل نتیجه یی نه وی، مسئول نه دی.
۲- هغه شخص چه جرمی عمل یی

مادۀ بیست وهشتم:
۱- شخص از جرمی‌که نتیجه عمل جرمی او نباشد مسئول شناخته نمی شود.
۲- شخصی‌که عمل جرمی او در

د نتیجی په پیداکیدو کې د یوه مخکنی سبب له امله یا د فعل سره یوځای اویا ورڅخه وروسته برخه اخستی وی مسئول ګڼل کیږی، که څه هم شخص د نتیجی په پیدا کیدو کې د خپل جرمی عمل په مؤثریت علم ونه لری.

۳- که سبب په یواځنی صورت د جرم د نتیجی په پیداکیدوکی کافی وګڼل شی په دی صورت کښې یواځی فاعل د خپل جرمی عمل نه مسئول ګڼل کیږي.

احداث نتیجه به اعتبار یکی از اسباب قبلی یا توأم با فعل و یا بعدی سهیم شده باشد مسئول شناخته می‌شود گرچه شخص به مؤثریت عمل جرمی خود در احداث نتیجه علم نداشته باشد.

۳- اگر سبب به تنهائی در احداث نتیجه جرم کافی شمرده شود در این صورت تنها فاعل از عمل جرمی خود مسئول شناخته می‌شود.

دوهم – شروع

نهه ویشتمه ماده:

۱- په جرم شروع د فعل د پیل کیدو د اجرا کولو څخه د جنایت یا جنحی د ارتکاب په قصد عبارت دی په دې ترتیب چه دفاعل د ارادی نه د باندی د ځینو سببونو له امله د هغی اثرونه متوقف یا خنثی شوی وی.

۲- یواځی تصمیم د جرم په ارتکاب یا د مقدماتی کارونو اجراء کول د جرم شروع نه ګڼل کیږي.

دوم – شروع

مادۀ بیست ونهم:

۱- شروع به جرم عبارت است از آغاز به اجرای فعل به قصد ارتکاب جنایت یا جنحه به نحوی‌که نظر به اسباب خارج از ارادۀ فاعل آثار آن متوقف یا خنثی شده باشد.

۲- مجرد تصمیم به ارتکاب جرم یا اجرای اعمال مقدماتی شروع به جرم شناخته نمی شود.

۳- هر عمل چه ددا سی جنایت یا جنحی په قصد چه ارتکاب یې په جرم پورې د مربوطو عواملو له امله یا دوسیلو د استعمال له خوا مستحیل وی په جرم شروع ګڼل کیږی خو په دی شرط چه د ارتکاب کوونکی عقیده د جرمی نتیجی په پیدا کیدو کښې د اشتباه څخه یا د مطلقی ناپوهی څخه نه وی پیدا شوی.

۳- هر عملی‌که به قصد ارتکاب جنایت یا جنحه ای‌که ارتکاب آن از رهگذر عوامل مربوط به موضوع جرم یا وسایل استعمال مستحیل باشد شروع به جرم شمرده می‌شود. مشروط بر این‌که عقیده مرتکب در احداث نتیجه جرمی ناشی از اشتباه یا جهالت مطلق نباشد.

دپرشمه ماده:

په جنایت شروع کوونکی په لاندنیو جزاګانو محکومیږی مګر داچه په قانون کښې د هغی په خلاف تصریح نه وی شوی:

۱- په هغه مواردو کښې چه د اصلي جرم جزا اعدام وی، دوام لرونکی حبس.

۲- په هغه مواردو کښې چه د اصلی جرم جزا دوام لرونکی حبس وی، اوږد حبس.

۳- په هغه مواردو کښې چه داصلی جرم جزا اوږد حبس وي، متوسط حبس یا د اصلي جرم نیمایي اکثره اندازه.

مادۀ سی ام:

شروع کننده به جنایت به جزاهای آتی محکوم می‌گردد مگر اینکه در قانون به خلاف آن تصریح شده باشد:

۱- در مواردی‌که جزای اصل جرم اعدام باشد حبس دوام.

۲- در مواردی‌که جزای اصل جرم حبس دوام باشد حبس طویل.

۳- در مواردی‌که جزای اصل جرم حبس طویل باشد حبس متوسط یا نصف حداکثر جزای اصل جرم.

یو دېرشمه ماده:
په جنحی د شروع جزأ د هغی جزأ د اکثري اندازی د نیمایی څخه تجاوز نه کوی چه په قانون کښې د اصلی جرم د پاره ټاکل شوی مګر داچه قانون د هغی په خلاف صراحت ولری.

مادۀ سی ویکم:
جزای شروع به جنحه از نصف حداکثر جزائی‌که در قانون برای اصل جرم پیشبینی گردیده است تجاوز نمی کند مگر این‌که قانون به خلاف آن تصریح نموده باشد.

دوه دېرشمه ماده:
په قباحت شروع د مجازاتو مستلزم نه دی. مګر داچه قانون پری په صریح ډول حکم کړی وی.

مادۀ سی ودوم:
شروع به قباحت مستلزم مجازات نیست مگر اینکه قانون صراحتاً به آن حکم نموده باشد.

دری دېرشمه ماده:
د جرم په شروع کښې د تبعی یا تکمیلی او امنیتی تدبیرونو جزأګانو پوري مربوط خاص حکمونه چه د پوره جرم په باره کښی ټاکل شوی مراعات کیږی.

مادۀ سی وسوم:
در شروع به جرم احکام خاص متعلق به جزا های تبعی یا تکمیلی وتدابیر امنیتی ای‌که در مورد جرم تام پیشبینی شده است رعایت می گردد.

دوهم قسمت
معنوی عنصر
جرمی قصد او خطاء
اول- جرمی قصد

څلور دېرشمه ماده:
۱- جرمی قصد عبارت دی د فاعل د ارادی د سوق کیدو څخه د هغه فعل ارتکاب ته چه جرم وجود ته راوړی په دی ترتیب چه دنظر لاندی جرم د نتیجی په واقع کیدو منجر شی او یا د بل جرم دواقع کیدو نتیجه شی.
۲- قصد کله بسیط او کله د پخوانی اصرار سره یوځای وی.
۳- پخوانی اصرار عبارت دی له قاطع تصمیم نیولو څخه پخوا له دی چه د نظر لاندی جرم تر سره شی، خو په دی شرط چه د فوری غضب او نفسی هیجانونو څخه نه وی پیدا شوی.
۴- اصرار، پخوانی ګنل کیږی بی له دی چه د جرم د ارتکاب کوونکی قصد یو تاکلی یا نا تاکلی شخص ته متوجه وی، اعم له دی چه قصد د شرط پوری موقوف وی او یا د کوم کار پوری ارتباط

قسمت دوم
عنصر معنوی
قصد جرمی وخطاء
اول - قصد جرمی

مادۀ سی وچهارم:
۱- قصد جرمی عبارت است از سوق ارادۀ فاعل به ارتکاب فعلی‌که جرم را بوجود می آورد به نحویکه منجر به وقوع نتیجه جرم مورد نظر ویا وقوع نتیجۀ جرم دیگری شود.
۲- قصد گاهی بسیط وزمانی توأم به اصرار قبلی می باشد.
۳- اصرار قبلی عبارت است از اتخاذ تصمیم قاطع قبل از انجام جرم مورد نظر مشروط بر اینکه ناشی از غضب آنی و هیجانات نفسی نباشد.
۴- اصرار، قبلی شمرده می شود بدون آنکه قصد مرتکب جرم متوجه شخص معین یا غیر معین باشد اعم از اینکه قصد موقوف به شرط و یا مرتبط به امری باشد یا

ولری یائې ونه لری.

پنځه دېرشمه ماده:
۱- جرم هغه وخت عمدی ګڼل کیږی چه دهغی دارتکاب کوونکی سره جرمی قصد محقق وی.
۲- په لاندنیو حالتونو کښې هم جرم عمدی ګڼل کیږي:
(۱) په هغه حالت کښې چه شخص دقانون یا موافقی په موجب د وظیفی په سرته رسولو مکلفیت ولری او د هغی د اداکولو څخه عمداً منع راوړی په دی ترتیب چه د هغه منع راوړل مستقیماً د جرم واقع کیدو ته منجر شی.
(۲) په هغه حالت کښې چه فاعل شخص د خپل عمل جرمی نتیجی پخوا اټکل کړی وی خوسره ددې هم د ذکر شوی عمل اجرا کولو ته یې یواځی د جرم دواقع کیدو دپاره اقدام کړی وی.

دوهم – خطاء

شپږ دېرشمه ماده:
جرم هغه وخت غیر عمدی ګڼل کیږی چه د هغی د فاعل څخه د نباشد.

مادۀ سی وپنجم:
۱- جرم وقتی عمدی شمرده می شود که قصد جرمی نزد مرتکب آن محقق شده باشد.
۲- جرم درحالات آتی نیز عمدی شمرده می شود:
(۱) در حالتیکه شخص به موجب قانون یا موافقت به انجام وظیفه مکلفیت داشته باشد واز ایفای آن عمداً امتناع ورزد بنحویکه امتناع وی مستقیماً منجر به وقوع جرم گردد.
(۲) در حالتیکه شخص فاعل نتایج جرمی عمل خود را قبلاً پیش بینی نموده باشد ولی با آنهم به اجرای عمل مذکور محض جهت وقوع جرم اقدام نموده باشد.

دوم – خطاء

مادۀ سی وششم:
جرم وقتی غیر عمدی شمرده می شود که وقوع

جرمی نتیجی واقع کیدل د خطا په توګه صادر شوی وی اعم له دی چه خطا د اهمال، ساده توب، بی احتیاطی او بی پروایی څخه پیدا شوی وی او یا د قوانینو، مقرراتو او امرونو دنه مراعات کولو څخه پیدا شوی وی.

نتیجهٔ جرمی از فاعل آن به سبیل خطاء صدور یافته باشد خواه خطا ناشی از اهمال، ساده لوحی بی احتیاطی و عدم توجه باشد و یا ناشی از عدم رعایت قوانین، مقررات واوامر.

درېیم قسمت
قانونی عنصر

قسمت سوم
عنصر قانونی

اووه دېرشمه ماده:
۱- دجرم قانونی عنصر عبارت دی د جرمی اعمالو اوجزاګانو د صراحت څخه په قانون کښې.
۲- د جرم اوجزا د قانونیت قاعده ددی قانون د (دوهمی او درېیمی) مادی په درج شوو حکمونو کښې تصریح شوی.

مادهٔ سی وهفتم:
۱- عنصر قانونی جرم عبارت است از تصریح اعمال جرمی و جزا های آن در قانون.
۲- قاعده قانونیت جرم و جزا در احکام مندرج مواد (دوم وسوم) این قانون تصریح یافته است.

درېیم فصل
په جرم کښې شرکت کول
لمړی قسمت
فاعل او شریک

فصل سوم
اشتراك در جرم
قسمت اول
فاعل وشریك

اته دېرشمه ماده:
شخص په لاندنیو حالتونو کښې د جرم فاعل ګڼل کیږي:

مادهٔ سی وهشتم:
شخص در حالات آتی فاعل جرم شناخته می‌شود:

۱- په هغه حالت کښې چه په یواځی توګه یا د بل شخص په شرکت د جرم ارتکاب کوونکی وګرځی.
۲- په هغه حالت کښې چه د جرمی عمل په ارتکاب کې په داسې توګه مداخله وکړي چه د جرم د تشکیلوونکو اعمالو د جملې څخه قصداً د یوه ارتکاب کوونکی وګرځی.

۱- در حالتی‌که به تنهائی یا به اشتراك شخص دیگر مرتکب جرم گردد.
۲- در حالتی‌که به ارتکاب عمل جرمی به نحوی مداخله نماید که از جملهٔ اعمال تشکیل دهنده جرم یکی آنرا قصداً مرتکب گردد.

نهه دېرشمه ماده:
شخص په راتلونکی حالتونو کښې د جرم شریک ګڼل کیږي:
۱- په هغه حالت کښې چه یو شخص د جرم د تشکیلوونکو اعمالو څخه په یوه سره تحریک کې او د همدی تحریک له امله جرم واقع شي.
۲- په هغه حالت کښې چه د بل شخص سره د جرم په ارتکاب موافقه وکړي او د همدی موافقی له امله جرم واقع شي.
۳- په هغه حالت کښې چه د جرم د فاعل سره په یو ترتیب د جرم د ارتکاب په تجهیزاتی، آسانوونکو او تکمیلی عملونو کښې په هغی د

مادهٔ سی ونهم:
شخص در حالات آتی شریك جرم شناخته می شود:
۱- در حالتی‌که بارتکاب یکی از اعمال تشکیل دهنده جرم شخص را تحریك نماید و جرم به اثر همین تحریك واقع شود.
۲- در حالتی‌که بارتکاب جرم با شخص دیگری موافقت نماید و جرم باثر همین موافقت به وجود آید.
۳- در حالتی‌که فاعل جرم را به نحوی از انجا در اعمال تجهیزاتی تسهیلاتی یا تکمیلی ارتکاب جرم با داشتن علم به

علم لرلوسره مرسته وکی‌او دهمدی مرستی له امله جرم واقع شی.

څلویښتمه ماده:
فاعل د ارتکاب شوی جرم په ټاکل شوی جزأ محکومیږی.

یو څلویښتمه ماده:
۱- شریک د هغه جرم په مجازات محکومیږی چه په کښې یې شرکت کړی مګر داچه قانون د هغی په خلاف صراحت کړی وی .
۲- په هغه مواردوکښې چه د جرم فاعل په یو سبب د قانونی سببونو څخه مجازات نه شی دا معافیت د شریک د جزأ ورکولو مانع نه ګرځی.

دوه څلویښتمه ماده:
که واقع شوی جرم د هغی جرمونو څخه په غیر وی چه فاعلینو او شریکانو ئې د ارتکاب قصد لرلونو د هغه جرم په جزأ محکومیږی چه واقع شوی، په دې شرط چه ذکر شوی جرم د اټکل کیدو وړ وی او د هغوی د مداخلی نتیجه وی.

آن کمك نماید و جرم در اثر همین کمك بوجود آید.

مادۀ چهلم:
فاعل به جزای معینه جرم ارتکاب شده محکوم می‌گردد.

مادۀ چهل ویکم:
۱- شریك به مجازات جرمی‌که در آن اشتراك نموده محکوم می گردد مگر این‌که قانون به خلاف آن تصریح نموده باشد.
۲- در مواردی‌که فاعل جرم به سببی از اسباب قانونی مجازات نگردد این معافیت مانع مجازات شریك نمی‌گردد.

مادۀ چهل ودوم:
هرگاه جرم واقع شده غیر از آن جرمی باشد که فاعلین و شرکاء قصد ارتکاب آنرا داشته اند به جزای جرمی‌که به وقوع پیوسته محکوم می گردند، مشروط بر اینکه جرم مذکور قابل پیشبینی بوده ونتیجۀ مداخلۀ ایشان باشد.

دری څلویښتمه ماده:
که د جرمی عمل دارتکابیدو په وخت کې داسی مادی حالتونه وصل شی چه د هغی له امله د جرم یا جزأ صفت تغییر پیداکی د هغی نتیجی په ټولو فاعلانو او شریکانو تطبیقیږی، په دې شرط چه ذکر شوی حالتونه د هغوی د ټولو د مداخلی نتیجه وی.

مادۀ چهل وسوم:
هرگاه در اثنای ارتکاب به عمل جرمی حالات مادی اتصال یابد که از اثر آن وصف جرم یا جزا تغییر نماید نتایج آن بالای همه فاعلین وشرکا تطبیق می گردد مشروط بر اینکه حالات مذکور نتیجه مداخله همۀ آنها باشد.

څلور څلویښتمه ماده:
۱- که د یوه فاعل په حصه کښې داسی خاص حالتونه موجود شی چه د هغه په حصه کښې د جرم دصفت دتغییر موجب وګرځی د هغی نتیجی په نورو فاعلانو تأثیر نه لری.
۲- ددې خاصو حالتونو نتیجی په شریک باندی هغه وخت تأثیر لری چه پری علم ولری.

مادۀ چهل وچهارم:
۱- هرگاه در حصۀ یکی از فاعلین حالات خاصی موجود شود که موجب تغییر وصف جرم در حصۀ او گردد نتایج آن به سایر فاعلین تأثیر ندارد.
۲- نتایج این حالات خاص بر شریك وقتی تأثیر دارد که به آن علم داشته باشد.

پنځه څلویښتمه ماده:
که داسی خاص حالتونه موجود شی چه د یوه فاعل په حصه کښې د جزأ د تغییر موجب وګرځی د هغی نتیجی په نورو فاعلانو او شریکانو تأثیر نه کوی.

مادۀ چهل وپنجم:
هرگاه حالات خاصی موجود شود که موجب تغییر جزا در حصه یکی از فاعلین گردد نتایج آن بر سایر فاعلین و شرکاء تأثیر وارد نمی کند.

شپږ څلویښتمه ماده:
که د فاعل د قصد یا د هغه د علم دځرنګوالی له امله د جرم په صفت کې تغییر پیدا شی، نور فاعلان او شریکان دقصد او په جرم د هغوی د علم د څرنګوالی په اساس مجازات کیږي.

مادۀ چهل وششم:
هرگاه نظر به قصد فاعل یا چگونگی علم وی تغییر در وصف جرم وارد گردد سایر فاعلین و شرکاء مطابق به قصد و چگونگی علم شان به جرم مجازات می گردند.

اووه څلویښتمه ماده:
په هغه حالتونو کښې چه قانون د فاعلانو تعدد د جرم مشدد حالت وبولی د جرم د ارتکاب په وخت کښې د شریک موجودیت تعدد ګڼل کیږی.

مادۀ چهل وهفتم:
در حالاتی‌که قانون تعدد فاعلین را حالت مشددۀ جرم بداند موجودیت شریك در اثنای ارتکاب جرم تعدد شناخته می شود.

اته څلویښتمه ماده:
۱- په هغه مورد کښې چه څو نفره فاعلان او شریکان دیوه جرم د ارتکاب له امله په یوه حکم په نقدی جزأ محکوم شی دا حکم په هریو د هغوی په ځانګړی توګه تطبیقیږی.
۲- د جنحی د اتفاق په باره کښې نقدی جزأ باندې حکم د هغه مال د ګټې معادل وی چه د جرم د ارتکاب د لاری حاصل شوی وی او یا یی د حاصلیدو هیله کیږی، د

مادۀ چهل وهشتم:
۱- هرگاه چند نفر فاعل و شریك از لحاظ ارتکاب جرم واحد به حکم واحد به جزای نقدی محکوم شوند این حکم بر هر کدام آنها منفرداً تطبیق میشود.
۲- در حالاتی‌که حکم به جزای نقدی معادل مفاد مالی ای‌که از رهگذر ارتکاب جرم حاصل گردیده یا توقع استحصال آن برده می‌شد موضوع بحث باشد، حکم

بحث موضوع وی حکم په ټولو محکوم علیهم چه په یوه حکم په ذکر شوی نقدی جزأ محکوم شوی په تضامنی توګه تطبیقږی مګر داچه قانون د هغی په خلاف حکم کړی وی.

به مجموع محکوم علیهم که به حکم واحد به جزای نقدی مذکور محکوم شده‌اند، طور تضامن تطبیق می‌شود مگر اینکه قانون به خلاف آن حکم نموده باشد.

دوهم قسمت
په جرم اتفاق

قسمت دوم
اتفاق در جرم

نهه څلویښتمه ماده:
په جرم کې اتفاق عبارت دی ددوه یا د هغی څخه دزیاتو نفرو د متحد کیدو څخه د ټاکل شوی یا غیر ټاکل شوی جنایت یا جنحی په ارتکاب یا د ذکر شوو جرمونو په تجهیزاتی، آسانتیا برابرولو یا تکمیلی عملونو کې اتفاق، په دی شرط چه اتفاق منظم او پرله پسی وی که څه هم د جرمی تشکل د مرحلی په پیل کې یا دلندې مودی دپاره یی صورت نیولی وی.

مادۀ چهل ونهم:
اتفاق در جرم عبارت است از متحد شدن دو نفر یا بیشتر از آن در ارتکاب جنایت یا جنحۀ معین یا غیر معین و یا اتفاق در اعمال تجهیزاتی تسهیلاتی یا تکمیلی جرایم مذکور مشروط بر این‌که اتفاق منظم و پیهم باشد گرچه در آغاز مرحله تشکل جرمی یا برای مدت کوتاه صورت گرفته باشد.

پنځوسمه ماده:
۱- په هغه مورد کښې چه په جنایت اتفاق شوی وی، د هغوی هریو په اوږده حبس له (اووه کلو)

مادۀ پنجاهم:
۱- در مورد اتفاق به جنایت هر فرد آن به جزای حبس طویلی‌که از (هفت سال) تجاوز نکند محکوم

تجاوز ونه کی محکومیږی که څه هم د اتفاق شوی جنایت د ارتکاب په باره کښې شروع نه وی شوی.

۲- د جنحی د اتفاق په باره کښې د هغی هر فرد د حبس په جزأ چه له (دوه کلونو) څخه زیات نه وی یا په نقدی جزأ چه له (څلور ویشتو زرو) افغانیو تجاوز ونه کی محکومیږي.

می‌گردد گرچه در ارتکاب جنایت مورد اتفاق شروع صورت نگرفته باشد.

۲- در مورد اتفاق به جنحه هر فرد آن به جزای حبس که از (دوسال) بیشتر نباشد و یا به جزای نقدی که از (بیست وچهار هزار) افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

یو پنځوسمه ماده:

که د اتفاق څخه دداسی جرم د ارتکاب غرض وی چه په قانون کښې د هغی جزأ ددی قانون د (پنځوسمی) مادی ددرج شوی جزأ څخه کمه ټاکل شوی وی، په دې صورت کې په جرم کښې د اتفاق تورنان د څلورمی حصی د اکثری اندازی په هغه جزأ محکومیږی چه په اتفاق شوی جرم د پاره ټاکل شوی.

مادۀ پنجاه ویکم:

هرگاه غرض از اتفاق ارتکاب جرمی باشد که جزای آن در قانون از جزای مندرج (ماده پنجاهم) این قانون کمتر پیش بینی شده باشد در این صورت متهمین اتفاق در جرم به ربع حداکثر جزای محکوم می‌گردند که برای جرم مورد اتفاق تعیین شده است.

دوه پنځوسمه ماده:

۱- ددې قانون د (پنځوسمی او یو پنځوسمی) مادی درج شوی جزأګانی په هغه اشخاصو نه تطبیقیږی چه په جرم باندی د اتفاق

مادۀ پنجاه ودوم:

۱- جزاهای مندرج مواد (پنجاهم و پنجاه ویکم) این قانون بر اشخاصی تطبیق نمی گردد که از اتفاق در جرم به مقامات مربوط

څخه مربوطو مقامونو ته خبر ورکی په دې شرط چه خبر د جنایت او جنحی د واقع کیدو او ذکر شوو مقامونو د پلټنی اولټونی څخه تر مخه ورکول شوی وی.

۲- خبر ورکوونکی د مربوطه مقامونو د پلټنی او لټونی د پیل څخه وروسته په دی شرط د مجازات څخه معافیږی چه د هغه اطلاع ددا سی تورنو د نیولو سبب وګرځی چه ذکر شوو مقامونو ته معلوم نه وی.

اطلاع دهند مشروط بر این‌که اطلاع قبل از وقوع جنایت وجنحه و قبل از آغاز جستجو و تفتیش مقامات مذکور صورت گرفته باشد.

۲- اطلاع دهنده بعد از آغاز جستجو وتفتیش مقامات مربوط به شرطی از مجازات معاف ساخته می‌شود که اطلاع وی سبب گرفتاری متهمینی گردد که نزد مقامات مذکور معلوم نباشند.

څلورم فصل
داباحت سببونه
لومړی قسمت
دحق استعمال

فصل چهارم
اسباب اباحت
قسمت اول
استعمال حق

دری پنځوسمه ماده:

دښه نیت سره د جرمی عمل ارتکاب د هغه حق د استعمال په منظور چه د شریعت یا قانون په موجب شخص ته ورکول شوی جرم نه ګڼل کیږی.

مادۀ پنجاه وسوم:

ارتکاب عمل جرمی با حسن نیت به منظور استعمال حقی‌که به مقتضای شریعت یا به موجب قانون به شخص اعطاء شده، جرم پنداشته نمی شود.

څلور پنځوسمه ماده:

په راتلونکی حالتونو کښې د جرمی عمل ارتکاب د حق استعمال حسابیږی:

۱- په هغه حالت کښې چه پلار او ښوونکی، اولاد او زده کوونکی تأدیبوی په دی شرط چه تأدیب د شریعت او قانون په حدودو کښې صورت موندلی وی.

۲- په هغه حالت کښې چه دجراحی عملیات او نوری طبی معالجی اجرا کیږی په دی شرط چه د طبی کسب د فنی اصولو سره سم د مریض یا ولی یا د هغه د قانونی نماینده په رضا صورت موندلای وی، په عاجلو حالتونو کښې د جراحی د عملیاتو اجرا کول ددې حکم څخه مستثنی دی.

۳- په هغه حالت کښې چه سپورتی لوبی اجرا کیږی په دې شرط چه دسپورت د قبول شوو اصولو د قاعدو په حدودو کښې یې صورت موندلی وی.

۴- په هغه حالت کښې چه په مشهوده توګه د جنایت یا دجنحی د جرم ارتکاب وشی او دذکر شوو تورنانو د نیولو په منظور صورت

مادۀ پنجاه و چهارم:

ارتکاب عمل جرمی در حالات آتی استعمال حق شمرده می شود:

۱- در حالت تأدیب پدر، معلم، به اولاد و شاگرد مشروط بر اینکه تأدیب در حدود احکام شریعت و قانون صورت گرفته باشد.

۲- در حالت اجرای عملیات جراحی ویا سایر معالجات طبی مشروط بر اینکه مطابق اصول فنی حرفۀ طب برضائیت مریض یا ولی ویا نمایندۀ قانونی وی صورت گرفته باشد. اجرای عملیات جراحی در حالات عاجل ازین حکم مستثنی است.

۳- در حالت اجرای بازیهای سپورتی مشروط بر اینکه در حدود قواعد و اصول قبول شدۀ سپورتی صورت گرفته باشد.

۴- در حالت ارتکاب جنایت یا جنحۀ مشهود به منظور گرفتاری متهمین

ومومی په داسی ترتیب چه په مربوطو قوانینو کښی تنظیم شوی وی.

جرایم مذکور به ترتیبی‌که در قوانین مربوط تنظیم یافته است.

دوهم قسمت
دوظیفی اداء کول

قسمت دوم
ایفای وظیفه

پنځه پنځوسمه ماده:
د جرمی عمل ارتکاب دداسی وظیفی د ادأ کولو په وخت کښې چه ددولت مامور د قانون په حکم د هغی په اداء کولو مکلفیت ولری جرم نه ګڼل کیږي.

مادۀ پنجاه وپنجم:
ارتکاب عمل جرمی در اثنای ایفای وظیفه ای‌که مامور دولت به حکم قانون به انجام آن مکلفیت داشته باشد جرم شمرده نمی شود.

شپږ پنځوسمه ماده:
په راتلونکی حالتونو کښې د جرمی عمل ارتکاب دوظیفی اداء کول شمیرل کیږي:
۱- په هغه حالت کښې چه د مؤظف مامور څخه د قانون د حکمونو سره سم د بنه نیت سره دوظیفی دادا کولو په وخت کښې صادر شوی وی اویا داچه عقیده وکی چه دهغی اجراء کول د هغه د قانونی صلاحیتونو د جملی څخه دی.
۲- په هغه حالت کښې چه دداسی

مادۀ پنجاه وششم:
ارتکاب عمل جرمی در حالات آتی ایفای وظیفه شمرده می شود:
۱- در حالتی‌که از مامور مؤظف مطابق به احکام قانون با داشتن حسن نیت در اثنای ایفای وظیفه صدور یافته باشد و یا این‌که عقیده نماید که اجرای آن از جمله صلاحیت های قانونی وی است.
۲- در حالتی‌که به موجب

صلاحیت لرونکو مقامونو دامرونو دعملی کولو په موجب چه د قانون په حکم د هغوی دامرونو په اطاعت مکلف وی صادر شوی وی یا داچه عقیده ولری چه دصلاحیت لرونکو مقامونو دامرونو عملی کول د هغه د قانونی وجیبو څخه دی.

۳- ددې مادې په دواړو درج شوو حالتونو کښې مؤظف مامور مکلف دی چه ثابته کې چه د هغه عقیده د جرمی عمل د مشروعیت په باره کښې دمعقولو سببونو څخه پیدا شوی او د لازمی احتیاط د مراعات کولو وروسته یی صورت موندلی. که د قانون په حکم مامور د صلاحیت لرونکو مقامونو په امرونو داعتراض حق ونه لری نو ددی مادی د (۱ او۲) درج شوو فقرو دجرمی عمل دارتکاب په اثر په هیڅ صورت نه مجازات کیږی.

تعمیل اوامر مقامات ذیصلاحی که از اطاعت اوامر آنها به حکم قانون مکلفیت داشته باشد صدور یافته باشد ویا اینکه عقیده داشته باشد که تعمیل اوامر مقامات ذیصلاح از جملهٔ وجایب قانونی وی است.

۳- در هر دو حالت مندرج این ماده مامور مؤظف مکلف است ثابت نماید که اعتقاد وی راجع به مشروعیت عمل جرمی ناشی از اسباب معقول بوده وارتکاب آن بعد از رعایت احتیاط لازم صورت گرفته است اما اگر مامور به حکم قانون اعتراض بر اوامر مقامات ذیصلاح را نداشته باشد به هیچ وجه از اثر ارتکاب عمل جرمی مندرج فقرات (۱و۲) این ماده مجازات نمی گردد.

درییم قسمت
دمشروعی دفاع حق

اووه پنځوسمه ماده:
دجرمی عمل ارتکاب د مشروعی دفاع دحق داستعمال په منظور،

قسمت سوم
حق دفاع مشروع

مادهٔ پنجاه وهفتم:
ارتکاب عمل جرمی به منظور استعمال حق دفاع مشروع جرم

جرم نه ګڼل کیږی.

اته پنځوسمه ماده:
دمشروعی دفاع حق دتهدید لاندی شخص ته اجازه ورکوی چه دلازمو وسیلو داستعمال څخه ددفاع په منظور دهر جرمی عمل څخه چه ځانی او مالی ضرر یا خطر دفاع کوونکی ته یا بل شخص ته تولید کی استفاده وکی.

نهه پنځوسمه ماده:
۱- دمشروعی دفاع حق هغه وخت موجودیږی چه دفاع کوونکی په معقولو سببونو او منطقی دلیلونو یقین وکی چه دفاع کوونکی یا بل شخص ته په مال، ځان او ناموس دتیری خطر متوجه دی.
۲- د مشروعی دفاع حق د خطر ددوام پوری ادامه لری د هغی په لیری کیدو پای ته رسیږی.

شپیتمه ماده:
دمشروعی دفاع حق دراتلونکو شرطونو لاندی پیداکیږی:
۱- چه دفاع د حملی او تیری په پنداشته نمی شود.

مادۀ پنجاه وهشتم:
حق دفاع مشروع به شخص مورد تهدید اجازه میدهد تا از استعمال وسایل لازم به منظور دفاع از هر عمل جرمی ای‌که ضرر ویا خطر جانی ومالی را برای دفاع کننده ویا شخص دیگر تولید نماید استفاده کند.

مادۀ پنجاه ونهم:
۱- حق دفاع مشروع هنگامی موجود می‌گردد که دفاع کننده روی اسباب معقول و دلایل منطقی یقین نماید که خطر تجاوز بر مال، جان یا ناموس دفاع کننده و یا شخص دیگری متوجه است.
۲- حق دفاع مشروع تا دوام خطر ادامه یافته با زوال آن خاتمه می یابد.

مادۀ شصتم:
حق دفاع مشروع تحت شرایط آتی بوجود می آید:
۱- دفاع در برابر حمله

مقابل کښې وی.
۲- چــه دفــاع د تهدیــدوونکی د خطر سره متناسبه وی.
۳- چه دفاع یوائی دخطر د لیری کیدو وسیله وی.
۴- چه دفاع د مقابل د حملی سره په یو وخت کی وی.
۵- چه دفاع د قانون خلاف اوغیر عادلانه عمل په مقابل کې وی.
۶- چــه دفــاع کــوونکی عمــداً د مقــابلی خــوا د جرمــی عمــل د پیداکیدلو سبب شوی نه وی.

یو شپیتمه ماده:
عمدی قتل د مشروعی دفاع د حق داستعمال په اساس جواز نه لری مگر داچه د دفاع په منظور د یوه راتلونکی عملونو په مقابل کښې یې صورت موندلی وی:
۱- دفــاع ددا سی عمــل پــه مقابــل کښې چه دمرگ یا شدید زخم ویره ایجــاد کــی پــه دې شــرط چــه ذکــر شوی ویره د معقولو سببونو څخه پیدا شوی وی.
۲- دفاع د زنا، لواطت د عمل اویا د هغی د تهدید په مقابل کښې.
۳- دفــاع دانســان داختــطاف پــه وتعرض بــاشد.
۲- دفاع متناسب با خطر تهدید کننده باشد.
۳- دفــاع تنــهــا وسیلۀ دفــــع خطر باشد.
۴- دفــاع هــمزمان بــا حــــملۀ مــقابل بــاشد.
۵- دفــاع در برابــر عمــل خــلاف قانون وغیر عادلانه باشد.
۶- دفــاع کنــنده عمــداً سبــب ایجــاد عمــل جــرمی طــرف مقابــل نشده باشد.

مادۀ شصت ویکم:
قتــل عمــد باساس استعمال حق دفاع مشــروع جــواز ندارد مگر ایــنکــه بــه منــظــور دفــــاع در بــرابــــر یکــــی از اعمــال آتــی صــورت گــرفته بــاشد:
۱- دفــاع در برابــر عملــیکــه ایجاد خوف مرگ یا جراحت شدید نمایــد مشروط بــر ایــنکــه خــوف مذکور از اسباب معقول پیدا شده باشد.
۲- دفــاع در برابــر عمــل زنــا، لواطت ویا تهدید به آن.
۳- دفــــــاع در بــرابــــــر

مقابل کې.
۴- دفاع د عمدی اور اچولو دعمل د هغی د تهدید په مقابل کښې.
۵- دفاع د هغه غلا د عمل په مقابل کې چه دقانون په حکم جنایت پیژندل شوی وی.
۶- دفاع دغیر مجاز داخلیدو په مقابل کښې دشپی له خوا مسکون کور یا دهغی ملحقاتو ته.

دوه شپیتمه ماده:
که د عمومی خدمتونو مؤظفینو ته رسیدل د خطر د لیری کولو په منظور ممکن وی دمشروعی دفاع حق نه پیداکیږی.

دری شپیتمه ماده:
مشروعه دفاع دعمومی سلطی دمؤظفینو په مقابل کښې چه خپله وظیفه په ښه نیت تر سره کوی جواز نه لری که څه هم د وظیفی په جریان کې دخپل قانونی صلاحیت دحدودو څخه تیری وکی مګر په هغه صورت کښې چه د هغوی دعمل څخه په معقولو ثابتو دلیلونو دمرګ یا شدیدو زخمونو ویره پیداوی.

اختطاف انسان.
۴- دفاع در برابر عمل حریق عمدی.
۵- دفاع در برابر عمل سرقتی- که به حکم قانون جنایت شناخته شده باشد.
۶- دفاع در برابر عمل دخول غیر مجاز از طرف شب به منزل مسکون و یا ملحقات آن.

مادۀ شصت ودوم:
هرگاه توسل به مؤظفین خدمات عامه جهت دفع خطر ممکن باشد حق دفاع مشروع بوجود نمی آید.

مادۀ شصت وسوم:
دفاع مشروع در برابر مؤظفین سلطه عامه که وظایف خود را با حسن نیت انجام می‌دهند گرچه در جریان وظیفه از حدود صلاحیت قانونی خود تجاوز نمایند جواز ندارد مگر در صورتی‌که خوف مرگ یا جراحات شدید ناشی از عمل آنها بدلایل معقول ثابت باشد.

څلورشپیتمه ماده:
محکمه کولی شی د هغه شخص په باره کې چه په ښه نیت یی دمشروعی دفاع د حق څخه تیری کړی وی د هغه د عمل جزأ ته که جنایت وی جنحی ته او که جنحه وی قباحت جزأته تنزیل ورکی.

مادۀ شصت وچهارم:
محکمه می‌تواند در مورد شخصی که با حسن نیت از حدود حق دفاع مشروع تجاوز نموده جزای عمل او را اگر جنایت باشد به جنحه و اگر جنحه باشد به جزای قباحت تنزیل دهد.

درپیم باب
مجرم
لومړی فصل
جزائی مسؤلیت او دهغی موانع
لومړی قسمت
جزائی مسؤلیت

باب سوم
مجرم
فصل اول
مسؤلیت جزائی وموانع آن
قسمت اول
مسؤلیت جزائی

پنځه شپیتمه ماده:
جزائی مسؤلیت هغه وخت وجود ته راځی چه شخص په آزاده اراده، دعقل او ادراک دصحت په حالت کې دجرمی عمل ارتکاب کوونکی شی.

مادۀ شصت و پنجم:
مسؤلیت جزائی وقتی به وجود می آید که شخص به اراده آزاد ودر حالت صحت عقل و ادراك عمل جرمی را مرتکب شود.

دوهم قسمت
د جزائی مسؤلیت موانع

شپږ شپیتمه ماده:
د جزائی مسؤلیت مانع د ادراک دیوی عارضی د پیدا کیدو څخه یا دارادی دورکیدو دیوه اسباب څخه پیدا کیږی.

اول - د ادراک عوارض
۱- لیونتوب او عقلی مرض

اووه شپیتمه ماده:
۱- که شخص د جرم د ارتکاب په وخت کې دلیونتوب یا نورو عقلی مرضونو په سبب ادراک او شعورونه لری، جزائی مسؤلیت نه لری نه مجازات کیږی.
۲- که شخص د جنایت او جنحی دجرم دارتکاب په وخت کښې د ادراک او شعور په نقصان مبتلاوی، محکمه به هغه معذور شمیری په دی قانون کښی دمخففه حالونو پوری مربوط درج شوی حکمونه به د هغه په باره کښی مراعات کوی.
۳- ددې مادې د (۲) فقری ددرج

قسمت دوم
موانع مسؤلیت جزائی

مادۀ شصت وششم:
مانع مسؤلیت جزائی از تحقق یافتن یکی از عوارض ادراك یا یکی از اسباب فقدان اراده بوجود می آید.

اول - عوارض ادراك
۱- جنون و مرض عقلی

مادۀ شصت وهفتم:
۱- شخصی‌که حین ارتکاب جرم به سبب جنون یا سایر امراض عقلی فاقد ادراك وشعور باشد مسؤلیت جزائی نداشته مجازات نمی گردد.
۲- اگر شخص حین ارتکاب جرم جنایت و جنحه مبتلا به نقصان ادراك و شعور باشد محکمه او را معذور شناخته احکام متعلق به احوال مخففه مندرج این قانون را در مورد او رعایت می نماید.
۳- قباحت اشخاص مندرج

شوو اشخاصو قباحت، جرم نه شمیرل کیږي.

فقره (۲) ایـن مـاده جـرم شـمرده نمی‌شود.

۲- نیشه

۲- سکر

اته شپیتمه ماده:

۱- کـه شـخص دجرم دارتکاب په وخت کښې دنیشه ئي یا مخدره موادو د استعمال په سبب خپل ادراک او شعور دلاسه ورکی نو په هغه حالت کښې چه استعمال یی په زور یا دارتکاب کوونکی په بی علمی صورت موندلی وی نه مجازات کیږی.

۲- کـه د پورتنی فقری درج شوی شخص خپل ټول ادراک او شعور دلاسه نه وی ورکړی ددې قانون د (۶۷) مادي د (۲) فقری ددرج شوی حکم سره سم مجازات کیږی.

مادۀ شصت وهشتم:

۱- شخصیکه حین ارتکاب جرم به سبب استعمال مواد مسکره یا مخدره ادراك وشعور خود را از دست بدهد در حالی‌که استعمال آن جبراً یا بدون علم مرتکب صورت گرفته باشد مجازات نمی گردد.

۲- هرگاه شخص مندرج فقره فوق ادراك و شعور خود را کاملاً از دست نداده باشد طبق حکم مندرج فقره (۲) ماده (۶۷) این قانون مجازات می‌گردد.

نهه شپیتمه ماده:

۱- کـه یـو شـخص نیشه ئی یا مخدره مواد پخپله اراده استعمال کـی، دجـرم ارتکـاب کـوونکی وګرځی مسئول دی او داسی ګڼل کـیږی لـکه چه دپوره ادراک او شـعور پـه حـالت کښې دجـرم

مادۀ شصت ونهم:

۱- هرگاه شخص مواد مسکره یا مخدره را به اراده خود استعمال نموده مرتکب جرم گردد مسئول شناخته شده چنان پنداشته می‌شود که جرم را در حالت ادراك و شعور کامل مرتکب

ارتکاب کوونکی وی.
۲- کـه یـو شـخص نیـشه یـی او مخدره مواد عمداً د جرم دارتکاب په مقصد استعمال کی محکمه به د هغـه پـه بـاره کـښې ددې قـانون دمـشدده حـالونو پـوری د مربوطـو درج شوو حکمونو مراعات کوی.

۳- عمر

اویایمه ماده:
دصـغیر اطـلاق پـه هغـه کـوچنی کیـږی چـه دپـوره اووه کلنـی او دیـارلس کلنـی پـه عمرکـښې واقـع وی.

یو اویایمه ماده:
مراهق په هغه شـخص اطلاق کیـږی چـه دیـارلس کلنـی عمـر یـی پـوره کـړی وی او اتلس کلنی یـې نـه وی پوره کړی.

دوه اویایمه ماده:
هغـه ورکـوټی چـه داووه کلنـی عمـر یی نه وی پوره کړی پر هغـه جزائی دعوی نه شی اقامه کیدلی.

گردیده است.
۲- اگـــر شـخص مـواد مـسکره و مخدره را عمداً به مقصد ارتکاب جـرم استعمـال نمایـد محکمـه احکـام متعلـق بـه احـوال مـشدده مندرج این قانون را در مـــورد او رعایت می‌نـماید.

۳- سن

مادۀ هفتادم:
صـغیر بـه طفلـی اطـلاق مـی گـردد کـه بـین سـن هفـت و سیزده سـالگی کامـل قـرار داشـته باشد.

مادۀ هفتاد ویکم:
مراهق به شخصی اطلاق می‌گردد که سـن سیزده سالگی را تکمیـل و هجـده سـالگی را تکمیـل نکـرده باشد.

مادۀ هفتاد و دوم:
طفلیکـه سـن هفـت سـالگی را تکمیل نکرده باشد دعـوی جزائی علیه او اقامه شده نمی تواند.

دری اویایمه ماده:
دعمر تثبیت دتابعیت د تذکری په اساس صورت مومی، که د صغیر ظاهری حالت د تابعیت په تذکره کښې ددرج شوی عمر سره تعارض ولری، محکمه کولی شی چه د طبی هیأت نظریه حاصله کی.

ثلور اویایمه ماده:
که صغیر دقباحت ارتکاب کوونکی وگرځی، محکمه کولی شی چه په دی قانون کښې ددرج شوو جزاګانو په عوض صغیر د قضاء په مجلس کښې توبیخ کې یا د هغه د تسلیمیدلو په باره کښې دوالدینو څخه یوه ته یا هغه شخص ته چه د هغه په نفس د ولایت حق لری یا یو امین شخص ته چه په راتلونکی وخت کښې د هغه د ښه تربیی متعهد شی حکم وکی یا داچه په دارالتأدیب، یا په خیریه مؤسسو یا په هغه مدرسو کښې چه د دولت له خوا په دی منظور تأسیسیږی د هغه د حجز حکم صادر کی.

مادۀ هفتاد و سوم:
تثبیت سن به اساس تذکرۀ تابعیت صورت می گیرد. محکمه می تواند در صورت تعارض حالت ظاهری صغیر باسن مندرج تذکره تابعیت وی نظریه هیأت طبی را حاصل نماید.

مادۀ هفتاد و چهارم:
هرگاه صغیر مرتکب قباحت گردد محکمه می تواند در عوض جزاهای مندرج این قانون صغیر را در مجلس قضاء توبیخ نموده یا تسلیمی اورا بیکی از والدین یا شخصیکه بر نفس او حق ولایت دارد ویا شخص امینی که حسن تربیه اورا در آینده متعهد شود حکم نماید ویا اینکه به حجز او در دارالتأدیب یا مؤسسات خیریه و یا مدارس اصلاحیی که از طرف دولت به این منظور تأسیس می گردد حکم نماید.

پنځه اویایمه ماده:

کـه صـغیر د جنحـی ارتکـاب کوونکی وګرځی محکمه کولی شی چه د هغه په باره کښې د راتلونکی تدبیرونو څخه د یوه څخه استفاده وکی:

۱- ددې قـانون د (۷۴) مـادی منـدرجو اشخاصـو تـه د هغـه تسلیمول په دې شرط چه ذکر شوی مـوده ددری کلـو څخـه زیاتـه او دشپږو میاشتو څخه کمه نه وی او تسلیمیدونکی شخص به په لیکلی توګه تعهد کوی چه په راتلونکي وخت کښې به د صغیر ښه تربیه کوی.

۲- پـه دار التأدیـب یـا پـه یـوه اصـلاحي مدرسـه کـښې دشـپږو میاشتو څخه تر دری کلو پوری د هغه حجز.

شپږ اویایمه ماده:

۱- کـه صـغیر دداسـی جنایـت ارتکاب کوونکی شی چه جزأ ئی اعـدام یـا دوام لرونکـی حبس وی محکمه کولی شي چه د هغه دحجز په دارالتأدیب یا خیریه مؤسسو او یا په اصلاحي مدرسو کښې حکم

مادۀ هفتاد و پنجم:

هـرګـاه صغیـر مـرتکـب جنحـه گـردد مـحـکمـه مـی‌تـوانـد یکـی از تدابـیر آتـی را در مـورد او اتخـاذ نمـاید:

۱- تـسلیـمی او بـه یکـی از اشخاص مـندرج مادۀ (۷۴) این قـانـون مشـروط بـر اینکـه مـدت مـذکور از سـه سـال بیـشتر و از شـش مـاه کـمتر نبـاشـد و شخـص تـسلیم شـونده حـسن تربیۀ صغیـر را در آینـده کتبـاً متعهـد گـردد.

۲- حـجز او در دارالتـأدیـب یا یکـی از مـدارس اصلاحـی از شـش مـاه الـی سـه سال.

مادۀ هفتاد و ششم:

۱- هـرګـاه صـغیر مرتکـب جنـایتی گـردد کـه جـزای آن اعـدام یـا حبس دوام بـاشـد محکـمه می تـواند به حـجز او در دارالتأدیـب یـا مؤسـسات خیریـه و یـا مـدارس اصـلاحی

وکی په دې شرط چه د هغه د حجز موده دپنځو کلونو څخه زیاته نه وی.
۲- که د جنایت تاکل شوی جزأ اوږد حبس وی نو حجز دیوه کال څخه کم او د څلورو کلونو څخه زیاتیدلی نه شی.

اووه اویایمه ماده:
که صغیر متعهد ته د تسلیمیدو وروسته دتعهد دمودی په اوږدوکښې د جنحی یا جنایت ارتکاب کوونکی شی، محکمه کولی شی چه متعهد په لاندی ترتیب په نقدی جزأ محکوم کی:
۱- دجنحی د ارتکاب په حالت کښې دیو زر افغانیو څخه تر دوه زرو افغانیو پوری.
۲- د جنایت د ارتکاب په حالت کښې د دوه زره افغانیو څخه تر پنځه زرو افغانیو پوری.

اته اویایمه ماده:
که صغیر دخپلوانو څخه په غیر بل چاته تسلیم کړی شوی وی د محکمی له خوا خپلوانو ته د هغه اعاده کول پخپله د هغه یا د هغه د حکم نماید مشروط بر این‌که مدت حجز او از پنج سال بیشتر نباشد.
۲- اگر جزای پیش بینی شده جنایت حبس طویل باشد مدت حجز از یکسال کمتر و از چهار سال بیشتر بوده نمی تواند.

مادۀ هفتاد و هفتم:
هرگاه صغیر بعد از تسلیمی او به متعهد در اثنای مدت تعهد مرتکب جنحه یا جنایت گردد محکمه می تواند متعهد را به ترتیب آتی به جزای نقدی محکوم نماید:
۱- در حالت ارتکاب جنحه از یك هزار الی دو هزار افغانی.
۲- در حالت ارتکاب جنایت از دو هزار الی پنج هزار افغانی.

مادۀ هفتاد و هشتم:
هرگاه صغیر به غیر اقارب تسلیم داده شده باشد اعادۀ او به اقارب از طرف محکمه باساس مطالبۀ خود وی

یوه خپلوان د غوښتنې په اساس صورت مومی، په دی شرط چه د تسلیمیدو دحکم د تنفیذ له وخته کم ترکمه یو کال تیر شوی وی. داعادی بیا غوښتنه د هغی دردولو دنېټی څخه تر شپږ میاشتو پوری جواز نه لری. که محکمه حکم وکی چه صغیر دی دهغه خپلوانو ته اعاده شی دا حکم د صغیر د تسلیمیدو په معنی دی.

ویا یکی از اقارب مذکور صورت می گیرد، مشروط بر اینکه از تنفیذ حکم تسلیمی اقلاً یکسال سپری شده باشد. تجدید مطالبهٔ اعاده الی مدت شش ماه از تاریخ رد آن جواز ندارد. اگر محکمه به اعادهٔ صغیر به اقارب او حکم نماید این حکم بمنزلهٔ حکم به تسلیمی صغیر شناخته می شود.

نهه اویایمه ماده:

هغه صغیر چه په دار التأدیب یا خیریه مؤسسو او یا په اصلاحي مدرسو کښې دحجز لاندې نیول کیږي، دمؤسسې د آمر په پیشنهاد دمربوطه څارنوا ل په موافقه او دلوی څارنوال په منظوري دمؤسسې څخه ویستل کېدی شي. نومورې صغیر په هیڅ صورت په پورتنیو مؤسسو کښې دپنځو کلونو څخه زیات یا داتلس کلنی عمر دپوره کیدو څخه وروسته نه شی پاتی کیدی.

مادهٔ هفتاد و نهم:

صغیری‌که در دارالتأدیب یا مؤسسات خیریه ویا مدارس اصلاحی تحت حجز قرار می گیرد به پیشنهاد آمر مؤسسه مربوط، موافقه څارنوال ومنظوری لوی څارنوال از مؤسسه خارج شده می تواند. صغیر مذکور به هیچ وجه در مؤسسات فوق بیش از پنج سال یا بعد از تکمیل سن هجده سالگی بوده نمی تواند.

اتیایمه ماده:
که یو شخص د صغیر د تسلیمیدو د حکم څخه وروسته هغه پټ اویایی فراریدوته مجبور کی یا په نورو وسیلو د هغه په فراریدوکې مرسته وکړی، دحبس په جزأ تر شپږ میاشتو یا په نقدی جزأ تر شپږ زرو افغانیو پوري محکومیږي.

یو اتیایمه ماده:
متعهد ته د تسلیمیدو حکم داتلس کلنۍ دعمر په پوره کیدو ساقطیږي.

دوه اتیایمه ماده:
که مراهق د قباحت ارتکاب کوونکی وگرځی، محکمه کولی شی چه هغه ددې قانون په ټاکلی جزأ محکوم کی اویا دوالدینو څخه یوه ته د هغه د تسلیمیدو یا هغه چاته چه دهغه په نفس دولایت حق لری یا یو امین شخص ته چه په راتلونکی وخت کښې دهغه د ښه رویی تعهد وکی حکم وکی.

مادۀ هشتادم:
هرگاه شخصی صغیر را بعد از صدور حکم به تسلیم، پنهان یا او را به فرار وادارد و یا به وسایل دیگر به فرار او معاونت کند به جزای حبس الی شش ماه یا جزای نقدی الی شش هزار افغانی محکوم می‌گردد.

مادۀ هشتاد و یکم:
حکم تسلیمی به متعهد با تکمیل سن هجده سالگی ساقط می‌گردد.

مادۀ هشتاد و دوم:
هرگاه مراهق مرتکب قباحت گردد محکمه می تواند او را به جزای پیش بینی شده این قانون محکوم نماید و یا به تسلیمی او به یکی از والدین یا شخصیکه بر نفس او حق ولایت دارد و یا شخص امینی که حسن رویه او را در آینده تعهد کند حکم نماید.

دري اتيايمه ماده:
کـــه مراهـــق دجنحـــی ارتکـــاب کوونکی وګرځی محکمه کولی شی چه ددې قانون د ټاکلو جزاګانو په عـوض ددې قـانون د (۷۶) مـادی درج شوی تدبیرونه اتخاذ کی.

ځلور اتيايمه ماده:
۱- کـه مراهـق دداسـی جنایـت ارتکـاب کـوونکی وګرځی چه جزأ یی اعدام یا دوام لرونکی حبس وی محکمـه کـولی شـی چـه پـه دارالتأدیب کې د هغه په حجز چه د دوه کلـونو څخـه کـم او د پـنځلس کلونو څخه زیات نه وی حکم وکی.
۲- کـه د جنایـت ټاکلی جـزأ اوږد حبس وي په دار التأدیب کې دحجز دمودی کمه اندازه دیوه کال څخه کمـه او د هغـي زیاتـه انـدازه داوږد حبس دنیمـایي زیـاتی مـودی څخه چـه د هغـی جنایـت د پـاره ټاکـل شوی، نه شی زیاتیدی.
۳- کـه دجنایـت زیاتـه انـدازه جـزأ دلسو کلونو څخه کمه وی محکمه کـــولی شـی چـه پـه دار التأدیـب کښې دیـوه کال څخه په کمه موده د هغه د حـجز یـا د نیمـایي زیـاتي

مادۀ هشتاد و سوم:
هرګاه مراهق مرتکب جنحه ګردد محکمه می تواند عـوض جزاهای پیش بینی شده جرم مذکور یکی از تـدابیر منـدرج مـاده (۷۶) ایـن قانون را در مورد او اتخاذ نماید.

مادۀ هشتاد و چهارم:
۱- هـــرګـــاه مـــراهق مرتکب جنایتی گـــردد که جزای آن اعـدام یـا حبـس دوام بـاشد محکـمه مـی تـوانـد بـه حـجـز او در دار التأدیـب که از دوســال کمتر واز پـانـزده سـال بیشتر نباشد حکم نماید.
۲- اگـر جـزای پـیش بینـی شـده جنـایت حبـس طـویل بـاشـد حـداقـل مـدت حـجـز او در دارالـتأدیب از یـك سـال کمتـر و حداکثـــر آن از نـــصف حداکثر حبس طویل بیـشتر بوده نمی تواند.
۳- اگـر حـداکثـر جزای جنایـت کمتر از ده سـال باشـد محکمـه مـی تـواند بـه حجـز او در دارالتـأدیـب بـه کمتـر از یکسال و بیشتر از نصف حداکثر

مـــودي چه د هغـــی جنایت دپاره ټاکل شـــوی حکـم وکی.

جـزای پـیش بیـــنی شـــده همـان جنایـت حکم نماید.

پنځه اتیایمه ماده:

۱- دصغیر او مراهق عمر د جرم دارتکاب په وخت کښې د مسؤلیت د ټاکلو اساس پیژندل کیږي.

۲- کـه صـغیر د جـرم ارتکـاب کـــوونکی وګرځـــی او دحکـــم د صادریدو په وخت کې د مراهقی عمر تـه ورسیږي دصغیر په څیر ورسره معامله کیږي.

ماده هشتادو پنجم:

۱- سـن صـغیر و مراهـق در وقـت ارتـکـــاب جـــرم اســاس تعیـین مسؤلیت شناخته میشود.

۲- اگـــر صغـــیر مـرتکـــب جرم گـــردد و هنـگـــام صـدور حکـم بـه ســـن مراهـق برســـد مـــانند صـــغیر بـــا او مـــعامله می‌شود.

شپږ اتیایمه ماده:

۱- کـه مراهـق د جـرم ارتکـاب کـــوونکی وګرځـــی او د حکـــم د صـادریدو پـه وخـت کـښې داتلس کلنی عمر پوره کی دمراهق په څیر ورسره معامله کیږي.

۲- کـه هغـه جـرم چـه مراهـق یـې ارتکـــاب کـــوونکی ګرځیـــدلی، جنایت یـا جنحـه وي چـه پـه قـانون کـې د هغـی جـزأ اوږد حـبس یـا مـتوسط حبـس ټـاکل شوی وی، محکمـــه کـــولی شـــی چـــه پـــه دارالتأدیب کې د حجـــز د مـودي پـه عـوض پـه جنـــایت کـــښې پـــه

مادۀ هشتادوششم:

۱- هرگـاه مراهـق مرتکـب جـرم شـود و هنـــگام صـدور حکـم سـن هجـده سالگـــی را تکـــمیل نمایـد مانند مراهق با او معاملـه می شود.

۲- اگـر جرمـی‌کـه مراهـق مـذکور مرتکـــب گردیـــده جنایـــت یـــا جنحـــه ای باشـــدکه جـــزای آن در قـــانون حـــبس طـــویل یـــا حـــبس متـــوسط پـــیش بینـــی شـده باشـد، محکمـه میتوانـد عوض مدت حجز در دار التأدیب در جنایـت بـه حـبس متوسـط و

متوسط حبس او په جنحه کښې په لنډ حبس حکم وکی.

۳- په پورتنی فقره کښې په درج شوو مواردو کښې د محکومیت موده په هیڅ صورت سره د هغه مودی څخه چه په دار التأدیب کښې دحجز د پاره د ارتکاب شوی جنایت یا جنحی په مقابل کښې ټاکل شوی نه شی زیاتیدی.

۴- په دې قانون کښې داوړده حبس او متوسط حبس دټاکلو شوو جزاګانو په غیر نوری جزاګانی په نقدی جزا چه دپنځه زره افغانیو څخه زیاتی نه شی، تعویضیدلی شی.

۵- که مراهق په دار التأدیب کښې دحجز په موده کښې داتلس کلنی عمر پوره کې د محکوم بها حجز دنوری پاتی مودی دپوره کیدو دپاره مربوط محبس ته انتقالیږي.

در جنحه به حبس قصیر حکم نماید.

۳- مدت محکومیت در موارد مندرج فقره فوق به هیچ صورت از مدتی‌که برای حجز در دار التأدیب در برابر جنایت یا جنحه ارتکاب شده درین قانون پیش بینی گردیده است تجاوز نمی نماید.

۴- جزاهای غیر از حبس طویل و حبس متوسط پیش بینی شده در این قانون به جزای نقدی که از پنج هزار افغانی تجاوز نکند تعویض می‌گردد.

۵- اگر مراهق در ظرف مدت حجز در دار التأدیب سن هجده سالگی را تکمیل نماید جهت گذشتاندن مدت باقیمانده حجز محکوم بها به محبس مربوط انتقال داده می‌شود.

اووه اتیایمه ماده:

که صغیر یا مراهق دیوه څخه په زیات د جرم په ارتکاب تورن شي د هغه محاکمه دیوي دعوي په ضمن کښې دټولو جرمونو له

مادۀ هشتادو هفتم:

هرگاه صغیر یا مراهق متهم به ارتکاب بیش از یك جرم گردد محاکمۀ او از ناحیه همه جرایم ضمن دعوی واحد جواز دارد

پلوه جواز لری په دی شرط چه محکمه یواځي دهغه جرم په اساس حکم وکړی چه جزأیی په قانون کښې زیاته شدیده ټاکل شوي.

مشروط بر اینکه محکمه تنها به اساس جرمی حکم نماید که جزای آن در قانون شدید تر پیش بینی شده باشد.

اته اتیایمه ماده:
دصغیر او مراهق د جرم تکرار په دي قانون کې د مجازات دتکرار او ټاکل شوي تدبیرونو داتخاذ مانع نه ګرځي.

مادۀ هشتاد و هشتم:
تکرار جرم صغیر ومراهق مانع تکرار مجازات واتخاذ تدابیر پیش بینی شده در این قانون نمی‌گردد.

نهه اتیایمه ماده:
که صغیر یا مراهق په کراتو په حجز محکوم شی په اصلاحي مدرسه کښی دمحکوم بها حجز ټوله موده دپنځو کلو څخه او په دار التأدیب کښی دپنځلس کلونو څخه نه شی زیاتیدي.

مادۀ هشتادو نهم:
هرگاه صغیر یا مراهق به دفعات محکوم به حجز گردد مجموع مدت حجز محکوم بها در مدرسه اصلاحی از پنج سال ودر دار التأدیب از پانزده سال تجاوز نمی کند.

نوي یمه ماده:
۱- هغه مراهق چه داتلس کلنی عمریی نه دی پوره کړی که دوه ثلثه محکوم بها جزأ په دار التأدیب کښې تیره کې محکمه کولی شی چه دمراهق یا دوالدینو څخه دیوه یا دهغه شخص په غوښتنه چه د هغه په نفس دولایت

مادۀ نودم:
۱- هرگاه مراهقی‌که سن هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد دو ثلث جزای محکوم بها را در دارالتأدیب سپری نماید محکمه می تواند بنابر مطالبه مراهق یا یکی از والدین و یا شخصیی‌که بر نفس او حق ولایت داشته

حق ولري د هغه د خوشي کولو حکم صادر کی په دې شرط چې دارالتأدیب د ذکر شوی مراهق ښه سلوک دیو راپور په ضمن کښی تصدیق کی او څارنوال یی تأیید کی په دې صورت کښې مراهق ددې قانون د (۷۴) مادی ددرج شوو اشخاصو څخه یوه ته تسلیم ورکول کیږي.

۲- که مراهق داتلس کلنی عمر پوره کړی وی او په دار التأدیب کښې یي دوه ثلثه محکوم بها جزأ تیره کړی وی، هغه وخت خوشی کیدی شی چه په راتلونکی زمانه کښی دخپل ښه سلوک تعهد په لیکلی توګه ورکی.

باشد حکم به رهائی وی صادر نماید مشروط بر اینکه دار التأدیب حسن رویه مراهق مذکور را طی راپوری تصدیق و څارنوال آنرا تائید نماید. در این صورت مراهق بیکی از اشخاص مندرج ماده (۷۴) این قانون تسلیم داده می‌شود.

۲- اگر مراهق سن هجده سالگی را تکمیل و دو ثلث جزای محکوم بها را در دار التأدیب سپری نموده باشد رهائی او وقتی صورت می‌گیرد که حسن رویه آینده خود را کتباً تعهد بنماید.

یو نوی یمه ماده:

هغه حکمونه چه په جرم کې د تکرار پوری او تبعی، تکمیلی او امنیتی تدبیرونو پوری مربوط دی په صغیر او مراهق د تطبیق وړ نه دی، مصادره، د ځای بندول او د هغه ځایونو څخه منع کول چه داخلاقو دانحراف باعث ګرځی له دې حکم څخه مستثنی دی.

ماده نود ویکم:

احکام متعلق به تکرار در جرم و جزاهای تبعی و تکمیلی وتدابیر امنیتی بر صغیر و مراهق قابل تطبیق نمی باشد. مصادره، مسدود ساختن محل و منع از رفتن به جا های که باعث انحراف اخلاق گردد ازین حکم مستثنی است.

دوه نوی یمه ماده:
په حبس باندی دنقدی جزأ تعویض دصغیر او مراهق په باره کښی جواز نه لری.

مادۀ نود و دوم:
تعویض جزای نقدی به حبس در مورد صغیر و مراهق جواز ندارد.

دری نوی یمه ماده:
هغه شخص چې دجرم دارتکاب په وخت کښې يې داتلس کلنی عمر پوره کړی او د شل کلنی عمر یی نه وی پوره کړی په اعدام نه شی محکومیدلی.
په دی حالت کې دوام لرونکی حبس داعدام قایم مقام ګرځی.*

مادۀ نود و سوم:
شخصی‌که هنگام ارتکاب جرم سن هجده سالگی را تکمیل و سن بیست سالگی را تکمیل نکرده باشد محکوم به اعدام شده نمی‌تواند.
درین حالت حبس دوام قایم مقام اعدام می گردد.*

دوه یم- دارادی نشتوالی
۱- اکراه

دوم - فقدان اراده
۱- اکراه

څلور نوی یمه ماده:
که شخص د مادی یا معنوی قوی دتاثیر لاندی چه دفع کول يې په بل ډول ممکن نه وی، دجرم په ارتکاب مجبور وګرځی، مسئول نه ګڼل کیږي.

مادۀ نودوچهارم:
شخصی‌که تحت تاثیر قوۀ مادی یا معنویی‌که دفع آن طور دیگری ممکن نباشد مجبور به ارتکاب جرم گردد، مسئول شناخته نمی شود.

* ماده ۹۳ تعدیل گردیده، در بخش تعدیلات مراجعه شود.

۲- اضطرار

پنځه نوی یمه ماده:
که یو شخص د خپل ځان یا خپل مال یا دبل چا د ځان یا مال د خلاصون په منظور د داسی لوی او سملاسی خطر سره مخامخ شی چه بی د جرمی عمل دارتکاب څخه د هغی په دفع کولو قادر نه وی مسؤل نه ګڼل کیږی، په دی شرط چه عمداً دذکر شوی خطر د پیدا کیدو سبب شوی نه وی او د کوم ضرر څخه چه ځان ژغوری د هغه ضرر څخه زیات شدید وي چه له جرم څخه پیدا کیږي.

دوه یم فصل
دحکمی اشخاصو مسئولیت

شپږ نوی یمه ماده:
۱- حکمی اشخاص د دولتی مؤسسو، دوایرواو تصدي ګانو په استثنی د هغه جرمونو څخه چه د هغوی ممثلین، رئیسان او وکیلان یي دوظیفی داجراء کولو په وخت کښې دحکمی اشخاصو په نامه او حساب ارتکاب کوونکی ګرځی

۲- اضطرار

مادۀ نود و پنجم:
شخصی‌که به منظور نجات نفس یا مال خود و یا نفس یا مال غیر به خطر بزرگ وآنی مواجه گردد به نحوی‌که بدون ارتکاب عمل جرمی قادر به دفع آن نباشد مسؤل شناخته نمی‌شود. مشروط بر این‌که شخص عمداً سبب ایجاد خطر مذکور نگردیده وضرر مورد اجتناب شدیدتر از ضرری باشد که از جرم نشأت می کند.

فصل دوم
مسئولیت اشخاص حکمی

ماده نود و ششم:
۱- اشخاص حکمی به استثنای مؤسسات، دوایر و تصدیهای دولت از جرایمی که ممثلین، رؤسا و وکلای آن در اثنای اجرای وظیفه بنام و حساب اشخاص حکمی مرتکب می گردند مسئول

مسئول ګڼل کیږي.
۲- محکمه نه شی کولی چه حکمی شخص په ارتکاب شوی جرم کې بې له نقدی جزأ، مصادری او امنیتی تدبیرونو چه په دی قانون کې ټاکل شوی محکوم کی.
۳- په هغه صورت کښې چه قانون په ارتکاب شوی جرم کې اصلي جزأ دنقدي جزا څخه په غیر بله جزا ټاکلی وی، دا جزأګانی په نقدی جزأ تعویضیږي.
۴- په پورتنی ترتیب دحکمی شخص محکومیت د حقیقی شخص چه د جرم ارتکاب کوونکی دی د هغه جزأګانو دتطبیق مانع نه ګرځی چه په دې قانون کښې ورته ټاکل شوی.

شناخته می‌شوند.
۲- محکمه نمی تواند شخص حکمی را بغیر از جزای نقدی مصادره وتدابیر امنیتی پیش بینی شده درین قانون محکوم نماید.
۳- در صورتی‌که قانون جزای اصلی را غیر از جزای نقدی برای جرمی‌که ارتکاب گردیده است پیش بینی نموده باشد این جزاها به جزای نقدی تعویض می‌گردد.
۴- محکومیت شخص حکمی به ترتیب فوق مانع تطبیق جزاهای پیش بینی شده این قانون در مورد شخص حقیقی مرتکب جرم نمی‌گردد.

څلورم باب
جزأ
لومړی فصل
اصلی جزأګانی

اووه نوی یمه ماده:
اصلي جزأګاني عبارت دی له:
۱- اعدام.
۲- دوام لرونکی حبس.
۳-اوږد حبس.
۴- متوسط حبس.
۵- لنډ حبس.
۶- نقدي جزأ.

اته نوی یمه ماده:
اعدام عبارت دی د محکوم علیه د دار د زوړندولو څخه د مرګ تر وخته پوری.*

نهه نوی یمه ماده:
۱- دوام لوونکی حبس عبارت دی د محکوم علیه د بندی کولو څخه په یوه محبس کښی چې ددولت له خوا ددې منظور دپاره تخصیص شوی وی.
۲- د دوام لرونکی حبس موده د شپاړسو څخه تر شلو کلونو پوری ده.

باب چهارم
جزا
فصل اول
جزاهای اصلی

مادۀ نود و هفتم:
جزاهای اصلی عبارت است از:
۱- اعدام.
۲- حبس دوام.
۳- حبس طویل.
۴- حبس متوسط.
۵- حبس قصیر.
۶- جزای نقدی.

مادۀ نود و هشتم:
اعدام عبارت است از آویختن محکوم علیه به دار تا وقت مرگ.*

مادۀ نود و نهم:
۱- حبس دوام عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه در یکی از محابسی که از طرف دولت به این منظور تخصیص یافته است.
۲- مدت حبس دوام از شانزده تا بیست سال می‌باشد.

* تعدیل ماده ۹۸ و قانون تحدید حکم اعدام در بخش تعدیلات این قانون آمده.

سلمه ماده:

۱- اوږد حبس عبارت دی دمحکوم علیه د بندی کولو څخه په یوه محبس کښی چه ددولت له خوادې منظور دپاره تخصیص شوی وی.

۲- د اوږده حبس موده دپنځو کلونو څخه کمه او پنځلس کلونو څخه زیاته نه وی.

۳- په دوام لرونکی او اوږده حبس کښی محکوم علیه مکلف دی چه هغه اصلاحی کارونه تر سره کې چه د محبسونو پوری په مربوط قانون کښې ټاکل شوی.

۴- هغه محبوس چه دشپیته کلنی عمر یی پوره کړی وی په کار کولو کـه څه هم اصلاحی وی مکلف نه دی.

یوسل او یوه ماده:

۱- متوسط حبس عبارت دی د محکوم علیه د بندی کولو څخه په یوه محبس کښې چه ددولت له خوا ددې منظور دپاره تخصیص شوی وی.

۲- دمتوسط حبس موده دیوه

مادۀ صدم:

۱- حبس طویل عبارت از زندانی ساختن محکوم علیه در یکی از محابسی که از طرف دولت باین منظور تخصیص یافته است.

۲- مدت حبس طویل از پنج سال کمتر و از پانزده سال بیشتر نمی باشد.

۳- در حبس دوام وحبس طویل محکوم علیه مکلف است کار های اصلاحی را انجام دهد که در قانون مربوط به محابس پیش بینی شده است.

۴- محبوسی‌که سن شصت سالگی را تکمیل کرده باشد به انجام کار، گرچه اصلاحی هم باشد مکلف نمی باشد.

مادۀ یکصدویکم:

۱- حبس متوسط عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه در یکی از محابسی که از طرف دولت باین منظور تخصیص یافته است.

۲- مدت حبس متوسط از

کاله څخه کمه او د پنځو کلونو څخه زیاته نه وی.

۳- په متوسط حبس محکوم علیه د هغه اصلاحی کارونو په کولو مکلف دی چه دمحبسونو پوری په مربوط قانون کښی ټاکل شوی.

یکسال کمتر و از پنج سال بیشتر نمی باشد.

۳- محکوم علیه به حبس متوسط مکلف به انجام کارهای اصلاحی می‌باشد که در قانون مربوط به محابس پیش بینی شده است.

یوسل او دوهمه ماده:

۱- لنډ حبس عبارت دی د محکوم علیه د بندی کولو څخه په یوه محبس کښې چه ددولت له خوا ددې منظور دپاره تخصیص شوی وی.

۲- دلنډ حبس موده د (۲۴) ساعتونو څخه کمه او دیوه کال څخه زیاته نه وی.

۳- په لنډ حبس محکوم علیه په هیڅ نوع کار کولو مکلف نه دی.

مادۀ یکصد و دوم:

۱- حبس قصیر عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه در یکی از محابسی که از طرف دولت باین منظور تخصیص یافته است.

۲- مدت حبس قصیر از بیست وچهار ساعت کمتر واز یك سال بیشتر نمی باشد.

۳- محکوم علیه به حبس قصیر مکلف به انجام هیچ نوع کار نمی‌باشد.

یوسل او درېیمه ماده:

۱- دحبس د جزأ محاسبه د هغی ورځی څخه پیل کیږی چه په هغی کښې محکوم علیه په محبس کې بندي شوی دی.

۲- دتوقیف موده د محکوم بها د

مادۀ یکصدو سوم:

۱- محاسبه جزای حبس از روزی آغاز می یابد که محکوم علیه در آن به محبس زندانی شده است.

۲- مدت توقیف از مدت حبس

حبس له مودې څخه کمیږي.

محکوم بها کاسته می شود.

یوسل او څلورمه ماده:
نقدی جزأ عبارت ده د محکوم علیه دمکلف کولو څخه د محکوم بها پیسو په ورکولو سره د دولت خزانې ته.

مادۀ یکصدوچهارم:
جزای نقدی عبارت است از مکلف ساختن محکوم علیه به پرداخت مبلغ محکوم بها به خزانه دولت.

یوسل اوپنځمه ماده:
نقدي جزأ په افغاني پیسو تاکل کیږي.

مادۀ یکصدو پنجم:
جزای نقدی به پول افغانی تعیین می‌شود.

یوسل اوشپږمه ماده:
دنقدی جزأ کمه اندازه دپنځوس افغانیو څخه نه شی کمېدلی.

مادۀ یکصدوششم:
حد اقل جزای نقدی از پنجاه افغانی کمتر بوده نمی تواند.

یوسل او اوومه ماده:
د نقدي جزأ کمه اندازه او زیاته اندازه د قانون په حکم تاکل کیږي. مګر داچه په قانون کښې بل ډول تصریح شوی وی.

مادۀ یکصدو هفتم:
حداقل و حداکثر جزای نقدی به حکم قانون تعیین می گردد. مگر اینکه در قانون طور دیگری تصریح یافته باشد.

یوسلو اتمه ماده:
محکمه به د نقدی جزأ په تاکلو کښې دکمی او زیاتی تاکل شوی جزأ ترمنځ د راتلونکو شرطونو او حالونو مراعات کوی:

مادۀ یکصدوهشتم:
محکمه در تعیین جزای نقدی بین حداقل و حداکثر پیش بینی شده شرایط واحوال آتی را رعایت می نماید:

۱- د جزائي هدف تأمين.
۲- دارتکاب کوونکی شخص، اجتماعي او اقتصادی حالونه.
۳- دهغی ګټی اندازه چه دجرم دارتکاب څخه حاصله شوی یایی د حاصلولو هیله کیږي.
۴- دهغه حق ښیګڼی نوعیت چه پری تپری شوی دی.

۱- تأمین هدف جزائی.
۲- احوال شخصی، اجتماعی و اقتصادی مرتکب.
۳- اندازه مفادی که از ارتکاب جرم حاصل گردیده یا توقع استحصال آن برده می‌شد.
۴- نوعیت حق یا مصلحتی که مورد تجاوز قرار گرفته است.

یوسل او نهمه ماده:
محکمه کولی شی دخپل تشخیص یا دځارنوا ل دغوښتنی په اساس ددې قانون د (۱۰۸) مادې درج شوو شرطونو او حالونو په نظر کښې نیولو سره دنقدي جزأ زیاته ټاکل شوی جزأ تر دوه چنده پوري پورته بوځی په دی شرط چه دنقدي جزأ دزیاتی اندازی پورته ورډل دمحکوم علیه د ټولی شتمنی دمنځه ورلو ته منجر نه شی.

مادۀ یکصدو نهم:
محکمه می‌تواند باساس تشخیص خود یا مطالبه څارنوال حد اکثر پیش بینی شده جزای نقدی را با رعایت شرایط واحوال مندرج ماده (۱۰۸) این قانون تا دو چند آن بالابرد، مشروط بر اینکه بالابردن حداکثر جزای نقدی به ازبین بردن کلی دارائی محکوم علیه منجر نشود.

یوسل او لسمه ماده:
په جنایتونو کښې دنقدي جزأ ټاکل جواز نه لری مګر هله چه قانون پری په صراحت حکم کړی وی.

مادۀ یکصدو دهم:
تعیین جزای نقدی در جنایات جواز ندارد مگر اینکه قانون صراحتاً به آن حکم نموده باشد.

یوسل او یوولسمه ماده:
دنقدي جزأ ورکول دجزأیی

مادۀ یکصدو یازدهم:
پرداخت جزای نقدی مطابق به

اجـراآتو د قـانون د حکمونـو سره سم صورت مومی.

احکـام قـانون اجـراآت جزائـی صورت می‌گیـرد.

دوهم فصل
تبعی جزأګانی

فصل دوم
جزاهای تبعی

یوسل او دوولسمه ماده:
تبعی جزأګانی د هغه مجازات څخه عبارت دی چه په محکوم علیه د قـانون پـه حکـم بـی لـه دی چـه د محکمی په حکم کې تصریح شی تطبیقیږی.

مادۀ یکصدو دوازدهم:
جزاهای تبعی عبارت از مجازاتی است کـه بـالای محکـوم علیـه بـه حکم قانون بدون این‌که در حکم محکمـه تـصریح گـردد تطبیـق می‌شود.

یوسل او دیارلسمه ماده:
۱- هغه شخص چه په دوام لرونکی حبس یا په اوږده حبـس چه دلسو کلونو څخه زیات وی محکوم شی د راتلونکـو حقـوقو او امـتیازونو څخه هم محرومیږي:
۱- د دولت ماموریت.
۲- په اردو کښې خدمت.
۳- دپارلمـان، ښاروالیو، دولایتـی او محلی جرګو دغړیتوب.
۴- پـــه انتخابـــاتو کـــې درای ورکوونکی‌په حیث دبرخی‌اخستل.
۵- د دولتـی عنوانونـو داستعمـال او دنښانونو دزوړنـدولو څخه اعـم

مادۀ یکصدو سیزدهم:
۱- شخصی‌که بـــه حبـــس دوام یـا حبـــس طـویـل بیـــش از ده ســـال محـکـــوم گـــردد از حقـــوق وامتـــیازات آتـــی نـــیز محروم می‌شـود:
۱- ماموریت دولت.
۲- خدمت در اردو.
۳- عضویت پارلمان، شاروالیها، جرگه های ولایتی و محلی.
۴- سهمـگیری در انتـخابات به حـیث رأی دهـنده.
۵- استعـمـــال عـــناویـــن و تعـــلیق نشانـهای دولتی اعم از

له دی چه کورنی وی اوکه دباندنی.
۶- دشرکتونو او بانکونو په مدیره هیئت کښې غړیتوب.
۷- وصایت او قیمومیت او په معاملو او دعوو کښې وکالت.
۸- دمحکومیت په موده کې په قرار دادونو او معاملو کښې شهادت.
۹- د دولتی دوایرو سره دقرار داد کول، یا ددولت له خوا امتیاز تر لاسه کول.
۱۰- دمجلو او ورځپاڼو د امتیاز خاوند، مسئول مدیر او دتحریر دهیئت رئیس.
۱۱- د محکومیت په موده کښې د مالونو او املاکو اداره کول، وقف او وصیت استثنی دی.
۲- که محکوم علیه د حکم دصادریدلو په وخت کې دیوه پورتنی حقوقو او امتیازونو څخه مستفید وی، د حکم دصادریدو سره یوځای ورڅخه محرومیږي.

داخلی و خارجی.
۶- عضویت در هیأت مدیره شرکتها وبانکها.
۷- وصایت، قیمومیت ووکالت در معاملات ودعاوی.
۸- شهادت در عقود و معاملات در مدت محکومیت.
۹- عقد قرار داد با دوایر دولتی ویا کسب امتیاز از طرف دولت.
۱۰- صاحب امتیاز، مدیر مسئول، ریاست هیأت تحریر مجلات و روزنامه ها.
۱۱- ادارهٔ اموال واملاك در مدت محکومیت با استثنای وقف ووصیت.
۲- هرگاه محکوم علیه وقت صدور حکم از یکی از حقوق و امتیازات فوق مستفید باشد بمجرد صدور حکم از آن محروم می گردد.

یوسل او څوارلسمه ماده:
۱- په مالونو کښې د اداری او د تصرف محرومیت د ضرورت په حالت کښې په مؤقتی توګه د

مادهٔ یکصدو چهاردهم:
۱- محرومیت از اداره و تصرف در اموال در حالت ضرورت به اجازه محکمه

محکمی په اجازه مرفوع کیدای شی.
۲- کـه محکوم علیـه هر نوع تعهد بی د محکمی د اجازی وکی د هغـی صحت او عـدم صحت د ذکر شـوی محکمې د اجازی پوری موقوف دی.

یوسل او پنځلسمه ماده:
۱- محکمـه کـولی شـی ددوام لرونکی یـا دلـسو کلونـو څخـه پـه زیـات اوږده حبس محکـوم علیـه د غوښتنی په اساس څارنوال یا بـل د علاقـی خاونـد د هغـه د مـالونو د اداری او سرپرسـتی د پـاره قـیم وټاکی.
۲- محکمه به قیم د مال د ضمانت په ورکولو مکلـفوی او هغـه تـه بـه ددې وظیفـی پـه مقـابل کـښې مـناسبه اجـوره ټـاکی.
۳- دقیم تـصرفونه د هغـی مـالونو په باره کښې چه د اداری لاندی یی دی دهغـی محکمـی دنظـارت تـابع دی چه قیم یی ټـاکلی.
۴- دقیمومیـت لاتـدی مـالونه د مجـازات د تطبیـق څخـه یـا دهغـی دتیریـدو وروسـته چـه پـه هـر سـبب مـؤقـتـاً مـرفـوع شـده مـی‌تـواند.
۲- هر نوع تعهدی را که محکوم علیـه بـدون اجـازۀ محکمـه بعمـل آورد صـحت وعـدم صـحت آن موقـوف بـه اجـازه محکمـه مذکور شناخته می‌شود.

مادۀ یکصدو پانزدهم:
۱-محکمـه مـی توانـد باسـاس مطالبه محکوم علیه به حبس دوام یـا حبس طویـل بیـش از ده سـال یـا څـارنوال ویـا شخـص ذیـعـلاقـه بـرای اداره و سـر پرسـتـی امـوال وی قیـم تعیین نماید.
۲- محکمـه قـیم را بـه دادن ضـمانت بالـمال مکلـف نمـوده و اجـراآت مناسـب را در برابـر ایـن وظیفه برای وی تعیین می‌نماید.
۳- تصـرفات قیم در مورد امـوال تحـت اداره وی تابـع نظـارت محکمـه مـی باشـد کـه قیـم را تعییـن نموده است.
۴- امـوال تـحت قیـمومیت بعـد از تطبیـق مجـازات ویـا انقـضای آن بنـابر هـر سـببی کـه

بناوی ذکر شوی محکوم ته بیرته ورکول کیږی او قیم به دخپلی اداری لاندی دمربوطو مالونو دحساب صورت هغه ته ښکاره کوی.

باشد به محکوم مذکور مسترد می‌شود و قیم صورت حساب مربوط به اموال تحت ادارهٔ خود را به وی ارائه می‌نماید.

یوسل اوشپاړسمه ماده:

۱- هغه شخص چه داعدام په جزأ محکومیږی د حکم د تنفیذیدو تر وخته ددې قانون د (۱۱۳) مادی د (۱- ۱۱) فقرو دمندرجو حقوقو او امتیازونو څخه محروم پیژندل کیږي.

۲- هغه شخص چه په اعدام محکوم شوی وی حقوقی تصرفونه یی باطل دی، محکمه کولی شی دځارنوا ل یا دنورو علاقی لرونکو اشخاصو دغوښتنی په اساس د هغه د مالونو د سرپرستی او اداری دپاره قیم وټاکی.

مادهٔ یکصدو شانزدهم:

۱- شخصی‌که به جزای اعدام محکوم می گردد تا زمان تنفیذ حکم از حقوق وامتیازات مندرج فقرات (۱-۱۱) مادهٔ (۱۱۳) این قانون محروم شناخته می شود.

۲- تصرفات حقوقی شخص محکوم به اعدام باطل شمرده شده محکمه می تواند باساس مطالبه څارنوال یا سایر اشخاص ذیعلاقه برای سرپرستی و اداره اموا ل وی قیم تعیین نماید.

درېیم فصل
تکمیلی جزأګانی

فصل سوم
جزاهای تکمیلی

یوسل او اووه لسمه ماده:

تکمیلی جزأګانی عبارت له:

۱- دځینو حقوقو او امتیازونو

مادهٔ یکصدو هفدهم:

جزاهای تکمیلی عبارت است از:

۱- محرومیت از بعضی

څخه محرومیت.
۲- مصادره.
۳- دحکم خپرول.

حقوق و امتیازات.
۲- مصادره.
۳- نشر حکم.

یوسل او اتلسمه ماده:
۱- محکمه کولی شی کوم وخت چه په اوږده حبس تر لس کلو پوری یا په متوسط حبس حکم کوی د جرم په اصلی جزأ علاوه شخص ددې قانون د (۱۱۳) مادی د (۱ - ۱۱) درج شوو فقرو د ځینو حقوقو او امتیازونو څخه محروم کې په دې شرط چه د محرومیت موده دیوه کال څخه کمه او ددری کلونو څخه زیاته نه وی.
۲- تکمیلی جزأ د اصلی جزأ دتطبیق څخه یا د هغی د تیریدو وروسته په هر سبب چه وی تنفیذ یږي.

مادۀ یکصدو هجدهم:
۱- محکمه می تواند هنگام حکم به حبس طویل الی ده سال یا حکم به حبس متوسط علاوه بر جزای اصلی جرم شخص را از بعضی حقوق وامتیازات مندرج فقرات (۱-۱۱) مندرج مادۀ (۱۱۳) این قانون محروم سازد مشروط بر اینکه مدت محرومیت از یکسال کمتر واز سه سال بیشتر نباشد.
۲- جزای تکمیلی بعد از تطبیق جزای اصلی و یا انقضای آن به هر سببی که باشد تنفیذ می گردد.

یوسل اونولسمه ماده:
۱- محکمه کولی شی په هغه مواردو کښې چه قانون مصادره د جزأ په حیث نه وی تاکلی د هغه شیانو په مصادره چه د جرم دارتکاب څخه لاس ته راغلی وی یا دهغی په ارتکاب کښې استعمال

مادۀ یکصدو نزدهم:
۱- محکمه می تواند در مواردی- که قانون مصادره را به حیث جزا پیش بینی نکرده باشد به مصادره اشیائی که از ارتکاب جرم به دست آمده یا در ارتکاب آن استعمال گردیده ویا

شـــوی وی یـا دجـرم پـه ارتکـاب کښې داستعمال په قصد تیار شوی وی حکم وکی.
۲- پـه مـصادری حکـم پـه هـیڅ صورت د بل چا حقـوق چه دښـه نیت لرونکی وی نه اخلالوی.

به قـصد استـعمال در ارتکاب جرم تهـیه شـده بـاشد حکـم نـماید.
۲- حکم به مصادره به هیچ وجه حقـوق غیـر را کـه صـاحب حسن نیت باشد اخلال نمی نماید.

یوسل او شلمه ماده:
۱- محکمـه کـولی شـی چـه پخپلـه خوښه یـا د ځارنـوال د غـوښتـنی په اساس د حکم خپـرول پـه فیصله کښې تصریح کې.
۲- دحکـم خپـرول دهغـی دقطعـی کیدو تر مخه جواز نه لری.
۳- دقـذف، سپکاوی او ښـکنځلو پـه جرمونـو کـښې دمجـنی علیـه موافقـه د حکـم پـه افـشاء کولـو او خپرولو کښی حتمی ده.
۴- کـــه دقـــذف، ســـپکاوی او ښـــکنځلو جرمونـــه دمطبوعـــاتی وسـیلو دلاری صـورت مونـدلی وی محکمه به د هغی دخپریدو په بـاره کـــښې ددې مـــادی د (۳) فقـــری دحکم پـه نظر کـښې نیولـو سره د عین وسیلی په واسطی حکم کوی. پـه هغـه صـورت کې چې د معقـول عـذر څخـه پرتـه د حکـم د خپریـدو

مادۀ یکصدو بیستم:
۱- محکمـه مـی توانـد بـه اسـاس صـواب دیـد خـود ویـا مطـالبه څارنوال نـــشر حکم را در فیصله تصریح نماید.
۲- نـشر حـکم قـبل از قطـعی شدن آن جواز ندارد.
۳- در جـــرایم قـــذف، تـــوهین و دشـــنام مـــوافقـت مجـــنی علـــیه در افـــشاء ونـشر حکـم حتمی می باشد.
۴- هـــرگـــاه جـــرم قـــذف، تـــوهین و دشـــنام از طـــریـــق وســـایـــل مطبـــوعاتـــی صـــورت گـرفته باشد محکـــمه بـــه نـشـر آن بـا رعایت حکم فقـره (۳) ایـــن مـــاده توسـط عـین وسیلـه حکم مـی‌نمـایـد. در صـورت امتـــناع یـا تعـــلل بـــدون عـذر معـــقول از نـشـر

څخه امتناع یا تعلل وشی مسئول مدیر په نقدی جزأ چه د (پنځه زرو) افغانیو څخه زیاته نه وی محکومیږی.

حکم مدیر مسئول به جزای نقدیی ایکه بیش از (پنج هزار) افغانی نباشد محکوم می‌گردد.

څلورم فصل
امنیتي تدبیرونه
لومړی قسمت
عمومی حکمونه

فصل چهارم
تدابیر امنیتی
قسمت اول
احکام عمومی

یوسل اویوویشتمه ماده:

۱- محکمه هغه وخت ددې قانون په ټاکل شوو امنیتی تدبیرونو حکم کوی چه ثابته شی چه محکوم علیه د داسې عمل ارتکاب کوونکی ګرځیدلی دی چه د قانون په حکم جرم شمیرل شوی او د مجرم حالت دعمومی امنیت په ضد خطر وګڼل شی.

۲- د مجرم حالت هغه وخت د عمومی امنیت په ضد خطر ګڼل کیږی چه د هغه درویی څخه په حال او تیره زمانه کښې اویا د جرم د ارتکاب دحالونو او علتونو څخه داسی جدی احتمال وشی چه مجرم به د بل جرم ارتکاب ته اقدام وکی.

۳- امنیتي تدبیرونه یواځی ددې

مادۀ یکصدو بیست ویکم:

۱- محکمه وقتی به تدابیر امنیتی پیش بینی شده این قانون حکم می نماید که ثابت گردد شخص محکوم علیه مرتکب عملی گردیده است که به حکم قانون جرم شمرده شده وحالت مجرم علیه امنیت عامه خطر پنداشته شود.

۲- حالت مجرم وقتی علیه امنیت عامه خطر پنداشته می‌شود که از رویه او در حال وگذشته و یا از حالات وعلل ارتکاب جرم احتمال جدی آن برود که مجرم به ارتکاب جرم دیگری اقدام می نماید.

۳- تدابیر امنیتی تنها در حالات

قانون تاکل شوو حالونو او شرطونو کښې د محکمی د حکم مورد کیدی شی.

یوسل او دوه ویشتمه ماده:
امنیتی تدبیرونه عبارت دي له:
۱- د آزادي سلب کوونکی تدبیرونه.
۲- د آزادی تحدیدوونکی تدبیرونه.
۳- د حقوقو سلب کوونکی تدبیرونه.
۴- مالی تدبیرونه.

دوه یم قسمت
د آزادی سلب کوونکی او تحدیدوونکی تدبیرونه
۱- په مربوطو روغتونو کښې حجز

یوسل او درویشتمه ماده:
۱- محکمه کولی شی چه دمحکوم علیه دحجز د عقلی او عصبی مرضونو په یوه روغتون یا په بل کوم صحی مرکز کې چه د دولت له خوا ددې منظور دپاره تخصیص شوی د هغه د صحی وضعی دپاملرنی دپاره وشروط پیش بینی شدهٔ این قانون مورد حکم محکمه قرار گرفته می تواند.

مادهٔ یکصدو بیست ودوم:
تدابیر امنیتی عبارت است از:
۱- تدابیر سلب کنندهٔ آزادی.
۲- تدابیر تجدید کنندهٔ آزادی.
۳- تدابیر سلب کنندهٔ حقوق.
۴- تدابیر مالی.

قسمت دوم
تدابیر امنیتی سلب کننده و تحدید کنندهٔ آزادی
۱- حجز در روغتون های مربوط

مادهٔ یکصدو بیست و سوم:
۱- محکمه می‌تواند محکوم علیه را به حجز در یکی از روغتون‌های امراض عقلی و عصبی و یا مراکز صحی دیگری که از طرف دولت به این منظور تخصیص یافته است جهت اهتمام بوضع صحی وی حکم

حکم وکی.
۲- په دې صورت کې به د حجز موده دشپږو میاشتو کمه نه وی.
۳- د روغتون اداره او نور صحی مرکزونه مکلف دی چه دحجز د محکوم به دصحي وضعی راپور د معالجو ډاکترانو دنظریی د اخستلو وروسته په هرو شپږو میاشتو کښی محکمی ته ښکاره کی. محکمه کولی شی د ښکاره شوی راپور په اساس د هغه په خارجیدلو حکم وکی.
۴- محکمه کولی شی د ځارنوال یا دعلاقی لرونکی شخص دغوښتنی په اساس دمعالجو ډاکټرانو په موافقه په روغتون کښې یا په مربوط صحی مرکز کې د محکوم علیه په حجز بیا حکم وکی.

۲- په ځینی ځایونو کښی د ګرځیدلو او استوګنی منع یوسلو او څلیر ویشتمه ماده:

۱- محکمه هغه وخت د شخص دګرځیدلو په منع کیدو د هغه ځایو څخه چه د اخلاقی انحرافونو موجب ګرځی او د شخص موجودیت په هغی ځای کښې نماید.
۲- مدت حجز درینصورت از شش ماه کمتر بوده نمی تواند.
۳- اداره روغتون وسایر مراکز صحی مکلف است راپور وضع صحی محکوم به حجز را بعد از گرفتن نظر دوکتوران معالج در هر شش ماه به محکمه ارائه نماید. محکمه می تواند به اساس راپور ارائه شده به اخراج او حکم نماید.
۴- محکمه می تواند باساس مطالبه څارنوال یا شخص ذیعلاقه و موافقه دوکتوران معالج به حجز محکوم علیه در روغتون و یا مرکز صحی مربوط مجدداً حکم نماید.

۲- منع گشت وگذار وبود و باش در بعضی محلات

مادۀ یکصدو بیست وچهارم:

۱- محکمه وقتی به منع شخص از گشت وگذار در محلاتی‌که موجب انحراف اخلاقی گردد حکم می نماید که بودن وی در آن جا

په قوي احتمال د جرم د ارتکاب د تکرار سبب ګرځی حکم کوي.

۲- که شخص له یوځل څخه زیات دمخدره یا نیشه یي موادو د جرم د استعمال په ارتکاب مجازات شی محکمه کولی شی چه هغه په اصلی جزأ علاوه دیوه یا څو ځایونو څخه منع کی. د دې ممانعت موده ددری کلونو څخه زیاتیدلی نه شی.

یوسل او پنځه ویشتمه ماده:

محکمه کولی شی په اصلی جزأ علاوه شخص په معینو ځایونو کښې دجزأ د تطبیق یا د هغی د تیریدلو وروسته داوسیدلو څخه منع کی. ددې ممانعت موده دیوه کال څخه کمه او دپنځو کلو څخه زیاتیدی نه شی. په دی حالت کښې به محکمه د محکوم علیه صحی، نفسي، روحي او اجتماعي وضعه په نظر کښې نیسي.

یوسل او شپږ ویشتمه ماده:

محکمه کولی شی د حیثیت سره منافی د جنایت یا جنحی محکوم به احتمال قوی سبب تکرار ارتکاب جرم گردد.

۲- اگر شخص بیش از یکمرتبه به ارتکاب جرم استعمال مواد مخدره یا مسکره مجازات گردد محکمه می تواند وی را علاوه بر جزای اصلی از گشت وگذار در یك یا چند محل منع نماید. مدت این ممانعت از سه سال بیشتر بوده نمی تواند.

مادۀ یکصدو بیست وپنجم:

محکمه می تواند علاوه بر جزای اصلی شخص را از بود وباش در محلات معین بعد از تطبیق جزایا انقضای آن منع نماید. مدت این ممانعت از یکسال کمتر واز پنج سال بیشتر بوده نمی تواند. درین حالت محکمه وضع صحی، نفسی، روانی واجتماعی محکوم علیه را در نظر می گیرد.

مادۀ یکصدوبیست وششم:

محکمه می تواند محکوم علیه به جنایت یا جنحه منافی حیثیت را

علیه په اصلي جزأ علاوه په خاصو ځایونو کښې داوسیدلو څخه منع کی. د اوسیدلو دمنع کیدلو حکم دځارنوال یا دمحکوم علیه دغوښتنې په اساس تعدیل یا لغو کیدی شی.

علاوه بر جزای اصلی از بود وبه اش در محلات خاص منع نماید. حکم منع بود وباش باساس مطالبه څارنوال یا محکوم علیه تعدیل یا لغو شده می تواند.

درېیم قسمت
د حقوقو سلب کوونکی امنیتي تدبیرونه
۱- دولایت، وصایت او قیمومیت ساقطیدل

قسمت سوم
تدابیر امنیتی سلب کنندۀ حقوق
۱- سقوط ولایت، وصایت و قیمومیت

یوسل او اووه ویشتمه ماده:
دولایت، وصایت او قیمومیت ساقطیدل د محکوم علیه محرومیدل دی، ددې نوع سلطی څخه اعم له دې چه دنفس یا مال پوری مربوط وی.

مادۀ یکصدو بیست وهفتم:
سقوط ولایت، و صایت و قیمومیت محروم ساختن محکوم علیه است از اعمال این نوع سلطه‌ها بر دیگران اعم از این‌که مربوط به نفس یا مال باشد.

یوسل او اته ویشتمه ماده:
محکمه کولی شی په لاندنیو حالونو کښې د شخص دولایت، وصایت یا قیمومیت په ساقطیدو حکم وکی:
۱- که ولی، وصی یا قیم دداسی جنحی مرتکب شی چه د ذکر شوو

مادۀ یکصدو بیست وهشتم:
محکمه می تواند در حالات آتی به اسقاط ولایت، وصایت یا قیمومیت شخص حکم نماید:
۱- اگر ولی، وصی یا قیم مرتکب جنحه، ناشی از اخلال مکلفیت

وظیفـو پـوری مربـوط قـانونی مکلفیتونه اخلال کی.
۲- که ولی، وصی یا قیم ددا سی جـرم مرتکـب شـی چـه دولایـت، وصـایت یـا قیمومیت دوظیفـو پـه اجرأ کولـو کـښې یې بی کفـایتی ثابته کی.

۲- دکـسب او کـار د مـشغولیت څخه محرومیدل.

یوسل اونهه ویشتمه ماده:
د کسب او کـار د مـشغولیت څخـه محرومیـدل د شـخص دهـر نـوع کسب، کار او صنعتی ، تجارتی او فنی فعـالیتونو څخه منع کیـدو تـه شـامل دی چـه پـه هغـی مـشغولتیا قانونـاً دیـوی رسـمی صـلاحیت لرونکـی مرجـع د اجـازی پـوری مربوط وی.

یوسل او دیرشمه ماده:
۱- کـه شـخص ددا سی جنایـت یـا جنحـی د ارتکـاب پـه سـبب چـه د مربوط کسب او کـار د مکلفیتونو د اخـلا ل څخـه پیـدا شـوی وی د حبس پـه جـزأ چـه دشـپږو میاشـتو هـای قـانونی مربـوط بـه وظـایف متذکره گردد.
۲- اگر ولی، وصی یا قیم مرتکب جرمـی گـردد کـه عـدم کفایـت او را در اجـــرای وظیفـــه ولایت وصایت یـا قیمومیت ثابت سازد.

۲- محرومـیت از اشـتغال بـه پیـشه وحرفه.

مادۀ یکصدوبیست ونهم:
محـرومیـت ازاشـتغال بـه پیـشه و حرفـه شـامل منـع شـخص از انجـام هـر نـوع پیـشه وحـرفه وفـعالیت هـای صـنعتی، تجارتی و فنی ای می باشـد کـه اشتـغال بـه آن قانونـاً متـعلق بـه اجازۀ یك مرجع با صلاحیت رسمی باشد.

مادۀ یکصدوسی ام:
۱- هرگاه شخص به سبب ارتکاب جنایـت یـا جنحـه ناشـی از اخـلال مکلفیـت هـای مربـوط بـه پیـشه یـا حرفه به جزای حبس که از شش ماه کمتر نباشد محکوم گردد محکمه

کمه نه وی محکوم شی، محکمه کولی شی چه هغه په اصلی جزأ علاوه د مربوط کسب او کار څخه محروم کی، ددې محرومیت موده دیوه کال څخه زیاتیدی نه شي.

۲- کـه نومـوړی محکـوم علیـه د مربوط کـار او کسب دمشغولیت څخه د محرومیت دمودی دپای ته رسیدو، وروسته د آخرنی حکم د نښې دصادریدو څخه تر پنځو کلو پـوری عـین جـرم یـا دلمړنـی جـرم مماثـل بیـا مرتکـب شـی، محکمـه کولی شی چه په اصلی جزأ عـلاوه د مربوط کسب او کـار د مـشغولیت څخـه د هغـه پـه محرومیـت حکـم وکـی، ددی محرومیت مـوده ددری کلونو څخه زیاتیدای نه شی.

یوسل او یو دیرشمه ماده:

کـه شـخص د ترافیکـی جـرم د ارتکـاب پـه سـبب پـه جـزأ محکـوم شی محکمه کولی شی چه په اصلی جزأ علاوه هغه د موټروانی د کسب د مشغولیت او د موټروانی د جواز د نوی کولو څخه محروم کی، ددې محرومیـت مـوده ددری میاشـتو څخـه کمـه او ددری کلونـو څخـه زیاته کیدی نه شی.

مـی توانـد اورا عـلاوه بـر جـزای اصلی از اشتغال به پیشۀ یـا حرفۀ مربوط محروم نمایـد، مـدت ایـن محرومیت از یکسال بیشتر بوده نمی تواند.

۲- اگـر محکـوم علـیه مذکور بعـد از انتهـای مـدت محرومـیت از اشتغال به پیـشه وحـرفه مربوط در خـلال پنج سال از تـاریخ صدور حکـم نهـایی عین جـرم یـا مماثل جرم اولی را تکـراراً مرتکـب گـردد محکمـه می تواند علاوه بر جزای اصلی بـه محرومیت وی از اشـتغال بـه پیشه یا حرفه مربوط حکم نماید، مـدت ایـن محرومیت از سه سال بیشتر بـوده نمی‌تواند.

مادۀ یکصدو سی ویکم:

هـرگـاه شـخص به سبب ارتکاب جرم ترافیکی محکوم به جزا گردد محکمه می تـواند اورا عـلاوه بـر جـزای اصـلی از اشـتغال بـه پیشه رانندگی وتجدید جـواز رانندگی محـروم نمایـد، مـدت ایـن محرومیـت از سـه مـاه کمـتر واز سـه سـال بیـشتر بـوده نمـی تواند.

څلورم قسمت
مالي امنیتی تدبیرونه
۱- مصادره

یوسل او دوه دیرشمه ماده:
که ضبط شوی شیان ددا سی شیانو د جملی څخه وی چه جوړول، استعمال، ساتل، عرضه کول او خرڅول یی پخپل ذات کښې جرم وی محکمه به په هر حال د هغی په مصادره حکم کوی که څه هم ذکر شوی شیان د محکوم علیه ملکیت نه وی اویا تورن د محکمی څخه برائت حاصل کی.

۲- د محل بندول

یوسل او دری دیرشمه ماده:
د هغه جرمونو په باره کښې چه قانون د هغی په جزأګانو کې د جرم دارتکاب د محل بندیدل تاکلی وی، محکمه کولی شی تورن د اصلی جزأ څخه علاوه د هغه ځای په بندولو محکوم کې چه د جرم د ارتکاب په مقصد ورڅخه کار اخیستل شوی.
د بندیدلو موده د یوی میاشتی

قسمت چهارم
تدابیر امنیتی مالی
۱- مصادره

مادۀ یکصدو سی و دوم:
هرگاه اشیای ضبط شده از جمله اشیای باشد که ساختن، استعمال، نگهداشت، عرضه وفروش آن به ذات خود جرم شمرده شود محکمه به همه حال به مصادره آن حکم می‌نماید، گرچه اشیای مذکور ملکیت محکوم علیه نباشد ویا متهم از محکمه برائت حاصل نماید.

۲- مسدود ساختن محل

مادۀ یکصدو سی وسوم:
جرایمی‌که قانون در جزا های آن مسدود ساختن محل ارتکاب جرم را پیشبینی نموده باشد محکمه میتواند متهم را علاوه بر جزا های پیش بینی شده به مسدود ساختن محلی‌که به مقصد ارتکاب جرم از آن کار گرفته شده محکوم نماید.
مدت مسدودیت از یکماه

څخه کمه او د یوه کال څخه زیاتیدی نه شی.

کمتر و از یکسال بیشتر بوده نمی تواند.

یوسل او څلور دیرشمه ماده:

۱- د جرم د ارتکاب د محل د بندیدلو حکم د شخص تجارتی، صنعتی یا د محل پوری د مربوط کسب او کار فعالیت محرومیت ته شامل دی.

۲- په پورتنی حالت کښې د شخص محرومیت د محکوم علیه خپلوانو او نورو هغه اشخاصو ته شامل دی چه محکوم علیه د جرم د ارتکاب محل د جرم دارتکاب څخه وروسته هغوی ته پریږدی او یا یی په اجاره ورکوی.

۳- د محل مالک یا بل شخص چه د جرم د ارتکاب په محل کښې عینی حق ولری که د جرمی عمل پوری ارتباط ونه لری د پورتنی محرومیت لاندی نه واقع کیږی.

مادۀ یکصدو سی وچهارم:

۱- حکم به مسدود ساختن محل ارتکاب جرم شامل محرومیت شخص از اشتغال به فعالیت های تجارتی، صنعتی ویا پیشه یا حرفه مربوط به آن محل شناخته می شود.

۲- محرومیت شخص در حالت فوق شامل اقارب محکوم علیه وسایر اشخاص می باشد که محکوم علیه محل ارتکاب جرم را بعد از وقوع جرم به آنها واگذار شده ویا به اجاره داده باشد.

۳- مالك محل ویا هر شخص دیگریکه در محل ارتکاب جرم حق عینی داشته باشداگر به عمل جرمی ارتباط نداشته باشد تحت محرومیت فوق قرار نمی گیرد.

۳- د حکمی شخص د فعالیت متوقف کول او د هغی انحلال

یوسل او پنځه دیرشمه ماده:
کـه د حکمـی شـخص یـو رئـیس ، مـدیر، ممثـل یـا قـانونی وکیـل د حکمی شخصیت په نوم او حساب د جنایـت یـا جنحـی ارتکـاب کوونکی وګرځی او د هغی په سبب د حبس په جزأ چه د شپږو میاشتو څخه زیاته وی محکوم شوی وی، محکمـه کـولی شـی چـه د حکمـی شـخص فعالیـت متوقـف کـی، دتوقـف مـوده ددری میاشـتو څخـه کمه او ددری کلونـو څخـه زیاتیـدی نه شی، د جنایت او جنحی دتکرار په صورت کښې محکمه به دهغی په انحلال حکم کوی.

یوسل او شپږ دیرشمه ماده:
۱- د حکمـی شـخص د فعالیـت متوقف کول په محکوم بها مـوده کښی د حکمی شخصیت مربوطه اعمـالو د مـشغولیـت مـنع کیدو تـه شـامل دی، کـه څـه هـم د ځـانګـړی عنـوان یـا د ځـانګړی عامـل هیئـت د اداری لاښـدی

۳- متوقف ساختن فعالیت شخص حکمی وانحلال آن

مادۀ یکصدو سی وپنجم:
هـرګـاه یـك رئیـس، مـدیر ، ممثـل یـا وکیـل قـانونی شخـص حکمی به نـام و حساب خصـیت حکمـی مرتکـب جنـایت یـا جنـحه گـردد وبـه سبب آن بـه جزای حبس بیـش از شـشماه محکوم شـده بـاشـد ، محکمه مـی‌تـواند فعالیـت شخـص حکمی را متوقف سـازد. مـدت تـوقف از سـه مـاه کمتر واز سه سال بیـشتر بـوده نـمی توانـد در صـورت تکرار جنایت یـا جنحه محکـمه بـه انحـلال آن حکم مـی نماید.

مادۀ یکصدوسی وششم:
۱- مـتوقف ساخـتن فـعالیـت شـخص حکمـی شـامل منـع از اشـتغال بـه اعمـال مربـوط بـه شخـصیت حکـمی در مـدت محکوم بـها مـی‌باشد ، گـر چـه به عنوان و یا تحت اداره هیـئت عـامل جداګانه صورت

صورت ونیسي.
۲- په حکمی شخصیت دانحلال حکم د هغه د شتمنی تصفیی او د ټولو حقوقی تصرفونو او اداری تشکیلونو لغو کیدوته شامل دی.

پنځم قسمت
د امنیتی تدبیرونو پوری مربوط متفرقه حکمونه

یوسل او اووه دیرشمه ماده:
ددې قانون د هغه مواردو څخه استثنی چه په (۱۲۳، ۱۲۷، ۱۳۲) مادو کښې ټاکل شوی، کوم اشخاص چه د محکوم بها امنیتی تدبیرونو څخه مخالفت وکی د حبس په جزأ چه دیوه کال څخه اوږده نه وی یا په نقدی جزأ چه د (دولس زرو) افغانیو څخه زیاتی نه وی محکومیږی.

یوسل او اته دیرشمه ماده:
د محکمی حکم چه د مجازات د تنفیذ په تعلیق شوی وی د امنیتی تدبیرونو تنفیذ ته نه شاملیږی، مګر په هغه حالونو کښی چه بګیرد.
۲- حکم به انحلال شخص حکمی شامل تصفیه دارائی و الغاء سایر تصرفات حقوقی و تشکیلات اداری شخصیت حکمی می‌باشد.

قسمت پنجم
احکام متفرقه مربوط به تدابیر امنیتی

مادۀ یکصدو سی و هفتم:
به استثنای موارد پیش بینی شده مواد (۱۲۳-۱۲۷ و۱۳۲) این قانون اشخاصی‌که از احکام تدابیر امنیتی محکوم بها تخلف ورزند به جزای حبس که از یک سال تجاوز نکند ویا به جزای نقدیی ای‌که از (دوازده هزار) افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردند.

مادۀ یکصدو سی وهشتم:
حکم محکمه مبنی بر تعلیق تنفیذ مجازات شامل تنفیذ تدابیر امنیتی نمی‌گردد، مگر در حالاتی‌که قانون و یا

قانون یا محکمی د هغی په خلاف حکم کړی وی.

محکمه بخلاف آن حکم نموده باشد.

یوسل او نهه دیرشمه ماده:
که د مجازات د تنفیذ د تعلیق موده پای ته ورسیږی یا په دی موده کې د هغی په لغو کیدو حکم نه وی صادر شوی، امنیتی تدبیرونه اعم له دی چه نافذ یا متوقف شوی وی د هغی پوری مربوط حکم داسی ګڼل کیږی چه بیخی صادر شوی نه وی.

مادۀ یکصدو سی ونهم:
هرگاه مدت تعلیق تنفیذ مجازات خاتمه یابد و یا در خلال این مدت حکمی به الغای آن صدور نیافته باشد، تدابیر امنیتی اعم از این‌که نافذ و یا متوقف ساخته شده باشد حکم مربوط به آن چنان پنداشته می‌شود که اصلاً صادر نگردیده باشد.

یوسل او څلویښتمه ماده:
۱- د حکمی شخص د مصادری او انحلال استثنی، محکمه کولی شی د نورو امنیتی تدبیرونو په باره کښې دحکم د صادریدو څخه وروسته د محکوم علیه یا د نورو علاقه لرونکو اشخاصو دغوښتنی په اساس ددې قانون د ټاکل شوو امنیتی تدبیرونو په تعلیق یا تعدیل حکم صادر کی.
۲- که د امنیتی تدبیرونو د تعلیق یا تعدیل غوښتنه د محکمی له خوا قبوله نه شی نو دیو کال د تیریدو تر مخه

مادۀ یکصدو چهلم:
۱- به استثنای مصادره وانحلال شخص حکمی محکمه می تواند در مورد سایر تدابیر امنیتی بعد از صدور حکم باساس مطالبه محکوم علیه یا اشخاص ذیعلاقه به تعلیق یا تعدیل تدابیر امنیتی پیش بینی شده این قانون صدور حکم نماید.
۲- اگر مطالبه مبنی بر تعلیق یا تعدیل تدابیر امنیتی از طرف محکمه مورد قبول قرار نگیرد تجدید مطالبه قبل از مرور یك

بیا غوښتنه نه شی کیدی.
۳- محکمه د څارنوال د غوښتنی په اساس یا پخپله خوښه کولی شی چه بی دنښی دقیدولو څخه د امنیتی تدبیرونو په تعلیق حکم وکی.

سال صورت گرفته نمی تواند.
۳- محکمه باساس مطالبهٔ څارنوال یا صوابدید خود می تواند بدون قید زمان به تعلیق تدابیر امنیتی حکم نماید.

پنځم فصل
قانونی عذرونه او قضائي مخففه حالونه

فصل پنجم
معاذیر قانونی واحوال مخففهٔ قضائی

یوسل او یو څلویښتمه ماده:
۱- عذرونه به یا د جزأ څخه برائت ورکوونکی او یا به تخفیف ورکوونکی وی، دجزأ څخه برائت ور کوونکی یا تخفیف ورکوونکی عذرونه په قانون کې تصریح کیږی، د هغی په غیر قضایي مخففه حالونه د هغه حالونو څخه عبارت دی چه د جرم ارتکاب دیوی شریفي انګیزی په اساس صورت مونډلی وی او یا مجرم دمجنی علیه دناحقه تحریک په اثر دجرم ارتکاب ته اقدام کړی وی او یا یی محکمه دجرم او مجرم پوری د مربوطو حالونو او اوضاعو څخه استنتاج کی.

مادهٔ یکصدو چهل ویکم:
۱- معاذیر یا تبرئه کننده از جزا میباشد و یا تخفیف دهندهٔ آن، معاذیر تبرئه کننده و تخفیف دهندهٔ جزا در قانون تصریح می‌گردد در غیر آن احوال مخففهٔ قضائی عبارت از حالاتیست که ارتکاب جرم باساس انگیزه شریفانه صورت گرفته باشد و یا مجرم از اثر تحریك غیر حق مجنی علیه بارتکاب جرم اقدام نموده باشد و یا محکمه آن را از احوال و اوضاع مربوط به جرم و مجرم استنتاج نماید.

۲- محکمه باید پخپل حکم کښې د جزأ څخه برائت ورکوونکی عذرونه تصریح کی.

۲- محکمه باید در حکم خود معاذیر تبرئه کننده از جزا را تصریح نماید.

یوسل او دوه څلویښتمه ماده:
د جزأ څخه برائت ورکوونکی عذرونه د جزائی مسؤلیت د منع کیدو اساس تشکیلوي او په اصلي، تبعی او تکمیلی جزاګانو د حکم د صادریدلو مانع ګرځي.

مادۀ یکصدو چهل ودوم:
معاذیر تبرئه کننده از جزا اساس منع مسؤلیت جزائی را تشکیل داده و مانع صدور حکم بر جزا های اصلی، تبعی و تکمیلی می گردد.

یوسل او دری څلویښتمه ماده:
۱- که په داسی جنایت کښې مخففه عذرونه پیدا شی چه جزأیی اعدام وی محکمه کولی شی چه اعدام په دوام لرونکی حبس تبدیل کی.
۲- که د جنایت جزأ دوام لرونکی حبس یا اوږد حبس وی محکمه کولی شی چه ددوام لرونکی حبس جزأ اوږده حبس ته او د اوږده حبس جزأ متوسط حبس ته تنزیل کی.

مادۀ یکصدو چهل وسوم:
۱- هرگاه معاذیر مخففه در جنایتی موجود گردد که جزای آن اعدام باشد محکمه می تواند اعدام را به حبس دوام تنزیل دهد.
۲- اگر جزای جنایت حبس دوام یا حبس طویل باشد محکمه می‌تواند جزای حبس دوام را به حبس طویل و جزای حبس طویل را به جزای حبس متوسط تنزیل دهد.

یوسل او څلور څلویښتمه ماده:
که په جنحه کښې مخففه عذرونه پیدا شی جزأئی په لاندی توګه تخفیف پیداکوی:

مادۀ یکصدو چهل و چهارم:
هرگاه معاذیر مخففه در جنحه موجود گردد جزای آن به نحو آتی تخفیف می یابد:

۱- کـه ټاکـل شـوی جـزأ کمـه انـدازه ولـری محکمـه د جـزأ پـه ټاکلو کښی په هغی مقید کیدلی نه شی.
۲- کـه ټاکـل شـوی جـزأ حـبس او نقدی دواړو جزأګانو ته شامله وی محکمـه کـولی شـی چـه د هغـوی څخه په یوه حکم وکی.
۳- کـه پـه قـانون کښی د جزأ کمه انـدازه نـه وی ټاکـل شـوی محکمـه کـولی شی چه پـه نقدی جزأ حکم وکی.

۱- اگـر جـزای پـیش بینـی شـده حـداقل داشـته باشـد محکمـه در تعیـین جـزا بـه آن مقیـد شـده نمی‌تواند.
۲- اگـر جـزای پـیش بینـی شـده شـامل حـبس وجـزای نقـدی هـردو باشـد محـکمه مـی تـواند بـه یکی از آن حکم نماید.
۳- اگـر حـد اقـل جزا در قـانون تعیـین نـشده بـاشـد محـکمه مـی‌توانـد بـه جـزای نقـدی حکـم نماید.

یوسل او پنځه څلویښتمه ماده:
که محکمه ددعـوی دغـور پـه وخت کښې درک کی چه په ارتکاب شوی جنایـت کـښې د جـرم او مجـرم اوضـاع او حـالونه د زړه سـوی ایجـاب کـوی، کـولی شـی چـه د جنایت ټاکـل شـوو جزأګانو تـه پـه لاندی توګه تغییر ورکی:
۱- د اعدام جـزأ پـه دوام لرونکی یـا اوږده حبـس چـه دلـسو کلونـو څخه کمه نه وی.
۲- د اوږده حبس جزأ پـه متوسط یا لنډ حبس چه د شـپږو میـاشـتو څخه کمه نه وی.

مادۀ یکصدوچهل و پنجم:
هرگاه محکمـه در خـلال رسیدگی بـه دعـوی دریابـد کـه اوضـاع واحوال جرم و مجـرم در جـنایت ارتـکاب شده ایجاب رأفـت می نمایـد، مـی توانـد جزاهـای پـیش بینی شده جـنایت را به نحـو آتی تغییر دهد:
۱- جزای اعـدام بـه حبـس دوام یا حبـس طـویل کـه از ده سـال کمـتر نباشد.
۲- جـزای حـبس طویـل بـه حـبس متوسط یا قصیری‌که از شش ماه کمتر نباشد.

یوسل او شپږ څلویښتمه ماده:
کـه محکمـه پـه دعـوی د غـور پـه وخت کښې درک کی چه په ارتکاب شوی جنحی کښی د جرم او مجرم اوضـاع او حـالونه د زړه سـوی ایجاب کوی، کولی شی چه ددې قـانون د (۱۴۴) مـادی درج شـوی حکمونه تطبیق کی.

یوسل او اووه څلویښتمه ماده:
په ټولو حـالونو کښې چه محکمه ددې قـانون د (۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶) مادو د حکمونو سره سم په تخفیف حکم کوی مکلفه ده چه ټول هغه عذرونه او احوالونه چه د هغی په موجب جزأ تخفیف مومی د خپـل حکـم پـه سـببونو کـښې تصریح کی.

شپږم فصل
عمومی مشددۀ حالونه

یوسل او اته څلویښتمه ماده:
بی له دی چه په دی قانون کښی د جزأ د تـشدید پـوری تاکلی خـاص حالونه اخلا ل شی عمومی مشدده حالونه عبارت دی له:
۱- په هغه صورت کښې چه دجرم

مادۀ یکصدو چهل و ششم:
هـرگـاه محـکمه در خـلا ل رسیدگی بـه دعـوی دریـابد که اوضـاع و احـوال جرم ومجـرم در جنحۀ ارتکاب شده ایجاب رأفت می‌نماید، می‌تواند احکام مندرج مـادۀ (۱۴۴) ایـن قـانون را تطبیـق نماید.

مادۀ یکصدو چهل و هفتم:
در تمـام حـالاتـی‌که محکمـه بـه تخفیـف جزا مطابق احکام مواد (۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶) ایـن قـانون حکـم مـی‌نمایـد، مکلـف اسـت معـاذیر و احـوالی را کـه بـه موجـب آن جـزا تخـفیف مـی‌یابـد در اسـباب حکـم خـود تصریح نماید.

فصل ششم
احوال مشددۀ عمومی

مادۀ یکصد و چهل و هشتم:
بدون اخلال نمودن احوال خاصی- کـه در مـورد تـشدید جـزا در ایـن قـانون پـیش بینـی شـده، احوالـل مشددۀ عمومی عبارت است از:
۱- در صورتی‌که انگیزه ارتکاب

دارتکاب انگیزه ټیټه او سپکه وی.
۲- په هغه صورت کښې چه د جرم ارتکاب د مجنی علیه د ادراک د ضعف ددرک اویا ددفاع څخه د ناتوانی په وخت کښی شوی وی.
۳- په هغه صورت کښې چه جرم په وحشي توګه ارتکاب شوی وی یا مجنی علیه مثله شوی وی.
۴- په هغه صورت کښې چه د عمومی خدمتونو مؤظف د رسمی حیثیت او نفوذ څخه په استفادی سره د جرم مرتکب شي.
۵- په هغه صورت کښې چه د اقتصادی اضطرار د حالت څخه په استفادی سره د جرم ارتکاب وشی.*

جرم دنی ومنحط باشد.
۲- در صورتی‌که ارتکاب جرم هنگام درك ضعف ادراك مجنی علیه و یا عجز او از دفاع به عمل آید.
۳- در صورتی‌که جرم طور وحشیانه ارتکاب یافته یا مجنی علیه مثله گردد.
۴- در صورتی‌که مؤظف خدمات عامه با استفاده از حیثیت ونفوذ رسمی خود مرتکب جرم گردد.
۵- در صورتی‌که ارتکاب جرم با استفاده از حالت اضطرار اقتصادی به عمل آمده باشد.*

یوسل اونهه څلویښتمه ماده:
که په جرم کښې مشدده حالونه موجود وی محکمه کولی شی په راتلونکی ترتیب حکم وکی:
۱- په هغه صورت کښې چه ټاکلی جزأ دوام لرونکی حبس وی په اعدام.
۲- په هغه صورت کښې چه ټاکلی جزأ اوږد، متوسط یا لنډ حبس وی دذکر شوی جزأ د اکثری اندازی څخه زیات، په دی شرط چه

مادهٔ یکصدو چهل ونهم:
هرگاه در جرم احوال مشدده موجود باشد محکمه می تواند به ترتیب آتی حکم نماید:
۱- در صورتی‌که جزای پیش بینی شده حبس دوام باشد به اعدام.
۲- در صورتی‌که جزای پیش بینی شده حبس طویل، حبس متوسط یا حبس قصیر باشد، به بیش از حداکثر جزای مذکور مشروط

* ایزاد ماده ۱۴۸ در بخش تعدیلات این قانون آمده.

داصلی جزأ د اکثری انـدازی ددوه چـنده تجاوز ونه کی. په هـر حال د شـدیـد اوږد حبس موده د شلو کلونو څـخه زیـاتیدی نـه شـی.

یوسل او پنځوسمه ماده:

۱- کـه مـشدده حـالونه د مخففـه عذرونو یـا قضائي مخففه حـالونو سره چـه د زړه سوی مـستوجب وی په یوه جرم کښی جمع شی محکمه بـه اول مـشدده حـالونه بیـا مخففـه عذرونـه او پـه آخـر کـښې بـه د قـضائی مخففـه حـالونو چـه د زړه سوی مستوجب وی مراعات کوی.

۲- کـه مـشدده حـالونه د مخففـه عـذرونو معـادل او قـضائی مخففـه حـالونه د زړه سـوی مـستوجب وی محکمـه کـولی شـی بـی لـه دی چـه ټول دا حالونه په نظر کښې ونیسی د جرم پـه اصـلی ټـاکلی جـزأ حکـم وکی. که مشدده حالونه او قضائی مخففـــه عذرونـــه او احـــوالونه متعـارض، پخپلـو تـاثیرونو کـښې متفاوت وی محکمه کولی شی چه د عـدالت د تـأمین پـه منظـور ډیـر قوی ته ترجیح ورکی.

بر اینکـه از دو چند حداکثر جزای اصـلی تجـاوز نکنـد. بـه همـه حـال تشدید جزای حبس طویـل از (۲۰) سال بیشتر بوده نمی تواند.

مادۀ یکصدو پنجاهم:

۱- هـــرگـــاه احـوال مـشدده بـا مـعاذیـــر مخفـــفه ویـــا احـوال مخفـفـۀ قضائی کـه مســـتوجب رأفت بـــاشد در یـك جـــرم جمع شـود محکمـه اولاًاحـوال مـشدده، بعداً معاذیر مخففه و اخیراً احوال مخففه قضائی مستوجب رأفت را رعایت می‌نماید.

۲- اگـر احـوال مـشدده معـادل معـاذیر مخففـه و احـوال مخـففۀ قـضائی مـستوجب رأفـت باشـد محـــکمه میتوانـد بـدون در نظـر گـرفتن تمـام ایـن احـوال بـه جـزای اصلی پیش بینی شده جـرم حکم نمایـد. اگـر احـوال مـشدده و معـاذیر و احـوال مخففۀ قـضائی متعـارض در اثرات خـود متفـاوت باشد محکمه می تواند به منظور تأمیـــن عـــدالت قـــویترین آن را تـرجیح بـدهد.

یوسل او یو پنځوسمه ماده:

۱- کـه د جـرم ارتکـاب دغیـر مشروع کسب دحاصلیدلو په قصد شوی وی او په قانون کښې یی جزأ غیـر د خـساری د جبـران څخـه وی محکمه کولی شی چه په ټاکلی جزأ علاوه د خساری په جبران هم حکم وکی په دی شرط چه د خساری د جبران انـدازه د هغـه شـی د قیمت څخه چه مجرم لاس ته راوړی یائی د هغی د لاس ته راوړلو قصد لرلو زیاته نه شی.

۲- دا حکم هغه وخت تطبقیږی چه قانون د هـغی پـه خـلاف تصریح نه وی کړی.

مادۀ یکصدو پنجاه ویکم:

۱- هرگاه ارتکاب جرم به قصد حصول کسب غیر مشروع صورت گرفتـه باشـد وجـزای پـیش بینـی شـدۀ آن در قـانون غیـر از جبـران خـساره باشـد محکمـه مـی‌توانـد عـلاوه بر جزای پیش بینی شده به جبـران خـساره نیـز حکـم نمایـد مـشروط بـر ایـن‌کـه انـدازه جبـران خساره از قیمت چیزی‌که مجرم آنرا بدست آورده یا قصد به دست آوردن آنرا داشته تجاوز نکند.

۲- ایـن حکم وقـتی قابل تطبیق اسـت کـه قـانون بـه خـلاف آن تصریح نکرده باشد.

یوسل او دوه پنځوسمه ماده:

راتلونکـی اشخـاص د جرم متکرر ګڼل کیږي:

۱- هغـه شـخص چـه دجنایـت د ارتکاب په اثر په جزأ محکوم شوی وی د قطعـی حکـم د صـادریدو وروسـته او د هغـه مـــــودی د تیریدو تر مخه چه قانون د حیثیت د اعـادی دپـاره ټاکلی د جنایت یـا جنحی ارتکاب کوونکی شی.

مادۀ یکصدو پنجاه ودوم:

اشـخـــاص آتـــی متکـــرر جـــرم شناخته می شوند:

۱- شخصـــی‌کـه بـه اثر ارتکاب جنایت محکـــوم بـــه جزا گردیده بعـد از صـــدور حکم قطـــعـی وقبـــل از انقـــضای مـــدتی‌کـــه قـــانـــون بـــرای اعـــاده حیـــثیت تعیـین نمـوده مـرتکب جنـایات یـا جنـحه گـردد.

۲- هغه شخص چه د جنحی د ارتکاب په اثر په جزأ محکوم شی د قطعی حکم د صادریدو وروسته او د هغه مودی د تیریدو تر مخه چه قانون د حیثیت د اعادی د پاره ټاکلی د جنایت یا د لمړنی جنحی دمماثلی جنحی ارتکاب کوونکی شی.

۲- شخصی‌که به اثر ارتکاب جنحه محکوم به جزا گردیده بعد از صدور حکم قطعی وقبل از انقضای مدتی‌که قانون برای اعاده حیثیت تعیین نموده مرتکب جنایت یا جنحهٔ مماثل جنحه اولی گردد.

یوسل او دری پنځوسمه ماده:

هغه جرمونه چه د راتلونکو فقرو څخه په یوی فقره کښې ذکر شوی مماثل ګڼل کیږی:

۱- اختلاس، غلا، حیله او فریب، تهدید، په امانت کښې خیانت، دمالونو او سندونو غصبول او د هغه شیانو پټول چه له دی جرمونو څخه په لاس راغلی او یا د ذکر شوو شیانو حیازت په غیر مشروع صورت.

۲- قذف، ښکنځل، سپکاوي او د رازونو فاشول.

۳- د عمومی ادبونو او ښه اخلاقو په ضد جرمونه.

۴- قتل او عمدی اذیت.

۵- نور هغه عمدی جرمونه چه په دی قانون کښې د یوه باب لاندی

مادهٔ یکصدو پنجاه وسوم:

جرایمی‌که دریك فقره از فقرات آتی ذکر گردیده مماثل شناخته می‌شوند:

۱- اختلاس، سرقت، حیله و فریب، تهدید، خیانت در امانت، غصب اموال واسناد واخفای اشیائی‌که ازین جرایم بدست آمده و یا حیازت اشیای مذکور بصورت غیر مشروع.

۲- قذف، دشنام، اهانت و افشای اسرار.

۳- جرایم ضد آداب عامه وحسن اخلاق.

۴- قتل واذیت عمدی.

۵- سایر جرایم عمدی ای‌که تحت یك باب در این قانون

تصریح شوی.

یوسل او څلور پنځوسمه ماده:
د باندنیو محکمو حکمونه دجرم په تکرار کښې د اعتبار وړنه دی، مګر داچه د افغانستان د دولت دپیسو د جعل د جرمونو په باره کې وی یا د نورو هېوادونو د پیسو د جعل په باره کښې صادر شوی وی.

تصریح یافته است.

مادۀ یکصدو پنجاه وچهارم:
احکام محاکم خارجی در تکرار جرم مدار اعتبار نمی باشد، مگر اینکه در مورد جرایم جعل پول دولت افغانستان یا جعل پول سایر دول صادر شده باشد.

اووم فصل
د جرمونو تعدد او په جزأ کښې دهغی تأثیر

فصل هفتم
تعدد جرایم و تأثیر آن در جزا

یوسل او پنځه پنځوسمه ماده:
که د یوه فعل د ارتکاب څخه متعدد جرمونه پیدا شی ارتکاب کوونکی د هغه جرم په جزأ محکومیږی چه جزأ یی ډیره شدیده وی. په هغه صورت کښې چه ټاکل شوی جزأګانی یو د بل مماثل وی د هغوی څخه په یوی حکم کیږی.

مادۀ یکصدو پنجاه وپنجم:
هرگاه از ارتکاب فعل واحد جرایم متعدد به وجود آید مرتکب به جزای جرمی محکوم می گردد که جزای آن شدید تر باشد. در صورتی‌که جزاهای پیش بینی شده مماثل هم باشند به یکی از آن حکم می‌شود.

یوسل او شپږ پنځوسمه ماده:
که د متعددو جرمونو ارتکاب د متعددو فعلونو په نتیجه کښې صورت مونډلی وی او دا جرمونه

مادۀ یکصدو پنجاه وششم:
هرگاه ارتکاب جرایم متعدد در نتیجه افعال متعدد صورت گرفته باشد و این جرایم بایکدیگر طوری

یو د بل سره داسی ارتباط ولری چه تجزیه قبوله نه کی او د یوه هدف تأمین ذکر شوي جرمونه یو تر بله سره جمع کړی وی، محکمه به د هر جرم په ټاکلی جزأ حکم کوی او یواځی به د ډیری شدیدی جزأ په تنفیذ تصریح کوی. دا حکم د تبعی، تکمیلی او امنیتی تدبیرونو جزأګانو چه د قانون په حکم ټاکل شوی وی یا د نورو جرمونو له امله محکوم بها واقع شوی وی، نه مانع کیږي.

مرتبط باشند که تجزیه را قبول نکند و تأمین هدف واحد جرایم مذکور را باهم جمع کرده باشد. محکمه به جزای پیش بینی شدهٔ هریك از جرایم حکم نموده و تنها به تنفیذ جزای شدید ترین تصریح می دارد. این امر مانع تنفیذ جزا های تبعی، تکمیلی وتدابیر امنیتی که به حکم قانون تعیین گردیده و یا از رهگذر جرایم دیگر محکوم بها واقع شده باشد نمی گردد.

یوسل او اووه پنځوسمه ماده:
که یو شخص په خفیفه جزأ محکوم شوی وی بیا د بل جرم د ارتکاب په علت د هغی په شدیده جزأ محکوم شی آخرنی جزأ وربانډی تطبیقیږی او د حبس هغه موده چه د لومړنی محکومیت له امله ئی تیره کړی ورته یی مجرایی ورکول کیږي.

مادهٔ یکصدو پنجاه وهفتم:
هرگاه شخص به جزای خفیف محکوم گردیده باشد و بعداً به علت ارتکاب جرم دیگر به جزای شدیدتر محکوم شود جزای اخیرالذکر بالای آن تطبیق گردیده ومدت حبسی را که از رهگذر محکومیت اولی سپری نموده به وی مجرا داده می شود.

یوسل او اته پنځوسمه ماده:
که شخص دمتعددو جرمونو ارتکاب کوونکی شی او دا جرمونه یو د بل سره ارتباط ونه لری او د

مادهٔ یکصدو پنجاه وهشتم:
هرگاه شخص مرتکب جرایم متعدد گردد واین جرایم با یکدیگر مرتبط نبوده وقبل از

حکم د صادریدلو تر مخه د هدف یووالی چه ذکر شوی جرمونه سره یو ځای کې موجود نه وی، محکمه به د هر جرم په تاکلی جزأ حکم کوی او محکوم بها جزأګانی به یوه د بلی پسی وربراندی تنفیذیږی، په دی شرط چه د حبس مجموعه دشلو کلو څخه زیاتی ونه کی.

صدور حکم در مورد یکی از آن ها وحدت وهدفی که جرایم مذکور را باهم جمع کند موجود نباشد محکمه به جزای پیش بینی شدهٔ هر جرم حکم می نماید و جزاهای محکوم بها یکی بعد دیگر بالای وی تنفیذ می گردد، مشروط بر اینکه مجموع مدت حبس از بیست سال تجاوز نکند.

یوسل او نهه پنځوسمه ماده:
که یو شخص د جرم د ارتکاب په اثر محکوم شوی وی بیا د بل جرم د ارتکاب په اثر په جزأ محکوم شی دواړه جزأګانی یوه د بلی پسی وربانډی تنفیذیږی که څه هم د حبس موده د شلو کلو څخه زیاتی وکی.

مادهٔ یکصدو پنجاه ونهم:
هرگاه شخص به اثر ارتکاب جرم محکوم گردیده وبعداً به اثر ارتکاب جرم دیگر محکوم به جزا گردد هر دو جزا یکی بعد دیگر بالای وی تنفیذ می‌شود گرچه مجموع مدت حبس از بیست سال تجاوز کند.

یوسل او شپیتمه ماده:
نقدی، تبعی، تکمیلی او د امنیتی تدبیرونو جزأګانی چه په هره اندازه متعددی شی د تنفیذ وړ دی.

مادهٔ یکصدو شصتم:
جزاهای نقدی، تبعی، تکمیلی و تدابیر امنیتی بهر اندازه ای‌که متعدد گردد قابل تنفیذ می باشد.

اتم فصل
د تنفیذ تعلیق

یوسل او یو شپیتمه ماده:
۱- که په داسی جرمونو کښې چه جزأ یی تر (دوه کلونو) پوری حبس یا تر (څلورویشتو زرو) افغانیو پوری نقدی جزأ وی، محکمه دمحکوم د اخلاقو، سابقو، عمر یا نورو حالونو له نظره چه د جرم دارتکاب موجب ګرځیدلی یقین پیدا کی چه بیا به د جرم ارتکاب نه کوی، کولی شی چه د حکم د تنفیذ په تعلیق تصریح وکی او هغه د تبعی، تکمیلی او د امنیتي تدبیرونو په جزأګانو کښې شامله کی.
۲- محکمه مکلفه ده پخپل حکم کښی د مجازات د تعلیق سببونه ذکر کی.

یوسل او دوه شپیتمه ماده:
د تنفیذ د تعلیق موده دری کاله ده او د حکم د قطعیت د نېټې څخه محاسبه کیږي.

فصل هشتم
تعلیق تنفیذ

مادۀ یکصدو شصت ویکم:
۱- هرگاه در جرایمی‌که جزای آن حبس الی (دوسال) یا جزای نقدی تا (بیست وچهار هزار) افغانی باشد محکمه نظر به اخلاق، سوابق وسن محکوم یا احوال دیگری که موجب ارتکاب جرم گردیده متیقن شود که وی دوباره مرتکب جرم نمی گردد می تواند به تعلیق تنفیذ حکم تصریح نماید و آن را شامل جزاهای تبعی، تکمیلی وتدابیر امنیتی بسازد.
۲- محکمه مکلف است در حکم خویش اسباب تعلیق مجازات را ذکر نماید.

مادۀ یکصدو شصت ودوم:
مدت تعلیق تنفیذ سه سال می باشد واز تاریخ قطعیت حکم محاسبه می گردد.

یوسل او دری شپیتمه ماده:
د تنفیذ تعلیق په یوه لاندنیو حالونو کښې لغو کیدی شی:
۱- په هغه حالت کښې چه محکوم علیه د تعلیق په موده کښې د مماثل جرم یا د هغی څخه د زیات شدید جرم ارتکاب کوونکی شی.
۲- په هغه حالت کښې چه د تعلیق دمودی په اوږدو کښې ثابته شی چه شخص د تنفیذ د تعلیق د حکم د صادریدو ترمخه د جنحی یا جنایت په جزأ محکوم شوی او محکمه پری خبره نه وه.
۳- په هغه حالت کښې چه محکوم علیه د تعلیق دمودی په اوږدو کښې د جنایت یا دداسی جنحی ارتکاب وکی چه جزأیی د دری میاشتو حبس څخه زیاته وی عام له دی چه د هغی په مجازات په دی موده کې یا د هغی د تیریدو څخه وروسته حکم صادر شی.

مادۀ یکصدو شصت وسوم:
تعلیق تنفیذ در یکی از حالات آتی ملغی قرار گرفته می تواند:
۱- در حالتی‌که محکوم علیه در خلال مدت تعلیق مرتکب جرم مماثل یا شدید تر گردد.
۲- در حالتی‌که در خلال مدت تعلیق ثابت شود که شخص قبل از صدور حکم تعلیق تنفیذ، به جزای جنحه یا جنایت محکوم گردیده و محکمه از آن واقف نبوده است.
۳- در حالتی‌که محکوم علیه در خلال مدت تعلیق مرتکب جنایت یا جنحه گردد که جزای آن حبس بیشتر از سه ماه باشد اعم از این‌که حکم بر مجازات وی در اثنای این مدت و یا بعد از انقضای آن صادر گردد.

یوسل او څلور شپیتمه ماده:
د تنفیذ د تعلیق لغو کیدل د هغی محکمی له خوا کیږی چه د تنفیذ د تعلیق حکم یی صادر کړی. که د تنفیذ د تعلیق دلغو کیدلو سبب

مادۀ یکصدو شصت وچهارم:
الغای تعلیق تنفیذ از طرف محکمه ای صورت می‌گیرد که حکم تعلیق تنفیذ را صادر نموده است. اگر سبب الغای

هغه جزأوي چه د تنفيذ د تعليق څخه وروسته پرې حکم شوی، په دې صورت کښې به د لغو کولو حکم هغه محکمه صادروي چه په ذکر شوی جزأیی حکم صادر کړی. عام له دې چه د حکم صادریدل پخپله د محکمې په خوښه شوی وي يا د څارنوال په غوښتنه.

تعلیق تنفیذ جزای باشد که بعد از تعلیق تنفیذ به آن حکم گردیده، دراین صورت حکم الغای تعلیق را محکمه ای صادر می نماید که به جزای متذکره حکم نموده است. اعم از اینکه صدور حکم نظر به وابدید خود محکمه یا مطالبه څارنوال باشد.

یوسل او پنځه شپیتمه ماده:
د تنفيذ د تعليق د حکم لغو کيدل د محکوم بها جزأ د اعادې مستلزم ده په شمول د تبعي، تکميلي او د امنيتي تدبيرونو جزأګانو.

مادۀ یکصدو شصت وپنجم:
الغای تعلیق تنفیذ حکم مستلزم اعادۀ جزای محکوم بها به شمول جزاهای تبعی، تکمیلی وتدابیر امنیتی می باشد.

یوسل او شپږ شپیتمه ماده:
که محکوم علیه د تنفيذ د تعليق د مودې په اوږدوکښې د جرم ارتکاب کوونکی نه شي د حکم آثار دمنځه ځي داسې ګڼل کيږي چه بيخي حکم نه دی صادر شوی.

مادۀ یکصدو شصت وششم:
هرگاه محکوم علیه در خلال مدت تعلیق تنفیذ مرتکب جرم نگردد آثار حکم ا ز بین رفته چنان پنداشته می شود که ا صلا حکم صادر نگردیده باشد.

پنځم باب
د جرمونو او جزاګانو سقوط

لومړی فصل
عمومي حکمونه

یوسل او اووه شپیتمه ماده:
جرم دلاتدنیو سببونو څخه په یوه ساقطیږي:
۱- د تورن وفات.
۲- عمومي عفو.

یوسل او اته شپیتمه ماده:
۱- هغه حکم چه دامنیتی تدبیرونو د جزأ په باره کښې صادر شوی په عمومی عفو او د تنفیذ د تعلیق د مودی په تیریدو په دی شرط چه په ذکر شوی موده کښی د هغی د لغو کیدو موجبات نه وی واقع شوی، ساقطیږي.
۲- اصلي جزأ، تبعی جزاګانی، تکمیلی او امنیتی تدبیرونه د حکم د سقوط په اثر، د پورتنی فقری ددرج شوو سببونو څخه دیوه په علت د محکوم علیه په وفات او خاص عفوی ددې باب ددوه یم فصل ددرج شوو حکمونو د په نظر کښې نیولو سره ساقطیږي.

باب پنجم
سقوط جرایم وجزاها

فصل اول
احکام عمومی

مادۀ یکصدو شصت وهفتم:
جرم بیکی از اسباب آتی ساقط می گردد:
۱- وفات متهم.
۲- عفو عمومی.

مادۀ یکصدو شصت وهشتم:
۱- حکمی‌که در مورد جزا یا تدابیر امنیتی صادر گردیده به عفو عمومی اعاده حیثیت وانقضای مدت تعلیق تنفیذ مشروط بر اینکه در خلال مدت مذکور موجبات الغای آن واقع نشده باشد، ساقط می‌گردد.
۲- جزای اصلی، جزاهای تبعی، تکمیلی و تدابیر امنیتی به اثر سقوط حکم به علت یکی از اسباب مندرج فقرۀ فوق وفات محکوم علیه و عفو خاص با رعایت احکام مندرج فصل دوم این باب ساقط می گردد.

دوه یم فصل
تفصیلی حکمونه
دمحکوم علیه وفات

یوسل او نهه شپیتمه ماده:

۱- کـه محکـوم علیـه د حکـم د قطعیت څخه ترمخه وفات شی جرم د هغی د ټولو آثارو سره ساقطیږی. مگر هغه څوك چه ددی جرم په اثر متضرر شوی وی کولی شی چه په مدني اختصاصي محکمه کښې دعوی اقامه کی.

۲- کـه محکـوم علیـه د حکـم د قطعیـت څخـه وروسـته وفـات شی جزأ او د محکوم بها امنیتی تدبیرونـه سـاقطیږی دا امـر پـه مـالی جزأګـانو، مـالی امنیتـی تـدبیرونو، د تعویـضاتو پـه ورکولو او هغـه څه چـه اعـاده یې لازمه ده د هغه په مـتروکه بـاندی د حکم د تنفیذ مـانع نـه ګرځی.

فصل دوم
احکام تفصیلی
وفات محکوم علیه

مادۀ یکصدو شصت ونهم:

۱- هرگـاه محکـوم علیـه قبـل از قطعیـت حکـم فـوت گـردد جـرم بـا تمـام آثـار آن سـاقط میگـردد ولـی شخـصی‌کـه بـه اثـر ایـن جـرم متـضررگردیده مـی توانـد در محکمـه اختـصاصی مـدنی اقـامه دعـوی نـماید.

۲- اگـر محکـوم علیـه بعـداز قطعیـت حکـم فـوت گـردد، جـزا وتـدابیر امنیـتی محکـوم بهـا ساقط می گـردد. ایـن امر مـانع تنفیـذ حکـم مبنـی بـر جـزاهای مـالی، تـدابیر امنیتـی مـالی، پرداخت تعویضات وآنچـه اعـاده اش لازم اسـت بـر متروکـه او نمی گردد.

دوه یم قسمت
عمومی او خصوصی عفو
۱- عمومی عفو

یوسل او اویایمه ماده:

۱- عمومی عفو د قانون په وسیله صادریږی د هغی په اثر دعوی منقضی کیږی او کوم حکم چه د مجرم په محکومیت صادر شوی محو کیږی.

عمومی عفو تولی اصلي، تبعی، تکمیلي جزأګانی او امنیتی تدبیرونه ساقطوی او په پخوانیو تنفیذ شوو جزأګانو تأثیر نه لری په دی شرط چه دعفو قانون د هغی په خلاف حکم کړی وی.

۲- که د عمومی عفو قانون د محکوم بها جزأ دیو جزء په باره کښې صادر شوی وی د خصوصی عفوی په حکم کی دی او دخصوصی عفوی حکمونه پری تطبیقیږي.

۳-عمومی عفو د غیر د حقوقو داخلال نه موجب کیږي.

قسمت دوم
عفو عمومی وخصوصی
۱- عفو عمومی

مادۀ یکصدو هفتادم:

۱-عفو عمومی توسط قانون صادر می گردد وبه اثر آن دعوی منقضی وحکمی که بر محکومیت مجرم صادر شده محو میگردد.

عفو عمومی تمام جزا های اصلی، تبعی، تکمیلی وتدابیر امنیتی را ساقط می سازد وبر جزاهای تنفیذ شده قبلی تاثیر ندارد، مشروط بر اینکه قانون عفو به خلاف آن حکم کرده باشد.

۲- اگر قانون عفو عمومی در مورد یك جزا از جزای محکوم بها صادر شده باشد، در حکم عفو خصوصی بوده احکام عفو خصوصی بر آن تطبیق می‌گردد.

۳-عفو عمومی موجب اخلال حقوق غیر نمی‌گردد.

۲- خصوصي عفو

یوسل او یو اویایمه ماده:
۱-خصوصی عفو د جمهوری فرمان په وسیله صادریږی او د هغی په اثر ټوله یا ځینی قطعی محکوم بها جزأ ساقطیږی او یا تر هغی په خفیفه جزأ چه په قانون کښې ټاکل شوی تبدیلیږی.
۲-خصوصی عفو، تبعی او تکمیلی جزأګانی، نور جزائی آثار او امنیتی تدبیرونه نه ساقطوی، همدارنګه په مخکنیو تطبیق شوو جزأګانو تأثیر نه لری مګر په هغه صورت کښې چه دعفوی فرمان د هغی په خلاف تصریح کړی وی.

درېیم قسمت
دحیثیت اعادۀ او د حکم د تنفیذ تأجیل

یوسل او دوه اویایمه ماده:
د حیثیت داعادی او دحکم د تنفیذ دتأجیل په باره کښې د جزائی اجراآتو دقانون حکمونه تطبیقیږي.

۲- عفو خصوصی

مادۀ یکصدو هفتادویکم:
۱-عفو خصوصی توسط فرمان جمهوری صادر می گردد وبه اثر آن تمام یا بعضی جزای قطعی محکوم بها ساقط می گردد ویا به جزای خفیف تری که در قانون پیش بینی شده تبدیل میگردد.
۲-عفو خصوصی جزاهای تبعی، تکمیلی وآثار جزائی دیگر و تدابیر امنیتی را ساقط نمی سازد. همچنان بر جزاهای تطبیق شدۀ قبلی تاثیر ندارد مگر در صورتیکه فرمان عفو بخلاف آن تصریح نموده باشد.

قسمت سوم
اعادۀ حیثیت و تأجیل تنفیذ حکم

مادۀ یکصدو هفتادو دوم:
در مورد اعادۀ حیثیت وتأجیل تنفیذ حکم احکام قانون اجراآت جزائی تطبیق می گردد.

دوه یم کتاب
جنایتونه، جنحی، قباحتونه او د هغی جزاګانی
لومړی باب
دعمومی ګټو په ضد جنایتونه او جنحی
لومړی فصل
د دولت د باندنی امنیت په ضد جرمونه

یوسل او دری اویایمه ماده:
که شخص دداسي عمل ارتکاب کوونکی شی چه د هغی په نتیجه کښې د افغانستان د دولت ټولی مځکی او یایی یو قسمت د باندنی دولت د حاکمیت لاندی واقع شی او یا د هغی استقلال یا د مځکو تمامیت ته صدمه ورسیږي اویا ددولت د حاکمیت لاندی مځکو څخه یو قسمت دهغی داداری څخه جلاشی، په اعدام محکومیږي.

یوسل او څلور اویایمه ماده:
که شخص هېواد ته ددښمن د داخلیدلو دپاره آسانتیاوی برابری کی یا ښار، کلا، تأسیسات، د اسلحی مرکز او ډیپو او جنګی

کتاب دوم
جنایات، جنح، قباحات و جزا های آن
باب اول
جنایات و جنح ضد منفعت عامه
فصل اول
جرایم علیه امنیت خارجی دولت

مادۀ یکصدو هفتادو سوم:
هرګاه شخص مرتکب عملی ګردد که در نتیجۀ آن اراضی دولت افغانستان تماماً یا قسماً تحت حاکمیت دولت خارجی قرار ګیرد ویا به استقلال یا تمامیت ارضی آن صدمه وارد ګردد ویا قسمتی از اراضی تحت حاکمیت دولت از ادارۀ آن مجزا شود، به اعدام محکوم می‌ګردد.

مادۀ یکصدو هفتادوچهارم:
هرګاه شخص برای ورود دشمن به کشور تسهیلات فراهم نماید یا شهر، قلعه، تأسیسات، مرکز ودیپوی اسلحه ومهمات

وسایل، د ارتزاقي موادو ذخیره، مواصلاتي وسیله، فابریکه، تولیدی مرکز او نورشیان چه د هېواد څخه ددفاع په منظور تیار شوی او یا د هېواد څخه ددفاع په لار کښې په کار اچول کیږی دښمن ته تسلیم کی، په اعدام محکومیږي.

حربی، ذخیرۀ مواد ارتزاقی، وسیلۀ مواصلاتی، فابریکه ومرکز تولیدی ودیگر اشیائیرا که به منظور دفاع از کشور آماده گردیده ویا در راه دفاع از کشور به کار برده می‌شود به دشمن تسلیم نماید، به اعدام محکوم می‌گردد.

یوسل او پنځه اویایمه ماده:
که شخص د اشخاصو یا د باندنی دولت په ګډون یا هغه اشخاص چه دهغی دولت په ګټه کار کوی د افغانستان د دولت په ضد وسله وال قیام وکی، په اعدام محکومیږی.

مادۀ یکصدو هفتادو پنجم:
هرگاه شخص به اشتراك اشخاص یا دولت خارجی یا اشخاصی‌که به نفع آن دولت کار می‌کنند علیه دولت افغانستان قیام مسلح نماید، به اعدام محکوم می‌گردد.

یوسل او شپږ اویایمه ماده:
که شخص د باندنی دولت ته یا هغه اشخاصو ته چه د هغی دولت په ګټه دوسله وال قیام په حالت په تیری کوونکی عملونو دافغانستان د دولت په ضد کار کوی جاسوسی وکی، په اعدام محکومیږي.

مادۀ یکصدو هفتادوششم:
هرگاه شخص به دولت خارجی یا اشخاصیکه به نفع آن دولت در حال قیام مسلح به اعمال تجاوز کارانه علیه دولت افغانستان کار می کنند جاسوسی نماید، به اعدام محکوم می‌گردد.

یوسل او اووه اویایمه ماده:
۱- که شخص د افغانستان سره په جنګ کښې داخلو وسله والو قواوو سره پیوسته شی، په اعدام محکومیږي.
۲-که دپورتنی فقری درج شوی جرم دجنګ د زمانی څخه په غیر ارتکاب شی، ارتکاب کوونکی په دوام لرونکی حبس محکومیږی.

یوسل او اته اویایمه ماده:
۱-که شخص د جنګ په زمانه کې په یو قسم داقسامو څخه د هېواد ددفاعی رازونو څخه یو راز د باندنی دولت ته یا هغه اشخاصو ته چه دهغی دولت په ګټه کا رکوی تسلیم یا افشاء کی، په اعدام محکومیږي.
۲-که د پورتنی فقری درج شوی جرم د جنګ د زمانی څخه په غیر ارتکاب شی، ارتکاب کوونکی په دوام لرونکی حبس محکومیږي.

یوسل او نهه اویایمه ماده:
۱- که شخص د جنګ په زمانه کښې په یو قسم د اقسامو د هېواد ددفاعی رازونو څخه په یوه راز

مادۀ یکصدو هفتادو هفتم:
۱- هرګاه شخص به قوای مسلح داخل جنګ با دولت افغانستان بپیوندد، به اعدام محکوم می‌گردد.
۲- اګر جرم مندرج فقرۀ فوق در غیر از زمان جنګ ارتکاب یابد مرتکب به حبس دوام محکوم می‌گردد.

مادۀ یکصدو هفتادو هشتم:
۱-هرګاه شخص در زمان جنګ به نحوی از انحاء سری از اسرار دفاعی کشور را به دولت خارجی یا اشخاصی‌که به نفع آن دولت کار میکنند تسلیم یا افشا نماید، به اعدام محکوم می‌گردد.
۲- اګر جرم مندرج فقرۀ فوق در غیر از زمان جنګ ارتکاب گردد مرتکب به حبس دوام محکوم می‌گردد.

مادۀ یکصدو هفتادو نهم:
۱- هرګاه شخص در زمان جنګ به نحوی از انحاء به کسب اطلاع به سری از اسرار

داطلاع په پیداکولو د باندنی دولت ته د هغی دتسلیمولو یا افشاء کولو په مقصد یا هغه اشخاصو ته چه د هغی هبواد په ګټه کار کوی بوخت شی، په اعدام محکومیږي.

۲-که د پورتنی فقری درج شوی جرم د جنګ د زمانی څخه په غیر ارتکاب شی، ارتکاب کوونکی په دوام لرونکی حبس محکومیږی.

دفاعی کشور به قصد تسلیم یا افشای آن به دولت خارجی یا اشخاصی‌که به نفع آن دولت کار میکنند بپردازد، به اعدام محکوم می‌گردد.

۲- اگر جرم مندرج فقرهٔ فوق در غیر از زمان جنگ ارتکاب گردد مرتکب به حبس دوام محکوم می‌گردد.

یوسل او اتیایمه ماده:

۱-که شخص د جنګ په زمانه کښې داشیاوو څخه یو شی چه د هبواد ددفاعی رازونو څخه یو راز شمارل کیږی د باندنی دولت په ګټه تلف یا یی د استفادی څخه وباسی، په اعدام محکومیږي.

۲-که د پورتنی فقری درج شوی جرم د جنګ د زمانی څخه په غیر ارتکاب شی، ارتکاب کوونکی په دوام لرونکی حبس محکومیږی.

مادهٔ یکصدو هشتادم:

۱- هرگاه شخص در زمان جنگ شی از اشیائی را که سری از اسرار دفاعی کشور شمرده میشود به نفع دولت خارجی تلف یا غیر قابل استفاده گرداند، به اعدام محکوم می‌گردد.

۲- اگر جرم مندرج فقرهٔ فوق در غیر از زمان جنگ ارتکاب گردد مرتکب به حبس دوام محکوم می‌گردد.

یوسل او یو اتیایمه ماده:

که شخص عسکر د باندنی دولت د بیرغ لاندی خدمت د پاره چه د افغانستان سره د جنګ په حالت

مادهٔ یکصدو هشتادویکم:

هرگاه شخص عساکر را به داخل شدن به خدمت زیر بیرق دولت خارجی ای‌که با دولت

کښې قرار لری تحریک کی اویا د هغی دپاره زمینه برابره کی یا په یو قسم داقسامو څخه د عسکرو ، اشخاصو، مالونو، تجهیزاتو په جمع کولویا وسیلو، یا دتدبیرونو په اتخاذ د هغه دولت په ګټه بوخت شی چه د افغانستان سره د جنګ په حالت کې دی، په اعدام محکومیږي.

افغانستان در حالت جنگ قرار دارد تحریك نماید ویا زمینهٔ آنرا آماده سازد ویا به نحوی از انحاء به جمع آوری عساکر، اشخاص، اموال، تجهیزات یا وسایل، یا به اتخاذ تدابیر به نفع دولت در حال جنگ با افغانستان بپردازد، به اعدام محکوم می‌گردد.

یوسل او دوه اتیایمه ماده:

۱-که شخص د جنګ په زمانه کښې ددولت دوسله والو قواوو یا دخلکو ملی روحیه ددښمن په ګټه په هره وسیله چه وی متزلزله کی یا یی معنویات یائی دفاعی قدرت ضعیف کی، په اعدام محکومیږي.

۲-که د پورتنی فقری درج شوی جرمونه د جنګ د زمانی څخه په غیر ارتکاب شی،ارتکاب کوونکی په اوږده حبس محکومیږی.

مادهٔ یکصدو هشتادو دوم:

۱-هرگاه شخص در زمان جنگ روحیهٔ ملی قوای مسلح دولت یا مردم را به نفع دشمن بهر وسیلهٔ ای‌که باشد متزلزل سازد یا معنویات و یا قدرت دفاعی آن را ضعیف گرداند به اعدام محکوم می‌گردد.

۲- اگر جرایم مندرج فقرهٔ فوق در غیر از زمان جنگ ارتکاب گردد مرتکب به حبس طویل محکوم می‌گردد.

یوسل او دری اتیایمه ماده:

۱-که مامور، اجیر یا د عمومی خدمتونو نور مؤظفین د جنګ په زمانه کښی د هېواد ددفاعی

مادهٔ یکصدو هشتادو سوم:

۱- هرگاه مامور، اجیر یا سایر مؤظفین خدمات عامه سری از اسرار دفاعی کشور را در زمان

رازونو څخه یوراز بی له دی چه د باندنی هېواد ته یا هغه اشخاصو ته چه دهغی دولت په ګټه کار کوی دتسلیمولو یا افشاء کولو قصد ولری افشاء کی، په داسی ډول چه دهېواد دفاعی، سیاسي یا اقتصادی موقف متضرر کی ارتکاب کوونکی په دوام لرونکی حبس محکومیږي.

۲- که د پورتنی فقری درج شوی جرم د جنګ د زمانی څخه په غیر ارتکاب شی، ارتکاب کوونکی په اوږده حبس محکومیږي.

جنګ بدون قصد تسلیم یا افشای آن را بدولت خارجی یا اشخاصی‌که به نفع آن دولت کار می‌کنند افشاء نماید، به نحویکه موقف دفاعی، سیاسی یا اقتصادی کشور را متضرر سازد مرتکب به حبس دوام محکوم می‌گردد.

۲- اگر جرم مندرج فقرهٔ فوق در غیر از زمان جنګ ارتکاب گردد مرتکب به حبس طویل محکوم می‌گردد.

یوسل او څلور اتیایمه ماده:

۱- که شخص د جنګ په زمانه کښې عمداً دروغجن یا مغرضانه خبرونه، اعلامیی او اظهارات خپاره کی یا عمداً په تحریکوونکی پروپاګند، شفوی یا تحریری تبلیغ په هره وسیله چه وی اقدام وکی په داسی ډول چه د هېواد دفاعی قدرت ته یا دوسله والو قواوو نظامی عملیاتو ته ضرر ورسوی یا داچه دخلکو ترمنځ نا آرامی تولید کی او یا د خلکو معنویات ضعیف کی، په اوږده

مادهٔ یکصدو هشتادو چهارم:

۱- شخصی‌که در زمان جنګ عمداً اخبار، اعلامیه ها، اظهارات دروغ یا مغرضانه را نشر نماید یا عمداً به پروپاګند تحریك آمیز یا تبلیغ شفوی یا تحریری بهر وسیلهٔ که باشد دست زند به نحوی‌که به قدرت دفاعی کشور یا عملیات نظامی قوای مسلح ضرر رساند و یا اینکه بین مردم هرج و مرج تولید نماید و یا معنویات مردم را ضعیف سازد، به حبس طویل که از ده

حبس چه دلسو کلونو څخه کم نه وی محکومیږي.

۲- که د پورتنی فقری درج شوی جرمونه د باندنی دولت سره د مخابراتی تماس نتیجه وی ارتکاب کوونکی په دوام لرونکی حبس او که د مخابراتی تماس نتیجه داسی د باندنی دولت سره وی د افغانستان د دولت سره د جګړی طرف وی په اعدام محکومیږي.

۳- که ددې مادې د (۱) فقری درج شوی جرمونه دجنګ دزمانی څخه په غیر واقع شی ارتکاب کوونکی په متوسط حبس محکومیږي.

۴- که ددې مادې د (۲) فقری درج شوی جرمونه د جنګ د زمانی څخه غیر ارتکاب شی، ارتکاب کوونکی داحوالونو سره سم په اوږده حبس محکومیږي.

سال کمتر نباشد محکوم می‌گردد.

۲- اگر ارتکاب جرایم مندرج فقره فوق نتیجهٔ تماس مخابراتی با دولت خارجی باشد، مرتکب به حبس دوام و اگر نتیجه تماس مخابراتی با دولت خارجی طرف خصومت دولت افغانستان باشد، به اعدام محکوم می‌گردد.

۳- اگر جرایم مندرج فقرهٔ (۱) این ماده در غیر از زمان جنگ واقع گردد مرتکب به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

۴- اگر جرایم مندرج فقرهٔ (۲) این ماده در غیر از زمان جنگ ارتکاب گردد مرتکب حسب احوال به حبس طویل محکوم می‌گردد.

یوسل او پنځه اتیایمه ماده:

که شخص د مادی یا معنوی ګټې په منظور د خپل ځان یا د بل شخص دپاره د دښمن وسله والو قواوو ته په مستقیمه یا غیر مستقیمه توګه په پورتنیو مادو

مادهٔ یکصدو هشتادوپنجم:

هرگاه شخص به منظور به دست آوردن منفعت مادی یا معنوی برای خود یا شخص دیگر به قوای مسلح دشمن طور مستقیم یا غیر مستقیم در غیر از

کښې ددرج شوو حالونو څخه په غیر یو خدمت تر سره کی، په اوږده حبس چه د لسو کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.

یوسل او شپږ اتیایمه ماده:
۱- که شخص دجنګ په زمانه کښې پخپله یا د بل شخص په وسیله د هېواد څخه دننه یا د بل هېواد د لاری جنسونه، تولیدات او نور شیان بی د دولت د موافقی هغه هېواد ته چه د افغانستان سره په جنګ کښې داخل وی صادر اویا پورتنی ذکر شوی شیان د متحارب هېواد څخه افغانستان ته وارد کی، دجرم دموضوع د مالونو په مصادری علاوه په اوږد حبس او د ذکر شوو اجناسو د قیمت په پنځه چنده نقدی جزأ محکومیږي.
۲- که د جرم دموضوع شیان ضبط شوی نه وی تورن د هغی د قیمت په ورکولو هم محکومیږي.

یوسل او اووه اتیایمه ماده:
۱- که شخص د جنګ په زمانه کښې پخپله یا د بل شخص په وسیله د اتباعو یا دولت سره چه د حالات مندرج مواد فوق خدمتی را انجام دهد، به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

مادۀ یکصدو هشتادوششم:
۱- شخصی‌که در زمان جنگ خود او یا توسط شخص دیگر از داخل کشور یا از طریق کشور دیگر اجناس، تولیدات وسایر اشیا را بدون موافقه دولت به کشوری‌که با افغانستان داخل جنگ باشد صادر ویا اشیای مذکور فوق را از دولت متحارب به افغانستان وارد نماید، علاوه بر مصادره اموال موضوع جرم به حبس طویل وجزای نقدی پنج چند قیمت اجناس اشیای مذکور محکوم می‌گردد.
۲- اگر اشیای موضوع جرم ضبط نگردیده باشد متهم به تادیۀ قیمت آن نیز محکوم می‌گردد.

مادۀ یکصدو هشتادو هفتم:
۱- هرگاه شخص در زمان جنگ خود او یا توسط شخص دیگر یا اتباع یا دولت داخل جنگ با دولت

افغانستان د دولت سره په جنګ کښې داخل دی بی د دولت د موافقی څخه یا د ذکر شوی دولت د تجارتی وکیلانو یا نمایندګانو سره په هر ځای کې چه یی اقامت وی تجارتی مناسبات قایم کی، د جرم دموضوع دمالونو په مصادری علاوه په اوړه حبس چه دلسو کلو څخه زیات نه وی او په نقدی جزأ چه د سل زرو افغانیو څخه کمه نه وی او د یو ملیون افغانیو څخه زیاته نه وی محکومیږي.

۲- که په پورتنی فقره کښې درج شوی د جرم دموضوع شیان ضبط شوی نه وی محکمه به د هغی دقیمت په ادا کولو هم حکم کوی.

افغانستان بدون موافقه دولت یا با وکلا یا نماینده تجارتی دولت مذکور بهر جائی‌که اقامت داشته باشند مناسبات تجارتی قایم نماید، علاوه بر مصادره اموال موضوع جرم به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد وجزای نقدیی ای‌که از صد هزار افغانی کمتر و از یک ملیون افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

۲- اگر اشیای موضوع جرم مندرج فقرهٔ فوق ضبط نگردیده باشد محکمه به تادیهٔ قیمت آن نیز حکم می نماید.

یوسل او اته اتیایمه ماده:

۱- که شخص د جنګ په زمانه کښی د دولت سره په خپلو ټولو یا یو قسمت تعهداتو کی چه د وسله والو قواوو د ضرورت وړ موادو په واردولو یا رسولو بناوی یا په ارتزاقی او یا نورو موادو کښی چه د خلکو د ساتنی دپاره ورځخه کار اخستل کیږی عمداً خلل ورسوی یا په یو قسم د اقسامو د ذکر شوو

مادهٔ یکصدو هشتاد و هشتم:

۱- هرگاه شخص در زمان جنگ به اجرای تمام یا قسمتی از تعهدات خود با دولت مبنی بر تورید یا رساندن مواد مورد ضرورت قوای مسلح یا مواد ارتزاقی ویا سایر موادی‌که جهت وقایه اهالی بکار می رود عمداً خلل وارد نماید ویا به نحوی از انحا در اجرای تعهدات

تعهداتو په اجراء کی د حیلی یا تقلب څخه کار واخلی په اوږده حبس محکومیږی.

دا حکم په ذکر شوو تعهداتو کښی وکیل، ممثل یا وسیط ته هم شامل دي.

۲- که په پورتنی فقری کښې درج شوی جرمونه د هېواد د قدرت او دفاعی حرکتونو یا دوسله والو قواوو د عملیاتو دضعیفه کیدو موجب شی، ارتکاب کوونکی په اعدام محکومیږي.

متذکره به حیله یا تقلب متوسل گردد، به حبس طویل محکوم می‌گردد.

این حکم شامل وکیل، ممثل یا وسیط در تعهدات متذکره نیز می باشد.

۲- اگر جرایم مندرج فقرهٔ فوق منجر به تضعیف قدرت و حرکات دفاعی کشور یا عملیات قوای مسلح گردد، مرتکب به اعدام محکوم می‌گردد.

یوسل او نهه اتیایمه ماده:

که د جنګ په زمانه کښې ددې قانون په (۱۸۸) ماده کښې ددرج شوو ټولو یا ځینو تعهداتو په اجراء کولو کښې داهمال یا تقصیر په سبب اخلا ل واقع شی، ارتکاب کوونکی یې په متوسط حبس چه له یوه کال څخه کم نه وی او نقدی جزأ چه د پنځوس زرو افغانیو څخه زیاته نه وی یا ددې دواړو جزأګانو څخه په یوی محکومیږي.

مادهٔ یکصدو هشتادونهم:

هرگاه در اجرای تمام یا قسمتی از تعهدات مندرج مادهٔ (۱۸۸) این قانون در زمان جنگ به سبب اهمال یا تقصیر اخلال واقع گردد، مرتکب آن به حبس متوسط که کمتر از یکسال نباشد و جزای نقدی که از پنجاه هزار افغانی بیشتر نباشد ویا به یکی از این دو جزا محکوم می‌گردد.

یوسل او نوی یمه ماده:
که شخص په غیر مشروع وسیله د هېواد درازونو څخه په یوه راز خبر شی په دې شرط چه د باندنی دولت ته یا هغه اشخاصو ته چه د هغی دولت په ګټه کار کوی د تسلیمولو یا افشاء کولو قصد یی نه وی کړی په متوسط حبس محکومیږي.

مادۀ یکصدو نودم:
هرګاه شخص به وسیلۀ غیر مشروع به سری از اسرار کشور اطلاع حاصل نماید مشروط بر اینکه قصد تسلیم یا افشای آنرا به دولت خارجی یا اشخاصی‌که به نفع آن دولت کار می‌کنند نداشته باشد، به حبس متوسط محکوم می گردد.

یوسل او یو نوی یمه ماده:
که یو شخص د باندنی دولت ته یا هغه چاته چه د هغه دولت په ګټه کا رکوی خبرونه، معلومات، شیان، لیکونه، سندونه، نقشي، رسمونه، او نور شیان چه دولتي دوایرو، دولت تصدي ګانو یا عام المنفعه مؤسسو پوری مربوط وی او د هېواد دسیاسي یا دفاعي ښیګڼو پوری مربوط نه وی اود باندنیو اشخاصو ته د قانون او مقرراتو د حکمونو سره سم د هغی خپرول او توزیع کول منع وي تسلیم کي، په متوسط حبس یا نقدي جزأ چه له دولس زرو افغانیو کمه او د شپیتو زرو افغانیو زیاته نه وي محکومیږي.

مادۀ یکصدو نودویکم:
هرگاه شخص به دولت خارجی یا اشخاصی‌که به نفع آن دولت کار می‌کنند اخبار، معلومات، اشیاء، مکاتیب، اسناد، نقشه ها، رسم ها وسایر اشیای مربوط به دوایر حکومتی، تصدی های دولت یا مؤسسات عام المنفعه که به مصالح سیاسی یا دفاعی کشور مربوط نباشد و نشر وتوزیع آن به اشخاص خارجی مطابق به احکام قانون یا مقررات ممنوع شناخته شده باشد تسلیم نماید، به حبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر واز شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

یوسل او دوه نوي یمه ماده:

۱- کـه شـخص عمـداً د هـوائی، ځمکنیـو یـا اوبنیـو وسـایلو څخـه یوه، لار او نور داسی تأسیسات چه د عسکرو پوری مربوط وي او یـا د ددولـت دوسـله والـو قـواوو د پـاره تخصیص شوي وی، یـو قسمت یـا ټوله خرابه کی یا هغـه د استفادی څـخه وبـاسی، پـه اوږده حبـس محکـومیـږي.

۲- کـه د پـورتنی فقری درج شـوی جرمونـه پـه یـوه راتلـونکی حـالت کـښې ارتکـاب شـی ارتکـاب کوونکی په اعدام محکومیږي:

۱- پـه هغـه حـالت کـښې چه فعـل دداسـی دولـت پـه ګټه ارتکاب شی چه د افغانستان سره په جنګ کښې داخل وی.

۲- په هغه حالت کښې چه د دولت ددفاعی احضاراتو فعـل یـا دفاعی قـدرت اویـا نظـامي حرکتونـه د هلاکت سره مخامخ کی.

مادۀ یکصدو نودو دوم:

۱- هرګاه شخصی عمداً یکی از وسایط هوائی، زمینی یا آبی، راه وسایر تأسیساتی را که متعلق به عسکری بوده ویا بـه خدمت قـوای مسلح دولـت تخصیص داده شده باشـد، قـسماً یـا تمامـاً تخریـب کـرده و یـا آن را غـیر قابـل استفاده گرداند، به حبس طویل محکوم می‌گردد.

۲- اگـر جـرایم منـدرج فقـرۀ فـوق در یکـی از حـالات آتـی ارتکـاب گـردد مـرتکـب بـه اعـدام محکـوم میگردد:

۱- در حالتـی‌که فـعل بـه نفع دولتـی ارتکـاب گـردد کـه با دولـت افغـانسـتان داخـل جنـگ باشد.

۲- در حـالتی‌که فعـل احضارات دفاعی دولت یا قدرت دفاعی یا حرکـات نظـامی آن را معـروض بـه تهلـکه سـازد.

یوسل او دری نوی یمه ماده:

۱- که شخص د پورتنیو ټاکل شوو مـادو د حـالونو څخـه پـه غیـر دیـو عمل د ارتکاب په منظور ملی ګټو

مادۀ یکصدو نودوسوم:

۱- هـرګـاه شـخص در غیـر از حـالات پیـش بیـنی شدۀ مـواد فوق به منظور ارتکاب عمـلی

ته ضرر ورسوي، دباندنی هېواد څخه یا د هغه اشخاصو څخه چه د هغی هېواد په ګټه کار کوی د ځان دپاره یا د بل شخص دپاره پیسي یا ګټه پخپله یا د بل چا په وسیله واخلی، وغواړی یا قبوله کی، یا د هغی د اخستلو وعده ورکی په اوږده حبس چه دلسو کلونو څخه زیات نه وی او په نقدی جزأ چه د سل زرو افغانیو څخه کمه نه وی او د هغی اندازی څخه چه ورکول شوی یا په هغی وعده کړی شوی زیاتی نه وی محکومیږي.

۲-که ارتکاب کوونکی دمامورینو اجیرانو یا دنورو عمومی خدمتونو د مؤظفینو د جملی څخه وی یا دپورتنی فقری درج شوی جرم د جنګ په زمانه کښی ارتکاب شی، ارتکاب کوونکی په دوام لرونکی حبس او دپورتنی فقری په عین نقدی جزأ محکومیږي.

۳- که شخص د ملي ګټو مخالف عمل د ارتکاب په قصد دپورتنیو ذکر شوو شیانو څخه یو چاته ورکی یائی عرضه کی یائی دورکولو وعده وکی یائی په اجراء کولو کښی وساطت وکی، د پورتنی به منافع ملی ضرر رساند از دولت خارجی یا اشخاصی‌که به نفع آن دولت کار می کنند برای خود یا شخص دیگر پول یا منفعت را خود یا توسط شخص دیگر اخذ، طلب یا قبول نماید یا وعدهٔ گرفتن آنرا بدهد، به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد و جزای نقدی که از یکصد هزار افغانی کمتر واز اندازه ایکه داده شده و یا وعده به آن صورت گرفته بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

۲- اگر مرتکب از جمله مامورین، اجیران یا سایر مؤظفین خدمات عامه باشد یا جرم مندرج فقرهٔ فوق در زمان جنگ ارتکاب گردد، مرتکب به حبس دوام وعین جزای نقدی مندرج فقرهٔ فوق محکوم می‌گردد.

۳- شخصی‌که به قصد ارتکاب عمل مخالف منافع ملی یکی از اشیای متذکرهٔ فوق را به شخصی بدهد یا عرضه نماید یا به تادیهٔ آن وعده کند یا در اجرای آن وساطت نماید، بعین

فقری په عین جزأ محکومیږی. که دوساطت دقبولی غوښتنه یا وعده په لیکلی توګه شوی وی ذکر شوی جرم د مکتوب د صادریدو سره سم انجام شوی شمیرل کیږي.

جزای فقرهٔ فوق محکوم می‌گردد. اگر طلب قبولی وساطت ویا وعدهٔ تحریری صورت گیرد جرم مذکور به مجرد صدور مکتوب انجام شده تلقی می‌شود.

یوسل او څلور نوی یمه ماده:

۱- راتلونکی اشخاص په دوام لرونکی حبس محکومیږي:

۱- شخص یا اشخاص چه د باندنی هېواد په ګټه کار کوی د افغانستان د حربي، سیاسي، دیپلوماسي یا اقتصادي مرکز ته د ضرر رسولو په قصد جاسوسي وکي.

۲- که شخص سره ددې چه د عمل په جرمی خاصیت علم لری پانې یا داسی اسناد چه د دولت د امنیت یا نورو ملی ګټو پوری مربوط وی عمداً تلف، پټی، اختلاس یا تزویر کی.

۲- که شخص ددې مادې ددرج شوو جرمونو د جنګ په زمانه کښې مرتکب شی، په اعدام محکومیږي.

مادهٔ یکصدو نودو چهارم:

۱- اشخاص آتی به حبس دوام محکوم می گردند:

۱- شخصی‌که به نفع دولت خارجی یا اشخاصی‌که به نفع آن دولت کار میکنند به قصد ضرر رساندن به مرکز حربی، سیاسی، دیپلوماسی یا اقتصادی افغانستان جاسوسی نماید.

۲- شخصی‌که با وجود علم به خاصیت جرمی عمل اوراق یا اسنادی را که مربوط امنیت دولت یا سایر منافع ملی باشد عمداً تلف، پنهان، اختلاس یا تزویر نماید.

۲- شخصی‌که جرایم مندرج این ماده را در زمان جنگ مرتکب گردد، به اعدام محکوم می‌گردد.

یوسل او پنځه نوی یمه ماده:
که شخص په یو دولتی کار کښې د باندنی دولت سره د مذاکرو په اجرأ کولو مکلف شوی وی او عمداً یی د افغانستان د ګټو په ضد تر سره کـی، پـه دوام لرونکـی حـبس محکومیږي.

یوسل او شپږ نوی یمه ماده:
۱-که شخص بی د دولت داجازی څخه دعسکرو په حاضرولو یا د باندنی دولت په ضد په بل تیری کوونکی عمل بوخت شی چه د هغی په اثر د افغانستان دولت د جنګ د خطر سره مخامخ شی په اوږده حبس چه دلسو کلو څخه زیات نه وی محکومیږي.
۲- که د پورتنی فقری درج شوی جرم عملاً په جنګ منجر شی ارتکاب کوونکی په اعدام محکومیږي.
۳-که ددې مادې د (۱) فقری درج شوی جرم یواځی د سیاسي علاقو په پری کولو یا په بالمثل رویه منجر شی په اوږده حبس چه ددولس کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.

مادۀ یکصدو نودوپنجم:
شخصی‌که در یکی از امور دولتی به اجرای مذاکرات با دولت خارجی مکلف گردیده آنرا عمداً علیه منفعت افغانستان انجام دهد، به حبس دوام محکوم می‌گردد.

مادۀ یکصدو نودوششم:
۱- هرگاه شخص بدون اجازه دولت به احضار عساکر یا به عمل تجاوز کارانه دیگری علیه دولت خارجی بپردازد که به اثر آن دولت افغانستان به خطر جنگ مواجه گردد به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.
۲- اگر جرم مندرج فقرۀ فوق بالفعل منجر به جنگ گردد مرتکب به اعدام محکوم می‌گردد.
۳- اگر جرم مندرج فقره (۱) این ماده تنها منجر به قطع علایق سیاسی یا رویه بالمثل گردد، مرتکب به حبس طویل که از دوازده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

یوسل او اووه نوی یمه ماده:
۱- راتلونکی اشخاص په متوسط حبس محکومیږي:
۱- هر افغان چه په خارج کښې عمداً غلط او غرض لرونکی خبرونه، بیانیی، یا پروپاګند د هېواد د کورنیو چارو په باره کښې خپری کې چه ددولت د مالی اعتبار، حیثیت یا اعتبار د ضعیفه کیدلو موجب وګرځی.
۲- هر افغان چه د هېواد څخه د باندی په یو قسم د اقسامو داسی فعالیت تر سره کی چه د هغی په اثر ملی ګټو ته ضرر ورسیږي.
۲- که ددې مادې درج شوی جرمونه د جنګ په زمانه کښې ارتکاب شی ارتکاب کوونکی په اوږده حبس چه دلسو کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.

یوسل او اته نوی یمه ماده:
۱- راتلونکی اشخاص په لنډ حبس او په نقدی جزأ چه پنځوس زرو افغانیو څخه زیاته نه وي او یا ددې دواړو جزأګانو څخه په یوي محکومیږي:
۱-چه شخص بی د مربوطو

مادۀ یکصدو نودوهفتم:
۱- اشخاص آتی به حبس متوسط محکوم می‌گردند:
۱- هر افغان که عمداً در خارج، اخبار، بیانات یا پروپاگند غلط و مغرضانه را در مورد اوضاع داخلی کشور نشر نماید که موجب تضعیف اعتبار مالی، حیثیت یا اعتبار دولت گردد.
۲- هر افغان که در خارج کشور به نحوی از انحا فعالیتی را انجام دهد که به اثر آن منافع ملی متضرر گردد.
۲- اگر جرایم مندرج این ماده در زمان جنگ ارتکاب گردد مرتکب به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

ماده یکصدو نود و هشتم:
۱- اشخاص آتی به حبس قصیر و جزای نقدی که از پنجاه هزار افغانی بیشتر نباشد و یا بیکی ازین دو جزا محکوم می‌گردند:
۱- شخصی‌که بدون اجازه

مقامونو داجازی څخه د افغانستان په فضا کښې الوتنه وکی.

۲- چـــه شـخص بـی د مربوطـو مقـامونو د اجـازی څخـه کلاګـانو، دفـاعی یـا امنیتـی تأسیـساتو، عکسري قشلو، جنګی موټرونـو، او نـورو نظامـــی یـا امنیـــتی ځـایو تـه او فابریکـــو تـه چـه پـه کښې د هېـواد ددفـاعـــي ګـټو دپـــاره کـــار جریـــان لـــري او عـــام خلـــک پـــه هغـــی کـــښی دننـــوتـــلو څـــخه مـــنع وی، داخـل شي.

۳-چه شخص د عسکري مرکزونو یـــا نـــورو ممنوعـــه ځـــایونو د عکسونو، رســمونو یـا نـقـشـو اخســتلو ته اقدام وکی.

۲- که ددې مادی په ټولو درج شوو حالونو کښې جرم د فریب، جعل، د شخصیت، کار، کسب یا تابعیت د پـټولو د وسیلو څـخه پـه یـوه وســیله ارتکاب شی او یـا جرم د جنګ پـه زمانـه کـښی واقـع شـی ارتکاب کوونکی په متوسط حبس چـه دیـوه کـال څخـه کـم نـه وی او نقدي جزأ چه ددولس زرو افغـانیو کمه او د پنځوس زرو افغانیو څخه مقامـات مـربـوطـــه در فـــضای افغانستان پرواز نماید.

۲- شخـصی‌کـــه بـــدون اجـــازه مقامـات مربوطـه بـه قلعـه هـا، تأسیـسات دفـاعی یـا امنیتـی، قشله های عسکری، پـــایګاه های نظـــامی مراکـــز قـــوای مـــسلح، طیارات، موتر های جنګی وسایر مواضع نظامی یا امنیتی و فابری- کـه هـائی‌کـه در آن بـرای منفعـت دفـاعی کـشور کـار جریـان دارد و عامـۀ مـردم از داخـل شـدن در آن ممنوع باشند، داخل گردد.

۳- شخـــصی‌کـــه بـــه گـــرفتـــن عکس ها رسم هـا یا نقـشه های مراکـــز عـــسکری یـــا جاهـــای مـــمنوعۀ دیگر اقدام نماید.

۲- اگر در تمام حالات مندرج ایـن مـاده جرم بیکی از و سایل فریب جعـل، اخفـای شخـصیت، پیـشه، کـــسب یـــا تابعیـــت ارتکـــاب گـردد و یـا جـرم در زمـان جنـګ واقـــع شـــود مرتکـــب بـــه حـبس متوسـطی‌کـه از یکـسال کمتر نـباشد و جزای نقدی که از دوازده هـــزار افـــغانی کمتر و از پنجاه هزار افغـانی بیشتر نباشد

زیاته نه وي محکومیږي.
۳- په هغه صورت کښې چه ددې مادې د (۲) فقری دواړه درج شوی حالونه سره یوځای شی ارتکاب کوونکی په اوږده حبس چه دلسو کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.
۴- ددې مادې درج شوو فقرو په جرمونو شروع د ذکر شوو جرمونو د ارتکاب په حکم کی دی.

محکوم می گردد.
۳- در صورت اجتماع هردو حالت مندرج فقرهٔ (۲) این ماده مرتکب به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.
۴- شروع در جرایم مندرج فقرات این ماده در حکم ارتکاب جرایم مذکور می باشد.

یوسل نهه نوی یمه ماده:
۱- راتلونکی اشخاص ددې فصل په درج شوو جرمونو کښې د جرم د شریک په حیث مجازات کیږي:
۱- چه شخص سره ددې چه د مجرم په جرمی قصد علم لری ورسره مرسته وکی یا د مجرم د پاره د ژوند کولو، اوسیدلو، د پناه ځای، ځای، داجتماع وسیلی یا نوری آسانتیاوی برابری کی یا د هغه د لیکونو حامل وګرځی یا یی پټ یائی نقل کی.
۲- که څوک سره د علمه هغه شیان چه د جرم په ارتکاب کښې استعمال شوی یا د هغی منظور د پاره تیار شوی یا هغه شیان چه د

مادهٔ یکصدو نود ونهم:
۱- اشخاص آتی در جرایم مندرج این فصل به حیث شریك در جرم مجازات می شوند:
۱- شخصی‌که با وجود علم به قصد جرمی مجرم باوی کمك نماید ویا وسایل معیشت، سکونت، پناه گاه، مکان، اجتماع ویا سایر تسهیلات را برای مجرم فراهم نماید یا حامل مکاتیب وی گردد ویا اورا پنهان نماید ویا نقل دهد.
۲- شخصی‌که با وجود علم اشیائی را که در ارتکاب جرم استعمال شده یا به آن منظور آماده شده باشد یا اشیائی را

جرم د ارتکاب څخه په لاس راغلی وی پټ کی.

۳- که څوک یو سند چه د جرم په کشف او د مجرم د مجازات په دلایلو کښې آسانتیاوی برابروی تلف، اختلاس یا پټ کی او یا هغی ته تغییر ورکی.

۲- په پورتنیو حالونو کښې محکمه کولی شی چه د مجرم میړه، ښځه اصول او فروع په جزأ محکوم نه کی مگر داچه قانون په بل ډول حکم کړی وی.

دوه سومه ماده:

۱-که شخص د جرم د ارتکاب څخه وروسته او د عدلی تعقیب څخه تر مخه د قضائی ضبط مامورینو ته خبر ورکی د جرم د ارتکاب کوونکو یا شریکانو پوره شهرت یا دنورو ضروري معلوماتو چه د جرم د کشف پوری مربوط وی د قضائی ضبط مامورینو په لاس کښی کښیږدی یا داچه دارتکاب شوی جرم مماثل ارتکاب کوونکی مربوطو مقامونوته معرفی کی محکمه کولی شی چه د هغه په باره کښی مخففه حالونه مراعات کړی.

که از ارتکاب جرم بدست آمده پنهان نماید.

۳- شخصی‌که سندی را که در کشف جرم، دلایل و مجازات مجرم تسهیلات فراهم می‌سازد تلف، اختلاس یا پنهان نماید ویا آنرا عمداً تغییر دهد.

۲- در حالات فوق محکمه می تواند شوهر، زن ، اصول وفروع مجرم را بجزا محکوم ننماید مگر اینکه قانون طور دیگری حکم کرده باشد.

مادۀ دوصدم:

۱- هرگاه شخص بعد از ارتکاب جرم وقبل از تعقیب عدلی به مامورین ضبط قضائی اطلاع وشهرت کامل مرتکبین یا شرکای جرم یا سایر معلومات ضروری مربوط به کشف جرم را بدسترس مامورین ضبط قضائی قرار دهد یا این‌که مرتکبین جرم مماثل جرم مرتکبه را به مقامات مربوطه معرفی کند محکمه می تواند احوال مخففه را در مورد او

کی.
۲- کـه اطـلاع د جـرم دارتکـاب او تمامیدو تر مخه مربوطو مقامونو ته ورکول شي، اطلاع ورکوونکی د مجازات څخه معافیږي.

دوه سوه او یومه ماده:
راتلـونکی معلومـات د هېـواد د دفـاعی اسـرارو د جملـی څخـه شمیرل کیږي:
۱- نظامي، سیاسي، دیپلوماسي، اقتصادي او صنعتي معلومات چه د هغـی د ماهیـت لـه نظره د هغـه اشخاصو څخه په غیر چـه رسماً ورسـره سـر او کـار لـری د هـېواد دفاعی ښـیګنو لاړمـه کړی وی چه نور اشخاص پری خبر نه شی.
۲- مکتوبونـــــه، لیکونـــــه، سـندونه، رسـمونه، نقـشـي، تـصویرونه، عکـسونه او نـور شـیان چه د هېواد ښیـــګنو لاړم کـــړی وی چـــه غیـر د هـــغه اشـخاصـو څخـــه چـه ورســـره سـر او کار لـــری بل څـــوک پری خبر شی.
۳- دنظامی تشکیلاتو او سوقیاتو پوری مربوط خبرونه او معلومات، رعـایـت کنـد.
۲- اگر اطلاع قبـل از ارتکاب و اتمـام جـرم بـــه مقامـات مربـوط صـورت بگیـرد، اطـلاع دهنـده از مجازات معاف می‌گردد.

مادۀ دوصدو یکم:
معلومـات آتـی از جملـه اسـرار دفـاعـــی کـــشور شـمـــرده می شود:
۱- معلومـات نظـامی، سیاسـی، دیپلوماسی،اقتصادی و صناعتی کـه نظـر بـــه ماهیـت آن غیـر از اشخاصی که رسماً بـه آن سروکار دارند مصلحت دفاعی کشور لاړم گردانیده باشد کـه اشخاص دیگر به آن اطلاع حاصل نکنند.
۲- مکاتیـــب، نوشـــته جـــات، اسـناد، رسـم هـا، نقـشه هـا، تـصاویر، عکـس هـا و سـایر اشیائی‌که مصلحت دفاعی کشور لاړم گردانیـده باشـد کـه غیـر از اشخاصی‌که رسماً بـه آن سروکار دارند اشخاص دیگر بـه آن اطلاع حاصل نکنند.
۳-اخبـار و معلومـات مربـــوط بـــه تـــشکیلات وسوقیـــات

حربي وسيلي، په عمومی توګه هغه معلومات چه د نظامی او استراتیژیکی چارو پوری مربوط وی او داردو د عمومی قوماندانی له خوا د هغی د خپرولو لیکلی اجازه نه وی صادره شوی.

۴- خبرونه او معلومات چه د تدبیرونو او اجراآتو پوری مربوط وی او ددی فصل ددرج شوو جرمونو د کشف او تحقیق یا دهغی دارتکاب کوونکو د محاکمی دپاره اتخاذ کیږي.

سره ددې صلاحیت لرونکی محکمه کولی شی د هغه ګزارشاتو خپرونه چه ئی لازم وګڼی اجازه یی ورکی.

نظامی، وسایل حربی و به طور عموم معلوماتی که بامر نظامی و استراتیژیکی متعلق واز طرف قوماندانیت اعلی اردو به نشر آن اجازه تحریری صادر نشده باشد.

۴- اخبار و معلومات مربوط به تدابیر و اجراآتی‌که برای کشف و تحقیق جرایم مندرج این فصل یا محاکمهٔ مرتکبین آن اتخاذ می گردد.

با آنهم محکمه با صلاحیت میتواند نشر گزارشاتی را که لازم بیند اجازه دهد.

دوه سوه او دوه یمه ماده:

د جنګ حالت عبارت دی د تصادم دپیل څخه تر پای پوری.

هغه موده چه په هغی کښی ددښمن سره د نږدی تصادم احتمال موجود وی هغه هم د جنګ د حالت په حکم کښی ده.

مادهٔ دوصد ودوم:

حالت جنگ عبارت است از شروع الی ختم تصادم.

مدتی که در آن احتمال تصادم قریب با دشمن موجود باشد نیز در حکم حالت جنگ می باشد.

دوه سوه او درپیمه ماده:
سیاسي جمعیتونه چه د افغانستان دولت یی په رسمیت نه پیژنی او د هغوی سره د جنګ په حالت کښې قرار ونیسي د باندنی هېواد په حکم کښی دی.*

مادۀ دوصدو سوم:
جمعیت های سیاسی که دولت افغانستان آنها را به رسمیت نشناخته باشد وبا اوشان در حالت جنگ قرار گیرد در حکم دولت خارجی می باشند.*

دوه یم فصل
د دولت د کورنی امنیت په ضد جرمونه

فصل دوم
جرایم علیه امنیت داخلی دولت

دوه سوه او څلورمه ماده:
که شخص د افغانستان د جمهوري رژیم د پښو غورځولو د پاره د قوی د استعمال سره اقدام وکی په اعدام محکومیږي.

مادۀ دوصدوچهارم:
شخصی که با استعمال قوت به از پا در انداختن رژیم جمهوری افغانستان اقدام کند به اعدام محکوم می گردد.

دوه سوه او پنځمه ماده:
۱-که شخص د دولت داساسی قانون یا ددولت د شکل دچپه کولو یا تغییر دپاره د قوي د استعمال سره اقدام وکی په اوږده حبس محکومیږي.
۲- که د پورتنی فقری درج شوی جرمی عمل دوسله وال جمعیت په وسیله وشی تاسیس کوونکی ، رئیس او هر شخص چه په

مادۀ دوصدو پنجم:
۱- شخصی که با استعمال قوت به منقلب ساختن یا تغییر قانون اساسی دولت یا شکل دولت اقدام نماید به حبس دوام محکوم می گردد.
۲- اگر اقدام به عمل جرمی مندرج فقرۀ فوق توسط جمعیت مسلح صورت گیرد مؤسس، رئیس و هر شخصی که به نحوی از

* ماده ۲۰۳ قانون جزا لغو گردیده، در بخش تعدیلات مراجعه شود.

یوقسم د اقسامو د ذکر شوی وسله وا ل جمعیت رهبری په غاړه لری په اعدام محکومیږي.

انحا رهبری جمعیت مسلح مذکور را به عهده داشته باشد به اعدام محکوم می گردد.

دوه سوه او شپږمه ماده:

۱- که شخص د جمهور رئیس په ژوند تیري وکي یا ئي آزادي سلب کي په اعدام محکومیږي.

۲- دپورتني فقري ددرج شوي جرم د شروع ارتکاب کوونکی په دوام لرونکی حبس محکومیږي.

مادۀ دوصدو ششم:

۱- شخصی‌که علیه حیات رئیس جمهور تجاوز یا آزادی او را سلب نماید به اعدام محکوم می گردد.

۲- مرتکب شروع به جرم مندرج فقرۀ فوق به حبس دوام محکوم می گردد.

دوه سوه اوومه ماده:

۱- که شخص د قوې په استعمال تهدید یا دهشت اچولو د دولت رئیس د داسې عمل په اجراء کولو مجبور کې چه قانوناً یې صلاحیت لري یایې دهغې څخه په منع راوړلو په جبر مجبور کې په دوام لرونکي حبس محکومیږي.

۲- که د پورتنی فقری درج شوی جرم ددولت د رکنونو په یوه رئیس یا د حکومت او یا د پارلمان په یوه غړی وشي، ارتکاب کوونکی په اوږده حبس محکومیږي.

مادۀ دوصد وهفتم:

۱- شخصی‌که با استعمال قوت، تهدید یا دهشت افگنی رئیس جمهور را به اجرای عملی که قانوناً صلاحیت آن را داشته باشد ویابه امتناع از آن جبراً وادار سازد به حبس دوام محکوم می گردد.

۲- اگر جرم مندرج فقرۀ فوق علیه یکی از روسای ارکان دولت یا اعضای حکومت یا پارلمان صورت گیرد مرتکب به حبس طویل محکوم می‌گردد.

دوه سوه اتمه ماده:
که شخص د افغانستان د دولت په ضد د افغانستان اردو یا خلک وسله وال قیام ته دعوت کي په اعدام محکومیږي. په دي شرط چه ددې دعوت په نتیجه کښې قیام صورت ومومي د هغې په غیر ارتکاب کوونکی په اوږد حبس محکومیږي.

مادۀ دوصدوهشتم:
شخصی‌که اردو و یا مردم افغانستان را به قیام مسلح علیه دولت افغانستان دعوت نماید به اعدام محکوم می‌گردد. مشروط بر این‌که در نتیجۀ این دعوت قیام صورت گیرد در غیر آن مرتکب به حبس طویل محکوم می‌گردد.

دوه سوه نهمه ماده:
که څوک ددې قانون د (۲۰۴، ۲۰۵ او ۲۰۸) درج شوو مادو د جرمونو د ارتکاب د پاره د خلکو په منځ کښې شفوي یا تحریري تبلیغ وکي د حالونو سره سم په متوسط حبس محکومیږي.

مادۀ دوصد ونهم:
شخصی‌که برای ارتکاب جرایم مندرج مواد (۲۰۴، ۲۰۵ و ۲۰۸) این قانون در بین مردم تبلیغ شفوی یا تحریری نماید حسب احوال به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

دوه سوه اولسمه ماده:
که څوک خلک کورنی جنګ ته یو د بل په ضد تحریک کی د جنګ دواقع کیدو په صورت کښې په دوام لرونکی حبس، د جنګ دنه واقع کیدو په صورت کښې که د بی نظمی او لوټ کولو باعث وګرځی د احوالونو سره سم په اوږده حبس چه د لسو کلونو څخه

مادۀ دوصد ودهم:
شخصی‌که مردم را به جنگ داخلی علیه یکدیگر تحریك کند، در صورت وقوع قتال به حبس دوام و در صورت عدم وقوع قتال اگر باعث ایجاد بی نظمی وغارت گردد حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می

زیات نه وي محکومیږي. په هغه صورت کښې چه د ذکر شوي شخص تحریک مؤثر واقع نه شي ارتکاب کوونکي د حالونو سره سم په متوسط حبس محکومیږي.

گردد و در صورتی‌که تحریک شخص مذکور مؤثر واقع نگردد، مرتکب حسب احوال به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

دوه سوه او یوولسمه ماده:

۱- که څوک په جرمی قصد د یوی عسکري فرقې یا ګروپ، جنګي الوتکې، تانې یا عسکري قشلې لارښوونه بی د دولت د امر څخه اوبې د مشروع سبب څخه په غاړه واخلي په اعدام محکومیږي.

۲- که شخص د دولت د امر په صادریدو د قیادت څخه منع کړي شو خو سره د هغی هم خپل عمل ته دوام ورکی یا داچه د عسکری قوماندانی قوه، د دولت د امر دصادریدو وروسته چه اسلحي د اینښودلو په باره کښې یې کړی، د خپل اثر لاندی عساکر مسلح او جمع وساتي په اعدام محکومیږي.

مادۀ دوصدو یازدهم:

۱- شخصی‌که به قصد جرمی قیادت فرقه یا گروپ عسکری، طیاره جنگی، تهانه یا قشله عسکری را بدون امر دولت وبدون سبب مشروع بدوش گیرد، به اعدام محکوم می‌گردد.

۲- شخصی‌که با وجود صدور امر دولت مبنی بر منع قیادت به عمل خود ادامه دهد یا این‌که قوماندان قوه عسکری بعد از صدور امر دولت راجع به گذاشتن سلاح، عساکر تحت اثر خود را مسلح وبه حالت جمع نگه دارد، به اعدام محکوم می‌گردد.

دوه سوه او دوولسمه ماده:

۱- څوک چه دوسله والو قواوو یا د ژاندارم او پولیسو په افرادو د امر او قوماندي حق لري د جرمي قصد

مادۀ دوصدو دوازدهم:

۱- شخصی‌که بر افراد قوای مسلح یا پولیس وژاندارم حق امر وقوماندە داشته وبا داشتن قصد

لرلـو سـره د دولـت دامرونـو د معطلولـو حکمونـه صـادر کـي پـه اوږده حبس محکومیږي.
۲- که د پورتنی فقری د درج شوی جرم په اثر د دولت امرونه بالفعل معطـل شـي ارتکـاب کـوونکی د حـالونو سره سم په اعدام یا دوام لرونکی حبس محکومیږي.
۳- لاندنی صاحبمنصبان کـه ددې حکمونـو اطاعـت وکـی د حـالونو سـره سـم پـه اوږده حـبس محکومیږي.

جرمی بـه آنهـا احکـام معطـل قـرار دادن اوامر دولت را صـادر نمایـد، به حبس طویل محکوم می‌گردد.
۲- اگر بـه اثر جرم مندرج فقرهٔ فـوق اجـرای اوامـر دولت بالفعـل معطـل گـردد، مـرتـکب حسب احـوال بـه اعـدام یـا حـبس دوام محـکوم می‌گردد.
۳- صاحب‌منصبان مادون که ازین احکـام اطاعـت نماینـد حـسب احـوال بـه حبس طویـل محکـوم می‌گردند.

دوه سوه او دیارلسمه ماده:
۱- که څوک د یوی ډلی وسله والو جنایت کارانو ریاست یا په قسم د اقسامو په هغـی کـښی قیـادت د دولتـی مځکو یـا مـالونو یـا دیـو جمعیت خلکو د مـالونو د غـصبولو او لوټولو په مقصد په اوږه واخلی یا د هغه عسکرو یـا امنیتي قـواوو په مقابـل کـښې مقاومت وکـی چـه ددې ډلـي جنایـت کارانـو د مجـرمیـنو د تـارو مـار کولـو دپـاره مکـلف شـوی وی په اعـدام محکومیږي.
۲- که څوک د پـورتنی فقری

مادهٔ دوصد وسیزدهم:
۱- شخـصی‌کـه ریاسـت دستهٔ جنایت کـاران مسـلح یـا بـه نحـوی از انحـا قیـادت رادر آن بـه قـصد غـصب و غـارت اراضی یا امـوال دولتی یا امـوال جمعیتی از مردم را بـدوش گـیرد یـا در برابر عـساکر یا قـوای امنیتـی مـقاومت نـماید کـه بـرای منکـوب سـاختن مجرمـین ایـن دسـته جنایتکـاران مکـلف شـده انـد، بـه اعـدام محـکوم می‌گردد.
۲- شخـصی‌کـه دسـتهٔ

درج شوی د جـــنایت کارانو ډله اداره او تنظـیم کی د حـالونو سره سم پـه دوام لـــرونکی حبـــس یـا اوږده حبس محـکومیږي.
۳- د پـورتنی فقـری درج شـوی د جنایـت کـارانو د ډلـی نـور غـړی د حـالونو سـره سـم پـه اوږده حـبس محکومیږي.

جنایتکاران مندرج فـــقرۀ فـــوق را اداره و تنظـیم نـماید، حـسب احـوال بـه حبـــس دوام یـــا حـبس طـــویل محکوم می‌گردد.
۳- سـایر اعـضای دسـته جنایـت کـاران منـدرج فقـره فـوق حـسب احـوال بـه حـبس طویـل محکـوم می‌گردند.

دوه سوه او څوارلسمه ماده:
راتلـونکی اشـخاص دحـالونو سـره سم په اوږده حبس محکومیږي:
۱- کـه څوک ددې قـانون د (۲۱۳) مـادې ددرج شوی د جنایت کـارانو ډلـې تـه وســله او نـورې جنګـی وسیلې تیارې کی چه په جرم کښې ورڅخه استفاده وکـي یـا د هغې د جرمي خاصیت د علم لرلو سره ذکر شوي ډلې ته ارتزاقي مواد ولیږي.
۲- کـه څوک ذکـر شـوی ډلـې تـه د هغی جرمي صفت او هدف په علم لرلـو سـره د اوسـیدلو یـا پنـاه ځـای ورکـي یـا هغـوی تـه د اجتمـاع ځـای برابر کي.

مادۀ دوصدو چهاردهم:
اشخاص آتی حسب احوال به حبس طویل محکوم می گردند:
۱- شخـصی‌کـه بـه دسـتۀ جنایـت کـاران منـدرج مـاده (۲۱۳) ایـن قانون اسلحه وسـایـر وسایل حربی تهیـه نمایـد کـه در جـرم مـورد استـفاده قرارگیرد یا با وجود علم به خاصیت جرمی آن مواد ارتزاقی بدستۀ مذکور ارسال نماید.
۲- شخصی‌که به دستۀ مذکور با وجود علم به صفت و هدف جرمی آن جـای سکـــونت یـا پنـاه گـاه بدهد یا به آن‌ها محل اجتماع تهیه نماید.

دوه سوه او پنځلسمه ماده:
کـه څـوک ددې قـانون د (۲۱۳، ۲۱۴) مـادو ددرج شـوي جنايـت کارانو په ډله کښې شامل وي او په هغی کښې کومه عهده او قـيادت ونـه لـري او د عـسکري يـا امنيتـي مقامونو د لمړني اخطار سره فوراً لـه ډلـي ووځي، د جرم د شريک په حيث نه مجازات کيږي، مگر که د بل جنايت ارتکاب کوونکی شوی وی.

مادۀ دوصدوپانزدهم:
شخصی‌که در دستۀ جنایت کاران منـدرج مـواد (۲۱۳ و ۲۱۴) ایـن قـانون شـامل بـوده ودر آن کـدام عهـده یـا قیـادتی نداشـته باشـد و به اولین اخطار مقامات عـسکری یـا امنیتـی فـوراً از دسـته خـارج گـردد، بـه حیـث شـریك جـرم مجـازات نمی‌گردد، مگر ایـن‌کـه جـنایت دیگـری را مرتکـب شـده باشد.

دوه سوه او شپاړسمه ماده:
۱- که څوک د قـوی په استعمـال د دولتـی بناګـانو، مؤسـسو او نـورو ځـایونو چـه د عمـومي ښـيګڼو پـه منظـور آبـادي شـوي، اشـغالولو تـه اقـدام وکـی د حـالونو سره سـم پـه اوږده حبس محکوميږي.
۲- کـه د پـورتنی فقـری درج شـوی جـرم دوسـله والـی ډلـي پـه وسـيله ارتکـاب شـي، تأسـيس کـوونکی ډلی مشر او هغه شخص چـه پـه قسـم داقسامو ئي د هـغي قيادت په غاړه وي په اعدام محکوميږي.

مادۀ دوصدو شانزدهم:
۱- شخصی‌که بـا استعمـال قـوت بـه اشـغال بناهـای دولتـی، مؤسسات و دیـگر امـاکنی که بـه منظور منفعت عامه اعمار گردیده اقـدام نمایـد، حـسب احـوال بـه حبـس طویل محکوم می‌گردد.
۲- اگـر جـرم منـدرج فقـرۀ فـوق توسـط دسـتۀ مسلح ارتکـاب گـردد، مؤسـس، سـر دسـته وشخـصی‌کـه بـه نحـوی از انحـا قیـادت آنرا بـه عهـده داشـته بـاشد به اعدام محکوم می‌گردد.

دوه سوه اووه لسمه ماده:

۱- که څوک عمداً آبادي، عمومی ملکیتونه، د دولتی دوایرو او عامو مؤسسو پوری خاص املاک یا هغه جمعیتونه چه په قانوني ډول د عمومي ښیګنې د تأمین په غرض تأسیس شوي وي په داسي توګه خراب شي چه په کلي یا جزئي صورت د ګټې اخستلو قابلیت ونه لري، د احوالو نو سره سم په اوږد حبس یا متوسط حبس محکومیږي.

۲- که د پورتنی فقری درج شوی جرم د اضطرار په حالت کښې یا د بې نظمۍ د پیدا کولو په قصد او یا د خلکو په منځ کښې د وارخطایي او ویرې د پیدا کولو دپاره ارتکاب شي، ارتکاب کوونکی په اوږده حبس چه دلسو کلونو کم نه وي محکومیږي.

۳- که ددې مادې د (۱) فقری ددرج شوی جرم په اثر که څوک په ذکر شوو ځایونو کښې موجود وي مړ شي ارتکاب کوونکی په اعدام محکومیږي.

۴- ددې مادې په ټولو حالونو کښې مجرم په اصلي جزأ علاوه د

مادۀ دوصدو هفدهم:

۱- شخصی که عمداً عمرانات، املاك عامه، املاك مختص به دوایر دولتی، مؤسسات عامه یا جمعیت هائی که قانوناً به غرض تأمین منافع عامه تأسیس یافته باشد، طوری منهدم سازد که قابلیت انتفاع را به صورت کلی یاجزئی نداشته باشد، حسب احوال به حبس طویل یا حبس متوسط محکوم می گردد.

۲- اگر جرم مندرج فقرۀ فوق در حالت اضطرار یا به قصد ایجاد بی نظمی ویا ایجاد رعب وترس در بین مردم ارتکاب گردد، مرتکب به حبس طویل که از ده سال کمتر نباشد محکوم می گردد.

۳- اگر به اثر جرم مندرج فقرۀ (۱) این ماده شخصی که در اماکن مذکور موجود باشد فوت گردد، مرتکب به اعدام محکوم می گردد.

۴- در جمیع حالات مندرج این ماده مجرم علاوه بر جزای اصلی

هغه شیانو د قیمت په ورکولو چه یې وران یا خراب کړي هم محکومیږي.

به تادیهٔ قیمت اشیائی‌که منهدم یا تخریب نموده نیز محکوم می گردد.

دوه سوه او اتلسمه ماده:
که څوک د افغانستان د جمهوري بیرغ د سپکاوي په قصد را کښته کي او یائي څیرې کي په اوږده حبس محکومیږي.

مادهٔ دوصدو هجدهم:
شخصی‌که بیرق جمهوری افغانستان را به قصد توهین فرود آرد یا پاره کند، به حبس طویل محکوم می گردد.

دوه سوه او نولسمه ماده:
که څوک نور دداسی کار د ګډون د موافقي دپاره دعوت کې چه د هغې څخه د جرمونو څخه د یو جرم د ارتکاب غرض وي چه ددې قانون په (۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۷) مادو کښې ټاکل شوي په متوسط حبس چه ددوه کلونو څخه زیات نه وي محکومیږي، په دې شرط چه ددې منظور د پاره د هغه بلنه نه وي قبوله شوی.

مادهٔ دوصدو نزدهم:
شخصی‌که دیگران را به موافقت نمودن جهت اشتراك به عملی دعوت کند که غرض آن ارتکاب جرمی از جرایم پیش بینی شدهٔ مواد(۲۰۴،۲۰۵،۲۱۲،۲۱۴، ۲۱۶و۲۱۷) این قانون باشد به حبس متوسط که از دو سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد، مشروط بر اینکه دعوت وی به این منظور مورد قبول واقع نشده باشد.

دوه سوه او شلمه ماده:
۱-که څوک ددې قانون د (۲۰۴، ۲۱۲،۲۰۵، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۷) مادو کښې د ټاکل شوو

مادهٔ دوصدو بیستم:
۱-شخصی‌که بر پلان ارتکاب جرایم پیش بینی شدهٔ مواد (۲۰۴،۲۰۵،۲۱۲،۲۱۳،۲۱۴،

جرمونو د ارتکاب په پلان علم ولري او د هغې څخه مربوطو مقامونو ته اطلاع ورنه کې د احوالونو سره سم په متوسط حبس محکومیږي.

۲- محکمه د پورتنی فقری په درج شوو حالونو کښې کولی شی چه د مجرم میړه، ښځه، اصول او فروع په جزأ محکوم نه کي مګر داچه قانون په بل ډول حکم کړی وی.

دوه سوه او یوویشتمه ماده:

۱- که څوک یو سازمان د حزب، جمعیت، هیئت، یا ډلې په نامه ایجاد، تأسیس، تنظیم یا اداره کې چه هدف یي چپه کول یا د منځه وړل دملي اساسي یا د دولت دسیاسي، اجتماعي، اقتصادي او کلتوري قبول شوو ارزښتونو څخه د یوه وي، یا دهغي رواجولو او قبولولو دپاره په هري وسیلي چه وي تبلیغونه یا خپرونې وکي، د حالونو سره سم په اوږده حبس چه دلسو کلونو څخه زیات نه وي محکومیږي.

۲- که د پورتني فقري درج شوي حزب، جمعیت، هیئت یا ډله د

۲۱۶ و۲۱۷) این قانون علم داشته باشد واز آن به مقامات مربوط اطلاع ندهد، حسب احوال به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

۲-محکمه می‌تواند در حالات مندرج فقره فوق شوهر، زن، اصول و فروع مجرم را به جزا محکوم ننماید مگر این‌که قانون طور دیگری حکم نموده باشد.

مادۀ دوصدو بیست ویکم:

۱- شخصی‌که سازمانی را بنام حزب، جمعیت، هیأت یا گروه ایجاد ، تأسیس، تنظیم یا اداره نماید که هدف آن منقلب ساختن یا ازبین بردن یکی از ارزش‌های اساسی ملی قبول شدۀ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی وکلتوری دولت باشد یا برای ترویج وگرایش به آن به هر وسیله که باشد تبلیغات یا نشرات نماید، حسب احوال به حبس طویلی‌که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

۲- اگر حزب، جمعیت، هیأت یا گروه مندرج فقرۀ فوق برای

خپلـو هـدفونو د تـأمین دپـاره ددهشت اچولو یا نورو غیر مجازو وسیلو څخه کار واخلي ارتکاب کـوونکی پـه دوام لرونکـی حـبس محکومیږي.

۳- ددې مـادې د اولـی او دوهمـی فقـرو درج شـوی حکمونـه پـه هـر خـارجی چـه پـه افغانـستان کـې اوسیږي او په هر افغان چه په خارج کښې اوسیږي چه په ذکر شوو فقرو کښې ذکـر شـوي سـازمانونه یـا د هغـي د فروعـو څخه یـوه فرعـه پـه خارج کښې ایجاد، تأسیس، اداره یـا تنظیم کـي او یـا پـه افغانستان کښې دننـه ددې قسم سـازمانونو دیوې فرعي دفروعو په ایجادولو، تأسیس، اداره یا تنظیم بوخت شي که څه هم دهغې مرکز د افغانستان څخه د باندې وي تطبیقیږي.

۴- کـه څـوک ددې مـادې د (۱) فقري د درج شوو سازمانونو څخه پـه یـوه کـې او یـا د هغـې د فروعـو څخه یـو فرعـي تـه ملحق شـي ددې مـادې د (۱) فقـري پـه عـین جـزا محکومیږي.

۵- که څوک پخپله یا د بل شخص پـه وسـیله ددې مـادې د (۱) فقـري تـأمین اهـداف خـود بـه استعمـال قـوت یـا دهـشت افگنـی ویـا سـایر وسـایل غیـر مجـاز متوسـل گـردد، مرتکـب بـــه حـبس دوام محکـوم می گردد.

۳- احکـام منـدرج فقـرات (۱) و (۲) ایـن مـاده بـه هـر خـارجی مقیم افغـانسـتان وبـه هر افغـان مقـیم خـارج کـه سـازمان‌هـای متـذکره فقـرات مـذکـور یـا فرعـی از فـروع آنـرا در خـارج ایـجاد، تـأسیـس، اداره یـا تنـظـیم نمایـد ویـا در ایجـاد، تأسیـس، اداره یـا تنظـیم فـرعـی از فـروع ایـن چنیـن سازمان ها در داخـل افـغانستان بپـردازد گـرچـه مـرکز آن در خـارج افـغانستان بـاشد، نیـز تطـبیق مـی گـردد.

۴- شخـصی‌کـه بـه یکـی از سـازمان هـای منـدرج فقـره (۱) ایـن مـاده یـا بـه فـرعی از فـروع آن ملحـق شـود بـه عـین جزای پیش بینی شدۀ فقرۀ (۱) این مـاده محـکوم می‌گردد.

۵- شخـصی‌کـه خـود یاتـوسط شخـص دیگـر بـه سازمـانهای

درج شوو سازمانونو سره یا دهغي دفروعو څخه دیوي فرعي سره د غیر مشروع هدفونو د تأمین په منظور ارتباط قایم کي یا هغی ته دنورو اشخاصو دپیوستون د تشویق سبب وګرځي د حالونو سره سم په متوسط حبس محکومیږي.

مندرج فقرهٔ (۱) این ماده یا به فرعی از فروع آن بمنظور تأمین اهداف غیر مشروع ارتباط قایم نماید یا سبب تشویق الحاق اشخاص دیگر به آن گردد حسب احوال به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

دوه سوه او دوه ویشتمه ماده:
که شخص پخپله یا د بل شخص په واسطه مطبوعات، لیکنی یا خپرونی ددې قانون د (۲۲۱) مادې ددرج شوو سازمانونو د هدفونو درواجولو د تأمین په منظور یا د هغی دفروعو څخه د یوی فرعی دپاره، د توزیع او د نورو د اطلاع دپاره تیاری کړی پخپل حیازت کښې یې ولري، خرڅی ئی کې یا یې دخرڅ د پاره عرضه کی، داحوالونو سره سم په متوسط حبس محکومیږي.

مادهٔ دوصدو بیست ودوم:
شخصی‌که خود یا توسط شخص دیگر مطبوعات، نوشته جات یا نشراتی را که به منظور تأمین وترویج اهداف سازمان‌های مندرج مادهٔ (۲۲۱) این قانون یا فرعی از فروع آن آماده توزیع واطلاع دیگران گردیده در حیازت خود داشته باشد، بفروشد یا به فروش عرضه نماید حسب احوال به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

دوه سوه او دری ویشتمه ماده:
که شخص د طبعي، ثبت، خپرولو یا اعلان د وسیلو څخه یوه وسیله د اعلامیو، قطعنامو، شبنامو، ترانو، رسالو، تبلیغاتو د طبع

مادهٔ دوصدو بیست و سوم:
شخصی‌که وسیله ای از وسایل طبع، ثبت، نشر یا اعلان را به منظور تبع، ثبت، نشر و پخش اعلامیه ها، قطعنامه ها، شبنامه

کولو، ثبتولو، خپرولو تیتولو په منظور د دې قانون د (۲۲۱) مادې د درج شوو سازمانونو پوری مربوط یا د هغی د فروعو څخه دیوی فرعی دهدفونو د رواجولو د تأمین د پاره چه د (۲۲۱) مادې په (۱) فقره کښې ذکر شوی پخپل حیازت کښې که څه هم مؤقتي وي ولري د حالونو سره سم په متوسط حبس محکومیږي.

ها، ترانه ها، رساله ها و یا تبلیغات مربوط به سازمان های مندرج مادۀ (۲۲۱) این قانون یا فرعی از فروع آن برای تأمین و ترویج اهدافی‌که در فقره (۱) ماده (۲۲۱) تذکر یافته است در حیازت خود گرچه طور مؤقت باشد حسب احوال به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

دوه سوه او څلور ویشتمه ماده:

۱- که شخص بی د صلاحیت لرونکو مقامونو د اجازی څخه په افغانستان کښې دننه د جمعیت، هیئت یا غیر سیاسي ډلي چه هېواد واله صبغه ولري په ایجاد، تأسیس، اداري، یا تنظیم بوخت شي په حبس چه ددوه کلونو څخه زیات نه وي محکومیږي.

۲- که د پورتنی فقری ددرج شوو سازمانونو ایجاد، تأسیس، اداره یا تنظیم د جعلي اجازه نامي په اساس بنا شوي وي ارتکاب کوونکی د ذکر شوی فقری په دوه چنده ټاکل شوی جزأ محکومیږي.

مادۀ دوصدو بیست وچهارم:

۱- شخصی‌که بدون اجازه مقامات ذیصلاح در داخل افغانستان به ایجاد، تأسیس، اداره یا تنظیم جمعیت، هیأت یا گروه غیر سیاسی که صبغۀ بین المللی داشته باشد بپردازد، به حبس که از دو سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

۲- اگر ایجاد، تأسیس، اداره یا تنظیم سازمان‌های مندرج فقرۀ فوق به اساس اجازه نامه جعلی بنا یافته باشد، مرتکب به دو چند جزای پیش بینی شده فقرۀ مذکور محکوم می‌گردد.

دوه سوه او پنځه ویشتمه ماده:

۱- کـه شـخص پخپلـه یـا د بـل شـخص پـه وسـیله پـه یـو قـسم د اقسامو پیسي یا بله هره نوع مادی ګټه یا مرسته دداخلی یا خارجی منابعو څخه ددې قانون د (۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴) مـادو ددرج شوو جـرمونو د ارتکاب په منظور لاس ته راوړی د حالونو سره سم په اوږده حبس چه د لسو کلونو څخه کم نه وی محکومیږي.

۲- کـه څـوک د پـولی یـا مـادی مرسـتو لـه لاری ددې قـانون د (۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴) مـادو کښې ددرج شوو جرمونو ارتکاب ته دنورو د تشویق سبب شي که څه هـم پـه هغـی کـښی دارتکـاب د ګډون قـصدونه لـری دپـورتنی فقری د تړاکل شوی جزأ په نیمایی محکومیږي.

مادۀ دوصدوبیست وپنجم:

۱- شخـصی‌کـه خـود یـا توسـط شـخص دیگـر بـه نحـوی از انحـا مبالغ پولی یا هر نوع منفعت یا مـساعدت مـادی دیگر را از منـابع داخلـی یـا خـارجی بـه منـظور ارتکـاب جـرایم منـدرج مـواد (۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴) ایـن قانون بدست آرد، حسب احـوال بـه حبس طویـل کـه از ده سـال کمتـر نباشد محـکوم مـی‌گـردد.

۲- شخصی‌که از طریق مساعدت پـولی یـا مـادی سـبب تـشویق دیگران بـه ارتکـاب جـرایم منـدرج مـواد (۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳- ۲۲۴) ایـن قـانون گـردد گرچـه قـصد اشـتراك در ارتکـاب آن را نداشـته باشـد، بـه نـصف جـزای پـیش بینـی شـده فقـره فـوق محکوم می‌گردد.

دوه سوه اوشپږ ویشتمه ماده:

ددې قانون د (۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳) مـادو پـه ټولـو درج شـوو حـالونو کښې به محکمـه د سازمانونو او د هغـی د فروعـو د انحـلال، د مرکزونـو، دفترونـو او نمایندګیو د

مادۀ دوصدو بیست وششم:

در تمـام احـوال منـدرج مـواد (۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳) ایـن قـانون محکمـه بـه انحـلال سـازمانها وفـروع آن و مـسدود سـاختن مراکز، دفاتر و نمایندگی های آن

بندولو حکم کوی.

دوه سوه او اووه ویشتمه ماده:
۱- ددې قانون د (۲۲۱ تر ۲۲۶) مادو په ټولو درج شوو حالونو کښې به محکمه دشتمنی، پاڼو، سندونو او نورو شیانو په مصادره چه د جرم په ارتکاب کښې په کار اچول شوی حکم کوی.
۲- محکمه به د ټولو هغه مالونو او شیانو په مصادره حکم کوی چه په ظاهر کښې د محکوم علیه په املاکو او مالونو کښې داخل وي او دلیلونه او قرینې یې ثابت کې چه په واقع کښې ددې مالونو او املاکو څخه ددې قانون د (۲۲۱) مادې د (۱) فقری درج شوو سازمانونو یا د هغی دفروعو څخه یوی فرعی دخپلومرامونو دوړاندی وړلو په منظور استفاده کوله.

دوه سوه او اته ویشتمه ماده:
که څوک ددې قانون د (۲۲۱) مادې د (۱) فقری ددرج شوو سازمانونو څخه په یوه کښې او یا د هغی د فروعو څخه په یوی فرعی کښې شامل وی مګر د هغوی د حکم می نماید.

مادۀ دوصدوبیست وهفتم:
۱- در تمام احوال مندرج مواد (۲۲۱الی۲۲۶) این قانون محکمه به مصادرۀ دارائی، اوراق و اسناد وسایر اشیائیکه در ارتکاب جرم بکار برده شده حکم می نماید.
۲- محکمه به مصادرۀ سایر اموال واشیای حکم می نماید که در ظاهر به املاك واموال محکوم علیه داخل باشد و دلایل، اسناد یا قرائن باثبات رساند که در واقع ازین اموال واملاك به منظور پیشبرد مرامهای سازمانهای مندرج فقرۀ (۱) مادۀ (۲۲۱) این قانون ویا فرعی از فروع آن استفاده به عمل می آمد.

مادۀ دوصد بیست وهشتم:
شخصی‌که در یکی از سازمانهای مندرج فقره (۱) ماده (۲۲۱) این قانون ویا فرعی از فروع آن شامل بوده اما از بغاوت، تخریب یا توطئه آنها کاملاً

خراب کاری یا توطئی څخه کاملاً بی خبره وی او د هغوی په هیڅ نوع فعالیت کښې یې برخه نه وی اخیستی او یا د هغوی څخه عملاً جلا شوی وی د هغه جرمونو د جزأګانو څخه چه د سازمان یا د هغه د فروعو څخه یوی فرعی ارتکاب کړی معافیږي، مګر دا چه قانون بل ډول حکم کړی وی.

بی خبر باشد ودر هیچ نوع فعالیت آنها سهم نگرفته باشد ویا خود را از آن عملاً منفك نموده باشد، از جزای جرایمی‌که از طرف سازمان ویا فرع از فروع ارتکاب شده باشد معاف می گردد. مگر این‌که قانون طور دیگری حکم نموده باشد.

دوه سوه او نهه ویشتمه ماده:

۱- که څوک یو پټ جمعیت غیر له هغی چه په پورتنیو موادو کښې یې ذکر شو ایجاد کړي یا د هغی اداره یا د یوه عمده مرکز اداره په اوږو واخلی په متوسط حبس محکومیږي.

۲- د پټ جمعیت هر غړی په حبس چه له یوه کال څخه زیات نه وی یا نقدي جزأ چه له دولس زرو افغانیو تجاوز ونه کی محکومیږي.

۳- هر جمعیت چه خپل ټول یا یو قسمت فعالیتونه په پټه توګه تر سره کی اویایی هدف د قانون نه مغایر وی او یا خپل غرض په دروغجنو یا ناقصو اظهاراتو په

مادۀ دوصدو بیست ونهم:

۱- شخصی‌که جمعیت سری را غیر از آنچه که در مواد فوق ذکر یافته ایجاد نماید یا ادارۀ آن ویا ادارۀ یکی از مراکز عمدۀ آنرا بدوش گیرد به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

۲- هر عضو جمعیت سری به حبسی‌که از یك سال بیشتر نباشد یا جزای نقدیی‌که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

۳- هر جمعیتی که فعالیت های خود را تماماً ویا قسماً به صورت سری انجام دهد ویا هدف آن مغایر قانون باشد ویا غرض خود را به وسیله اظهارات کاذب یا

وسیله دمربوطو مقامونو څخه پټ کې یا اساسنامه د فعالیت وسیله، یا دغړو نومونه یا وظیفې یا د خپلو غونډو موضوع ګانی پټې کې د پټ جمعیت په حکم کښې دې.

ناقص از مقامات مربوط مخفی سازد ویا اساسنامه ، وسیله فعالیت یا اسمای اعضاء یا وظایف ویا موضوع اجتماعات خود را پنهان نماید ، در حکم جمعیت سری می باشد.

دوه سوه او دیرشمه ماده:
که پنځه یا تر هغی زیات کسان په یوه عمومی محل کښې د امنیت د اخلال په مقصد غونډه وکی او د امنیتی قواوو له خوا ورته د تیتدلو امر وشی د هغوی هریو چه امر ورته ابلاغ شوی او ورڅخه سر تاوکی، د حالونو سره سم په لنډ حبس یا نقدي جزأ چه د دولس زرو افغانیو زیاته نه وي محکومیږی مګر دا چه قانون بل ډول حکم کړی وی.

مادۀ دوصدوسی ام:
هرگاه پنج نفر یا بیشتر از آن بمقصد اخلال امنیت در یك محل عام اجتماع نمایند واز طرف قوای امنیتی به متفرق شدن آنها امر داده شود هریك از آنها که امر برایش ابلاغ گردیده از آن سر پیچی کند ، حسب احوال به حبس قصیر یا جزای نقدیی‌که از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد ، مگر این‌که قانون طور دیگری حکم کرده باشد.

دوه سوه او یو دیرشمه ماده:
۱- که څوک په عمومي محل کې خلک غونډې ته راوبلی یا سره ددې چه علم لری چه د امنیتی قواوو له خوا منع شوی په هغی کښی غونډه وکی په لنډ حبس یا نقدي جزأ چه ددولس زرو

مادۀ دوصدو سی ویکم:
۱- شخصی‌که در محل عام مردم را به اجتماع دعوت نماید ویا اجتماع را اداره نماید ویا با وجود علم به ممانعت آن از طرف قوای امنیتی در آن شرکت ورزد ، به حبس قصیر یا جزای نقدیی‌که از

افغـــانیو څـــخه زیـــاتی نـــه وی محکومـــیږي.
۲- د پـورتنی فقـری د ذکـر شـوی غونـډی تحریـک کـوونکی چـه د خپرونـی پـه یـوی وسـیلی سـره یـی کوی په عین جزأ محکومیږي.

دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.
۲- تحریـــك کننـــده اجتمـــاع مذکـــور فقـــرهٔ فـــوق بیکـــی از وســـایل نـــشـــر بـــه عیـــن جـزا محکوم می گردد.

دوه سوه او دوه دیرشمه ماده:
۱- که د غونډی هدف د جنایت یا جنحي ارتکـاب یـا د قوانینـو یـا د مقرراتو د عملي کولو منع کول یا د صـلاحیت لرونکـو مقـامونو پـه عملونـو تـاثیر اچـول یـا د عمـل د آزادي څخـه د شـخص محرومـول وي، په هغه صورت کښې چه تـاثیر یا محرومول د عنف او تهدید سره یوځاي وي، بلونکې اداره کوونکې او هـر څـوک چـه سـره ددې چـه د غونډې په هدف علم ولري په هغي کې ګډون وکي یـا د علـم حاصلولو وروسـته د هغـې غونـډې څخـه ونـه وځي، په بند چه ددوه کلونو څخه زیـات نـه وي یـا نقـدي جزأ چـه د څلورویشتو زرو افغانیو تجاوز ونه کی محکومیږي.
۲- که یوه غونډه کوونکی د عنف او تهدیـد څخـه کـار واخلـي یـا د

مادهٔ دوصدو سی ودوم:
۱- هـــــرگاه هـــدف اجتمـــاع ارتکـاب جنایت یـا جنحـه یـا منع تعمیل قوانین یا مقررات یـا تـأثیر انـــداختن بـــه اعمـــال مقامـــات صلاحیت دار و یـا محروم ساختن شـخص از آزادی عمـل باشـد در صورتیکه تاثیر ویا محروم ساختن توأم باعنف و تهدید باشد دعوت کننده، اداره کننده وهر شخصی‌که بـا وجـود داشـتن علـم بـه هـدف اجتمـاع، درآن اشـتراك نمایـد ویـا بعد از حصول علم به آن از اجتماع مذکور خـارج نگـردد، بـه حبـس کـه از دوسـال بیـشتر نبـاشد یـا جزای نقدی کـه از بیست وچهـار هـــزار افغـــانی تجـــاوز نکـــند محـکوم می‌گردد.
۲- اگـر یکـی از اجتمـاع کننـدگان بـه عنف و تهدیـد متوسـل گردد و

هغوی څخه یو ظاهري وسله یا جرمي نوري وسیلي چه د هغي استعمال کله کله په مرګ منجر کیږي د ځان سره ولري بلونکي، اداره کوونکي او هر بل شخص چه د غونډې د هدف د علم لرلو سره په هغی کښې ګډون وکی د حالونو سره سم په متوسط حبس محکومیږي.

۳- که یو د غونډې کوونکو څخه د ذکر شوي غونډې د هدف د تر سره کولو په منظور د یو جرم ارتکاب کوونکی شی، ټول ګډون کوونکی چه د جرم د ارتکاب په وخت کښې په غونډه کې موجود وی په قانون کښې د هغی په ټاکلی جزأ محکومیږي. په دی شرط چه د غونډې په هدف علم ولری د غونډې بلونکی او اداره کوونکی که څه هم د جرم دواقع کیدو په وخت کښې په غونډه کښې موجود نه وی د هغی په ټاکلی جزأ محکومیږي.

۴- ددې مادې حکمونه د هغی ډیر شدیدی جزأ دتطبیق مانع نه ګرځی چه په قانون کښې ټاکل شوی.

یا یکی از آنها سلاح ظاهری یا دیگر وسایل جرمی را که گاهی استعمال آن به قتل منجر شده می تواند، حمل نموده باشد، دعوت کنندۀ اداره کننده و هر شخص دیگری‌که با داشتن علم به هدف اجتماع درآن اشتراك ورزد، حسب احوال به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

۳- اگر یکی از اجتماع کنندگان به منظور بر آورده شدن هدف اجتماع مذکور جرمی را مرتکب گردد، جمیع اشتراك کنندگان که هنگام ارتکاب جرم در اجتماع موجود باشند به جزای پیش بینی شدۀ همان جرم در قانون محکوم می‌گردند، مشروط براین‌که به هدف اجتماع علم داشته باشند. دعوت کننده و اداره کنندۀ اجتماع گرچه هنگام وقوع جرم در اجتماع موجود نباشند، به جزای پیش بینی شدۀ آن محکوم می‌گردد.

۴- احکام این ماده مانع تطبیق جزای شدیدتری که در قانون پیش بینی شده باشد نمی‌گردد.

دوه سوه او دری دیرشمه ماده:

۱- که څوک خلک (مذهبی، قومی یا لسانی) تبعیض یا تفرقی ته راوبولی او یایی تحریک کی د حالونو سره سم په حبس چه ددوه کلونو څخه زیات نه وی محکومیږی.

۲- که د پورتنی فقری درج شوی بلنه یا تحریک نتیجی ته ورسیږی یا د عنف او تهدید سره یو ځای وی ارتکاب کوونکی په اوږده حبس چه د اووه کلونو څخه زیات نه وی محکومیږی.

مادۀ دوصدوسی سوم:

۱- شخصی‌که مردم را به تبعیض یا تفرقه (مذهبی، قومی یا لسانی) دعوت یا تحریك نماید، حسب احوال به حبس که از دوسال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

۲- اگر دعوت یا تحریك مندرج فقرۀ فوق منتج به نتیجه گردد یا باعنف وتهدید توأم باشد، مرتکب به حبس طویل که از هفت سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

دوه سوه او څلور دیرشمه ماده:

۱- که څوک یو یا څو نفره د جنایت یا جنحی په ارتکاب دوینا، فعل یا اشاری په وسیله چه په علنی توګه ورڅخه صادر شوی وی یا د لیک، رسم، تصویر، رمز یا په نورو تمثیلی، سمعی اوبصری وسیلو په علنی ډول تحریک یا تشویق کی، د جرم د شریک په صفت پیژندل کیږي او د تحریک یا تشویق د جرم د موضوع په عین ټاکل شوی جزأ محکومیږی، په دې شرط چه ذکر شوی جنایت یا

مادۀ دوصدوسی وچهارم:

۱- شخصی‌که یك یا چند نفر را به ارتکاب جنایت یا جنحه بوسیله قول فعل یا اشاره که طور علنی از وی صدور یافته باشد یا بوسیله نوشته، رسم، تصویر، رمز یا سایر وسایل تمثیلی، سمعی وبصری طور علنی تحریك یا تشویق نماید. به صفت شریك جرم شناخته شده وبه عین جزای پیش بینی شدۀ جرم موضوع تحریك یا تشویق محکوم می گردد. مشروط بر این‌که جنایت یا جنحه

جنحه بالفعل د هغه د تحریک یا تشویق په سبب ارتکاب شوی وی.
۲- که د پورتنی فقری درج شوی تحریک یا تشویق یوازی د جرم د شروع سبب شوی وی، تحریک کوونکی یا تشویق کوونکی د جرم د شروع په جزأ محکومیږی.

مذکور بالفعل به سبب تحریك یا تشویق وی ارتکاب یافته باشد.
۲- اگر تحریك یا تشویق مندرج فقرهٔ فوق تنها سبب شروع در جرم شده باشد، تحریك كننده یا تشویق كننده به جزا شروع به جرم محكوم می گردد.

دوه سوه او پنځه دیرشمه ماده:
که څوک نور په مستقیم ډول د قتل، لوټ او یا دامنیت محلو جرمونو ارتکاب ته په یوه علنی وسیله تحریک یا تشویق کی په هغه صورت کښې چه د هغه دا تحریک یا تشویق کومی نتیجی ته ونه رسیږی د حالونو سره سم په حبس چه ددوه کلونو څخه زیات نه وی یا نقدی جزأ چه د څلور ویشتو زرو افغانیو تجاوز ونه کی محکومیږي.

مادهٔ دوصدو سی وپنجم:
شخصی‌که دیگران را طور مستقیم به ارتکاب قتل، غارت، حریق یا جرایم محل امنیت توسط یکی از وسایل علنی تحریك یا تشویق نماید در صورتی‌که این تحریك یا تشویق وی منتج به نتیجه نشود حسب احوال به حبس که از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدیی‌که از بیست وچهار هزار افغانی تجاوز نكند محكوم می‌گردد.

دوه سوه او شپږ دیرشمه ماده:
۱- که څوک مطبوعات مخطوطات، رسمونه، سلایدونه، کلیشې، مجسمې، نقش شوي تصویرونه، رمزي اشاری او نور شیان او تصویرونه چه د عامو د

مادهٔ دوصدو سی وششم:
۱- شخصی‌که مطبوعات، مخطوطات، رسم ها، سلاید ها، کلیشه ها، مجسمه ها، تصویر های نقش شده، اشاره های رمزی و سایر اشیا وتصاویری‌که منافی

کلتـــور او ادبـــونو منـــافی وی د تجـارت، توزیـع، اجـاری پـه قـصد عرضـه یـا الـصاق کې یـایي پخپلـه حیازت کې ولری د حالونو سره سم پـه حـبس چـــه ددوه کلونـو څخـه زیـات نـه وی یـا نـــقدی جزأ چـه د څلـور ویـشتو زرو افغـانیو تجـاوز ونه کی محکومیږي.

۲- که څوک عمداً پخپله یـا د بـل شـخص پـه وسـیله د پـورتنی فقـری درج شـوی شـیان د اخلاقـو د فـساد پـه منظـور یـا د پورتنیـو ذکـر شـوو منظورونـو د پـاره صـادر، وارد یـا انتقال کی یا یي د نمـایش د پـاره د عـامو خلکـو دکتلـو دپـاره وړانـدی کی یـا یې پـه اجـاره ورکـی او یـایی خرڅ کی یـا یـي د خرڅ یـا اجـاری د پاره که څه هم په غیر علنی ډول وی عرضه کی یا یي بل چاته پـه پټ یـا علنـی ډول کـه څـه هـم پـه وړیـا ډول وی وسپاری یـا هغـه توزیـع کـی یـا یـی د توزیـع د پـاره بـل چاتـه تـسلیم کی، د حـالونو سره سم پـه حـبس چـه ددوه کلونـو څخـه زیـات نـه وی یـا نقـدی جـزأ چـه د څلورویـشتو زرو افغانیوتجاوز ونه کی محکومیږي.

۳- که څوک په یـوه علنـی وسـیله د کلتـور وآداب عامه باشد، به قصد تجارت، توزیع، اجاره، عرضـه یـا الصاق بسازد یـا در حیـازت خـود داشته باشد. حسب احوال به حبس کـه از دو سـال بیـشتر نباشـد یـا جـزای نقـدی‌کـه از بیـست وچهـار هزار افغـانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

۲- شخـصی‌کـه عمـداً خـود یـا توسط شخص دیگر اشیای مندرج فقرۀ فوق را به منظور فساد اخلاق یا به منظور های متذکره فقرۀ فوق صادر یا وارد و یا انتقال دهد ویا آنـرا جهـت نمـایش بـه انظـار عامـۀ مردم قرار دهد ویا به اجاره دهد یا بفروشـد ویـا بفـروش یـا اجـاره گـــرچه طـور غیـر علنـی باشـد عرضه نماید ویـــا به شخص دیگر طـور سـری یـا علنـی گرچـه طـور رایگـان باشـد بـسپارد یـا آنـــرا توزیـع ویـا بـه منظـور توزیـع بـه شـــخص دیگر تسلیم کند، حسب احـــوال بـه حـبس کـه از دو سـال بیـشتر نبـــاشد یـا جزای نقـدی که از بیست وچهـار هـزار افغـانی تجاوز نکنـد محکوم می‌گردد.

۳- شخصی‌که توسط یـــکی از

عمومی آدابو څخه مخالف په یو سرود یا خطابه بوخت شی یا خلک فحشاء او د اخلاق فساد ته وبلی یا ددی منظور د پاره اعلانونه یا رسالی خپری کی، د دې مادې د (دوه یمی) فقری په عین ټاکل شوی جزأ محکومیږي.

۴- ددې مادې د پورتنیو ذکر شوو فقرو ددرج شوو جرمونو د تکرار په صورت کښې ارتکاب کوونکی د ټاکل شوی جزأ په اکثره اندازه محکومیږي.

و سایل علنی به سرودها یا خطابه های مخالف آداب عامه بپردازد و یا مردم را به فحشا و فساد اخلاق دعوت نماید و یا اعلانات یا رساله ها را باین منظور نشر یا پخش نماید، به عین جزای پیش بینی شدهٔ فقرهٔ (دوم) این ماده محکوم می‌گردد.

۴- د رصورت تکرار جرایم مندرج فقرات فوق الذکر این ماده مرتکب به حد اکثر جزای پیش بینی شده محکوم می‌گردد.

دوه سوه او اووه دیرشمه ماده:

۱- که ددې قانون د (۲۳۶) مادی درج شوی جرمونه د جریدو یا ورځ پانو له لارې ارتکاب شی مسئول مدیر او لیکونکی داصلی فاعلینو په صفت د خپریدو سره سم د هغی په ټاکلی جزأ محکومیږي.

۲- ددې قانون د (۲۳۶) مادی په ټولو درج شوو حالونو کښې که د جرم اصلی فاعل تشخیص نه کړی شو طبع کوونکی او توزیع کوونکی او عرضه کوونکی د جرم د اصلی فاعلینو په صفت مجازات کیږي.

مادهٔ دوصدو سی وهفتم:

۱- هرگاه جرایم مندرج مادهٔ (۲۳۶) این قانون از طریق جراید یا روزنامه‌ها ارتکاب گردد، مدیر مسؤل و نویسنده به صفت فاعلین اصلی به مجرد نشر به جزای پیش بینی شده آن محکوم می‌گردد.

۲- در تمام حالات مندرج مادهٔ (۲۳۶) این قانون اگر فاعل اصلی جرم تشخیص شده نتواندطبع کننده و توزیع کننده و عرضه کننده به صفت فاعلین اصلی جرم مجازات می شوند.

۳- محکمه کولی شی واردوونکی یا صادروونکی یا دلال د جرم د اصلی فاعلینو په صفت هم په جزأ محکوم کی، په دې شرط چه ددې قانون د (۲۳۶) مادی درج شوی جرمونه چه د جریدو یا ورځپاڼو له لاری یی صورت مونډلی وی د هغوی عمدی برخه په اثبات ورسوی.

۳- محکمه می تواند وارد کننده یا صادر کننده ویا دلال را به صفت فاعلین اصلی جرم نیز به جزا محکوم نماید، مشروط بر این‌که ارتکاب جرایم مندرج مادۀ (۲۳۶) این قانون که از طریق روزنامه ها یا جراید صورت گرفته باشد سهم عمدی آنها به اثبات برسد.

دوه سوه او اته دیرشمه ماده:

په هغه حالونو کښې چه لیک، رسم، تصویر، عکس، چارت، رمز یا نوری تمثیلی وسیلی چه ددی قانون د (۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۷) مادو ددرج شوو جرمونو څخه د یوه په ارتکاب کښې چه د باندی خپور شوی وی او په هغه حالونو کښې چه د جرم د اصلی ارتکاب کوونکی تشخیص غیر ممکن وی، واردوونکی او طبع کوونکی د جرم د اصلی فاعل په صفت په جزأ محکومیږي.

که دواردوونکی او طبع کوونکی تشخیص ممکن نه وی خو څوونکی، توزیع کوونکی یا

مادۀ دوصدو سی وهشتم:

در حالاتی‌که نوشته، رسم، تصویر، عکس، چارت، رمز یا سایر وسایل تمثیلی که در ارتکاب جرمی از جرایم مندرج مواد (۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۷) این قانون که در خارج نشر شده باشد و در حالاتی‌که تشخیص مرتکب اصلی جرم غیر ممکن باشد، وارد کننده و طبع کننده به صفت فاعل اصلی جرم به جزا محکوم می‌گردند.

اگر تشخیص وارد کننده و طبع کننده ناممکن گردد، فروشنده، توزیع کننده و یا الصاق کننده به

الصاق کوونکی د اصلی فاعلینو په صفت مجازات کیږي مگر داچه ددعوی د حالونو او کیفیتونو څخه دشخص عدم واقفیدل د لیک، رسم، تصویر، رمز یا د نورو تمثیلی وسیلو د جرمی ماهیت په محتویاتو ظهور ته ورسیږي.

صفت فاعلین اصلی مجازات می شوند مگر اینکه از حالات و کوایف دعوی عدم وقوف شخص بر ماهیت جرمی محتویات نوشته، رسم، تصویر، رمز و یا سایر وسایل تمثیلی به ظهور برسد.

دوه سوه او نهه دیرشمه ماده:

که څوک په یوی علنی وسیلی خلک فتنی، بی نظمی، عصیان یا تمرد ته وبولی په حبس چه ددوه کلونو څخه زیات نه وی محکومیږی په دی شرط چه بلنه یی مؤثره واقع نه شی.

مادۀ دوصدوسی ونهم:

شخصی‌که به یکی از وسایل علنی مردم را به فتنه وآشوبگری، عصیان یا تمرد دعوت نماید به حبس که از دو سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد مشروط بر این‌که دعوت وی مؤثر واقع نگردد.

دوه سوه او څلویښتمه ماده:

۱- که څوک عمداً خبرونه، معلومات، دروغجنی بیانیی، غرض لرونکی تبلیغونه، یا تحریک آمیزه پروپاګندونه په هره وسیله د وسایلو څخه چه وی خپاره یا تیت کی، چه غرض یی د امنیت اخلا ل د خلکو ترمنځ د وحشت او دهشت ایجاد یا عمومی ښیګنې او ګټو ته د ضرر رسول وی د حالونو سره سم په حبس چه ددوه کلونو څخه زیات

مادۀ دوصدو چهلم:

۱- شخصی‌که عمداً اخبار، معلومات، بیانات کاذب، تبلیغات مغرضانه یا پروپاگند های تحریك آمیز را به هر وسیله از وسایل که باشد نشر یا پخش نماید که غرض آن اخلال امنیت، ایجاد وحشت ودهشت بین مردم یا رساندن ضرر به مصلحت ومنفعت عامه باشد حسب احوال به حبس که از دوسال

نـه وی یـا نقـدی جـزأ چـه د څلـور ویشتو زرو افغانیو تجاوز ونه کی، محکومیږي.

۲- کـه شـخص پخپلـه یـا د بـل شـخص پـه وسـیله مطبوعـات، خپرونـی یـا نوشـتی د توزیـع او د نورو د اطلاع د پاره تیار دپورتنی فقری ددرج شوو جرمونو د ارتکاب په منظور پخپل حیازت کښې ولري یا د طباعتی ، ثبت یا اعلان هره وسـیله د وسـیلو څخـه د همـدی منظور د پاره پخپل حیازت کښې کـه څـه هـم پـه مـؤقتی ډول وی راوړی، د حـالونو سره سم د ذکر شـوو وسیلو په مصادره علاوه په حبس چه ددوه کلونو څخه زیات نه وی یـا نقـدی جزأ چـه د څلـور ویشتو زرو افغانیو تجاوز ونه کی محکومیږي.

دوه سوه او یو څلویښتمه ماده:

کـــــه څـوک پـه یـوی علنـی وسـیلی د افغانسـتان ملـت، بیـرغ یـا نـښان سـپک کـی د حـالونو سره سـم پـه متوسط حبس محکومیږي.

بیشتر نباشد یـا جزای نـقدی که از بیـست و چهـار هـزار افغـانی تـجاوز نکند محکوم می گردد.

۲- شخـصی که خود یا توسط شخص دیگر مطبوعات، نشرات یـا نوشـته جـات آمـاده توزیـع و اطـلاع دیگـران را کـه بمنظـور ارتکـاب جـرایم منـدرج فقرۀ فـوق باشـد در حیـازت خـود داشـته باشـد ویـا هـر وسـیله از وسایل طباعتی ثبت ویا اعلان را بـه همـین منظـور در حیـازت خـود گرچه طـور مؤقت باشـد در آورد ، عـلاوه بـر مـصادرۀ وسـایل مذکور حسب احـوال بـه حبـس کـه از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نـقدی کـه از بیـست و چـهار هـزار افغـانی تجـاوز نکنـد محکـوم می گردد.

مادۀ دوصدو چهل ویکم:

شخصی که توسط یکی از وسایل علنی، ملت افغان، بیرق ویا نشان دولت افغانستان را توهین نماید حسب احـوال بـه حبس متوسـط محکوم می گردد.

دوه سوه او دوه څلویښتمه ماده:
۱- کـه څـوک پـه یـوه علنـی وسیله جمهـور رئـیس ته سپکاوی وکـــی پـــه متوســـط حـــبس محکومیږي.
۲- کـه د پـورتنی فقـری درج شـوی جـرم د جمهـور رئـیس پـه محـضر کښې ارتکاب شی مرتکب په اوږده حبس محکومیږي.

مادۀ دوصدو چهل ودوم:
۱- شخـصی‌کـه توسـط یکـی از وسـایل علنـی بـه رئـیس جمهـور اهانـت نمایـد بـه حـبس متوسـط محکوم می گردد.
۲- اگرجـرم منـدرج فقـرۀ فـوق در محضـر رئـیس جمـهور ارتکاب گـردد مرتکـب بـه حبـس طـویل محکوم می گردد.

دوه سوه او دري څلویښتمه ماده:
راتلونکی اشخاص د حـالونو سره سم په لنـډ حبـس یا نقدي جزأ چه د دولـس زرو افغـانیو زیاتـه نـه وی محکومیږي:
۱- کـه څوک د یـوی علنی وسیلی پـه واسـطه، د بانـدنیو هېوادونـو رئیسانو ته ښکنځل وکی.
۲- که څوک دیوی علنی وسیلی په واسطـــه پـــه افغانـستان کښې د بانـــدنیو هېـــوادونو رســـمی نمایندګانو تـه د هغـوی د وظیفی په ارتباط ښکنځل وکی.

مادۀ دوصدوچهل وسوم:
اشخـاص آتـی حسـب احـوال بـه حبس قـصیر یـا جزای نقدی‌کـه از دوازده هزار افـغانی بیشتر نباشد محکوم می گردند:
۱- شخـصـیکه تـوسط یکـی از وسـایل علـــنی بـــه رؤسـای دول خارجی دشنام بدهد.
۲- شخصی‌کـه توســـط یکی از وسـایل علنـی، بـه نماینـدگـان رسـمی کشـور هـای خـارجی در افغانـستان بـه ارتبـاط وظـیفه شـان دشنـام دهـد.

دوه سوه او څلور څلویښتمه ماده:
کـه څـوک د یـوی علنـی وسـیلی پـه واسطه شخص یا اشـخاص د قـانون

مادۀ دوصدو چهل وچهارم:
شخصی‌که توسط یکی از وسایل علنـی شـخص یـا اشـخاص را بـه

په بی اطاعتی، تحریک، یا یو عمل چه قانون جرم شمارلی وی تمجید کی، په لنډ حبس چه ددری میاشتو څخه کم او نقدی جزأ چه ددری زرو افغانیو څخه کم او ددولس زرو افغانیو زیاته نه وی یا د دې دواړو جزاګانو څخه په یوی محکومیږي.

عدم اطاعت از قانون تحریک یا عملی را که در قانون جرم شناخته باشد تمجید نماید، به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر وجزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر واز دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد یا به یکی ازین دو جزا محکوم می گردد.

دوه سوه او پنځه څلویښتمه ماده:
که څوک د یوی علنی وسیلی په واسطه د قبیلی د افرادو یا د قبیلو ترمنځ ددښمنی د ایجادولو تحریک وکړي په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم یا نقدی جزأ چه ددری زرو افغانیو کم او د دولس زرو افغانیو زیاته نه وی محکومیږي.

مادۀ دوصدو چهل وپنجم:
شخصی‌که توسط یکی از وسایل علنی به ایجاد عداوت بین افراد قبیله یا بین قبایل تحریك نماید، به حبس قصیر که از سه ماه کمتر یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

دوه سوه او شپږ څلویښتمه ماده:
که څوک د یوی علنی وسیلی په واسطه لویه جرګه، پارلمان، حکومت، اردو، محکمی، یا نورو دولتی مقامونه سپک کی، په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم او نقدی جزأ چه د دری زرو افغانیو کمه او د دولس زرو افغانیو زیاته

مادۀ دوصدو چهل وششم:
شخصی‌که توسط یکی از وسایل علنی، لویه جرگه، پارلمان، حکومت، اردو، محاکم یا سایر مقامات دولتی را توهین نماید، به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر و جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار

نـه وی یـــا ددې دواړو جزاګـانو څخه په یوی محکومیږي.

افغـانی بیشتر نباشد یـا بـه یکی ازین دو جزا محکوم می گردد.

دوه سوه او اووه څلویښتمه ماده:
کـه څـوک د یـوی علنـی وسـیلی پـه واسـطه د پارلمـان د غونـډو پټـی مبـاحثی یـا د هـغی علـنی مباحثـی بـی د امانـت لرلـو پـه بدنیـت خپـری کـی پـه لنډ حبـس چـه د دری میـاشتو کـم یـا نقـدی جـزا چه د دری زرو افغانیو کمه او د دولس زرو افغـانیو زیاتـه نـه وی محکومیږي.

مادۀ دوصدو چهل وهفتم
شخصی‌که توسط یکی از وسایل علنـی مباحثـات، جلسات سـری پارلمـان و یـا مباحثات علنی آنرا بدون امانت داری به سوء نیت نشر نمایـد بـه حبس قـصیری‌که از سه ماه کمتر یـا جزای نقدی‌که از سه هزار افغـانی کمتـر واز دوازده هزا رافغـانی بیـشتر نباشـد محکـوم می‌گردد.

دوه سوه او اته څلویښتمه ماده:
کـه څـوک د یـوی علنـی وسـیلی پـه واسطه د عمومی خدمتونو مؤظف د وظیفـی د ارتبـاط لـه املـه تـوهین کی، په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم او د شپږو میاشتو زیات نـه وی او نقدی جزا چه د دری زرو افغانیو کمـه او د شـپږ زرو افغـانیو تجـاوز ونه کی یا ددی دواړو جزاګانو څخه په یوی محکومیږي.

مادۀ دوصدو چهل وهشتم:
شخصی‌که توسط یکی از وسایل علنی مؤظف خدمات عامـه را بـه ارتبـاط اجـرای وظیفـه تـوهین نماید، به حبس قـصیری‌که از سه مـاه کمتـر و از شـش مـاه بیـشتر نباشد و جزای نقدی که از سه هزار افغـانی کمتـر و از شـش هـزار افغـانی تجـاوز نکنـد یـا بـه یکـی ازیـــن دو جزا محکوم می گردد.

دوه سوه او نهه څلویښتمه ماده:
که څوک د یوی علنی وسیلی په واسطه د قاضی مقام، حیثیت یا سلطه ددعوو د غور په وخت کښې اخلال وارد کی، په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم او د شپږو میاشتو زیات نه وی یا نقدی جزأ چه ددری زرو افغانیو کمه او د شپږ زرو افغانیو تجاوز ونه کی محکومیږي.

مادۀ دوصدو چهل ونهم:
شخصی‌که توسط یکی از وسایل علنی به مقام، حیثیت و یا سلطه قاضی در رسیدگی به دعاوی اخلال وارد نماید، به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر واز شش ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی‌که از سه هزار افغانی کمتر واز شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

دوه سوه او پنځوسمه ماده:
۱- که څوک د یوی علنی وسیلی په واسطه داسی مطالب خپاره کی چه په هغه قاضیانو د تاثیر قابلیت ولری چه د نظر لاندی قضیه د هغه د غور لاندی ده یا د قضایي ضبط په مامورینو د تاثیر قابلیت ولری یا په شاهدانو چه په ذکر شوی قضیي د تحقیق یا قضائي غور د شهادت د ادا کولو د پاره غوښتل کیږي یا د تاثیر قابلیت په عمومي افکارو د قضیي د طرفینو څخه د یوه په ګټه یا ضرر د تحقیق یا د قضائي غور په وخت کښې ولري، په لنډ حبس چه د دري میاشتو څخه کم او نقدي جزأ چه ددري زرو

مادۀ دوصدو پنجاهم:
۱- شخصی‌که توسط یکی از وسایل علنی مطالبی را نشر نماید که قابلیت تاثیر را بر قضاتی‌که قضیه مورد نظر تحت رسیدگی آنها قرار دارد یا قابلیت تاثیر را بر مامورین ضبط قضائی یا شهودی‌که در قضیه مذکور در تحقیق یا رسیدگی قضائی جهت ادای شهادت خواسته می‌شوند ویا قابلیت تاثیر را بر افکارعامه به نفع یا ضرر یکی از طرفین قضیه هنگام تحقیق یا رسیدگی قضائي داشته باشد، به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد و جزای نقدی‌که از سه هزار

افغانیو کمه او ددولس زرو افغانیو زیاته نه وی یا ددې دواړو جزأګانو څخه په یوی محکومیږي.

۲- که د پورتنی فقری خپرونه عمداً د تاثیر د ایجاد په منظور وی ارتکاب کوونکی په متوسط حبس چه ددوه کلونو څخه زیات او نقدي جزأ چه ددولس زرو افغانیو کمه او د څلور ویشتو زرو افغانیو تجاوز ونه کی یا ددې دواړو جزأګانو څخه په یوی محکومیږي.

افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد ویا بیکی ازین دو جزا محکوم می گردد.

۲- اگر نشر مندرج فقره فوق عمداً به منظور ایجاد تاثیر باشد مرتکب به حبس متوسطی‌که از دو سال بیشتر و جزای نقدی که ازدوازده هزار افغانی کمتر و از بیست وچهار هزار افغانی تجاوز نکند و یا به یکی ازین دو جزا محکوم می‌گردد.

دوه سوه او یو پنځوسمه ماده:

لاندنی اشخاص په لنډ حبس چه د دری میاشتو کم او نقدی جزأ چه د دری زرو افغانیو کمه او ددولس زرو افغانیو زیاته نه وی یا ددی دواړو جزأګانو څخه په یوی محکومیږي:

۱- که څوک د یوی علنی وسیلی په واسطه د یوی مدنی یا جزأیي دعوی جریان چه محکمی یی پټ ټاکلی وی خپور کی.

۲- که څوک د یوی وسیلی په واسطه د قضائي اجراآتو ټول یا یو قسمت چه خپرونه یی د نظم او عمومی آدابو د ساتنی په منظور د

مادۀ دوصدو پنجاه ویکم:

اشخاص آتی به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر و جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد ویا به یکی ازین دو جزا محکوم می گردند:

۱- شخصی‌که توسط یکی از وسایل علنی جریان دعوی مدنی یا جزائی را که محکمه آن را سری تعیین کرده باشد نشر نماید.

۲- شخصی‌که توسط یکی از وسایل تمام یا قسمتی از اجراآت قضائی را که نشر آن به منظور محافظت نظم و آداب عامه

محکمی د قضائي قرار په اساس منع شوی وی خپور کی.
۳- که څوک د یوی علنی وسیلی په واسطه د محکمو د پټو غونډو جریان یا د هغی د علنی غونډو جریان د بد نیت او بی د امانت لرلو خپور کی.

دوه سوه او دوه پنځوسمه ماده:
که شخص د یوی علنی وسیلی په واسطه د جرم د تحقیق په باره کښې یو خبر چه مؤظفو مامورینو د هغی اجرأ کول د جګړه والو په غیاب کې قرار ورکړی وی او یایی د هغی خپرونه د نظم یا عمومی آدابو په منظور منع کړی وی خپور کی، په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم او د شپږو میاشتو زیات نه وی او نقدی جزأ چه ددری زرو افغانیو کمه او د شپږو زرو افغانیو تجاوز ونه کی یا ددې دواړو جزأګانو څخه په یوی محکومیږي.

دوه سوه او دری پنځوسمه ماده:
که څوک د یوی علنی وسیلی په واسطه د نقدی جزأ د اداکولو یا د

به اساس قرار قضائی محکمه منع گردیده باشد، نشر نماید.
۳- شخصی‌که توسط یکی از وسایل علنی رویداد جلسات سری محاکم را ویاروی داد جلسات علنی آن را باسوء نیت وبدون امانت داری نشرنماید.

مادۀ دوصدوپنجاه ودوم:
شخصی‌که توسط یکی از وسایل علنی خبری را در باره تحقیق جرم که مامورین مؤظف اجرای آن را در غیاب خصوم قرار داده باشند و یا نشر آنرا به منظور محافظت نظم یا آداب عامه یا به منظور کشف حقیقت ممنوع قرار داده باشند نشر نماید، به حبس قصیری که از سه ماه کمتر واز شش ماه بیشتر نباشد و جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از شش هزار افغانی تجاوز نکند یا بیکی از ین دو جزا محکوم می‌گردد.

مادۀ دوصدو پنجاه وسوم:
شخصی‌که توسط یکی از وسایل علنی به قصد پرداخت جزای نقدی

محکوم بها مصرفونو یا تضمیناتو په مقصد د اعانی د راټولولو دفتر خلاص یا اعلان کی په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم نه وی او نقدی جزأ چه ددری زرو افغانیو کمه او ددولس زرو افغانیو زیاته نه وی یا ددې دواړو جزاګانو څخه په یوی محکومیږي.

مصارف یا تضمینات محکوم بها، دفتر جمع آوری اعانه افتتاح یا اعلان نماید، به حبس قصیری- که از سه ماه کمتر نباشد و جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد ویا به یکی ازین دو جزا محکوم می‌گردد.

درېیم فصل
رشوت

فصل سوم
رشوت

دوه سوه او څلور پنځوسمه ماده:
د عمومی خدمتونو هر مؤظف چه دیوی وظیفی د اجراء یا امتناع یا اخلا ل په مقصد چه پري مکلف شوی پخپل نوم یا د بل شخص په نوم نقدي پیسي، مال یا یوه ګټه وغواړی یا د شخص څخه د هغی وعده واخلی اویا بخشش قبول کی رشوت اخستونکی شمارل کیږي.

مادۀ دوصدو پنجاه وچهارم:
هر مؤظف خدمات عامه که به مقصد اجراء یا امتناع ویا اخلال وظیفه ای که به آن مکلف باشد باسم خود یا شخص دیگری پول نقد، مال یا منفعتی را طلب نماید یا از شخص وعدۀ آنرا گیرد ویا بخششی را قبول کند، رشوت گیرنده شمرده می‌شود.

دوه سوه او پنځه پنځوسمه ماده:
۱- رشوت اخستونکی په حبس چه ددوه کلونو څخه کم او د لسو کلونو زیات نه وی او په نقدی جزأ

مادۀ دوصدوپنجاه وپنجم:
۱- رشوت گیرنده به حبسی‌که از دو سال کمتر و از ده سال بیشتر نباشد و به جزای نقدی معادل

د هغه څه معادل چه د رشوت په حیث یی غوښتی یا ورکول شوی یا په هغی وعده ورکول شوی محکومیږي.

۲- رشوت ورکوونکی او درشوت واسطه د پورتنی فقری په عین درج شوی جزأ محکومیږي.

آنچه که به حیث رشوت طلب کرده یا برایش داده شده ویا به آن وعده داده شده محکوم می‌گردد.

۲- رشوت دهنده وواسطه رشوت به عین جزای مندرج فقرهٔ فوق محکوم می‌گردند.

دوه سوه او شپږ پنځوسمه ماده:

که د رشوت څخه د داسی جرمی فعل ارتکاب غرض وی چه په قانون کښې د هغی ټاکلی جزأ د رشوت د ټاکلی جزأ څخه ډیره شدیده وی رشوت اخستونکی، رشوت ورکوونکی او د رشوت واسطه د رشوت د ټاکلی نقدی جزأ علاوه د هغی جرم په ټاکلی جزأ هم محکومیږي.

مادهٔ دوصدو پنجاه وششم:

هرگاه غرض از رشوت ارتکاب فعل جرمی باشد که جزای معینه آن در قانون نسبت به جزای معینه رشوت شدیدتر باشد، رشوت گیرنده، رشوت دهنده وواسطه رشوت علاوه به جزای نقدی معینه رشوت به جزای معینه همان جرم نیز محکوم می‌گردند.

دوه سوه او اووه پنځوسمه ماده:

که څوک د عمومی خدمتونو مؤظف دمادی یا معنوی زور د لاری د ناحقه کار په اداء کولو مجبور کی یا د هغه د وظیفی د یوه مکلفیت داجرا کولو مانع وګرځی یا په هغی کښی د اخلال باعث شی، د رشوت اخستونکی په حکم کښی حساب او دهغی په

مادهٔ دوصدو پنجاه وهفتم:

شخصی‌که مؤظف خدمات عامه را از طریق اکراه مادی یا معنوی به ادای کار ناحق مجبور سازد یا مانع اجرای یکی از مکلفیت های وظیفه او گردد و یا باعث اخلال در آن شود، در حکم رشوت گیرنده محسوب وبه جزای معینه آن محکوم

تاکلی جزأ محکومیږي.

می گردد.

دوه سوه او اته پنځوسمه ماده:
که د عمومی خدمتونو مؤظف د وظیفی د تر سره کولو په مقابل کښې پخپل نوم یا د بل شخص په نوم څه شی وغواړی یا د هغه چا څخه چه د وظیفی دلحاظ یي ورته کار کړی بخشش واخلي او یا یي قبول کي او یا د بخشش په منظور پخپل یوه وظیفوي مکلفیت کښې د کار د تر سره کیدو وروسته خلل وارد کی یا بي د پخواني موافقي د مکافات اخستلو په قصد د هغی څخه امتناع وکي یا په هغی کې خلل وارد کی په متوسط حبس او نقدي جزأ د هغه څه معادل چه د بخشش غوښتنه یا وعده شوي محکومیږي.

مادۀ دوصدو پنجاه وهشتم:
هرگاه مؤظف خدمات عامه در برابر انجام وظیفه به اسم خود یا به اسم شخص دیگر چیزی را طلب نماید یا از شخصی‌که از لحاظ وظیفه کاری را بوی انجام داده بخشش اخذ یا قبول نماید و یا به منظور گرفتن بخشش در یکی از مکلفیت های وظیفوی خود بعد از انجام کار خللی وارد نماید و یا بدون موافقۀ قبلی به قصد گرفتن مکافات از آن امتناع ورزد و یا خللی در آن وارد نماید، به حبس متوسط وجزای نقدی معادل آنچه که طلب بخشش و یا وعده شده محکوم می‌گردد.

دوه سوه او نهه پنځوسمه ماده:
که د پارلمان، ښاروالی، د محلی او ولایتی جرګو غړی د خپل ځان یا بل شخص د پاره یو شی وغواړی یا په هغی وعده، قبوله کی یا بخشش واخلی او په دی منظور د نفوذ څخه کار واخلی او د عمومی

مادۀ دوصدو پنجاه ونهم:
هرگاه عضو پارلمان، شاروالی، جرگه های ولایتی و محلی چیزی را برای خود و یا شخص دیگر طلب نماید یا وعده آن را قبول نماید و یا بخشش اخذ کند و به این منظور اعمال نفوذ نموده از

خـدمتونو د صـلاحیت لرونکـو مقـامونو څخـه حکمونـه، قـرار، امرونـه، تعهـد، ترخیص، موافقـه، واردیـدل، مؤظفیـدل، قـرار داد یـا هر نوع بل خدمت او امتیاز حاصل کـی د رشـوت اخـستونکی پـه حکـم کـې حـسابیږي د دې قانون د حکمونو سره سم مجازات کیږي.

مقامـات بـا صـلاحیت خـدمات عامه احکام، قرار، اوامر، تعهد، تـرخیص، موافقـه، توریـد، توظیـف، قـرارداد و یـا هـر نـوع خـدمت و امتیـازی دیگـری را حاصـل نمایـد، در حکـم رشـوت گیرنـده محـسوب شـده مطـابق احکـام ایـن قـانون مجـازات می‌گردد.

دوه سوه او شپیتمه ماده:
کـه یو شخص رشوت عرضه کی خـو د عـمومی خدمـتونو د مؤظـف لـه خـوا قبـول نـه شـی رشـوت ور کـوونکی پـه متوسـط حبس یـا نقـدي جزأ چـه د دولـس زرو افغـانیو کمـه او د شـپیته زرو افغانیـو زیاته نه وي محکومیږي.

مادۀ دوصدو شصتم:
هرگـاه شـخص رشـوت را عرضـه کند ولی از طرف مؤظف خدمات عامـه قبـول نگردد، رشوت دهنده به حبس مـتوسـط یـا جزای نقدی کـه از دوازده هـزار افغـانی کمتـر وازشصت هـزار افـغانی بیـشتر نـباشد محکوم مـی گردد.

دوه سوه او یو شپیتمه ماده:
که د عمومی خدمتونو مؤظف سره ددې چه د عمل په جرمې خاصیت علـم ولـري، ددې قـانون د (۲۵۴، ۲۵۸، ۲۵۹) درج شـوو حکمونـو سـره سـم د بخـشش یـا ګټـی یـو ناچیزه قسمت بالواسطه قبول کی، په حبس چه دیو کال څخه زیات نه

مادۀ دوصدو شصت ویکم:
هرگـاه مؤظـف خـدمات عامـه بـا داشـتن علـم بـه خاصـیت جرمـی عمـل مطابق احکـام منـدرج مـواد (۲۵۴-۲۵۸-۲۵۹) ایـن قـانون قـسمت نـاچیزی از بخـشش یـا از منفعتی را بالواسطه قبـول نمایـد، بـه حبـسی‌کـه از یـک سـال بیـشتر

وی او په نقدی جزأ معادل د هغه څه چه یی اخیستی یا قبول کړی محکومیږي.

نباشد و به جزای نقدی معادل آنچه که اخذ یا قبول کرده محکوم می گردد.

دوه سوه او دوه شپیتمه ماده:
ددې فصل په ټولو درج شوو حالونو کښې په مصادره د هغه څه چه رشوت ورکوونکی یا د رشوت واسطی عرضه کړی حکم کیږي.

مادۀ دوصدو شصت ودوم:
در تمام احوال مندرج این فصل به مصادره آنچه که رشوت دهنده یا واسطه رشوت عرضه نموده حکم کرده می شود.

دوه سوه او دری شپیتمه ماده:
که رشوت د عمومی شتمنی په تلفیدو منجر شی یا د حق باطلیدو یا پټیدو ته یا د باطلو احقاق ته مفضي شوی وی، ارتکاب کوونکی ددې قانون د (۲۵۴) مادې د ټاکل شوی جزأ په اکثره اندازه محکومیږي.

مادۀ دوصد وشصت وسوم:
هرگاه رشوت منجر به اتلاف دارائی عامه و یا مفضی به ابطال یا کتمان حق یا احقاق باطل شده باشد، مرتکب به حد اکثر جزای پیش بینی شدۀ مادۀ (۲۵۴) این قانون محکوم می‌گردد.

دوه سوه او څلور شپیتمه ماده:
که شخص چه ورځخه رشوت غوښتل شوی صلاحیت لرونکی مقامونه خبر کی او دذکر شوو مقامونو د تدبیرونو نیولو په اثر ثابته شی چه د عمومی خدمتونو مؤظف دی عمل ته لاس اوږد کړی، رشوت اخیستونکی ددې قانون د

مادۀ دوصدو شصت وچهارم:
هرگاه شخصی‌که از وی رشوت تقاضا شده مقامات صلاحیت دار را مطلع سازد و به اثر اتخاذ تدابیر مقامات مذکور ثابت گردد که مؤظف خدمات عامه به این عمل دست زده است، رشوت گیرنده مطابق احکام این

حکمونو سره سم مجازات کیږي او اطلاع ورکوونکی بری الذمه ګڼل کیږي.

دوه سوه او پنځه شپیتمه ماده:
که هغه شخص چه رشوت ورته عرضه شوی درشوت د اخیستو تر مخه صلاحیت لرونکی مراجع خبر کی او په نتیجه کښې عرضه کوونکی بالفعل ونیول شی. ددې قانون د حکمونو سره سم مجازات کیږي.

دوه سوه او شپږ شپیتمه ماده:
د رشوت په جرم شروع د هغی د ارتکاب په حکم کی ده .

دوه سوه او اووه شپیتمه ماده:
درشوت په جزأ کښې د محکمی قطعی حکم چه د شخص په محکومیت صادر شوی خپریږي.

قانون مجازات و اطلاع دهنده بری الذمه شناخته می‌شود.

مادۀ دوصدوشصت وپنجم:
هرگاه شخصی‌که به وی رشوت عرضه شده مراجع صلاحیت دار را قبل از اخذ رشوت مطلع سازد و در نتیجه عرضه کننده بالفعل گرفتار شود، مطابق احکام این قانون مجازات می‌گردد.

مادۀ دوصدو شصت وششم:
شروع به جرم رشوت در حکم ارتکاب آن است.

مادۀ دوصدو شصت وهفتم:
حکم قطعی محکمه مبنی بر محکومیت شخص به جزای رشوت نشر می‌شود.

څلورم فصل
اختلاس او غدر

دوه سوه او اته شپیتمه ماده:
۱- د عمومي خدمتونو هر مؤظف چه د دولت یا د افرادو مالونه ورته د وظیفي له حیثه سپارل شوی وی اختلاس یا پټ کی په اوږده حبس چه دلسو کلونو څخه زیات نه وی

فصل چهارم
اختلاس وغدر

مادۀ دوصدو شصت وهشتم:
۱- هر مؤظف خدمات عامه که اموال دولت یا اموال افراد را که منحیث وظیفه به او سپرده شده اختلاس یا پنهان نماید به حبس طویلی‌که از ده سال

محکومیږي.
۲- که د پورتنی فقری جرم خزانه دار، تحویل دار، د تحصیلي مامور، صراف، د پترولو مامور، د شکري مامور، ګدام دار، نقدي او جنسي معتمدین، دارزاقو مؤظفین یا نور اشخاص چه دوظیفی له حیثه د اختلاس شوو یا پټو شوو شیانو په ساتنه مکلف وی ارتکاب کوونکی شی په اوږده حبس محکومیږي.
۳- د عمومی خدمتونو مؤظف چه د مسلک څخه په طرد یا دوظیفی څخه په انفصال محکومیږي د حیثیت داعاده کیدو وروسته د جزائي اجراآتو د قانون د حکمونو سره سم بیا د دولت په ماموریت یا خدمت منل کیږي.

دوه سوه او نهه شپیتمه ماده:
د عمومی خدمتونو هر مؤظف چه پیسي، قیمت لرونکی پانې، متاع ګانی یا د دولت د ملکیت نور مالونه بی له حقه د خپل مالکانه تصرف لاندی راوړی په متوسط حبس محکومیږي.

بیشتر نباشد محکوم می گردد.
۲- اگر جرم مندرج فقرهٔ فوق را خزانه دار، تحویلدار، مامور تحصیلی، صراف، مامور پطرول، مامور شکر، گدامدار، معتمدین نقدی و جنسی و مؤظفین ارزاق یا سایر اشخاصی‌که منحیث وظیفه به حفاظت اشیای اختلاس شده ویا پنهان شده مکلف باشند مرتکب گردند، به حبس طویل محکوم می‌گردند.
۳- مؤظف خدمات عامه که به طرد از مسلك یا انفصال از وظیفه محکوم می‌شود، بعد از اعاده حیثیت طبق احکام قانون اجراآت جزائی مجدداً به ماموریت یا خدمت دولت پذیرفته می‌شود.

مادهٔ دوصدو شصت ونهم:
هر مؤظف خدمات عامه که پول، اوراق بهادار، امتعه یا سایر اموال ملکیت دولت را بدون حق تحت تصرف مالکانه خود در آورد به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

دوه سوه او اویا یمه ماده:

۱- د عمومی خدمتونو هر مؤظف چه په یو عقد یا عمل یا قضیه کښې د دولت دګټو په ساتنه مکلف وی د ګټې د حاصلولو په منظور د خپل ځان یا د بل شخص د پاره ذکر شوی ګټې په کلی ډول متضرری کی په اوږده حبس چه د لسو کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.

۲- که دپورتنی فقری درج شوی ضرر جزئی وی ارتکاب کوونکی د حالونو سره سم په متوسط یا لنډ حبس محکومیږي.

مادۀ دوصدو هفتادم:

۱- هر مؤظف خدمات عامه که در یك عقد یا عمل و یا قضیه به حفظ منافع دولت مکلف باشد به منظور حصول منفعت برای خود و یا برای شخص دیگری منافع مذکور را طور کلی متضرر سازد، به حبس طویلی‌که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

۲- اگر ضر ر مندرج فقرۀ فوق جزئی باشد مرتکب حسب احوال به حبس متوسط یا قصیر محکوم می‌گردد.

دوه سوه او یواویایمه ماده:

دعمومی خدمتونو هر مؤظف چه په اداره، قرار دادونو، عوایدو، وارداتو یا د دولت پوری د نورو مربوطو امورو یا د هغی په مراقبت کښې مستقیم مکلفیت ولری او د هغی په اثر دپورتنیو امورو څخه په یوه کښی پخپل نوم یا د بل شخص په نوم د ځان د پاره ګټه حاصله کی اویا دهغی په حاصلولو پسې تشبث وکی په متوسط حبس چه د دری کلونو څخه کم نه وی محکومیږي.

مادۀ دوصدو هفتادویکم:

هر مؤظف خدمات عامه که در اداره، قراردادها، عواید، واردات یا سایر امور متعلق به دولت و یا در مراقبت آن مکلفیت مستقیم داشته باشد و به اثر آن در یکی از امور فوق به اسم خود یا به اسم شخص دیگر برای خود مفادی حاصل کند یا به حصول آن تشبث نماید، به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد محکوم می‌گردد.

دوه سوه او دوه اویایمه ماده:

د عمومی خدمتونو هر مؤظف چه د خپل لاس لاندی کارګران یا اجیران پخپلو شخصی کارونو کې په رسمي وخت کښې استخدام کی یا یی د قانونی جواز څخه د هغه ټول یا یو قسمت اجوره حجز کی په لنډ حبس یا نقدي جزأ چه ددولس زره افغانیو څخه زیاته نه وی محکومیږي.

مادۀ دوصدو هفتادو ودوم:

هر مؤظف خدمات عامه که کارګران یا اجیران تحت اثر خود را در امور شخصی خود بداخل وقت رسمی استخدام نماید یا بدون مجوز قانونی تمام یا قسمتی از اجرت آنها را حجز نماید، به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزارافغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

دوه سوه او دري اویایمه ماده:

۱- مجرم په دی فصل کښې په ټاکل شووجزأګانو علاوه د مال په ردولو او د اختلاس شوو مالونو معادل نقدي جزأ یا په هغه څه چه د دولت د مال څخه يي په خپل تصرف کی راوړی هم محکومیږي.

۲- په هغه صورت کښې چه د محکوم بها حبس موده ددري کلونو څخه زیاته وی، ارتکاب کوونکی د مسلک څخه په طرد یا دوظیفی څخه په انفصال هم محکومیږي.

مادۀ دوصدو هفتادو سوم:

۱- مجرم علاوه بر جزاهای معینه در این فصل به رد مال و جزای نقدی معادل اموال اختلاس شده یا آنچه که از مال دولت تحت تصرف خود در آورده نیز محکوم می‌گردد.

۲- در صورتی که مدت حبس محکوم بها از سه سال بیشتر باشد مرتکب به طرد از مسلك یا انفصال از وظیفه نیز محکوم می‌گردد.

دوه سوه او څلور اویایمه ماده:
ددې فصل په درج شوو جرمونو کښې د جزائي دعوی دمودی سقوط د وظیفی د پای ته رسیدو د نېټې څخه شروع کیږي په دې شرط چه تر هغی د مخی ورځخه تحقیق نه وی شروع شوی.

مادۀ دوصدو هفتادو چهارم:
مدت سقوط دعوی جزائی در جرایم مندرج این فصل بعد از تاریخ انتهای وظیفه شروع می‌شود مشروط بر این‌که تحقیق در آن قبل از آن شروع نه شده باشد.

پنځم فصل
د افرادو په مقابل کښې د عمومی خدمتونو د افرادو بده رویه

فصل پنجم
رویه سوء مؤظفین خدمات عامه در برابر افراد

دوه سوه او پنځه اویایمه ماده:
۱- که د عمومی خدمتونو مؤظف تورن د اعتراف اخیستلو په منظور شکنجه کی او یا په هغی امرو کی په اوږده حبس محکومیږي.
۲- که تورن دشکنجی په نتیجه کښې قتل ته ورسیږی ارتکاب کوونکی په دی قانون کښی دعمد قتل په ټاکلی جزأ محکومیږي.

مادۀ دوصدو هفتادو پنجم:
۱- هرگاه مؤظف خدمات عامه متهم را به منظور گرفتن اعتراف شکنجه نماید ویا به آن امر نماید به حبس طویل محکوم می‌گردد.
۲- اگر متهم در نتیجه شکنجه به قتل برسد، مرتکب به جزای پیش بینی شدۀ قتل عمد درین قانون محکوم می‌گردد.

دوه سوه او شپږ اویایمه ماده:
که د عمومی خدمتونو مؤظف محکوم علیه د محکوم بها جزأ څخه زیات شدید مجازات کی او یا په هغی امر وکی او یا پری داسی

مادۀ دوصدو هفتادو ششم:
هرگاه مؤظف خدمات عامه محکوم علیه را از جزای محکوم بها شدیدتر مجازات کند و یا به آن امر نماید و یا جزای را بر وی

جزأ تطبیق کی چه په هغی حکم نه وی شوی، د متوسط حبس په جزأ علاوه د مسلک څخه په طرد یا دوظیفی څخه په انفصال هم محکومیږي.

تطبیق نماید که به آن حکم نشده باشد، علاوه بر جزای حبس متوسط به طرد از مسلك یا انفصال از وظیفه نیز محکوم می‌گردد.

دوه سوه او اووه اویایمه ماده:
که د عمومی خدمتونو مؤظف، د خپلي وظیفي د صلاحیت څخه په استفادی سره د شخص کورته د هغه د اجازی په غیر او د هغه حالونو او ترتیب څخه په غیر چه قانون پری تصریح کړی داخل شی، په حبس چه ددوه کلونو څخه زیات نه وی یا نقدی جزأ چه د څلورویشتو زرو افغانیو تجاوز ونه کی محکومیږي.

مادهٔ دوصدو هفتادو هفتم:
هرگاه مؤظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود در منزل شخص بدون اجازهٔ او و در غیر از حالات و ترتیبی‌که قانون به آن تصریح نموده داخل شود، به حبسی‌که از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست وچهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

دوه سوه او اته اویایمه ماده:
که د عمومی خدمتونو مؤظف د خپل وظیفوی صلاحیت څخه په استفادی سره د شخص سره په داسی ډول شدت او خشونت وکی چه د هغه د جسمی دردونو موجب یایي د پت او حیثیت منافي وګرځي، د حالونو سره سم په حبس چه ددوه کلونو څخه زیات نه وي یا

مادهٔ دوصدو هفتادو هشتم:
هرگاه مؤظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود با شخص طوری شدت و خشونت نماید که موجب آلام جسمی یا منافی آبرو و حیثیت او گردد، حسب احوال به حبس که از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از

نقدي جزأ چه د څلور ویشتو زرو افغانیو څخه تجاوز ونه کی محکومیږي.

بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

دوه سوه او نهه اویایمه ماده:

که د عمومی خدمتونو مؤظف د خپل وظیفوی صلاحیت څخه په استفادی سره د مالک څخه د هغه منقول یا غیر منقول مال په زور واخلي یا بی له حقه هغه د خپل مالکانه تصرف لاندي راوړي یا مالک مجبور کی چه خپل مال په بل شخص خرڅ کی. علاوه د هغه حبس څخه چه ددوه کلونو څخه زیات او نقدي جزأ چه د څلور ویشتو زرو افغانیو متجاوز نه وی، د مسلک څخه په طرد یا د وظیفی څخه په انفصال او د غصب شوی شی په ردولو او که عین شی موجود نه وی د هغی په قیمت محکومیږي.

مادۀ دوصدو هفتادو نهم:

هرگاه مؤظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود مال منقول یا غیر منقول را از مالك آن به زور بخرد یا بدون حق آنرا در تصرف مالکانه خود در آورد و یا مالك را به فروش مال به شخص دیگری مجبور سازد، علاوه به حبسی‌که از دو سال بیشتر و جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی متجاوز نباشد به جزای طرد از مسلك یا انفصال از وظیفه و به رد شی غصب شده ویا قیمت آن، اگر عین شی موجود نباشد. محکوم می‌گردد.

شپږم فصل
د رسمي پانو او سندونو غلا او تلف کول

دوه سوه او اتیایمه ماده:
۱- کـه د عمـومی خـدمتونو د مؤظف داهما ل په اثر چه ددولت پوری د مربوطو پانو، سندونو، یا دوسیو او یا دقضایي دعوی د پانو په ساتنه مکلف وی، ذکر شوی پانې غلا، پټی یا تلف شی، مؤظف شخص په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم نه وی یا نقدی جزأ چه د دولس زرو افغانیو څخه تجاوز ونه کی محکومیږي.
۲- دپورتنی فقری ددرج شوو شیانو غل، تلف کوونکی یا پټوونکی په متوسط حبس محکومیږی.
۳- کـه ددې مادې د (۱) فقری د درج شوو شیانو فاعل د هغی محافظ وی په اوږده حبس چه دلسو کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.
۴- کـه ددې مادې د (۱) فقری د درج شوو شیانو غلا کول، پټول یا

فصل ششم
سرقت وتلف کردن اوراق و اسناد رسمی

مادۀ دوصدو هشتادم:
۱- هرگاه به اثر اهمال مؤظف خدمات عامه که به حفاظت اوراق، اسناد و یا دوسیه‌های متعلق به دولت یا اوراق دعوی قضائی مکلف باشد، اوراق مذکور سرقت گردد و یا پنهان یا تلف شود، شخص مؤظف به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی‌که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.
۲- سارق یا تلف کننده و پنهان کنندۀ اشیای مندرج فقره فوق به حبس متوسط محکوم می‌گردد.
۳- اگر فاعل اشیای مندرج فقرۀ (۱) این ماده محافظ آن باشد، به حبس طویلی‌که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.
۴- اگر سرقت، پنهان نمودن یا تلف کردن اشیای مندرج فقرۀ

تلف کول د محافظینو د اکراه په اثر صورت ونیسي ارتکاب کوونکی په اوږده حبس محکومیږي.

۵- د ملي ارزښتونو لرونکی سندونو، غل، تلف کوونکی یا پټوونکی د حبس د جزأ په اکثره اندازه محکومیږي.

۶- که ددې مادې د (۵) فقری ددرج شوو سندونو غلا یا تلفیدل د عمومی خدمتونو د مؤظف د اهمال په اثر صورت موندلی وی، ارتکاب کوونکی په متوسط حبس محکومیږي.

(۱) این ماده به اثر اکراه محافظین صورت گیرد، مرتکب به حبس طویل محکوم می‌گردد.

۵- سارق، تلف کننده یا پنهان کنندهٔ اسناد دارای ارزش ملی به حداکثر جزای حبس طویل محکوم می‌گردد.

۶- اگر سرقت یا اتلاف اسناد مندرج فقرهٔ (۵) این ماده به اثر اهمال مؤظف خدمات عامه صورت گرفته باشد، مرتکب به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

دوه سوه اویو اتیایمه ماده:

که د پست او تلګراف مؤظف تسلیم شوي مکتوب یا تلګراف پټ، افشاء یا خلاص کی یا ددې منظور د پاره د نورو د پاره آسانتیا برابره کی، د مسلک څخه په طرد یا د وظیفي څخه په انفصال علاوه په لنډ حبس چه د دري میاشتو کم نه وي یا نقدي جزأ چه ددري زرو افغانیو کمه او ددولس زرو افغانیو تجاوز ونه کی محکومیږي.

مادهٔ دوصدو هشتادویکم:

هرگاه مؤظف پست و تلگراف مکتوب یا تلگراف تسلیم شده را پنهان، افشاء یا باز نماید و یا به منظور این امر برای دیگران سهولت فراهم سازد، علاوه بر طرد از مسلك یا انفصال از وظیفه به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

اووم فصل
د قانوني صلاحيت دحدودو څخه د عمومي خدمتونو د مؤظفينو تېرى

دوه سوه او دوه اتيايمه ماده:
كـه د عمـومى خـدمتونو مؤظـف دعوى د دواړو خواوو څخه يوه ته د ګټې يـا ضـرر رسـولو پـه مقـصد د قاضـى يـا محكمـى پـه نـزد د امـر، التمـاس غوښـتنى يـا سـفارش پـه صيغه واسطه شي، په لنډ حبس چه ددرى ميـاشـتو څخـه كـم نـه وى يـا نقـدى جـزأ چـه ددرى زرو افغـانيو څخـه كمـه او د دولـس زرو افغـانيو څخه زياته نه وى محكوميږي.

دوه سوه او دري اتيايمه ماده:
كه قاضي بى دقانونى جواز څخه د فيـصلي او حكـم د صـادريدو څخـه منع راوړى او يا ثابته شى چه ددې قـانون د (۲۸۲) مـادې ددرج شـوو سـببونو څخـه د يـوه پـه بنـا ناحقـه فيصله يي صـادره كړي، د حـالونو سره سم په متوسط حبس او دمسلک څخه په طرديدو محكوميږي.

فصل هفتم
تجاوز مؤظفين خدمات عامه از حدود صلاحيت قانونى

مادۀ دوصدو هشتادو دوم:
هرگـاه مؤظـف خـدمات عامـه بـه مقصد رسانيدن نفع يا ضرر بيكى از طـرفين دعـوى نـزد قاضـى يـا محكمه به صيغه امر يا التماس يا خواهش و يا سفارش واسطه شود، بـــه حبس قـصيرى‌كـه از سـه مـاه كمتر نباشد يـا جزاى نقدى كه از سه هزار افغـانى كـمتر و از دوازده هزار افغانى بيشتر نباشد محكوم مى‌گردد.

مادۀ دوصدو هشتادو سوم:
هـــرگـــاه قاضـــى بـــدون مجـــوز قـانونى از اصـدار فيـصله وحكـم امتناع ورزد و يـا اثـبات گردد كـه بنـا بـه يكـى از اســباب منـدرج مـادۀ (۲۸۲) ايـن قـانون فيـصـله ناحـق صـادر نمـوده است، حسب احوال بـه حبـس متوسط وطرد از مســلك محكوم مى‌گردد.

دوه سوه او څلور اتیایمه ماده:
که قاضي د قانوني غوښتنې څخه وروسته، د حکم صادریدل رد یا متوقف کې، د حکم څخه منع کیدونکی شمارل کیږي. که څه هم په قانون کښې د حکم یا د هغې د صراحت په نیشتوالی استدلال وکې، مګر داچه قانون بل ډول حکم کړی وی.

مادۀ دو صدو هشتادو چهارم:
هرگاه قاضی بعد از مطالبه قانونی، اصدار حکم را رد ویا متوقف سازد، ممتنع از حکم شمرده می‌شود. گرچه بر عدم موجودیت حکم در قانون یا صراحت آن استدلال نماید مگر اینکه قانون طور دیگری حکم نموده باشد.

دوه سوه او پنځه اتیایمه ماده:
۱- که د عمومي خدمتونو مؤظف د خپل وظیفوي صلاحیت څخه په استفادې سره عمداً د قوانینو حکمونه مقررات، حکم، د محکمې قرار اوامر، یا د حکومت د صلاحیت لرونکی مراجعو امرونه او یا د مالونو او مالیو تحصیل چه د قانون په حکم تاکل شوی، بې د قانوني جواز څخه متوقف کې، دحالونو سره سم په لنډ حبس چه ددرې میاشتو څخه کم نه وي یا نقدي جزأ چه ددرې زرو افغانیو څخه کمه او ددولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وي محکومیږي.
۲- که د پورتنی فقری ددرج شوی توقف په اثر دولت دپلانونو په اجراء

مادۀ دوصدو هشتادو پنجم:
۱- هرگاه مؤظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود عمداً احکام قوانین، مقررات، حکم، قرار وامر محکمه یا اوامر صادره مراجع با صلاحیت حکومت و یا تحصیل اموال و مالیاتی را که بحکم قانون تعیین گردیده، بدون مجوز قانونی متوقف سازد، حسب احوال به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی ایکه از سه هزار افغانی کمتر واز دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.
۲- اگر باثر توقف مندرج فقرۀ فوق در اجرای پلانهای دولت

کولو کښی تأخیر یا معطلي واقع شی او یا عمومی شتمنی ته صدمه ورسیږی، ارتکاب کوونکی د حالونو سره سم په اوږده یا متوسط حبس محکومیږي.

تأخیر یا معطلی رونما گردد ویا به دارائی عامه صدمه برسد، مرتکب حسب احوال به حبس طویل یا متوسط محکوم می گردد.

دوه سوه اوشپږ اتیایمه ماده:

۱- که کمه اندازه دری نفره د عمومی خدمتونو مؤظفین د غیر قانوني شریک مرام ته درسیدو په مقصد خپله وظیفه که څه هم د استعفی په صورت وی ترک کی اویا عمداً د وظیفی د اداًکولو څخه استنکاف وکی، هریو په لنډ حبس چه ددری میاشتو څخه کم او دشپږو میاشتو څخه زیات نه وی یا نقدي جزأ چه دري زرو افغانیو څخه کمه او د شپږ زرو افغانیو څخه تجاوز ونه کی محکومیږي.

۲- که د وظیفی د ترک یا استنکاف په نتیجه کښې ژوند، صحت او عمومی امنیت د خطر سره مواجه شی یا د خلکو په منځ کښې فتنه او نا آرامی پیدا شی یا عمومی ګټو ته ضرر ورسیږی، ارتکاب کوونکی دپورتنی فقری د اکثری اندازی په دوه چنده جزأ

مادۀ دوصدو هشتادو ششم:

۱- هرگاه حداقل سه نفر از مؤظفین خدمات عامه به مقصد نیل به مرام مشترك غیر قانونی وظیفه خود را ولو به صورت استعفی باشد ترك کنند و یا عمداً از ادای وظیفه استنکاف نمایند. هر یك به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر و از شش ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

۲- اگر در نتیجۀ ترك یا استنکاف از وظیفه حیات، صحت و امنیت عامه به خطر مواجه گردد یا اضطراب و فتنه در بین مردم ایجاد شود و یا به منافع عمومی ضرری وارد گردد. مرتکبین به دو چند حداکثر جزای مندرج فقره فوق محکوم

محکومیږي.

دوه سوه او اووه اتیایمه ماده:
۱- که دعمومی خدمتونو مؤظف د کار په جریان کښې دخلل اچولو یا معطلولو په قصد خپله وظیفه ترک کی یا ددې منظور د پاره د وظیفي د اداکولو څخه استنکاف وکی، په لنډ حبس چه ددری میاشتو څخه کم نه وی او ددولس زرو افغانیو څخه زیات نه وی محکومیږي.
۲- که د پورتنی فقری ذکر شوی مؤظف په باره کښې ددې قانون د (۲۸۶) مادی د (۲) فقری حکم صدق پیداکی، ارتکاب کوونکی ددې مادې د (۱) فقری ددرج شوی جزأ د اکثری اندازی په دوه چنده محکومیږي.

دوه سوه او اته اتیایمه ماده:
۱- که شخص د تحریك له لاری د دی قانون د (۲۸۶ ، ۲۸۷) مادو د درج شوو جرمونو د جملی څخه په یوه کی ګډون وکی، د حالونو سره سم د ذکر شوو مادو د تاکل

می گردند.

مادۀ دوصدو هشتادو هفتم:
۱- هرګاه مؤظف خدمات عامه به قصد اخلال یا تعطیل در جریان کار وظیفه خود را ترك کند یا به این منظور از ادای وظیفه استنکاف ورزد، به حبس قصیری که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.
۲- اگر در مورد مؤظف مذکور فقرۀ فوق حکم فقرۀ (۲) ماده (۲۸۶) این قانون صدق پیدا کند مرتکب به دو چند حداکثر جزای مندرج فقرۀ (۱) این ماده محکوم می گردد.

مادۀ دوصدو هشتادو هشتم:
۱- هرگاه شخصی به سبیل تحریك در ارتکاب یکی از جرایم مندرج مواد (۲۸۶- ۲۸۷) این قانون اشتراك نماید، حسب احوال به دو چند جزاهای پیش

شـــوو جزأګـــانو پـــه دوه چنـــده محکومیږی .

۲- کـه د پـورتنی فقـری ذکـر شـوی شخص د عمومی خدمتونو مؤظف وی پـه ټاکـل شـوی جـزأ عـلاوه د مسلك څخه پـه طـرد یـا د وظیفی څخه په انفصال هم محکومیږی.

بینـی شـده مـواد متـذکره محکـوم می‌گردد.

۲- اگـر شـخص مـذکور فقـرهٔ فـوق مـؤظـــف خـدمات عامـه باشـد ، علاوه بر جزای پیش بینی شده به طرد از مسلك یا انفصال از وظیفه نیز محکوم می گردد.

دوه سوه او نهه اتیایمه ماده:

۱- که شخص د عمومي خدمتونو مؤظـف یـا مـؤظفین پـه یـو قـسم داقـسامو د کـار پـه تـرک کولـو او یـــا د یـــوه وظیفـــوي مکلفیـــت د اداکولو څخه په استنکاف تحریک یا تشجیع کي او د هغه په تحریک یـا تـشجیع کومـه نتیجـه مرتبـه نـه شي، په حبس تر دري میاشتو یـا نقـدي جـزأ تـر دری زرو افغـانیو محکومیږي.

۲- که محرک د عمومی خدمتونو مؤظـــف وی د پـــورتنی فقـــری د درج شـــوی جـــزأ پـــه دوه چنـــده محکومیږي.

مادهٔ دوصدو هشتادو نهم:

۱- هـــرگاه شخـصی مؤظـف یـا مؤظفین خدمات عامه را به نحوی از آنجا به ترك كار ویا استنکاف از ادای یکـی از مکلفیـت هـای وظیفـوی تحریـك یـا تـشـجیع نمایـد و بـه تحریـك و تـشجیع او کـــدام نتیجـــه مرتـــب نگـــردد ، بـه حبس الـی سـه مـاه یـا جـزای نقدی الی سه هزار افغانی محکوم می‌گردد.

۲- اگـر محـرك مؤظـف خـدمات عامـه باشـد بـه دو چنـد جـزای منـدرج فقـرهٔ فـوق محکـوم می‌گردد.

اتم فصل
د عمومی خدمتونو په مؤظفینو تېری

دوه سوه او نوي یمه ماده:
کـه شـخص د عمـومی خـدمتونو پـه مؤظـف د قـوې پـه استعمـال، شـدت، ویرولـو یـا تهدیـد تېـری وکـي یـا پـه تېـري شـروع وکـی پـه لنډ حـبس چـه د شـپږ میاشـتو کـم نـه وی یـا نقـدي جـزأ چـه د شـپږ زرو افغـانیو کمـه او د دولـس زرو افغـانیو زیاتـه نـه وي اویاپه دواړو جزاګانومحکومیږي.

دوه سوه او یو نوی یمه ماده:
۱- که شخص د عمومی خدمتونو مؤظف پـه دوام لرونکی تعقیب د کـور یـا د وظیفـی د محـل پـه خـوا کښی توقـف، پـه هغـه تهدیـد یـا دوظیفی د اجراء څخه پـه منع کولو په یو قسم داقسامو د تېري لاندې واقـع شـي، ددې قـانون د (۲۹۰) مـادی پـه عـین ټاکـل شـوی جـزأ محکومیږي.
۲- که ارتکاب کوونکی د عمومی خـدمتونو مؤظـف وی د پـورتنی

فصل هشتم
تجاوز علیه مؤظفین خدمات عامه

مادۀ دوصدو نودم:
هرگـاه شخـصی علیـه مؤظـف خدمات عامـه بـا اسـتعمال قـوه، شـدت، تخویـف یـا تهدیـد تجـاوز کند ویا به تجاوز شروع نماید، بـه حبس قصیری‌که از شش مـاه کمتـر نباشد یـا جزای نقدی کـه از شـش هـزار افغـانی کمتـر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد و یـا بـه هر دو جزا محکوم می‌گردد.

مادۀ دوصدو نود یکم:
۱- هرگـــاه شخـــص مؤظـــف خـدمات عامـه را بـا تعقیـب دوامدار، توقف در جوار مـنزل یـا محل وظیفـه او بـه قصد تهـدید ویـا منـع او از اجـرای وظیـفه بـه نحـوی از انحا مورد تجـاوز قـرار دهـد، بـه عـین جزای پیش بیـنی شـدۀ مـادۀ (۲۹۰) ایـن قـانون محکوم می‌گردد.
۲- اگـــر مرتکـب مـؤظـف خدمات عامـه بـاشـد عـلاوه بـر

فقری په درج شوی جزأ علاوه د مسلک څخه په طرد یا دوظیفی څخه په انفصال هم محکومیږی.

جزای مندرج فقرهٔ فوق به طرد از مسلك یا انفصال از وظیفه نیز محکوم می‌گردد.

دوه سوه او دوه نوی یمه ماده:
که د عمومی خدمتونو په مؤظف د شخص د تیری یا مقاومت په اثر وهل یا زخم صورت ومومي، ارتکاب کوونکی د حالونو سره سم په متوسط حبس یا نقدي جزأ چه د شپیتو زرو افغانیو څخه زیاته نه وی محکومیږي.

مادهٔ دوصدو نود ودوم:
هرگاه به اثر مقاومت یا تجاوز شخص علیه مؤظف خدمات عامه ضرب یا جرح صورت گیرد مرتکب حسب احوال به حبس متوسط یا جزای نقدی که از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

دوه سوه او دري نوي یمه ماده:
۱- که ددې قانون د (۲۹۲) مادی د درج شوی وهلو یا زخم په اثر مجنی علیه په مؤقتي توګه معیوب شی یا دشلو ورځو څخه زیات د کار کولو څخه عاجز پاتی شي، ارتکاب کوونکی د خساری په جبیری علاوه په متوسط حبس چه د دوو کلونو څخه کم نه وی هم محکومیږي.
۲- که وهل یا زخم په دایمي معلولیت منجر شي یا دمخکنی تر صد او اصرار سره یوځای وي یا دوسلي سره یا ددوه نفرو څخه د

مادهٔ دوصدو نودوسوم:
۱- هرگاه به اثر ضرب یا جرح مندرج مادهٔ (۲۹۲) این قانون مجنی علیه مؤقتاً معیوب گردد و یا متجاوز از بیست روز از انجام کار عاجز ماند، مرتکب علاوه بر جبران خساره به حبس متوسط که از دو سال کمتر نباشد محکوم می‌گردد.
۲- اگر ضرب یا جرح به معلولیت دایمی منجر گردد یا توأم با سبق ترصد و اصرار باشد یا با حمل سلاح و یا از جانب بیش از دو نفر

زیاتو له خوایي صورت نیولي وی، ارتکاب کوونکی ددی قانون د (۴۰۸ تر ۴۱۳) مادو په ټاکل شوو جزاګانو محکومیږي.

صورت گرفته باشد، مرتکب به جزای پیش بینی شدهٔ مواد (۴۰۸) الی (۴۱۳) این قانون محکوم می‌گردد.

دوه سوه او څلور نوی یمه ماده:
که شخص په اشاره یا قول یا تهدید د عمومی خدمتونو مؤظف دوظیفي د اجراء کولو په وخت کې یا دهغی په سبب سپک کی، په لنډ حبس چه دری میاشتو څخه کم او د شپږو میاشتو څخه زیات نه وی یا په نقدی جزأ چه ددری زرو افغانیو څخه کمه او د شپږ زرو افغانیو څخه تجاوز ونه کی محکومیږي.

مادهٔ دوصدو نودو چهارم:
هرگاه شخص به اشاره یا قول یا تهدید مؤظف خدمات عامه را در اثنای اجرای وظیفه و یا به سبب ادای آن توهین نماید، به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر و از شش ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از شش هزارافغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

دوه سوه او پنځه نوی یمه ماده:
که سپکاوي د تلګراف یا تیلفون یا لیک یا رسم په وسیله شخص ته متوجه شی ارتکاب کوونکی ددې قانون د (۲۹۴) مادی د (۱) فقری په جزأ محکومیږي.

مادهٔ دوصدو نودوپنجم:
هرگاه اهانت توسط تلگراف یا تیلفون یا نوشته و یا رسم متوجه شخص گردد، مرتکب به جزای فقرهٔ (۱) مادهٔ (۲۹۴) این قانون محکوم می‌گردد.

دوه سوه او شپږو نوی یمه ماده:
که شخص د عمومی خدمتونو سلطی یا د عمومی خدمتونو مؤظفین په دروغجنو اطلاع ګانو

مادهٔ دوصدو نودوششم:
هرگاه شخص سلطات یا مؤظفین خدمات عامه را باطلاع دروغ یا عرایض خلاف حقیقت یا

یا د حقیقت څخه خلاف عریضو یا په بل قسم د حادثو او مصیبتونو د واقع کیدو څخه چه بیخي واقعیت ونه لري سره ددې چه د هغی د عدم واقعیت څخه علم لری، په اضطراب کښې واچوي دلته حبس دجزأ څخه علاوه چه ددې میاشتو څخه کم نه وي یا نقدي جزأ چه دري زرو افغانیو څخه کمه او ددولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وي د خساري په جبران چه د دې پلوه وارد شوي هم محکومیږي.

به نحو دیگری از وقوع حوادث ومصائبی که اصلاً واقعیت نداشته باشد با وجود علم به عدم واقعیت آن به اضطراب اندازد، علاوه به جزای حبس قصیری که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد به جبران خساره ای که ازین ناحیه وارد گردیده نیز محکوم می گردد.

نهم فصل
د وظیفو او لقبونو انتحال

فصل نهم
انتحال وظایف والقاب

دوه سوه او اوه نوی یمه ماده:
که څوک بی له دی چه د ماموریت صفت یا ددولت رسمی اجازه ولری د عمومی وظیفو څخه په یوی کښی مداخله وکی او یا ددې وظیفو پوری مربوط یو مکلفیت تر سره کی د حالونو سره سم په متوسط حبس یا نقدي جزأ چه ددولس زرو افغانیو کمه او دشپیتو زرو افغانیو زیاته نه وی محکومیږي.

مادۀ دوصدو نودو هفتم:
هرگاه شخص بدون داشتن صفت ماموریت یا اجازه رسمی دولت در یکی از وظایف عامه مداخله نماید و یا یکی از مکلفیت های مربوط به این وظایف را انجام دهد، حسب احوال به حبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر واز شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

دوه سوه او اته نوي يمه ماده:
که شخص بی له دې چه رتبه یا استحقاق ولری عسکری یونیفورم په علنی ډول استعمال کی یا بی له دی چه قانون جواز ورکړی وی د وظیفی ممیزه علامه حمل کی، د حالونو سره سم په حبس چه ددوه کلونو څخه زیات نه وی یا نقدی جزأ چه د څلور ویشتو زرو افغانیو تجاوز ونه کی محکومیږي.

مادۀ دوصدو نودوهشتم:
هرگاه شخصی بدون داشتن رتبه واستحقاق یونیفورم عسکری را طور علنی استعمال نماید یا بدون مجوز قانونی علامه ممیزه وظیفه را حمل کند، حسب احوال به حبسی که از دوسال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

دوه سوه او نهه نوی يمه ماده:
که څوک بی له دې چه قانوني جواز ولري خپل ځان په افتخاري لقب یا رتبه یا وظیفه ملقب کی او یا دقضائي ضبط مامور په حیث معرفي کی او یا په علني صورت داسي نښان زوړند کی چه ورته ورکول شوی نه دی، په نقدي جزأ د یوزر څخه تر پنځو زرو افغانیو محکومیږي.

مادۀ دوصدو نودونهم:
هرگاه شخصی بدون مجوز قانونی خود را به لقب افتخاری، یا رتبوی یا وظیفوی ملقب سازد ویا به صفت مامور ضبط قضائی معرفی نماید ویا به صورت علنی نشانی را تعلیق کند که برایش اعطا نگردیده، به جزای نقدی از یك الی پنج هزار افغانی محکوم می گردد.

دری سومه ماده:
که څوک بی د قانونی جواز څخه خپل ځان په خارجی افتخاري یا رتبوی لقب ملقب کی او یا په علنی صورت بی د قانونی جواز څخه یا

مادۀ سه صدم:
هرگاه شخص بدون مجوز قانونی خود را به لقب افتخاری یا رتبوی خارجی ملقب سازد و یا به صورت علنی بدون مجوز قانونی و یا

د دولت د رئیس داجازی څخه خارجی نښان زورند کی، ددې قانون د (۲۹۹) مادی په عین ټاکل شوی جزأ محکومیږي.

اجازهٔ رئیس دولت نشان خارجی را تعلیق کند، به عین جزای پیش بینی شدهٔ مادهٔ (۲۹۹) این قانون محکوم می‌گردد.

دری سوه او یوومه ماده:
ددې قانون د (۲۹۹، ۳۰۰) مادو په درج شوو حالونو کښې محکمه کولی شی د فیصلی د حکم لنډیز په ورځنی جریده کښی چه د محکمی له خوا ټاکل کیږي د محکوم علیه په مصرف خپور کی.

مادهٔ سه صدویکم:
در حالات مندرج مواد (۲۹۹و۳۰۰) این قانون محکمه می‌تواند خلاصه حکم فیصله را در جریدهٔ یومی که از طرف محکمه تعیین می‌گردد به صرف محکوم علیه نشر نماید.

لسم فصل
د مروجو پیسو جعل

فصل دهم
جعل پول مروجه

دري سوه او دوه یمه ماده:
۱- کـه څوک په هر کیفیت چه وي هغه پیسې چه په قانوني توګه په افغانستان کښې مروجی دی جعل کی په اوږده حبس محکومیږي.
۲- د مروجه پیسو تقلید، د مسکو کاتو د اصلی مقدار تنقیص یا د هغی ملمع کول په داسی قسم چه د نورو مروجو پیسو سره چه ارزش یې زیات دی شبیه وګرځي، جعل

مادهٔ سه صدو دوم:
۱- هرگاه شخصی به هر کیفیتی که باشد پولی را که قانوناً در افغانستان مروج است جعل نماید، به حبس طویل محکوم می‌گردد.
۲- تقلید پول مروجه، تنقیص مقدار اصلی مسکوکات یا ملمع کردن آن به قسمی‌که با پول مروجه دیگری که ارزش آن بیشتر باشد شبیه گردد، جعل

شمارل کیږي.

دری سوه او درپیمه ماده:
راتلونکی اشخاص په اوږده حبس محکومیږي:
۱- څوک چه سره دعلمه جعلی پیسی رواج یا پری معامله وکی یا د رواجولو یا معاملی په قصد هغه پخپل حیازت کې راوړي.
۲- که څوک سره دعلمه پخپله یا د بل چا په وسیله جعلی پیسی افغانستان ته داخلی کی او یا یی ور څخه وباسی.
۳- که څوک آلات، سامان یا وسیلی دپیسو دجعل دپاره سازکی یا یی په کار واچوی یا یی خرڅ کی یا یی د خرڅ د پاره عرضه کی یا یی په اجاره ورکی یا یی بې دقانونی جواز څخه پخپل حیازت کښې راوړی.

شمرده می شود.

مادۀ سه صدو سوم:
اشخاص آتی به حبس طویل محکوم می گردند:
۱- شخصی که با وجود علم پول جعلی را ترویج یا به آن معامله کند ویا به قصد ترویج یا معامله آنرا در حیازت خود در آورد.
۲- شخصیکه با وجود علم خود او یا توسط شخص دیگری پول جعلی را به افغانستان داخل و یا از آن خارج نماید.
۳- شخصی که آلات، ادوات یا وسایل را به منظور جعل پول بسازد یا بکار برد یا بفروشد یا بفروش عرضه نماید یا به اجاره دهد و یا بدون عذر قانونی آن را در حیازت خود در آورد.

دری سوه او څلورمه ماده:
که ددې قانون د (۳۰۲او ۳۰۳) مادو د جرمونو د ارتکاب په اثر د افغانستان د پیسو ارزش یا دولتی سندونه تېټ شی یا دننیو یا د باندنیو بازارونو اعتماد د هغی په

مادۀ سه صدو چهارم:
هرگاه به اثر ارتکاب جرایم مندرج مواد (۳۰۲ و۳۰۳) این قانون ارزش پول افغانستان یا اسناد دولتی تنزیل نماید ویا اعتماد بازار های داخلی ویا خارجی به

اثر متزلزله شی، محکمه کولی شی ارتکاب کوونکی په دوام لرونکی حبس محکوم کی.

اثر آن متزلزل گردد، محکمه می تواند مرتکب را به حبس دوام محکوم نماید.

دری سوه او پنځمه ماده:
که ددې قانون د (۳۰۲او ۳۰۳) د درج شوو جرمونو څخه د یوه ارتکاب دداسي پیسو په باره کښې صورت ومومی چه په دی دوه مادو کښې نه دی ذکر شوي، ارتکاب کوونکی په اوږده حبس چه دلسو کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.

مادهٔ سه صدو پنجم:
هرگاه ارتکاب یکی از جرایم مندرج مواد (۳۰۲ و۳۰۳) این قانون در مورد پولی صورت بگیرد که درین دو مواد ذکر نیافته است، مرتکب به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

دري سوه او شپږمه ماده:
که څوک په ښه نیت جعلی پیسي قبولی کی تر هغی وروسته چه په جعلی توب یی علم حاصل شی په هغی معامله وکی، دجعلی پیسو په دوه چنده جزأ چه پری معامله شوی محکومیږی.

مادهٔ سه صدو ششم:
شخصی‌که با حسن نیت پول جعلی را قبول نموده و بعد از حصول علم به جعلی بودن آن، مورد معامله قرار دهد، به جزای نقدی دو چند پول جعلی مورد معامله محکوم می گردد.

دری سوه او اوومه ماده:
هر مجرم چه د جعلی پیسو د په کار اچولو او د تحقیق دپیل څخه ترمخه دخپل جرم څخه ددولت صلاحیت لرونکو مقامونو ته خبر

مادهٔ سه صدو هفتم:
هر مجرمی‌که قبل از به کار انداختن پول جعلی و آغاز تحقیق از جرم خود به مراجع با صلاحیت دولت اطلاع دهد، از

ورکـــی، ددې قـــانون د (۳۰۳، ۳۰۴او ۳۰۵) مـــادو ددرج شـــوو جزاګانو څخه معافیږي.

دري سوه او اتمه ماده:
محکمـه کـولی شـی چـه مجـرم د تحقیـق د پیـل څخه وروسته د جزا څخه معاف کی. په دی شرط چه د هغـه اطـلاع د دولـت صـلاحیت لرونکی مراجع په دی قادری کی چه ددې جرم نور ارتکاب کوونکی یـا د هغـی جـرم د مماثـل ارتکـاب کـوونکی ونیسي.

جزاهـای منـدرج مـواد (۳۰۳-۳۰۴و۳۰۵) ایـن قـانون معـاف می‌گردد.

مادۀ سه صدو هشتم:
محـکمه مـی توانـد مـجرم را بعـد از آغـاز تحـقـیق از جـزا معاف نمـاید. مشروط بر اینکه اطلاع وی مـراجع بـا صلاحیت دولتـی را قـادر گـرداند کـه سـایـر مرتکبـین ایـن جـرم و یـا جـرم مماثـل آنـرا گـرفتار نماید.

یوولسم فصل
تزویر

دری سوه او نهمه ماده:
تزویـر عبـارت دی د حقیقـت څخه خـلاف دلیکونـو، سندونو، امـضاء او مهر جوړولو څخه یا هغی ته دیو ځـای کیـدو، تبدیلیـدو، تقلیـد یـا حذف په وسیله.

دری سوه اولسمه ماده:
۱- کـه څـوک یـو راتلـونکی شـی تزویـر یـا سـره ددې چـه د هغـی

فصل یازدهم
تزویر

مادۀ سه صدو نهم:
تـزویر عـبارت است از ساختن نوشته ها، اسناد، امضـاء ومهر خـلاف حقیـقت یـا تغـییر دادن آن بـه وسـیله اضـافت، تبـدیل، تقلید یا حذف.

مادۀ سه صدو دهم:
۱- شخصی‌که یکی از اشیاء آتی را تزویر یا با وجود علم به تزویر

په تزویر علم لری استعمال یا یی افغانستان ته داخل کی د حالونو سره سم په اوږده حبس محکومیږي:
۱- قانون، فرمان یا د جمهوری ریاست امر، د حکومت تصویب، یا د صدارت فرمان او یا دمحکمی قطعی حکم.
۲- ددولت مهر، د دولت د رئیس مهر یا امضاء.
۲- که څوک یو راتلونکی شی د تزویر په قصد جوړ کی یا سره ددې چه د هغی په تزویر علم لری استعمال یائی افغانستان ته داخل کی د حالونو سره سم په متوسط حبس محکومیږي:
۱- د دولت دیوی اداری یا تصدی مهر، ټاپه یا علامه.
۲- د عمومی خدمتونو دیوه مؤظف مهر، امضاء یا علامه.
۳- د طلا او دسپینو زرو د عیار رسمي مشخصه علامه.
۴- د معاشونو جدول یا د دولت د خزانو څخه صادر شوي سندونه.
۵- دبانک مالي پانې چه صادریدل یی په قانونی لحاظ مجاز وی.
۶- بری لیک یا تحصیلی سندونه

آن استعمال و یا آن را به افغانستان داخل نماید حسب احوال به حبس طویل محکوم می‌گردد:
۱- قانون، فرمان یا امر ریاست جمهوری، تصویب حکومت و یا فرمان صدارت و یا حکم قطعی محکمه.
۲- مهر دولت، مهر یا امضای رئیس دولت.
۲- شخصی‌که یکی از اشیای آتی را به قصد تزویر بسازد یا با وجود علم به تزویر آن استعمال یا آنرا به افغانستان داخل نماید حسب احوال به حبس متوسط محکوم می‌گردد:
۱- مهر، تاپه یا علامه یکی از ادارات یا تصدیهای دولت.
۲- مهر، امضاء یا علامه یکی از مؤظفین خدمات عامه.
۳- علامه رسمی مشخصه عیار طلا ونقره.
۴- جدول معاش یا اسناد صادرهٔ خزائن دولت.
۵- اوراق مالی بانك که صدور آن قانوناً مجاز باشد.
۶- شهادت نامه یا اسناد

عام له دی چه کورنی وی یا د باندنی.

تحصیلی اعم از داخلی و خارجی.

دری سوه او یوولسمه ماده:
ددې قانون د (۳۱۰) مادی په درج شوو حالونو کښې مجرم چه د جرم د تمامیدو یا د تحقیق د پیل تر مخه د خپل جرم نه د دولت صلاحیت لرونکو مراجعو ته خبر ورکی د جزأ څخه معافیږي.

مادۀ سه صدو یازدهم:
در حالات مندرج مادۀ (۳۱۰) این قانون مجرمی‌که قبل از اتمام جرم یا آغاز تحقیق از جرم خود به مراجع با صلاحیت دولت اطلاع دهد از جزا معاف می‌گردد.

دري سوه او دوولسمه ماده:
محکمه کولی شی ددې قانون د (۳۱۱) مادی درج شوی مجرم د تحقیق د پیل څخه وروسته د جزأ نه معاف کی. په دې شرط چه د هغه اطلاع د دولت صلاحیت لرونکی مقامونه په دې قادر کی چه ددې جرم یائی د مماثل جرم نور ارتکاب کوونکی ونیسي.

مادۀ سه صدو دوازدهم:
محکمه می تواند مجرم مندرج مادۀ (۳۱۱) این قانون را بعد از آغاز تحقیق از جزا معاف نماید. مشروط بر اینکه اطلاع وی مراجع با صلاحیت دولتی را قادر گرداند که سایر مرتکبین این جرم ویا جرم مماثل آنرا گرفتار نماید.

دری سوه او دیارلسمه ماده:
۱- که د عمومی خدمتونو مؤظف د وظیفی د اجراء کولو په وخت کښې صادر شوی حکمونه، تصویبونه، وثیقی، د سندونو د ثبت کتابونه، دفترونه او نور

مادۀ سه صدو سیزدهم:
۱- هرگاه مؤظف خدمات عامه در اثنای اجرای وظیفه احکام صادره، تصاویب، وثایق، کتب ثبت اسناد دفاتر و سایر اسناد و نوشته‌جات رسمی

رسمی سندونه او نوشتی عمداً تزویر کی د حالونو سره سم په اوږده حبس محکومیږي.

۲- که د پورتنی فقری درج شوی تزویر په عرفي سندونو کښې صورت ونیسي، ارتکاب کوونکی د حالونو سره سم په متوسط یا لنډ حبس محکومیږي.

را عمداً تزویر نماید، حسب احوال به حبس طویل محکوم می‌گردد.

۲- اگر تزویر مندرج فقرهٔ فوق در اسناد عرفی صورت گیرد، مرتکب حسب احوال به حبس متوسط یا قصیر محکوم می‌گردد.

دری سوه او څوارلسمه ماده:

که ددې قانون د (۳۱۳) مادی د جرمونو ارتکاب کوونکی د عمومی خدمتونو مؤظف نه وی، دحالونو سره سم په اوږده حبس چه د لسو کلونو څخه تجاوز ونه کی محکومیږي.*

مادهٔ سه صدو چهاردهم:

هرگاه مرتکب جرایم مندرج مادهٔ (۳۱۳) این قانون مؤظف خدمات عامه نباشد، حسب احوال به حبس طویل که از ده سال تجاوز نکند محکوم می‌گردد.*

دری سوه او پنځلسمه ماده:

د عمومی خدمتونو هر مؤظف چه د تزویر په قصد دسندونو متن یا شکل ته دلیکلو په وخت کښې د وظیفی له حیثه تغییر ورکی عام له دی چه دا تغییر د شخص په اقرار کی وی چه سند ورته لیکل کیږي یا تزویر شوی واقعه سره ددې چه د هغی په تزویر علم لری د صحیحي واقعي په شکل یی درج کی،

مادهٔ سه صدو پانزدهم:

هر مؤظف خدمات عامه که به قصد تزویر متن یا شکل اسناد را هنگام تحریر آن منحیث وظیفه تغییر بدهد خواه این تغییر در اقرار شخص باشد که سند برای او تحریر می‌شود و یا واقعه مزوره را با وجود علم به تزویر آن به شکل واقعه صحیح درج نماید، حسب احوال

* ماده ۳۱۴ تعدیل گردیده، در بخش تعدیلات این قانون مراجعه شود.

دحالونو سره سم په اوږده حبس محکومیږي.

به حبس طویل محکوم می‌گردد.

دري سوه او شپاړسمه ماده:
که څوک ددې قانون د (۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵) مادو تزویر شوی پانې سره دې چه د هغی په تزویر علم لري استعمال کي، د حالونو سره سم په اوږده حبس چه دلسو کلونو څخه زیات نه وي محکومیږي.*

مادۀ سی صدو شانزدهم:
شخصی‌که اوراق تزویر شدۀ مندرج مواد (۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵) این قانون را با وجود علم به تزویر آن استعمال نماید، حسب احوال به حبس طویلی‌که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.*

دری سوه او اووه لسمه ماده:
که څوک د بل چا په لیک کښې د تزویر ارتکاب کوونکی شی یا سره ددې چه په تزویر علم لری تزویر شوی پانه استعمال کی، دحالونو سره سم په متوسط حبس محکومیږي.

مادۀ سه صدو هفدهم:
شخصی که در نوشتۀ شخص دیگری مرتکب تزویر گردد یا با وجود علم به تزویر ورق تزویر شده را استعمال نماید حسب احوال به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

دری سوه او اتلسمه ماده:
که څوک په ناحقه د دولت حقیقي مهر یا د دولت د یوی اداری یا د یوی تصدی مهر لاس ته راوړی او هغه د عمومی یا خصوصی ګټو په ضد استعمال کی، د خساری په جبران علاوه په متوسط حبس

مادۀ سه صدو هجدهم:
شخصی‌که غیر حق مهر حقیقی دولت یا مهر یکی از ادارات یا تصدیهای دولت را به دست آورد و آنرا بضرر منافع عامه یا خصوصی استعمال نماید، علاوه بر جبران خساره عاید به حبس

* ماده ۳۱۶ تعدیل گردیده، در بخش تعدیلات این قانون مراجعه شود.

محکومیږي.

دری سوه او نولسمه ماده:
۱- طبیب، جراح یا قابله چه تزویر شوی تصدیق یا اظهارات سره د دې چه د هغی په تزویر علم لری د حمل، د معلولیت د مرض، عیب یا وفات په مواردو کښې شخص ته ورکی د حالونو سره سم په متوسط حبس یا نقدي جزأ چه د (دوولس زرو) افغانیو څخه کمه او د شپیتو زرو افغانیو څخه زیاته نه وي محکومیږي.
۲- که د پورتنی فقری درج شوی جرم د څه شی د غوښتنی په اثر د خپل ځان د پاره یا د بل شخص د پاره یا دوعدی یا د بخشش د قبلولو یا اخیستلو په بدل کښې ارتکاب شی، ارتکاب کوونکی په متوسط حبس یا نقدی جزأ چه ددولس زرو افغانیو څخه کمه اود شپیتو زرو افغانیو څخه زیاته نه وي محکومیږي.*

دری سوه او شلمه ماده:
که څوک پخپله یا د بل شخص په وسیله د معلولیت د اثبات په

متوسط محکوم می‌گردد.

مادۀ سه صدو نزدهم:
۱- طبیب، جراح و یا قابله ای‌که تصدیق یا اظهارات مزور را با وجود علم به تزویر آن در موارد حمل، مرض، معلولیت، عیب و یا وفات به شخص بدهد، حسب احوال به حبس متوسط و یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.
۲- اگر جرم مندرج فقرۀ فوق به اثر طلب چیزی برای خود ویا شخص دیگری ویا در بدل قبول و یا اخذ وعده یا بخشش ارتکاب گردد، مرتکب به حبس متوسط و یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر واز شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.*

مادۀ سه صدو بیستم:
شخصی‌که خود او یا توسط شخص دیگر تصدیق را در مورد

* ماده ۳۱۹ تعدیل گردیده، در بخش تعدیلات این قانون مراجعه شود.

بـاره کـښې تـصدیق د خپـل ځـان یا د بل شخص د پاره ددې منظور د پاره چه محکمی ته ئی وړاندی کی یا په دی قصد چه خپل ځان یا بـل شـخص دیـوه عمـومی خـدمت څخه خلاص کی د طبیب یا جراح په نوم تزویر کی، دحالونو سره سم په متوسط حبس یا نقدي جزأ چه ددولـس زرو افغـانیو کمـه او د شـپیتو زرو افغـانیو زیاتـه نـه وی محکومیږي.

اثبـات معلولیـت بـرای خـود و یـا بـرای شـخص دیگـر بـه منظـور تقـدیم آن بـه محکمـه یـا بـه قـصد این‌که خـود یا شخـص دیـگری را از یکی از خدمات عامه رها سازد بنام طبیب یا جراح تزویر نماید، حسب احوال به حبس متوسط یـا جـزای نقـدی کـه از دوازده هـزار افغـانی کمتـر و از شـصت هـزار افغـانی بیـشتر نباشـد محکـوم می‌گردد.

دری سوه او یو ویشتمه ماده:
کـه څـوک ددې قـانون د (۳۱۹، ۳۲۰) مادو درج شوی تزویر شوی تـصدیق سره ددې چه د هغـی پـه تزویـر علـم لـری استعمـال کـی، پـه دی ډول هغـه محکمـی یـا د دولـت یـوه صـلاحیت لرونکـی مقـام تـه وړاندی کی د (۳۱۹، ۳۲۰) مـادو په عین ټاکل شوی جزأ یـا پـه نقدی جزأ چـه د پنځـو زرو افغـانیو څخـه زیاته نه وی محکومیږي.*

مادۀ سه صدو بیست ویکم:
شخصی‌که تـصدیق مـزور منـدرج مـواد (۳۱۹- ۳۲۰) ایـن قـانون را با وجود علم بـه تزویـر آن استعمـال نماید طوری‌که آنرا بـه محکمـه یـا یکـی از مقامـات بـا صـلاحیت دولت تقدیم نماید به عین جزای پـیش بینـی شـدۀ مـواد (۳۱۹- ۳۲۰) یـا جـزای نقـدی کـه از پـنج هزار افغانی تجاوز نکند محـکوم می‌گردد.*

دري سوه او دوه ویشتمه ماده:
ددې فـصل د حکمونـو پـه تطبیـق کښې د ګوتی نښه د امضاء په څیر

مادۀ سه صدو بیست ودوم:
در تطبیـق احکـام ایـن فـصل نـشان انگـشت ماننـد امـضاء

* ماده ۳۲۱ تعدیل گردیده، در بخش تعدیلات این قانون مراجعه شود.

اعتبار لری.

دوولسم فصل
دپوستی، تلگرافی او مالیاتی
مطبوعو شیانو او علامو تقلید

دری سوه اودرویشتمه ماده:
راتلونکی اشخاص په لنډ حبس چه دشپږو میاشتو زیات نه وی یا په نقدی جزأ چه د شپږو زرو افغانیو څخه تجاوز ونه کی محکومیږي:
۱- که څوک طبع شوی شیان یا دپوستی نمونی په هر قسم چه جوړی شوی وی تقلید کی په دی ډول چه پخپل ظاهری شکل کښی د افغاني پست او تلګراف د دوایرو د پستی علامو سره یا دپست او تلګراف د اتحادیي د غړو هېوادونو د ټکټونو د علامو سره مشابه وی او د حقیقي پانو په عوض کې په آسانتیا سره قبول کړی شی.
۲- که څوک د پورتنی فقری درج شوی طبع شوی شیان یا نمونی په افغانستان کښې رواج کی یا معامله کی، یائی خرڅی کی یا یی

اعتبار دارد.

فصل دوازدهم
تقلید علامات واشیای مطبوع
پوستی، تلگرافی و مالیاتی

مادۀ سه صدو بیست وسوم:
اشخاص آتی به حبس قصیری‌که از شش ماه بیشتر نباشد یا به جزای نقدی که از شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردند:
۱- شخصی‌که اشیای مطبوع یا نمونه‌های پستی را به هر نحوی‌که ساخته شده باشد تقلید نماید، طوری که در شکل ظاهری خود با علایم پستی دوایر پست وتیلگراف افغانی یا علایم تکټهای پستی وتیلگرافی دول اعضای اتحادیه پست وتیلگراف شبیه باشد و در عوض اوراق حقیقی به سهولت قبول شده بتواند.
۲- شخصی‌که اشیای مطبوع یا نمونه های مندرج فقرۀ فوق را در افغانستان رواج دهد یا معامله کند یا بفروشد و یا بفروش عرضه

د خرڅ د پاره عرضه کی یا داچه درواجولو، معاملی یا خرڅولو په قصد ئی د ځان سره وساتي.

نماید و یا این‌که به قصد ترویج یا معامله یا فروش نزد خود نگه دارد.

دري سوه او څلیر ویشتمه ماده:

راتلونکی اشخاص په لنډ حبس چه ددری میاشتو څخه کم او د شپږ میاشتو څخه زیات نه وی یا په نقدی جزأ چه ددری زرو افغانیو کمه او دشپږ زرو افغانیو زیاته نه وی محکومیږي:

۱- که څوک داسی مطبوع شیان یا نمونی تقلید کی چه پخپل ظاهری شکل کښی د افغانی مالیاتي دوایرو د مالیاتی ټکټونو د علامو سره یا د افغاني سري میاشتي د ټکټونو سره شباهت ولری په دې ډول چه د حقیقي پانو په عوض په آسانتیا قبولی کړی شی.

۲- که څوک د پورتنی فقری درج شوی مطبوع شیان یا نمونی په افغانستان کښې رواج کی یا ئی معامله کی یا یی خرڅ کی یا ئي دخرڅ د پاره عرضه کی یا داچه د رواجولو یا معاملی یا خرڅولو په قصد یي وساتي.

۳- په هغه صورت کې چه ددې

مادۀ سه صدو بیست وچهارم:

اشخاص آتی به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر و از شش ماه بیشتر نباشد و یا به جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد:

۱- شخصی‌که اشیای مطبوع یا نمونه های را تقلید نماید که در شکل ظاهری خود با علایم تکت های مالیاتی دوایر مالیات افغانی یا تکت های سره میاشت افغانی شبیه باشد طوری‌که در عوض اوراق حقیقی آن به سهولت قبول شده بتواند.

۲- شخصی‌که اشیای مطبوع یا نمونه های مندرج فقرۀ فوق را در افغانستان رواج دهد یا معامله کند یا بفروشد و یا به فروش عرضه نماید و یا این‌که به قصد ترویج یا معامله یا فروش نزد خود نگه دارد.

۳- در صورتی‌که از ارتکاب

فصل ددرج شوو جرمونو دارتکاب څخه ګټه حاصله شوي وي، محکمه به د هغی د مثل په ردولو هم حکم کوی.

جرایم مندرج این فصل مفاد حاصل شده باشد، محکمه به رد مثل آن نیز حکم می نماید.

دیارلسم فصل
د مواصلاتو معطلول

فصل سیزدهم
تعطیل مواصلات

دری سوه او پنځه ویشتمه ماده:
که څوک عمداً د عمومی ځمکنی، اوبنی او هوائی مواصلاتی وسیلو سلامتی په خطر کښی واچوی یا هغه د کاره واچوی په متوسط حبس محکومیږي.

مادهٔ سه صدو بیست وپنجم:
شخصی که عمداً سلامت وسایل مواصلا تی عامهٔ زمینی، آبی و هوائی را به خطر مواجه گرداند ویا آنرا عاطل سازد به حبس متوسط محکوم می گردد.

دری سوه او شپږ ویشتمه ماده:
که ددې قانون د (۳۲۵) مادی ددرج شوی فعل د ارتکاب څخه شدید زخمونه پیدا شی د حالونو سره سم په اوږده حبس او که د هغی په اثر شخص یا اشخاص فوت شي، ارتکاب کوونکی دحالونو سره سم په اعدام یا اوږده حبس محکومیږي.

مادهٔ سه صدو بیست وششم:
هرگاه از ارتکاب فعل مندرج مادهٔ (۳۲۵) این قانون جراحات شدید بوجود آید، مرتکب حسب احوال به حبس طویل واگر به اثر آن شخص یا اشخاص فوت نماید، مرتکب حسب احوال به اعدام یا حبس دوام محکوم می گردد.

دری سوه او اووه ویشتمه ماده:
که څوک د بی احتیاطی په اثر د یوی حادثي سبب شی چه د هغی په اثر شخص یا اشخاص چه په یوي مواصلاتي ځمکنی، اوبنی یا هوائي وسیلي کښي سپاره وي د خطر سره مخامخ کی، په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم او د شپږو میاشتو زیات نه وی یا نقدی جزأ چه ددری زرو افغانیو څخه کمه او د شپږ زرو افغانیو څخه تجاوز ونه کی محکومیږي.

مادۀ سه صدو بیست وهفتم:
شخصی‌که به اثر بی احتیاطی سبب حادثه گردد که به اثر آن شخص یا اشخاصی‌که در یکی از وسایل مواصلا تی زمینی، آبی یا هوائی قرار دارند بخطر مواجه گردند، به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر واز شش ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

دری سوه او اته ویشتمه ماده:
که د دی قانون د (۳۲۷) مادی د درج شوی فعل د ارتکاب څخه شدیده جسمی صدمه یا مرګ پیدا شی، په متوسط حبس چه د دري کلونو څخه کم نه وی محکومیږی.

مادۀ سه صدو بیست وهشتم:
هرگاه از ارتکاب فعل مندرج مادۀ (۳۲۷) این قانون صدمۀ شدید جسمی یا فوت بوجود آید، مرتکب به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد محکوم می‌گردد.

دری سوه اونهه ویشتمه ماده:
که څوک عمداً په یو قسم د اقسامو څخه د تیلفوني یا تلګرافي مخابرو د قطع کیدو سبب شي، د خساري په جبران علاوه په متوسط حبس چه د دوه کلونو څخه کم نه

مادۀ سه صدو بیست ونهم:
شخصی‌که عمداً به نحوی از انحا سبب انقطاع مخابرات تیلفونی یا تیلگرافی گردد علاوه بر جبران خساره به حبس متوسط که از دو سال کمتر نباشد محکوم

وي محکومیږي.

دري سوه او دیرشمه ماده:
که ددې قانون د (۳۲۹) مادی درج شوی مخابری د اهمال یا بی احتیاطی په اثر پری شي، مرتکب د خساري په جبران علاوه په لنډ حبس چه د دری میاشتو کم یا نقدي جزأ چه ددری زرو افغانیو کمه او د دولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وي محکومیږي.

دري سوه اویو دیرشمه ماده:
۱- که څوک د تیلفون لین یا نوري مخابراتي وسیلي دقوي په استعمال په خپل تصرف کښي راوړي یا یي تلف کي یایي په بل ډول د استفادی څخه وباسي، که څه هم په مؤقتي توګه وي یا داچه په زور او اکراه د هغی د ترمیم او جوړولو مانع وګرځي په دې ډول چه دا اقدام د مخابري د پري کیدو باعث وګرځي، د خساري په جبران علاوه په اوږده حبس چه دلسو کلونو څخه کم نه وي محکومیږي.
۲- که د پورتنی فقری درج شوي

می گردد.

مادۀ سه صدو سی ام:
هرگاه انقطاع مخابرات مندرج مادۀ (۳۲۹) این قانون به اثر اهمال یا بی احتیاطی صورت گیرد، مرتکب علاوه بر جبران خساره به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر واز دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

مادۀ سه صدو سی ویکم:
۱- شخصی‌که لین تیلفون یا سایر وسایل مخابراتی را با استعمال قوت به تصرف خود در آورد یا آنرا تلف نماید یا بنحو دیگری غیر قابل استفاده گرداند، گرچه طور مؤقت باشد و یا این‌که به جبر و اکراه مانع ترمیم و اصلاح آن گردد طوری‌که این اقدام باعث انقطاع مخابره گردد، علاوه بر جبران خساره به حبس طویلی که از ده سال کمتر نباشد محکوم می‌گردد.
۲- اگر جرایم مندرج فقرۀ

جرمونه د اضطرار په حالت کښې ارتکاب شي، ارتکاب کوونکی د حالونو سره سم په اعدام یا دوام لرونکی حبس محکومیږي.

فوق در حالت اضطرار ارتکاب گردد مرتکب حسب احوال به اعدام یا حبس دوام محکوم می‌گردد.

دري سوه او دوه دیرشمه ماده:
که څوک عمداً د تیلفون مخابراتي وسیلو د بد استعمال په سبب د نورو د اذیت سبب شي، په لنډ حبس چه د دری میاشتو کم نه وی یا په نقدي جزأ چه د دری زرو افغانیو کمه او د دولس زرو افغانیو زیاته نه وي محکومیږي.

مادۀ سه صدو سی ودوم:
شخصی‌که عمداً به سبب سوء استعمال وسایل مخابرات تیلفونی سبب اذیت دیگران گردد، به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر نباشد یا به جزای نقدی‌که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

څوارلسم فصل
دمحبوسینو فرار او د مجرمینو پټول

فصل چهاردهم
فرار محبوسین و اخفای مجرمین

دري سوه او دري دیرشمه ماده:
۱- که څوک په قانوني توګه نیول شوی وي او فرار وکي په حبس چه ددري میاشتو کم یا نقدي جزأ چه ددرې زرو افغانیو کمه او د شپږ زره افغانیو څخه زیاته نه وي محکومیږي.

مادۀ سه صدو سی وسوم:
۱- شخصی‌که قانوناً گرفتار گردیده وفرار نماید، به حبسی‌که از سه ماه کمتر و از شش ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی‌که از سه هزار افغانی کمتر واز شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

۲- که په حبس محکوم شخص د محکمي د حکم د تطبیق په منظور ونیول شي او د نیولو وروسته فرار وکي په محکوم بها جزأ علاوه په حبس چه ددوه کلونو څخه زیات نه وي یا نقدي جزأ چه د څلیر ویشتو زرو افغانیو تجاوز ونه کی محکومیږي.

۳- که د شخص فرار ددې مادې په (۱-۲) فقرو په درج شوو حالونو کښې دقوي د استعمال یا د بل جرم په اثر صورت ومومي په متعددو جرمونو محکومیږي مګر داچه په قانون کښې بل ډول حکم شوي وي.

دري سوه او څلور دیرشمه ماده:

که څوک د نیول شوي شخص په محافظت، ملګرتیا یا انتقال مکلف وي او د هغه د غفلت په سبب شخص فرار وکی په لاندي توګه مجازات کیږي:

۱- که نیول شوي شخص د جنایت په جزأ محکوم وي په متوسط حبس چه ددوه کلونو څخه زیات یا نقدي جزاء چه ددولس زرو افغانیو کمه او د

۲- اگر شخص محکوم به حبس به منظور تطبیق حکم محکمه گرفتار گردد و بعد از گرفتاری فرار نماید، علاوه بر جزای محکوم بها به حبسی‌که از دوسال بیشتر نباشد و یا جزای نقدی‌که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

۳- اگر فرار شخص در حالات مندرج فقرات (۱-۲) این ماده باثر استعمال قوه یا جرم دیگری صورت گیرد به جزاهای متعدد محکوم می‌گردد مگر این‌که در قانون طور دیگری حکم شده باشد.

مادۀ سه صدو سی وچهارم:

شخصی‌که به محافظت، همراهی یا انتقال شخص گرفتار شده مکلف باشد و به سبب غفلت وی شخص فرار نماید حسب آتی مجازات می‌گردد:

۱- اگر شخص گرفتار شده محکوم به جزای جنایت باشد به حبس متوسطی‌که از دو سال بیشتر نباشد و یا جزای نقدی‌که از دوازده هزار افغانی کمتر و از

ځلیرویشتو زرو افغانیو څخه زیاته نه وي محکومیږي.

۲- د پورتنی فقری ددرج شوو حالونو په غیر مؤظف شخص په لنډ حبس چه ددرې میاشتو کم او د شپږو میاشتو زیات نه وي یا نقدي جزاء چه ددرې زرو افغانیو څخه کمه او د شپږ زرو افغانیو څخه تجاوز ونه کی محکومیږي.

بیست و چهار هزار افغانی تجاوز ننماید محکوم می‌گردد.

۲- در غیر از احوال مندرج فقرهٔ فوق شخص مؤظف به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر واز شش ماه بیشتر نباشد و یا جزای نقدی‌که از سه هزار افغانی کمتر واز شش هزار افغانی تجاوز ننماید محکوم می‌گردد.

دري سوه او پنځه دیرشمه ماده:

که څوک د نیول شوی شخص په محافظت، ملګرتیا یا انتقا ل مکلف وی د هغه سره په فراریدو کښې مرسته وکي یا فراریدل ورته آسان کي په لاندي توګه مجازات کیږي:

۱- که نیول شوي شخص د اعدام په جزأ محکوم وي مؤظف شخص د حالونو سره سم په اوږده حبس محکومیږي.

۲- که نیول شوي شخص دحد یا دوام لرونکی حبس په جزأ محکوم شوي وي یا په داسي جرم تورن وي چه جزایي اعدام وي، مؤظف شخص د حالونو سره سم په

مادهٔ سه صدو سی وپنجم:

شخصی‌که به محافظت، همراهی یا انتقال شخص گرفتار شده مکلف بوده وبا او در فرار کمك نماید یا فرار را برای او آسان سازد حسب آتی مجازات می گردد:

۱- اگر شخص گرفتار شده محکوم به جزای اعدام باشد شخص مؤظف حسب احوال به حبس طویل محکوم می‌گردد.

۲- اگر شخص گرفتار شده به جزای حد یا حبس دوام محکوم شده باشد یا متهم به جرمی باشد که جزای آن اعدام باشد شخص مؤظف حسب احوال به حبس

متوسط حبس محکومیږي.
۳- د پورتنیو فقرو ددرج شوو حالونو په غیر مؤظف شخص په لنډ حبس چه ددرې میاشتو څخه کم نه وي محکومیږي.

متوسط محکوم می گردد.
۳- در غیر از احوال مندرج فقرات فوق شخص مؤظف به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر نباشد محکوم می گردد.

دري سوه او شپږ دیرشمه ماده:
د عمومی خدمتونو هر مؤظف چه د شخص په نیولو مکلف وی د نیولو په لازمی اجراآتو کښې د تورن سره د محاکمی څخه د فراریدلو د مرستي په قصد اهمال وکی ددې قانون د (۳۳۵) مادی ددرج شوو حالونو سره سم مجازات کیږي.

مادۀ سی صدو سی وششم:
هر مؤظف خدمات عامه که به گرفتاری شخصی مکلف باشد ودر اجراآت لازمه گرفتاری به قصد معاونت متهم در فرار از محاکمه اهمال ورزد مطابق به احوال مندرج مادۀ (۳۳۵) این قانون مجازات می‌گردد.

دري سوه او اووه دیرشمه ماده:
هر شخص چه پخپله یا د بل شخص په واسطه هغه شخص چه د قانوني نیولو وروسته يي فرار کړي یا په داسي جرم تورن وي چه دنیولو امر يي صادر شوي وي، پټ کي یا د علم سره په یو قسم د اقسامو له محاکمي څخه دشخص په فراریدلو کښې مرسته وکي په لاندي توګه مجازات کیږي:
۱- که شخص چه پټ کړی شوی

مادۀ سه صدو سی وهفتم:
هر شخصی‌که خود او یا توسط شخص دیگر شخصی را که بعد از گرفتاری قانونی فرار نموده یا متهم به جرمی باشد که امر گرفتاری او صادر شده باشد مخفی نماید ویا با وجود علم به نحوی از انحا در فرار شخص از محاکمه کمك نماید حسب آتی مجازات می گردد:
۱- اگر شخصی که مخفی کرده

دی یـا د محـاکمی څخـه د هغـه په پټیدو یا فراریدو کښی مرسته شـوي پـه مـرګ محکـوم وي د حالونو سره سم په اوږده حبس چه د لـسو کلونـو څخـه زیـات نـه وي محکومیږي.

۲- کـه د پـورتنی فقري درج شوي شخص د حد یا دوام لرونکی حبس یا اوږده حبس په جزاء محکوم وي یا په داسي جرم تورن وي چه تاکل شـوي جزایـي اعـدام وي د حـالونو سـره سـم پـه متوسـط حـبس محکومیږي.

۳- دپورتنیـو فقـرو ددرج شـوو حالونو په غیر په متوسط حبس چه ددوه کلونـو څخـه زیـات نـه وي یـا نقدي جزاء چه ددولس زرو افغـانیو څخـه کمـه او د څلیـر ویـشتو زرو افغـانیو څخـه تجـاوز ونـه کـي محکومیږي.

شـده یـا بـه اختفـا یـا فـرار او از محاکمه مساعدت به عمـل آمده محکـوم بـه مـرگ باشـد حـسب احـوال به حبس طـویلی کـه از ده سـال متجـاوز نباشـد محکـوم می‌گردد.

۲- اگـر شخـص منـدرج فقـرهٔ فوق محکوم به جزای حد یا حبس دوام یا حبس طـویل ویا متهم به جـرمی باشـد کـه جـزای آن اعدام پیشبینی شده حسب احـوال بـه حـبس متوسـط محکـوم می‌گردد.

۳- در غیـر از احـوال منـدرج فقرات فوق به جزای حبس متوسط کـه از دوسـال بیـشتر نباشـد یـا جـزای نقـدی کـه از دوازده هـزار افغـانی کمتـر واز بیـست وچهـار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

دري سوه او اته دیرشمه ماده:

کـه د شـخص پټـول یـا پـه پټولـو کښي مرسته یـا د محـاکمې څخـه فـرار د میـړه، ښـځې، اصـولو یـا فروعـو لـه خـوا وي نـه مجـازات کیږي.

مادهٔ سه صدو سی وهشتم:

هرگاه مخفی ساختن یامساعدت در اختفـا یـا فـرار از محاکمـه شخـصی از جانـب زوج، زوجـه اصول ویا فروع وی صورت گیرد مجازات نمی گردد.

دري سوه او نهه ديرشمه ماده:

۱- کـه څـوک د قباحـت څخـه پـه استثنی د جرم په واقع کیدو علم حاصل کي او په یو قسم د اقسامو د محـاکمې څخـه د مجـرم پـه فراریدو کښې مرسته وکي عام له دي چه مرسته یي مجرم ته د پناه ورکولو په شکل یا د جرم د اثبات ددلایلو په پټولو یا د جرم په باره کـښې د غلطـو معلومـاتو ښـکاره کـول وي سره ددې چـه د هغـي پـه عدم صحت علم ولري په لنډ حبس چه ددې میاشتو کم یا نقدي جزأ چـه ددې زرو افغـانیو کمـه او ددولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وي محکومیږي. پـه دي شـرط چـه داجـزاء د اصـلي جـزاء د نیمـایي اکثري اندازې څخه تجاوز ونه کي.

۲- دپـورتني فقـرې درج شـوي حکمونه د شخص په میړه، ښځې، اصولو او فروعو نه تطبیقیږي.

مادۀ سه صدو سی ونهم:

۱- شخـصی کـه بوقـوع جـرم بـه اسـتثنای قـباحت علـم حاصـل نماید و به نحوی از انحا بـفرار مجرم از محاکمه کمك نماید اعم از ایـن کـه کمـك وی بـه شکـل پنـاه دادن مجرم یا مخفی ساختن دلایـل اثبـات جـرم ویـا ارائـه معلومـات غلـط در مـورد جـرم بـا وجـود علـم بـهعـدم صـحت آن باشد به حبس قصیری که از سـه مـاه کمتـر نباشـد یـا جزای نقدی کـه از سـه هـزار افغـانی کمتـر و از دوازده هـزار افغـانی تجـاوز نکنـد محکـوم مـی گـردد مـشروط بـر ایـن که جزا از نـصف حداکثر جزای اصلی جرم تجاوز ننماید.

۲- احکـام منـدرج فـقرۀ فـوق بـه زوج، زوجه، اصول وفـروع شـخص تطبیق نمی گردد.

پنځلسم فصل
د مهر محو کول يا ماتول

دري سوه او څلويښتمه ماده:
کـه محـل، پـانې يـا جنـسونه د يـوې دولتـي اداري يـا محکمـي په امر د ساتني په منظور مهر شوي وي د ساتونکي داهـمال پـه اثـر محـو يـا مـات کړی شـي پـه لنډ حـبس چـه ددري ميـاشـتو کـم اود شپږ ميـاشتو څخه زيـات نـه وي يـا پـه نـقدي جـزأ چـه ددري زرو افغـانيو څـخه کمه او د شـپږ زرو افـغانيو څخـه تجـاوز ونـه کـي محکوميږي.

دري سوه او يو څلويښتمه ماده:
که مهر شوي پاڼې يـا جنسونه د يـو شـخص پـورې مربـوطې وي چـه پـه جنايـت کـښې محکـوم عليـه يـا تـورن شـوي وي سـاتونکي چـه د هغـه داهـمال په اثر مهـر محـو يـا مـات کړي شـوي پـه لنډ حبس چه ددري ميـاشتو کم او دنهـه ميـاشتو زيـات نـه وي يـا پـه نقـدي جزأ چـه ددري زرو افغـانيو څخـه کمـه او د نهـه زرو افغـانيو څخـه تجـاوز ونـه

فصل پانزدهم
محو يا شکستاندن مهر

مادۀ سه صدو چهلم:
هرگـاه محـل، اوراق يـا اجنـاس بـه امريکی از ادارات دولتی يـا يکی از محـاکم بـه منظـور حفاظت مهـر شـده باشـد بـه اثـر اهـمال محـافظ مهر آن محو يا شکستانده شود بـه حـبس قـصيری‌کـه از سـه مـاه کمتـر واز شش مـاه بيـشتر نباشد يـا بـه جـزای نقـدی کـه از سـه هزار افغـانی کمتـر واز شـش هزار افغـانی تجـاوز نکنـد محکـوم می‌گردد.

مادۀ سه صدو چهل ويکم:
هرگاه اوراق يـا اجنـاس مهـر شـده مـربوط بـه شخـصی باشـد کـه در جنـايت محکـوم عليـه يـا مـتهم قرار گرفته باشد مـحافظی‌که بـه اثـر اهـمال او مهـر محـو يـا شکـستانده شـده بـه حـبس قصيری‌که از سه ماه کمـتر واز نـه مـاه بيـشتر نباشـد يـا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر واز نـه هزار افغـانی تجـاوز نکند محکوم

کي محکومیږي.

دري سوه او دوه څلویښتمه ماده:
۱- که څوک ددې قانون د (۳۴۱) مادی ددرج شوو پانو یا جنسونو مهر چه د ساتنی په منظور یی صورت نیولی وی محو یا یی مات کی په لنډ حبس چه د دری میاشتو کم نه وی محکومیږي.
۲- که د پورتنی فقری ددرج شوی جرم ارتکاب کوونکی ساتونکی شخص وی د حالونو سره سم په متوسط حبس محکومیږي.

دري سوه او دري څلویښتمه ماده:
۱- که د جنسونو مهر بی له ساتنی په بل منظور صورت نیولی وی د محو کولو یا ماتولو ارتکاب کوونکی یی په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم او د شپږو میاشتو زیات نه وی یا نقدی جزأ چه د دری زرو افغانیو څخه کمه او د شپږ زرو افغانیو څخه زیاته نه وي محکومیږي.
۲- که د پورتنی فقری ددرج شوی جرم ارتکاب کوونکی ساتونکی

می گردد.

مادۀ سه صدو چهل ودوم:
۱- شخصی که مهر اوراق یا اجناس مندرج مادۀ (۳۴۱) این قانون را که به منظور حفاظت صورت گرفته باشد محو کند یا بشکناند به حبس قصیری که از سه ماه کمتر نباشد محکوم می گردد.
۲- اگر مرتکب جرم مندرج فقرۀ فوق شخص محافظ باشد حسب احوال به حبس متوسط محکوم می گردد.

مادۀ سه صدو چهل وسوم:
۱- هرگاه مهر اجناس بمنظور دیگری غیر محافظت صورت گرفته باشد مرتکب محو یا شکستاندن آن به حبس قصیری که از سه ماه کمتر واز ششماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر واز شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.
۲- اگر مرتکب جرم مندرج فقرۀ فوق شخص محافظ

شخص وی په لنډ حبس چه د دری میاشتو کم او د نهه میاشتو زیات نه وی محکومیږي.

باشد به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر واز نه ماه بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

شپاړسم فصل
د بناګانو او عمومی ملکیتونو تلفول

فصل شانزدهم
اتلاف بنا ها و املاک عامه

دری سوه او څلور څلویښتمه ماده:
که څوک عمداً د عمومی بنأ یا املاکو یا ددا سی بنأیا املاکو چه د دولت دګټو، عام المنفعه مؤسسو د ګټو دپاره تخصیص شوی وی یو قسمت یا تاریخی آثار تلف کی د خساری په جبران علاوه د حالونو سره سم په متوسط حبس یا نقدی جزأ چه ددولس زرو افغانیو څخه کمه او د شپیتو زرو افغانیو څخه زیاته نه وی محکومیږي.

مادۀ سه صدو چهل وچهارم:
شخصی‌که عمداً قسمتی از بنأ یا املاك عامه یا بنأ و املاکی را که برای منافع دولت، مؤسسات عام المنفعه یا استفاده عامه تخصیص یافته باشد و یا آثار تاریخی را تلف نماید علاوه بر جبران خساره حسب احوال به حبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر واز شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

دري سوه او پنځه څلویښتمه ماده:
که څوک عمداً د سرک، پارک او د عمومي تفریح ځای ونی تلف یا پری کی د خساری په جبران علاوه په حبس چه د دری میاشتو زیات نه وی او نقدی جزأ چه دپنځه

مادۀ سه صدو چهل وپنجم:
شخصی‌که عمداً اشجار، سرك، پارك و تفریحگاه عامه را تلف یا قطع نماید علاوه به جبران خساره به حبسی‌که از سه ماه تجاوز نکند و جزای نقدی که از پنج

زرو افغانیو تجاوز ونه کی محکومیږي.

هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

اووه لسم فصل
دممنوعه شیانو تجارت

فصل هفدهم
تجارت اشیای ممنوعه

دری سوه اوو شپږ څلویښتمه ماده:
که څوک داسی شیان چه افغانستان ته یی واردول منع دی وارد کی یا ذکر شوی شیان دخرڅولو په غرض بار یا انتقا ل کی یا یی د خرڅولو د پاره عرضه کی یا ئي پټ کی یا یی په پټولو شروع وکی، دممنوعه مالونو په مصادری علاوه په لنډ حبس چه ددری میاشتو کمه نه وی او د مصادره شوی مال معادل په نقدی جزأ محکومیږي په دې شرط چه قانون بل ډول حکم نه وی کړی.*

مادۀ سه صدوچهل وششم:
هرگاه شخص اشیائی را که ورود آن به افغانستان ممنوع باشد وارد نماید یا اشیای مذکور را به غرض فروش حمل یا انتقال نماید یا بفروش عرضه کند یا پنهان سازد و یا به پنهان نمودن آن شروع نماید علاوه به مصادره اموال ممنوعه به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر نباشد و جزای نقدی معادل مال مصادره شده محکوم می گردد مشروط بر این‌که قانون طور دیگری حکم نکرده باشد.*

* ماده ۳۴۶ تعدیل گردیده و در بخش تعدیلات این قانون به چاپ رسیده است.

اتلسم فصل
د ادیانو په ضد جرمونه

دری سوه او اووه څلویښتمه ماده:
راتلونکی اشخاص په متوسط حبس یا نقدي مجازات چه ددولس زرو افغانیو کمه او د شپیتو زرو افغانیو څخه زیات نه وي محکومیږي:
۱- که څوک دیوه دین ددینی شعایرو یا مراسمو اداء کول په زور او اکراه اخلال یا معطل کی.
۲- که څوک مجاز معبدونه چه په کښی دیوه دین دینی شعایر اجراء کیږی یا نوری علامی چه د یوه دین دپیروانو په نزد محترمی وی خراب یا تلف کی.

دري سوه او اته څلویښتمه ماده:
که څوک د یوه دین په پیرو چه خپل مذهبي شعایر په علني صورت اجراء کوي د قول، فعل، لیک او نورو علنی وسیلو په واسطه تیری وکی په لنډ حبس چه ددری میاشتو کمه او نقدی

فصل هجدهم
جرایم ضد ادیان

مادهٔ سه صدو چهل وهفتم:
اشخاص آتی به حبس متوسط ویا مجازات نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردند:
۱- شخصی‌که برگزاری شعایر یا مراسم دینی یکی از ادیان را به جبر واکراه اخلال نماید یا آنرا معطل سازد.
۲- شخصی‌که معابد مجازیرا که در آن شعایر دینی یکی از ادیان اجراء می‌گردد یا علایم دیگری را که نزد پیروان دینی از ادیان محترم باشد خراب یا تلف نماید.

مادهٔ سه صدو چهل وهشتم:
شخصی‌که به پیرویکی از ادیانی‌که شعایر مذهبی خود را به صورت علنی اجرا می نماید به واسطه قول، فعل، کتابت و غیره وسایل علنی تجاوز نماید به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر و جزای

جـــزأ چـــه ددری زرو افغـــانیو کمـــه او ددولـــس زرو افغـــانیو زیاته نه وی محکومیږي.

نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هـزار افغـانی بیـشتر نباشد محکوم می‌گردد.

نولسم فصل
د مخدره او نیشه یي موادو استعمال

فصل نزدهم
استعمال مواد مخدره و مسکره

دري سوه او نهه څلویښتمه ماده:
که څوک مخدره یا نیشه یي مواد استعمال کي ددري میاشتو څخه تر شپږو میاشتو پوري حبس یا ددري زرو افغانیو څخه تر شپږ زرو افغانیو پوري په نقدي جزأ یا په دواړو جزاګانو محکومیږي، مګر دا چه په قانون کښې بل ډول حکم شوي وي.

مادۀ سه صدو چهل ونهم:
شخصی‌که مواد مخدره یا مسکره را استعمال نماید به حبس سه ماه الی ششماه یا جزای نقدی سه هزار الی شش هزار افغانی یا به هردو جزا محکوم می‌گردد، مگر این‌که در قانون طور دیگری حکم شده باشد.

دري سوه او پنځوسمه ماده:
که څوک بل شخص په زور او اکراه د مخدره یا نیشه یي موادو په استعمال مجبور کی په لنډ حبس چه ددری میاشتو کمه یا نقدی جزاء چه ددری زرو افغانیو کمه او ددولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وی محکومیږي.

مادۀ سه صدو پنجاهم:
شخصی‌که به جبر و اکراه شخصی دیگر را باستعمال مواد مخدره ویا مسکره وادار سازد، به حبس قصیری که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای که از سه هزار افغانی کمتر واز دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

دري سوه او یو پنځوسمه ماده:
که څوک یو محل د مخدره یا نیشه یي موادو د استعمال د پاره تخصیص کی د احوالونو سره سم په متوسط یا لنډ حبس محکومیږي محکمه به په ذکر شوی مجازات علاوه د مخدره موادو پوری د مربوطو ادواتو، آلاتو او اثاثیه په ضبطولو هم حکم کوی.

مادهٔ سه صدو پنجاه ویکم:
شخصی‌که محلی را برای استعمال مواد مخدره یا مسکره تخصیص دهد، حسب احوال به حبس متوسط یا قصیر محکوم می‌گردد. محکمه علاوه بر مجازات متذکره به ضبط ادوات و آلات و اثاثیه مربوط به استعمال مواد مخدره نیز حکم می نماید.

دری سوه او دوه پنځوسمه ماده:
۱- که څوک په عمومی لار، عمومی محل یا د تفریح په عمومی ځای کښی د نیشی په حالت کښې په داسی ډول ولیدل شي، چه عقل یي د لاسه ورکړی وی یا دنورو د اذیت سبب وګرځي، په لنډ حبس چه ددري میاشتو کمه نه وي یا نقدي جزأ چه ددری زرو افغانیو کمه او د دولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وي محکومیږي.
۲- که د پورتنی فقری ددرج شوی جرم ارتکاب کوونکی د محکمی د حکم د صادریدو وروسته د یوه کال په موده کښې دوباره د ذکر شوی جرم ارتکاب کوونکی شی په

مادهٔ سه صدو پنجاه ودوم:
۱- شخصی‌که در راه عام، محل عام یا تفریح گاه عمومی در حالت سکر طوری دیده شود که عقل خود را از دست داده یا سبب اذیت دیگران گردد، به حبس قصیر که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر واز دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.
۲- اگر مرتکب جرم مندرج فقرهٔ فوق در خلال یکسال بعد از صدور حکم محکمه مکرراً مرتکب جرم مذکور گردد، به حبس قصیری‌که از ششماه

لنډ حبس چه د شپږ میاشتو کم نه وی یا نقدی جزا چه د شپږ زرو افغانیو کمه او د دولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وی محکومیږي.

۳- که محکمی ته ثابته شی چه متکرر مجرم د مخدره یا نیشه یي موادو په استعمال عادت لری، کولی شی چه ددې مادې د (۲) فقری ددرج شوی جزأ په عوض تر یوه کال پوری په یوه مربوط روغتون کښی بستری کی.

۴- محکمه کولی شی د څارنوا ل د غوښتنی په اثر او د روغتون د تصدیق په بنا، د ارتکاب کوونکی په صحت ددې مادې د (۳) فقری ددرج شوی مودی د تیریدو ترمخه هغه خوشی کی.

کمتر نباشد یا جزای نقدی که از شش هزار افغانی کمتر واز دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

۳- اگر نزد محکمه ثابت گردد که مجرم متکرر معتاد به استعمال مواد مخدره یا مسکره می باشد، می تواند مرتکب را در عوض جزای مندرج فقرهٔ (۲) این ماده تا مدت یکسال در یکی از روغتون های مربوطه بستر نماید.

۴- محکمه می تواند به اثر درخواست څارنوال و تصدیق روغتون مبنی بر صحت مرتکب قبل از انقضای مدت مندرج فقرهٔ (۳) این ماده اورا رها نماید.

شلم فصل
جواری

دری سوه او دری پنځوسمه ماده:

۱- که څوک یو محل ته د جواری د پاره تخصیص ورکی او هغه د خلکو د ننوتلو د پاره تیار کی، همدارنګه که شخص په عمومي

فصل بیستم
قمار بازی

مادهٔ سه صدو پنجاه وسوم:

۱- شخصی‌که محلی را برای قمار بازی تخصیص داده و آنرا برای داخل شدن مردم آماده سازد و همچنان شخصی‌که در

محل یا یو محل کښې چه دعامو خلکو په مخ خلاص وي یا په یو محل یا کور کښې چه ددې منظور د پاره تیار شوی وی د جواری په تنظیم بوخت شی یا جزګیری وکی، په لنډ حبس او نقدی جزأ چه د دوولس زرو افغانیو زیاته نه وي یا ددې دواړو جزأګانو څخه په یوی محکومیږي.

۲- که څوک د پورتنی فقری په ذکر شوو حالونو کښې دجواری په حالت ونیول شی، په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم نه وی او نقدی جزأ چه ددری زرو افغانیو کمه او د دوولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وي محکومیږي.

۳- ددې مادې د (۱) او (۲) فقرو په درج شوو جزأګانو علاوه پیسې او د جواری ادوات هم مصادره کیږي.

محل عمومی و یا محلی‌که بروی عامه مردم باز باشد و یا در محل و منزلی که به این منظور آماده شده به تنظیم قمار بازی بپردازد.

و یا جزگیری نماید، به حبس قصیر و جزای نقدی‌که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند و یا به یکی ازین دو جزا محکوم می‌گردد.

۲- شخصی‌که در محلات متذکره فقرهٔ فوق در حال قمار بازی گرفتار گردد، به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر نباشد و جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

۳- علاوه بر مجازات فقرات (۱) و (۲) این ماده پول، آلات و ادوات قمار مصادره می‌گردد.

یو ویشتم فصل
د مرستې څخه منع راوړل

دری سوه او څلور پنځوسمه ماده:
که څوک داور د واقع کیدو یا د بلی لویی حادثی په وخت کښې د

فصل بیست ویکم
امتناع از معاونت

مادهٔ سه صدو پنجاه وچهارم:
شخصی‌که هنگام وقوع حریق، یا حادثهٔ بزرگ دیگری با وجود

عمومی خدمتونو د مؤظف د تقاضا سره بی د معقول عذر د مرستی کولو څخه ځان وژغوری، په حبس چه د شپږو میاشتو زیات نه وی او نقدی جزأ چه د شپږ زرو افغانیو څخه زیاته نه وی یا ددې دواړو جزاګانو څخه په یوی محکومیږي.

تقاضای مؤظف خدمات عامه بدون عذر معقول از معاونت امتناع ورزد، به حبسی‌که از شش ماه بیشتر نباشد و جزای نقدی که از شش هزار افغانی تجاوز نکند ویا به یکی ازین دو جزا محکوم می‌گردد.

دری سوه او پنځه پنځوسمه ماده:
که څوک د قانون یا موافقی په حکم د یو شخص په ساتنه چه د صغارت یا سپین ږیرتوب یا د صحي یا روحي یا عقلي حالت په نسبت ناتوانه وي مکلف وپیژندل شي، بي د معقول عذر څخه د خپلی وجیبی د ادا کولو څخه ځان وژغوری، په لنډ حبس او په نقدي جزأ چه ددوولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وی یا ددې دواړو جزاګانو په یوی محکومیږي.

مادۀ سه صدو پنجاه وپنجم:
شخصی‌که بحکم قانون یا موافقه به محافظت شخصی‌که به سبب صغر سن یا شیخوخت یا حالت صحی یا روحی و یا عقلی عاجز باشد مکلف شناخته شود، بدون عذر معقول از ادای وجیبۀ خود امتناع ورزد، به حبس قصیر و جزای نقدیی که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند ویا به یکی ازین دو جزا محکوم می‌گردد.

دوه ویشتم فصل
دبنوت، دناقص اهلیت دپاملرنی د صغیرانو او ضعیفانو د خطر سره د مخامخ کولو پوری مربوط جرمونه

دري سوه او شپږ پنځوسمه ماده:
که څوک نوی زیږیدلی کوچنی د هغه اشخاصو څخه چه ور باندی قانونی سلطه لری، لیری کی یا یی پټ کی یا یی په بل کوچنی بدل کی یا یی په دروغو د مور څخه په غیر بل چاته نسبت ورکی، د حالونو سره سم په متوسط حبس محکومیږي.

دري سوه اواوه پنځوسمه ماده:
۱- که څوک د یوه کوچنی متکفل وی او د بل شخص د غوښتنی وروسته چه د محکمی د قرار یا حکم په اساس د کوچنی حضانت یا ساتنه هغه ته انتقال شوی وی، طفل ورته تسلیم نه کی په لنډ حبس یا نقدي جزأ چه د دری زرو افغانیو کمه اود دولس زرو افغانیو زیاته نه وی محکومیږي.
که څه هم متکفل شخص د کوچنی یو دوالدینو یا یو د جدینو څخه

فصل بیست ودوم
جرایم مربوط به بنوت، رعایت ناقص اهلیت، معروض ساختن صغار و ضعفا به خطر

مادۀ سه صدو پنجاه وششم:
شخصی‌که طفل نو تولد را از نزد اشخاصی‌که بالای او سلطه قانونی دارند دور سازد یا اورا پنهان نماید یا به طفل دیگری تبدیل کند یا او را کذباً به غیر از مادرش نسبت بدهد، حسب احوال به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

مادۀ سه صدو پنجاه وهفتم:
۱- شخصی‌که متکفل طفلی بوده و بعداز مطالبه شخص دیگری‌که به اساس قرار یاحکم محکمه حضانت یا حفاظت طفل به او انتقال یافته طفل را بوی تسلیم نکند، به حبس قصیر یا جزای نقدی‌که از سه هزار افغانی کمتر واز دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.
گرچه شخص متکفل یکی از والدین یا جدین طفل

وي.
۲- که د والدینو یا د جدینو څخه یو خپل صغیر زوي یا لمسي پخپله یا د بل شخص په وسیله د هغه شخص څخه چه د محکمی په حکم دکوچنی حضانت یا ساتنه ورته سپارل شوی، واخلی د پورتنی فقری په درج شوی جزأمحکومیږي.
که څه هم بی له حیلی او اکراه څخه وی.

دري سوه او اته پنځوسمه ماده:
۱- که څوک پخپله یا د بل شخص په واسطه د یو شخص ژوند چه د پنځلس کلنی عمر یی نه وی پوره کړی، یا د هغه شخص چه دصحی، روحی یا عقلی حالت په سبب د خپل ځان د ساتنی څخه عاجزه وی د خطر سره مخامخ کی، په متوسط حبس چه د دری کلونو څخه زیات نه وی یا په نقدی جزأ چه د شپږ دیرش زرو افغانیو تجاوز ونه کی محکومیږي.
۲- که څوک کوچنی یا بی وسی شخص په کنډواله ځای کښی خوشی کی په متوسط حبس محکومیږي. که څه هم ذکر شوی باشد.
۲- اگر یکی از والدین یا جدین اولاد صغیر یا نواسهٔ خود را خود او یا توسط دیگری از شخصی‌که به حکم محکمه حضانت یا حفاظت طفل به او سپرده شده بگیرد به جزای مندرج فقرهٔ فوق محکوم می‌گردد، گرچه بدون حیله واکراه باشد.

مادهٔ سه صدو پنجاه وهشتم:
۱- شخصی‌که خود او یا توسط شخص دیگری حیات شخصی را که سن پانزده سالگی را تکمیل نکرده یا حیات شخصی را که به سبب حالت صحی روحی یا عقلی از حمایت خود عاجز باشد به خطر مواجه گرداند، به حبس متوسط که از سه سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سی و شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.
۲- اگر شخصی طفل یا عاجز را در محل غیر مسکون رها نماید به حبس متوسط محکوم می‌گردد گرچه جرم مذکور توسط

جرم دوالدینو څخه د یوه په وسیله یا د هغه چا په وسیله چه د هغه د ساتنی یا پاملرنی متکفل وی، ارتکاب شوی وی.

۳- که ددې مادې د (دوهمی) فقری ددرج شوی جرم دارتکاب په اثر مجنی علیه معلول یا فوت شی او ارتکاب کوونکی د هغی قصد نه وی لرلی، دوهلو په ټاکل شوی جزأ چه په معلولیت یا مرګ منجر کیږي د حالونو سره سم محکومیږي.

۴- که کوچنی یا بی وسی شخص ددا سی تغذیی یا پالنی څخه چه د هغه د حالت مقتضی ده عمداً محروم شی او د هغی په اثر د هغه ژوند دخطر سره مخامخ شي، ارتکاب کوونکی ددې مادې د (۳) فقری په درج شوی جزأ محکومیږي.

یکی از والدین یا شخصی‌که متکفل حفاظت یا رعایت او باشد ارتکاب گردیده باشد.

۳- اگر به اثر ارتکاب جرم مندرج فقرۀ (۲) این ماده مجنی علیه معلول یا فوت گردد ومرتکب قصد آن را نداشته باشد، به جزای پیش بینی شدۀ ضرب منجر به معلولیت یا مرگ حسب احوال محکوم می‌گردد.

۴- اگر طفل یا عاجز از تغذیه یا پرستاری که مقتضی حالت او است عمداً محروم ساخته شود وحیات او به اثر آن به خطر مواجه گردد، مرتکب به جزای مندرج فقرۀ (۳) این ماده محکوم می‌گردد.

دری سوه او نهه پنځوسمه ماده:

۱- که په یوه شخص د ښځی یا د اصولو او فروعو د جملی څخه د یوه یا د بل چا دنفقی د اداکولو په منظور یا د حضانت یا درضاعت یا دسکونت د اجوری د ادا کولو په

مادۀ سه صدو پنجاه ونهم:

۱- هر گاه بالای یك شخص به منظور ادای نفقه زوجه یا یکی از اصول یا فروع وی یا دیگری یا به منظور ادای اجرت حضانت یا رضاعت یا

منظور د محکمی واجب التنفیذ حکم صادر شوی وی، د حکم د ابلاغ څخه تر یوی میاشتی پوری سره ددې چه د اداء کولو قدرت لري د هغي د اداء کولو څخه ځان وژغوری، په لنډ حبس او نقدي جزأ چه د پنځه زرو افغانیو څخه زیاته نه وي یا ددې دواړو جزأ ګانو څخه په یوي محکومیږي.

۲- د پورتنی فقری ددرج شوی جرم په باره کښې هغه وخت دعوی دائریږی چه د مصلحت خاوند ورڅخه شکایت کړی وی.

۳- دعوی د مصلحت او شکایت د خاوند د انصراف په اثر یا د هغه شی په اداء کولو چه د شکایت د طرف د شخص په ذمه باقی پاتی دی منقضی کیږی، که په دعوي کښې د حکم د صادریدو وروسته اداء یا انصراف صورت ونیسي د جزأ تطبیق متوقف کیږي.

سکونت حکم واجب التنفیذ محکمه صادر شده باشد، تا مدت یکماه بعد از ابلاغ حکم با وجود قدرت به ادای آن از تادیهٔ آن امتناع ورزد، به حبس قصیر وجزای نقدیی‌که از پنج هزار افغانی تجاوز نکند یا به یکی ازین دو جزا محکوم می گردد.

۲- در مورد جرم مندرج فقرهٔ فوق دعوی وقتی دایر می‌گردد که صاحب مصلحت از آن شکایت نموده باشد.

۳- دعوی به اثر انصراف صاحب مصلحت وشکایت یا به ادای چیزی که به ذمه شخص طرف شکایت باقی مانده منقضی می‌گردد واگر انصراف یا اداء بعد از صدور حکم در دعوی صورت بگیرد تطبیق جزا متوقف می‌گردد.

درویشتم فصل
اور او چاودنه

دری سوه او شپیتمه ماده:
۱- که څوک عمداً منقول یا غیر منقول مال ته که څه هم خپل ملکیت یي وي اور واچوي، که د خلکو ژوند او مال د خطر سره مخامخ کي د حالونو سره سم په اوږده حبس محکومیږي.
۲- که اور اچول په یوه لاټدني حالونو کښې صورت ونیسي ارتکاب کوونکي په دوام لرونکی حبس محکومیږي:
۱- په فابریکي ، د عسکرو د ضرورت وړ موادو په ډیپو یا وسلي او د هغی ملحقاتو کښې.
۲- معدن یا د نفتو او غاز په څاه کښې.
۳- دسوځیدو موادو په ذخیره خانه یا په سوځیدونکو یا په چاودیدونکو موادو کښې.
۴-د برق، اوبو یا ذروي حرارتی استیشنو کښې.
۵- داوسپنی د ګاډی استیشن، د اوسپنی د ګاډی ماشین یا په هغه واګون کښې چه په کښې شخص یا

فصل بیست وسوم
حریق و انفجار

مادۀ سه صدو شصتم:
۱- شخصی‌که عمداً مال منقول یا غیر منقول را گرچه ملك خودش باشد آتش زند در صورتی‌که حیات و اموال مردم را به خطر مواجه سازد حسب احوال به حبس طویل محکوم می‌گردد.
۲- اگر آتش زدن در یکی از محلات آتی صورت گیرد مرتکب به حبس دوام محکوم می‌گردد:
۱- فابریکه ودیپوی مواد مورد ضرورت عسکری یا اسلحه و ملحقات آن.
۲- معدن یا چاه نفت یا گاز.
۳- ذخیره خانه مواد سوخت یا مواد قابل احتراق ویا مواد منفجره.
۴- استیشن های حرارتی برق آبی ویا ذروی.
۵- استیشن قطار آهن، ماشین قطار آهن، یا واگونی که در آن شخص یا اشخاص

اشخاص وی یا هوایی میدان، یا الوتکه یا بیړی یا د هغی بندر کښی.

۶- د اوسیدونکو په بنأ یا د ازدحامه ډک محل کښی.

۷- په هغه بنأ کښې چه یوه دولتی اداره، تصدي یا عمومی مؤسسه په کښی وی.

۳- کـه ددې مـادې د (دوه یمـی) فقری درج شوی جرم څخه غرض د جنایت یا جنحی د ارتکاب آسانول یا د هغی د آثارو د منځه وړل وی یا فاعل د اطفاییی آلي او وسیلي د کاره واچوي یا اور د اشخاصو دوام لرونکی معلولیت ته منجر شی یا اور د انفلاق کوونکو او چاودیدونکو موادو په وسیله صورت ومومي یا اور د انسان په مرګ منجر شی ارتکاب کوونکی په اعدام محکومیږي.

باشد ویا میدان هوائی یا طیاره ویا کشتی یا بندرگاه آن.

۶- بنای مسکون و یا محل پر ازدحام.

۷- بنائی‌که یکی از ادارات دولتی یا تصدی یا مؤسسات عامه در آن قرار داشته باشد.

۳- اگر غرض از جرم مندرج فقرهٔ (دوم) این ماده آسان ساختن ارتکاب جنایت یا جنحه ویا از بین بردن آثار آن باشد، یا فاعل آلات و وسایل اطفائیه را از کار اندازد یا حریق منجر به معلولیت دوامدار اشخاص گردد ویا آتش زدن توسط مواد منفلقه و منفجره صورت گیرد و یا حریق منجر به مرگ انسان گردد مرتکب به اعدام محکوم می‌گردد.

دري سوه او یو شپیتمه ماده:

۱- کـه څوک په منقول یا غیر منقول مال کښې د خطا په موجب د اور د پیدا کیدو سبب شي، که د خلکو ژوند او مال د خطر سره مخامخ کی په متوسط حبس یا

مادهٔ سه صدو شصت ویکم:

۱- شخصی‌که در مال منقول یا غیر منقول به سبب خطاء موجب احداث حریق گردد، در صورتی‌که حیات و اموال مردم را به خطر مواجه سازد به حبس متوسط ویا

په نقدي جزأ چه د شپیتو زرو افغانیو څخه زیاته نه وی محکومیږي.

۲-که د پورتنی فقری ددرج شوی جرم په اثر عمومی مواصلات معطل شی یا مالونو ته لوی ضرر ورسیږی مرتکب په اوږده حبس چه د اوو کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.

۳- که ددې مادې د (۱) فقری د جرم په اثر انسان مړ شی ارتکاب کوونکی په اوږده حبس چه دلسو کلونو څخه کم نه وی محکومیږي.

جزای نقدی که از شصت هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

۲- اگر به اثر جرم مندرج فقرهٔ فوق مواصلات عمومی معطل گردد و یا ضرر بزرگ به اموال عاید گردد مرتکب به حبس طویلی‌که از هفت سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

۳- اگر به اثر جرم مندرج فقرهٔ (۱) این ماده مرگ انسان صورت گیرد مرتکب به حبس طویل که از ده سال کمتر نباشد محکوم می‌گردد.

دری سوه او دوه شپیتمه ماده:

۱- که څوک د صلاحیت لرونکی مقامونو د اجازی په غیر منفلقه یا منفجره مواد جوړ کی یا یی وارد کی یا یی د ځان سره وساتی، د موادو په مصادری علاوه په اوږده حبس چه د لسو کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.

۲- هغه ماده چه د منفلقه او منفجره موادو په ترکیب کښې په کار اچول کیږي د داخلي د وزیر د قرار سره سم چه په رسمي جریدي

مادهٔ سه صدو شصت ودوم:

۱- شخصی‌که بدون اجازه مقامات صلاحیت دار مواد منفلقه یا منفجره را بسازد ویا وارد نماید و یا نزد خود نگه کند، علاوه بر مصادره مواد به حبس طویلی‌که از هفت سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

۲- ماده ای‌که در ترکیب مواد منفلقه و منفجره بکار برده می شود و مطابق قرار وزیر داخله که در جریدهٔ رسمی نشر

کښې خپريږي ټاکل کيږي.
همدارنګه سامان، آلي او ادوات چه په جوړولو يا چاودولو کښې استعمالیږي دمنفلقه اومنفجره موادو په حکم کښې پيژندل کيږي.

دری سوه او دري شپيتمه ماده:
۱- که څوک عمداً منفلقه او منفجره مواد استعمال کی او د هغی په اثر د خلکو ژوند د خطر سره مخامخ شی د حالونو سره سم په اوږده حبس محکوميږي.
۲- که د پورتنی فقری د ذکر شوو موادو د استعمال په اثر اشخاصو ته لوی ضرر ورسيږی يا د انسان مرګ ته منجر شی ارتکاب کوونکی په دوام لرونکی حبس محکوميږي.

دری سوه او څلور شپيتمه ماده:
۱- که څوک عمداً منفلقه يا منفجره مواد استعمال کي او د هغي په اثر د خلکو مال د خطر سره مخامخ شي د حالونو سره سم په اوږده حبس چه داووه کلونو څخه زيات نه وي محکوميږي.
۲- که د پورتنی فقری ددرج شوی

می‌شود تعیین می‌گردد. همچنان سامان، آلات و ادواتی‌که در ساختن یا انفجار آن استعمال می‌گردد، در حکم مواد منفلقه و منفجره شناخته می‌شود.

مادۀ سه صدو شصت وسوم:
۱- شخصی‌که عمداً مواد منفلقه ومنفجره را استعمال نماید که به اثر آن حیات مردم به خطر مواجه گردد حسب احوال به حبس طویل محکوم می‌گردد.
۲- اگر به اثر استعمال مواد متذکره فقرۀ فوق به اشخاص ضرر بزرگ عاید گردد و یا منجر به مرگ انسان شود مرتکب به حبس دوام محکوم می‌گردد.

مادۀ سه صدو شصت وچهارم:
۱- شخصی‌که عمداً مواد منفلقه یا منفجره را استعمال نماید وبه اثر آن اموال مردم به خطر مواجه گردد حسب احوال به حبس طویلی‌که از هفت سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.
۲- اگر به اثر جرم مندرج فقرۀ

جرم په اثر لوی ضرر ورسیږي ارتکاب کوونکی دپورتنی فقری د ټاکل شوی جزأ په اکثره اندازه محکومیږي.

فوق به اموال مردم ضرر بزرگ وارد گردد، مرتکب به حد اکثر جزای پیش بینی شدهٔ فقرهٔ فوق محکوم می‌گردد.

دري سوه او پنځه شپیتمه ماده:
که څوک منفلقه او منفجره مواد ددی فصل ددرج شوو حالونو څخه په غیر، په غیر مشروع منظور استعمال کی د حالونو سره سم چه د لسو کلونو څخه کم نه وی محکومیږي.

مادهٔ سه صدو شصت وپنجم:
شخصی‌که مواد منفلقه ومنفجره را در غیر از احوال مندرج این فصل به منظور غیر مشروع استعمال نماید حسب احوال به حبس طویلی‌که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

دري سوه او شپږ شپیتمه ماده:
که څوک منفلقه یا منفجره موادو ته یا هغه مالونو ته چه داور د اخیستلو قابلیت ولري په یوه ځمکنی، او بنی یا هوایي یا په پوستي وسیلو او پارسلونو کښې دمربوطو مقرراتو په خلاف انتقال ورکي او یا یي په انتقا ل شروع وکي، په متوسط حبس چه ددوه کلونو څخه کم نه وی او په نقدی جزأ چه د پنځه ویشتو زرو افغانیو څخه زیاته نه وی محکومیږي.

مادهٔ سه صدو شصت وششم:
شخصی‌که مواد منفلقه یا منفجره ویا اموال قابل احتراق را در یکی از وسایل نقلیه زمینی، آبی یا هوائی یا در وسایل و پارسلهای پوستی خلاف مقررات مربوط انتقال دهد و یا به انتقال آن شروع نماید، به حبس متوسط که از دو سال کمتر نباشد و جزای نقدی که از بیست و پنج هزار افغانی تجاوز نکند و یا به یکی ازین دو جزا محکوم می‌گردد.

څلير ويشتم فصل
د غرقيدو، مرفقونو او عمومي صحت پوري مربوط جرمونه

دري سوه او اووه شپيتمه ماده:
۱- که څوک عمداً سيلاب وجود ته راوړي يا پرې شروع وکې چه د هغې په وسيله د خلکو ژوند يا مال د خطر سره مخامخ شي، د حالونو سره سم په اوږده حبس محکوميږي.
۲- که د پورتنۍ فقرې ددرج شوی جرم د ارتکاب په اثر د انسان مرګ صورت ومومي، ارتکاب کوونکی په دوام لرونکی حبس محکوميږي.
۳- که د ذکر شوی سيلاب په اثر مالونو ته لوی ضرر ورسيږي ارتکاب کوونکی په اوږده حبس چه د لسو کلونو څخه کم نه وی محکوميږي.

دري سوه او اته شپيتمه ماده:
۱- که شخص په خطا سيلاب وجود ته راوړی چه د هغې په اثر دخلکو ژوند يا مالونه دخطر سره مخامخ شي، په لنډ حبس او نقدي جزأ چه دپنځه ويشتو

فصل بيست وچهارم
جرايم مربوط به غرق ومرافق و صحت عامه

مادۀ سه صدو شصت وهفتم:
۱- شخصی‌که عمداً سيلابی را بوجود آورد يا در آن شروع نمايد که توسط آن حيات يا اموال مردم به خطر مواجه گردد حسب احوال به حبس طويل محکوم می‌گردد.
۲- اگر به اثر ارتکاب جرم مندرج فقرۀ فوق مرگ انسان صورت گيرد مرتکب به حبس دوام محکوم می‌گردد.
۳- اگر در اثر سيلاب مذکور به اموال ضرر بزرگ عايد گردد مرتکب به حبس طويل که از ده سال کمتر نباشد محکوم می‌گردد.

مادۀ سه صدو شصت وهشتم:
۱- شخصی‌که به خطا سيلابی را بوجود آورد که به اثر آن حيات يا اموال به خطر مواجه گردد، به حبس متوسط وجزای نقدی که از بيست وپنج

زرو افغانیو څخه زیاته نه وي یا ددې دواړو جزاګانو څخه په یوي محکومیږي.

۲- که د ذکر شوی سیلاب په اثر عمومي مرفقونه معطل شي یا د عامو خلکو مالونو ته زیات ضرر ورسیږي ارتکاب کوونکی په اوږده حبس چه داووه کلونو څخه زیات نه وي محکومیږي.

۳- که ددې مادې د (۱) فقری ددرج شوی جرم ارتکاب د انسان په مرګ منجر شی، مرتکب په اوږده حبس چه دلسو کلونو څخه زیات نه وي محکومیږي.

هزار افغانی تجاوز نکند یا به یکی ازین دو جزا محکوم می‌گردد.

۲- اگر در اثر سیلاب مذکور مرافق عام معطل گردد یا به اموال عامه ضرر بزرگ عاید گردد، مرتکب به حبس طویلی که از هفت سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

۳- اگر ارتکاب جرم مندرج فقرهٔ (۱) این ماده منجر به مرگ انسان گردد مرتکب به حبس طویلی‌که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

دري سوه او نهه شپیتمه ماده:

۱- که څوک عمداً د زهرناکو مکروبي یا نورو مضرو شیانو په اچولو چه د عامو خلکو صحت ته مضر وي په څاه، د اوبو په مخزن، عمومي ذخیره خاني یا نورو شیانو ته چه دعامو خلکو د استعمالولو په منظور تیار شوي وی د خلکو ژوند یامالونه د خطر سره مخامخ کي په دوام لرونکی حبس محکومیږي.

۲- که دپورتنی فقری ددرج شوو

مادهٔ سه صدو شصت ونهم:

۱- شخصی‌که عمداً با انداختن مواد سمی، مکروبی یا سایر اشیاء مضر به صحت عامه در چاه، مخزن آب، ذخیره خانه عمومی یا سایر اشیائی‌که به منظور استعمال عامه تهیه شده حیات یا اموال مردم را به خطر مواجه سازد به حبس دوام محکوم می‌گردد.

۲- اگر ارتکاب جرایم مندرج

جرمونو ارتکاب د انسان مرګ ته منجر شی ارتکاب کوونکی په اعدام محکومیږي.

۳- که څوک په خطا ددې مادې د (۱) فقري دیوه درج شوی جرم ارتکاب کوونکی شي، په متوسط حبس او نقدي جزأ چه د پنځه ویشتو زرو افغانیو زیاته نه وي یا ددې دواړو جزأګانو څخه په یوي محکومیږي.

۴- که ددې مادې د (۳) فقری ددرج شوی جرم ارتکاب د انسان مرګ ته منجر شی، ارتکاب کوونکی په اوږده حبس چه دلسو کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.

فقرهٔ فوق منجر به مرگ انسان گردد، مرتکب به اعدام محکوم می‌گردد.

۳- شخصی‌که به سبب خطا مرتکب یکی از جرایم مندرج فقرهٔ (۱) این ماده گردد، به حبس متوسط و جزای نقدی‌که از بیست و پنج هزار افغانی تجاوزنکند یا به یکی ازین دو جزا محکوم می گردد.

۴- اگر ارتکاب جرم مندرج فقرهٔ (۳) این ماده منجر به مرگ انسان گردد، مرتکب به حبس طویلیکه از ده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

دري سوه او اویایمه ماده:

که څوک څاه، یا عمومي مخزن یا بل هر شي چه له دي نوعي څخه وي فاسد کي په داسي ډول چه د هغي په اثر يي مطلوبه ګټه کمه شي، په لنډ حبس یا نقدي جزأ چه ددولس زرو افغانیو زیاته نه وي محکومیږي.

مادهٔ سه صدو هفتادم:

شخصی‌که چاه یا مخزن عمومی یا هرچیزی‌که ازین قبیل باشد فاسد نماید، طوری‌که به اثر آن منفعت مطلوبه آن کمتر گردد، به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

دري سوه اويو اويايمه ماده:

۱- کـه څوک آلـي، نـل يـا د اوبـو، بـرق، غـاز دمرفقونـو مخـصوصي آلي يـا نـور عمـومي مرفقونـه عمـداً مات يا تلف کی چه د هغی په اثر عمـومی مرفقونـه معطـل شـي، پـه متوسـط حـبس او نقـدي جـزأ چـه دپنځـه ويـشتو زرو افغـانيو څخـه زياته نه وي يـا ددې دواړو جزأګانو څخه په يوی محکوميږي.

۲- که څوک عمداً صحي ثابت يـا د انتقـال وړ تاسيـسات يـا پـه هغـی کښې موجود وسايل خراب، تـلف يـا متضرر کـی يا د هغی يو شی د کـاره واچـوی يـايی د اسـتفادی څخه وباسی په متوسط حبس چه د دوه کلونـو څخـه کـم نـه وي محکوميږي.

۳- کـه څـوک پـه خطـا سـره ددې مادې د (۱) فقری د يـوه درج شـوی جرم ارتکـاب کـوونکی شـی پـه لنډ حبس او نقـدی جزأ چـه دپنځـه زرو افغـانيو څخـه زياتـه نـه وی محکوميږي.

مادۀ سه صدو هفتادويکم:

۱- شخـصی‌کـه آلات، نـل يـا آلات مخصوص مرافق آب، برق، گاز و غيـره مرافـق عمـومی را عمـداً بشکناند يـا تلف نمايد کـه بـه اثر آن مرافق عمومی معطل گردد بـه حبس متوسط وجزای نقدی کـه از بيست وپنـج هـزار افغـانی تجاوز نکنـد يـا بـه يکـی ازيـن دو جـزا محـکوم مـی‌گردد.

۲- شخـصی‌کـه عمـداً تأسيـسات ثابت يـا قابـل انـتقال صحی را يـا وسـايل موجـود در آن را خـراب، تلف يا متضرر سازد يا يك چيزی از آن را از کـار بينـدازد يـا غيـر قابـل اسـتفاده گردانـد بـه حـبس متوسـطی‌کـه از دو سـال کمتـر نباشد محکوم می‌گردد.

۳- شخـصی‌کـه بـه خطـا مرتکـب يکـی از جـرايم مـندرج فقرۀ (۱) ايـن مـاده گـردد بـه حـبس قـصير وجـزای نقـدی کـه از پـنج هـزار افغـانی تجـاوز نکنـد محکـوم می‌گردد.

دري سوه او دوه اویایمه ماده:

۱- که څوک د پورتنیو حالونو په غیر عمداً ددا سی عمل ارتکاب کوونکی وګرځی چه دخطر ناک مرض د خپریدو موجب شی په لنډ حبس چه ددری کلونو څخه زیات نه وی محکومیږی.

۲- که د پورتنی فقری ددرج شوی فعل د ارتکاب په اثر انسان فوت یا دایمي معلولیت پیدا شی، مرتکب د حالونو سره سم په دې قانون کې د دایمی معلولیت د جرم په تاکل شوی جزأ محکومیږي.

مادۀ سه صدو هفتادو دوم:

۱- شخصی‌که در غیر از حالات فوق عمداً مرتکب عملی گردد که موجب انتشار مرض خطرناك گردد به حبس متوسط که از سه سال تجاوز نکنند محکوم می‌گردد.

۲- اگر به اثر ارتکاب فعل مندرج فقرۀ فوق فوت انسان صورت گیرد یا معلولیت دایمی بار آید، مرتکب حسب احوال به جزای پیش بینی شدۀ جرم معلولیت دایمی در این قانون محکوم می‌گردد.

دري سوه او دري اویایمه ماده:

۱- که څوک په خطا سره د خطرناکه مرض د خپریدو سبب شي په لنډ حبس او نقدي جزأ چه دپنځه زرو افغانیو څخه کمه نه وي محکومیږي.

۲- که د پورتنی فقری ددرج شوی فعل دارتکاب په اثر انسان فوت یا دایمی معلولیت پیدا شي، ارتکاب کوونکی د حالونو سره سم د خطا د قتل په تاکل شوی جزا یا د بدنی خطا د اذیت په جزأ محکومیږي.

مادۀ سه صدو هفتادو سوم:

۱- شخصی‌که به خطا سبب انتشار مرض خطرناك گردد به حبس قصیر وجزای نقدی که از پنج هزار افغانی کمتر نباشد محکوم می‌گردد.

۲- اگر به اثر ارتکاب فعل مندرج فقرۀ فوق فوت انسان یا معلولیت دایمی صورت گیرد، مرتکب حسب احوال به جزای پیش بینی شدۀ قتل خطا یا اذیت بدنی خطاء محکوم می‌گردد.

پنځه ویشتم فصل
دقضاء تضلیل

دري سوه او څلور اویایمه ماده:
که څوک د قضاء د تضلیل په قصد اشخاصو، ځایونو یا شیانو حالت ته تغییر ورکی یا د جرم دلیلونه پټ کی، یا د جرم پوری مربوط دروغجن معلومات سره ددې چه د هغی په عدم صحت علم لری وړاندی کی، په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم نه وی یا نقدی جزأ چه ددری زرو افغانیو کمه او ددولس زرو افغانیو زیاته نه وی محکومیږي.

دري سوه او پنځه اویایمه ماده:
د هغه شخص چه محکمی یا د قضائی ضبط مامورینو د هغه شهرت غوښتی هغه په غلط ښکاره کی په متوسط حبس چه د دری کلونو څخه زیات نه وی او نقدی جزاء چه د پنځلس زرو افغانیو تجاوز ونه کی یا ددې دواړو جزأګانو څخه په یوی محکومیږي.

فصل بیست وپنجم
تضلیل قضاء

مادۀ سه صدو هفتادو چهارم:
شخصی‌که به قصد تضلیل قضاء، حالت اشخاص، اماکن یا اشیا را تغییر بدهد یا ادله جرم را پنهان نماید ویا معلومات کاذب متعلق به جرم را با وجود علم به عدم صحت آن تقدیم نماید، به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

مادۀ سه صدو هفتادو پنجم:
شخصی‌که محکمه یا مامورین ضبط قضائی شهرت او را خواسته آن را به غلط ارائه نماید به حبس متوسطی‌که از سه سال بیشتر نباشد و جزای نقدی که از پانزده هزار افغانی تجاوز نکند یا به یکی ازین دو جزا محکوم می‌گردد.

دري سوه او شپږ اویایمه ماده:
۱- که څوک د قضاء یا د قضائي ضبط د مامورینو د تضلیل په قصد وثیقه یا جرمی شی چه محکمی یا د قضائي ضبط مامورینو ته وړاندي شوي اختلاس، پټ یا تلف کی په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم او نقدي جزاء چه دپنځه زرو افغانیو څخه زیاته نه وي محکومیږي.
۲- که د پورتنی فقری ددرج شوی جرم ارتکاب کوونکی د عمومی خدمتونو مؤظف وی په دې ترتیب چه ذکر شوی شیان ورته سپارل شوی وی یا د وظیفی دلحاظه ورسره په امانت ایښودل شوی وی په اوږده حبس چه داووه کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.

مادۀ سه صدو هفتادوششم:
۱- شخصی‌که به قصد تضلیل قضاء یا مامورین ضبط قضائی وثیقه یا شی جرمی را که به محکمه یا مامورین ضبط قضائی تقدیم شده اختلاس، پنهان یا تلف نماید به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر نباشد و جزای نقدی که از پنج هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.
۲- اگر مرتکب جرم مندرج فقرۀ فوق مؤظف خدمات عامه باشد به نحوی‌که اشیاء مذکور به او سپرده شده یا از لحاظ وظیفه نزدش به امانت گذاشته شده باشد به حبس طویلی‌که از هفت سال تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

شپږ ویشتم فصل
د دروغو اطلاع د حقیقت داظهار څخه ځان ژغورل

دري سوه او اووه اویایمه ماده:
که څوک په دروغو یوی قضائی یا اداری مرجع ته د یو جرم څخه اطلاع ورکی چه د هغی د نه واقع

فصل بیست وششم
اطلاع دروغ خود داری از اظهار حقیقت

مادۀ سه صدو هفتادو هفتم:
شخصی‌که به کذب یکی از مراجع قضائی یا اداری را از جرمی اطلاع بدهد که از عدم وقوع آن

کیدو څخه علم لری یا ذکر شوو مراجعو ته په بدنیت سره ددې چه د خپلې اطلاع په دروغو علم لري د یو شخص د جرم په ارتکاب اطلاع ورکی یا دواقعیت څخه خلاف د شخص د جرم په ارتکاب مادی دلیلونه خلق کی یا د یو شخص په ضد سره ددې چه د هغه په برائت علم لري د قانوني اجراآتو د نیولو سبب شي په لاندي توګه مجازات کیږي:

۱- که ددروغو اطلاع د جنایت په جرم کښې وې ارتکاب کوونکی په متوسط حبس چه له دري کلونو کم او نقدي جزاء چه د پنځلس زرو افغانیو څخه تجاوز ونه کی محکومیږي.

۲- که ددروغو اطلاع په جنحه یا قباحت کښې وي ارتکاب کوونکی په متوسط حبس چه ددری کلونو زیات نه وی او نقدی جزاء چه د پنځلس زرو افغانیو څخه تجاوز ونه کی یا ددې دواړو جزاګانو څخه په یوی محکومیږي.

علم داشته باشد یا مراجع مذکور را به سؤ نیت با وجود علم به کذب اطلاع خود به ارتکاب جرم یك شخص اطلاع دهد یا به ارتکاب جرم شخص خلاف واقع ادله مادی خلق نماید یا ضد یك شخص با وجود علم به برائت او سبب اتخاذ اجراآت قانونی گردد، حسب آتی مجازات می گردد:

۱- اگراطلاع دروغ در جرم جنایت باشد مرتکب به حبس متوسط که از سه سال کمتر و جزای نقدی که از پانزده هزار افغانی تجاوز نکند یا به یکی ازین دو جزا محکوم می‌گردد.

۲- اگر اطلاع دروغ در جنحه یا قباحت باشد مرتکب به حبس متوسط که از سه سال بیشتر وجزای نقدی که از پانزده هزار افغانی تجاوز نکند یا به یکی ازین دو جزا محکوم می‌گردد.

دري سوه او اته اویایمه ماده:
کـه څـوک سـره ددې چـه دواقعیـت څخه خلاف علم لري یوه قـضائي یـا اداري مرجع یا د عمومي خدمتونو یو مؤظف تـه پـه یـوي وسیلي د یـو لـوي مـصیبت، حـادثي یـا خطـر دواقع کیدو څخه اطلاع ورکـي پـه متوسط حبس چه ددوه کلونو زیات نـــه وي او نقـــدي جـــزاء چـــه د پـنځلس زرو افـغانیو څخـه تجـاوز ونـه کی محکومیـــږي.

مادۀ سه صدو هفتادوهشتم:
شخصی‌که با وجود علم به خلاف واقعیت یکی از مراجع قضائی، اداری یا یکی از مؤظفین خدمات عامه را به یکی از وسایل از وقوع مـصیبت بـزرگ، حادثـه یـا خطـر اطلاع بدهد به حبس متوسط که از دوسـال بیـشتر نباشـد وجـزای نقدی کـه از پـانزده هـزار افغـانی تجـاوز نکند یـا بـه یکی ازیـن دو جزا محکوم می‌گردد.

دري سوه او نهه اویایمه ماده:
که څوک په رسمي صفت د عمومي خدمتونو د یو مؤظف په اطلاع ور کولو په قـانوني توګه مکلف شوي وي او هغـه تـه دروغجنـه اطـلاع ورکی او هر بل شخص چه په رسمي صـفت د عمـــومي خـدمتونو یـــو مؤظف تـه پـه داسی شیانو اطلاع ورکي چه په دروغویي علم ولـري او د هغـي څخـه مقـصد دوجیبـو پـه خـلاف د وظیفـي پـه اجـراء کولـو مجبورول یـا ورڅخه منع کـول وي، پـــه دي ډول چـــه کـــه د عمـــومي خـــدمتونو مؤظـــف تـــه دواقعـــي حقیقت معلوم وای هغـه یـی پـه ښـه

مادۀ سه صدو هفتادو نهم:
شخـصی‌که بـه صـــفت رسـمی بـه اطـلاع یکـی از مـؤظفین خـدمات عامـه قانوناً مکلف شده بـاشد و بـــه او اطـــلاع دروغ بدهـــد و هـــر شخص دیگری‌که بـه صفت رسمی یکی از مؤظفین خدمات عامـه را بـــه اشـــیای اطـلاع دهـد کـه بـــه کـــذب آن علـم داشـــته باشـد و مقـصد از آن مجبـور سـاختن بـه اجـرای وظیـــفه یـا امتنـاع از آن بـــرخلاف و جـایـــب بـاشـــد، طـوری‌کـه اگـر حقیقـت واقـعه بـه مؤظـف خـدمات عامـه مـــعلوم می‌بود آنرا به نحو درسـت انجـام

توګه تر سره کولو، په لنډ حبس چه ددوه کلونو کمه نه وي او نقدي جزأ چه د شل زرو افغانیو څخه زیاته نه وي یا ددې دوارو جزأ ګانو څخه په یوي محکومیږي.

مـی‌داد، بـه حـبس متوسـط کـه از دوسال کمتر نباشد و جزای نـقدی کـه از بیـست هـزار افغـانی تجـاوز نکنـد یـا بـه یکـی ازیـن دو جـزا محکوم می‌گردد.

دري سوه او اتیایمه ماده:
که څوک قضائي یا اداري مراجعو ته په صدق او بي د بدنیتي څخه د داسـی عمـل پـه ارتکـاب اطـلاع ورکـی چـه فاعـل یـی دجـزأ مستوجب ګرځی نه مجازات کیږي.

مادۀ سه صدو هشتادم:
شخصی‌که مراجع قضائی یا اداری را بـه صـدق وبدون سوء نیت به ارتکاب عملی اطلاع بدهد کـه فاعل آن مستوجب جزا می‌گردد، مجازات نمی‌شود.

دري سوه او یو اتیایمه ماده:
۱- کـه څـوک قانونـاً د عمـومي خدمتونو یوه مؤظف ته د یوه کار یـا د معلومـو اموراتـو پـه اطـلاع ورکولـو مکلـف وي او د هغـی د اطلاع څخه په مطلوب کیفیت او په قـانون ټاکلي وخت کښې عمداً ځان وژغوري. د حالونو سره سم په متوسط حبس چه ددوه کلونو زیات نـه وي یـا نقـدي جـزأ چـه د څلیـر ویشتو زرو افغانیو څخه تجاوز ونه کي محکومیږي.
۲-د عمومي خدمتونو هر مؤظف چه د جرمونـو په کشف او د مجرم

مادۀ سه صدو هشتادویکم:
۱- شخصی‌که قانوناً به اطلاع یك امـر بـه یکـی از مـؤظفین خـدمات عامـه یـا بـه اطـلاع امـور معلـوم مکلف باشد و عـمداً از اطلاع آن بـه کیفیـت مطلـوب و در وقـت معـین قـانونی امتـناع ورزد. حسب احـوال به حبس متـوسـط کـه از دو سـال بیـشتر نباشـد یـا جزای نقدی کـه از بیـست وچهـار هزارافغانی تجاوز نکند محـکوم می‌گردد.
۲- هر مـؤظـف خـدمات عـامه کـه بـه کـشـف جـرایم وگرفتـاری

په نیولو مکلف شوی وی او د علم راوړلو څخه وروسته د ذکر شوو جرمونو په اطلاع کښې اهمال وکې، د پورتنی فقری په درج شوی جزأ محکومیږی. په دې شرط چه په ذکر شوی جرم کې ددعوی وړاندی کول د شرط پوری معلق نه وی یا مجرم د عمومی خدمتونو د مؤظف میړه، ښځه یا یو د اصولو یا فروعو څخه یا ورور یا خور یا د مصاهرت د محارمو څخه وي.

مجرم مؤظف گرڅیده ودر اطلاع جرایم مذکور بعد از علم اهمال ورزد به جزای مندرج فقره فوق محکوم می گردد. مشروط بر اینکه در جرم مذکور تقدیم دعوی معلق به شکایت نباشد یا مجرم زوج یا یکی از اصول یا فروع یا برادر یا خواهر یا از محارم مصاهرت مؤظف خدمات عامه باشد.

اووه ویشتم فصل
د دروغو شهادت

فصل بیست وهفتم
شهادت دروغ

دري سوه او دوه اتیایمه ماده:
که شاهد د محکمې په وړاندی یا د قضائي ضبط د مامورینو په نزد د قانوني قسم د اداء کولو څخه وروسته عمداً په باطلو اظهاراتو، د حق په انکار، د ټولو یا ځینو هغه واقعو په پټولو چه د هغی په باره کښې شهادت اداء کوي بوخت شي د هغه شهادت دروغ شمارل کیږي.

مادۀ سه صدو هشتادو دوم:
هرگاه شاهد بعد از ادای سوگند قانونی در پیشگاه محکمه یا نزد مامورین ضبط قضائی عمداً به اظهار باطل، انکار حق، پوشیدن تمام یا بعضی از وقایعی‌که در مورد آن شهادت اداء می‌نماید بپردازد، شهادت وی دروغ شمرده می‌شود.

دري سوه او دري اتیایمه ماده:
۱- که څوک په یو جرم کښې د تورن په گټه یا ضرر په دروغو

مادۀ سه صدو هشتادو سوم:
۱- شخصی‌که دریك جرم به نفع یا ضرر متهم به دروغ شهادت اداء

شهادت اداء کي، په متوسط حبس چـه ددوه کـلونو کـم او نـقـدي جـزأ چـه د څلیـر ویـشتو زرو افغانیو زیـاته نه وي محکومیږي.

۲- کـه تـورن ددروغـو د شـهادت پـه اثـر محکوم عـلیه شـوي وي شـاهد د هغـه جـرم پـه ټاکـلي جـزأ محکومیـږي چه په مـحکوم علیه صادره شـوي.

۳- که څوک په غیر جزائي دعوي کښې د محکمې یا دقضایي ضبط د مامورینو په نزد ددروغو شهادت اداء کـې پـه لنډ حـبس چـه ددری میاشتو کم او نقدي جزأ چه د لس زرو افغـانیو څخـه زیاتـه نـه وي محکومیږي.

نمایـد، بـه حـبس متوسـط کـه از دوسال کمتر نباشد و جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

۲- اگر در اثر شهادت دروغ متهم محکـوم علیـه قـرار گرفتـه باشـد شـاهد بـه جزای پیش بینـی شـدهٔ جرمی محکوم می‌گردد که بالای محکوم علیه صادر گردیده است.

۳- شخـصی‌کـه در دعـوی غیـر جزائی ویـا نـزد مامـورین ضبط قضائی شهادت دروغ اداء نماید، بـه حـبس قـصیری‌کـه از سـه مـاه کمتر نباشد و جزای نقدی که از ده هـزار افغـانی تجـاوز نـکند محکوم می‌گردد.

دري سوه او څلور اتیایمه ماده:

کـه څـوک ددروغـو شـهادت پـه منظور څه شی وغواړي یا د هغی بخـشش یـا وعـده واخلـی اویـایی قبوله کی، هغه او هغه شخص چه بخشش یا وعده یی ورکړي یـایی پـه هغـی کـښې وسـاطت کـړي د رشـوت یـا ددروغـو شـهادت پـه ټاکلي جزأ چه هـره یـوه ډیره شدیده وي محکومیږي.

مادهٔ سه صدو هشتادو چهارم:

شخـصی‌کـه بـه منظـور شـهادت دروغ چیـزی را طلـب نمایـد یـا بخـشش یـا وعـدهٔ آنـرا گیـرد ویـا قبـول نمایـد، او وشخـصی‌کـه بخشش یا وعده را داده ویا در آن وسـاطت نمـوده، بـه جـزای پیـش بینی شدهٔ جرم رشوت یا شـهادت دروغ هـر یـك کـه شـدیدتر باشـد محکوم می‌گردد.

دري سوه او پنځه اتیایمه ماده:
راتلونکی اشخاص عیناً ددروغو د شهادت په تاکلی جزأ محکومیږي:
۱- که څوک په اکراه، اغرأ یا په بله وسیله شاهد د شهادت په نه اداء کولو یا د دروغو په شهادت مجبور کی که څه هم خپل مقصد ته ونه رسیږي.
۲- که څوک د بخشش، وعدی یا فریب په اثر د شهادت د اداً کولو څخه ځان وژغوری.

مادهٔ سه صدو هشتادو پنجم:
اشخاص آتی به عین جزای پیش بینی شدهٔ شهادت دروغ محکوم می‌گردند:
۱- شخصی‌که به اکراه، اغرأ یا وسایل دیگر شاهد را به عدم ادای شهادت یا به ادای شهادت دروغ وادار نماید، گرچه به مقصد خود نرسد.
۲- شخصی‌که در اثر بخشش وعده یا فریب از ادای شهادت امتناع ورزد.

دري سوه او شپږ اتیایمه ماده:
راتلونکی اشخاص عیناً د دروغو د شهادت په تاکلی جزأ محکومیږي:
۱- که څوک د یوی محکمی یا د قضائي ضبط دیوه مامور له خوا دیوه ترجمان په صفت مکلف شي او حقیقت په هره توګه چه وي عمداً یي تغییر کي.
۲- که څوک د یوه سند په ترجمه کې چه د محکمي په نزد دحق د اثبات په باره کښې د هغی د استعمال امکان موجودوي تزویر وارد کی.

مادهٔ سه صدو هشتادو ششم:
اشخاص آتی به عین جزای پیش بینی شدهٔ شهادت دروغ محکوم می‌گردند:
۱- شخصی‌که از طرف یکی از محاکم یا مامورین ضبط قضائی به صفت اهل خبره یا ترجمان مکلف گردد و حقیقت را بهر طریقه که باشد عمداً تغییر دهد.
۲- شخصی‌که در ترجمه یکی از اسنادی‌که امکان استعمال آن در اثبات حق نزد محکمه موجود باشد تزویر وارد نماید.

۳- کـه څوک تزویـر شـوی تـصدیق سره ددې چه د هغی په تزویر علم لری په یوی قضائي دعوی کښې د استفادی په منظور صادر یا امضاء کـی پـه دې شـرط چـه ددې قـسم تـصدیق ورکـول او امـضاء قانونـاً مطلوبه وی.

۴- کـه څـوک سـره ددې چـه پـه تزویر علم لری پـه قـضائي دعـوی یـا تحـقیق کـښی تـصـدیق، اظهـار، ترجمـه، سـند، وثیـقه یـا نـور تـزویر شـوی شیان استعمـال کی.

۵- کـه څـوک د تحقیـق ددعـوي د جریـان پـه وخـت کـښې پـه دفتـر یـا دوسیـه یـا نـورو پـاڼو کـښې چـه د اثبـات د پـاره د هغـی استعمـال ممکن وی یو غیر صحیح شی درج کی، په دې توګه چه د هغی په اثر د محکمی سره خطا راي پیداشی او په حکم کی تاثیر وارد کی.

۳- شخصی‌که تصدیق تزویر شده را بـا وجـود علـم بـه تزویـر آن بـه منظـور اسـتفاده در یـك دعـوی قـضائی صـادر یـا امـضاء نمایـد مشروط بر این‌که اعطاء وامضاء چنـین تـصدیق قانونـاً مطـلوب بـاشد.

۴- شخـصی‌کـه بـا وجـود علـم بـه تزویـر بـه منظـور اثبـات در دعـوی قـضائی یـا تحقیـق، تـصدیق، اظهـار، ترجمـه، سـند، وثیقـه، یـا اشـیای دیگـر تزویـر شـده را استعـمال نماید.

۵- شخـصی‌کـه در اثنـای جریـان تحقیق یا دعوی در دفتر یا دوسیه یا در اوراق دیگری‌که جهت اثبات استعمال آن ممکن باشد چیز غیر صحیح را درج نماید، به نحوی‌که بـه اثـر آن نـزد محکمـه رأی خطـا پیـدا شـده و در حکـم تـاثیر وارد نماید.

دري سوه او اووه اتیایمه ماده:

راتلـونکی حـالونه مخففـه عذرونـه شمارل کیږي:

۱- ددعـوی پـه موضـوع کـښې د حکـم د صـادریدو تـر مخـه یـا پـه

مادۀ سه صدو هشتادو هفتم:

احـوال آتـی اعـذار مخففـه شـمرده می‌شود:

۱- رجـوع شاهـد از اظهـارات دروغ وبیـان حقیـقت قبـل از

تحقیق کښې د تحقیق د هیئت د قرار د صادریدو ترمخه ددروغجنو اظهاراتو څخه دشاهد رجوع.

۲- په هغه حالت کښې چه د حقیقت اظهار شاهد دلوی خطر سره مخامخ کی په داسی ډول چه د هغه په آزادي یا شرف صدمه وارده کی یا د هغی په اثر ښځه یی یا یي د اصولو یا د فروعو څخه یو یایي خور یائي ورور دخطر سره مخامخ شي.

صدور حکم در موضوع دعوی و یا در تحقیق قبل از صدور قرار هیئت تحقیق.

۲- اگر اظهار حقیقت شاهد را به خطر بزرگ مواجه گرداند طوری‌که به آزادی یا شرف او صدمه وارد کند یا به اثر آن زوجه، یا یکی از اصول یا فروع یا خواهر یا برادر او به خطر مواجه گردد.

دري سوه او اته اتیایمه ماده:

ددروغو د شهادت حکمونه په هغه شخص چه شهادت یي د شاهد په حیث لازم نه وی یا په هغه شخص چه قانوناً پري شهادت لازم دی د شهادت داداء کولو څخه ځان وژغوری نه تطبیقیږي.

مادۀ سه صدو هشتادو هشتم:

احکام شهادت دروغ بر شخصی‌که شهادت او به حیث شاهد لازم نیست یا بر شخصی‌که قانوناً بر او لازم است از ادای شهادت امتناع ورزد تطبیق نمی‌گردد.

اته ویشتم فصل
ناحقه قسم

فصل بیست وهشتم
قسم ناحق

دري سوه او نهه اتیایمه ماده:

۱- که په قضائي دعوي کښې ددعوي د خواو څخه یوه ته سوګند متوجه شي او په ناحقه قسم وکي په متوسط حبس چه ددوه کلو

مادۀ سه صدو هشتادو نهم:

۱- هر گاه در دعوی قضائی به یکی از طرفین دعوی سوگند متوجه گردد و به ناحق قسم کند به حبس متوسط که از دوسال

نو څخه کم نه وي محکومیږي.
۲- کـه څـوک ددروغـو د قـسم وروسته او د حکم د صادریدو څخه تر مخه ددعوي په موضوع کښی حقیقت تـه رجوع وکـي پـه جزأ نـه محکومیږي.

کمتر نباشد محکوم می‌گردد.
۲- شخـصی‌کـه بـعد از قـسم دروغ وقبـل از صـدور حکـم در موضـوع دعـوی بـه حقـیقت رجـوع نمایـد بـه جـزا محکـوم نمی‌گردد.

دري سوه او نوي یمه ماده:
که څوک د حقیقت د اظهار د پاره د قاضـي یـا د قـضائي ضـبط د مـامورینو لـه خوا وغوښتل شی او بی د شرعی او قانونی عذر څخه د قانونی قسم څخه ځان وژغوری په لـنډ حبـس چـه د شپـږ میاشتو زیات او نقـدي جزاء چه ددری زرو افغـانیو څخـه تجـاوز ونـه کـی محکومیږي.

مادۀ سه صدو نودم:
شخـصی‌کـه بـه منظـور اظهـار حقیقـت از طـرف قاضـی یـا مـامورین ضـبط قـضائی خواسـته شود وبدون عذر شـرعی و قانونی از قـسم قـانونی امتنـاع ورزد بـه حـبس قـصیری‌کـه از شـشماه بیـشتر وجـزای نقـدی کـه از سـه هـزار افغـانی تـجاوز نکنـد محکوم می‌گردد.

نهه ویشتم فصل
دمړو او قبرونو بی حرمتی

فصل بیست ونهم
بی حرمتی اموات وقبور

دری سوه او یو نوی یمه ماده:
راتلونکی اشخاص په لنډ حبس او نقدي جزاء چه د پنځه زرو افغـانیو څخه زیاته نه وي او یـا ددي دواړو جزأګانو څخه په یوي محکومیږي:
۱- څـوک چـه بـی د شـرعـی جواز څخه قبر یـا مقبره خرابـه یـا

مادۀ سه صدو نود ویکم:
اشـخاص آتـی بـه حبـس قـصیر و جـزای نقـدی کـه از پنجهـزار افغـانی تجـاوز نکند یـا بـه یکـی ازین دو جزا محـکوم می‌گردد:
۱- شخصی‌که بدون مجوز شرعی قبـر یـا مقبـره را خـراب یـا تلـف

تلف کی.

۲- که څوک عمداً د مړی د ټول جسد یا جزء سره یې بی حرمتی وکی یا د مړی کفن وباسي، که ذکر شوی فعل دمړی څخه دانتقام یا د هغه د تشهیرولو په منظور ارتکاب شوی وی په دې صورت کښې مرتکب په متوسط حبس چه ددري کلونو څخه زیات نه وي محکومیږي.

دري سوه او دوه نوی یمه ماده:

که څوک په علمی یا تعلیمي غرض دوارث د اجازی په غیر د مړی ټول جسد اخیستلو ته یایي جزء ته اقدام وکي په لنډ حبس چه د شپږ میاشتو زیات نه وي یا په نقدي جزأ چه د شپږ زره افغانیو تجاوز ونه کی محکومیږي.

دري سوه او دري نوي یمه ماده:

۱- که څوک عمداً په جنازه کې جار اوجنجال وکی یایې ښخول په شدت او تهدید معطل کی په لنډ حبس یا نقدي جزأ چه د دولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وي محکومیږي.

سازد.

۲- شخصی‌که عمداً به تمام یا جز از جسد مرده بی حرمتی نماید یا کفن میت را بکشد، اگر فعل مذکور به منظور انتقام یا تشهیر میت ارتکاب گردیده باشد در این صورت مرتکب به حبس متوسطی‌که از سه سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

مادۀ سه صدو نودودوم:

شخصی‌که به غرض علمی یا تعلیمی بدون اجازه وارث به گرفتن تمام یا جزء از جسد میت اقدام نماید، به حبس قصیری‌که از شش ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

مادۀ سه صدو نود وسوم:

۱- شخصی‌که عمداً در جنازه جار وجنجال بر پا نماید ویا تدفین آن را به شدت و تهدید معطل کند به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

۲- کـــه څـوک د حقیقـت پـه خـــلاف یـــو محـــل دمقبـــرې یـــامزار په حیث جوړ کی په لنډ حبس محکومیږي.

۲- شخـصی کـه خـلاف حقیقـت محلی را بـه حیث مقبـره یـا مـزار بـسازد بـه حـبس قـصیر محکـوم می گردد.

دوه یم باب
د افرادو په ضد جنایتونه او جنحې
لومړی فصل
عمدي قتل

دري سوه او څلور نوي یمه ماده:
کـه په عمدي قتل کښې قصاص پـه یـوه سـاقطوونکی سـبب یـا د شـــرطونو دنـه یوځـای کېـدو لـه امـــله ســاقط شـی ددې فـصل د حکمونـو سره سم په تعزیـري توګه مجازات کیږي.

مادۀ سه صدو نودو چهارم:
هرگـاه در قتـل عمـد قـصاص بـه یکـی از اسـباب مـسقطه یـا عـدم تـوافر شـرایط سـاقط یـا متعـذر گـردد، مرتکـب حـسب احـوال مطابق بـه احکام ایـن فـصل تعزیر را مجازات می گردد.

دري سوه او پنځه نوي یمه ماده:
د عمدی قتل ارتکاب کـوونکی په یوه راتلونکی حالت کښې په اعدام محکومیږي:
۱- په هغه حـالت کښې چه قتـل د پخـواني اصـرار او تـرصـد سره یـوه ځاي وي.
۲- که قـتل د زهر نـاکو بـي هوشـه کوونکو یا چـاودیـدونکـو مـوادو

مادۀ سه صدو نود وپنجم:
مـرتکـب قـــتل عـــمد در یکـی از حـالات آتی به اعـــدام محکوم می گردد:
۱- در حـالتـی کـه قـــتـل بـــا اصـــــرار قـبـــلی وتـــرصـــد تـوأم بـاشد.
۲- اگـر قـتل تـوسط استعمـال مـــواد سمـــی بـــی هـــوش

د استعمال په وسیله صورت موندلي وي.

۳- که قتل په ټیټه انګیزه یا د اجوری په مقابل کښې یا په وحشي توګه صورت موندلي وي.

۴- که مقتول د قاتل د اصولو څخه وي.

۵- که د قتل عمل د عمومي خدمتونو په مؤظف د وظیفي د اجراء کولو په وخت کښې یا د هغي په سبب صورت موندلي وي.

۶- که قاتل دیوه نفر څخه د زیاتو د قتل قصد لرلي وي او د یوه فعل په اثر د ټولو قتل صورت موندلی وی.

۷- که قتل د بل جنایت یا جنحي سره یو ځاي صورت موندلي وي.

۸- که قتل د بل جنایت یا جنحی د تمهید، اسانتیا، تنفیذ، قادرید لو د ارتکاب په منظور چه جزأ یي دیوه کال څخه کمه نه وي ټاکل شوي یادجزأ څخه دفراریا خلاصون په منظور صورت موندلي وي.

۹- که دعمدی قتل ارتکاب کوونکی په دوام لرونکی حبس محکوم وی او د حکم د تنفیذ دمودی په اوږدوکې دبل عمدی کننده یا منفجره صورت گرفته باشد.

۳- اگر قتل با انگیزه دنی یا در برابر اجرت ویا طور وحشیانه صورت گرفته باشد.

۴- اگر مقتول از اصول قاتل باشد.

۵- اگر عمل قتل بر مؤظف خدمات عامه در اثنای اجرای خدمت یا به سبب آن صورت گرفته باشد.

۶- اگر قاتل قصد قتل بیش از یك نفر را داشته و به اثر فعل واحد قتل همۀ آنها صورت گرفته باشد.

۷- اگر قتل توأم با جنایت یا جنحه دیگر صورت گرفته باشد.

۸- اگر قتل به منظور تمهید یا تسهیل یا تنفیذ و قادر شدن به ارتکاب جنایت یا جنحه که جزای آن از یکسال کمتر پیش بینی نشده باشد و یا به منظور فرار یا رهائی از جزا صورت گرفته باشد.

۹- اگر مرتکب قتل عمد محکوم علیه به حبس دوام باشد و در خلال مدت تنفیذ حکم مرتکب قتل عمد دیگر یا

قتل ارتکاب کوونکی یا په هغی کښی شروع کوونکي شي.

شـــــــروع در آن گردیـــــــده باشد.

دري سوه او شپږ نوي یمه ماده:

دعمدي قتل ارتکاب کوونکي په یوه راتلونکي حالت کښې دحالونو سره سم په دوام لرونکی حبس یا اعدام محکومیږي:

۱- په هغه حالت کـښې چـه قاتل دیوه شخص دقـتل قصد ولري او فعل یـي دیـوه نفـر څخه د زیاتو قتل ته منجر شي.

۲- په هـغه حـالت کې چه قاتل د مقتول جسد مثله کي.

۳- په هغه حـالت کښې چه مجرم ددې قـانون د (۳۹۵) مـادی د (۱، ۲) جزونو دمندرجو حـالونه په غیر د قتل ارتکاب کوونکی وګرځي.

مادۀ سه صدو نودوششم:

مـــرتکـب قـتل عـــمد در یـــکی از حـــالات آتـــی حســـب احـــوال بـــه حبـــس دوام یـــا اعـــدام محـــکوم مـــی گردد:

۱- در حالتی‌که قاتل قصد قتل شخـصی واحـد را داشـته باشد وفـعل او مـنجر به قتل بیش از یك نفر شده باشد.

۲- در حالی‌که قاتل جسد مقتول را مثله نماید.

۳- در حـالی‌کـه جانی در غیـر از حالـت مندرج اجزا (۱و۲) مندرج مـادۀ (۳۹۵) ایـن قانـون مرتکب قتل گـردد.

دري سوه او اووه نوي یمه ماده:

۱- که شخص بل څوک انتحار ته تحریک کی یا په یو قسم داقسامو د هغه په انتـحار کښې کمک وکي د حبس په جزأ چه داووه کلونو څخه زیاته نه وي محکومیږي.

۲- کـــه د تحریـک پـــه اثـــر پـــه انتحـــار کـــښې شـــروع شـــوي وي

مادۀ سه صدو نودو هفتم:

۱- شخـصی‌کـه دیگـری را بـه انتحار تحریك نماید و یا به نحوی از انحا در انتحار وی کمك نماید بـه جزای حبـس کـه از هفت سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

۲- اگر بـه اثـر تحریك شروع در انتحـار صـورت گرفتـه باشـد

تحریک کوونکی په لنډ حبس محکومیږي.
۳- په انتحار شروع کوونکی نه مجازات کیږي.

دري سوه او اته نوي یمه ماده:
که شخص د خپلي ښځي یا دیوي خپلي محرمي دناموس څخه ددفاع په اثر دزنا کولو په حالت کښې یایي وجود د بل چا سره په یوي بستره کښې مشاهده کي او في الحا ل دواړه یا یو د هغوی په قتل ورسوي یایي زخمي کي د قتل او زخم دجزأ څخه معاف مګر په تعزیري توګه دحالونو سره سم په حبس چه ددوه کلونو څخه زیات نه وي محکومیږي.

دوه یم فصل
وهل چه په مرګ منجر کیږي او د خطا قتل

دري سوه او نهه نوي یمه ماده:
۱- که څوک بی له دی چه دقتل قصد ولری په بل چا په وهلو، زخمی کولو، مضره موادو په ورکولو یا دهر نوع فعل په ارتکاب چه د قانون نه مخالف محرك به حبس قصیر محکوم می‌گردد.
۳- شروع کننده به انتحار مجازات نمی گردد.

مادۀ سه صدو نودو هشتم:
شخصی‌که باثر دفاع از ناموس زوجه یا یکی از محارم خود را در حالت تلبس به زنا یا وجود او را با شخصی غیر در یك بستر مشاهده وفی الحال هردو یا یکی از آنها را به قتل رسانده یا مجروح سازد از جزای قتل وجرح معاف اما تعزیراً حسب احوال به حبسی‌که از دوسال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

فصل دوم
ضرب منجر به موت و قتل خطاء

مادۀ سه صدو نودو نهم:
۱- شخصی‌که بدون داشتن قصد قتل علیه شخص دیگری با وارد نمودن ضرب، جرح یا دادن مواد مضره ویا با ارتکاب هر نوع فعل مخالف قانون عمداً تجاوز

وي تیـری وکـي پـه داسې توګه چـه فعـل یـي دمجنـي علیـه پـه مـرګ منـجر شـي د حـالونو سره سم پـه اوږده حبـس محـکومیـږي.

۲- کـه د پـورتنی فقری ددرج شـوو جرمونـو ارتکـاب د پخـوانی اصـرار سـره یـا د عمـومی خـدمتونو پـه مؤظف د وظیفی په اجراء کولو پـه وخت کې یـا یـي د هغـی پـه سـبب صورت موندلی وی یا مجنی علیـه د هغـه داصـولو څخـه وی ارتکـاب کـوونکی پـه دوام لرونکـی حـبس محکومیږي.

نماید به نحوی‌که فعل او منجر بـه مـرگ مجنـی علیـه گـردد حـسب احـوال بـه حـبس طویـل محکـوم می گردد.

۲- اگـــر ارتـــکاب جـــرایم مـندرج فقـرۀ فـوق به اصـرار قـبلی یا علیه مـؤظف خـدمات عـامه در اثـنای اجـرای وظـیفه یـــا بـــه ســـبب آن صـــورت گـرفـته بـاشد و یـا مجـنی عـــلیه از اصـــول وی بـــاشد مرتکـب بـه حبس دوام مـحکوم مـی گـردد.

څلور سوومه ماده:

۱- کـه څـوک د خطـا پـه اثـر چـه د اهمال، غفلت، بي احتیاطي، د بی مهارتی، د قـانون، مقرراتو، لایحو او امرونـو دنـه مراعـات کولـو څخـه يي نشأت کړی وی د بـل شـخص د قتـل ارتکـاب کـوونکی وګرځـی یـا بـی لـه عمـده د قتـل سـبب شـی پـه حبس تـر دری کلونـو او نقـدی جزأ چه د شپږ دیرش زرو افغـانیو څخـه زیاته نه وی یـا ددی دواړو جزأګانو څخه په یوی محکومیږي.

۲- که خطا دداسی اصولو د جسیم

مادۀ چهارصدم:

۱- شخـصی‌که بـاثر خطای ناشی از اهمال، غفـــلت، بی احتیـاطی عـدم مراعـات قـــانون ، مقـررات، لوایح و اوامر مرتکب قتـل شـخص دیگری گردد یا بـــدون عمد سبب قتـل شـود بـه حبس الـــی سه سـال وجزای نقدی ای‌که از ســـی وشـش هزار افغانی تـــجاوز نکند ویـا بـه یکی از این دو جـــزا محکوم می گـردد مگـر ایـن‌کـه قـانون طـــور دیـگری حکم کرده باشد.

۲- اگـــر خطـا در نتیجـه تخلف

تخلف په نتیجه کښې صورت ومومي چه وظیفی، کسب یا کار پری لازم کړی وی یا خطا د ارتکاب په وخت کښی د مخدره او نیشه یي موادو د استعمال څخه پیدا شوی وی یا د حادثی دواقع کیدو په وخت کښی د مجنی علیه د مرستی څخه سره ددې چه پری قدرت لری ځان وژغوری ارتکاب کوونکی په متوسط حبس چه ددوه کلونو کم نه وی او په نقدی جزأ چه د پنځوس زرو افغانیو زیاته نه وی محکومیږي.

۳- که د پورتنیو فقرو ددرج شوی فعل د ارتکاب په اثر د یو نفر څخه زیات مړه شی مرتکب په متوسط حبس چه ددری کلونو کم نه وی او په هغه صورت کښی چه د (۲) فقری د حالاتو څخه ورسره یویو ځای شی ارتکاب کوونکی په حبس چه داووه کلونو څخه کم نه وی محکومیږي.

جسیم از اصولی صورت بگیرد که وظیفه پیشه یا حرفه بر او لازم گردانیده ویا خطا در وقت ارتکاب ناشی از استعمال مواد مخدره یا مسکره باشد و یا هنگام وقوع حادثه از مساعدت با مجنی علیه با وجود قدرت به آن امتناع ورزد مرتکب به حبس متوسط که از دو سال کمتر و جزای نقدیی که از پنجاه هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

۳- اگر باثر ارتکاب فعل مندرج فقرات فوق بیش از یکنفر به قتل برسد مرتکب به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد ودر صورت یکجا شدن یکی از حالات مندرج فقرهٔ (۲) با آن مرتکب به حبسی که از هفت سال کمتر نباشد محکوم می‌گردد.

درېیم فصل
دمقتول د جسد پټول

څلور سوه او یوومه ماده:
کــه څوک سره ددې چــه په قتـل علم لری د مقتـول جسد بی لـه دې چـه صـلاحیت لرونکـی مقامونوتـه اطـلاع ورکـی او د قتـل د کـشف د حالت او د سببونو ترمخه هغـه پټ یا ښخ کی، په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم نه وی یا نقدی جزأ چه ددری زرو افغـانیو کمـه او ددولس زرو افغـــانیو زیاتـــه نـــه وی محکومیږي.

څلورم فصل
د جنین سقطیدل

څلور سوه او دوه یمه ماده:
که څـوک عــمداً د حــاملي ښځي جنین دوهلو یـا د هر نوع بل اذیت دلاري اســقاط کــی پــه اوږده حبس چه د اووه کلونو څـخه زیات نه وي محکومیږي.

فصل سوم
اخفای جسد مقتول

مادۀ چهار صدویکم :
شخصی‌که بـا وجـود علـم بـه قتـل جــسد مقتــول را بــدون اطــلاع مقامــات بــا صــلاحیت و قبــل از کــشف حالــت قتــل و اســباب آن پنهــان یــا دفــن نمایــد بــه حبــس قصیری‌که از سه مـاه کمتـر نباشـد یـا جزای نقـدی‌ایکـه از سـه هـزار افغــانی کمتــر و از دوازده هــزار افغــانی بیــشتر نباشــد محکــوم می‌گردد.

فصل چهارم
اسقاط جنین

مادۀ چهارصدو دوم:
شخصی‌که عمداً جنــین زن حامله را از طریــق ضــرب یــا هــر نــوع اذیــت دیگــر اســقاط نمــاید بـه حبــس طویــل کــه از هفــت ســال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

څلور سوه او دریمه ماده:

۱- که څوک ددوا په ورکولو یا د نورو وسیلو په استعمال د حاملی ښځی دجنین د سقط موجب وګرځی که څه هم د جنین اسقاط د حاملی ښځی په رضا صورت موندلی وی په متوسط حبس یا نقدی جزأ چه د دولس زرو افغانیو کمه او شپیتو زرو افغانیو څخه زیاته نه وي محکومیږي.

۲- که دوا په سهوه ورکول شوی وی ارتکاب کوونکی په لنډ حبس یا نقدی جزأ چه د دولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وی محکومیږي.

مادۀ چهارصدو سوم:

۱- شخصی که بواسطه دادن ادویه یا استعمال دیگر وسایل موجب سقط جنین زن حامله گردد اگر چه اسقاط جنین به رضای زن حامله صورت گرفته باشد به حبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

۲- اگر ادویه سهواً داده شده باشد مرتکب به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

څلور سوه او څلورمه ماده:

۱- که اسقاط کوونکی طبیب، جراح، دوا جوړوونکی یا قابله وی د ټاکل شوی جزأ په اکثری اندازی محکومیږي.

۲- که دپورتنیو اشخاصو اقدام د تداوی د لاری دمورد ژوند د خلاصون په منظور صورت موندلی وی ارتکاب کوونکی نه مجازات کیږي.

مادۀ چهارصدو چهارم:

۱- اگر اسقاط کننده طبیب، جراح، دواساز یا قابله باشد به حداکثر جزای پیش بینی شدۀ محکوم می گردد.

۲- اگر اقدام اشخاص مندرج فقرۀ فوق به منظور نجات دادن حیات مادر از طریق تداوی صورت گرفته باشد مرتکب مجازات نمی گردد.

څلور سوه او پنځمه ماده:
که ښځه سره ددې چه د عمل په عواقبو علم لری ددوا یا نورو وسیلو په استعمال راضی شی یا بل شخص ته د ذکر شوو وسیلو د استعمال اجازه ورکی او د هغی په اثر د جنین اسقاط محقق شی په لنډ حبس یا نقدی جزأ چه ددولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وی محکومیږي.

مادۀ چهارصدو پنجم:
زنی‌که با وجود علم به عواقب عمل عمداً با خوردن ادویه یا استعمال دیگر وسایل راضی شود و یا به شخص دیگری اجازۀ استعمال وسایل متذکره را بدهد وبه اثر آن اسقاط جنین تحقق یابد به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

څلور سوه او شپږمه ماده:
د جنین د اسقاط په جرم شروع د مجازات وړ نه ده.

مادۀ چهارصدو ششم:
شروع به جرم اسقاط جنین قابل مجازات نمی باشد.

پنځم فصل
وهل اوزخم

فصل پنجم
ضرب وجرح

څلور سوه او اوومه ماده:
۱- که یو شخص عمداً بل شخص په داسي ډول زخمي یا ووهی چه د پری کیدو یا نقصان یا ماتیدو یا د بدن د اعضاوو څخه د یوی عضوی د کاره ولیدو یا په دوام لرونکی معلولیت منجر یا د هغه د یوی حواس د فقدان موجب وګرځی د خساری په جبران علاوه په متوسط

مادۀ چهارصدو هفتم:
۱- شخصی‌که عمداً شخص دیگری را طوری مجروح یا مضروب نماید که موجب قطع یا نقصان یا شکستن یا از کار افتیدن عضوی از اعضای بدن یا منجر به معلولیت دایمی یا فقدان یکی از حواس او گردد علاوه بر جبران خساره به حبس

حبس چه ددری کلونو څخه کم نه وی محکومیږي.

۲- که دا عملونه د مجنی علیه د عقل په زوا ل منجر شی یا د پخوانی اصرار او ترصد سره یو ځای وی ارتکاب کوونکی د حالونو سره سم په اوږده حبس چه د لسو کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.

متوسط که از سه سال کمتر نباشد محکوم می‌گردد.

۲- اگر این اعمال منجر بزوال عقل مجنی علیه گردد و یا توأم با اصرار قبلی وترصد باشد مرتکب حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

څلور سوه او اتمه ماده:

۱- که زخم یا وهل د عضو د عطالت یا د کار څخه د شلو ورځو څخه زیات د بې وسي موجب وګرځی ارتکاب کوونکی د خساری په جبران علاوه په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم یا نقدی جزأ چه ددری زرو افغانیو کمه او ددولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وی محکومیږي.

۲- که ذکر شوی عمل د پخوانی اصرار او ترصد سره یو ځای وی ارتکاب کوونکی د تړاکل شوی جزأ په اکثره اندازه محکومیږي.

مادۀ چهارصدو هشتم:

۱- هرگاه جرح یا ضرب موجب، عطالت عضو یا عجز از کار برای مدت بیش از بیست روز گردد مرتکب علاوه بر جبران خساره به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

۲- اگر عمل مذکور با اصرار قبلی وترصد توأم باشد مرتکب بحد اکثر جزای پیش بینی شده محکوم می گردد.

څلور سوه او نهمه ماده:

۱- کـه وهـل یـا زخـم د عـضوی د معلولیت او عطالت موجب نه شی یا د کاره څخه د شلو ورځو څخه کـم د بـی وسـی موجـب وګرځـی ارتکـاب کـوونکی پـه لنډ حبـس چـی د شپږ میاشتو زیات نـه وی یـا نـقدی جزأ چی د شپـږ زرو افـغانیو څخـه تجـاوز و نـه کـی محکومیږی .

۲- که ذکر شوی عمل د پخوا نی اصرار او ترصـد سره یـو ځـای وی ارتکـاب کـوونکی د ټاکـل شـوی جزأ په اکثره اندازه محکومیږی.

مادۀ چهار صدو نهم:

۱- ضـرب یـا جرحیکـه موجب معلولیت و عطالت عضو نشده یا موجـب عجـز از کـار بـرای مـدت کمتـر از بیست روز گردد مرتکب به حبس قصیـریکـه از شـش ماه بیـشتر نبـاشـد یـا جـزای نقدیـیکـه از شـش هـزار افغـانی تجـاوز نکنـد محکـوم می گردد.

۲- اگـر عـمل مـذکور با اصرار قبلی وترصـد تـوأم بـاشـد مرتکب بحد اکثـر جزای پیـش بیـنی شده محکوم مـی گـردد.

څلور سوه اولسمه ماده:

که د پورتنیو موادو درج شوی وهل یا زخم د یو نفر څخه د زیاتو له خوا یا دوسلي په استعمال یا دوهلو او زخمی کولو په نورو آلو صورت ومومی ارتکاب کوونکی د ټاکل شوی جزأ په اکثره اندازه محکومیږي.

مادۀ چهارصدو دهم:

هـرگـاه ضرب یـا جـرح منـدرج مواد فـوق از طرف بیش از یکنفر یا به استـعمال سـلاح یـا دیگـر آلات ضـرب و جـرح صـورت گیـرد مرتکـب بـحداکثر جـزای پـیش بینـی شـده محکـوم مـی گـردد.

څلور سوه او یوولسمه ماده:

کـه یـو شـخص بـل چاتـه ضـرر ناکه مواد چه وژونکی نه وی ورکی چه د

مادۀ چهار صدو یازدهم:

شخـصیکه عمداً دیگری را مـواد ضرر نـاك غیـر کشنده بدهد کـه

هغــه ددوام لرونکــی معلولیــت، دعضوي د عطالت، یا د کاره څخه د هغی د ولیدلو یا د هغه د یوي حاسي د فقدان موجب وګرځی دخساری په جبران علاوه په متوسط حبس چه ددری کلونو څخه کم نه وی محکومیږي.

موجب معلولیت دایمی، عطالت عضو یا از کار افتیدن آن یا فقدان یکی از حواس او گردد علاوه بر جبران خساره به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد محکوم می‌گردد.

څلور سوه او دوولسمه ماده:
که یو شخص د یوی خطا په اثر چه د اهمال، بی احتیاطی او بی مهارتی څخه نشأت کړی وی بل شخص زخمی یا ووهی د خساری د جبران څخه علاوه په حبس چه ددری میاشتو کم او ددوه کلونو څخه زیات یا نقدی جزأ چه ددری زرو افغانیو کمه او د څلیر ویشتو زرو افغانیو څخه زیاته نه وی محکومیږي.

مادۀ چهار صدو دوازدهم:
شخصی‌که باثر خطای ناشی از اهمال، بی احتیاطی، عدم مهارت شخصی را مجروح یا مضروب نماید، علاوه به جبران خساره به حبس که از سه ماه کمتر واز دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدیی‌که از سه هزار افغانی کمتر واز بیست و چهار هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

څلور سوه او دیارلسمه ماده:
۱- که د مغلوبه جنګ په اثر قتل یا شدید زخم واقع شی هر یو شخص ته چه په جنګ کښی یی ګډون کړی وي په دې سبب چه په جنګ کښی یی ګډون کړی په متوسط حبس یا نقدی جزأ چه د

مادۀ چهار صدو سیزدهم:
۱- هرگاه به اثر جنگ مغلوبه قتل یا جرح شدید واقع گردد هر یك از اشخاصی‌که در جنگ اشتراك نموده به سبب اشتراك در جنگ به حبس متوسط یا جزای نقدی که از شصت هزار افغانی

شپیتو زرو افغانیو څخه زیاته نه وی محکومیږی مگر دا چه د هغه عدم مسئولیت ثابت شی.

۲- که د پورتنی فقری په درج شوی حالت کښی د جنګ د تحریک کوونکی د قتل یا زخم فاعل تشخیص کړای شی ارتکاب کوونکی د خساری په جبران علاوه د جرم په تاکلی جزأ محکومیږي.

تجاوز نکند محکوم می‌گردد مگر این‌که عدم مسؤلیت وی ثابت گردد.

۲- اگر در حالت مندرج فقرهٔ فوق محرك جنگ و فاعل قتل یا جرح تشخیص شده بتواند مرتکب علاوه بر جبران خساره به جزای پیش بینی شده اصل جرم محکوم می گردد.

شپږم فصل
غیر قانوني نیول او توقیف کول

فصل ششم
گرفتاری وتوقیف غیر قانونی

څلور سوه او څوارلسمه ماده:

که شخص په غیر قانوني تصریح شوو حالونو یا د صلاحیت لرونکو مقامونو دامر څخه غیر بل شخص ونیسي، توقیف یی کی یا یی د کار څخه منع کی، دحالونو سره سم په متوسط حبس محکومیږي.

مادهٔ چهارصدو چهاردهم:

شخصی‌که در غیر از احوال مصرحه قانونی یا بدون امر مقامات صلاحیتدار شخص دیگری را گرفتار، توقیف یا از کار منع نماید حسب احوال به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

څلور سوه او پنځلسمه ماده:

که نیول، توقیف او منع کول ددا سی شخص په وسیله تر سره شی چه رسمی لباس بی له دې چه حق یی ولری استعمال کی یا خپل ځان په دروغجن صفت متصف یا

مادهٔ چهارصدو پانزدهم:

هرگاه گرفتاری، توقیف وممانعت توسط شخصی انجام یابد که لباس رسمی را بدون داشتن حق استعمال نماید یا خود را به صفت کاذبه متصف سازد یا یك امر

یو جعلی امر ددولتی مقامونو دامر په عنوان خلکو ته ښکاره کی داحوالونو سره سم په اوږده حبس چه د لس کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.

جعلی را بعنوان امر مقامات دولتی برای مردم ارائه نماید حسب احوال بحبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

څلور سوه او شپاړسمه ماده:
که نیول، توقیف او منع کول په زور او اکراه یا د قتل په تهدید یا د بدنی اذیت د تهدید سره یو ځای وی یا دا چه ارتکاب کوونکی د دولتی مؤظفینو د جملی څخه وی ددې قانون د (۴۱۵) مادی د تاکل شوی جزأ په اکثری اندازی محکومیږي.

مادۀ چهارصدو شانزدهم:
هرگاه گرفتاری، توقیف وممانعت بجبر واکراه یا تهدید بقتل یا تهدید به اذیت بدنی توأم باشد یا این‌که مرتکب از جمله مؤظفین رسمی دولت باشد بحداکثر جزای پیش بینی شدۀ مادۀ (۴۱۵) این قانون محکوم می‌گردد.

څلور سوه او اووه لسمه ماده:
که شخص سره د علمه یو محل دیو انسان د غیر قانوني توقیف د پاره په عاریت ورکی په متوسط حبس چه ددری کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.

مادۀ چهارصدو هفدهم:
شخصی‌که با وجود علم محلی را برای توقیف غیر قانونی انسان به عاریت بدهد به حبس متوسط که از سه سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

اووم فصل
اختطاف

څلور سوه او اتلسمه ماده:
که یو شخص یو طفل چه داووه کلنی عمر یی نه وی پوره کړی یا نور اشخاص چه د خپل ځان په ساتنه قادر نه وی پخپله یا د بل شخص په وسیله اختطاف او یایی په کنډواله کښی خوشی کی په متوسط حبس چه ددری کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.

څلور سوه او نولسمه ماده:
ددې قانون د (۴۱۸) مادی ددرج شوی جرم په اثر د طفل یا شخص داعضاوو څخه یوه عضوه تلف یا معیوبه شی ارتکاب کوونکی د عمدی زخم په جزأ او که په مرګ منجر شی دعمدی قتل په تاکل شوی جزأ محکومیږي.

څلور سوه او شلمه ماده:
۱- که یو شخص یو طفل چه اتلس کلنی عمر یی نه وی پوره کړی پخپله یا د بل شخص په واسطه بی له حیلی او اکراه څخه

فصل هفتم
اختطاف

مادۀ چهار صدو هجدهم:
هرگاه شخصی طفلی را که سن هفت سالگی را تکمیل نکرده باشد یا اشخاص دیگری را که به حفاظت خود قادر نباشد خود یا توسط شخص دیگری اختطاف ویا به محل غیر مسکون رها کند، بحبس متوسط که از سه سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

مادۀ چهار صدو نزدهم:
هرگاه در اثر جرم مندرج مادۀ (۴۱۸) این قانون عضوی از اعضای طفل یا شخص تلف یا معیوب گردد مرتکب بجزای جرح عمدی واگر منجر بمرگ شود بجزای پیش بینی شدۀ قتل عمدی محکوم می گردد.

مادۀ چهارصدوبیستم:
۱- هرگاه شخصی طفلی را که سن هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد شخصاً یا توسط شخص دیگری بدون حیله واکراه اختطاف

اختطاف کـی پـه اوږده حبس چـه داووه کلونـو څخـه زیـات نـه وی محکومیږي.

۲- کـه اختطاف شوی طفل جلـی وی ارتکـاب کـوونکی پـه اوږده حبس چه د لسو کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.

نمایـد بحبس طویـل کـه از هفت سـال بیـشتر نبـاشد محـکوم می‌گردد.

۲- اگـر طـفل اختـطاف شـده دخـتر باشـد مـرتکب به حبـس طویـلی کـه از ده سـال بیـشتر نبـاشد محـکوم مـی‌گـردد.

څلور سوه او یوویشتمه ماده:

۱- که شخص طـفل چـه داتلـس کلنـی عمریـی نـه وی پـوره کـړی پخپلـه یـا د اکـراه سـره پخـپله یـا د بـل شـخـص پـه واسـطه اختـطاف کـی پـه اوږده حبـس محکومـیږي.

۲- کـه طفـل جلـی وی اختطـاف کوونکی دپورتنی فقری ددرج شوی جزأ په اکثره اندازه محکومیږي.

مادۀ چهارصدو بیست ویکم:

۱- هرگاه شخص طفلی را کـه سن (۱۸) سـالگی را تکمیـل نکـرده باشد باحیله و یـا اکراه شخصاً یا توسـط شخـصی دیگری اختطـاف نمایـد بـه حـبس طویـل محکـوم می‌گردد.

۲- اگر طفل اختطاف شده دختر باشـد مرتکـب بـه حـد اکثـر جـزای مندرج فقرۀ فوق محکوم می‌گردد.

څلور سوه او دوه ویشتمه ماده:

که یـو شـخص یـو سړی چه داتلس کلنی عمر یی پوره کړی وی پخپله یا د بل شخص په وسیله اختطاف کی په متوسط حبس ددری تر پنځو کلونو پوری محکومیږي.

مادۀ چهارصدو بیست ودوم:

هرگـاه شـخص مـردی را کـه سـن هجـده سـالگی را تکمیـل کـرده باشد خود یـا توسط شخص دیگر اختطاف نماید بحبس متوسط سه الی پنج سال محکوم می‌گردد.

څلور سوه او درویشتمه ماده:
کـه ددې قـانون د (۴۲۰ - ۴۲۱) مـادو درج شـوی عملونـه ددا سـی شـخص په وسیله ارتکاب شی چه مجنـی علیـه د هغـه د نفـوذ او اختیـار یـایي د تربیـي او سـاتنی لاندی واقع وی یا ذکر شوی جرم د مجنی علیه د مستخدم له خوا یـا د څو نفرو په مرسته صورت ومومی ارتکاب کوونکی په اوږده حبس چه دلـسو کلونـو څخـه کـم نـه وی محکومیږي.

مادۀ چهارصدوبیست وسوم:
هـرگاه اعـمال مندرج مـواد (۴۲۰ و۴۲۱) ایـــن قـــانون توســـط شخصی ارتکـاب شـود کـه مجنی علیه تحت نفوذ و اختیـار یـا تحت تربیـــت و نگهـــبانی او واقـــع بـاشـــد یـا جـرم فـوق از طـرف مـسـتخدم مجـنی عـلیه یـا بـه همکـاری چند نفر صورت گـیرد مرتکـب بـه حبـس طـویلی‌که از ده سـال کمـــتر نبـــاشد محکـوم می‌گردد.

څلور سوه او څلیر ویشتمه ماده:
کـــه شـــخص یـــوه ښـــځه چـــه د اتلس کلنی عمر یی پوره کړی وی پخپـل یـا د بـل شـخص پـه وسـیله اختطـــاف کـــی پـــه اوږده حـــبس محکـومیږي کـه اختطـاف شـوی مړوخـه ښـځه وي یـا د اختطـاف شوی ښځي سره نا مشروع فعل تر سره شي ارتکاب کوونکی د ټاکل شـوی جـزأ پـه اکثـری انـدازی محکومیږي.

مادۀ چهارصدو بیست وچهارم:
هرگاه شخص زنی را که سن هجده سالگی را تکمیل نموده شخصاً یا توسـط شـخص دیگـری اختطـاف نمایـد بـه حـبس طویـل محکـوم مـی‌گـردد. اگـر اختطـاف شـده زن شـــوهر دار باشـــد یـــا بـــا زن اختطاف شده فعل نامشروع اجـرا گـردد مرتکـب بـه حداکثر جـزای پیـــش بیـــنی شـــدۀ محکـــوم می‌گردد.

څلور سوه او پنځه ویشتمه ماده:
که شخص یوه ښځه چه د شپاړس کلنی عمریی تکمیل کړی وی دواده په منظور د هغی د اولیا وو د اوسیدلو د ځای څخه د ځان سره ویسي په هغه صورت کښې چه په رضا او رغبت د قانون سره سم د هغی سره واده وکی داعمل اختطاف نه شمارل کیږي.

مادهٔ چهارصدوبیست وپنجم:
هرگاه شخص زنی را که سن (۱۶) سالگی را تکمیل کرده باشد به منظور ازدواج از محل اقامت او لیایش با خود ببرد در صورتی‌که به رضا و رغبت قانوناً باوی عقد ازدواج نماید این عمل اختطاف شمرده نمی شود.

اتم فصل
زنا، لواطت او دناموس هتک

فصل هشتم
زنا، لواط، وهتك ناموس

څلور سوه او شپږ ویشتمه ماده:
که په جرم کښی د حد د تطبیق شرطونه موجود نه شی یا د شبهی یا د بل علت په وسیله حد ساقط شی ارتکاب کوونکی ددې فصل ددرج شوو حکمونو سره سم مجازات کیږي.

مادهٔ چهارصدو بیست وششم:
هرگاه در جرم زنا شرایط تطبیق جزای حد موجود نگردد یا به علت شبهه و یا یکی از اسباب دیگر حد ساقط گردد مرتکب مطابق به احکام مندرج این فصل مجازات می گردد.

څلور سوه او اووه ویشتمه ماده:
۱- که شخص دمؤنث سره زنا یا لواطت یا دنر سره لواطت وکی د حالونو سره سم په اوږده حبس محکومیږي.
۲- دپورتنی فقری فعل په یوه راتلونکی حالت کښې د مشدده

مادهٔ چهارصدو بیست وهفتم:
۱- شخصی‌که با مونث زنا یا لواط و یا با مذکر لواط نماید حسب احوال به حبس طویل محکوم می‌گردد.
۲- ارتکاب فعل مندرج فقرهٔ فوق در یکی از حالات آتی احوال

حالونو څخه شمارل کیږي:
۱- په هغه حالت کښې چه مجنی علیه اتلس کلنی عمر نه وی پوره کړی.
۲- په هغه حالت کښې چه ارتکاب کوونکی ددرېیمی درجی پوری د مجنی علیه دخپلوانو څخه وی.
۳- په هغه حالت کښې چه ارتکاب کوونکی د مجنی علیه تربیه کوونکی، ښوونکی، مستخدم یا په یو قسم د اقسامو په هغه نفوذ او اختیار ولری.
۴- په هغه حالت کښې چه مجنی علیه مړوخه ښځه وی.
۵- په هغه حالت کښې چه د مجنی علیها بکارت د فعل دارتکاب په سبب زایل شوی وی.
۶- په هغه حالت کښې چه دوه نفر یا دهغی څخه زیاتو په مجنی علیه د غلبی پیدا کولو د پاره یو تر بله سره مرسته کړی وی یا فعل یو د بل پسی مرتکب شوی وی.
۷- په هغه صورت کې چه مجنی علیه د فعل د ارتکاب په سبب په تناسلی مرض اخته شوی وی.
۸- په هغه حالت کښې چه مجنی علیها حامله شوی وی.*

مشدده شمرده مې شود:
۱- در حالتی‌که مجنی علیه سن هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد.
۲- در حالتی‌که مرتکب از اقارب مجنی علیه تا درجه سوم باشد.
۳- در حالتی‌که مرتکب مربی، معلم، مستخدم مجنی علیه یا به نحوی از انحا بالای وی نفوذ و اختیاری داشته باشد.
۴- در حالتی‌که مجنی علیه زن شوهر دار باشد.
۵- در حالتی‌که بکارت مجنی علیها به سبب ارتکاب فعل زایل شده باشد.
۶- در حالتی‌که دوشخص یا بیشتر از آن برای غلبه یافتن بر مجنی علیه معاونت کرده باشند یا فعل را یکی بعد دیگر مرتکب گردیده باشند.
۷- در حالی‌که مجنی علیه به سبب ارتکاب فعل به مرض تناسلی مصاب گردیده باشد.
۸- در حالی‌که مجنی علیها حامله گردیده باشد.*

* ماده ۴۲۷ تعدیل گردیده، در بخش تعدیلات مراجعه شود.

څلور سوه او اته ویشتمه ماده:
کـه ددې قـانون د (۴۲۷) مـادې د (۱) فقـرې درج شـوی فعـل دمجنـی علیـه مـرګ تـه منجـر شـی ارتکـاب کوونکی د حالونو سره سم په اوږده حبس یا اعدام محکومیږي.

مادۀ چهار صدو بیست وهشتم:
هـرګاه فعل مندرج فقرۀ (۱) مـادۀ (۴۲۷) ایـن قانون به مـرګ مجنی علیـه منجـر ګردد مرتکب حسب احـوال بـه حـبس دوام یـا اعـدام محکوم می ګردد.

څلور سوه او نهه ویشتمه ماده:
۱- که شخص په عنف یا تهدید یا حیلی د چـا په نـاموس عـام لـه دی چه مـذکر وی یا مونث تیـری وکـی او یـا پـری شـروع وکـی پـه اوږده حبس چه د اووه کلونـو څخه زیـات نه وی محکومیږي.
۲- کـه مجنـی علیـه د اتلس کلنـی عمـر تـه نـه وی رسیدلی یـا د جـرم ارتکـاب کـوونکی ددې قـانون د (۴۲۷) مـادی د (۲) فقـرې ددرج شوو اشخاصو د جملی څخه وی پـه اوږده حبس چـه دلـسو کلونـو څخـه زیات نه وی محکومیږي.

مادۀ چهارصدو بیست ونهم:
۱- شخصی‌که بـه عنف یـا تهدید یـا حیلـه بنـاموس شـخص اعـم از این‌که مذکر باشد یا مونث تجاوز نماید و یـا بـه آن شـروع نمـاید بـه حبس طویـل کـه از هفـت سـال بیشتر نباشد محکوم می‌ګردد.
۲- اګر مجنی علیـه بـه سـن هجده سـالګی نرسـیده باشـد یـا مرتکـب جـرم از جملـه اشـخاص منـدرج فقرۀ (۲) مـادۀ (۴۲۷) ایـن قـانون باشـد بـه حـبس طـویلی‌کـه از ده سـال تجـاوز نـکنـد محـکوم می‌ګردد.

نهم فصل
فسق او فجور ته تحریکول

فصل نهم
تحریك به فسق وفجور

څلور سوه او دیرشمه ماده:
۱- کـه شخص مذکر یا مـؤنث چه د اتلس کلنی عمـر یی نـه وی پـوره

مادۀ چهارصدو سی ام:
۱- شخصی‌که مذکر یـا مـونثی را کـه سـن هجـده سـالګی را تکمیـل

کړی فجور یا دفسق اتخاذ ته د کسب په حیث تحریک کی یا په دی باره کښی هغوی ته آسانتیاوی برابری کی په متوسط حبس چه ددری کلونو څخه کم نه وی محکومیږي.

۲- که ارتکاب کوونکی ددې قانون د (۴۲۷) مادی د (۲) فقری ددرج شوو اشخاصو د جملی څخه وی یا د خپل عمل د اجراء کولو څخه لاس ته د ګټې راوړلو قصد ولری په اوږده حبس چه دلسو کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.

ننموده به فجور یا اتخاذ فسق بحیث حرفه تحریك نماید ویا در این مورد تسهیلاتی برای آنها فراهم سازد بحبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد محکوم می‌گردد.

۲- اگر مرتکب از جمله اشخاص مندرج فقرهٔ (۲) مادهٔ (۴۲۷) این قانون باشد و یا از اجرای عمل خود قصد بدست آوردن منفعت را داشته باشد به حبس طویل که از ده سال تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

لسم فصل
د اوسیدلو ځای او د نورو مسلک د حرمت هتک

فصل دهم
هتك حرمت مسکن و مسلك غیر

څلور سوه او یو دیرشمه ماده:

۱- راتلونکی اشخاص په لنډ حبس او نقدی جزأ چه دپنځه زرو افغانیو څخه زیاته نه وی یا ددې دوارو جزأګانو څخه په یوی محکومیږي:

۱- که شخص د اوسیدلو یا د اوسیدو د پاره تیار محل ته یا د هغی یوی الحاقیی ته د هغی د

مادهٔ چهارصدو سی ویکم:

۱- اشخاص آتی به حبس قصیر وجزای نقدی که از پنج هزار افغانی تجاوز نکند یا به یکی ازین دو جزا محکوم می گردند:

۱- شخصی‌که به محل مسکون یا آماده سکونت ویا به یکی از ملحقات آن بدون

خاوند د رضا څخه په غیر یا بی د قانونی جواز څخه داخل شی.

۲- کـه شـخص د پـورتنی جـزء پـه درج شـوو محلونـو کـښې پـه پـټ شوی حالت پیدا شی.

۳- که شخص ددې فقری د(۱) جزء درج شوو محلونو ته په مشروع ډول داخل شی د حق د خاونـد د ارادی په خلاف هلته پاتی شی.

۲- کـه د پټیدو د ځای د داخلیدو یا په هغی کښی د پاتی کیدو څخه قصد د محل د خاوند دقوی په زور د حیازت منع کیدل یا هغی کښی د جـرم ارتکـاب وی ارتکـاب کوونکی په متوسط حبس چه د دوه کلونـو څخـه زیـات نـه وی او نقـدی جـزأ چـه د لـس زرو افغـانیو څخـه تجـاوز ونـه کـی یـا ددې دواړو جزأګانو څخه په یوی محکومیږي.

۳- کـه د پـورتنی فقـری درج شـوی جرم د لمر لویدو او لمر ختـو ترمنځ یـا د ماتیـدو یـا د پورتـه کیـدو پـه وسـیله یـا دیـو شـخص څخـه چـه ظاهری یا پټه وسله یی حمل کړی وي یا ددوه نفرو یـا د هغی څخه د زیـاتو لـه خـوا یـا د هغـه شخص لـه خـوا چـه د عمـومی خـدمتونو د رضـای صـاحب آن یـا بـدون مجوز قانون داخل شود.

۲- شخـصـی‌کـه در محـلات منـدرج جـزء فـوق در حـالت پنـهان شده یافت شود.

۳- شخصی‌که در محلات مندرج جزء (۱) ایـن فقره بـه وجـه مشروع داخـل شـود وعلـی الـرغم اراده صاحب حق در آن جا باقی بماند.

۲- اگـر قصداز دخـول بـه محل اختـفـا یـا بقـا در آن منـع حیـازت صـاحب مـحل بوسیله قـوت یـا ارتکـاب جـرم در آن باشـد ، مـرتکب بـه حـبس متـوسـط ای‌که از دوسـال بیشـتر نبـاشـد و جزای نـقدی کـه از ده هـزار افـغانی تجـاوز نکنـد یا به یـکی ازیـن دو جزا محـکوم مـی گردد.

۳- اگـر جرم مندرج فقرۀ فوق در بیـن غـروب و طلوع آفتاب یا توسـط شکـستاندن یـا بـالا شدن یا از شـخصی‌که سـلاح ظـاهری یـا پنهـان را حـمل نمـوده یـا از طـرف دو نفـر یـا بیـشتر از آن یـا از شخـصی‌کـه صفت مـؤظف خـدمات عامـه را

مؤظف صفت يي ځان ته نيولی وی يا د عمومی خدمتونو د مؤظف ادعا وکی يا خپل ځان په دروغجن صفت متصف کی ارتکاب کوونکی په متوسط حبس چه ددوه کلونو څخه زيات نه وی محکوميږي.

به خود گرفته یا ادعای ادای خدمت عامه را بنماید و یا خود را به صفت کاذبه متصف بسازد واقع گردد، مرتکب به حبس متوسط که از دوسال کمتر نباشد محکوم می‌گردد.

څلور سوه او دوه دیرشمه ماده:

۱-که ددې قانون (۴۳۱) مادې ددرج شوی جرم د مال د ساتلو په مختص ځای کښی او په عقار کښی غیر له هغی څخه چه په دې فصل کښې ذکر شوی ارتکاب شي، ارتکاب کوونکی په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم نه وی یا نقدی جزأ چه ددري زرو افغانیو کمه او ددولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وي محکوميږي.

۲- که د پورتنی فقری جرم کم تر کمه دوه نفره چه د هغوی څخه یوه ظاهری یا پټه وسله حمل کړی وي یا ددوه نفرو څخه زیات ارتکاب کوونکی شی، په متوسط حبس چه ددوه کلونو څخه زیات نه وی یا نقدی جزأ چه دلس زرو افغانیو څخه تجاوز ونه کی یا د دې دوارو

مادۀ چهارصدو سی ودوم:

۱- اگر جرم مندرج مادۀ (۴۳۱) این قانون در محل مختص به حفظ مال ودر عقار غیر از آنچه در این فصل ذکر شده ارتکاب گردد، مرتکب به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر واز دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

۲- اگر جرم مندرج فقرۀ فوق را اقلاً دو نفر که یکی از آن سلاح ظاهری یا پنهان حمل نموده باشد یا بیش از دو نفر مرتکب گردند. به حبس متوسط ای‌که از دوسال بیشتر نباشد و جزای نقدی که از ده هزار افغانی تجاوز نکند یا به یکی

جزأګانو څخه په یوی محکومیږي.

ازین دو جزا محکوم می‌گردند.

یوولسم فصل
تهدید

څلور سوه او دري دیرشمه ماده:

۱- که شخص بل څوک د جنایت په ارتکاب پخپله د هغه د نفس یا مال په ضد یا د بل د نفس یا مال په ضد په لیکلي توګه تهدید کی یا تهدید د شرف د مخلو امورو یا د هغی دافشا کولو په استناد وی، په اوږده حبس چه د اووه کلونو څخه زیات نه وي محکومیږي. په دې شرط چه تهدید د یوشي د غوښتنی یا د یو فعل په مکلف کولو یا د هغی څخه د ځان ژغورلو سره یو ځای نه وی.

۲- که تهدید د مرسل د نوم څخه د خالی لیک په وسیله وي یا د هغی صادریدل یو پټ موجود یا موهوم جمعیت ته منسوب وي د پورتنی فقری په عین درج شوی جزأ محکومیږي.

فصل یازدهم
تهدید

مادۀ چهارصدو سی وسوم:

۱- شخصی‌که دیگری را به ارتکاب جنایت علیه نفس یا مال خود او یا علیه نفس یا مال غیر کتباً تهدید نماید یا تهدید به استناد امور مخل شرف با افشای آن باشد، به حبس طویلیکه از هفت سال تجاوزنکند محکوم می گردد. مشروط بر اینکه تهدید توأم با مطالبه یک شی طلب یا به مکلف ساختن یک فعل یا به امتناع از آن باشد.

۲- اگر تهدید توسط مکتوب خالی از اسم مرسل باشد یا صدور آن منسوب بیک جمعیت سری موجود یا موهوم باشد به عین جزای مندرج فقرۀ فوق محکوم می گردد.

څلور سوه او څلور دیرشمه ماده:
که شخص بل څوک د جنایت په ارتکاب پخپله د هغه د نفس یا مال په ضد یا د بل د نفس یا مال په ضد یا د شرف د مخلو امورو یا حیثیت یا د هغی د افشا کولو په استناد په غیر ددې قانون د (۴۳۳) مادی د حالونو څخه تهدید کی په متوسط حبس محکومیږي.

مادهٔ چهارصدو سی وچهارم:
شخصی‌که دیگری را به ارتکاب جنایت علیه نفس یا مال خود او یا علیه نفس یا مال غیر یا به استناد امور مخل شرف یا حیثیت یا افشای آن در غیر از حالات مندرج ماده (۴۳۳) این قانون تهدید نماید به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

څلور سوه او پنځه دیرشمه ماده:
که شخص بل چاته پخپل قول یا فعل یا دبل شخص په وسیله په غیر ددې قانون د (۴۳۳ او ۴۳۴) مادو د مندرجو حالونو څخه تهدید کی، په لنډ حبس یا نقدي جزاء چه د دولس زرو افغانیو زیاته نه وي محکومیږي.

مادهٔ چهارصدو سی و پنجم:
شخصی‌که دیگری را به قول یا فعل خود یا توسط شخص دیگری در غیر از حالات مندرج مواد (۴۳۳) و (۴۳۴) این قانون تهدید نماید، به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

دوولسم فصل
قذف

فصل دوازدهم
قذف

څلور سوه او شپږ دیرشمه ماده:
۱- قذف دیوي معیني واقعي په علني وسیله غیر ته د نسبت ورکولو څخه عبارت دی په داسي

مادهٔ چهارصدو سی وششم:
۱- قذف عبارت است از نسبت دادن واقعه معینه بغیر توسط یکی از وسایل علنی، به نحوی‌که

ډول کـه يـي حقيقـت لـرل نـو هغـه څوک چه ورته د تور نسبت شوي يـا بـه په جزأ محکوم شوی وای يـا بـه دخلکو په منځ کښی سپک وای.

۲- کـه د قـذف په جرم کښې دحد داقامه کولو شرطونه موجود نه شي يا د شبهي په علت يا په يـو قسم د اقـسامو د قـذف محکـوم بهـا حـد سـاقط شـي ارتکـاب کـوونکي، پـه متوسط حبس چه ددوه کلونـو څخه زيات نه وي او نقدي جزأ چه د لس زره افغـــانيو کمـــه او دشـــل زرو افغـانيو څخه زياتـه نـه وي يـا ددې دوارو جزاءګـانو څخـه پـه يـوي محکوميږي.

څلور سوه او اووه ديرشمه ماده:

کـه قـذف د زنـا يـا د نـسب د نفـي کولـو څخه غيـر په بـل تـور وي پـه داسـي توګـه چـه قـذف کـوونکی مقـذوف تـه دداسـي شـيانو نـسبت وکي چه که يي حقيقت لرلي يـا بـه پـه قـانوني حکـم د جزاء مـستوجب کيـده او يـا بـه د خلکـو منځ کـښی سپک شی، ارتکـاب کـوونکی ددې قـانون د (۳۸۴) مـادې پـه تـاکلی جزاء محکوميږي.

اگـر صـدق مـی‌داشـت شخـصی‌کـه تهمـت بـه او نـسبت داده شـــده بـه جزا محکوم مـی‌گردیـد يـا بـه نـزد مردم تحقیر می‌شد.

۲- اگـر در جـرم قـذف شـرایط اقامه حد جمع نگردد و يا بـه علت شـبهه و يـا بـه نحـوی از انحـا حـد محکوم بهای قذف سـاقط گـردد، مرتکـب بـه حبـــس متوسط کـه از دوســـال بيـــشتر نباشـــد و بـــه جـزای نقـــدی کـــه از ده هـــزار افغـــانی کمتـر واز بيـسـت هـزار افغانی مـتجـاوز نبـاشد و يـا بـه يکـــی ازيـــن دو جـزا محـــکوم مـــی‌گردد.

مادۀ چهارصدو سی وهفتم:

اگـــر قـــذف بـــه اتهـام غيـر از زنـا يـا نـــفی نـسب بـــاشد طوری‌که قـاذف بـه مقذوف نسبت امـــوری را کنـد کـه اگـر حقيقـت ميـــداشت يـا بحکـم قـانونی مستوجب جزا می گرديد يـا نـزد مـردم حقـــير می‌شـد، مرتکـب به جزای پيـش بيـنی شدۀ مـادۀ (۳۸۴) ايـــن قـــانون محکـــوم می‌گردد.

څلور سوه او اته دیرشمه ماده:
که قذف کوونکی د فعل یا واقعی صحت چه مقذوف ته یې نسبت ورکړی اثبات کی په هېڅ نوع جزاء نه محکومیږي.

مادۀ چهارصدو سی وهشتم:
هرگاه قاذف صحت فعل یا واقعۀ را که به مقذوف نسبت داده به اثبات برساند به هیچ نوع جزا محکوم نمی‌گردد.

څلور سوه او نهه دیرشمه ماده:
که مقذوف تر مخه په داسې جرم محکوم شوی وی چه قذف کوونکی په هغی مقذوف ته قذف ویلی وی ذکر شوی قذف کوونکی په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم نه وی یا نقدی جزاء چه د دری زرو افغانیوکمه او ددولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وي محکومیږي.

مادۀ چهارصدو سی ونهم:
اگر مقذوف قبلاً به جرمی محکوم شده باشد که قاذف به آن مقذوف را قذف کرده، قاذف مذکور به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

څلور سوه او څلوینتمه ماده:
د قذف په جرم کښی هېڅ نوع تحقیق، تعقیب او د دعوی اقامه صورت نه شي نیولي مګر د مقذوف د شکایت په اساس.

مادۀ چهارصدو چهلم:
در جرم قذف هیچ نوع تحقیق، تعقیب اقامه دعوی صورت گرفته نمی‌تواند مگر به اساس شکایت مقذوف.

دیارلسم فصل
ښکنځل

څلور سوه او یو څلویښتمه ماده:
ښکنځل بل چاته د یو شي د نسبت ورکولو څخه عبارت دی په داسی توګه چه د هغی په اثر د شخص اعتبار یا حیثیت جریحه دار شی که څه هم یوی معیني واقعي ته داستناد متضمن نه وی.

څلور سوه او دوه څلویښتمه ماده:
که ښکنځل یوی معینی واقعی ته په استناد کولو مشتمل نه وی بلکه په یو قسم د اقسامو د شخص اعتبار یا حیثیت جریحه دار کی، په هغه صورت کښې چه ښکنځلو په یوی علنی وسیلی تحقق موندلی وی ارتکاب کوونکی په لنډ حبس چه د دری میاشتو کم نه وی یا نقدی جزاء چه ددری زرو افغانیو کمه او ددولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وي محکومیږي.

څلور سوه او دری څلویښتمه ماده:
که ښکنځلو په علنی وسیلو

فصل سیزدهم
دشنام

مادۀ چهارصدو چهل ویکم:
دشنام عبارت است از نسبت دادن چیزی به غیر که به اثر آن اعتبار یا حیثیت شخص جریحه‌دار گردد، گرچه متضمن استناد به یك واقعه معینه نباشد.

مادۀ چهارصدو چهل ودوم:
اگر دشنام مشتمل به استناد واقعه معینه نباشد بلکه به نحوی از انحا اعتبار یا حیثیت شخص را جریحه دار نماید، در صورتی‌که دشنام به یکی از وسایل علنی تحقق یافته باشد مرتکب به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر واز دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

مادۀ چهارصدو چهل وسوم:
اگر دشنام بوسایل علنی صورت

صـورت نـه وی نیـولی بلکـه د تیلفـون، د لیـک داسـتولو یـا د بـل شـخص پـه وسیله ابـلاغ شـوی وی، مرتکـب د حـبس پـه جـزأ چـه ددری میاشـتو کمـه او د شپـږو میـاشتو زیاته نه وي یا نقـدي جزأ چه ددري زرو افغـانیو کمـه او د شـپږو زرو افغـانیو څخـه تجـاوز ونـه کـی محکومیږي.

نگرفته باشد بلکه توسط تیلفون، ارسال مکتوب و یا توسط شخص دیگـری ابـلاغ گردیـده باشـد ، مرتکب به جزای حبسی‌که از سه مـاه کمتـر و از شـش مـاه بیـشتر نباشـد یـا جزای نقـدی کـه از سـه هزار افغانی کمتر و از شش هـزار افغـانی تجـاوز نکنـد محکـوم می‌گردد.

څلور سوه او څلور څلویښتمه ماده:
۱- که د جګړې والو خواوو څخه یوه پـه محکمـو یـا د تحقیـق پـه وخـت کښې په دومره اندازه چه دفاعیـه یـي ایجـاب کـوی بـل تـه ښکنځل وکی په جزأ نه محکومیږي.
۲- که په یو شخص د بل شخص له خوا تیری وشي او دغـضب د فـوران په وخت کښې هغه ته ښکنځل وکی په جزأ نه محکومیږي.

مادۀ چهارصدو چهل وچهارم:
۱- اگـــر یکـــی از خـــصوم در محـاکم یـا در اثنـای تحـقیق بـه قدریکه دفـاعیه ایـجـاب می‌کنـد به دیگری دشـنام بدهـد محـکوم بـه جزا نمی‌گردد.
۲- اگـر شـخص مـورد تعـدی شـخص دیگـری واقـع گـردد ودر اثنـای فـوران غـضب بـه وی دشنام دهد محکوم به جزا نمی گردد.

څوارلسم فصل
د اشخاصو درازونو افشاء کول

فصل چهاردهم
افشای اسرار اشخاص

څلور سوه او پنځه څلویښتمه ماده:
۱- هر شخص چه دوظیفی پـه حکم کسب، کار، صنعت، فـن یـا دخپـل

مادۀ چهار صدو چهل وپنج:
۱- هر شخصی‌که به حکم وظیفـه، کسب، پیشه، صنعت، فـن ویـا بـه

کار د طبیعت له لحاظه درازونو څخه په یوه راز علم حاصل کی او هغه د قانوني تصریح شوو حالو څخه په غیر افشا کي، یا هغه پخپله ګټه یا د بل شخص په ګټه استعمال کي په متوسط حبس چه ددوه کلو څخه زیات نه وي یا نقدي جزاء چه د څلیر ویشتو زرو افغانیو څخه زیاته نه وي محکومیږي.

۲- که د مصلحت خاوند دراز په افشاء کولو اجازه ورکړه یا دراز دافشاء کولو څخه مقصود د جنایت یا جنحی څخه اخبار یا د هغی د ارتکاب منع کول وی ارتکاب کوونکی په جزأ نه محکومیږي.

لحاظ طبیعت کار خود بیك سری از اسرار علم حاصل نماید وآن را در غیر از حالات مصرحه قانون افشاء نماید ویا آن را به منفعت خود یا منفعت شخص دیگر استعمال کند، به حبس متوسط ایکه از دوسال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

۲- اگر صاحب مصلحت به افشای سر اجازه داد و یا مقصود از افشای سر اخبار از جنایت یا جنحه و یا منع ارتکاب آن باشد مرتکب به جزا محکوم نمی گردد.

څلور سوه او شپږ څلویښتمه ماده:

راتلونکی اشخاص په لنډ حبس یا نقدی جزاء چه ددولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وي محکومیږي:

۱- هغه شخص چه په یوی علنی وسیلی خبرونه، تصویرونه یا لوحی چه دافرادو د فامیلی او کورنی ژوند درازونو پوری مربوط

مادۀ چهارصدو چهل وششم:

اشخاص آتی به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردند:

۱- شخصی‌که به یکی از وسایل علنی، اخبار، تصاویر یا لوحه ها را که به اسرار زندگانی فامیلی یا عایلوی افراد ارتباط داشته باشد

وي افشاء کي که څه هم حقیقت ولري.
۲- هغه شخص چه په تیلفون کې یا د لیږل شوی لیک په وسیله په رازونو علم حاصل کی او د ضرر په قصد هغه افشاء کي.

افشاء نماید گرچه حقیقت داشته باشد.
۲- شخصی‌که در تیلفون یا توسط مکتوب ارسالی به اسرار علم حاصل نماید و به قصد ضرر آن را افشاء نماید.

پنځه لسم فصل
دلاړې وهل

څلور سوه او اووه څلویښتمه ماده:
۱- که څوک د مغالبی د لاری د مال داخیستلو په قصد په عمومی لار کې یا په بل هر محجور ځاې کښی دوسلی سره یا دداسی آلي سره چه دوسلی سره مشابه وی ځای ونیسي، او د یوه راتلونکی فعل، ارتکاب کوونکی شی لار وهونکی شمارل کیږي:
۱- دلار وي ویرول.
۲- دتهدید یا اکراه سره د غیر مال اخیستل.
۳- دانسان قتل.
۴- دانسان د قتل او د غیر د مال اخیستل.
۲- که دلار وهنی په جرم کښې د حد داقامه کیدو شرطونه پوره نه

فصل پانزدهم
راهزنی

ماده چهار صدو چهل وهفتم:
۱- شخصی‌که به قصد گرفتن مال از طریق مغالبه در راه عام ویا در هر جای محجور دیگر با سلاح یا آلۀ که مشابه سلاح باشد موضع گرفته ومرتکب یکی از افعال آتی گردد راهزن شمرده می‌شود:
۱- تخویف عابرین.
۲- گرفتن مال غیر با تهدید یا اکراه.
۳- قتل انسان.
۴- قتل انسان وگرفتن مال غیر.
۲- اگر در جرم راهزنی شرایط اقامه حد تکمیل نگردد

شی یا په یو قسم د اقسامو د حد محکوم بها جزاء ساقط شی ارتکاب کوونکی ددې فصل ددرج شوو حکمونو سره سم په تعزیري توګه مجازات کیږي.

ویا به نحوی از انحاء جزای محکوم بهای حد ساقط شود مرتکب مطابق به احکام مندرج این فصل تعزیراً مجازات می‌گردد.

څلور سوه او اته څلویښتمه ماده:
په هغه قتل کښې چه دلاز وهونکی په وسیله کیږي عمدی والی شرط نه دی.

مادۀ چهارصدو چهل وهشتم:
در قتلی که توسط راهزن صورت می‌گیرد عمدیت شرط نیست.

څلور سوه او نهه څلویښتمه ماده:
لار وهونکی قاتل په اعدام محکومیږي.

مادۀ چهارصدوچهل ونهم:
رهزن قاتل به اعدام محکوم می‌گردد.

څلور سوه او پنځوسمه ماده:
لار وهونکی چه لاروی وویروی په متوسط حبس چه ددری کلونو څخه کم نه وی محکومیږي.

مادۀ چهارصدو پنجاهم:
راهزنی‌که عابرین را تخویف نماید به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد محکوم می‌گردد.

څلور سوه او یو پنځوسمه ماده:
لار وهونکی چه دغیر مال اخیستی وی په اوږده حبس محکومیږي.

مادۀ چهارصدوپنجاه ویکم:
راهزنیکه مال غیر را گرفته باشد به حبس طویل محکوم می‌گردد.

څلور سوه او دوه پنځوسمه ماده:
لار وهونکی چه دفعل په ارتکاب کښې شروع وکی، په جرم کښی د

مادۀ چهارصدو پنجاه ودوم:
راهزنی‌که در ارتکاب فعل شروع نماید به جزای پیش بینی شده

شروع په ټاکلي جزأ محکومیږي.

څلور سوه او دري پنځوسمه ماده:
کـه لار وهـونکی ددا سـی جرمونـو ارتکـاب کـوونکی شـی چـه پـه دی فـصل کـښی نـه دی ذکـر شـوی د ارتکـاب شـوی جرم پـه ټـاکلي جـزأ محکومیږي.

شروع در جرم محکوم می‌گردد.

مادۀ چهارصدو پنجاه وسوم:
هـر گـــاه راهـــزن مرتـــکب جرایـــمی گـــردد کـــه در ایـــن فـــصل ذکـر نـــه شـده بـه جـزای معینـه جرم ارتکـاب شده محکوم می گردد.

شپاړسم فصل
غلا او غصب

فصل شانزدهم
سرقت وغصب

څلور سوه او څلور پنځوسمه ماده:
۱- که دغـلا په جرم کښې د حد د اقامه کیدو شرطونه پوره نه شی یا د شبهی په اثر ممتنع یا په یو قسم داقسامو د حد محکوم بهـا جزاء سـاقطه شـی غـل ددې فـصل ددرج شـوو حکمونـو سـره سـم مجـازات کیږي.
۲- ددې قـانون پـه مقـصد کـه شـخص د غیـر د ملکیت منقـول او متقوم مال په پټه توګه واخلي غـل شمارل کیږي.

مادۀ چهارصدو پنجاه وچهارم:
۱- هرگـاه در جـرم سـرقت شـرایط اقامه حد تکمیـل نگردد یـا بـه اثر شبهه حد ممتنع و یـا بـه نحوی از انحـا جـزای محکـــوم بهـای حـد ساقط گردد، ســارق طبق احکام مندرج ایـن فـصـــل مـــــجازات می‌گردد.
۲- به مقصد ایـن قـانون شخصی- کـه مـال منقـول و متقـوم ملکیـت غیـر را طـور خفیـه بگیـرد سـارق شمرده می‌شود.

څلور سوه او پنځه پنځوسمه ماده:
کـــه څـــوک د راتلونکـــو څلـــورو

مادۀ چهارصدو پنجاه وپنجم:
شخـصـی‌کـه بـا اجتمـاع شـرایط

شرطونو د یوځاي کیدو سره غلا وکـي پـه دوام لرونکـی حـبس محکومیږي:
۱- دلمر لویدو او لمر ختـو په منځ کښې غلا.
۲- ددوه شخصو یا د هغی څخه د زیاتو له خوا غلا.
۳-که غله یا یو غل د ځان سره ظاهری یا پټه وسله ولری او غلا وکی.
۴- پـه مـسکون محـل کـښی پـه ننوتلو یـا پـه هغـه محـل کـښی چـه داوسیدلو د پاره تیار شوی وی یا د هغی په یوی الحاقیه کی غلا کول پـه دیـوا ل دپورتـه کیـدو، د هغـی دسوری کیدو، ددروازی د ماتیدو او د هغی امثالو په وسیله د جوړی کړی شوو کنجی ګانو، عسکری، یا پولیس یا د عمومی خدمتونو د نورو مؤظفینو د لباس په وسیله یا دتزویر شوی امر پـه وسیله پـه دې ادعا چه ددولت د صلاحیت لرونکو مقـامونو لـه خـوا صـادر شـوي یـا دمحـل دیـوه اوسیدونکي سره پـه جوړښت یا د هری نوعی حیلي په وسیله چه وی صورت یی موندلی وی.

چارګانـه آتـی مرتکـب سـرقت ګـردد بـــه حـبس دوام محکـوم می ګردد:
۱- ســـرقت بیـــن غـــروب وطـلوع آفتـاب.
۲- سرقت از جانب دو شخص ویا بیشتر از آن.
۳- ســـرقت بـا حـمل اسـلحه ظاهری یا پنهان سارقین یا یکی از آنها.
۴- ســرقـــت بـا داخـل شـدن به محل مسکون یا محلی که برای سکونت آماده شده و یا به یکی از ملحقات آن بـه وسیله بالا شدن به دیـــوار، ســـوراخ کـــردن آن، شکستاندن دروازه و امثـال آن و یـا با استعمال کلیدهای ساخـته شـــده یـــا لبـــاس عـــسکری، پولـیس، یـا لباس سایر مؤظفین خـدمات عـــامه یـا بـــه وسیلۀ امـر تزویر شـده به ادعای اینکه از مقامات بـا صلاحـیت دولت صادر شده یا بـه وسیله سـازش یـــا یـــکی از ســـاکنین محل و یـا بـه استعمال هر نوع حـیله کـه بـاشد صورت گرفتـه باشد.

څلور سوه او شپږ پنځوسمه ماده:
۱- که څوک د وسلی داستعمال د اکراه یا تهدید په اثر د غلا ارتکاب کوونکي شي په اوږده حبس محکومیږي.
۲- که د اکراه په اثر زخم واقع شي ارتکاب کوونکی په دوام لرونکی حبس محکومیږي.

مادۀ چهارصدو پنجاه وششم:
۱- شخصی‌که به اثر اکراه یا تهدید به استعمال اسلحه مرتکب سرقت گردد، به حبس طویل محکوم می‌گردد.
۲- اگر در اثر اکراه جرح واقع گردد مرتکب به حبس دوام محکوم می‌گردد.

څلور سوه او اووه پنځوسمه ماده:
هغه اشخاص چه دلمر لویدو او لمر ختو ترمنځ د غلا ارتکاب کوونکی شي او تعداد یې دوه یا د دوه ووڅخه زیات وی، کم تر کمه د هغوی څخه یو ظاهری یا پټه کړی شوی وسله د ځان سره وړی وی په اوږده حبس محکومیږي.

مادۀ چهارصدو پنجاه وهفتم:
اشخاصی‌که در بین غروب وطلوع آفتاب مرتکب سرقت گردند و تعداد اوشان دو یا بیشتر از آن باشد و اقلاً یکی از آنها سلاح ظاهر یا پنهان شده با خود حمل نموده باشد، به حبس طویل محکوم می‌گردند.

څلور سوه او اته پنځوسمه ماده:
که څوک آلات یا وسیلی چه په تیلفونی یا تلګرافی مواصلاتو کی په کار اچول شوی وی غلاکی په متوسط حبس محکومیږی. په دې شرط چه په دې جرم کښې ددې قانون د (۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷) مادو ددرج شوو مشدده حالونو څخه کوم یو موجود نه وي.

مادۀ چهارصدو پنجاه وهشتم:
شخص که آلات یا وسایلی را که در مواصلات تیلفونی یا تلگرافی به کار رفته است سرقت نماید، به حبس متوسط محکوم می‌گردد.
مشروط بر این‌که در این جرم یکی از احوال مشدده مندرج مواد (۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷) این قانون موجود نباشد.

څلور سوه او نهه پنځوسمه ماده:

راتلونکی اشخاص په متوسط حبس چه ددری کلونو څخه کم نه وی محکومیږي:

۱- که څوک د عبادت په یوه ځای کې مسکن، محل، او هغه محل کې چه د سکونت د پاره تیار شوی وی یا د هغی په ملحقاتو کښی غلا وکی.

۲- که څوک احاطی ته په داخلیدو سره د احاطی د ماتولو دجوړ شوو کنجی ګانو د استعمال په وسیله یا په بله هره طریقه چه داحاطی داخل ته یی نفوذ کړی وی، غلا وکی.

۳- که څوک دلمر لویدو او لمر ختو ترمنځ غلا وکي.

۴- که څوک دیوه نفر یا د هغه د زیاتو په شرکت غلا وکی، شریک عیناً د فاعل په جزاء محکومیږي.

۵- که څوک د ظاهری یا پټی کړی شوی وسلی سره غلا وکی.

۶- که څوک مستخدم یا اجیر وی مخدوم ته د ضرر رسولو په منظور غلا وکی.

مادۀ چهارصدو پنجاه ونهم:

اشخاص آتی به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد محکوم می‌گردند:

۱- شخصی‌که در یکی از عبادتگاه، محل مسکون و محلی‌که برای سکونت آماده باشد ویا در ملحقات آن سرقت نماید.

۲- شخصی‌که با داخل شدن به محوطه به وسیله شکستاندن احاطه استعمال کلیدهای ساخته‌گی یا بهر طریقۀ دیگریکه بداخل محوطه نفوذ کرده باشد سرقت نماید.

۳- شخصی‌که بین غروب و طلوع آفتاب سرقت نماید.

۴- شخصی‌که به اشتراك یکنفر یا بیشتر از آن سرقت نماید، شریك به عین جزای فاعل محکوم می‌گردد.

۵- شخصی‌که با حمل سلاح ظاهری یا پنهان شده سرقت نماید.

۶- شخصی‌که مستخدم یا اجیر بوده به منظور ضرر رساندن به مخدوم سرقت نماید.

۷- که څوک د فابریکی کار ګر وی او د ګټې خاوند ته دضرر رسولو په منظور غلا وکی.
۸- که څوک حمال، یا دحمل او نقل یا د بار وړونکی یوی وسیلی چلوونکی وی یا په هر قسم د اقسامو د مال په وړلو او راوړلو مکلف وی د هغی څخه غلا وکی.

څلور سوه او شپیتمه ماده:
که د غلا په جرم کښې ددې فصل هېڅ یو مشدده حالت موجود نه شي یا د غلا شوي مال قیمت ناچیزه وي ارتکاب کوونکی، د حالونو سره سم په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم یا په متوسط حبس چه ددوه کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.

څلور سوه او یو شپیتمه ماده:
که څوک غلا یا دکرهنې محصولات چه لالو یا ټول شوی نه وی غلا کی د غلا شوی مال په دوه چنده قیمت محکومیږی په دې شرط چه د غلا شوی مال قیمت د سلو افغانیو څخه زیات نه وي.

۷- شخصی‌که کارگر فابریکه بوده و به منظور ضرر رساندن به صاحب منفعت آن سرقت نماید.
۸- شخصی‌که حمال راننده یکی از وسایط حمل و نقل و بارکش و یا بهر نحوی از انحا مکلف به حمل و نقل مال باشد از آن سرقت نماید.

مادۀ چهارصدو شصتم:
هرگاه در جرم سرقت هیچ یکی از احوال مشدده مندرج این فصل موجود نگردد یا قیمت مال مسروقه ناچیز باشد مرتکب حسب احوال به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر یا به حبس متوسطی‌که از دو سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

مادۀ چهارصدو شصت ویکم:
شخصی‌که غله یا محصولات زراعتی را که هنوز درو یا چیده نشده سرقت نماید، به دو چند قیمت مال مسروقه محکوم می گردد. مشروط بر اینکه قیمت مال مسروقه ازصدافغانی تجاوزنکند.

څلور سوه او دوه شپیتمه ماده:
که څوک په غلا شروع وکی په جزأ د اصلی جرم د نیمایي اکثري تاکل شوی اندازی څخه زیاته نه وی محکومیږي.

مادهٔ چهارصدو شصت ودوم:
شخصی‌که به سرقت شروع نماید به جزای که از نصف حد اکثر جزای پیش بینی شده اصل جرم بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

څلور سوه او دری شپیتمه ماده:
ددې فصل په ټولو درج شوو حالونو کښی محکمه به غل په تاکل شوی جزأ علاوه د غلا شوی مال په بیرته ورکولو یا د هغی په قیمت محکوموي.

مادهٔ چهارصدو شصت وسوم:
در تمام احوال مندرج این فصل محکمه سارق را علاوه بر جزای پیش بینی شده به رد مال مسروقه و یا قیمت آن محکوم می‌نماید.

څلور سوه او څلور شپیتمه ماده:
۱- که څوک په عنف، اکراه یا تهدید په غصب سره سند، امضاء، مهر یا د ګوتی نښانی واخلی د حالونو سره سم په اوږده حبس محکومیږي.
۲- که څوک د پورتنی فقری دیوی وسیلی په واسطه بل څوک د پورتنیو ذکر شوو شیانو څخه د یوه شی په لغو کولو، تلفولو یا تعدیل یا په امضاء مهر یا د ګوتی په نښه مجبور کی د پورتنی فقری په عین تاکل شوی جزأ محکومیږی مګر دا

مادهٔ چهارصدو شصت و چهارم:
۱- شخصی‌که به عنف، اکراه یا تهدید، سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت را غصباً اخذ نماید، حسب احوال به حبس طویل محکوم می‌گردد.
۲- شخصی‌که توسط یکی از وسایل مندرج فقره فوق شخص دیگری را به الغا، اتلاف یا تعدیل شی از اشیاء متذکره فوق ویا به امضاء مهر یا نشان شصت به ورق سفید مجبور گرداند. به عین جزای مندرج فقره فوق محکوم می گردد مگر این‌که

چه قانون په زیاتی شدیدی جزأ حکم کړی وی.

۳- که ددې مادې د (۱) او (۲) فقری ددرج شوو جرمونو د ارتکاب څخه ارتکاب کوونکی ته فایده رسیدلی وی او مجنی علیه ته ضرر نه وی رسیدلی ارتکاب کوونکی د حالونو سره سم په متوسط حبس محکومیږي.

قانون به جزای شدید تر حکم کرده باشد.

۳- اگر از ارتکاب جرایم مندرج فقرات (۱) و (۲) این ماده مفادی به مرتکب عاید وضرری به مجنی علیه وارد نگردیده باشد، مرتکب حسب احوال به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

څلور سوه او پنځه شپیتمه ماده:

۱- که څوک ددې قانون د (۴۶۴) مادی ددرج شوو موادو څخه په غیر بل شخص د تهدید په وسیله د پیسو یا نورو شیانو په تسلیمولو مجبور کی په اوږده حبس چه داووه کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.

۲- که د پورتنی فقری درج شوی جرم د تهدید یا عنف په وسیله صورت ومومی ارتکاب کوونکی په اوږده حبس چه د لسو کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.

مادۀ چهارصدو شصت وپنجم:

۱- شخصی‌که در غیر از موارد مندرج مادۀ (۴۶۴) این قانون شخص دیگری را توسط تهدید به تسلیم نمودن پول یا اشیای دیگری مجبور گرداند به حبس طویلیکه از هفت سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

۲- اگر جرم مندرج فقرۀ فوق توسط عنف یا اکراه صورت بگیرد، مرتکب به حبس طویلی‌که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

اووه لسم فصل
په امانت کښې خیانت

څلور سوه او شپږ شپیتمه ماده:
۱- هغه شخص چه منقول مال ورسره په امانت اینبودل شوی یا په بل هر قسم چه ورته ذکر شوی مال سپارل شوی وی، په بد نیت یی د خپل ځان د پاره یا د خپل ځان د ګټې د پاره یا د بل شخص د ګټې د پاره استعمال یا د قانون او مقرراتو مخالف د هغه غرض په خلاف چه ورته سپارل شوی په کښې په بدنیت تصرف وکړی د حالونو سره سم په متوسط حبس یا نقدی جزاء چه ددولس زرو افغانیوکمه او دشپیتوزرو افغانیو څخه زیاته نه وی محکومیږي.
۲- که د پورتنی فقری درج شوی جرم دیوه راتلونکي شخص په وسیله د هغه مال په مورد کښې چه د وظیفي په مقتضا ورته سپارل شوي ارتکاب شي ارتکاب کوونکی په متوسط حبس چه د دوه کلونو څخه زیات نه وي محکومیږي:
۱- د مالونو دوړلو راوړلو د کسب

فصل هفدهم
خیانت در امانت

مادۀ چهارصدو شصت وششم:
۱- شخصی‌که مال منقول غیر نزد او امانت گذاشته شده باشد، یا بهر نحو دیگری‌که مال مذکور به او سپرده شده باشد آن را به سوء نیت برای خود یا برای منفعت شخص دیگر استعمال نماید یا مخالف قانون و مقررات به خلاف غرضی‌که به او سپرده شده در آن به سوء نیت تصرف نماید، حسب احوال به حبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر واز شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.
۲- هرگاه جرم مندرج فقرۀ فوق توسط یکی از اشخاص آتی در مورد مالی‌که به مقتضای وظیفه بوی سپرده شده ارتکاب گردد مرتکب به حبس متوسط که از دو سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد:
۱- صاحب پیشه حمل و نقل

خاوند عام له دی چه د ځمکی، هوا یا د اوبو د لاری وی یا د هغه یو همکار.
۲- مدافع وکیل، دلال یا صراف.
۳- مامور، اجیر، مستخدم.
۴- هغه شخص چه د محکمي په امر ورته مال سپارل شوي وي یا په قاصر یا د اهلیت په فاقد وصي یا قیم تاکل شوي وي یا په یوي خیریه مؤسسه کښې د مؤسسې د مالونو د اداري مسئول وي، ددي مادي د (۱) فقري ددرج شوو جرمونو ارتکاب کوونکی شي په اوږده حبس چه د اووه کلونو څخه زیات نه وي محکومیږي.

امـوال اعـم از طـریق زمـین، هـوا و آب یا یـکی از همـکاران وی.
۲- وکیل مدافع، دلال یا صراف.
۳- مامور، اجیر، مستخدم.
۴- شخـصی‌کـه بـه امـر محکمـه مـالی به او سپرده شده یا بر قاصر یا فاقد اهلیت وصی یاقیم تعیین شـده باشـد یـا در یکـی از مؤسـسات خیریـه مـسؤل اداره اموال مؤسسه باشد مرتکب یکی از جـرایم منـدرج فقـرۀ (۱) ایـن مـاده گردد، به حبس طویلی‌که از هـفت سـال بیـشتر نبـاشد محـکوم می‌گردد.

څلور سوه او اووه شپیتمه ماده:
۱- که د منقول مال مـالک چه مـال یي د محکمی په قرار د حجز لاندی راغلی یـا د قـضاء د تـصرف لاندي اینبودل شوی وی، ذکر شوی مـالک هغـه مـال پـه بـدنیت د خپـل ځـان د پـاره یـاد خپلی ګټی د پـاره یـا بـل شخص د ګټې د پاره استعمـال کی یا په هغی کښې تصرف وکی یا یی پټ کی یا د هغه شخص د پـاره چه پـه ذکـر شـوی مـال کـښی ورځخـه د

مادۀ چهارصدو شصت وهفتم:
۱- هرګاه مـالك مـال منقـول کـه امـوال او بـه قـرار محکمـه تحـت حجز قـرار گرفتـه یـا تحت تـصرف قـضاء گذاشـته شـده باشـد مـالك مذکور مـال را بـه سـوء نیـت بـرای خـود یـا منفعـت شـخص دیگـری استعمال یا در آن تصرف نماید یا آنـرا پنهـان کنـد یـا بـرای شـخـصی‌کـه در مـال مـذکور حق مطالبه را از وی داشته باشد

غوښتنی حق لری تسلیم نه کی په داسی توګه چه په ذکر شوی مال کښی د نیول شوو اجراآتو غرض تر سره نه شي، په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم نه وی یا نقدی جزأ چه ددری زرو افغانیو کمه او د دولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وی محکومیږي.

۲- که ګروي دارګرو شوی منقول مال د هغی د مالک سره په امانت کښیږدی او ذکر شوی مالک د خپل ځان دپاره یا د خپلی ګټی د پاره یا دبل شخص د ګټی د پاره په بدنیت استعمال یا د هغه غرض په خلاف چه ورته سپارل شوي تصرف وکي، دپورتنی فقری په عین تاکل شوي جزأ محکومیږي.

تسلیم ننماید، به نحوی‌که غرض اجراآت اتخاذ شده در مورد مال بر آورده شده نتواند، به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر واز دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

۲- اگر گروگیرنده مال منقول مرهونه را نزد مالك آن به امانت بگذارد و مالك مذکور برای خود یا منفعت خود یا منفعت شخص دیگر به سوء نیت استعمال یا بر خلاف غرضی که به او سپرده شده تصرف نماید، به عین جزای پیش بینی شدهٔ فقرهٔ فوق محکوم می‌گردد.

څلور سوه او اته شپیتمه ماده:

۱- که څوک منقول مال واخلي او خر څوونکی هغه د بیعی د تول قیمت دورکولو په غرض پخپل ملکیت کښی وساتي اواخستونکی دخر څوونکی د پخوانی اجازی په غیر په داسی توګه په هغی کښی تصرف وکی چه ذکر شوی مال د خر څوونکی د حیازت څخه وباسي. په

مادهٔ چهارصدو شصت وهشتم:

۱- هرگاه شخصی مال منقولی را بخرد و بایع آن را به منظور تادیهٔ تمام قیمت مبیعه در ملکیت خود نگاه دارد و مشتری بدون اجازهٔ قبلی بایع طوری در آن تصرف نماید که مال مذکور را از حیازت بایع خارج سازد، به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر

لنډ حبس چه ددری میاشتو کم یا نقدی جزأ چه ددری زرو افغانیو کمه او د دولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وي محکومیږي.

۲- د پورتنی فقری په درج شوی جرم کښی دعوی دخر څوونکی د شکایت په غیر نه شی اقامه کیدی او په هغی کښی دعوی د آخرنی حکم څخه تر مخه د شکایت څخه دخرڅوونکی په انصراف ساقطیږی او که انصراف د آخرنی حکم د صادریدو څخه وروسته وشی د حکم تنفیذ په کښی معطلیږي.

نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر واز دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

۲- دعوی در جرم مندرج فقرهٔ فوق بدون شکایت بایع اقامه شده نمی تواند ودعوی قبل از حکم نهائی در آن به انصراف بایع از شکایت ساقط می‌گردد، اگر انصراف بعد از صدور حکم به عمل آید تنفیذ حکم در آن متوقف می‌گردد.

اتلسم فصل
فریب کاری

څلور سوه او نهه شپیتمه ماده:

۱-که څوک د بل چا د منقول مال د حیازت په تسلیمولو یا انتقال د خپل ځان د پاره یا د بل شخص د پاره په یوي راتلونکی وسیلي متوصل شی په لنډ حبس چه ددري میاشتو څخه کم نه وي محکومیږي:

۱- دفریب کارانه وسیلو استعمال.

۲- د دروغجن نوم یا صفت څخه

فصل هجدهم
فریب کاری

مادهٔ چهارصدو شصت ونهم:

۱-شخصی‌که به تسلیمی یا انتقال حیازت مال منقول غیر برای خود و یا برای شخص دیگر به یکی از وسایل آتی توصل ورزد به حبس قصیری- که از سه ماه کمتر نباشد محکوم می‌گردد:

۱- استعمال وسایل فریبکارانه.

۲- بکار بردن اسم ویا صفت

کار اخیستل، یا په یوی تاکلی حادثی کی د غلطی اطلاع ورکول په داسي توګه چه د هغی په اثر مجنی علیه فریب وخوری تسلیمیدوته مجبور شی.

۳- که څوک دپورتنی فقری د یوی درج شوی وسیلی په واسطه بل شخص د قرض د سند د حیازت یا د بل سند چه استعمال یی د ملکیت د حق په اثبات یا په بل عینی حق کښی امکان ولری په تسلمیدو یا انتقا ل یا په مال کښی په تصرف یا په ابراء کولو مجبور کی، د پورتنی فقری په عین تاکل شوی جزأ محکومیږي.

۴- که یو شخص ددې مادې د (۱) فقری په یوی درج شوی وسیلی بل شخص په امضاء کولو، مهر، د ګوتی په نښه یا ددې مادې د (۲) فقری ددرج شوو سندونو څخه دیو سند په لغو کولو، تلفولو یا تعدیلولو مجبور کی ددې مادې د (۱) فقری په عین درج شوی جزأ محکومیږي.

کاذب یا دادن اطلاع غلط در حادثۀ معین به نحوی‌که به اثر آن مجنی علیه فریب خورده به تسلیمی وادار گردد.

۳- شخصی‌که توسط یکی از وسایل مندرج فقرۀ فوق شخص دیگری را به تسلیمی یا انتقال حیازت سند قرض یا سند دیگریکه استعمال آن در اثبات حق ملکیت یا حق عینی دیگری امکان داشته باشد یا به تصرف درمال یا به ابراء وادار سازد، بعین جزای مندرج فقرۀ فوق محکوم می گردد.

۴- شخصی‌که توسط یکی از وسایل مندرج فقرۀ (۱) این ماده شخص دیگری را به امضاء کردن، مهر و نشان انگشت یا الغاء یا اتلاف یا تعدیل سندی از اسناد مندرج فقره (۲) این ماده وا دار سازد، به عین جزای مندرج فقرۀ (۱) این ماده محکوم می‌گردد.

څلور سوه او اویایمه ماده:
که شخص سره ددې چه علم لری چه ملکیت یی نه دی یا په دی علم چه د تصرف حق په کښی نه لری په منقول مال یا عقار کښی تصرف وکی سره ددې چه په هغی کښی د پخوانی تصرف یا د دواړو خواوو د عقد علم ولری تصرف کی، په داسی توګه چه د هغی په اثر بل چاته ضرر ورسیږی په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم نه وی محکومیږي.

مادۀ چهارصدو هفتادم:
شخصی‌که با وجود علم به عدم ملکیت یا علم باین‌که حق تصرف را در آن ندارد در مال منقول یا عقار تصرف نماید یا در مال با وجود علم به تصرف قبلی در آن یا عقد جانبین به آن تصرف نماید، به نحویکه به اثر آن به غیر ضرر برسد به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد محکوم می‌گردد.

څلور سوه او یواویایمه ماده:
۱- که شخص د یو قاصر چه داتلس کلنی عمر یی پوره کړی وی، داحتیاج، عدم مهارت یا د نفس د ضعف څخه په داسی توګه بده استفاده وکی چه په حیله د لیکلو په واسطه، د ملکیت داسنادو په امضاء کولو، یا د قرضونو پوری د مربوط رسید خط یا طلباتو یا د تجارتی پاڼو څخه په فراغت یا نورو مثبته سندونو ذکر شوی شخص ته ضرر ورسوی په لنډ حبس چه ددری میاشتو څخه کم نه وی محکومیږي.

مادۀ چهارصدو هفتادویکم:
۱- شخصی‌که از احتیاج، عدم مهارت یا ضعف نفس قاصری‌که سن هجده سالگی را تکمیل نموده باشد طوری سوء استفاده کند، که به حیله به واسطه تحریر امضاء اسناد ملکیت یا رسید خط متعلق به دیون یا طلبات یا به فراغت از اوراق تجارتی یا سایر اسناد مثبته ضرری به شخص مذکور برساند، به حبس قصیری‌که از از سه ماه کمتر نباشد محکوم می‌گردد.

۲- لیونی، معتوه، محجور او هغه شخص چه د اتلس کلنی د عمر د پوره کیدو وروسته ور باندی دوصایت داستمرار حکم صادر شوی د قاصر په حکم کښی شمارل کیږي.

۲- دیوانه، معتوه، محجور و شخصی‌که بعد از سن هجده سالگی بالای او حکم استمرار وصایت صادر شده در حکم قاصر شمرده می‌شوند.

۳- که ددې مادې د (۱) فقری ددرج شوو جرمونو ارتکاب کوونکی په مجنی علیه، ولی، وصی یا قیم وی یا په یو قسم داقسامو د هغه په سر پرستی یا د هغه د ګټو په ساتنه مکلف وی عام له دی چه د قانون په تقاضا، د محکمی په حکم یاپه خاصه موافقه وی. په اوږده حبس چه د اووه کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.

۳- اگر مرتکب جرایم مندرج فقره (۱) این ماده ولی وصی یا قیم بر مجنی علیه باشد یا به نحوی از انحا به سرپرستی یا حفظ منافع وی مکلف باشد اعم از اینکه به مقتضای قانون، حکم محکمه یا موافقه خاص باشد به حبس طویلی که از هفت سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

څلور سوه او دوه اویایمه ماده:

که څوک په بدنیت بی له دی چه شتمنی ولری عام له دی چه نقدی پیسې وي یا اعتبار بل شخص ته چک ورکی یا د هغه د اعتبار وجه د چک څخه کمه وی یا داچه د چک ورکولو وروسته دوجهی ټول یا یو قسمت چه د هغی په اعتبار چک صادر شوی د بانک څخه وباسی، په داسی ډول چه پاتی شتمنی یی د

مادۀ چهارصدو هفتادو دوم:

شخصی‌که به سوء نیت بدون داشتن دارائی اعم از پول نقد یا اعتبار برای شخص دیگر چك بدهد یا وجه اعتبار وی کمتر از چك بوده یا این‌که بعد از اعطای چك تمام یا یك قسمتی وجهی را که به اعتبار آن چك صادر نموده از بانك بکشد، طوری‌که دارائی او وجه مندرج چك را پوره نکند یا

چک وجه پوره نه کی یا د هغی مرجع څخه چه پیسې اخلي دپیسو په نه ورکولو امر وکی یا عمداً چک په داسي توګه تحریر یا امضاء کي چه د پیسو دورکولو مانع وګرځي، په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم نه وی او نقدی جزأ چه ددولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وی محکومیږي.

به مرجعی که از آن پول اخذ می‌نماید به عدم تادیه پول امر نماید یا چك را عمداً طوری تحریر یا امضاء نماید که مانع تادیه پول گردد، به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر نباشد و جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

څلور سوه او دري اویایمه ماده:
که ددې فصل ددرج شوو جرمونو د ارتکاب په اثر مجنی علیه ته ضرر ورسیږي، ارتکاب کوونکی په اصلي جزأ علاوه د خساری په جبران هم محکومیږي.

مادۀ چهارصدو هفتادوسوم:
هرگاه باثر ارتکاب جرایم مندرج این فصل ضرری به مجنی علیه وارد گردد، مرتکب علاوه بر جزای اصلی به جبران خساره نیز محکوم می‌گردد.

نولسم فصل
دهغه شیانو پټول چه د جرم د ارتکاب په نتیجه کښی لاس ته راځي

فصل نزدهم
اختفای اشیائیکه در نتیجه ارتکاب جرم بدست می‌آید

څلور سوه او څلور اویایمه ماده:
۱- که شخص سره دعلمه هغه شیان چه دجنایت د ارتکاب په نتیجه کښې لاس ته راغلي پخپل حیازت کښې راوړی یا یي پټ یا

مادۀ چهارصدو هفتادوچهارم:
۱- شخصی‌که با وجود علم اشیای را که در نتیجه ارتکاب جنایت بدست آمده در حیازت خود در آورد یا آنرا پنهان یا

يي استعمال کی يا په يو قسم د اقسامو په هغی کښی تصرف وکی د حالونو سره سم په متوسط حبس محکوميږي، مګر داچه په قانون کښې زياته شديده جزأ ټاکل شوی وی.

۲- که د پورتنی فقری درج شوی شيان د جنحی د ارتکاب په نتيجه کښی لاس ته راغلی وی په حبس چه ددری کلونو څخه زيات نه وی محکوميږي، په دې شرط چه جزأيی د اصلی جرم د اکثری اندازی د ټاکلی جزأ څخه چه ذکر شوی شيان د هغی دارتکاب په نتيجه کښی لاس ته راغلی زياته نه وی، او هغه شخص چه د جرم په ارتکاب کښی يی ګډون نه وی کړی لاس ته راوړی شيان پخپل حيازت کښې راوړی وی يا يی پټ کړی وی يائی استعمال کړی وی يايی په يو قسم د اقسامو په کښی تصرف کړی وی.

۳-که شخص يو شي چه د جنايت يا جنحي د ارتکاب په نتيجه کښې حاصل شوی په داسی حالونو کښی لاس ته راوړی چه بايد د هغی په عدم مشروعيت يی علم پيدا کړی استعمال نمايد يا به نحوی از انحا در آن تصرف کند، حسب احوال به حبس متوسط محکوم می گردد. مگر اين‌که در قانون جزای شديدتری پيش بينی شده باشد.

۲- اگر اشيای مندرج فقرهٔ فوق در نتيجهٔ ارتکاب جنحه بدست آمده باشد، به حبس که از سه سال بيشتر نباشد محکوم می گردد مشروط بر اين‌که جزای آن حداکثر جزای پيش بينی شدهٔ اصل جرمی‌که اشيای مذکور در نتيجهٔ ارتکاب آن بدست آمده تجاوز نکند وشخصی‌که در ارتکاب جرم اشتراك نکرده باشد، اشيای به دست آمده را در حيازت خود در آورده يا آنرا پنهان يا استعمال نموده يا به نحوی از انحا در آن تصرف کرده باشد.

۳- شخصی‌که شی از اشيای را که در نتيجه ارتکاب جنايت يا جنحه حاصل شده در احوالی به دست آورد که بائيست به عدم مشروعيت آن علم پيدا می‌کرد

وی په لنډ حبس یا نقدی جزأ چه د دولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وی محکومیږي.

به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

څلور سوه او پنځه اویایمه ماده:
۱- که دډې قانون د (۴۷۴) مادی ددرج شوو جرمونو ارتکاب کوونکی د هغه جرمونو د ارتکاب کوونکو په باره کښې چه ذکر شوی شیان د هغوی څخه لاس ته راغلی د اقدام تعقیب او لټونی تر مخه صلاحیت لرونکو مراجعو ته خبر ورکی په جزاء نه محکومیږي.
۲- که صلاحیت لرونکو مراجعو ته د تحقیق د پیل څخه وروسته اطلاع ورکی د هغه د اطلاع مخففه حالت شمارل کیږي.

مادۀ چهارصدوهفتادو پنجم:
۱- هرگاه مرتکب جرایم مندرج مادۀ (۴۷۴) این قانون راجع به مرتکبین جرایمی که اشیای مذکور از نزدشان بدست آمده قبل از اقدام و تعقیب و جستجوی آنها به مراجع با صلاحیت اطلاع بدهد محکوم به جزا نمی گردد.
۲- اگر اطلاع بعد از آغاز تحقیق به مراجع باصلاحیت داده شود اطلاع وی حالت مخففه شمرده می شود.

شلم فصل
مشترک حکمونه

فصل بیستم
احکام مشترک

څلور سوه او شپږ اویایمه ماده:
۱- ددې باب ددرج شوو فصلونو په جرمونو کښې چه د هغی څخه میږه، ښځی یا داصولو او فروعو څخه یوه ته ضرر ورسیږی ددعوی تحریک او نور اجراآت د هغوی په

مادۀ چهارصدو هفتادوششم:
۱- در جرایم مندرج فصول این باب که از آن به زوج یا یکی از اصول یا فروع ضرر برسد، تحریك دعوی یا سایر اجراآت علیه شان جواز

ضد جواز نه لری، مگر د مجنی علیه په شکایت د جزائی دعوی د قطعی حکم دصادریدو ترمخه چه مجنی علیه د شکایت څخه انصراف وکړي ساقطیږي.

۲- که د پورتنی فقری په درج شوو جرمونو کښې انصراف د محکمی دقطعی حکم څخه وروسته صورت ومومی د حکم تنفیذ متوقف کیږي.

۳- په هغه حالت کښې چه دجرم د محل شیان دقضاء په حکم یا د قانونی صلاحیت لرونکو مراجعو په حکم د حجز لاندی واقع شوی وی یا دقضاء په تصرف کښې ایښودل شوی وی یا د غیر گروی وی یا د غیر دانتفاع په حق کښی راغلی وی ددې مادی حکمونه نه تطبیقیږي.

نـدارد. مـگر بـه شـکایـت مجـنی عـلیه ودعـوی جزائـی قبـل از صدور حکم قـطعی با انـصراف مـجنی علـیه از شـکـایت سـاقط می گـردد.

۲- انـصراف اگـر در جـرایم منـدرج فقـرۀ فـوق بعـد از حکم قطـعی محکـمـه صـورت گـیرد تنـفـیذ حـکم متـوقف می گـردد.

۳- در حالـتی کـه اشـیای محل جـرم بـه حکـم قـضایـا مراجـع بـا صـلاحیت قـانونی تحـت حـجز قـرار گرفتـه باشـد یـا در تـصرف قـضاء گذاشـته شـده بـاشد یـا مرهونـه غیـر باشد یـا بـه حـق انتفـاع غـیر در آمـده باشـد احکـام ایـن مـاده تطبیـق نمی گردد.

یوویشتم فصل
دمناقصاتو او مزایداتو په آزادي کښې مداخله

څلور سوه او اووه اویایمه ماده: کـه څـوک د تقلـب یـا دنـورو غیـر مـشروعو وسـیلو پـه واسـطه د

فصل بیست ویکم
مداخله در آزادی مناقصات و مزایدات

مادۀ چهارصدو هفتادو هفتم: شخصی که به وسیله تقلب یا سایر وسـایل غیـر مـشروع در آزادی و

مناقصاتو او مزایداتو په آزادی او سلامتی کښنی چه ددولت د مؤسسو یا دشرکتونو چه دولت په کښنی سهم لری یا د رسمی یا نیمایی رسمی دوایرو پوری اړه نه نیسي اخلال وارد کی په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم او نقدی جزأ چه د پنځه زرو افغانیو څخه زیاته نه وی یا ددې دواړو جزاءګانو څخه په یوی محکومیږي.

سلامت مناقصات ومزایدات که به دولت، مؤسسات یا شرکت هائی‌که دولت در آن سهم دارد یا دوایر رسمی یا نیمه رسمی تعلق نمی گیرد اخلال وارد نماید، به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر نباشد و جزای نقدی که از پنج هزار افغانی تجاوز نکند یا به یکی ازین دوجزا محکوم می‌گردد.

دوه ویشتم فصل
د تجارت پوری مربوط جرمونه
لومړی قسمت
غیر قانونی ربحه

فصل بیست و دوم
جرایم مربوط به تجارت
قسمت اول
ربح غیر قانونی

څلور سوه او اته اویایمه ماده:
که شخص په علنی یا پټه توګه بل شخص ته په غیر مجاز ربحی قرض ورکی په لنډ حبس چه ددری میاشتو کم نه وی او نقدی جزأ چه دپنځه زرو افغانیو څخه زیاته نه وی یا ددې دواړو جزاء ګانو څخه په یوی محکومیږي.

مادۀ چهارصدو هفتادوهشتم:
هرگاه شخصی طور علنی یا مخفی به شخص دیگر قرض یا ربح غیر مجاز بدهد به حبس قصیری‌که از سه ماه کمتر نباشد و جزای نقدی که از پنج هزار افغانی تجاوز نکند یا به یکی ازین دو جزا محکوم می‌گردد.

دوه یم قسمت
په تجارتی معاملو کښی تقلب

څلور سوه او نهه اویایمه ماده:
که یو شخص عمداً د مختلفو واقعو یا د دروغجنو خبرونو یا پروپاګند د خپرونی له لاری یا د نورو عملونو د لاری چه د تقلب یا دفریب متضمن وی د جنسونو د قیمت، درواجولو دپاره د تیارومالی پانو د پورته کیدو یا کښته کیدو سبب وګرځی یا د استهلاک د پاره یو تیار شوی جنس پټ کی یا د هغی د پتیدو سبب وګرځی په لنډ حبس او نقدی جزأ چه دپنځه زرو افغانیو څخه زیاته نه وی یا ددی دواړو جزاګانو څخه په یوی محکومیږي.

څلور سوه اواتیایمه ماده:
که څوک د عقد کوونکی سره په یوه راتلونکی مواردو کې تقلب وکی په متوسط حبس چه ددوه کلونو زیات نه وی او نقدی جزاء چه د لس زرو افغانیو تجاوز ونه کی یا ددې دواړو جزاګانو څخه په یوی محکومیږي:

قسمت دوم
تقلب در معاملات تجارتی

مادۀ چهارصدو هفتادونهم:
شخصی‌که عمداً از طریق نشر وقایع مختلفه یا اخبار کاذب یا پروپاگند ویا از طریق ارتکاب سایر اعمالی‌که متضمن تقلب یا فریب باشد، سبب بلند رفتن یا پائین آمدن قیمت اجناس، اوراق مالی آماده ترویج گردد یا جنسی از اجناس آماده استهلاك را پنهان نماید یا سبب آن گردد، به حبس قصیر و جزای نقدی که از پنج هزار افغانی تجاوز نکند یا به یکی ازین دو جزا محکوم می‌گردد.

مادۀ چهارصدو هشتادم:
شخصی‌که با عقد کننده در یکی از موارد آتی تقلب نماید به حبس متوسط ای‌که از دوسال بیشتر نباشد و جزای نقدی که از ده هزار تجاوز نکند یا به یکی از این دو جزا محکوم می‌گردد:

۱- په تعداد، مقدار، مقیاس، وزن، پیمانی، طاقت او د ترکیبی موادو په فیصدي کښی.
۲-د جنس په عین کښې په دې توګه چه مقابل طرف ته غیر د هغی چه تعهد یی کړی تسلیم کی.
۳-دشی په ماهیت، اساسی صفتونو، ګټورو او ترکیبی عناصرو کښی.
۴-دشی په نوع، جنس او منبع کی.

درېیم قسمت
دافلاس پوری مربوط جرمونه

څلور سوه او یو اتیایمه ماده:
د هغه تاجر په افلاس چه قطعی حکم صادر شوی په یوه راتلونکی حالت کښی متقلب مفلس شمارل کیږي:
۱- په هغه حالت کښې چه خپل ټول یا ځینی دفترونه یی پټ، تلف، تغییر یا تبدیل کړی وی.
۲- په هغه حالت کښی چه دائنینو ته دضرر رسولو په غرض د خپل مال یوه حصه یی اختلاس یا پټه کړی وی.
۳- په هغه حالت کښی چه په

۱- در تعداد، مقدار، مقیاس، وزن، پیمانه، طاقت و فیصدی مواد ترکیبی.
۲- در عین جنس طوری‌که غیر آنچه را تعهد نموده به جانب مقابل تسلیم دهد.
۳- در ماهیت، صفات اساسی، عناصر مفیده و مرکبه شی.
۴- در نوع، جنس ومنبع شی.

قسمت سوم
جرایم مربوط به افلاس

مادۀ چهارصدوهشتادویکم:
تاجری‌که به افلاس او حکم قطعی صادر گردیده در یکی از حالات آتی مفلس متقلب شمرده می‌شود:
۱- در حالتی‌که تمام یا بعضی دفاتر خود را پنهان، تلف، تغییر یا تبدیل نموده باشد.
۲- در حالتی‌که به غرض رساندن ضرر به دائنین یك جز مال خود را اختلاس یا پنهان نموده باشد.
۳- در حالتی‌که به دین صوری

صوری دین اعتراف وکی یا خپل ځان یی په داسی دین مدیون کړی وی چه په حقیقت کښې د هغه په ذمه نه وي عام له دی چه دا دین ئی په دفترونو، بودجی یا پخپلو نورو پانو کښی ثبت کړی وی یا یی په شفوی ډول په هغی اعتراف کړی وی.

۴- په هغه حالت کښی چه په بدنیت د صلاحیت لرونکو مقامونو د غوښتنی په صورت کښی د پانو یا د توضیحاتو دورځاندی کولو څخه ځان وژغوری. او په هغه آثارو چه په ژغورنه یی مرتبیږي علم ولري.

څلور سوه او دوه اتیایمه ماده:
متقلب مفلس په اوږده حبس چه د اووه کلونو څخه زیات نه وی محکومیږی.

څلور سوه او دری اتیایمه ماده:
۱- هغه تاجر چه په افلاس یی قطعی حکم صادر شوی او د لوی تقصیر په سبب د خپلو دائینو د خساری باعث ګرځیدلی مقصر مفلس شمارل کیږي.

اعتراف نموده یا خود را به دینی مدیون ساخته باشد که در حقیقت به ذمهٔ او نمی باشد اعم از این‌که این دین در دفاتر یا بودجه یا در اوراق دیگر خود ثبت کرده یا طور شفوی به آن اقرار نموده باشد.

۴- در حالتی‌که به نیت سوء از تقدیم اوراق یا توضیحات در صورت مطالبه مراجع با صلاحیت امتناع ورزیده و او به آثاری‌که بر امتناع وی مرتب می گردد علم داشته باشد.

مادهٔ چهارصدو هشتادو دوم:
مفلس متقلب به حبس طویلی‌که از هفت سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

مادهٔ چهارصدو هشتادو سوم:
۱- تاجری که به افلاس او حکم قطعی صادر گردیده وبه سبب تقصیر بزرگ باعث خساره دائنین خود گردد مفلس مقصر شمرده می شود.

۲- مفلس تاجر په یوه راتلونکی حالت کښی لوی مقصر شمارل کیږي:
۱- په هغه حالت کښی چه شخصی یا فامیلی مصرف یی نسبت عایداتو ته ډیر زیات وی.
۲- په هغه حالت کښی چه زیاتی پیسې په جواری، د بخت آزمایلو په ټکټونو یا شرط ټرلو کښی مصرف کی.
۳- په هغه حالت کښی چه یوه متاع واخلی او په ټیټ قیمت یی خرڅه کی، یا زیاتی پیسی قرض کی یا قیمت لرونکی پانې صادری کی یا نوری وسیلی استعمال کی په داسی ډول چه لویه خساره ورته عاید شی، په دی منظور چه مال لاس ته راوړی او د دی لاری خپل افلاس په تاخیر واچوی.
۴- په هغه حالت کښی چه ددین د اداکولو د متوقفیدو وروسته نورو دائینو ته د ضرر رسولو په منظور یا صلحی کولو ته د رسیدو په قصد، د یوه دائن دین تادیه کی.
۵- په هغه حالت کښی چه د تقلب په وسیله د دائنینو سره مصالحی ته ورسیږي.

۲- تاجر مفلس در یکی از حالات آتی مقصر بزرگ شمرده می‌شود:
۱- در حالتی‌که مصرف شخصی یا فامیلی او نسبت به عایدات وی بسیار زیاد باشد.
۲- در حالتی‌که مبالغ هنگفت را در قمار بازی تکت های بخت آزمائی یا شرط بندی صرف نماید.
۳- در حالتی‌که متاعی را بخرد و به قیمت نازلتر بفروشد یا مبالغ زیاد را قرض بگیرد یا اوراق بهادار را صادر یا وسایل دیگری را استعمال نماید، به نحوی‌که به سبب آن خساره بزرگ به او عاید گردد به منظور این‌که مال را به دست آرد و از این طریق افلاس خود را به تاخیر اندازد.
۴- در حالتی‌که بعد از متوقف ساختن تادیه دین به منظور رساندن ضرر به سایر دائنین یا به قصد رسیدن به مصالحه دین یکی از دائنین را تادیه نماید.
۵- در حالتی‌که به وسیله تقلب با دائنین به مصالحه برسد.

څلور سوه او څلور اتیایمه ماده:
لوی مقصر مفلس په متوسط حبس چـه ددوه کلونـو څخـه کـم نـه وی محکومیږي.

مادهٔ چهارصدو هشتادو چهارم:
مفلـس مقـصر بـزرگ بـه حـبس متوسطی‌که از دوسال کمتر نباشد محکوم می‌گردد.

څلور سوه او پنځه اتیایمه ماده:
هغه تاجر چه په افلاس یی قطعی حکم صادر شوی په یوه راتلونکی حـالت کـښی مقـصر مفلـس ګڼـل کیږي:
۱- په هغه حالت کښی چه تجارتی قوانینو د تجارتی دفترونو لرل لازم کړی وی او هغه دا دفترونه ونه لری یا دفترونه په داسی ډول نا مکمله او نا منظمه وی چه د هغی څخه د هغه شتمنی، او قرضونه معلوم نه شی.
۲- په هغه حالت کښی چه د خپل بیلانس پاڼه په قانونی موده کښی وړاندی نه کی.
۳- پـه هغـه حـالت کـښی چـه د تادیـاتو د متوقـف کیـدو وروسـته صـحیح اظهـارات چـه قانونـاً پـری مکلف دی وړاندی نه کی.
۴- پـه هغـه حالـت کـښی چـه بـی د معقـول عـذر څخـه د غوښـتنی پـه صورت کښی شخصاً هغه مرجع تـه

مادهٔ چهارصدو هشتادوپنجم:
تـاجری‌کـه بـه افـلاس او حکـم قطعـی صـادر گردیـده در یکـی از حالات آتـی مفلس مقصر دانسته می‌شود:
۱- در حـالتی‌کـه قـوانین تجـارتی داشـتن دفـاتر تجـارتی را لازم شمرده باشد و او دفاتر مذکور را نداشـته باشـد یـا دفـاتر طـوری نامکمـل و نـامنظم باشـد کـه از آن حقیقـت دارائـی و قـرض هـای او معلوم نگردد.
۲- در حالتـــی‌کـــه ورقـــه بیـــلانس خـــود را در میعـــاد قـــانونی تـقدیـم ننـماید.
۳- در حـالتی‌کـه بعـد از متوقـف ساخـــتن تـــادیأت، اظهـــارات صـحیح را کـه قـانـــوناً بـه آن مکلف است تقدیم ننماید.
۴- در حـــالتی‌کـــه بـدون عـــذر معقول در صورت طلـب شخصاً بـه مرجعـی‌کـه حکم افـلاس وی را

چه د هغه د افلاس حکم یی صادر کړی حاضر نه شی یا کوم اظهارات چه ذکر شوی مرجع یی غواړی وړاندی نه کی یا ددې اظهاراتو عدم صحت ظاهر شی.

۵- په هغه حالت کښی چه د غیر د ګټی د پاره بی له عوضه داسی لوی قرار داد عقد کی چه د عقد په وخت کښی د هغه مالی وضعه یی اجازه نه ورکوی.

صادر نموده حاضر نگردد یا اظهاراتی را که مرجع مذکور از وی مطالبه نماید تقدیم نکند یا عدم صحت این اظهارات ظاهر گردد.

۵- در حالتی‌که برای منفعت غیر بدون عوض قرار داد بزرگی را عقد نماید که هنگام عقد وضع مالی او اجاز ه نه دهد.

څلور سوه او شپږ اتیایمه ماده:

۱- که دیوه تجارتی شرکت افلاس په اشتهار قطعی حکم صادر شی په هغه صورت کښی چه د عمومی مجمع یا مدیره هیئت په یوه غړی ددی قانون د (۴۸۱) مادی د یوه درج شوی فعل ارتکاب ثابت شی ددې قانون د (۴۸۲) مادی په تاکلی جزاء محکومیږي.

۲- که د عمومی مجمع یا مدیره هیئت یو غړی د تقلب یا فریب په واسطه دداسی فعل ارتکاب کوونکی شی چه د هغی په اثر شرکت مفلس شی یا د شرکت د تأدیاتو په متوقف کیدو کښی

مادۀ چهارصدو هشتادوششم:

۱- هرگاه به اشتهار افلاس یك شرکت تجارتی حکم قطعی صادر گردد در صورتی‌که بر یکی از اعضای مجمع عمومی یا هیئت مدیره ارتکاب یکی از افعال مندرج مادۀ (۴۸۱) این قانون ثابت گردد به جزای پیش بینی شدۀ مادۀ (۴۸۲) این قانون محکوم می گردد.

۲- اگر یکی از اعضای مجمع عمومی یا هیئت مدیره به وسیله تقلب یا فریب مرتکب فعلی گردد که به اثر آن شرکت مفلس گردد یا در توقف تأدیات شرکت مساعدت نماید،

مرسته وکی ددې قانون د (۴۸۲) مادی په ټاکل شوی جزأ محکومیږي.

به جزای پیش بینی شدۀ مادۀ (۴۸۲) این قانون محکوم می‌گردد.

څلور سوه او اووه اتیایمه ماده:
که د صغیر یا محجور علیه د افلاس په اشتهار یا د هغه شخص چه تجارت یی یو امین شخص اداره کوی، قطعی حکم صادر شی د فریب یا د تقصیر د اعمالو، جزائی مسئولیت هغه ولی، وصی یا امین ته متوجه دی چه ددی فصل د تیرو درج شوو مادو د تقلب یا فریب د افعالو ارتکاب پری ثابت شی او د حالونو سره سم د هغی په ټاکلی شوی جزاء محکومیږي.

مادۀ چهارصدو هشتادو هفتم:
هرگاه به اشتهار افلاس صغیر، محجور علیه یا شخصی‌که تجارت اورا شخص امین اداره می‌کند حکم قطعی صادر گردد مسؤلیت جزائی اعمال فریب یا تقصیر متوجه ولی، وصی یا امینی می باشد که ارتکاب یکی از افعال تقلب، فریب یا تقصیر مندرج مواد قبلی این فصل ثابت گردد، حسب احوال به جزای پیش بینی شدۀ آن محکوم می گردد.

څلور سوه او اته اتیایمه ماده:
راتلونکی اشخاص په متوسط حبس چه ددوه کلونو زیات او په نقدي جزأ چه د لس زرو افغانیو تجاوز ونه کي یا ددې دواړو جزاء ګانو څخه په یوی محکومیږي، په دی شرط چه په قانون کښی زیاته شدیده جزأ نه وی ټاکل شوی:

مادۀ چهارصدو هشتادو هشتم:
اشخاص آتی به حبس متوسط که از دو سال بیشتر نباشد و جزای نقدی که از ده هزار افغانی تجاوز نکند یا به یکی ازین دو جزا محکوم می‌گردند مشروط بر این‌که در قانون جزای شدید تری پیش بینی نه شده باشد:

۱- هغه شخص چه د مفلس ټول یا ځینی مالونه پټ کی که څه هم د هغه ښځه یا یو د اصولو او فروعو څخه یی وی.

۲- هغه شخص چه د دائنینو د جملی څخه نه وی او د تقلب په وسیله د صلحی پوری مربوطو مذاکرو کښی دخالت وکی یا د تقلب په وسیله د مفلس مدیون د مرستی په منظور د حقیقت په خلاف یو دین پخپل نوم یا د بل شخص په نوم وښیي.

۳- هغه دائن چه خاصه موافقه د خپلی ګټی او د نورو دائنینو دضرر په منظور عقد کی.

۴- هغه دائن چه د تقلب په وسیله د خپل دین اندازه زیاته کی یا په مفلس یا په بل شخص خاص امتیازونه د صلحی یا د مفلس د دارایي په مذاکرو کښی د رأی ورکولو په بدل کښی یا د هغی په وعده شرط کښیږدی.

ځلور سوه او نهه اتیایمه ماده:

محکمه کولی شی چه ددې فصل ددرج شوو جرمونو د محکومیت د حکم په خپرونی امر وکی.

۱- شخصی‌که تمام یا بعضی اموال مفلس را پنهان کند گرچه زوجه یا یکی از اصول یا فروع او باشد.

۲- شخصی‌که از جمله دائنین نبوده وبوسیله تقلب در مذاکرات مربوط به صلح دخالت نماید یا به وسیله تقلب به منظور مساعدت به مدیون مفلس دینی را خلاف حقیقت به نام خود یا نام شخص دیگری وا نمود سازد.

۳- دائنی‌که موافقه خاص را به منظور منفعت خود وضرر سایر دائنین عقد نماید.

۴- دائنی‌که به وسیله تقلب اندازه دین خود را زیاد نماید یا بر مفلس یا بر شخص دیگری امتیازات خاص را در بدل دادن رأی در مذاکرات صلح یا دارائی مفلس یا وعده به آن شرط گذارد.

مادهٔ چهارصدو هشتادونهم:

محکمه می تواند به نشر حکم محکومیت جرایم مندرج این فصل امر نماید.

درویشتم فصل
دمعنوی ملکیت په حقوقو تېری

څلور سوه او نوی یمه ماده:
۱- که یو شخص د غیر د معنوی ملکیت په یوه حق چه قانون یا نړیوالی معاهدی چه افغانستان ورته الحاق کړی حمایه کړی وی، تېری وکی په نقدی جزأ چه ددولس زرو افغانیو څخه زیاته نه وی محکومیږی مگر داچه خاص قانون په زیاتی جزاء حکم کړی وی.
۲- هغه شیان چه د غیر په حق د تېری په نتیجه کښی چه په پورتنی فقره کښی درج شوی لاس ته راشی مصادره کیږي.

فصل بیست وسوم
تجاوز بر حقوق ملکیت معنوی

مادۀ چهارصدو نودم:
۱- شخصی‌که بر یك حق از حقوق ملکیت معنوی غیر که آن را قانون یا معاهده بین المللی ایکه افغانستان به آن الحاق نموده حمایه کرده باشد تجاوز نماید، به جزای نقدی‌که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد مگر این‌که قانون خاص به جزای شدیدتری حکم کرده باشد.
۲- اشیائی‌که در نتیجه تجاوز بر حق غیر مندرج فقره فوق به دست آمده مصادره می‌گردد.

څلیر ویشتم فصل
د تخریب، تلفولو او د حدودو د انتقال جرمونه
لومړی قسمت
د تخریب او تلفولو جرمونه

څلور سوه او یو نوی یمه ماده:
که یو شخص عقار یا منقول

فصل بیست وچهارم
جرایم تخریب، اتلاف وانتقال
قسمت اول
جرایم تخریب واتلاف حدود

مادۀ چهارصدو نودویکم:
شخصی‌که عقار یا مال منقول یا

یـا غیـر منقـول مـال چـه د غیـر ملکیت وی تخریب یا تلف کی یا یـی داسـتفادی څخـه وباسـی یـا ورته ضرر ورسوي یا په هر قسم چه وی هغـه بیکـاره کـی پـه متوسـط حبس چه ددوه کلونو څخه زیات نـه وی او نقـدی جـزأ چـه د لـس زرو افغانیو څخه تجاوز ونه کی یا ددې دواړو جزأګـانو څخـه پـه یـوی محکـومیږی. مګـر دا چـه قـانون زیاته شدیده جزأ ټاکلی وی.

غیر منقول ملکیت غیر را منهدم، تخریب یا تلف نماید یا آن را غیر قابل استفاده گرداند یا به آن ضرر برساند یا به هر نحوی که باشد آن را عاطـل گردانـد، بـه حـبس متوسـطی کـه از دو سـال بیـشتر نباشد و جزای نقدی که از ده هزار افغـانی تجـاوز نکنـد یـا بـه یکـی ازین دو جزا محکوم می‌گردد. مگر اینکـه قـانون جـزای شـدیدتری را پیش‌بینی کرده‌باشد.

څلور سوه او دوه نوی یمه ماده:

۱- که چېرې یو ډله چه کم تر کمه دپنځو نفرو څخه تشکیل شوی وی د غیر د ملکیت عقار یا منقول مال منهدم، خراب یا تلف کی یا یی د استفادی څخه وباسی یا ورته ضرر ورسوی یا په هر قسم چه وی هغه بیکـاره کـی. د هغـوی هـر یـو د حـالونو سره سم په متوسط حبس محکومیږي.

۲- که د پورتنی فقری جرم دعنف سره په اشخاصو واقع شی ارتکاب کـوونکی پـه اوږده حـبس چـه داووه کلونـو څخـه زیـات نـه وی محکومیږي.

مادۀ چهارصدو نودودوم:

۱- هـرگاه گروهی کـه اقـلاً از پـنج نفـر تـشکیل شـده باشـد عقـار یـا منقـول ملکیـت غیـر را منهـدم، خراب یـا تلف نمایـد یـا آن را غیـر قابـل استفاده گـرداند یـا بـه آن ضـرر برسـاند یـا بـه هـر نحـو ی‌کـه باشـد آنـرا عاطـل سـازد هریـك از آنها حسب احوال به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

۲- اگر جرم منـدرج فقره فـوق بـا عنـف بـر اشـخاص واقـع گـردد مرتکب به حبس طویلی‌که از هفت سـال بیـشتر نباشـد محکـوم می‌گردد.

۳- که د پورتنی فقری درج شوی جرم د اضطراب، نا آرامی یا د لوی فاجعی د حالت دوجود څخه په استفادی سره صورت ونیسي په اوږده حبس چه د لسو کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.

څلور سوه دری نوی یمه ماده:

۱- راتلونکی اشخاص د خساری په جبران علاوه په لنډ حبس او نقدی جزأ چه د پنځه زرو افغانیو څخه زیاته نه وی یا د دې دواړو جزأګانو څخه په یوی محکومیږي:

۱- هغه شخص چه د غیر د ملکیت د کرهنیی محصولات چه لوشوی نه وی یا په پتیو کښی هر نوع موجود نباتات تلف کی.

۲- هغه شخص چه د بل د ملکیت کرلی فصل تلف یا په کښی مضر مواد یا نباتات وشندی.

۳- هغه شخص چه د بل د ملکیت ونه د بیخه وباسی یا یی پری یایی تلف کی یا مضره لښته په کښی زرع کی او یا ورځخه دوچیدلو په منظور پوست لیری کی.

۲- که د پورتنی فقری ددرج شوی جرم ارتکاب د لمر لویدو او لمر

۳- اگر ارتکاب جرم مندرج فقره فوق با استفاده از وجود حالت اضطراب، آشوب یا فاجعه بزرگ صورت گیرد مرتکب به حبس طویلی‌که از ده سال بیتر نباشد محکوم می‌گردند.

مادۀ چهارصدو نودوسوم:

۱- اشخاص آتی علاوه بر جبران خساره به حبس قصیر وجزای نقدی که از پنج هزار افغانی تجاوز نکند یا به یکی ازین دو جزا محکوم می‌گردند:

۱- شخصی‌که حاصلات زراعتی درو ناشده یا هر نوع نبات موجود در مزرعه ملکیت غیر را تلف نماید.

۲- شخصی‌که کشت ملکیت غیر را تلف یا در آن مواد یا نباتات مضره را بپاشد.

۳- شخصی‌که درخت ملکیت غیر را ازبیخ بکشد یا قطع یا تلف نماید یا شاخچه مضره را در آن زرع نماید یا آن را به منظور خشك شدن پوست کند.

۲- اگر ارتکاب جرم مندرج فقره فوق در بین غروب و

ختو ترمنځ کم تر کمه ددری نفرو په وسیله یا ددوه نفرو په وسیله چې یو یې د عنف څخه کار واخلی یا یو د هغوی ظاهری یا پټه وسله د ځان سره ولری، صورت ومومی هر یو ارتکاب کوونکی د حالونو سره سم په متوسط حبس محکومیږي.

طلوع آفتاب اقلاً توسط سه نفر یا توسط دو نفر که یکی از آن ها از عنف کار بگیرد یا یکی از آن ها سلاح ظاهر یا پنهان حمل نماید صورت بگیرد هر یك از مرتکبین حسب احوال به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

دوه یم قسمت
دحدودو انتقال

قسمت دوم
انتقال حدود

څلور سوه او څلور نوی یمه ماده:

۱- که یو شخص د بل د ملکیت د حدودو څخه یوحد خراب کی یا بله علامه چه د مساحت یا حدود د ضبطولو په منظور یا د ملکیتونو ترمنځ د جدایي په منظور نصب شوی وی انتقال ورکی یا یې زایل کی، په متوسط حبس چه ددوه کلونو زیات نه وی یا نقدی جزأ چه د څلیر ویشتو زرو افغانیو څخه تجاوز ونه کی یا ددې دواړو جزاء ګانو څخه په یوی محکومیږي.*

۲- که د پورتنی فقری درج شوی جرم پر اشخاصو په عنف یا د بل د

مادۀ چهارصدو نودوچهارم:

۱- هرگاه شخص حدی از حدود ملکیت غیر را به نحوی از انحا عمداً خراب کند یا علامۀ دیگری را که به منظور ضبط مساحت یا حدود یا بمنظور جدائی در بین املاك نصب شده انتقال دهد، یا آنرا زایل سازد به حبس متوسط ایکه از دوسال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست وچهار هزار افغانی تجاوز نکند یا بیکی ازین دو جزا محکوم می‌گردد.*

۲- اگر جرم مندرج فقرۀ فوق با عنف بر اشخاص

* فقره (۱) ماده ۴۹۴ تعدیل گردیده، در بخش تعدیلات مراجعه شود.

ملکیت د ځمکی د غصبولو په قصد ارتکاب شی په هغه علامی چه د رسمی او نیمایی رسمی مراجعو له خوا وضع شوی وی د پورتنی منظور د پاره لیری کی ارتکاب کوونکی په متوسط حبس چه ددوه کلونو څخه کم نه وی محکومیږي.

یا به قصد غصب زمین ملکیت غیر ارتکاب گردد یا علامات از طرف مراجع رسمی ونیمه رسمی وضع گردیده باشد، مرتکب به حبس متوسطی که از دوسال کمتر نباشد محکوم می گردد.

پنځه ویشتم فصل
د حیواناتو د قتل او هغی ته د ضرر رسولو جرمونه

فصل بیست وپنجم
جرایم قتل حیوانات وضرر رساندن به آن

څلور سوه او پنځه نوی یمه ماده:
راتلونکی اشخاص د خساری په جبران علاوه په لنډ حبس او نقدی جزأ چه د پنځه زرو افغانیو څخه زیاته نه وی یا ددې دواړو جزاء گانو څخه په یوی محکومیږي:
۱- هغه شخص چه عمداً یا بی له اقتضاء د بل د ملکیت د سورلی حیوان ووژنی یا یي شدیداً زخمی کی یا په بل صورت ورته لوی ضرر ورسوي.
۲- هغه شخص چه په سیند، نهر، غدیر یا حوض کښی موجود ما هیان مسموم کی یا یی په ښکار

مادۀ چهارصدو نودوپنجم:
اشخاص آتی علاوه به جبران خساره به حبس قصیر وجزای نقدی که از پنج هزار افغانی تجاوز نکند یا به یکی ازین دو جزا محکوم می گردند:
۱- شخصی که عمداً یا بدون اقتضا حیوان سواری ملکیت غیر را بکشد یا آنرا شدیداً زخمی سازد یا به وجه دیگر به آن ضرر بزرگ برساند.
۲- شخصی که ماهی های موجود در دریا، نهر، غدیر، یا حوض را مسموم نماید یا در

کښی د ټوله ایز قتل دوسیلو څخه لکه د چاودیدونکو موادو استعمال د کیمیاوی موادو، برقی او داسی نورو وسیلو څخه کار واخلی.

۳- هغه شخص چه عمداً او بی له اقتضاء څخه د بل د ملکیت دوریښمو چنجی، د شاتو د مچیو مجموعه مړه کی او یا ورته لوی ضرر ورسوي.

شکار آن از وسایل قتل دسته جمعی مانند استعمال مواد منفجره، مواد کیمیاوی وسایل برقی وامثال آن کار بگیرد.

۳- شخصیکه عمداً و بدون اقتضا کرم ابریشم، مجموعه از زنبور عسل ملکیت غیر را بکشد یا به آن ضرر بزرگ وارد نماید.

درېیم باب
قباحتونه
لومړی فصل
د عمومی لارو او ځایونو پوری مربوط قباحتونه

باب سوم
قباحات
فصل اول
قباحات مربوط به راه ها واماکن عامه

څلور سوه او شپږ نوی یمه ماده:

راتلونکی اشخاص په لنډ حبس چه د پنځلس ورځو څخه زیات نه وی یا نقدی جزأ چه د پنځه سوه افغانیو تجاوزونه کی محکومیږي:

۱- هغه شخص چه په عمومی لار کښی بی له ضرورته او بی صلاحیت لرونکو مقامونو د اجازی څخه د ازدحام سبب وګرځی عام له دی چه په هغی کې د کندی د کنلو

مادۀ چهارصدو نودوششم:

اشخاص آتی به حبس قصیری‌که از پانزده روز بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از پنجصد افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد:

۱- شخصی‌که در راه عام بدون ضرورت یا بدون اجازه مراجع با صلاحیت سبب ازدحام گردد اعم از این‌که به کندن چقری در آن باشد

په وسیله وی یا په هغی کښې د موادو یا دداسی شیانو د اچولو په وسیله وی چه تګ او راتګ په کښی غیر مطمئن کی یا په هره وسیله چه وی د تګ او راتګ د منع کیدو سبب په کښی وګرځی.

۲- کـه څوک د نقلیه وسیلو په درولو یا توقف ورکولو د ترافیکی مقرراتو خلاف د لاری د مزاحمت سبب شی عام له دی چه ذکر شوی وسیلی د حیوان یا غیر له هغی وچلول شی. مګر داچه درول یا توقف ورکول د بارولو یا خالي کولو یا دسورلیو دپورته کیدو یا کښته کیدو په منظور په کافی اندازه صورت موندلی وی.

۳- که څوک پل یا پلچک چه د اوبو د جریان د پاسه جوړ شوی او خلک پری د تیریدو حق ولری قطع کی او د هغی په ځای بله د لارو تللو وسیله نصب نه کی.

۴- ددې مادې په ټولو درج شوو حالونو کښې به محکمه د موانعو د لیری کیدو علاوه د خساری په جبران چه د هغی څخه پیدا شوی هم حکم کوی.

یا به ګذاشتن مواد یا اشیائی که رفت وآمد را در آن غیر مطمئن ګرداند یا به هر نحوی که باشد سبب ممانعت رفت وآمد در راه مذکور ګردد.

۲- شخصی که با ګذاشتن یا توقف وسایط نقلیه خلاف مقررات ترافیکی سبب مزاحمت راه شود اعم از این که وسایط مذکور توسط حیوان یا بدون آن رانده شود مګر این که ګذاشتن یا توقف به منظور حمل کردن، خالی کردن بار یا بالاشدن یا پائین شدن راکبین به حد لازم آن صورت ګرفته باشد.

۳- شخصی که پل وپلچك راه رو بالای جریان آب را که مردم بر آن حق عبور داشته باشند قطع نموده بجای آن راه رو یا وسیله دیګری برای عبور و مرور مردم نګذارد.

۴- در تمام احوال مندرج این ماده محکمه علاوه بر مصارف رفع موانع به جبران خساره ناشی از آن نیز حکم می نماید.

څلور سوه اواوه نوی یمه ماده:
راتلونکی اشخاص په نقدی جزأ چه ددوه سوو افغانیو څخه زیاتی نه وی محکومیږي:
۱- کـه څوك خپله امتعه پـه ځایو او وختونـو کـی چـی د صـلاحیت لـرونکو مقـامـاتو لـه خـوا منـع شـوی وی د خرڅولـو د پـاره عرضـه کی مگر دا چه قانون بل ډول حکم کړی وی.
۲- کـه څـوك پـه عمـومی لار کـی څاروي یـا عـرادی وتړی او یـایی و دروی یا یی ومینځی او د هغـی پـه اثـر په لار کښی ازدحـام یا لارویـو ته تـکلیف پیدا شی.

مادۀ چهارصدو نودوهفتم:
اشخاص آتی به جزای نقدی که از دوصـد افغـانی تجـاوز نکنـد محکوم می گردند:
۱- شخصی‌که امتعـه خـود را در مواضع واوقاتی که از طرف مراجع با صلاحیت ممنوع قرار داده شده بـرای فـروش عرضـه نمایـد مگـر اینکـه قـانون طـور دیگـری حکـم کرده باشد.
۲- شخـصی‌کـه در راه عـام حیوانات یا عـراده جات را بسته یا استاده کند یا بشوید وبه اثر آن در راه عام ازدحـام یا به عـابرین مزاحمت تولید گردد.

څلور سوه او اته نوی یمه ماده:
کـه څـوك د ترافیکـی علامـو څخـه یوه علامه چی په عمومی لار یـا په عمـارت نـصب ده یـا هغـه علامـی چی د مسافو د تاکلو یا د ښارونو، لارو یـا نـورو عمـومی ځـایونو د ښـودنی د پـاره نـصب دی د شـکل تغییر ورکی یـا یی خوا تـه تغـییر ورکی په حبس چی د یـوی میاشتی زیـات نـه وی یـا نقـدی جزأ چـی د

مادۀ چهارصدو نودوهشتم:
شخـصی‌کـه علامـه از علایـم ترافیکی را که در راه عام یا بر بنا نصب گردیده یا علایمی را کـه بـه منظـور تعیـین مـسافه‌هـا یـا رهنمـائی بـه شـهرها، راه‌هـا یـا محـلات عـام دیگـر نـصب گردیـده تغییـر شکـل بدهد یـا جهت آنرا تغییر دهد به حبسی‌که از یك ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از

پنځه سوه افغانیو څخه تجاوز و نه کی محکومیږی .

پنج صد افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد .

څلور سوه او نهه نوی یمه ماده:
راتلونکی اشخاص په حبس چه د یوی میاشتی زیات نه وی یا نقدی جزاء چه دیو زرو افغانیو څخه تجاوز ونه کی محکومیږي:
۱- هغه شخص چه د اخطار یی یا تنویری علامی په ایښودلو کښی په هغه ځایونو کښې چه په عمومی لار کښې کنده کنی یا په کښی مالونه وړی، اهمال کی.
۲- هغه شخص چی د پورتنی فقری، اخطاریه یا تنویری علامه د مینځه ویسی.
۳- هغه شخص چی چراغ چه د عمومی لاری یا میدان د روښانه کولو دپاره ورځخه کار اخیستل کیږی مړ، لیری یا تلف کی .

مادۀ چهارصدو نودونهم:
اشخاص آتی به حبسی‌که از یکماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردند :
۱- شخصی‌که در گذاشتن علامۀ اخطاریه یا تنویری در مواضعی‌که در راه عام حفر می کند یا در آن اموال را می گذارد اهمال نماید .
۲- شخصی‌که علامات اخطاریه یا تنویری مندرج فقره فوق را از بین ببرد .
۳- شخصی‌که چراغی را که بمنظور روشن کردن راه یا میدان عام بکار رفته گل، دور یا تلف نماید .

پنځه سوه ومه ماده:
راتلونکی اشخاص په حبس چی د یوی میاشتی زیات نه وی یا نقدی جزاء چی د یو زرو افغانیو څخه تجاوز ونه کی محکومیږی:
۱- هغه شخص چی په لاره کښی

مادۀ پنجصدم:
اشخاص آتی به حبسی‌که از یکماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردند :
۱- شخصی‌که بدون احتیاط لازم

داسی مواد واچوی چی د لارو یو د اذیت باعث شی یا بی له احتیاطه په عمومی یا خاصه لار کښی داسی شیان زورند کی که ولویږی خلکو ته اذیت یا تکلیف تولید وی.

۲- هغه شخص چی بی د لازمی احتیاط څخه جامد یا مایع مواد یا غاز په انسان واچوی که څه هم د هغی په اثر کومه جسمی صدمه و نه رسیږی.

در راه عام موادی را بیندازد که باعث اذیت عابرین گردد یا بدون احتیاط لازم در راه عام یا خاص اشیائی را آویزان کند که اگر بیفتد برای مردم اذیت یا مضایقت تولید کند.

۲- شخصی‌که بدون احتیاط لازم مواد جامد، مایع یا گاز را بر انسان بیندازد گرچه به اثر آن کدام صدمه جسمی عاید نگردد.

پنځه سوه او یوومه ماده:

که څوک بی د مجاز ځایونو څخه اعلانونه نصب یا زورند کی یا بی له حق اعلانونه د مجاز ځایونو څخه لیری، تلف یا د شکل تغییر ورکی په نقدی جزأ چه دیو زر افغانیو څخه زیاته نه وی محکومیږي.

مادهٔ پنجصدو یکم:

شخصی‌که اعلانات را در غیر از جاهای مجاز نصب یا تعلیق نماید یا بدون حق اعلانات را از جاهای مجاز دور، تلف یا تغییر شکل دهد به جزای نقدی که از هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

پنځه سوه او دوه یمه ماده:

راتلونکی اشخاص په حبس چه دلس ورځو څخه زیات نه وی یا نقدی جزأ چه د سل افغانیو څخه تجاوز ونه کی محکومیږي:

۱- هغه شخص چه په عمومی لار یا میدان کښی بی له احتیاطه او

مادهٔ پنجصدو دوم:

اشخاص آتی به حبسی‌که از ده روز بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه صد افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردند:

۱- شخصی‌که در راه یا میدان های عام بدون احتیاط و بی

بی پروایی د حیوان د سورلی یا د هغی د ځغلولو په وسیله د خلکو دروحی یا جسمی اذیت سبب شی.

۲- هغه شخص چه دلمر لویدو او لمر ختو تر منځ په عمومی لارو او میدانونو کښی نقلیه وسیلې بی له دی چه ددواړو خواوو چراغونه یی روښانه کی ودروی یا یی وځغلوی.

پروائی توسط سواری حیوان یا دواندن آن یا به وسیله وسایط نقلیه سبب اذیت روحی یا جسمی مردم گردد.

۲- شخصی‌که در بین غروب و طلوع آفتاب در راه یا میدان های عام وسایط نقلیه را بدون روشن کردن چراغ هر دو طرف ایستاده کرده یا آن را براند.

دوه یم فصل
قباحتونه چه د خلکو د آرامتیا پوری مربوط دی

فصل دوم
قباحات مربوط به آسایش عامه

پنځه سوه او درېیمه ماده:

هغه شخص ته چه صلاحیت لرونکو مقامونو د یوی بنا چه لویدو ته نږدی ده د ترمیم یا تخریب اخطار ورکړی او هغه ورځخه ځان وژغوری یا اهما ل وکی په نقدی جزاء چه د زرو افغانیو څخه زیاته نه وی محکومیږي.

په دې شرط چه په خاص قانون کښی زیاته شدیده جزأ نه وی تاکل شوی.

مادهٔ پنجصد و سوم:

شخصی را که مراجع با صلاحیت به ترمیم یا تخریب بنای نزدیك به سقوط اخطار داده و او از آن امتناع یا اهمال ورزد به جزای نقدی که از هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

مشروط بر این‌که در قانون خاص جزای سنگین تری پیش بینی نشده باشد.

پنځه سوه او څلورمه ماده:
راتلونکی اشخاص په حبس چه دیوی میاشتی زیات یا نقدی جزاء چه دیو زر افغانیو څخه تجاوز ونه کی محکومیږي:
۱- هغه شخص چه بی د صلاحیت لرونکو مقامونو د اجازی څخه په داسی ځایونو کښې د اور په لوبو او د هغی په امثالو بوخت شی چه په هغی کښی داور اخیستلو، تلف کیدو او یا ضرر خطر متصور وی.
۲- هغه شخص چه په ښار یا قریه کښی دننه اوربلوونکی وسله، باروت یا نور منفلقه مواد استعمال کی.
۳- هغه شخص چه عمداً د آرن، غالمغال، تخریش کوونکو آوازونو او دهغی په امثالو د نورو د اذیت سبب شي.
۴- هغه شخص چه داسی لیونی چه خلک ورڅخه ویریږی په عمومی لار کښی خوشی کی.
۵- هغه شخص چه دیو حیوان په باره کښی چه په حیازت کښې یی دی یایی مسئولیت په اوږو دی د خطر د مخنیوی یا ممکن ضرر

مادۀ پنجصدو چهارم:
اشخاص آتی به حبسی‌که از یکماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردند:
۱- شخصی‌که بدون اجازه مقامات مربوط در جاهای به آتش بازی و امثال آن بپردازد که در آن خطر حریق، تلف و یا ضرر متصور باشد.
۲- شخصی‌که در داخل شهر یا قریه، اسلحه ناریه یا باروت یا دیگر مواد منفلقه را استعمال نماید.
۳- شخصی‌که عمداً بوسیله هارن، غالمغال، آواز های تخریش کننده وامثال آن سبب اذیت دیگران گردد.
۴- شخصیکه دیوانه را که مردم از او می ترسند در راه عام رها سازد.
۵- شخصی‌که در مورد حیوانی که در حیازت او است یا مسؤلیت آنرا بدوش دارد، احتیاط لازم را از جلوگیری خطر یا ضرر

لازمی احتیاط ونه کی.

درېیم فصل
د عمومی صحت پوری مربوط قباحتونه

پنځه سوه او پنځمه ماده:
راتلونکی اشخاص په حبس چه دیوی میاشتی زیات نه وی یا نقدی جزأ چه دیو زر افغانیو څخه تجاوز ونه کی محکومیږي:
۱- که څوک د انسان جسد په ښار، قریی یا په داسی ځای او محل کښی چه صلاحیت لرونکی مراجع په هغی کښی د ښخولو اجازه نه وی ورکړی ښخ کی.
۲- که څوک په سیند، نهر، ویالی کوڅی، یا په روانو اوبو کښی چتل مواد چه صحت ته مضر وی واچوی.

پنځه سوه او شپږمه ماده:
راتلونکی اشخاص په حبس چه د پنځلس ورځو څخه زیات نه وی یا نقدی جزاء چه د پنځه سوه افغانیو څخه تجاوز ونه کی محکومیږي:
۱- که څوک په سرک، عمومی لار، میدان یا په عمومي تفریح ځای ممکنه اتخاذ ننماید.

فصل سوم
قباحات مربوط به صحت عامه

مادۀ پنجصدو پنجم:
اشخاص آتی به حبسی‌که از یکماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردند:
۱- شخصی‌که جسد انسان را در شهر، قریه یا در جای ومحلی‌که مراجع با صلاحیت اجازه دفن را در آن نه داده باشد دفن نماید.
۲- شخصی‌که در دریا، نهر، جوی، کوچه، یا درآب جاری مواد کثیفه را که به صحت مضر باشد بیندازد.

مادۀ پنجصدو ششم:
اشخاص آتی به حبسی‌که از پانزده روز بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از پنجصد افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردند:
۱- شخصی‌که در سرك، راه عام، میدان یا تفریح گاه عمومی مواد

کښی ګنده شوی مواد، کثافتونه، جارو شوی خاوری، چټلی اوبه او نور چه صحت ته مضر وی واچوی.

۲- که څوک په عمدی توګه یا په اهمال بخار، دود، چټلی اوبه، یا نور مواد چه دضرر د اذیت یا د خلکو د چټلیدو سبب شی خوشی کی.

۳- که څوک ددود کش، تنور یا نورو دستګاوو په اصلاح کولو او نظافت کښې چه په کښی اور استعمالیږي اهمال وکی.

گندیده کثافات، خاك روبه، آب کثیف وغیره اشیای را که به صحت مضر باشد بیندازد.

۲- شخصی‌که عمداً یا به اهمال بخار، دود، آب کثیف یا مواد دیگری‌که سبب ضرر، اذیت یا آلوده شدن مردم گردد رها نماید.

۳- شخصی‌که در نظافت یا اصلاح دودکش، تنور یا دستگاه هائی‌که آتش در آن استعمال می‌شود اهمال نماید.

پنځه سوه او اووم ماده:

هغه شخص چه د طبابت یا صحی کار او کسب لری او د معاینو یا تداوی په وخت کښی د مړی یا زخمی په بدن داسی زخمونه مشاهده کی چه د جرم په نتیجه کښی ورته رسیدلي یا قرائن په داسی ډول وی چه د جرم اشتباه پیداکی، نو چه صلاحیت لرونکی مقامونه خبر نه کی په حبس چه ددری میاشتو زیات نه وی یا نقدی جزأ چه ددری زرو افغانیو څخه تجاوز ونه کی محکومیږي.

مادۀ پنجصدو هفتم:

شخصی‌که پیشه طبابت یا صحی را دارد ودر اثنای معاینات یا تداوی در بدن مرده یا مجروح زخمهای را مشاهده کند که در نتیجه جرم به او رسیده یا قرائن طوری باشد که اشتباه جرم را بار آورد، مقامات باصلاحیت را اطلاع ندهد، به حبسی‌که از سه ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

څلورم فصل
داملاکو، مالونو او حیواناتو پوری مربوط قباحتونه

پنځه سوه او اتمه ماده:
راتلونکی اشخاص په حبس چه دلس ورځو څخه زیات یا نقدی جزاء چه ددری زرو افغانیو تجاوز ونه کی محکومیږي:
۱- که شخص ناحقه د کرهنی یاکرلو د پاره په تیاره شوی ځمکه کښی یا په کرهنه کښی چه نه وی لوشوی، د حیواناتو سره یا بی له هغی تیر شی.
۲- که څوک ناحقه په ځمکه یا باغ کښی رمه یا نور حیوانات وځروی یا پریږدی چه په کی وځریږي.
۳- که څوک تیږه یا نور سخت مواد یا کثافات په نقلیه وسیلو، کور، بنأ، باغ یا د بل د ملکیت په احاطه کښی گذار کی.
۴- که څوک په نهر، ویالی، حوض یا په نورو روانو اوبو کښی ادوات یا نور داسی شیان چه د هغی په وسیله د خلکو لمبا اخلال یا داوبو مجری تنگه شی واچوی.

فصل چهارم
قباحات مربوط به املاك ، اموال وحیوانات

مادۀ پنجصدو هشتم:
اشخاص آتی به حبسی‌که از ده روز بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه صد افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردند:
۱- شخصی‌که بدون حق در زمین آماده شده برای زراعت، یا کشت شده یا در زراعت درو ناشده یا حیوان یا بدون آن از آن عبور کند.
۲- شخصی‌که بدون حق در زمین یا باغ رمه یا حیوانات دیگر را بچراند یا بگذارد که در آن بچرد.
۳- شخصی‌که سنگ یا مواد سخت دیگر یا کثافات را به وسایط نقلیۀ خانه، بنأ، باغ یا احاطه ملك غیر پرتاب نماید.
۴- شخصی‌که در نهر، جوی، حوض ویا در دیگر مجاری آب ادوات یا اشیای که بوسیله آن آب بازی اشخاص اخلال گردد یا مجاری آب تنگ شود بیندازد.

پنځه سوه او نهمه ماده:
که څوک په خطا د غیر د ملکیت حیوان مړ یا زخمی کی په لنډ حبس چه دلس ورځو زیات نه وی یا نقدی جزأ چه ددری سووافغانیو څخه تجاوز و نه کی محکومیږي.

مادۀ پنجصدونهم:
شخصی‌که به سبب خطا حیوان ملکیت غیر را بکشد یا جرح نماید به حبس قصیری‌که از ده روز بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه صد افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

پنځه سوه اولسمه ماده:
۱- که څوک اهلی یا الفت نیوونکی حیوان په بی رحمی مثله یا تعذیب کی یا په بله وسیله ورسره بده معامله وکی په لنډ حبس چه ددری میاشتو زیات نه وی یا نقدی جزاء چه ددری زرو افغانیو څخه تجاوز ونه کی محکومیږي.
۲- که څوک د سورلی یا بار وړونکی حیوان د طاقته پورته بارکی یا مریض ، زخمی یا معلول حیوان چه د کار طاقت نه لری په کار واچوی دپورتنی فقری په عین ټاکل شوی جزاء محکومیږي.

مادۀ پنجصدو دهم:
۱- شخصی‌که حیوان اهلی یا الفت گیرنده را بیرحمانه تعذیب یا مثله نماید یا به وسیله دیگر با آن معامله سوء نماید ، به حبس قصیریکه از سه ماه بیشتر نباشد یا جزای نقد ی که از سه هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.
۲- شخصی‌که حیوان سواری یا بارکش را فوق طاقت بار نماید یا حیوان مریض، زخمی یا معیوب را که طاقت کار را نداشته باشد بکار اندازد بعین جزای پیش بینی شده فقرۀ فوق محکوم می‌گردد.

پنځم فصل
دعمومی ادبونو پوری مربوط قباحتونه

پنځه سوه او یوولسمه ماده:
که څوک په بنار، قریی یا کلی کښی د حیا څخه منافی غسل وکی یا په عام محل کښی په لوڅ ځان د ادب څخه منافی ظاهر شی په حبس چه د لس ورځو زیات نه وی یا نقدی جزاء چه د سل افغانیو څخه تجاوز ونه کی محکومیږي.

پنځه سوه او دوولسمه ماده:
که څوک په عمومی محلونو کښی د آدابو څخه د منافی قصد یا هدف په منظور ترصد وکی په حبس چه دلس ورځو څخه زیات نه وی یا نقدی جزأ چه د سل افغانیو څخه تجاوز ونه کی محکومیږي.

فصل پنجم
قباحات مربوط به آداب عامه

مادۀ پنجصدو یازدهم:
شخصی‌که در شهر، قریه یا ده بصورت منافی حیا غسل نماید یا در محل عام در حالت عریان منافی ادب ظاهر گردد، به حبسیکه از ده روز بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از صد افغانی تجاوز نکند، محکوم می گردد.

مادۀ پنجصدو دوازدهم:
شخصی‌که در محلات عمومی به قصد یا هدف منافی آداب ترصد نماید به حبسی‌که از ده روز بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از صد افغانی تجاوز نکند، محکوم می گردد.

شپږم فصل
دهوټلونو دمنتظمینو پوری مربوط قباحتونه

پنځه سوه او دیارلسمه ماده:
کـــه دهوټـــل ، میلمـــستونو، مـسافرخانو یـا غرفـو چـه د شـپې دتیریدو په منظور جوړی او آمـاده شـوی وی د خاونـدانو څخـه یـو او دنـورو تورسـتیکی مؤسـسو اداره کوونکی دمسافرینو یا د ذکر شوو ځـایونو داوسـیدونکو هویـت دمربوطو مقرراتو سره سم دثبتولو مراعـات ونـه کـی یـا پـه کـښی اهـمال وکـی پـه حـبس چـه ددری مـیاشتو زیـات نـه وی یـا نـقدی جزأ چـه ددری زرو افغانـیو څخـه تجـاوز ونه کی محکومیږي.

اووم فصل
متفرقه حکمونه

پنځه سوه څوارلسمه ماده:
۱- کـه څـوک د کیمیـاوی مخـدره مـوادو د مـشتقاتو څخـه چـه دیـو شخص دعقلي یا ذهني یوی ملکي

فصل ششم
قبـاحات مربـوط به منتظمین هوتلها

مادۀ پنجصدو سیزدهم:
هرگـاه یکـی از صـاحبان هوتـل، مهمان خانه، مسافر خانه یـا غرفـه هـا ی کـه بـه منظـور شـب گـذشتاندن اشخاص تهیه وآمـاده شـده باشـد وسـایر تأسیـسات تورستیك در ثبت هویت مسافرین یا ساکنین امـاکن مذکور طـبق مقـررات مربـوط رعایـت ننمایـد ویـــا در آن اهـــمال ورزد ، بـه حبسیکه از سه ماه بیشتر نبـاشـد یـا جـزای نقد یکه از سه هـزار افـغانی تجـاوز نکـند محکـوم می گردد.

فصل هفتم
احکام متفرقه

مادۀ پنجصدو چهاردهم:
۱- شخصی‌کـه یکی از مـشتقات مواد کیمیاوی مخدره را کـه زایـل کننـده یکـی از ملکـات عقلی یـا

زایلیدونکی ګرځیدلي وي او استعمال یي د چټک اعتیاد او دصعب العلاج مرض دایجاد سبب شي، استعمال کي د مخدره نیشه یي موادو پوری د مربوطو حکمونو سره سم مجازات کیږي.

۲- د پورتنی فقری ددرج شوو موادو واردول، ساتنه، خرڅول، خرڅولو ته عرضه کول، انتقال یا رواجول جنایت دی ارتکاب کوونکی یي په اوږده حبس محکومیږي.

ذهنی شخص گردیده و استعمال آن سبب اعتیاد سریعانه و ایجاد مرض صعب العلاج گردد استعمال نماید طبق احکام مربوط به استعمال مواد مخدره و مسکره مجازات می‌گردد.

۲- تورید، نگهداشت، فروش، عرضه به فروش، انتقال و یا ترویج مواد مندرج فقره فوق جنایت بوده مرتکب به حبس طویل محکوم می‌گردد.

پنځه سوه او پنځلسمه ماده:

۱- که یو شخص نور په تهدید، عنف یا په هره بله وسیله چه وي برمته کی په اوږده حبس محکومیږي.

۲- که په برمته نیولی شوی شخص زخمی، معلول یا ووژل شی ارتکاب کوونکی د اصلی جرم په ټاکلی جزاء محکومیږي.

په دې شرط چه ددې مادې د پورتنی فقری ددرج شوی جزأ څخه کمه نه وی.

۳- که ارتکاب کوونکی ددې مادې د (۱) فقری ددرج شوی جرم

مادۀ پنجصدو پانزدهم:

۱- هرگاه شخص دیگران را به تهدید، عنف ویا بهر وسیله از وسایل دیگر گروگان بگیرد به حبس طویل محکوم می گردد.

۲- اگر شخص گروگان گرفته شده مجروح، معلول یا مقتول گردد مرتکب به جزای پیش بینی شده اصل جرم محکوم می گردد.

مشروط بر اینکه از جزای مندرج فقرۀ فوق کمتر نباشد.

۳- اگر مرتکب باثر ارتکاب جرم مندرج فقره (۱) این ماده پول یا

په اثر پیسی یا ګټه تر لاسه کی دعین مال په ورکولو یا د هغی د مثل په قیمت هم محکومیږي.

پنځه سوه او شپاړسمه ماده:
که څوک د خلکو دکار قوه په فریب یا حیلی استثمار کی یا یی خرڅه کی یا دیو خارجی خوا سره د هغوی د کار په قوه معامله وکی دخساری په جبران علاوه په اوږده حبس محکومیږي.

پنځه سوه او اووه لسمه ماده:
۱- که څوک کونډه نجۀ یا نجلی چه د اتلس کلنی عمر یی پوره کړی دهغی درضا او رغبت په خلاف میړه ته ورکی دحالونو سره سم په لنډ حبس محکومیږي.
۲- که دپورتنی فقری درج شوی جرم د بدو ورکولو په شکل وی ارتکاب کوونکی په متوسط حبس چه ددوه کلونو څخه زیات نه وی محکومیږي.
۳- ددې مادی د (۱-۲) فقرو ددرج شوو جرمونو په باره کښې جزائی دعوی هغه وخت اقامه

منفعتی را بدست آورده باشد برد عین مال یا قیمت مثل آن نیز محکوم می‌گردد.

مادۀ پنجصدو شانزدهم:
شخصی‌که نیروی کار مردم را به فریب یا حیله استثمار نماید یا بفروش رساند ویا به یکی از جهات خارجی نیروی کار آنها را مورد معامله قرار دهد، علاوه بر جبران خساره به حبس طویل محکوم می‌گردد.

مادۀ پنجصدو هفدهم:
۱- شخصی‌که زن بیوه یا دختری را که سن هجده سالگی را تکمیل نموده باشد به خلاف رضا ورغبت وی به شوهر دهد حسب احوال به حبس قصیر محکوم می‌گردد.
۲- اگر جرم مندرج فقره فوق به شکل بد دادن باشد مرتکب به حبس متوسط که از دوسال بیشتر نباشد محکوم می گردد.
۳- دعوی جزائی در موردجرایم مندرج فقرات (۱-۲) این ماده وقتی اقامه شده

کیدی شی چه مجنی علیها شکایت وکی.

می تواند که مجنی علیها شکایت نماید.

پنځه سوه او اتلسمه ماده:
که څوک عمداً برق، ګاز، اوبه، معدنی پیداوار یا د ځنګلو ونی د صلاحیت لرونکو مقامونو د اجازی په غیر د خپل ځان کې یا په کښی مالکانه تصرف وکی د هغه دا عمل دغلا په حکم کښی دی ارتکاب کوونکی علاوه د مال یاد هغی دمثل د قیمت په ورکولو په حبس چه ددوه کلونو څخه زیات نه وی یا نقدی جزأ چه څلیر ویشتو زرو افغانیو څخه تجاوز ونه کې محکومیږي.

مادۀ پنجصدو هجدهم:
شخصی‌که عمداً برق، ګاز، آب، پیداوار معادن ویا اشجار جنګلات را بدون استیذان مقامات صلاحیتدار تصاحب یا تصرف مالکانه نماید این عمل وی در حکم سرقت بوده مرتکب علاوه بر رد مال یا قیمت مثل آن به حبسی‌که از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

پنځه سوه او نولسمه ماده:
که څوک لقطه یا ورک شوی مال په لاس راوړی یا یی پیداکی بی د معقول عذر څخه دیوی هفتی په موده کښی د محل نږدی اداری ته یا د مال خاوند ته چه تشخیص شی تسلیم نه کی علاوه له دی چه د مکافات څخه محرومیږي په نقدي جزاء چه دري سوه افغانیو څخه زیاته نه وي

مادۀ پنجصدو نزدهم:
شخصی‌که مال لقطه ویا مال مفقود را دستیاب یا دریافت نماید بدون عذر موجه ودرظرف یك هفته آنرا جهت تسلیم دهی به نزدیکترین اداره محل ویا به صاحب مال در صورتی‌که تشخیص شود تسلیم ندهد ،علاوه بر محرومیت از مکافات به جزای نقدی که از سه صد افغانی بیشتر

محکومیږي.

پنځه سوه او شلمه ماده:
۱- کـه څـوک دخاصـو مقرراتـو د حکمونـو څخـه چـه دیـوی اداری، امنیتـی، ښـاروالی او ترافیکـي مرجع له خوا ددې قانون د حکمونو سره سم وضع او نافذ شوی وی ځان وژغـوری د ټاکـل شـوی جـزأ پـه ورکولو په هغه ترتیب چه په ذکر شـوو مقرراتـو کـښی تنظیم شـوی مکلـف دی پـه دی شـرط چـه پـه مقرراتو کښی ټاکل شوی جزأ ددې قـانون د (۲۶) مـادی ددرج شـوی قباحت د اکثری نـقدی اندازی جزأ څخه تجاوز ونه کی.
۲- کـه پـه خاصـو مقرراتـو کـښی د هغـی د حکمونـو څخـه د تخلـف د پاره جزأ نه وی ټاکل شـوی متخلف په نقدی جزأ چـه ددوه سوه افغانیو څخه زیاته نه وی مکلف دی.
۳- خـاص مقـررات پـه هـیڅ صورت بی لـه نقدی جزأ چه ددې مـادی پـه (۱) فقـری پـه حـدودو کـښی ذکر شوی بلـه جزأ نـه شـی ټاکلي.

نباشد محکوم می‌گردد.

مادۀ پنجصدو بیستم:
۱- شخصی‌که از احکام مقررات خاصی‌که از طرف یکی از مراجع اداری، امنیتـی، شـاروالی هـا و ترافیـك مطـابق بـه احکـام قـانون وضـع ونافـذ گردیـده باشـد تخلف ورزد، بـه تادیـه جزای نقدی پیش بینی شده به ترتیبی‌که در مقررات مربوطـه تنظیـم شـده مکلـف مـی گـردد. مـشروط بـر ایـن‌کـه جـزای پیش بینی شده در مقررات از حد اکثـر جزای نقـدی قباحت منـدرج مـاده (۲۶) ایـن قـانون تجـاوز ننماید.
۲- اگـر در مقـررات خـاص جـزای برای تخلف از احکام آن پیش بینی نـشده باشـد متخـلف بـه جزای نقـدی کـه از دو صـد افغـانی تجاوز نکند مکلف می‌گردد.
۳- مقـررات خـاص بـه هـیچ وجـه بجـز از جـزای نقـدی در حدودیکـه در فقره (۱) ایـن مـاده تـذکر یافتـه است جـزای دیگـری را پـیش بینـی نموده نمی‌تواند.

پنځه سوه او یوویشتمه ماده:
په هغه مواردو کښی چه خاصو قوانینو جزائي حکمونه تنظیم کړی وی ارتکاب کوونکی دخاصو قوانینو ددرج شوو حکمونو سره سم مجازات کیږي. مګر په هغه حالونو کښی چه دې قانون د هغی په خلاف تصریح کړی وی.

مادۀ پنجصدو بیست ویکم:
در مواردی‌که قوانین خاص احکام جزائی را تنظیم کرده باشد مرتکیبین مطابق به احکام مندرج قوانین خاص مجازات می‌گردند. مگر در احوالیکه این قانون بخلاف آن تصریح کرده باشد.

پنځه سوه او دوه ویشتمه ماده:
ددې قانون دنافذیدو سره سم د مامورینو دجرایمو او دعامو ګټو او امنیت په خلاف د جرایمو دجزأ د اصولنامی درج شوی حکمونه چه د ۱۳۴۱ کا ل دلیندی د میاشتی په شپږ ویشتمه نیټه خپره شوی او د رشوت د مجازات د تعقیب قانون چه د ۱۳۵۱ کال د کب دمیاشتي په پنځلسمه نیټه خپور شوی او دجزائی قوانینو د حکمونو څخه هر حکم چه صراحتاً یا دلالتاً ددې قانون دیوه حکم داحکامو سره مناقض وي ملغي پیژندل کیږي. د عسکري جزأ قانون ددې حکم څخه مستثنی دی.

مادۀ پنجصدو بیست ودوم:
با انفاذ این قانون احکام مندرج قانون جزای جرایم مامورین و جرایم علیه امنیت ومنفعت عامه مورخه (۲۶) قوس ۱۳۴۱ هـ.ش وقانون تعقیب و مجازات رشوت (۱۵) حوت سال ۱۳۵۱ و هر حکم از احکام قوانیني جزائی ایکه صراحتاً یا دلالتاً مناقض با حکمی از احکام این قانون باشد ملغی شناخته می‌شود. قانون جزای عسکری ازین حکم مستثنی می باشد.

پنځه سوه اودر ویشتمه ماده:
دا قانون (۳۰) ورځی وروسته په رسمي جریده کښې دخپریدو څخه نافذ‌ږي.

مادۀ پنجصدو بیست وسوم:
این قانون (۳۰) روز بعداز نشر در جریده رسمی نافذ می‌گردد.

تعدیلات قانون جزا

دجمهوري رياست مقام
د۱۳۵۶کال دمرغومي
دمياشتي دنهه ويشتمي
نيټي (۲۰۰۷) ګڼه فرمان

ښاغلي محترم عدليه وزير!
دوزيرانو مجلس د (۵۵۱) پريکړي لاندي د۱۳۵۶/۱۰/۲۷ نيټي په غونډې کې دعدليي دوزارت د(۴۴۱۴) ګڼي، د۱۳۵۶/۱۰/۲۶ نيټي عرض پاڼي ته په کتلوسره لاندني مراتب تصويب کړل:
«دمدني قانون يوه لمبر ضميمه په څلورو فقروکي دننه اودجزاء د قانون يوه لمبر ضميمه په اووفقروکي دننه چې په پيشنهاد کي درج شوي او ددارالانشاء مهر پرلګيدلي دي منظور ده.»

جمهور رئيس محمد داود

فرمان شماره (۲۰۰۷)
مؤرخ بیست ونهم جدی
سال ۱۳۵۶ مقام
ریاست جمهوری

شاغلی محترم وزیر عدلیه!
مجلس وزراء تحت فیصله شماره (۵۵۱) درجلسهٔ تاریخی ۱۳۵۶/۱۰/۲۷ باملاحظهٔ ورقهٔ عرض شماره (۴۴۱۴) مؤرخ ۱۳۵۶/۱۰/۲۶ وزارت عدلیه مراتب آتی را تصویب نمود:
«ضمیمهٔ نمبر یک قانون مدنی بداخل چهار فقره وضمیمهٔ نمبر یک قانون جزاء بداخل هفت فقرهٔ مندرج پیشنهاد که به مهر دارالانشاء رسیده منظور است.»

محمد داود رئیس جمهور

دجزاء د قانون یوه لمبر ضمیمه

۱- د(۳۱۴) مادی تعدیل:
«که ددی قانون د (۳۱۳) مادی د درج شوو جرمونو ارتکاب کوونکی دعمومی خدمتونو موظف نه وی د حالونو سره سم په لنډ یا متوسط بند محکومیږی.»

۲- د (۳۱۶) مادی تعدیل:
«۱- که څوک ددی قانون د (۳۱۳) مادی د (۱) فقری درج شوی تزویر شوی پانی او د (۳۱۴) او (۳۱۵) مادو درج شوی تزویر شوی پانی سره ددی چه په تزویر علم ولری استعمال کی د حالونو سره سم په متوسط یا اوږده بند محکومیږی.»
۲- که څوک ددی قانون د (۳۱۳) مادی د (۲) فقری تزویر شوی پانی سره ددی چه دهغی په تزویر علم ولری استعمال کی د حالونو سره سم په لنډ یا متوسط بند محکومیږی.»

۳- د (۳۱۹) مادی تعدیل:
«د جزاء د قانون د (۳۱۹) مادی (۲) فقره دی حذف شی او د (۱)

ضمیمهٔ نمبر یك قانون جزاء

۱- تعدیل مادهٔ (۳۱۴):
«هرگاه مرتکب جرایم مندرج مادهٔ (۳۱۳) این قانون مؤظف خدمات عامه نباشد حسب احوال به حبس قصیر یا متوسط محکوم می‌گردد.»

۲- تعدیل مادهٔ(۳۱۶):
«۱- شخصی‌که اوراق تزویر شدهٔ مندرج فقرهٔ (۱) مادهٔ (۳۱۳) و اوراق تزویر شدهٔ مندرج مواد (۳۱۴ و ۳۱۵) این قانون را با وجود علم به تزویر استعمال نماید حسب احوال به حبس متوسط یا طویل محکوم می‌گردد.»
۲- شخصی‌که اوراق تزویر شدهٔ فقرهٔ (۲) مادهٔ (۳۱۳) این قانون را با وجود علم به تزویر آن استعمال نماید حسب احوال به حبس قصیر یا متوسط محکوم می‌گردد.»

۳- تعدیل مادهٔ (۳۱۹):
«فقرهٔ (۲) مادهٔ (۳۱۹) قانون جزاء حذف شود و

فقری درج شوی حکمونه دی د ذکر شوی مادی د پوره متن په حیث د ذکر شوی فقری د حذف سره، وپیژندل شی. »

احکام مندرج فقرهٔ (۱) بحیث متن کامل مادهٔ متذکره با حذف فقرهٔ مذکور شناخته شود.»

۴- د (۳۲۱) مادی تعدیل:
«که څوک ددی قانون د (۳۱۹) او (۳۲۰) مادو درج شوی تزویر شوی تصدیق سره ددی چه د هغی په تزویر علم ولری، استعمال کی په داسی توګه چه هغه محکمی یا د دولت یو واك لرونکی مقام ته وړاندی کی عیناً د ذکر شوو مادو په پیشبینی شو و جزا ګانو محکومیږی.»

۴- تعدیل مادهٔ (۳۲۱):
«شخصی‌که تصدیق مزورمندرج مواد (۳۱۹ و ۳۲۰) این قانون را با وجود علم به تزویر آن استعمال نماید طوری‌که آنرا به محکمه یا یکی از مقامات با صلاحیت دولت تقدیم نماید به عین جزای پیش بینی شده مواد متذکره محکوم می‌گردد.»

۵- د (۳۴۶) مادی تعدیل:
«د هر نوع منع کړه شوو شیانو په واردولو او صادرولو پوری د مربوطو جرمونو غور د قاچاق دانسداد د قانون د حکمونو تابع دی او ارتکاب کوونکی د حالونو سره سم د ذکر شوی قانون په پیشبینی شوی جزاء محکومیږی.»

۵- تعدیل مادهٔ (۳۴۶):
«رسیدگی به جرایم مربوط به ورود و صدور هر نوع اشیای ممنوعه تابع احکام قانون انسداد قاچاق بوده و مرتکب حسب احوال به مجازات پیش بینی شدهٔ قانون مذکور محکوم می‌گردد.»

۶- د (۴۲۷) مادی تعدیل:

«کـه څوك د مـؤنثی سـره زنـا یـا لواطت او یـا د نارینه سره لواطت وکی،زنا کوونکی او زنا کړه شوی، لواطـت کـوونکی او لواطـت کـړه شوی هر یـو د حالونو سره سم پـه متوسـط او یـا پـه اوږده بنـد محکومیږی.»

۶- تعدیل مادۀ (۴۲۷):

«شخـصی‌کـه بـا مؤنـث زنـا و یـا لـواط و یـا بـا مـذکر لـواط نمایـد زانـی و زانیـه لایـط و ملـوط هـر واحـد حسب احـوال بـه حبس متوسط و یـا حـبس طـویـل محکوم می‌گردد.»

۷- د (۴۹۴) مـادی دلمـړی فقری تعدیل:

(د جزاء د قـانون د (۴۹۴) مـادی د (۱) فقری په آخر کښی دی (یا ددی دواړو جزاء ګانو څخه په یوی) جمله حذف شی.)

۷- تعـدیل فقـرۀ اول مـادۀ (۴۹۴):

(در فقـرۀ (۱) مـادۀ ۴۹۴ قـانون جزاء جمله (یا بـه یکی از ایـن دو جزاء) در اخیر فقرۀ مذکور حذف شود.)

داضمیمه په رسمی جریدی کښی دخپریدو وروسته نافذیږی.

ایـن ضـمیمه بعـد نـشر در جریـدۀ رسمی نافذ می‌گردد.

(دجزاء دقانون یوه لمبرضمیمه د ۱۳۵۶ کال دسلواغی په دیرشمه نیټه په (۳۹۱) ګڼه رسمي جریده کـې خپـره شـوي ده.)

(ضـمیمۀ نـمبر (۱) قـانون جـزاء در جـریدۀ رسمی شماره (۳۹۱) مـؤرخ ۱۳۵۶/۱۱/۳۰ نـشر گـردیده اسـت.)

د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د انقلابي شورا د رئیسه هیأت فرمان

د جزاء د قانون د دوهمی ګڼی ضمیمی په هکله

دکابل ښار
۹/۱۸/۱۳۶۰

د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د اساسی اصولو د (۴۴) مادی سره سم د انقلابی شورا رئیسه هیأت په لاندی ډول تصویب کوی:

لومړی ماده:
د جزاء د قانون (۹۳) ماده دی په لاندی ډول تعدیل شی:
هغه شخص چی د جرم د ارتکاب په وخت کی یی د اتلس کلنی عمر بشپړ کړی وی په اعدام محکوم کیدلای شی.

دوهمه ماده:
دغه ضمیمه د تصویب له نیټی نه نافذه ده او په رسمی جریده کی

فرمان هیأت رئیسهٔ شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان

در بارهٔ ضمیمهٔ نمبر (۲) قانون جزاء

شهر کابل
۱۳۶۰/۹/۱۸

مطابق به مادهٔ (۴۴) اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان هیأت رئیسهٔ شورای انقلابی ذیلاً تصویب می‌دارد:

مادهٔ اول:
مادهٔ (۹۳) قانون جزاء قرار ذیل تعدیل گردد:
شخصی‌که هنگام ارتکاب جرم سن هجده سالگی را تکمیل کرده باشد محکوم به اعدام شده می تواند.

مادهٔ دوم:
این ضمیمه از تاریخ تصویب نافذ و در جریدهٔ رسمی نشر

خپریږی.

ببرک کارمل
د افغانستان دموکراتیک
جمهوریت دانقلابي شورا د رئیسه
هیأت صدر

(دجزاء دقانون دوهمه ګڼه ضمیمه د ۱۳۶۰ هـ.ش کال دمرغومی په لومړی نیټه، (۴۹۸) ګڼه رسمی جریده کې خپره شوی ده.)

می گردد.

ببرک کارمل
صدرهیأت رئیسۀ شورای
انقلابی جمهوری دموکراتیک
افغانستان

(ضمیمۀ نمبر دوم قانون جزاء در جریدۀ رسمی شماره (۴۹۸) ۱۳۶۰/۱۰/۱ نشر گردیده است.)

د جزاء د قانون د درېیمی ګنی ضمیمی په هکله

د کابل ښار
۱۳۶۲/۹/۲۳

د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د انقلابی شورا رئیسه هیأت د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د اساسی اصولو د (۴۴) مادی د حکم په اساس تصویبوی:

لومړی ماده:

د جزاء د قانون (۹۸) ماده دی په لاندی ډول تعدیل شی:

اعدام عبارت دی د محکوم علیه له تیر باران څخه د مړینې تر وخته.

دوهمه ماده:

دغه ضمیمه د تصویب له نیټې څخه نافذه او په رسمی جریده کی خپریږی.

در بارهٔ ضمیمهٔ شماره سوم قانون جزاء

شهر کابل
۱۳۶۲/۹/۲۳

هیأت رئیسهٔ شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان بتأسی از حکم مادهٔ (۴۴) اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان تصویب می‌دارد:

مادهٔ اول:

مادهٔ (۹۸) قانون جزا قرار ذیل تعدیل گردد:

اعدام عبارت است از تیر باران محکوم علیه تا وقت مرگ.

مادهٔ دوم:

این ضمیمه از تاریخ تصویب نافذ و در جریده رسمی نشر می‌گردد.

ببرک کارمل
د افغانستان ددموکراتیک
جمهوریت دانقلابي شورا د رئیسه
هیأت صدر

(دجزاء د قانون درېیمه ګڼه ضمیمه
د ۱۳۶۲ هـ. ش کال دمرغومی د
۱۵ نیټي په (۵۴۷) ګڼه رسمی
جریده کې خپره شوی ده.)

ببرک کارمل
صدرهیأت رئیسۀ شورای
انقلابی جمهوری دموکراتیک
افغانستان

(ضمیمۀ شماره سوم قانون
جزاء درجریدۀ رسمی شماره
(۵۴۷) مؤرخ ۱۳۶۲/۱۰/۱۵
نشر گردیده است)

د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت

د انقلابي شورا د رئیسه هیأت فرمان

کابل ښار

ګڼه: ۱۲۸
نیټه: ۱۳۶۶/۴/۲۰

د اختلاس، بډه اخیستلو او قاچاقو د جرمونو د مجازاتو د سختولو په هکله

دافغانستان دموکراتیك جمهوریت د انقلابی شورا رئیسه هیأت د دولتی او عامه شتمنیو داختلاس، بډه اخیستنی او قاچاق د جرمونو د مجازاتو د سختولو په منظور د افغانستان دموکراتیك جمهوریت د اساسی اصولو د (۴۴) مادی د حکم پر اساس تصویبوی:

لومړی ماده:
د جزاء د قانون په (۱۴۸) ماده کی شپږمه فقره دی په لاندی ډول

فرمان هیأت رئیسهٔ شورای انقلابی

جمهوری دموکراتیک افغانستان

شهر کابل

شماره: ۱۲۸
تاریخ: ۱۳۶۶/۴/۲۰

در مورد تشدید مجازات جرایم اختلاس، رشوت و قاچاق

هیأت رئیسهٔ شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان بمنظور تشدید مجازات جرایم اختلاس اموال دولتی و عامه، رشوت و قاچاق بتأسی از حکم مادهٔ (۴۴) اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان تصویب می‌دارد:

مادهٔ اول:
در مادهٔ (۱۴۸) قانون جزاء فقرهٔ شش ذیلاً ایزاد

ورزیاته شی:
۶- په هغه صورت کی چی د دولتی او عامه شتمنیو اختلاس له یو ملیون افغانیو څخه په زیاتو پیسو او همدغه راز بډه اخیستنه له سل زره افغانیو څخه زیاتره د عامه خدماتو د دنده لرونکی په واسطه صورت نیولی وی.

څلورمه ماده:
دا فرمان دتصویب له نیټی څخه نافذ او په رسمي جریده کې دې خپور شی.

حاجي محمد څمکنی
د افغانستان د دموکراتیک
جمهوریت د انقلابي شورا درئیسه
هیأت دصدر دمقام سرپرست

(پورتنی فرمان د ۱۳۶۶ هـ. ش کال دوږی دمیاشتی په پنځلسمه نیټه (۶۴۶) ګڼه رسمی جریده کې خپور شوی دی.)

می گردد:
۶- در صورتی که اختلاس اموال دولتی و عامه به مبلغ زیاد تر از یک ملیون افغانی و همچنان رشوت زیاد تر از یکصد هزار افغانی توسط مؤظف خدمات عامه صورت گرفته باشد.

مادۀ چهارم:
این فرمان ازتاریخ تصویب نافذ و در جریدۀ رسمی نشر گردد.

حاجی محمد څمکنی
سرپرست مقام صدرهیأت
رئیسۀ شورای انقلابی
جمهوری دموکراتیک افغانستان

(فرمان فوق درجریدۀ رسمی شماره (۶۴۶) مؤرخ ۱۳۶۶/۶/۱۵ نشر گردیده است.)

د افغانستان جمهوریت دجمهور رئیس فرمان

ګڼه: ۱۳۲۰
نېټه: ۱۳۷۰/۱۰/۲۴

د افغانستان په جمهوریت کې داعدام دحکم دتحدید دقانون په هکله دتقنیني فرمان دتوشیح په باب

د افغانستان جمهوریت داساسي قانون د (۱۰۴) مادي دحکم پر اساس د افغانستان په جمهوریت کې داعدام دحکم دتحدید د قانون په باب د وزیرانو شوري د ۱۳۷۰/۱۰/۹ نېټې (۷۵) ګڼه تقنیني فرمان په (۳) مادوکې توشیح کوم.

د وزیرانو شوري مکلفه ده دغه فرمان او نومورې قانون دملی شوري لومړنی اجلاس ته د منظورۍ لپاره وړاندی کړي.

دغه فرمان له نومورې تقنیني فرمان او قانون سره په رسمی جریده کې دخپرولو له پاره د افغانستان جمهوریت دعدلیي

فرمان رئیس جمهور جمهوری افغانستان

شماره: ۱۳۲۰
تاریخ: ۱۳۷۰/۱۰/۲۴

در بارهٔ توشیح فرمان تقنینی در مورد قانون تحدید حکم اعدام در جمهوری افغانستان

به تأسی ازحکم مادهٔ (۱۰۴) قانون اساسی ج .ا فرمان تقنینی شماره (۷۵) مؤرخ ۱۳۷۰/۱۰/۹ شورای وزیران را پیرامون قانون تحدید حکم اعدام در جمهوری افغانستان. به داخل (۳) ماده توشیح می‌دارم.

شورای وزیران مؤظف است فرمان و قانون متذکره را در اولین اجلاس شورای ملی جهت منظوری ارائه نماید.

این فرمان همراه بافرمان تقنینی و قانون متذکره جهت نشر در جریدهٔ رسمی به وزارت عدلیه ج.ا گسیل

وزارت ته دې واستول شی. گردد.

نجیب الله
د افغانستان جمهور رئیس

نجیب الله
رئیس جمهور افغانستان

د افغانستان جمهوریت د وزیرانو شوري تقنیني فرمان

ګڼه: ۷۵
نیټه: ۱۳۷۰/۱۰/۹

د افغانستان په جمهوریت کې داعدام دحکم دتحدید دقانون په هکله

۱- د افغانستان جمهوریت داساسي قانون د (۱۰۴) مادې دحکم پر بنسټ د افغانستان په جمهوریت کې داعدام دحکم دتحدید قانون وضع کیږي.
۲- دغه فرمان د افغانستان جمهوریت داساسي قانون د (۱۰۴) مادې دحکم له مخې توشیح له پاره د جمهوري ریاست مقام ته دې وړاندی شی.

فضل الحق خالقیار
صدراعظم

فرمان تقنینی شورای وزیران جمهوری افغانستان

شماره: ۷۵
تاریخ: ۱۳۷۰/۱۰/۹

درمورد قانون تحدید حکم اعدام درجمهوری افغانستان

۱-به تأسی ازحکم مادۀ (۱۰۴) قانون اساسی ج . ا قانون تحدید حکم اعدام در جمهوری افغانستان وضع می‌گردد.
۲-این فرمان برطبق حکم مادۀ (۱۰۴) قانون اساسی ج . ا جهت توشیح به مقام ریاست جمهوری ارایه گردد.

فضل الحق خالقیار
صدراعظم

د افغانستان په جمهوریت کې داعدام دحکم دتحدید په باب قانون

دغه قانون د ملی روغی جوړی د انسان پالونکی تګلوری په رڼاکی او ددغه تګلوری د لاښه تحقق په خاطر د اسلام د سپیڅلی دین د اساساتو د په نظر کی نیولو په داسی حال کی چی نړیواله منل شوی معیارونه او بشرپالونکی ملاحظات د افغانستان دجمهوری دولت د عمل ملاك دي د اساسی قانون د (۳۹) او (۱۱۵) مادو د حکمونو پر بنسټ وضعه کیږی.

لومړی ماده:

د افغانستان په جمهوریت کی له لاندنیو موردونو څخه پرته د اعدام حکم نه تطبیقیږی:

۱- قصدی قتل.

۲- ډله ییزی وژنی.

۳- چاودنه (له قتل سره).

۴- لاره شکونه (له قتل سره).

۵- هغه جرمونه چی په نتیجه کی یی د افغانستان د جمهوری دولت د ځمکی ټوله او یا یوه برخه یی د بهرنی دولت تر واکمنی لاندی

قانون در مورد تحدید حکم اعدام درجمهوری افغانستان

این قانون در پرتو مشی انسان دوستانه مصالحه ملی و به منظور تحقق هرچه بیشتر این مشی با نظر داشت اساسات دین مقدس اسلام در حالی‌که معیار های قبول شدۀ جهانی و ملحوظات بشر دوستانه ملاك عمل دولت ج.۱ می‌باشد بتأسی از احکام مواد (۳۹) و (۱۱۵) قانون اساسی وضع می‌گردد:

مادۀ اول:

در جمهوری افغانستان حکم اعدام جز در موارد ذیل تطبیق شده نمی تواند:

۱- قتل عمد.

۲- کشتار جمعی.

۳- انفجار (توأم با قتل).

۴- قطاع الطریقی (توأم با قتل).

۵- جرایمی‌که در نتیجۀ آن اراضی دولت جمهوری افغانستان تماماً یا قسماً تحت حاکمیت دولت خارجی

راوستل شی او ځمکنی بشپړتیا او خپلواکی یی تاوانی کړی.

قرار داده شود و به تمامیت ارضی و استقلال آن صدمه وارد نماید.

دوهمه ماده:
دهیواد د نافذو قوانینو د موادو په ټولو حکمونو کی چی شدیده جزاء د (اعدام) مجازات پکی مسجل دی شلو کالو بندته دی تعدیل شی.

مادۀ دوم:
در تمام احکام مواد قوانین نافذ کشور که جزای اشد مجازات (اعدام) مسجل می‌باشد به بیست سال حبس تعدیل گردد.

درپیمه ماده:
دغه قانون د ۱۳۷۰ کال د جدی له (۲۵) نیټې نه نافذ او د ډله ییزو اطلاعاتو په وسیلو او رسمی جریده کی دی خپور شی.

مادۀ سوم:
این قانون اعتبار از (۲۵) جدی ۱۳۷۰ نافذ و در وسایل اطلاعات جمعی و جریدۀ رسمی نشر گردد.

(پورتنی تعدیل د ۱۳۷۰ هـ، ش کال د کب دمیاشتي د (۱۷) نیټي (۷۶۳) ګڼه رسمي جریده کې خپور شویدی.)

(تعدیل فوق در جریدۀ رسمی شماره (۷۶۳) مؤرخ ۱۳۷۰/۱۲/۱۷ نشر گردیده است.)

د افغانستان جمهوریت د جمهور رئیس فرمان

ګڼه: ۱۳۹۸
نېټه: ۱۳۷۰/۱۲/۵

د وزیرانو شورا دتقنیني فرمان دتوشیح په هکله

د افغانستان جمهوریت داساسي قانون د (۱۰۴) مادې دحکم پر بنسټ د افغانستان جمهوریت د وزیرانو شوري ۱۳۷۰/۱۱/۲۸ نیټې (۸۱) ګڼه تقنیني فرمان چې د جزاء قانون ددوه سوه درېیمې مادي دلغوه کولو په هکله وضعه شویده توشیح کوم.

د افغانستان جمهوریت د وزیرانو شوري ته دنده سپارل کیږي چې پورتنی ګڼه تقنیني فرمان او دنومورې مادې الغا دی دمنظورې لپاره د ملی شوري لومړنی غونډې ته وړاندې کړي.

دغه فرمان دوزیرانو شوري له تقنیني فرمان او دنومورې مادې له الغا سره یوځای د افغانستان جمهوریت دعدلیي وزارت ته په رسمی جریده کې دخپرولو له پاره

فرمان رئیس جمهور جمهوری افغانستان

شماره: ۱۳۹۸
تاریخ: ۱۳۷۰/۱۲/۵

دربارهٔ توشیح فرمان تقنینی شورای وزیران

بتأسی ازحکم مادهٔ (۱۰۴) قانون اساسی جمهوری افغانستان فرمان تقنینی شماره (۸۱) مؤرخ ۱۳۷۰/۱۱/۲۸ شورای وزیران جمهوری افغانستان. که درمورد الغای مادهٔ دوصد وسوم قانون جزاء وضع گردیده، توشیح میدارم.

شورای وزیران جمهوری افغانستان مؤظف است تا فرمان تقنینی شمارهٔ فوق والغاء مادهٔ متذکره را دراولین اجلاس شورای ملی غرض منظوری ارائه نماید.

این فرمان همراه بافرمان تقنینی شورای وزیران والغای مادهٔ متذکره جهت نشر درجریدهٔ رسمی بوزارت عدلیه جمهوری افغانستان

دې واستول شي.

نجیب الله
د افغانستان جمهور رئیس

د افغانستان جمهوریت دوزیرانو شوري تقنیني فرمان

ګڼه: ۸۱
نېټه: ۱۳۷۰/۱۱/۲۸

دجزاء قانون ددوه سوه درېیمی مادې دلغوه کیدو په هکله

۱-دافغانستان جمهوریت داساسي قانون (۱۰۴) مادې د حکم پر بنسټ دجزاء د قانون د دوه سوه درېیمی مادې الغا وضعه کیږي.

۲- دغه فرمان د افغانستان جمهوریت داساسي قانون د (۱۰۴) مادې دحکم له مخې دجمهوري ریاست مقام ته دې د توشیح له پاره وړاندی شي.

فضل الحق خالقیار
صدراعظم

گسیل گردد.

نجیب الله
رئیس جمهور افغانستان

فرمان تقنینی شورای وزیران جمهوری افغانستان

شماره: ۸۱
تاریخ: ۱۳۷۰/۱۱/۲۸

در مورد الغای مادۀ دوصدو سوم قانون جزاء

۱-به تأسی ازحکم مادۀ (۱۰۴) قانون اساسی جمهوری افغانستان، الغای مادۀ دوصد وسوم قانون جزاء وضع می‌گردد.

۲-این فرمان طبق حکم مادۀ (۱۰۴) قانون اساسی جمهوری افغانستان جهت توشیح به مقام ریاست جمهوری ارائه گردد.

فضل الحق خالقیار
صدر اعظم

د رسمي جريدي د ۱۳۵۵/۷/۱۵ نيټې په (۳۴۷) ګڼه کې خپور شوی دجزاء د قانون د دوه سوه درېيمې مادې دالغا طرحه

طرح الغای مادۀ دوصد وسوم قانون جزاء منتشرۀ شماره (۳۴۷) مؤرخ ۱۳۵۵/۷/۱۵ جریدۀ رسمی

لومړی ماده:
د جزاء د قانون دوه سوه درېيمه ماده دې لغوه وګڼل شي.

مادۀ اول:
مادۀ دوصدو سوم قانون جزاء ملغی شناخته شود.

دوهمه ماده:
دغه الغا له توشيح نه وروسته نافذ او په رسمي جريده کې دې خپره شي.

مادۀ دوم:
این الغا بعد از توشیح نافذ و در جریدۀ رسمی نشر گردد.

(پورتنۍ الغا د ۱۳۷۱ کال دوری د میاشتی د ۱۷ نیټې په (۷۶۵) ګڼه رسمی جریده کې خپره شوی ده.)

(الغاء فوق درجریدۀ رسمی شماره (۷۶۵) مؤرخ ۱۳۷۱/۱/۱۷ نشر گردیده است.)

قانون جرایم علیه
امنیت داخلی و خارجی

د افغانستان دموکراتیک
جمهوریت دانقلابي شور د رئیسه
هیأت فرمان
کابل ښار

ګڼه : ۱۵۳
نېټه : ۱۳۶۶/۵/۱۰

دافغانستان دموکراتیک جمهوریت د کورني او بهرني امنیت پر ضد جرمونو د قانون د تصویب په هکله

د افغانستان دموکراتیک جمهوریت د انقلابي شورا رئیسه هیأت د کورني او بهرني امنیت پر ضد جرمونو په هکله د قانونیت دتینګښت او د جزائي حکمونو د لاښه تنظیمولوپه منظور د افغانستان دموکراتیک جمهوریت د اساسي اصولو د (۴۴) مادې د حکم پر بنسټ تصویبوي:

لومړی ماده:
د افغانستان دموکراتیک جمهوریت د کورني او بهرني امنیت پر ضد جرمونو قانون په دوو فصلونو او دېرشو مادو کې تصویب دی.

فرمان
هیأت رئیسه شورای انقلابی
جمهوری دموکراتیک افغانستان
شهر کابل

شماره : ۱۵۳
تاریخ : ۱۳۶۶/۵/۱۰

دربارهٔ تصویب قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان

هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان بمنظور تحکیم قانونیت و تنظیم بهتر احکام جزائی در مورد جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی به تأسی از حکم مادهٔ (۴۴) اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان تصویب می‌دارد:

مادهٔ اول:
قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان بداخل دو فصل و سی ماده تصویب است.

دوه یمه ماده:

د (۲۵ او ۲۶) موادو څخه پرته د دې قانون د مندرجو جرمونو تحقیق د دولتي امنیت د وزارت د تحقیق د ارګانونو له لارې صورت نیسي.

د دې قانون د لومړي مادې د جرمونو تحقیق د عسکري جرمونو د قانون د تصویب په هکله د افغانستان د موکراتیک جمهوریت د انقلابي شورا د رئیسه هیأت د ۱۳۶۴/۱۱/۹ نېټې د (۱۷۷) ګڼه فرمان د دوه یمې مادې د مندرج واک په حدود کې د اړوندو ارګانونو لخوا صورت نیسي.

مادۀ دوم:

تحقیق جرایم مندرج این قانون به استثنای مواد(۲۵ و ۲۶) از طریق ارگانهای تحقیق وزارت امنیت دولتی صورت می‌گیرد.

تحقیق جرایم ماده اول این قانون در حدود صلاحیت مندرج ماده دوم فرمان شماره (۱۷۷) مؤرخ ۱۳۶۴/۱۱/۹ هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در بارۀ تصویب قانون جرایم عسکری از طرف ارگانهای مربوط صورت می‌گیرد.

درېیمه ماده:

د افغانستان دموکراتیک جمهوریت د عدلیې وزارت د دولتي امنیت وزارت او د حقوقو د ساتنې له نورو ارګانونو سره یوځای ددې قانون سره سم دیوې میاشتې په موده کې د جرمونو د کشف او تحقیق او د هغه د تطبیق پر قانونیت باندې د څارنوالۍ د څارنې د قانون د تعدیل طرح برابر

مادۀ سوم:

وزارت عدلیۀ جمهوری دموکراتیک افغانستان یکجا با وزارت امنیت دولتی و سایر ارگانهای حراست حقوق در ظرف مدت یکماه طرح تعدیل در قانون کشف و تحقیق جرایم و نظارت څارنوالی بر قانونیت تطبیق آن را مطابق این قانون تهیه و جهت

کړي او د انقلابي شورار ئيسه هيأت ته تصويب لپاره دې وړاندې کړي.

تصويب به هيأت رئيسه شورای انقلابی ارائه نمايد.

څلورمه ماده:
د افغانستان دموکراتيک جمهوريت د عدليې وزارت دنده لري د پنځلسو ورځو په بهير کې د جزاء د قانون د هغو موادو فهرست چې د دې قانون په نافذيدوسره لغو کېږي برابر کړي او د افغانستان دموکراتيک جمهوريت د انقلابي شورا رئيسه هيأت ته دې وړاندې کړي.

مادۀ چهارم:
وزارت عدليه جمهوری دموکراتيک افغانستان مؤظف است در ظرف پانزده روز فهرست مواد قانون جزاء را که با انفاذ اين قانون ملغی می‌گردد تهيه و به هيأت رئيسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتيک افغانستان ارائه نمايد.

پنځمه ماده:
دا فرمان د افغانستان دموکراتيک جمهوريت د کورنې او بهرنی امنيت پر ضد جرمونو له قانون سره يو ځای تصويبيږي او په رسمي جريده کې له خپرېدو وروسته دې نافذ شي.

مادۀ پنجم:
اين فرمان يکجا با قانون جرايم عليه امنيت داخلی و خارجی جمهوری دموکراتيک افغانستان تصويب و بعد از نشر در جريدۀ رسمی نافذ گردد.

حاجي محمد څمکنی
د افغانستان دموکراتيک
جمهوريت د انقلابي شورا د رئيسه
هيأت د صدر د مقام سرپرست

حاجی محمد څمکنی
سرپرست مقام صدر هيأت رئيسه
شورای انقلابی جمهوری
دموکراتيک افغانستان

لومړی فصل
د افغانستان د موکراتیک جمهوریت د کورنی او بهرنی امنیت پر ضد جرمونه

لومړی ماده:
وطن ته خیانت (ملی خیانت):
۱- د وګړنیز حاکمیت، صیانت، ځمکنی بشپړتیا د خپلواکی د حق او د هیواد د ملی امنیت او دفاعی وړتیا پر ضد د افغانستان دموکراتیک جمهوریت د تبعی عمدی کړه وړه دی چی عبارت دی له:
- دښمن سره پیوستون، د وګړنیز حاکمیت پر ضد وسله والـه فعالیت، جاسوسی، د ځواکونو تسلیمول، د وسلی، جګړه ایز تخنیک، استحکاماتو او د جګړی د پر مخبیولو د نورو وسیلو پریښودل، هیوادونو، یا د دولتی ضد سازمانونو او یا ډلو ته د دولتی او نظامی اسرار لرونکو معلوماتو په واک ایښودل.
- بهرنیو هیوادونو یا د دولتی ضد سازمانونو یا ډلو سره د افغانستان دموکراتیک جمهوریت پر ضد د هغوی د دښمن ډولو فعالیتونو په

فصل اول
جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان

مادۀ اول:
خیانت بوطن (خیانت ملی) :
۱- اعمال عمدی تبعۀ جمهوری دموکراتیک افغانستان علیه حق حاکمیت مردمی، صیانت، تمامیت ارضی، استقلال و امنیت ملی و قابلیت دفاعی کشور میباشد که عبارت است از:
- پیوستن به دشمن، فعالیت مسلحانه علیه حاکمیت مردمی، جاسوسی، تسلیمی نیروها، واگذاری سلاح، تخنیک محاربوی، استحکامات و سایر وسایل پیشبرد جنگ، در اختیار گذاشتن معلومات حاوی اسرار دولتی و نظامی به کشورها یا سازمان ها یا گروه‌های ضد دولتی.
- تشریک مساعی و همکاری با کشور های خارجی یا سازمان ها یا گروه های ضد دولتی در اجرای فعالیت خصمانه شان

تر سره کولو کی ګډې هلی ځلی او مرستی.

- د دولتی قدرت د تر لاسه کولو په منظور توطئه.

- وطن ته د خیانت د جرم مرتکب د دوام په بند یا اعدام او د شتمنی د مصادری په جزا محکومیږی.

۲- که د افغانستان دموکراتیک جمهوریت تبعه چی په دغه ماده کی د مندرجو جرمونو د ارتکاب قصد ولری یا د دغو جرمونو ارتکاب ته په اکراه سره اړ شوی وی د ارتکاب او تعقیب څخه د مخه دولتی مقاموته په خپله خوښه خبر ورکړی له جزا څخه معاف کیږی.

علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان.

- توطئه به منظور کسب قدرت دولتی.

- مرتکب جرم خیانت بوطن به جزای حبس دوام یا اعدام و مصادرهٔ دارایی محکوم می‌گردد.

۲- هرگاه تبعهٔ جمهوری دموکراتیک افغانستان که قصد ارتکاب جرایم مندرج در این ماده را داشته یا باکراه بارتکاب آن جرایم کشانیده شده باشد قبل از ارتکاب و تعقیب، داوطلبانه به مقامات دولتی اطلاع دهد از مجازات معاف می‌گردد.

دوهمه ماده:

جاسوسی:

بهرنی دولت، دولتی ضد سازمان یا ډلی یا د هغوی ګمارل شویو کسانو ته د تسلیمولو په منظور د دولتی اسرار لرونکو معلوماتو سپارل یا غلا کول او یا ټولول، همدغه راز د بهرنیو اطلاعاتو د خدماتو د ارګانونو په لارښودنه د هغو نورو معلوماتو ټولول او سپارل چی دافغانستان دموکراتیک جمهوریت پر ضد ورځنی کار

مادهٔ دوم:

جاسوسی:

تسلیم دهی یا سرقت و یا جمع آوری معلومات حاوی اسرار دولتی به منظور تسلیم آن به دولت خارجی سازمان یا گروه ضد دولتی یا گماشتگان آنها، همچنان جمع آوری و تسلیم دهی سایر معلومات به دستور ارگانهای خدمات اطلاعات خارجی که از آن علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان سوء

واخیستل شی، پدی شرط چی دغه عملو نه د بهرنی تبعی او تابعیت نه لرونکو کسانو لخوا تر سره شی مرتکب یی د دوام بند یا اعدام او د شتمنی د مصادری په جزا محکومیږی.

استفاده به عمل آمده بتواند، مشروط بر اینکه این اعمال از جانب تبعهٔ خارجی و افراد بدون تابعیت انجام یابد، مرتکب آن به جزای حبس دوام یا اعدام و مصادره دارایی محکوم می‌گردد.

درپیمه ماده:

ترور:

۱- چا چی دولتی، سیاسی، ټولنیز، مذهبی شخصیت د دولت استازی او د قوم قبیلی او ملیت مشران دهغوی د دولتی یا ټولنیزو دندو له امله د وګړنیز حاکمیت د ورانولو یا کمزوری کولو په خاطر وژنی مرتکب یی د دوام بند او یا اعدام او د شتمنیو د مصادری په جزا محکومیږی.

۲- که د دغی مادی په (۱) فقره کی مندرج شخص د هغه هدف له امله چی پکښی لیکلی شوی ده تر ځانی یاروانی فشارلاندی واقع شی مرتکب یی له دری نه تر لس کالو پوری د بند په جزا محکومیږی.

مادهٔ سوم:

ترور:

۱- شخصی‌که شخصیت دولتی، سیاسی، اجتماعی، مذهبی نمایندهٔ دولت و سران قوم، قبیله و ملیت رابه ارتباط وظایف دولتي و یا اجتماعی‌شان به خاطر تخریب و تضعیف حاکمیت مردمی به قتل بر ساند مرتکب آن به جزای حبس دوام و یا اعدام و مصادرهٔ دارایی محکوم می‌گردد.

۲- هرگاه شخص مندرج در فقره (۱) این ماده بنابر هدفیکه در آن درج است تحت فشار جسمی یا روانی قرار گیرد مرتکب به جزای حبس از سه الی ده سال محکوم می‌گردد.

څلورمه ماده:

۱- که د بهرنی دولت استازی جګړی ته د راپارولو یا له نورو

مادهٔ چهارم:

۱- هرگاه نمایندهٔ دولت خارجی بمنظور تحریک جنگ یا ایجاد

هیوادونو سره د افغانستان دموکراتیک جمهوریت په دیپلوماتیکو اړیکوکی د خړپړتیا د منځته راوړلو په منظور ووژل شی مرتکب یی ددوام بند اویا اعدام او دشتمنیو دمصادرې په جزا محکومیږی.

۲- که د بهرنی دولت استازی په پورتنی فقره کی د مندرج هدف له امله تر ځانی یا روانی فشار لاندی واقع شی مرتکب یی له دری څخه تر لس کاله پوری د بند په جزا محکومیږی.

تشنج در مناسبات دیپلوماتیک جمهوری دموکراتیک افغانستان با سایر کشورها بقتل برسد، مرتکب بجزای حبس دوام و یا اعدام و مصادره دارایی محکوم می گردد.

۲- هرگاه نمایندۀ دولت خارجی بنابر هدف مندرج در فقرۀ فوق تحت فشار جسمی یا روانی قرار گیرد مرتکب بجزای حبس سه الی ده سال محکوم می‌گردد.

پنځمه ماده:

ورانکاری:

۱- که څوک د وګړنیز حاکمیت او ملی اقتصاد د کمزوری کولو په منظور د چاودنی، اویا نورو وسیلو سره مؤسسی، مواصلاتی کرښی ترانسپورتی مخابراتی وسیلی او یا نور دولتی، ټولنیز، کوپراتیفی او ګډ یا شخصی مالونه وران کړی یا تاوانی کړی یا د اپیدیمی ناروغیو د خپرولو یا د کتلوی مسمومیت باعث وګرځی له لسو څخه تر شلو کالو پوری د بند په جزا محکومیږی.

مادۀ پنجم:

خرابکاری:

۱- هرگاه شخصی بمنظور تضعیف حاکمیت مردمی و اقتصاد ملی توسط انفجار وحریق یا با وسایل دیگر مؤسسات، خطوط مواصلاتی، وسایط ترانسپورتی، مخابراتی و سایر اموال دولتی، اجتماعی، کوپراتیفی و مختلط یا شخصی را تخریب نموده یا صدمه برساند یا سبب پخش امراض اپیدیمی یا مسمومیت کتلوی گردد بجزای حبس ده الی بیست سال محکوم می‌گردد.

۲- که د دغی مادی د (۱) فقری د مندرجو عملونو د ارتکاب له امله ځانی تلفات منځته راشی یا دایمی معلولیت پیښ شی یا اقتصادی لوی تاوانونه یا نور خطرناک عواقب رامنځته شی مرتکب یی د دوام په بند یا په اعدام محکومیږی.

۲- اگر در اثر ارتکاب اعمال مندرج فقرهٔ (۱) این ماده تلفات انسانی بوجود آید یا منجر به معلولیت دایمی گردد یا خسارات هنگفت اقتصادی یا عواقب وخیم دیگر بوجود آید مرتکب آن بجزای حبس دوام یا اعدام محکوم می‌گردد.

شپږمه ماده:

سبو تاژ:

۱- که څوک د عمدی یا بیله عمدی عمل سره د مؤسسو، ادارو، ټولنیزو یا خصوصی سازمانونو څخه په کار اخیستلو سره د دولتی قدرت، صنعت، سوداګری، ترانسپورت، کرنی، مالداری، مالی نظام د مخابراتو د وسیلو او د ملی اقتصاد د نورو څانګو یا د دولتی ارګانونو، ټولنیزو، کوپراتیفی او ګډو یا خصوصی سازمانونو د فعالیتونو د کمزوری کولو په منظور مختل کړی یا د هغوی له عادی فعالیتونو څخه مخنیوی وکړی احوال سره سم له دریو څخه تر لسو کالو پوری د بند په جزا محکومیږی.

۲- که د نومورو عملونو په نتیجه کی ملی اقتصاد ته لوی تاوان او

مادهٔ ششم:

سبوتاژ:

۱- هرگاه شخصی با عمل عمدی یا غیر عمدی با استفاده از مؤسسات ادارات یا سازمان‌های اجتماعی یا خصوصی به منظور تضعیف قدرت دولتی، صنعت، تجارت، ترانسپورت، زراعت، مالداری، نظام مالی، وسایل مخابرات و سایر رشته های اقتصاد ملی یا فعالیت های ارگان‌های دولتی، سازمان‌های اجتماعی، کوپراتیفی و مختلط یا خصوصی را مختل سازد یا از فعالیت های عادی آنها جلوگیری نماید حسب احوال به جزای حبس سه الی ده سال محکوم می‌گردد.

۲- هرگاه درنتیجه اعمال متذکره صدمه و زیان بزرگ متوجه

صدمه پیښ شی مرتکب یی د دوام د بند په جزا محکومیږی.

اوومه ماده:
د دولت پر ضد تبلیغ:
۱- چا چې د خپل هدفونو د تامینولو او د وګړنیز حاکمیت د کمزوری کولو په منظور په قصدی توګه اخبار اعلامیی، د رواغی څرګندونی او مغرضانه افتراآت خپری کړی یا په هره وسیله چی وي په لمسوونکی پروپاګند یا شفوی او لیکلی تبلیغ لاس پوری کړی یا دغه راز خپرونی پخپل واک ولری د منځنی بند په جزا محکومیږی.
۲- که د دغی مادی مندرج عملونه د عامه نظام د ګډوډی او د دولتی ارګانونو، مؤسسو، سازمانونو، ادارو د عادی کار په بهیر کی د ګډوډی باعث شی یا په ورانی، تالاکولو او اور اچونی تمامه شی او یا د دغو جرمونو ارتکاب د دولتی ضد ډلو سره او یا د افغانستان د دولت دښمن بهرنی دولت سره د مخابراتی تماس یا د اړیکو د نورو وسیلو نتیجه وی مرتکب یی د اوږد بند په جزا محکومیږی.

اقتصاد ملی گردد مرتکب آن به جزای حبس دوام محکوم می‌گردد.

مادۀ هفتم:
تبلیغ علیه دولت:
۱- شخصی‌که به منظور تأمین اهداف خویش و تضعیف حاکمیت مردمی عمداً اخبار اعلامیه‌ها و اظهارات دروغ و افتراآت مغرضانه را نشر نماید یا به پرو پاگند تحریک آمیز یا تبلیغ شفوی و تحریری به هر وسیله که باشد بپردازد یا چنین نشرات را در حیازت خویش داشته باشد به جزای حبس متوسط محکوم می‌گردد.
۲- اگر اعمال مندرج این ماده موجب اخلال نظام عامه و بی نظمی ها در جریان کار عادی ارگانهای دولتی، مؤسسات، سازمانها، ادارات یا منجر به تخریبات، غارت و آتش افروزی گردد و یا ارتکاب این جرایم نتیجۀ تماس مخابراتی و غیره وسایل ارتباط با گروه های ضد دولت و یا با دولت خارجی طرف خصومت دولت افغانستان باشد مرتکب آن بجزای حبس طویل محکوم می‌گردد.

۳-که د دغی مادی د مندرجو عملونو د ارتکاب په نتیجه کی د عامه نظم ګډوډی رامنځ ته شی یا ځانی تلفات منځته راشی مرتکب یی د دوام د بند یا اعدام په جزا محکومیږی.

۳- اگر در نتیجهٔ ارتکاب اعمال مندرج این ماده اخلال نظم عامه به بار آید یا تلفات انسانی بوجود آید مرتکب آن بجزای حبس دوام یا اعدام محکوم میگردد.

اتمه ماده:
د جګړې تبلیغ:
چا چې جګړه په هره بڼه چې وی تبلیغ کړی احوال سره سم د منځنی بند په جزا محکومیږی.

مادهٔ هشتم:
تبلیغ جنگ:
شخصی‌که جنگ را به هر شکلی که باشد تبلیغ نماید حسب احوا ل به جزای حبس متوسط محکوم می‌گردد.

نهمه ماده:
د کورنی او بهرنی امنیت پر ضد سازمانی فعالیت:
۱- چا چې د دی قانون د لومړی فصل د مندرجو جرمونو د ارتکاب په منظور د ټولنی، هیات یا ډلی په نامه پټ سازمان تأسیس، تنظیم یا یی اداره کړی د دوام بند په جزا محکومیږی.
۲- چا چې د دغی مادی د (۱) فقری یو د مندرجو سازمانونو یا د هغه د څانګو د یوی څانګی غړیتوب تر لاسه کړی د اوږد بند په جزا محکومیږی.
۳- چا چې پخپله یا د بل چا په

مادهٔ نهم:
فعالیت سازمانی بر علیه امنیت داخلی و خارجی:
۱- شخصی‌که سازمان مخفی را بنام جمعیت، هیأت یا گروه به منظور ارتکاب جرایم مندرج فصل اول این قانون تأسیس، تنظیم یا اداره نماید به جزای حبس دوام محکوم می‌گردد.
۲- شخصی‌که عضویت یکی از سازمانهای مندرج فقرهٔ (۱) این ماده یا فرعی از فروع آنرا حاصل نماید بجزای حبس طویل محکوم می گردد.
۳- شخصی‌که خود یا توسط

واسطه د دغی مادی د (۱) فقری د مندرجو سازمانونو د څانګو له یوی څانګی سره د ناروا هدفونو د تأمین په منظو اړیکه ټینګه کړی یا د نورو کسانو د هڅونی یا د ځانی او روانی فشار څخه په کار اخستلو سره دویری سبب شی احوال سره سم د اوږد بند په جزا محکومیږی.

شخص دیگر به سازمانهای مندرج فقرۀ (۱) این ماده به فرعی از فروع آن به منظور تأمین اهداف غیر مشروع ارتباط قایم نماید یا سبب تشویق و ارعاب اشخاص دیگر یا استفاده از فشار جسمی و روانی گردد حسب احوال بجزای حبس طویل محکوم می‌گردد.

لسمه ماده:

له بهرنیو هیوادونو سره د افغانستان د دیپلوماتیکو اړیکو پر ضد جرمونه:

که د چا کړه وړه له بهرنیو هیوادونو سره د افغانستان متقابلی اړیکی په یو ډول سره زیانمن او تاوانی کړی له دریو څخه تر لسو کالو پوری د بند په جزا محکومیږی.

که د چا کړه وړه د بهرنیو هیوادونو او افغانستان تر منځ د دیپلوماتیکو اړیکو د قطع کیدو باعث وګرځی مرتکب یی د دوام بند په جزا محکومیږی.

مادۀ دهم:

جرایم علیه مناسبات دیپلوماتیک افغانستان با کشورهای خارجی:

هرګاه عمل شخصی به نحوی از انحا به مناسبات متقابله افغانستان با دول خارجی زیان و خساره وارد نماید بجزای حبس سه الی ده سال محکوم می‌گردد.

هرګاه عمل شخصی سبب قطع مناسبات دیپلوماتیک بین افغانستان و دول خارجی گردد مرتکب آن به جزای حبس دوام محکوم می‌گردد.

دوهم فصل
د کورنی او بهرنی امنیت پر ضد نور جرمونه

یووه لسمه ماده:
د ملـی مـذهبی او نـژادی حقوقـو برابری نه په پام کی نیول:
۱- چا چی د دښمنی د راپارولو او د ملی، نژادی، مذهبی، او تبرایز او لسانی اختلافونو په مقصد په تبلیغ او ترویج لاس پوری کوی یا د قومی، ملی نژادی، مذهبی، تبریز او لسانی اړیکو پر بنسټ د اتباعو د حقوقـو پـه محـدودولو یـا د توپیرونـو پـه تـامینولو لاس پـوری کړی تر دریو کالو پوری د منځنی بند په جزا محکومیږی.
۲- په هغه صورت کی چی دغه راز کـړه وړه د اوسـیدونکو تـر مـنځ د بلـوا یـا ګـډوډی باعـث وګرځـی مرتکـب د اوږد بنـد پـه جـزا محکومیږی.

دووه لسمه ماده:
د وسـله وال پـوځ دجزوتامونو پخپل سره سوق او اداره:
چا چی په جرمی قصد سره د وسله وا ل پوځ د جزوتامونو او قطعاتو او د جګـړه ییـزی الـوتکی قیـادت د

فصل دوم
سایر جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی

مادۀ یازدهم:
نقـض تـساوی حقـوق ملـی، مذهبی و نژادی:
۱- شخصی‌که به تبلیغ یا ترویج بـه قـصد تحریـک خـصومت و اختلافـات ملـی نـژادی، مـذهبی، قبیلـوی و لـسانی پرداختـه یـا بـه محـدود سـاختن حقـوق یـا تـأمین برتـری هـای اتبـاع بنـابر تعلقـات قـومی، ملـی، نـژادی، مـذهبی، قبیلوی و لسانی بپردازد به جزای حبس متوسط الی سه سال محکوم می‌گردد.
۲- در صـورتی‌کـه چنـین اعـمال موجب شورش یـا بـی نظمـی بـین اهـالی گـردد مرتـکب آن بـه جـزای حـبس طویـل محکـوم می‌گردد.

مادۀ دوازدهم:
سـوق و اداره خـود سـرانه جـزو تامهای قوای مسلح:
شخـصی‌کـه بـه قـصد جرمـی، قیـادت جـزو تامهـا و قطعـات قـوای مـسلح و طیـاره جنـگی،

واکمن مقام د امر څخه پرته او د روا سبب څخه پرته په غاړه واخلی یا له قیادت څخه د منع کولو په هکله د دولت د امر له صادریدو سره سره خپل عمل ته ادامه ورکړی یا دا چی د وسلی د پرینبودنی په پاب د واکمن مقام د امر له صادریدونه وروسته د وسله وا ل پوځ د جزوتام قوماندان خپل تر لاس لاندی سرتیری مسلح کړی او په راټول شوی حالت وساتی د دوام بند او یا اعدام په جزا محکومیږی.

را بدون امر مقام ذیصلاح و بدون سبب مشروع به دوش گیرد یا با وجود صدور امر دولت مبنی بر منع قیادت به عمل خود ادامه دهد یا اینکه قوماندان جزو تام قوای مسلح بعد از صدور امر مقام ذیصلاح راجع به گذاشتن سلاح، عساکر تحت اثر خود را مسلح و به حالت جمع نگه دارد بجزاء حبس دوام و یا اعدام محکوم می‌گردد.

دیارلسمه ماده:
دولتی اسرار افشا کول:
۱- چا چی دولتی اسرار چی د دندی په توګه ورسپارل شویده یا د دندی د اجرا په وخت کی پری پوه شویده وطن د خیانت له قصد لرلو څخه پرته افشاء کړی د منځنی بند په جزا محکومیږی.
۲- په هغه صورت کی چی د دغی مادی د (۱) فقری مندرج عمل په اقتصادی، سیاسی او نظامی ډګرونو کی د افغانستان د موکراتیک جمهوریت ته دروند عواقب منځته راوړی مرتکب یی د اوږد بند په جزا محکومیږی.

مادۀ سیزدهم:
افشای اسرار دولتی:
۱- شخصی‌که اسرار دولتی را که منحیث وظیفه به او سپرده شده یا حین اجرای وظیفه از آن آگاهی حاصل نموده بدون داشتن قصد خیانت بوطن افشاء نماید بجزای حبس متوسط محکوم میگردد.
۲- در صورتی‌که عمل مندرج فقرۀ (۱) این ماده عواقب سنگین را برای جمهوری دموکراتیک افغانستان در عرصه های اقتصادی، سیاسی و نظامی بار آورد مرتکب آن به جزای حبس طویل محکوم می‌گردد.

څوارلسمه ماده:
د دولتی اسرار لرونکو سندونو ورکیدل:
۱- چا چی دولتی اسرار لرونکی سندونه یا هغه شیان چی د دولتی اسرارو لـه جملـی څخـه دی او د دندی په توګه ورسپارل شوی وی د هغو د ساتنی او څارنی د مقرراتو د نه په پام کی نیولو په اساس ورک کړی احوال سره سم د منځنی بند په جزا محکومیږی.
۲- که د پورتنی فقری مندرج جرم درونـد عواقـب منځتـه راوړی مرتکـب د اوږد بنـد پـه جـزا محکومیږی.

پنځلسمه ماده:
وسلی سره لوټول (باندیتیزم):
پر مؤسسو، دولتی، ټولنیزو ادارو، خـصوصی، سـهامی، گـډ، کوپراتیفی او د وګړو پر اقتصادی تأسیساتو باندی د تالاو تاوانی کولو په منظور وسله وال یر غـل سازمانـول په وسله والو ډلو کی د شرکت کولو په شمول باندیتیزم ګنـل کیـږی او مرتکـب یـی د دوام بنـد او یـا اعـدام پـه جـزا محکومیږی.

مادۀ چهاردهم:
مفقـودی اسـناد حـاوی اسـرار دولتی:
۱- شخصی‌که اسناد حاوی اسرار دولتی یا اشیاییکه از جملۀ اسرار دولتی بوده و منحیث وظیفه بوی سپرده شده باشد به اساس عدم رعایت مقررا ت حفظ و نگهداری آنهـا مفقـود نمایـد حسب احـوال بـه جـزای حبس متوسـط محکـوم می‌گردد.
۲- اگـر جـرم منـدرج فقـرۀ فـوق عواقـب سـنگینی را بـه بـار آورد مرتکب آن به جزای حبس طویـل محکوم می‌گردد.

مادۀ پانزدهم:
غارت مسلحانه (باند یتیزم) :
سازماندهی حملۀ مسلحانه بالای مؤسـسات، ادارات دولتـی، اجتماعی، تأسیسات اقتصادی، خـصوصی، سـهامی، مختـلط و کـوپراتیفی و اشـخاص بـه منظـور غـارت و صدمه رسانیدن بشمول شـرکت در گروپهـای مـسلح بانـدیتیزم نامیـده مـی‌شـود و مرتکب آن به جزای حبس دوام و یا اعدام محکوم میگردد.

شپاړسمه ماده:
یرغمل نیول:
۱- که څوک نور کسان په ګوابښ او جبر او یا د نورو وسیلو نه په هره وسیلی سره یرغمل ونیسی د اوږد بند په جزا او د هماغه مال یا بیه یی او یا هغه ګټه چی تر لاسه کړی وی په بیرته ورکولو یی محکومیږی.
۲- که یرغمل شوی شخص ټپی معلول او یا ووژل شی مرتکب یی د دوام بند یا اعدام او د هماغه مال یا بیه یی او یا د هغی ګټی په مستردولو محکومیږی چی لاس ته راوړی وی.

مادۀ شانزدهم:
گروگان گیری:
۱- هرگاه شخصی دیگران را به تهدید و عنف و یا به هر وسیله از وسایل دیگر گروگان بگیرد به جزای حبس طویل و رد عین مال یا قیمت پول و یا منفعتی را که به دست آورده باشد محکوم میگردد.
۲- اگر شخص گروگان گرفته شده مجروح، معلول و یا مقتول گردد مرتکب به جزای حبس دوام یا اعدام و رد عین مال یا قیمت پول و یا منفعتی را که بدست آورده باشد محکوم می‌گردد.

اووه لسمه ماده:
د نړیوالو الوتنو مقررات نه په پام کی نیول:
که د افغانستان دموکراتیک جمهوریت د فضا له لارې څخه ننوتل او وتل له رسمی اجازې څخه پرته او همدغه راز د مجازو مشخصو تګلارو، د کښته کیدو د ځایونو، هوایی دروازې، د الوتنی جګوالی په هکله د نه پاملرنی یا د نړیوالو الوتنو له مقراتو څخه نوری سر غړونی صورت ونیسی

مادۀ هفدهم:
نقض مقررات پروازهای بین المللی:
هرگاه ورود و خروج از طریق فضای جمهوری دموکراتیک افغانستان بدون اجازۀ رسمی و همچنین عدم رعایت خط السیرهای مشخص مجاز، محلات فرود آمدن دروازه‌های هوایی ارتفاع پرواز یا سایر تخلفات از مقررات پروازهای بین‌المللی صورت گیرد مرتکب آن

مرتکب یی د منځنی بند په جزا محکومیږی.

به جزای حبس متوسط محکوم می‌گردد.

اتلسمه ماده:
د عامه تأسیساتو غیر قانونی نیول:
چا چی له زور څخه په کار اخیستلول سره د دولتی ودانیو مؤسسو او نورو ځایونو په نیولو چی د عامو ګټو په منظور جوړشوی دی لاس پوری کړی احوال سره سم د اوږد یا دوام بند په جزا محکومیږی.

مادۀ هجدهم:
اشغال غیر قانونی تأسیسات عامه:
شخصی‌که با استعمال قوه به اشغال بناء های دولتی ، مؤسسات و دیگر اماکن که بمنظور منفعت عامه اعمار گردیده اقدام نماید ، حسب احوال به جزای حبس طویل یا دوام محکوم می‌گردد.

نولسمه ماده:
د پیسو او ارزښت لرونکو پانو جعل کول او رواج کول یی:
۱- که چا په افغانستان کی مروجی پیسی ارزښت لرونکی سندونه یا بهرنی اسعار په هر کیفیت چی وی جعل کړی د دوام بند په جزا محکومیږی.
۲- هغه چا چی د علم په لرلو سره جعلی پیسی یا ارزښت لرونکی پانی رواج کړی یا وچلوی یا د رواج کولو یا چلولو په قصد یی په خپل واک کی ولری د اوږد بند په جزا چی له لسو کالو څخه زیاته نه وی محکومیږی.

مادۀ نزدهم:
جعل پول و اوراق بهادار و ترویج آن:
۱- هر گاه شخص به هر کیفیتی که باشد پول مروج در افغانستان، اسناد بهادار یا اسعار خارجی را جعل نماید به جزای حبس دوام محکوم می‌گردد.
۲- شخصی‌که با وجود علم، پول جعلی یا اوراق بهادار را ترویج یا به آن معامله یا به قصد ترویج یا معامله آنرا در حیازت خود داشته باشد به جزای حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

۳- چا چی د علم لرلو سره سره یا د بل چا په واسطه جعلی پیسی یا ارزښت لرونکی پانې افغانستان ته داخل یا وباسی د اوږد بند په جزا محکومیږی.

۴- چا چی آلی، ادوات او وسیلی د پیسو یا ارزښت لرونکو پانو د جعل کولو په منظور جوړ کړی یا په کار واچوی یا یی وپلوری یا یی خرڅلاوته وړاندی کړی یا یی په اجاره ورکړی او یا په خپل واک کی ولری د اوږد بند په جزا چی له لسو کالو څخه کمه نه وی محکومیږی.

۳- شخصی‌که با وجود علم خود یا توسط شخص دیگری پول یا اوراق بهادارجعلی رابه افغانستان داخل یا خارج نماید به جزای حبس طویل محکوم میگردد.

۴- شخصی‌که آلات، ادوات یا وسایل را به منظور جعل پول و اوراق بهادار بسازد یا بکار برد یا بفروشد یا به فروش عرضه نماید یا به اجاره دهد یا در حیازت خود در آورد به جزای حبس طویل که از ده سال کمتر نباشد محکوم می‌گردد.

شلمه ماده:

دولتی ضد سازمانونو ته د پیسو او مادی مرستو راټولول:

چا چی پخپله یا د بل چا په واسطه په یو ډول سره د دی قانون د مندرجو موادو د جرمونو د ارتکاب په منظور له کورنیو او بهرنیو منابعو څخه پیسی یا هر راز مادی ګټی یا مرستی تر لاسه کړی احوال سره سم د اوږد بند په جزا محکومیږی.

یو ویشتمه ماده:

د جګړی په وخت کی غیر قانونی سوداګری:

مادۀ بیستم:

جمع آوری پول و کمک مادی به سازمانهای ضد دولتی:

شخصی‌که خود یا توسط شخص دیگر به نحوی از انحا مبالغ پولی یا هر نوع منفعت یا مساعدت مادی دیگر را از منابع داخلی و یا خارجی به منظور ارتکاب جرایم مندرج مواد این قانون بدست آرد، حسب احوال بجزای حبس طویل محکوم می‌گردد.

مادۀ بیست و یکم:

تجارت غیر قانونی در زمان جنگ:

۱- که چا د جګړې په وخت کې پخپله یا د خپل استازي په واسطه د افغانستان دموکراتیک جمهوری دولت سره په جګړه کې شامل بهرنی دولت سره یا د هغه دولت په استازي سره په هر ځای کې چې استوګنه ولري د افغانستان دموکراتیک جمهوری دولت له موافقې څخه پرته د سوداګرۍ اړیکې تینګې کړي د جرم د موضوع د مالونو پر مصادره کیدو بر سیره د اوږد بند په جزا چې له لسو کالو څخه زیاته نه وي محکومیږي.

۲- که د دغې مادې د (۱) فقرې د مندرج جرم د موضوع شیان ضبط شوي نه وي محکمه د بیې په ورکولو هم حکم کوي.

۱- هرګاه شخصی در زمان جنګ خود و یا توسط نمایندۀ خویش با دولت خارجی داخل جنګ با دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان یا با نماینده دولت مذکور در هر جائیکه اقامت داشته باشد بدون موافقۀ دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان مناسبات تجارتی را قایم نماید علاوه بر مصادرۀ اموال موضوع جرم به جزای حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

۲- اگر اشیاء موضوع جرم مندرج فقرۀ (۱) این ماده ضبط نگردیده باشد محکمه به تادیۀ قیمت آن نیز حکم نماید.

دوه ویشتمه ماده:
د جګړې په وخت کې د ژمنو له تر سره کولو څخه ډډه کول:

۱- که چا د جګړې په وخت کې د وسله وال پوځ د اړتیاوړ موادو د واردولو یا رسولو په هکله له دولت سره د خپلې ژمنې د ټولې یا یوې برخې په تر سره کولو کې یا د اوسیدونکو د لومړنې اړتیا وړ خوراکي موادو کې په قصدي توګه

مادۀ بیست و دوم:
تعلل از اجرای تعهدات در زمان جنګ:

۱- هرګاه شخصی در زمان جنګ به اجرای تمام یا قسمتی از تعهدات خود با دولت مبنی بر توریـد یا رسانیدن مواد مورد ضرورت قوای مسلح یا مواد ارتزاقی مورد نیاز اولیه اهالی را عمداً خلل وارد نماید به

خنډواچوی، د اوږد بند په جزا محکومیږی.
۲- که د پورتنی فقری مندرج جرمونه د هیواد د دفاعی ځواک یا دوسله وال پوځ دعملیاتو په کمزوری کولو منجر شی مرتکب یی د دوام بند په جزا محکومیږی.
۳- که څوک د جګړې په بهیر کی د ورسپارل شویو دندو له سرته رسولو څخه تعلل وښیی د منځنی بند په جزا محکومیږی.

جزای حبس طویل محکوم می‌گردد.
۲- اگر جرایم مندرج فقرهٔ فوق منجر به تضعیف قدرت دفاعی کشور یا عملیات قوای مسلح گردد مرتکب به جزای حبس دوام محکوم می‌گردد.
۳- اگر شخص درجریان جنگ از اجرای وظایف محوله تعلل ورزد به جزای حبس متوسط محکوم می‌گردد.

دری ویشتمه ماده:
د دښمن له پوځ سره مرسته کول:
که څوک ځانته یا بل چاته د مادی یا معنوی ګټی د لاس ته راوړلو په منظور په مستقیمه یا غیر مستقیمه توګه د دی قانون د موادو له مندرجو حالتونو څخه پرته د دښمن پوځ ته کوم خدمت سرته ورسوی د اوږد بند په جزا چی له لسو کالو څخه زیاته نه وی محکومیږی.

مادهٔ بیست و سوم:
مساعدت به قوای دشمن:
هرگاه شخص به منظور بدست آوردن منفعت مادی یا معنوی برای خود یا شخص دیگر به قوای دشمن طور مستقیم یا غیر مستقیم در غیر از حالات مندرج مواد این قانون خدمتی را انجام دهد به جزای حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

څلیر ویشتمه ماده:
دولتی بیرغ او نښان ته سپکاوی:
چا چی د علنی وسیلو په یوه سره د افغانستان د دولت بیرغ یا نښان ته سپکاوی وکړی احوال سره

مادهٔ بیست و چهارم:
توهین به بیرق و نشان دولتی:
شخصی‌که توسط یکی از وسایل علنی بیرق یا نشان دولت افغانستان را توهین نماید حسب

سم د منځنی بند په جزا محکومیږی.

احوال به جزای حبس متوسط محکوم می‌گردد.

پنځه ویشتمه ماده:
د اخلاقی فساد په منظور د شیانو برابرول او خرڅول:
۱- چا چی مطبوعات، مخطوطات رسمونه، سلایدونه، کلیشی مجسمی انځور شوی تصاویر، رمزی اشاری او نور هغه شیان او تصاویر چی د عامه کلتور او آدابو سره توپیر ولری د سوداګری، ویشلو، اجاری، وړاندی کولو یا نښلولو په قصد جوړ کړی یا پخپل واک کی ولری برابر یا صادر او یا وارد یی کړی احوال سره سم له یوه څخه تر دری کاله پوری د بند په جزا محکومیږی.
۲- په هغه صورت کی چی د دی مادی د (۱) فقری مندرج عملو نه د اخلاقی فساد په منظور صورت ونیسی احوال سره سم له یوه څخه تر پنځه کاله پوری د بند په جزا محکومیږی.

مادۀ بیست و پنجم:
تهیه و فروش اشیاء بمنظور فساد اخلاقی:
۱- شخصی‌که مطبوعات، مخطوطات، رسم‌ها، سلایدها، کلیشه ها، مجسمه ها، تصویر های نقش شده، اشاره های رمزی و سایر اشیا و تصاویریکه منافی کلتور و آداب عامه باشد، به قصد تجارت، توزیع، اجاره، عرضه، یا الصاق بسازد یا در حیازت خود داشته باشد و یا تهیه و یا صادر یا وارد نماید حسب احوال به جزای حبس از یک الی سه سال محکوم می‌گردد.
۲- در صورتی‌که اعمال مندرج فقرۀ (۱) این ماده به منظور فساد اخلاقی صورت گیرد حسب احوال به جزای حبس از یک سال الی پنج سال محکوم می‌گردد.

شپږ ویشتمه ماده:
د فرهنګی او لرغونو اثرونو څخه ناروا ګټه اخیستل او غلا کول:
۱- د فرهنګی او لرغونو اثرونو او قلمی اثرونو څخه ناروا ګټه اخیستنه او غلا کول یی او په عامه شتمنیو پوری مربوط خپرونو تابلوګانو، مجسمو او نورو فرهنګی او لرغونو اثرونو څخه ګټه اخستنه او همدغه راز لیږدول، ورکول او په کرایه ورکول یی له یوه څخه تر دری کاله پوری د بند د جزا وړ دی.
۲- د فرهنګی اثرونو غلا کول، خرڅول، له منځه وړل یا په قصدی توګه ورانول یی د اوږد بند د جزا یا د تاوان د پوره کولو او اندول نغدی جریمی وړ دی.

مادۀ بیست و ششم:
سوء استفاده و سرقت آثار فرهنگی و باستانی:
۱- سوء استفاده و سرقت از آثار فرهنگی و باستانی و آثار قلمی و استفاده از نشرات، تابلوها، مجسمه‌ها و سایر آثار فرهنگی و باستانی متعلق به دارایی عامه و همچنان انتقال، اهدا و کرایه دهی آن مستلزم جزای حبس از یک الی سه سال می‌باشد.
۲- سرقت، فروش، از بین بردن یا تخریب عمدی آثار فرهنگی مستلزم جزای حبس طویل یا جبران خساره و جریمۀ نقدی معادل آن می‌باشد.

اووه ویشتمه ماده:
د کورنی او بهرنی امنیت پر ضد جرمونو په هکله خبر نه ورکول:
که څوک وطن ته د خیانت، ترور، جاسوسی، ورانکاری، کار ماتولو، د جګړې د تبیغاتی جرمونو، د دولتی ضد جرمونو د سازمانولو او باندیتیزم د ارتکاب په هکله

مادۀ بیست و هفتم:
عدم اطلاع دهی در مورد جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی:
هرگاه شخصی دربارۀ ارتکاب جرایم خیانت بوطن، ترور، جاسوسی خرابکاری، کار شکنی، تبلیغات جنگ، سازماندهی جرایم ضد دولتی، باند یتیزم، اطلاعات

باوری خبرتیا ولری او د وګړنیز حاکمیت ارګانونو ته خبر ور نکړی د منځنی بند په جزا محکومیږی.

موثق داشته باشد و از آن به ارگانهای حاکمیت مردمی خبر ندهد به جزای حبس متوسط محکوم می‌گردد.

اته ویشتمه ماده:
د دولتی ضد جرمونو او د ملی ګټو پر ضد د نورو جرمونو پټول:
که څوک وطن ته د خیانت، جاسوسی، تروریستی، ورانکاری، کارماتولو، دولتی ضد عملونو د سازمانولو، باندیتیزم د پیسو او ارزښت لرونکو پانو د جعل کولو د اټکل شویو جرمونو په هکله له مرتکبینو سره د مخکنی توافق څخه پرته خبرتیا ولری او پټ یی کړی د منځنی بند په جزا محکومیږی.

مادۀ بیست و هشتم:
اخفای جرایم ضد دولتی و سایر جرایم علیه منافع ملی:
هرگاه شخصی دربارۀ جرایم پیشبینی شده خیانت بوطن، جاسوسی، تروریستی، خرابکاری، کار شکنی سازماندهی اعمال ضد دولتی، باند یتیزم، جعل پول و اوراق بهادار بدون توافق قبلی با مرتکبین اطلاع داشته باشد آنرا مخفی نگهدارد به جزای حبس متوسط محکوم می‌گردد.

نهه ویشتمه ماده:
له دی قانون سره سم له جزایی مسئولیت څخه معافیت:
۱- که څوک د جرم له اتکاب څخه وروسته او د عدلی تعقیب نه د مخه دنده لرونکی مامورینو ته خبر ورکړی او د مرتکبینو یا د جرم د شریکانو بشپړه پیژند نه یا د جرم په کشفولو پوری مربوط نور د

مادۀ بیست و نهم:
معافیت از مسئولیت جزایی بر طبق این قانون:
۱- هرگاه شخص بعد از ارتکاب جرم و قبل از تعقیب عدلی به مامورین مؤظف اطلاع و شهرت کامل مرتکبین یا شرکای جرم یا سایر معلومات ضروری مربوط

ارتیا وړ معلومات د دنده لرونکو مامورینو په واک کی کیږدی یا دا چی د مرتکبه جرم سره ورته د جرم مرتکبین اړوندو مقاموته ور وپیژنی محکمه کولای شی د هغه په هکله مخففه احوال په پام کی ونیسی.

۲- که خبرتیا د جرم د ارتکاب او پای ته رسیدونه د مخه اړوندو مقاموته ورسیږی خبر ورکوونکی له جزا څخه معاف کیږی.

۳- د پټولو او خبرنه ورکولو په حالت کی میره، ماندینه، ماشومان او مور او پلار د جزایی تعقیب وړ نه ګرځی.

به کشف جرم را به دسترس مامورین مؤظف قرار دهد یا اینکه مرتکبین جرم مماثل جرم مرتکبه را به مقامات مربوطه معرفی کند محکمه می‌تواند احوال مخففه را در مورد او رعایت کند.

۲- اگر اطلاع قبل از ارتکاب و اتمام جرم به مقامات مربوط صورت بگیرد اطلاع دهنده از مجازات معاف می‌گردد.

۳- در حالت اخفاء و عدم اطلاع شوهر، زن، اطفال و والدین مورد تعقیب جزایی قرار نمی‌گیرد.

دیرشمه ماده:

دا قانون په رسمی جریده کی د خپریدو له نیټی څخه وروسته نافذ یږی.

مادۀ سی ام:

این قانون از تاریخ نشر در جریدۀ رسمی نافذ می‌گردد.

قانون مبارزه علیه اختطاف و قاچاق انسان

د انسان د اختطاف او قاچاق پر علیه د مبارزې د قانون د توشیح په هکله، د افغانستان د اسلامي جمهوریت د رئیس فرمان

گڼه: (۵۲)
نېټه: ۱۳۸۷/۴/۲۴

لومړۍ ماده:
د افغانستان د اساسي قانون د نهه او یایمې مادې د حکم له مخې د انسان د اختطاف او قاچاق پر علیه د مبارزې قانون چې په (۴) فصلونو او (۲۳) مادو کې د افغانستان اسلامي جمهوریت د وزیرانو شوري د ۱۳۸۷/۴/۱۷ نېټې (۱۸) گڼې مصوبې پر بنسټ تصویب شوی دی، توشیح کوم.

دوه یمه ماده:
د عدلیې وزیر او په پارلماني چارو کې د دولت وزیر مؤظف دي، دغه فرمان، د ملي شوري د لومړنۍ غونډې د جوړېدو له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې د ملي شوري ولسي جرګې ته وړاندې

فرمان
رئیس جمهوری اسلامی افغانستان
در مورد توشیح قانون
مبارزه علیه اختطاف و
قاچاق انسان

شماره: (۵۲)
تاریخ: ۱۳۸۷/۴/۲۴

مادۀ اول:
به تأسی از حکم مادۀ هفتاد و نهم قانون اساسی افغانستان، قانون مبارزه علیه اختطاف و قاچاق انسان را که به اساس مصوبۀ شماره (۱۸) مؤرخ ۱۳۸۷/۴/۱۷ شورای وزیران جمهوری اسلامی افغانستان بداخل (۴) فصل و(۲۳) ماده تصویب گردیده است، توشیح می دارم.

مادۀ دوم:
وزیر عدلیه و وزیر دولت در امور پارلمانی مؤظف اند ، این فرمان را در خلال (۳۰) روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسۀ شورای ملی،به ولسی جرگۀ شورای ملی تقدیم

کړي.

درېیمه ماده:
دغه فرمان د توشیح له نېټې څخه نافذ او له قانون سره یو ځای دې په رسمي جریده کې خپور شي.

حامد کرزی
د افغانستان د اسلامي جمهوریت
رئیس

نمایند.

مادۀ سوم:
این فرمان از تاریخ توشیح نافذ و همراه با قانون در جریدۀ رسمی نشر گردد.

حامد کرزی
رئیس جمهوری اسلامی
افغانستان

د انسان د اختطاف او قاچاق پر علیه د مبارزې قانون لومړی فصل عمومي حکمونه

مبني

لومړۍ ماده:

دغه قانون د انسان د اختطاف او قاچاق د جرمونو پر علیه د مبارزې په منظور، وضع شوی دی.

موخې

دوه یمه ماده:

د دغه قانون موخې عبارت دي له :

۱- د انسان د اختطاف او قاچاق دجرمونو له ارتکاب څخه مخنیوی.

۲- د انسان د اختطاف او قاچاق د جرمونو له مجني علیه (په خاصه ښځو او اطفالو) څخه ملاتړ.

۳- دانسان داختطاف اوقاچاق پر علیه دمبارزې په کارکې د بین المللي متقابلی هم غړۍ او همکاری تأمینول.

۴- د انسان د قاچاق د جرمونو په هکله د ملګرو ملتونو پروتوکولونو د ګټو په پام کې نیول.

۵- د انسان د اختطاف او قاچاق د جرمونو د مرتکبینو مجازات.

قانون مبارزه علیه اختطاف و قاچاق انسان فصل اول احکام عمومی

مبنی

مادۀ اول:

این قانون به منظور مبارزه علیه جرایم اختطاف و قاچاق انسان وضع گردیده است.

اهداف

مادۀ دوم:

اهداف این قانون عبارت اند از:

۱- جلوگیری از ارتکاب جرایم اختطاف و قاچاق انسان.

۲- حمایت از مجنی علیه جرایم اختطاف و قاچاق انسان (بخصوص زنان واطفال).

۳- تأمین هماهنگی و همکاری متقابل بین المللی در امر مبارزه علیه اختطاف و قاچاق انسان.

۴- رعایت مفاد پروتوکول های ملل متحد راجع به جرایم قاچاق انسان.

۵- مجازات مرتکبین جرایم اختطاف وقاچاق انسان.

اصطلاحګاني

دريمه ماده:

پدې قانون کې لاندې اصطلاحګاني دغه مفاهيم افاده کوي:

۱- اختطاف : له ګوابښ يا له قوې (زور) څخه په ګټې اخستنې يا د وېرونو په نورو ډولونو يا په چل او تېر ايستنې سره يا له جسمي يا رواني کم زورتيا څخه په ګټې اخستنې يا د نوي زېږېدلي طفل سره د بل نوي زېږېدلي طفل بدلول يا له والدينو يا قانوني سرپرست څخه د طفل لرې کول يا په نا استوګن ځای کې د طفل پرېښودل دي که څه هم چې داسې عملونه د ګټې اخستنې په مقصد وي يا ضرر رسولو.

۲- د انسان قاچاق: د اقتصادي ضعف يا د مجبوريت د حالت څخه په ګټې اخستنې سره د پيسو يا ګټې د ورکړې يا ترلاسه کولو او يا له نورو غولوونکو لارو څخه د مجني عليه يا هغه شخص چې د هغه سرپرستي په غاړه لري د رضايت د ترلاسه کولو لپاره، د ګټې اخستلوپه مقصد د شخص لېږدول، حمل او نقل (ترانزيت) استخدامول، ساتل اويا په واک کې

اصطلاحات

مادۀ سوم:

اصطلاحات آتی در این قانون مفاهیم ذیل را افاده می نماید:

۱- اختطاف: ربودن شخص با استفاده از تهدید یا استعمال قوه (زور) یا انواع دیگر ارعاب یا کاربرد حیله و فریب یا با استفاده از ناتوانی جسمی یا روانی یا تبدیل نمودن طفل نوزاد با طفل نوزاد دیگر یا دور نمودن طفل از والدین یا سرپرست قانونی وی و یا رها نمودن طفل در محل غیرمسکون است اعم از اینکه چنین اعمال به مقصد بهره برداری باشد یا رسانیدن ضرر.

۲- قاچاق انسان: انتقال، حمل و نقل (ترانزیت)، استخدام، نگهداری یا در اختیارگرفتن شخص است به مقصد بهره برداری با استفاده از ضعف اقتصادی یا حالت مجبوریت از طریق پرداخت یا دریافت پول یا منفعت و یا سایر روش های فریب دهنده جهت کسب رضایت مجنی علیه یا شخصی که سر پرستی وی را به عهده

اخستل دي.
۳- ګټه اخستل: د استخدام، پېرودلو او پلورلو په، جنسي، جنايي د اخلاقو د منافي تصويرونو يا فلمونو (پورنوګرافي) د برابرولو، په وسله والو جګړو کې د فعاليتونو او اجباري کار په ګمارلو او د بدن د غړي يا انساجو د اخستلو، د طبي او روغتيايي ازموينو يا نورو غير قانوني فعاليتونو ته دار ايستلو له لارې، د انسان د اختطاف يا قاچاق د جرمونو له مجني عليه څخه، د ګټې تر لاسه کول دي.
۴- د انسان اختطاف کوونکی او قاچاق وړونکی: هغه حقيقي يا حکمي شخص دی چې د انسان په اختطاف او قاچاقو کې په خپلواکه يا په ډله ييزه توګه فعاليت کوي يا د انسان اختطاف يا قاچاق ترغيبوي، هڅوي يا دهغو د ارتکاب لپاره وسايل او آسانتياوې برابر وي.
۵- جنايت کاره ډله: له دريو يا له هغه څخه د زياتو جوړه ډله ده چې پدې قانون کې له درج شوو جرمونو څخه د يوؤ يا زياتو د ارتکاب د موخې په لرلو سره متفقاً اقدام کوي.

دارد.
۳- بهره برداری: کسب منفعت از مجنی علیه جرایم اختطاف یا قاچاق انسان ازطریق استخدام خرید، فروش، گماشتن به فعالیت های جنسی، جنائی، تهیهٔ تصاویر یا فلم های منافی اخلاق (پورنوگرافی)، جنگهای مسلحانه و کاراجباری، برداشت عضو یا انساج بدن، آزمایشات طبی و صحی یا وادار نمودن به سایر فعالیت های غیر قانونی می باشد.
۴- اختطاف کننده و قاچاقبر انسان: شخص حقیقی یا حکمی است که در اختطاف و قاچاق انسان به طور مستقل یا بشکل گروهی فعالیت نموده یا اختطاف یا قاچاق انسان را ترغیب، تشویق یا وسایل و تسهیلات را جهت ارتکاب آن فراهم می نماید.
۵- گروه جنایت کار: گروه متشکل از سه نفر یا بیشتر از آن است که با داشتن هدف ارتکاب یکی از جرایم مندرج این قانون یا بیش از آن، متفقاً اقدام نمایند.

۶- مجنـي عليـه: هغـه حقيقـي شـخص دی چې د دې مـادې پـه (۱ او ۲) جزکـې پـه درج شـوو مقصدونو اختطاف یا قاچاق کېږي.

۶- مجنی علیه: شخصی حقیقی است که به مقاصد مندرج اجزای (۱ و۲) ایـن مـاده اختطـاف یـا قاچاق می گردد.

د انسان د اختطاف او قاچاق د جرمونو پر علیه د مبارزې عالي کمېسیون

ځلورمه ماده:

د انسان د اختطاف او قاچاق له جرمونو سره د مبارزې او پدې برخه کې د اړوندو مراجعو ترمنځ د هم غږۍ د تأمینولو په منظور، د عدلیې وزیر تر مشرۍ لاندې، په لاندې ترکیب، د انسان د اختطاف او قاچاق د جرمونو پر علیه عالي کمېسیون جوړېږي:

۱- د لویې څارنوالۍ استازی.
۲- دکورنیوچارو وزارت استازی.
۳- د بهرنیو چارو وزارت استازی.
۴- دکار او ټولنیزو چارو شهیدانو او معلولینو ووزارت استازی.
۵- د پوهنې وزارت استازی.
۶- داطلاعاتو او فرهنګ وزارت استازی.
۷- د ارشاد، حج او اوقافو وزارت استازی.
۸- دعامې روغتیاوزارت استازی.
۹- دښځو د چارو وزارت استازی.

کمیسیون عالی مبارزه علیه جرایم اختطاف و قاچاق انسان

مادۀ چهارم:

به منظور مبارزه علیه جرایم اختطاف و قاچاق انسان و تأمین هماهنگی میان مراجع ذیربط در زمینه، کمیسیون عالی مبارزه علیه جرایم اختطاف و قاچاق انسان تحت ریاست وزیر عدلیه به ترکیب ذیل ایجاد می گردد:

۱- نمایندۀ لوی څارنوالی.
۲- نمایندۀ وزارت امور داخله.
۳-نمایندۀ وزارت امور خارجه.
۴- نماینـدۀ وزارت کـار و امـور اجتماعی، شهداء ومعلولین.
۵- نمایندۀ وزارت معارف.
۶-نماینـدۀ وزارت اطلاعـات و فرهنگ.
۷- نماینـدۀ وزارت ارشـاد، حـج و اوقاف.
۸- نمایندۀ وزارت صحت عامه.
۹- نمایندۀ وزارت امـور زنان.

۱۰- د مهاجرینو د راستنولو وزارت استازی.
۱۱- د ملي امنیت د عمومي ریاست استازی.
۱۲- دافغانستان دبشر د حقوقو د خپلواک کمېسیون استازی.
۱۳- د عدلیې وزیر په ټاکنه، د اړوندو ټولنیزو سازمانونو دوه تنه استازي.

۱۰- نمایندۀ وزارت عودت مهاجرین.
۱۱- نمایندۀ ریاست عمومی امنیت ملی.
۱۲- نمایندۀ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.
۱۳- دو نفر نمایندگان سازمان های اجتماعی ذیربط به انتخاب وزیرعدلیه.

دکمېسیون دندې او واکون

پنځمه ماده:

(۱) دانسان د اختطاف او قاچاق د جرمونو پرخلاف د مبارزې عالي کمېسیون، د لاندې دندو او واکونو لرونکی دی:
۱- د هېواد په کچه د انسان داختطاف او قاچاق دجرمونو د ارتکاب دعواملو کتنه او ارزونه.
۲- د تبلیغاتو او عامه پوهاوي په ګډون د انسان داختطاف او قاچاق د جرمونو له ارتکاب څخه د مخنیوي په منظور، دپروګرامونو طرح او تطبیقول.
۳- د انسان د اختطاف او قاچاق د جرمونو په کار کې د اړوندو ادارو او مراجعو د فعالیت دهم غړی تأمینول .
۴- د انسان د اختطاف او قاچاق د

وظایف وصلاحیت های کمیسیون

مادۀ پنجم :

(۱)کمیسیون عالی مبارزه علیه جرایم اختطاف و قاچاق انسان، دارای وظایف وصلاحیت های ذیل می باشد:
۱- مطالعه و ارزیابی عوامل ارتکاب جرایم اختطاف و قاچاق انسان در سطح کشور.
۲- طرح و تطبیق پروگرام ها به شمول تبلیغات و آگاهی عامه به منظور جلوگیری از ارتکاب جرایم اختطاف و قاچاق انسان.
۳- تأمین هماهنگی فعالیت های ادارات و مراجع ذیربط در امر مبارزه علیه جرایم اختطاف و قاچاق انسان.
۴- جمع آوری ارقام جرایم

جرمونـــو د ارقـــامو راټولـــول او خپرول.
۵- د اړوندو قوانینو د حکمونو د تعـــدیل پـــه اړه د وړانـــدیز وړاندې کول.
۶- دانسان د اختطاف او قاچاقو دجرمونو دکلنۍ رپوټ برابرول او حکومت ته د هغه وړاندې کول.
۷- نورې هغه دندې چې د حکومت لخوا سپارل کېږي.
(۲) د کمېسیون دفعالیت ډول، د هغې لایحې په واسطه تنظیمېږي چې د کمېسیون لخوا تصویبېږي.

دوه یم فصل
د انسان د اختطاف او قاچاق د جرمونو مجازات

اختطاف

شپږمه ماده:
(۱) هغه شخص چې په ګواښ یا د قوې په استعمال یا د وېرې په نورو ډولونو یا له مسمومونکو مواد و څخه په ګټې اخستنې سره بـل اختطـاف کـړي، پـه اوږدۀ حبس چې له دوولسو کلونو څخه لږ نه وي، محکومېږي.
(۲) هغه شخص چې په چل او تېر ایستنې فریب سره، بل اختطاف کړي، پـه اوږدۀ حـبس چـې لـه اختطـاف و قاچـاق انسان و نـشر آن.
۵- ارایـــۀ پیـــشنهاد مبنـــی بـــر تعـــدیل احکـــام قـــوانین مربوطه.
۶- ترتیـب گزارش سالانـۀ جرایم اختطاف و قاچاق انسان و ارایۀ آن به حکومت.
۷- سـایر وظـایفی کـه از طـرف حکومت محول می شود.
(۲) طرز فعالیت کمیسیون توسط لایحـه ای تنظـیم مـی گـردد کـه از طرف کمیسیون تصویب می‌شود.

فصل دوم
مجازات جرایم اختطاف وقاچاق انسان

اختطاف

مادۀ ششم:
(۱) شخـصی کـه دیگـری را بـا تهدید یـا استعمال قوه یـا انـواع دیگـر ارعـاب و یـا بـا اسـتفاده از مـــواد مـــسموم کننـــده اختطـــاف نمایـــد، بـــه حـــبس طـویلی کـه از دوازده سـال کمتـر نباشد، محکوم می گردد.
(۲) شخـصی کـه دیگـری را بـا حیـله و فـریب اختطاف نماید، به حـبس طـویلی کـه از هـشت سـال

اتوکلونوځخه کم نه وي، محکومېږي.

(۳) هغه شخص چې له جسمي یا روانې کمزورتیا ځخه په ګټې اخستنې سره بل اختطاف کړي، په اوږدۀ حبس چې له لسو کلونو ځخه لږ نه وي، محکومېږي.

(۴) هغه شخص چې ددې مادې په (۱، ۲ او ۳) فقره کې له درج شوو لاړو او وسایلو ځخه ګټې اخستنې سره بل اختطاف کړي او د هغۀ د پرېښودولو په بدل کې مال یا ګټه وغواړي یا واخلي، د اوږدۀ حبس په اکثر حد، محکومېږي.

(۵) هغه شخص چې طفل په نااستوګن ځای کې پریږدي، په متوسط حبس، محکومېږي.

(۶) هغه شخص چې نوی زېږېدلی طفل له بل نوي زېږېدلي طفل سره په هر ډول چې وي، بدل کړي، په اوږدۀ حبس چې له اتو کلونو ځخه لږ نه وي، محکومېږي.

(۷) هغه شخص چې طفل له هغو اشخاصو ځخه چې پر هغۀ باندې قانوني سلطه لري، لرې کړي یا هغه پټ کړي یا هغۀ په دروغو سره دهغۀ له مور غیر ته نسبت ورکړي، له احوالو سره سم په اوږدۀ حبس چې له اتو کلونو ځخه لږ نه وي، کمتر نباشد، محکوم می‌گردد.

(۳) شخصی که دیگری را با استفاده از ناتوانی جسمی یا روانی وی اختطاف نماید، به حبس طویلی که از ده سال کمتر نباشد، محکوم می‌گردد.

(۴) شخصی که دیگری را با استفاده از طرق و وسایل مندرج فقره های (۱، ۲ و ۳) این ماده اختطاف نموده و در بدل رهائی وی مال یا منفعت را مطالبه یا اخذ نماید، به حداکثر حبس طویل، محکوم می‌گردد.

(۵) شخصی که طفل را به محل غیر مسکون رها نماید، به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

(۶) شخصی که طفل نوزاد را با طفل نوزاد دیگر به هر نحوی که باشد، تبدیل نماید، به حبس طویلی که از هشت سال کمتر نباشد، محکوم می‌گردد.

(۷) شخصی که طفل را از نزد اشخاصی که بالای او سلطۀ قانونی دارند، دور سازد یا او را پنهان نماید یا او را کذباً به غیر از مادرش نسبت بدهد، حسب احوال به حبس طویلی که از هشت سال

محکومیږي.

داختطاف دجرم مشدده حالات

اوومه ماده:

(۱) که چېرې مجني علیه طفل یا ښځه وي یا جرم د مجني علیه د مستخدم یا هغۀ شخص په واسطه چې مجني علیه دهغۀ تر واك، ساتنې یا روزنې لاندې وي، ارتکاب شي، مرتکب پدې قانون کې د درج شوي اټکل شوې اکثر حد په جزاءباندې، محکومیږي.

(۲) که چېرې مجني علیه جنسي فعالیتونو یا د اخلاقو منافي تصویرونو یا فلمونو (پورنوګرافي) برابرولو ته د ګمارلو له لارې، تر ګټې اخستنې لاندې راوستل شي، مرتکب د دوام لرونکې حبس په جزاء، محکومیږي.

(۳) که چېرې مجني علیه وسله والې جګړې یا اجباري کار، طبي ازموینو او نورو غیر قانوني فعالیتونو ته د ګمارلو له لارې تر ګټې اخستنې لاندې راوستل شوی وي، مرتکب د اوږدۀ حبس په اکثر حد جزاء باندې، محکومیږي.

(۴) که چېرې ددې مادې کمتر نباشد، محکوم می گردد.

حالات مشددۀ جرم اختطاف

مادۀ هفتم:

(۱) هرگاه مجنی علیه طفل یا زن باشد یا جرم توسط مستخدم مجنی علیه یا شخصی که مجنی علیه تحت تسلط یا نگهبانی ویا تربیت وی قرار داشته، ارتکاب گردد، مرتکب به حداکثر جزای پیش بینی شدۀ، مندرج این قانون محکوم می گردد.

(۲) هرگاه مجنی علیه از طریق گماشتن به فعالیت های جنسی و تهیۀ تصاویر و فلم های منافی اخلاق (پورنوگرافی)، مورد بهره برداری قرار گیرد، مرتکب به جزای حبس دوام، محکوم می گردد.

(۳) هرگاه مجنی علیه از طریق گماشتن به جنگ مسلحانه یا کار اجباری ،آزمایشات طبی وسایر فعالیت های غیر قانونی مورد بهره برداری قرار گرفته باشد، مرتکب به حد اکثرحبس طویل، محکوم می گردد.

(۴) هرگاه در حالات مندرج

پـــه (۱ ، ۲ او ۳) فقـــرو کـــې په درج شوو حالاتو کې، له مجني علیـه سـره زنـا یـا لـواط صـورت مونـدلی وي، مرتکـب د اختطـاف دجرم پر اټکل شوې جزا برسېره، د زنـا یـا لـواط د جـرم پـه مجـازاتو باندې هم، محکومېږي.

(۵) ددې مـادې د (۱ ، ۲ ، ۳ او ۴) فقـرو پـه درج شـوو حـالاتو کـې، د جزاء د قـانون په (۱۴۵) مـاده کې درج او نـور قـضائي مخففـه حـالات په پام کې نه نیول کېږي.

فقـره هـای(۱ ، ۲و۳) ایـن مـاده بـا مجنـی علیـه زنـا یـا لـواط صـورت گرفتـه باشـد ، مرتکـب عـــلاوه بـــر جـــزای پیـــشبینی شـــده ای جـــرم اختطـــاف به مجازات جرم زنا یا لـواط نیز محکوم می گردد.

(۵) در حـالات منـدرج فقـره هـای (۱ ، ۲ ، ۳ و۴) این ماده حکم مادۀ (۱۴۵) وســایر احــوا ل مخففــه قضائی مندرج قانون جزا رعایت نمی گردد.

د شخص قاچاق

اتمه ماده:

(۱) هغــه شــخص چــې دانــسان دقاچـاق د جـرم مرتکـب شـي، لـه احوالو سره سم په اوږدۀ حبس چې لـه اتـو کلونـو څخـه زیـات نـه وي، محکومېږي.

(۲) که چېرې مجني علیـه طفل یـا ښځه وي، مرتکـب پـه اوږده حـبس چې لـه دوولـسو کلونـو څخـه لږ نـه وي، محکومېږي.

(۳) کـه چېـرې لـه مجنـي علیـه سـره زنـا یـا لـواط صـورت مونـدلی وي، مرتکب د انسان د قاچاق د جرم پر اټکـل شـوې جزاء برسـېره د زنـا یـا

قاچاق انسان

مادۀ هشتم:

(۱) شخـصی کـه مرتکـب جـرم قـــاچاق انـــسان گـــردد ، حـــسب احوال به حبس طویـل کـه ازهشت ســال بیــشتر نباشــد ، محکــوم می‌گردد.

(۲) هرگاه مجنی علیـه طفـل یـا زن باشد ، مرتکب به حبس طویـل کـه از دوازده ســال کمتــر نباشــد محکوم می‌گردد.

(۳) هـرگاه با مجنی علیـه زنـا یـا لواط صورت گرفته باشد مرتکب عـلاوه برجزای پـیش بینـی شـده‌ای جــرم قاچــاق انــسان بــه مجــازات

لـواط د جـرم پـه مجـازاتو هـم، محکومېږي.

جرم زنـا یـا لـواط نیـز محکـوم می‌گردد.

د مجني علیه د غړي پرې کول یا معلولیت

نهمه ماده:

کـه چېـرې د انـسان د اختطـاف یـا قاچاق د جرم له امله د مجني علیـه د بـدن لـه غـړو څخـه یـو غـړی لـه منځـه ولاړ شـي یـا معیـوب شـي، مرتکـب د عمـدی جـرح پـه جـزاء او کـه د مړینې سبب شي د عمدي قتـل پـه اټکـل شـوې جـزاء محکومېږي.

قطع عـضو یـا معلولیـت مجنـی علیه

مادۀ نهم:

هرگـاه بـه اثـر جـرم اختطـاف یـا قاچـاق انسان عـضوی از اعـضای بـدن مجنـی علیـه تلـف یـا معیـوب گـردد، مرتکـب بـه جـزای جرح عمدی و اگر منجر به مـرگ شـود بـه جـزای پـیش بینـی شـدۀ قتـل عمـدی، محکـوم می گردد.

د بـدن د غـړي یـا انـساجو د پـرې کولو اواخستلو دفاعل مجازات

لسمه ماده:

(۱) هغه شخص چې پدې قانون کې د درج شـوي مجنـي علیـه د بـدن غړي یا انساج پرې او اخستي وي، خـو د هغـۀ د مړینـې سـبب و نـه ګرځي، له احوالو سره سم، په اوږدۀ حبس محکومېږي.

(۲) کـه چېـرې ددې مـادې پـه (۱) فقره کې درج شوی عمـل د مجنـي علیـه د مړینـې سـبب و ګرځـي، مرتکب له احوالو سره سم، د دوام لرونکي حبس یا اعدام په مجازاتو

مجـازات فاعـل قطـع و برداشـت عضو یا انساج بدن

مادۀ دهم:

(۱) شخـصی کـه عـضو یـا انـساج بدن مجنی علیه مندرج ایـن قـانون را قطـع و برداشـت نمـوده ولـی منـتج بـه مـرگ وی نگـردد، حـسب احـوال بـه حـبس طویـل محکـوم می‌گردد.

(۲) هـرگـاه عمـل منـدرج فقرۀ (۱) این ماده منجر به مـرگ مجـنی علیـه شـود، مرتکـب حـسب احـوال بـه مجـازات حـبس دوام یـا اعـدام محکـوم

محکومیږي.

د حکمي شخص مجازات
یوولسمه ماده:
(۱)که چېرې د انسان د اختطاف یا قاچاق جرم د حکمي شخص په واسطه ارتکاب شي، له احوالو سره سم د فاعل او شریکانو پر مجازاتو سربېره، حکمي شخص د پنځو ملیونو افغانیو په نغدي جزا اود فعالیت د جواز په سلبېدو محکومیږي.
(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوې جریمه،د سترې محکمې په وړاندیز، د وزیرانو شوري په تصویب او د جمهور رئیس په منظوري تعدلېدلای شي.

د جنایت کارې ډلې مجازات
دوولسمه ماده:
که چېرې د انسان د اختطاف او قاچاق جرم، د جنایت کارې ډلې په واسطه ارتکاب شي، مرتکب یا مرتکبین، دارتکاب شوو جرمونو په اټکل شوې اکثر حد جزاء، محکومیږي.

می گردد.

مجازات شخص حکمی
مادۀ یازدهم:
(۱) هرگاه جرم اختطاف یا قاچاق انسان توسط شخص حکمی ارتکاب یابد، حسب احوال علاوه بر مجازات فاعل و شرکا، شخص حکمی به جزای نقدی مبلغ پنج ملیون افغانی و سلب جواز فعالیت، محکوم می گردد.
(۲) جریمۀ مندرج فقرۀ (۱) این ماده به پیشنهاد ستره محکمه، تصویب شورای وزیران و منظوری رئیس جمهور تعدیل شده می تواند.

مجازات گروه جنایت کار
مادۀ دوازدهم:
هرگاه جرم اختطاف یا قاچاق انسان توسط گروه جنایت کار ارتکاب یابد، مرتکب یا مرتکبین به حداکثر جزای پیش بینی شدۀ جرایم ارتکاب یافته، محکوم می گردند.

دجرم د سازمانوونکي مجازات
دیارلسمه ماده:
هغه شخص چې جنایت کارې ډلې ته د انسان د اختطاف یا قاچاق د جرمونو لپاره سازمان ورکړي، رهبري یا یې اداره کړي، د جرم شریک پېژندل کېږي، په هغې جزاء چې د جرم د فاعل لپاره اټکل شوېده، محکومېږي.

دمجرم دملاتړکوونکي مجازات
څوارلسمه ماده:
(۱) هغه شخص چې په یو ډول نه یو ډول د کشف، تحقیق یامحاکمې په بهیر کې د انسان د اختطاف او قاچاق د جرمونو له مظنونینو او تورنو سره مرسته وکړي یا حقایق پټ یا تحریف کړي یا د جرم د اثبات مدرکونه او دلایل له منځه یوسي، له احوالو سره سم دجرم د فاعل په ثلث جزاء، محکومېږي.
(۲) که چېرې د دې مادې په (۱) فقره کې درج شوی شخص، د عامه خدمتونو مؤظف وي، پر ټاکل شوې جزاء سربېره، له دندې څخه په دایمی انفصال هم محکومېږي.

مجازات سازمانده جرم
مادۀ سیزدهم:
شخصی که گروه جنایتکار را جهت ارتکاب جرایم اختطاف یاقاچاق انسان سازمان دهی، رهبری یا اداره نماید، شریك جرم شناخته شده، به جزائی که برای فاعل جرم پیش بینی شده، محکوم می‌گردد.

مجازات حمایت کنندۀ مجرم
مادۀ چهاردهم:
(۱) شخصی که به نحوی از آنجا مظنونین و متهمین جرایم اختطاف و قاچاق انسان را در جریان کشف، تحقیق یا محاکمه مساعدت نموده یا حقایق را کتمان یا تحریف و یا مدارك ودلائل اثبات جرم را از بین ببرد، حسب احوال به ثلث جزای فاعل جرم، محکوم می‌گردد.
(۲) هرگاه شخص مندرج فقرۀ(۱) این ماده، مؤظف خدمات عامه باشد، علاوه برجزای معینه به انفصال دایمی از وظیفه نیز محکوم می‌گردد.

د اهمال مجازات

پنځلسمه ماده:

هغه شخص چې د اړوندې دندې د خصوصیت پربنسټ، دخاصو قواعدو او مقرراتو، په پام کې نیولو مکلف وي خو په اجراء کولو کې یې اهمال او غفلت وکړي او له املې ئې د انسان د اختطاف او قاچاق د جرم د ارتکاب د آسانولو موجب شي، مرتکب له احوالو سره سم په متوسط حبس، محکومېږي.

مجازات اهمال

مادۀ پانزدهم:

شخصی که به اساس خصوصیت وظیفوی مربوط، مکلف به رعایت قواعد و مقررات خاص بوده ولی دراجرای آن اهمال و غفلت نموده وبالاثر، موجب تسهیل ارتکاب جرم اختطاف یاقاچاق انسان شود، مرتکب حسب احوال به حبس متوسط، محکوم می‌گردد.

د جزایي مسئولیت معافیت او تخفیف

شپاړسمه ماده:

(۱) هغه شخص چې په یو ډول نه یو ډول، پدې قانون کې د درج شوو جرمونو له مرتکبینو سره اړیکې او همکاري ولري خود هغو له ارتکاب څخه د مخه له مسئولو مراجعو سره دمرتکبینو په ښکاره کولو او نیولو کې مرسته وکړي، له جزائی مسئولیت څخه معافېږي.

(۲) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوې مرسته، د جرم له ارتکاب څخه وروسته صورت ومومي او زمینه داسې برابره کړي چې دجنایت کاړ ډلې د نورو غړو د نیولو سبب شي،

معافیت وتخفیف مسئولیت جزائی

مادۀ شانزدهم:

(۱) شخصی که به نحوی از انحا با مرتکبین جرایم مندرج این قانون ارتباط و همکاری داشته ولی قبل از ارتکاب آن مراجع مسئول را در افشاء وگرفتاری مرتکبین مساعدت نماید، از مسئولیت جزائی معاف می‌گردد.

(۲) هرگاه مساعدت مندرج فقرۀ(۱) این ماده بعد از ارتکاب جرم صورت گرفته و زمینه را طوری مساعد سازد که سبب گرفتاری سایر اعضای گروه جنایتکار شود، محکمه به

محکمه د اټکل شوو مجازاتو په تخفیف حکم کوي.

تخفیف مجازات پیشبینی شده حکم می نماید.

درېیم فصل
له مجني علیه څخه ملاتړ

فصل سوم
حمایت از مجنی علیه

دعدلي تعقیب منع
اووه لسمه ماده:
د انسان د اختطاف او قاچاق د جرمونو مجني علیه، تر عدلي تعقیب لاندې نه نیول کېږي.

منع تعقیب عدلی
مادۀ هفدهم:
مجنی علیه جرائم اختطاف وقاچاق انسان مورد تعقیب عدلی قرار نمی گیرد.

ساتنه
اتلسمه ماده:
(۱) که چېرې مجني علیه طفل وي، دهغۀ والدینو او قانوني سرپرست ته سپارل کېږي، د والدینو او قانوني سرپرست د نه شتون په صورت کې، مجني علیه د ټولنیزوخدمتونو په اختصاصي مؤسسه کې ساتل کېږي.
(۲)که چېرې مجني علیه ښځه وي، د هغې شرعي محرم ته سپارل کېږي د هغې د شرعي محرم د نه شتون یا له تسلیمۍ څخه د ډډې کولوپه صورت کې د ټولنیزو خدمتونو په اختصاصي مؤسسه کې ساتل کېږي.

نگهداری
مادۀ هجدهم:
(۱)هرگاه مجنی علیه طفل باشد، به والدین یا سرپرست قانونی وی سپرده می شود، در صورت عدم موجودیت والدین یا سرپرست قانونی، مجنی علیه در مؤسسۀ اختصاصی خدمات اجتماعی نگهداری می شود.
(۲) هرگاه مجنی علیه زن باشد، به محرم شرعی وی تسلیم داده میشود در صورت عدم موجودیت محرم شرعی وی یا خود داری از تسلیمی در موسسۀ اختصاصی خدمات اجتماعی نگهداری می شود.

مجنـي عليـه تـه د روغتيـايي خدمتونو وړاندې کول
نولسمه ماده:
د کشف او تحقيق مراجع مکلفې دي، مجني عليه په بيړنۍ توګه د درملنې لپاره روغتيايي مرکزونو ته واستوي.

د زيان د جبران غوښتنه
شلمه ماده:
(۱) مجنـي عليـه يـا دهغـۀ قانوني استازی کولی شي،د زيان د جبران غوښتنليک چې هغه ته اوښتی دی، عـدلي او قـضايي مراجعو ته وړاندې کړي.
(۲) کـه چېرې د افغانستان تبعه مجنـي عليـه، بهرنـي هېواد تـه لېږدول شوی وي، د ملاتړ وړ دی، کـولی شـي پـه بهـر کـې د هېـواد سياسي يا قونسلي نمايندګۍ ته مراجعه وکړي. سياسي يا قونسلي نماينـدګي مکلفـه ده، د مظنـون دعـدلي تعقيـب اود مجني عليـه د زيان د جبران لپاره د مېشت هېواد د بهرنيو چارو وزارت يـا دهغـۀ د سياسـي نماينـدګۍ لـه لارې، هـر اړخيزه هڅه وکړي.

عرضـۀ خـدما ت صـحی بـه مجنی علیه
مادۀ نزدهم:
مراجع کشف و تحقیق مکلفاند، مجنی علیه را طور عاجل غرض تـداوی بـه مراکـز صـحی اعـزام نمایند.

درخواست جبران خساره
مادۀ بیستم:
(۱) مجنـی علیـه یانماینـدۀ قـانونی وی مـی توانـد درخواست جبـران خـساره را کـه بـه وی عاید گردیده، به مراجع عدلی و قضائی ارائه نمایند.
(۲) هرگـاه مجنـی علیـه تبعـۀ افغانـستان بـه کـشور خـارجی انتـقال گردیـده باشـد، قابـل حمایت بوده، می تواند در خارج به نمایندگی سیاسی یا قونسلی کشور مراجعه نماید. نمایندگی سیاسی یا قونسلی مکلف است، جهـت تعقیـب عـدلی مظنـون و جبـران خـساره مجنـی علیـه از طریـق وزارت امـور خارجۀ دولت مقـیم یـا نمایندگی سیاسی آن، مساعی همه جانبه نماید.

د مجني علیه د بېرته راګرځولو په هکله د تدبیرونو نیول

یوویشتمه ماده:

(۱) د کورنیو چارو، بهرنیو چارو، عامې روغتیا، د کار او ټولنیزو چارو، شهیدانو او معلولینو، د ښځو د چارو وزارتونه مکلف دي، د مجني علیه ملاتړ وکړي اوخپلې کورنۍ یا امن ځای ته د هغۀ د بېرته راګرځولو په هکله، لازم تدبیرونه ونیسي.

(۲) که چېرې مجني علیه د بهرني دولت تبعه وي،د هغۀ د متبوع هېواد سیاسي نمایندګۍ ته ورتسلیمېږي.

د نه رضائیت په صورت کې، د قانون د حکمونو مطابق، تر شپږو میاشتو پورې په هېواد کې د لنډ مهالې استوګنې سند ورته صادرېږي. د اړتیا په صورت کې، دغه موده تمدیدېدی شي.

(۳) افغاني سیاسي نمایندګۍ مکلفې دي، د افغانستان د تبعه مجني علیه د بېرته راګرځولو لپاره، لازمې آسانتیاوې برابرې کړي.

اتخاذ تدابیر در مورد بازگردانیدن مجنی علیه

مادۀ بیست ویکم:

(۱) وزارت های امور داخله، امور خارجه، صحت عامه، کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین، امور زنان و سایر ادارات ذیربط مکلفاند، مجنی علیه را تحت حمایت قرارداده و در مورد بازگشت مجدد وی به خانواده یا محل امن، تدابیر لازم را اتخاذ نمایند.

(۲) هرگاه مجنی علیه تبعۀ دولت خارجی باشد، به نمایندگی سیاسی کشور متبوع وی تسلیم داده می شود.

درصورت عدم رضایت، طبق احکام قانون سند اقامت مؤقت درکشور الی ششماه برایش صادر می شود . در صورت ضرورت، این مدت تمدید شده می تواند.

(۳) نمایندگی های سیاسی افغانی مکلف اند ، جهت باز گشت مجنی علیه تبعۀ افغانستان، سهولت های لازم را فراهم نمایند.

څلورم فصل
وروستني حکمونه

مصادره

دوه ویشتمه ماده:

(۱) هغه وجوه او شتمنۍ چې د انسان د اختطاف او قاچاق د جرمونو له ارتکاب څخه لاسته راغلي یا یې په ارتکاب کې استعمال شوي او یا د جرم په ارتکاب کې داستعمال په نیت برابر شوي وي، مصادره کېږي.

(۲) که چېرې هغه وجوه او شتمنۍ چې د مصادرې حکم یې صادر شوی، ترلاسه نشي، محکمه د هغو د معادل وجوهو او شتمنیو په مصادرې حکم صادروي.

(۳) هغه وجوه او شتمنۍ چې دانسان د اختطاف او قاچاقو د جرمونو د څېړنې په پایله کې لاسته راځي، د مجني علیه د زیان له جبران وروسته، د دولت د وارداتو په حساب بانک ته تحویلېږي.

انفاذ

درویشتمه ماده:

دغه قانون د توشیح له نېټې څخه وروسته نافذ او په رسمي جریده کې دې خپور شي او په نافذ ېدو

فصل چهارم
احکام نهائی

مصادره

مادۀ بیست ودوم:

(۱) وجوه و دارائی های که از ارتکاب جرایم اختطاف و قاچاق انسان به دست آمده یا در ارتکاب آن استعمال گردیده و یا به قصد استعمال در ارتکاب جرم تهیه شده باشد، مصادره می شود.

(۲) هرگاه وجوه و دارائی های که حکم به مصادره آن صادر گردیده، دستیاب شده نتواند، محکمه به مصادرۀ وجوه و دارائی‌های معادل آن، حکم صادر می‌نماید.

(۳) وجوه ودارائی های که در نتیجۀ رسیدگی جرایم اختطاف یا قاچاق انسان به دست می آید، بعد از جبران خسارۀ مجنی علیه به حساب واردات دولت، تحویل بانك می گردد.

انفاذ

مادۀ بیست وسوم:

این قانون بعد از تاریخ توشیح نافذ و در جریدۀ رسمی نشر مي گردد و با انفاذ آن مادۀ

سره یې د ۱۳۵۵ کال په (۳۴۷) ګڼه رسمي جریده کې خپور شوي د جزاء د قانون ۳۵۶ ماده او له (۴۱۸ څخه تر ۴۲۴) پورې مادې، د اطفالو د اختطاف او قاچاق دجرمونو پرخلاف دمبارزې دسختولو په هکله د افغانستان دانتقالي اسلامي دولت د رئیس د ۱۳۸۳/۴/۱۳ نېټې (۴۷) ګڼه تقنیني فرمان او نور مغایر حکمونه، لغو ګڼل کېږي.

۳۵۶ و مواد (۴۱۸ الی ۴۲۴) قانون جزا منتشرۀ جریدۀ رسمی شماره (۳۴۷) سال ۱۳۵۵، فرمان تقنینی شماره (۴۷) مؤرخ ۱۳۸۳/۴/۱۳ رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان درمورد تشدید مبارزه علیه جرایم اختطاف و قاچاق اطفال و سایر احکام مغایر، ملغی شمرده می شود.

قانون مبارزه علیه تمویل تروریزم

دافغانستان انتقالي اسلامي دولت

ګڼه: (۱۳۶۹۹)
نېټه: ۱۳۸۳/۷/۲۶

د عدلیې وزیر محترم قانونپوه عبدالرحیم کریمي!

د تروریزم د تمویل پر خلاف د مبارزې قانون چې په (۵) فصلونو او (۳۰) مادو کې د وزیرانو د عالي مجلس لخوا تصویب او د ۱۳۸۳/۷/۲۶ نېټې د (۸۲) ګڼې فرمان پر بنسټ زموږ لخوا منظور شوی دی، تاسوته درواستول شو چې په رسمي جریده کې یې په خپرولو اقدام وکړئ.

حامد کرزی
د افغانستان د انتقالي اسلامي دولت رئیس

دولت انتقالی اسلامی افغانستان

شماره: (۱۳۶۹۹)
تاریخ: ۱۳۸۳/۷/۲۶

محترم قانونپوه عبدالرحیم کریمی وزیر عدلیه!

قانون مبارزه علیه تمویل تروریزم را که بداخل (۵) فصل و (۳۰) ماده از طرف مجلس عالی وزراء تصویب و از جانب ما به اساس فرمان شماره (۸۲) مؤرخ ۱۳۸۳/۷/۲۶ منظور گردیده است، به شما ارسال شد تا به نشر آن در جریدهٔ رسمی اقدام نمائید.

حامد کرزی
رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان

د تروریزم د تمویل پر خلاف د مبارزې د قانون د انفاذ په هکله د افغانستان د انتقالي اسلامي دولت د رئیس فرمان

ګڼه: (۸۲)
نېټه: ۱۳۸۳/۷/۲۶

لومړۍ ماده:
د تروریزم د تمویل پر خلاف د مبارزې قانون چې په (۵) فصلونو او (۳۰) مادو کې د وزیرانو د عالي مجلس لخوا د ۱۳۸۳/۷/۲۰ نېټې د (۳۱) ګڼې مصوبې پر بنسټ تصویب شوی دی توشېح کوم.

دوه یمه ماده:
دغه فرمان د توشېح له نېټې څخه نافذ او له قانون سره یو ځای دې په رسمي جریده کې خپور شي.

حامد کرزی
د افغانستان د انتقالي اسلامي دولت رئیس

فرمان
رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در مورد انفاذ قانون مبارزه علیه تمویل تروریزم

شماره: (۸۲)
تاریخ: ۱۳۸۳/۷/۲۶

مادۀ اول:
قانون مبارزه علیه تمویل تروریزم را که به اساس مصوبۀ شماره (۳۱) مؤرخ ۱۳۸۳/۷/۲۰ از طرف مجلس عالی وزراء بداخل (۵) فصل و (۳۰) ماده تصویب گردیده است، توشیح میدارم.

مادۀ دوم:
این فرمان از تاریخ توشیح نافذ و همراه با قانون در جریدۀ رسمی نشر گردد.

حامد کرزی
رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان

د تروریزم د تمویل پر خلاف د مبارزې قانون لومړی فصل عمومي حکمونه

هدف

لومړی ماده:
دغه قانون د اساسي قانون د اوومې مادې د حکم په رڼا کې د تروریزم د تمویل پر خلاف د مبارزې په منظور وضع شوی دی.

اصطلاحګانې

دوه یمه ماده:
لاندې اصطلاحګانې پدې قانون کې لاندې معناوې افاده کوي:
۱-.وجوه او شتمنۍ: له هر ډول مادي او غیر مادي، شرکتي او غیر شرکتي، منقولو او غیر منقولو، عیني او غیر عیني شتمنیو او د الکترونیکي او دیجیتل سندونو په ګډون له هغو قانوني سندونو یا مدارکو څخه عبارت دي چې د دې ډول شتمنیو مالکیت یا په هغو کې ګټې درلودل ثابت کړي.
۲- دولتي ودانۍ او تجهیزات: له ودانیو، نقلیه وسایلو او هغو مؤقتو یا دایمي وسایلو او

قانون مبارزه علیه تمویل تروریزم فصل اول احکام عمومی

هدف

مادۀ اول:
این قانون در روشنی حکم مادۀ هفتم قانون اساسی به منظور مبارزه علیه تمویل تروریزم وضع گردیده است.

اصطلاحات

مادۀ دوم:
اصطلاحات آتی در این قانون معانی ذیل را افاده می‌نماید:
۱- وجوه و دارائی ها: عبارت است از هر نوع دارائی های مادی و غیر مادی، شرکتی و غیر شرکتی، منقول و غیر منقول، عینی و غیر عینی و اسناد یا مدارک قانونی به شمول اسناد الکترونیکی و دیجیتل که مالکیت دارائی‌ها یاداشتن منافع در آن را ثابت نماید.
۲- عمارات و تجهیزات دولتی: عبارت است از عمارات، وسائل نقلیه و تجهیزات مؤقت یا

تجهیزاتو څخه عبارت دي چې د ټولو دولتي او بین الحکومتي سازمانونو د کارکوونکو او د نورو دولتي مراجعو د مسئولینو لخوا د خپلو رسمي دندو له پرمخ بیولو سره په رابطه کې تصرف او تر ګټې اخیستنې لاندې نیول کېږي.

۳- له جرمونو څخه منځته راغلي عواید: له هر ډول هغو وجوهو او شتمنیو څخه عبارت دي چې په مستقیمه یا غیر مستقیمه توګه د دې قانون په درېیمه ماده کې د درج شوي جرم له ارتکاب څخه تر لاسه شوي وي.

۴- کنوانسیون: د تروریزم له تمویل څخه د مخنیوي په هکله له نړیوال کنوانسیون څخه عبارت دی چې د (۲۰۰۰) میلادي کال د جنورۍ په لسمه نېټه لاسلیک شوی دی.

دائمی که توسط تمام کارکنان دولتی و سازمانهای بین الحکومتی و سایر مسئولین مراجع دولتی در رابطه با پیشبرد وظایف رسمی آنها تصرف و مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳- عواید ناشی از جرایم: عبارت است از هر نوع وجوه و دارائی های که طور مستقیم یا غیر مستقیم از طریق ارتکاب جرم مندرج مادۀ سوم این قانون حاصل گردیده باشد.

۴- کنوانسیون: عبارت است از کنوانسیون بین المللی در مورد جلوگیری از تمویل تروریزم که به تاریخ دهم جنوری سال (۲۰۰۰) میلادی به امضاء رسیده است.

د تروریزم د تمویل جرم

درېیمه ماده:

(۱) شخص هغه وخت د تروریزم د تمویل د جرم مرتکب ګڼل کېږي چې وجوه او شتمنی په مستقیمه یا غیر مستقیمه توګه، عمداً او په غیر قانوني صورت سره برابرې او راټولې یا یې د برابرولو او راټولولو

جرم تمویل تروریزم

مادۀ سوم:

(۱) شخص زمانی مرتکب جرم تمویل تروریزم شناخته می‌شود که وجوه و دارائی ها را طور مستقیم یا غیر مستقیم عمداً و بصورت غیر قانونی تهیه و جمع آوری یا سعی به تهیه و جمع آوری آن

هڅه وکړي يا وجوه او شتمنۍ او نور خدمتونه پدې باندې په پوهېدو سره چې قسماً يا کلاً په لاندې يادو شويو فعاليتونو کې تر ګټې اخېستنې لاندې نيول کېږي برابري او راټولې کړي يا يې د برابرولو او راټولولو هڅه وکړي:

۱- هر هغه عمل چې د تروريزم له تمويل څخه د مخنيوي په کنوانسيون کې د درج شوو ضميمو مطابق د جرم په توګه پېژندل شوی او د افغانستان دولت ورسره الحاق کړی وی.

۲- هر هغه عمل چې د ملکي افرادو يا نورو هغو اشخاصو د وژلو يا شديد ټپ په نيت چې په دښمنيو او وسله والو شخړو کې يې فعاله ونډه نده اخيستې، صورت ومومي او هدف يې د ماهيت او قرينې له نظره د يوې ټولګې (جمعيت) ترمنځ ترهګري يا د يوۀ عمل تر سره کولو يا نه تر سره کولو ته د حکومت او يا نړيوال سازمان مجبورول وي.

(۲) هر هغه عمل چې د دې مادې د (۱) فقرې د حکم مطابق، د جرم د متشکله عناصرو له جملې څخه وي، لدې پرته چې له وجوهو او شتمنيو څخه واقعاً د نومورې نموده يا وجوه و دارائی ها و سایر خدمات را با داشتن علم و آگاهی از اینکه قسماً یا کلاً به منظور پیشبرد فعالیت های ذیل مورد استفاده قرار می گیرد، تهیه و جمع آوری و یا سعی به تهیه و جمع آوری آن نماید:

۱- هر عملیکه مطابق ضمائم مندرج کنوانسیون جلوگیری از تمویل تروریزم به حیث جرم شناخته شده و دولت افغانستان به آن الحاق نموده باشد.

۲- هر عملی که به قصد قتل یا جراحت شدید افراد ملکی یا سایر اشخاص که سهم فعال در خصومت ها و منازعات مسلحانه نداشته، صورت گیرد و هدف آن از نگاه ماهیت و قرینه دهشت افگنی در بین یك جمعیت یا وادارساختن حکومت یا سازمان بین المللی به انجام یا عدم انجام یك عمل باشد.

(۲) هر عملی که مطابق حکم فقرۀ (۱) این ماده از جملۀ عناصر متشکلۀ جرم باشد، صرف نظر از اینکه از وجوه و دارائی ها واقعاً برای انجام جرم مندرج اجزای (۱ و

فقري په (۱ او ۲) جزء کې د درج شوي جرم د سرته رسولو لپاره له هغو څخه ګټه اخیستل شوې وي.

(۳) شخص په لاندې حالاتو کې هم د تروریزم د تمویل د جرم مرتکب ګڼل کېږي:

۱- چې د دې مادې په (۱) او (۲) فقره کې د درج شوې جرم د شریک په توګه برخه واخلي.

۲- نورو اشخاصو ته پدې ماده کې د درج شوي جرم د ارتکاب په غرض، سازمان ورکړي، لارښوونه یې وکړي او یایې ولمسوي.

۳- پدې ماده کې د درج شوي یوۀ یا له یوۀ څخه د زیاتو جرمونو په ارتکاب کې له هغو اشخاصو سره چې د یوۀ ګډ هدف لپاره په عمل لاس پورې کوي، د جرم د ارتکاب په هکله د هغو له هدف څخه له پوهې او خبرتیا سره سره همکاري وکړي او یایې د هدفونو د سرته رسولو لپاره لازمې آسانتیاوې برابرې کړي.

(۴) پدې ماده کې د درج شوو جرمونو د ارتکاب د توجیه کولو لپاره سیاسي، عقیدتي، توکمیزې او قومي ملاحظې او نور ورته موارد، د اعتبار وړ نه ګڼل کېږي.

۲) فقرۀ مذکور از آن استفاده صورت گرفته باشد جرم تلقی می‌شود.

(۳) شخص در حالات آتی نیز مرتکب جرم تمویل تروریزم شناخته می‌شود:

۱- به حیث شریك در جرم مندرج فقره های (۱) و (۲) این ماده سهم بگیرد.

۲- سائر اشخاص را غرض ارتکاب جرم مندرج این ماده سازمان دهی، رهنمائی و یا تحریك نماید.

۳- در ارتکاب یك یا بیشتر از یك جرم مندرج این ماده با اشخاصی‌که برای یك هدف مشترك دست به عمل می زنند، با وصف داشتن علم و آگاهی از هدف آنها مبنی بر ارتکاب جرم همکاری نموده و یا تسهیلات لازم را جهت برآوردن اهداف شان فراهم نماید.

(۴) برای توجیه ارتکاب جرائم مندرج این ماده ملاحظات سیاسی،عقیدتی، نژادی، قومی، مذهبی و سایر موارد مشابه آن مدار اعتبار پنداشته نمی‌شود.

دوه یم فصل
اجباري تدبیرونه او مجازات

د حقیقي اشخاصو مجازات
څلورمه ماده:
۱-.هغه شخص چې د تروریزم د تمویل د جرم مرتکب وګرځي، د حبس په مجازاتو چې موده یې له پنځو کلونو څخه لږ او له پنځلسو کلونو څخه زیاته نه وي او نقدي جریمه چې له دوه سوه پنځوسو زرو افغانیو څخه لږ او له یو ملیون او پنځه سوه زرو افغانیو څخه زیاته نه وي، محکومېږي.
۲- د تروریزم د تمویل د جرم د ارتکاب ګډون کوونکی، مرستندوی، آسانتیاوې برابروونکی، قصد کوونکی او سلاورکوونکی او هغه اشخاص چې له دوی سره په یووالي یا توافق کې وي، د جرم د فاعل په ډول مجازات کېږي.

د حکمي اشخاصو مجازات
پنځمه ماده:
(۱) په هغه صورت کې چې د تروریزم دتمویل جرم، د کارکوونکي (کارمند)، د حکمي شخصیت د وکیل یا نماینده لخوا

فصل دوم
تدابیر اجباری و مجازات

مجازات اشخاص حقیقی
مادۀ چهارم:
(۱) شخصی‌که مرتکب جرم تمویل تروریزم گردد، به مجازات حبسی که مدت آن از پنج سال کمتر و از پانزده سال بیشتر و جریمه نقدی ایکه از مبلغ دو صد و پنجاه هزار افغانی کمتر و از یک ملیون و پنجصد هزار افغانی بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.
(۲) اشتراك کننده، معاونت کننده، تسهیلات فراهم آورنده، قصد کننده و مشوره دهنده به ارتکاب جرم تمویل تروریزم و اشخاصی که در اتحاد یا توافق با آنها قرار داشته باشند، مانند فاعل جرم مجازات می‌گردند.

مجازات اشخاص حکمی
مادۀ پنجم:
(۱) در صورتی‌که جرم تمویل تروریزم توسط کارمند، وکیل و یا نمایندۀ شخصیت حکمی ارتکاب گردد شخصیت حکمی به جریمۀ

ارتکاب شي، حکمي شخصیت په نقدي جریمه چې له یو ملیون او پنځه سوه زرو افغانیو څخه لږ او له څلور ملیونو او پنځه سوه زرو افغانیو څخه زیاته نه وي، محکومېږي، دغه حکم، حکمي شخصیت ته منسوب پر حقیقي اشخاصو باندې د مجازاتو د اصل د تطبیق څخه نه ګرځي. په دولت پورې مربوط حکمي شخصیت لدې امر څخه مستثني دی.

(۲) حکمي شخصیت د دې مادې په (۱) فقره کې پر درج شوو مجازاتو بر سېره په لاندې مجازاتو هم محکومېدای شي:

۱- په دایمي توګه یا لږ تر لږۀ د پنځو کلونو لپاره دځینو سوداګریزو فعالیتونو له مستقیم او یا غیر مستقیم پر مخبیولو څخه منع کول.

۲- په دایمي توګه یا لږ تر لږه د پنځو کلونو لپاره د هغو اړوندو ودانیو چې پدې قانون کې د درج شوو جرمونو په ارتکاب کې ور څخه ګټه اخیستل شوې وي، بندول.

۳- د شرکت منحلول، پدې شرط چې له جوړېدو څخه یې هدف د جرم ارتکاب وي.

نقدی که از مبلغ یک ملیون و پنجصد هزار افغانی کمتر و از چهار ملیون و پنجصد هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد، این حکم مانع تطبیق اصل مجازات بالای اشخاص حقیقی منسوب به شخصیت حکمی نمی گردد. شخصیت حکمی متعلق به دولت از این امر مستثنی است.

(۲) شخصیت حکمی علاوه بر مجازات مندرج فقرۀ (۱) این ماده به مجازات آتی نیز محکوم شده می‌تواند:

۱- ممنوعیت دائمی یا حداقل پنج سال از پیشبرد مستقیم و یا غیر مستقیم برخی از فعالیت‌های تجارتی.

۲- مسدود نمودن دائمی یا حداقل برای مدت پنج سال ساختمان‌های مربوط که در ارتکاب جرائم مندرج این قانون از آن استفاده صورت گرفته باشد.

۳- انحلال شرکت مشروط بر اینکه هدف از تأسیس آن ارتکاب جرم باشد.

۴- د ټولیزو رسنیو له لارې د حکم خپرول.

۴- نشر حکم از طریق رسانه های همگانی.

مشدده احوال
شپږمه ماده:
که چېرې د تروریزم د تمویل جرم، د جنایتکار سازمان یا هغۀ حکمي شخصیت لخوا چې د جنایتکار سازمان تر تملک یا کنترول لاندې د ی تر سره شي، په لاندې توګه مجازات کېږي:
۱- حقیقي شخص په هومره حبس چې له پنځلسو کلونو څخه لږ نه وي یا په ابد حبس او نقدي جریمه چې له یو ملیون افغانیو څخه لږ او له دوولسو ملیونو افغانیو څخه زیاته نه وي محکومېږي.
۲- حکمي شخص په نقدي جریمه چې له څلورو ملیونو او پنځه سوه زرو افغانیو څخه لږ او له شلو ملیون افغانیو څخه زیاته نه وي، محکومېږي.

احوال مشدده
مادۀ ششم:
هرگاه جرم تمویل تروریزم توسط سازمان جنایتکار یا شخصیت حکمی ایکه تحت تملك یا کنترول سازمان جنایت کار قرار دارد صورت گیرد، طور ذیل مجازات می‌گردد:
۱- شخص حقیقی به حبسیکه از پانزده سال کمتر نباشد یا حبس ابد و جریمۀ نقدی ایکه از یك ملیون افغانی کمتر و از دوازده ملیون افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.
۲- شخص حکمی به جریمۀ نقدی ایکه از مبلغ چهار ملیون و پنجصد هزار افغانی کمتر و از بیست ملیون افغانی بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

مخففه احوال
اوومه ماده:
پدې قانون کې د درج شوو جرمونو د مرتکبینو په هکله د هېواد په قوانینو کې درج شوي مخففه احوال د رعایت وړ دي.

احوال مخففه
مادۀ هفتم:
احوال مخففه مندرج قوانین جزائی کشور در مورد مرتکبین جرائم مندرج این قانون قابل رعایت می‌باشد.

مصادره

اتمه ماده:

(۱) لاندې وجوه او شتمنۍ د واکمنې محکمې لخوا مصادره کېږي:

۱- هغه وجوه او شتمنۍ چې د جرم د ارتکاب په منظور ور څخه ګټه اخیستل شوې وي یایې د ګټې اخیستلو نیت (قصد) موجود وي.

۲- هغه وجوه او شتمنۍ چې له جرمې عاید و څخه لاسته راغلې وي یا له هغو څخه مشتق شوې وي او یا یې له تبادلې څخه لاسته راغلې وي.

۳- د دې فقرې په (۱ او ۲) جزء کې درج شوي وجوه او شتمنۍ چې بل شخص ته منتقل شوې وي خو دا چې خاوند ثابته کړي چې د دا ډول وجوهو او شتمنیو د تر لاسه کولو په مقابل کې یې د هغو معادله بیه ورکړې یایې د هغو د ارزښت معادل خدمتونو په بدل کې او یایې له بلې مشروعې لارې څخه تر لاسه کړېدي او د دغۀ ډول وجوهو او شتمنیو د منشاء له غیر قانوني والي څخه خبر نه دي.

۴- هغه وجوه او شتمنۍ چې په مستقیم یا غیر متسقیم صورت

مصادره

مادۀ هشتم:

(۱) وجوه و دارائی های ذیل از طرف محکمۀ ذیصلاح مصادره می‌گردد:

۱- وجوه و دارائی های که به منظور ارتکاب جرم مورد استفاده قرار گرفته یا قصد استفاده از آن موجود باشد.

۲- وجوه و دارائی های که از عواید جرمی به دست آمده یا از آن مشتق گردیده و یا از تبادلۀ آن به دست آمده باشد.

۳- وجوه و دارائی های مندرج اجزای (۱و۲) این فقره که به شخصی دیگری منتقل گردیده باشد، مگر اینکه مالك ثابت نماید که در مقابل دریافت چنین وجوه و دارائی ها قیمت معادل آن را پرداخته یا آنرا در بدل خدمات معادل به ارزش آن و یا از طریق مشروع دیگری بدست آورده و از غیر قانونی بودن منشاء چنین وجوه و دارائی ها آگاهی نداشته است.

۴- وجوه و دارائی های که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از

سره له جرمي عمل څخه لاسته راغلي وي او له هغو وجوهو او شتمنيو سره چې له مشروعو سر چينو څخه تر لاسه شوي، ګډې وي، د دغسې وجوهو او شتمنيو د مصادرې حکم په هغه اندازه صورت مومي چې د محکمې د ارزوني مطابق، له جرم څخه د لاسته راغلو وجوهو او شتمنيو د عوايدو له ارزښت سره معادل وي.

۵- که چېرې هغه وجوه او شتمنۍ چې پر مصادرې يې حکم صادر شوی وي تر لاسه نه شي د هغو د معادل وجوهو او شتمنيو پر مصادرې حکم صادرېږي.

پدې حکم کې هغه وجوه او شتمنۍ شامل دي چې په مستقيم يا غير مستقيم صورت سره د تروريزم د تمويل د جرم په مرتکب پورې اړه لري يا هغه وجوه او شتمنۍ چې د مېرمنې يا د محکوم عليه تر کفالت لاندې اولاد په واسطه له هغۀ څخه تر لاسه شوې وي، خو داچې د دغسې وجوهو او شتمنيو په مقابل کې معادله بيه ورکول شوې وي.

(۲) د مصادرې په حکم کې د نظر وړ وجوهو او شتمنيو اندازه په ګوته (مشخصه) کېږي.

عمل جرمی حاصل گردیده، با وجوه و دارائی های که از منابع مشروع بدست آمده، مخلوط باشد، حکم مصادرۀ چنین وجوه و دارائی ها به اندازۀ صورت می‌گیرد که با ارزش عواید وجوه و دارائی های حاصله از جرم، مطابق ارزیابی محکمه معادل باشد.

۵- هرگاه وجوه و دارائی های که حکم به مصادرۀ آن صادر گردیده دستیاب شده نتواند، حکم به مصادرۀ وجوه و دارائی های معادل آن صادر می‌شود.

این حکم شامل وجوه و دارائی های است که بصورت مستقیم یا غیر مستقیم به مرتکب جرم تمویل تروریزم متعلق بوده و یا وجوه و دارائی های که توسط همسر یا اولاد تحت کفالت محکوم علیه از وی حاصل گردیده باشد، مگر اینکه قیمت معادل در مقابل چنین وجوه و دارائی ها پرداخته شده باشد.

(۲) در حکم مصادره اندازۀ وجوه و دارائی های مورد نظر مشخص می‌گردد.

د جنایت کار سازمان د وجوهو او شتمنیو مصادره

نهمه ماده:

د جنایتکار سازمان وجوه او شتمنۍ چې د هغو د خرڅلاو یا د له لاسه ورکولو د نورو شکلونو واک یې ولري، د مجرمیت یا له جرم سره د رابطې له په پام کې نیولو پرته مصادره کېږي.

د ځینو قانوني سندونو ابطال

لسمه ماده:

هغه قانوني سندونه چې له مصادرې څخه د دې قانون په اتمه او نهمه ماده کې د درج شوو و جوهو او شتمنیو د ساتنې په منظور، په ژوندوني په وړیا توګه یا د بیې په بدل کې یا له مړینې د مخه د هبې یا وصیت په ډول ترتیب شوي وي، د محکمې د حکم په اساس باطل او هغه پیسې مشتري ته مسترد ېږي چې واقعاً یې ورکړې وي.

مصادرهٔ وجوه و دارائی های سازمان جنایتکار

مادهٔ نهم:

وجوه و دارائی های سازمان جنایت کار که صلاحیت فروش یا سایر اشکال از دست دادن آنرا داشته باشد بدون نظرداشت مجرمیت یا رابطه با جرم مصادره می‌گردد.

ابطال بعضی از اسناد قانونی

مادهٔ دهم:

اسناد قانونی ایکه به منظور حفاظت وجوه و دارائی ها از مصادرهٔ، مندرج مواد هشتم و نهم این قانون به صورت رایگان یا در بدل قیمت در زمان حیات یا به صورت هبه و یا وصیت قبل از مرگ ترتیب گردیده باشد، به اساس حکم محکمه باطل و مبلغی به مشتری مسترد می‌گردد که واقعاً آنرا پرداخته باشد.

د مصادره شوو وجوه او شتمنیو اړوندتیا (تعلقیت)

یوولسمه ماده:

(۱) مصادره شوي وجوه او شتمنۍ او له هغو څخه تر لاسه شوي عواید په دولت پورې اړه مومي، په مصادره شوو وجوهو او شتمنیو کې د ثالثو اشخاصو رهني حقوق په هغۀ صورت کې چې قانوناً تثبیت شي، خوندي دي.

(۲) د وجوهو او شتمنیو پر مصادرې د غیابي حکم د صادرېدو په صورت کې، د هغو مالکیت په دولت پورې اړه مومي.

که چېرې محکمه د غوښتنلیک په اساس تورن تبرئه او د مصادرې حکم لغوه کړي، مصادره شوي وجوه او شتمنۍ یا یې معادل ارزښت خاوند ته بېرته ورکول کېږي.

تعلقیت وجوه و دارائی های مصادره شده

مادۀ یازدهم:

(۱) مالکیت وجوه و دارائی های مصادره شده و عواید حاصله از آن به دولت تعلق می‌گیرد. حقوق رهنی اشخاص ثالث در وجوه و دارائی های مصادره شده در صورتی‌که قانوناً تثبیت گردد، محفوظ می‌باشد.

(۲) در صورت صدور حکم غیابی مبنی بر مصادرۀ وجوه و دارائی ها، مالکیت آن به دولت تعلق می‌گیرد.

هرگاه محکمه به اساس درخواست متهم را تبرئه و حکم مصادره را لغو نماید، وجوه و دارائی های مصادره شده یا ارزش معادل آن به مالك اعاده می‌گردد.

په مصادره شوو وجوهو او شتمنیو کې د ثالثو اشخاصو حقوق

دوولسمه ماده:

په مصادره شوو وجوهو او شتمنیو کې د ثالثو اشخاصو د مالکیت ادعا د حکم د صادرېدو له نېټې څخه تر یوه کال پورې په واکمنه محکمه کې د اورېدو وړ ده.

حقوق اشخاص ثالث در وجوه و دارائی های مصادره شده

مادۀ دوازدهم:

ادعای مالکیت اشخاص ثالث در وجوه و دارائی های مصادره شده از تاریخ صدور حکم الی یك سال در محکمۀ ذیصلاح قابل سمع می‌باشد.

د وجوهــو او شــتمنیو کنګــل (منجمد) کول

دیارلسمه ماده:

د اشخاصو او هغو سازمانونو د و جوهو او شتمنیو کنګل کول چې د ملګرو ملتونو دمنشور داووم فصل له مخې د ملګرو ملتو د امنیت د شوري لخوا ټاکل شوېدي، د افغانستان د دولت د رئیس د فرمان پر اساس صورت مومي.

منجمد سازی وجوه و دارائی‌ها

مادۀ سیزدهم:

منجمد ساختن وجوه ودارائی های اشخاص و سازمان های که توسط شورای امنیت ملل متحد به تأسی از فصل هفتم منشور ملل متحد تعیین گردیده است، به اساس فرمان رئیس دولت افغانستان صورت می‌گیرد.

د کنګل کولو د شخړو په هکله کړنلاره

څوارلسمه ماده:

د اشخاصو او هغو سازمانونو وجوه او شتمنی چې د دې قانون د (۱۳) مادې د حکم په موجب کنګل شویدي، د هغو خاوند کولای شي د فرمان د صادرېدو له نېټې څخه تر (۳۰) ورځو پورې د استیناف غوښتنې په غرض سترې محکمې ته مراجعه وکړي. پدې برخه کې د سترې محکمې تصمیم وروستنی (نهایي) دي.

طرز العمل در مورد منازعات منجمد سازی

مادۀ چهاردهم:

وجوه و دارائی های اشخاص و یا سازمانهای که به موجب حکم مادۀ (۱۳) این قانون منجمد ساخته شده است، مالك آن می‌تواند از تاریخ صدور فرمان الی (۳۰) روز غرض استیناف خواهی به ستره محکمه مراجعه نماید. تصمیم ستره محکمه در مورد نهائی می‌باشد.

مؤقت تدبیرونه

پنځلسمه ماده:

(۱) واکمنه محکمه د خپل لزومدید له مخې یا د څارنوال د

تدابیر مؤقت

مادۀ پانزدهم:

(۱) محکمۀ ذیصلاح حسب لزوم دید خود یا بالاثر درخواست

غوښتنې په اثر کولای شي، د وجوهو او شتمنیو او مالي معاملو د کنګل کولو په برخه کې د دولت په لګښت د مؤقتو تدبیرونو د نیولو حکم صادر کړي.
(۲) د دې مادې په (۱) فقره کې درج د تدبیرونو د رفع کولو حکم، د څارنوال یا د کنګل شوو وجوهو او شتمنیو د خاوند په غوښتنه (درخواست) د واکمنې محکمې په واسطه صادرېږي.

ضبط
شپاړسمه ماده:
واکمنه محکمه د خپل لزومدید له مخې یا د څارنوال د غوښتنې بالاثر هغه وجوه او شتمنۍ چې د دې قانون په دریمه ماده کې د درج شوو جرمونو په ارتکاب کې ورځخه ګټه اخیستل شوېده یا یې د ګټې اخیستنې قصد متصور وي او هم له دغسې جرمونو څخه لاسته راغلي عواید او د وجوهو او شتمنیو د تشخیص آسانوونکي مدارک ضبطوي.

څارنوال می‌تواند حکم اتخاذ تدابیر مؤقت را به مصرف دولت مبنی بر منجمد نمودن وجوه و دارائی ها و معاملات مالی صادر نماید.
(۲) حکم رفع تدابیر مندرج فقرۀ (۱) این ماده به اساس درخواست څارنوال یا مالك وجوه و دارائی های منجمد شده توسط محکمۀ ذیصلاح صادر می گردد.

ضبط
مادۀ شانزدهم:
محکمۀ ذیصلاح حسب لزوم دید خود یا بالاثر درخواست څارنوال، وجوه و دارائی های را که در ارتکاب جرائم مندرج مادۀ سوم این قانون مورد استفاده قرار گرفته یا قصد استفاده از آن متصور باشد و نیز عواید ناشی از چنین جرائم و مدارك تسهیل کننده تشخیص وجوه و دارائی ها را ضبط می نماید.

درېیم فصل
د محکمو واک

د محکمو د واک حوزه

اووه لسمه ماده:

(۱) د دې قانون حکمونه د هغۀ په درېیمه ماده کې پر درج شوو جرمونو باندې په لاندې حالاتو کې د تطبیق وړ دي:

۱- جرم د افغانستان د دولت په قلمرو کې ارتکاب شوی وي.

۲- جرم په هغې بېړۍ کې چې د افغانستان ددولت دبیرق لېږدونکې وي یا په هغه الوتکه کې چې د جرم له وقوع څخه دمخه دهېواد د نافذو قوانینو مطابق ثبت او راجستر شوې وي، ارتکاب شوی وي.

۳- جرم د افغانستان د تبعه لخوا ارتکاب شوی وي.

۴- جرم د افغانستان له قلمرو څخه بهر د هغۀ بهرني شخص په واسطه ارتکاب شوی وي چې اوس اوس (فعلاً) په هېواد کې موجود وي او د افغانستان دولت، غوښتونکي دولت ته د هغه له بېرته ورکولو سره موافق نه وي.

۵- جرم د افغانستان د دولت د تبعه پر خلاف ارتکاب شوی وي.

فصل سوم
صلاحیت محاکم

حوزۀ صلاحیت محاکم

مادۀ هفدهم:

(۱) احکام این قانون بالای جرائم مندرج مادۀ سوم آن در حالات آتی قابل تطبیق می‌باشد:

۱- جرم در داخل قلمرو دولت افغانستان ارتکاب گردیده باشد.

۲- جرم در داخل کشتی که حامل بیرق دولت افغانستان بوده یا در طیارۀ که قبل از وقوع جرم طبق قوانین نافذۀ کشور ثبت و راجستر گردیده، ارتکاب یافته باشد.

۳- جرم توسط تبعۀ افغانستان ارتکاب گردیده باشد.

۴- جرم در خارج از قلمرو افغانستان توسط شخص خارجی ارتکاب گردیده که فعلاً در کشور موجود بوده و دولت افغانستان موافق به استرداد آن به دولت درخواست کننده نباشد.

۵- جرم علیه تبعۀ دولت افغانستان ارتکاب گردیده باشد.

۶- جرم د افغانستان د دولت په ودانۍ یا ودانۍ پر خلاف چې د هغه له جغرافیایي محدودې څخه بهر واقع ده ارتکاب شوی وي.

۷- هغه عمل چې ددې قانون د درېیمې مادې د (۱) فقرې په (۱ او ۲) جزء کې له درج شوو جرایمو څخه د یوه د ارتکاب په منظور، د یوه عمل د اجراء یا نه اجراء لپاره د افغانستان د دولت د اړ ایستلو په نیت صورت مونډلی وي.

۸- جرم د افغانستان د دولت په قلمرو کې له تابعیت پر ته داستوګن شخص لخوا ارتکاب شوی وي.

(۲) د افغانستان د دولت ستره محکمه، د هېواد له جغرافیایي محدودې څخه بهر د ارتکاب شوو جرمونو د غوروني په منظور، ځانګړې محکمه جوړ وي.

۶- جرم در ساختمان یا علیه ساختمان دولت افغانستان که در خارج از محدودهٔ جغرافیائی آن واقع است،ارتکاب گردیده باشد.

۷- عملی که به منظور ارتکاب یکی از جرائم مندرج اجزای (۱و۲) فقره (۱) مادهٔ سوم این قانون به قصد وادار نمودن دولت افغانستان به اجراء یا عدم اجرای یك عمل صورت گرفته باشد.

۸- جرم توسط شخص بدون تابعیت مقیم در قلمرو دولت افغانستان ارتکاب گردیده باشد.

(۲) ستره محکمه دولت افغانستان به منظور رسیدگی به جرایم ارتکاب یافته در خارج از محدودهٔ جغرافیائی کشور محکمهٔ خاص را ایجاد می‌نماید.

څلورم فصل
نړیواله همکاري

یو تر بله (متقابله) همکاري

اتلسمه ماده:

د معلوماتو، تحقیقاتو د راکړې ورکړې (تبادلې) د غوروني د بهیر، مؤقتو تدبیرونو، د تروریزم په

فصل چهارم
همکاری بین المللی

همکاری متقابل

مادهٔ هجدهم:

به منظور مبارزهٔ مؤثر باجرائم مندرج این قانون در زمینه های تبادل معلومات، تحقیقات،

تمویل پورې د اړوندو سندونو او وجوهو او شتمنیو د مصادرې، د تورنو د بېرته ورکولو او لازمو تخنیکي مرستو په برخو کې پدې قانون کې له درج شوو جرمونو سره د اغېزناکې مبارزې په منظور له نورو دولتونو سره متقابله همکاري صورت مینداڵی شي.

جریان رسیدگی، تدابیر مؤقت، مصادرهٔ اسناد و وجوه و دارائی های مربوط به تمویل تروریزم، استرداد متهمین و مساعدت های لازم تخنیکی با سائر دول، همکاری متقابل صورت گرفته می تواند.

د مکاتبې حق (ارتباط)

نولسمه ماده:

(۱) که چېرې بهرنی تبعه یا په افغانستان کې له تابعیت پرته استوګن شخص چې پدې قانون کې د درج شوو جرمونو د ارتکاب له املې تر څارنې یا توقیف لاندې نیول کېږي، د لاندې حقوقو لرونکی دي:

۱- د متبوع دولت له استازي یا هغه شخص سره چې د دې د حقوقو د ساتنې واک لري د فوري تماس نیول.

۲- د هغه هېواد له استازي سره د تابعیت نه لرونکي شخص کتنه چې عادتاً هلته استوګنه لري.

۳- هغو ته د دې فقرې په (۱ او ۲) اجزاوو کې د درج شوو حقوقو ابلاغول.

(۲) که چېرې څارنوالي د نیونې

حق مکاتبه (ارتباط)

مادهٔ نزدهم:

(۱) در صورتی‌که تبعهٔ خارجی یا شخص بدون تابعیت مقیم افغانستان که بنابر ارتکاب جرائم مندرج این قانون تحت نظارت یا توقیف قرار می‌گیرد، دارای حقوق ذیل می‌باشد:

۱- تماس گرفتن فوری با نمایندهٔ دولت متبوع یا شخصی‌که صلاحیت حفظ حقوق وی را داشته باشد.

۲- ملاقات شخص بدون تابعیت با نمایندهٔ کشوریکه عادتاً در آن سکونت دارد.

۳- ابلاغ حقوق مندرج اجزای (۱و۲) این فقره به آنها.

(۲) هرگاه څارنوالی درخواست

(ګرفتاری) او توقیف په اړه غوښتنه د هغۀ دولت له لوري چې جرم د هغه د قضایي واک په حوزه کې ارتکاب شوی دی، تر لاسه کړي، څارنوالي لازم تدابیرونه نیسي چې تر څارنې (نظارت) یا توقیف لاندې شخص سره د دې قانون د حکمونو مطابق د سره صلیب د استازي په واسطه کتنه (ملاقات) صورت ومومي.

مبنی برگرفتاری و توقیف را از جانب دولتی که جرم در حوزۀ صلاحیت قضائی آن ارتکاب گردیده دریافت نماید، څارنوالی تدابیر لازم را اتخاذ می نماید که با شخص تحت نظارت یا توقیف مطابق احکام این قانون توسط نمایندۀ صلیب سرخ بین المللی ملاقات صورت گرفته بتواند.

اړوندو(ذیربط)هېوادونو ته خبرتیا شلمه ماده:

د څارنوالۍ اداره مکلفه ده بې له ځنډه د الزام ددلایلو او د دې قانون په نولسمه ماده کې د درج شوو اشخاصو له تحقیقاتو څخه دلاسته راغلو دلایلو له څرنګوالي څخه، د افغانستان ددولت له دیپلوماتیکو لارو یا د ملګرو ملتو د سازمان د سکرتر جنرال په ذریعه، هغه هېوادونه چې جرم د هغو د قضایي واک په حوزه کې ارتکاب شوی دی او د لزوم په صورت کې علاقه لرونکي هېوادونه خبر کړي.

اطلاعیه به کشور های ذیربط مادۀ بیستم:

ادارۀ څارنوالی مکلف است بلافاصله از چگونگی دلائل الزام و نتایج حاصله از تحقیقات اشخاص مندرج مادۀ نزدهم این قانون از طریق مجاری دیپلوماتیك دولت افغانستان و یا ذریعۀ سکرتر جنرال سازمان ملل متحد، کشور های را که جرم در حوزۀ صلاحیت قضائی آنها ارتکاب گردیده و در صورت لزوم کشور های ذیعلاقه را مطلع گرداند.

د قضايي همکاري لپاره غوښتنه يوويشتمه ماده:

کـه چېـرې بهرنـي دولتونـه پـدې قـانون او د پيـسو د تطهيـر او لـه جرمونو څخه دلاسته راغلو عوايدو پر خلاف د مبارزې په قانون کې د درج شوو جرمونو په اړه د متقابلې همکـاري غوښـتنه وکـړي، دغـه غوښتنه د لاندې مواردو په پام کې نيولو سره د اجراء وړ ده:

۱- د اثباتيه مدارکو راټولول او يا لـه اړونـدو اشخاصـو څخـه د اظهاراتو اخيستل.

۲- تـر نظـارت يـا توقيـف لاندې اشخاصو په تسليمولو کې مرسته او د غوښتونکې دولت په قضايي مقاماتو پورې په اړوندو تحقيقاتو کې د مـدارکو د وړانـدې کولـو او مرستې په منظور د نورو اشخاصو احضاروول.

۳- د قضايي سندونو استول.

۴- د تلاشۍ اجراء کول او دشيانو ضبطول.

۵- د شـيانو کتنـه (معاينـه) او د ځايونو کتل.

۶- د جرم د اثباتوونکو معلومـاتو او مدارکو وړاندې کول.

۷- د بـانکي صـورت حـساب، محاسـبوي سـندونو او نـورو هغـو

تقاضا برای همکاری قضائی

مادۀ بیست و یکم:

هـرگاه دول خـارجی در رابـطه با جرایم مندرج ایـن قـانون و قـانون مبـارزه علیـه تطهیـر پـول و عوایـد ناشـی از جـرایم، درخواسـت همکـاری متقابـل نماینـد، ایـن درخواسـت بـا نظرداشت مـوارد ذیل قابل اجراء می باشد:

۱- جمـع آوری مـدارك اثباتیـه و یـا اخـذ اظهـارات از اشـخاص ذیربط.

۲- مـساعدت در تـسلیمی اشخـاص تحت نظارت یـا توقیـف و احضار سایر اشخاص بـه منظور ارایـۀ مـدارك و مـساعدت در تحقیقـات مربـوط بـه مقامـات قـضـائی دولـت درخواسـت کننده.

۳- فرستادن اسناد قضائی.

۴- اجـرای تـلاشی و ضـبط اشیاء.

۵- معاینـۀ اشـیاء و مـشاهدۀ محلات.

۶- ارائـه معلومـات و مـدارك اثباتیۀ جرم.

۷- ارائه اصل و یـا کاپی مصدقۀ اسناد و سوابق مربوطـه، بـشمول

سندونو او سوابقو په ګډون د مصدقه اړوندو سندونو او سوابقو د اصل یا کاپي وړاندې کول چې د شرکت دعملیاتویایې دسوداګریزو فعالیتونو ښکارندوی وي.

صورت حساب بانکی، اسناد محاسبوی و سایر اسناد و سوابقیکه نشاندهندۀ عملیات شرکت و یا فعالیتهای تجارتی آن باشد.

د غوښتنې ردول

دوه ویشتمه ماده:

(۱) د متقابلې همکارۍ غوښتنه په لاندې حالاتو کې رد کېږي:

۱- په هغۀ صورت کې چې غوښتنه، د غوښتوونکي هېواد د تقنیني سندونو مطابق او د اړوندو مراجعولې لارې وړاندې شوې نه وي.

۲- په هغۀ صورت کې چې د غوښتنې اجراء کول د هېواد د نافذو تقنیني سندونو مغایر وي او د نظم او عامه امن د ګډوډولو موجب وګرځي.

۳- په هغۀ صورت کې چې غوښتل شوی تورن تر محاکمې لاندې وي یا د مخه د عین تور (اتهام) په هکله دهېوادپه قلمرو کې قضایي فیصله صادره شوې وي.

۴- په هغۀ صورت کې چې غوښتل شوي تدبیرونه د هېواد د تقنیني سندونو مطابق مجاز نه وي یا د هېواد له نافذو تقنیني سندونو سره

رد درخواست

مادۀ بیست و دوم:

(۱) درخواست همکاری متقابل در حالات آتی رد می‌گردد:

۱- در صورتی‌که درخواست مطابق به اسناد تقنینی کشور درخواست کننده و از طریق مراجع ذیربط ارائه نگردیده باشد.

۲- در صورتی‌که اجرای درخواست مغایر اسناد تقنینی نافذ کشور بوده، موجب اخلال نظم و امن عامه گردد.

۳- در صورتی‌که متهم تقاضا شده تحت محاکمه قرار داشته یا قبلاً در مورد عین اتهام در قلمرو کشور فیصلۀ قضائی صادر شده باشد.

۴- در صورتی‌که تدابیر تقاضا شده مطابق به اسناد تقنینی کشور مجاز نبوده یا طبق احکام اسناد تقنینی نافذۀ کشور در مورد جرم

سم، په غوښتنه کې د درج شوي جرم په هکله د تطبیق وړ نه وي.

۵- په هغۀ صورت کې چې د فیصلې دتطبیق غوښتنه، دهېواد دنافذوتقنیني سندونو مغایره وي.

۶- په هغۀ صورت کې چې د تدبیرونو د نیولو غوښتنه یا په نظر وړ شخص باندې د حکم تطبیق د توکمیزو، مذهبي، تابعیت، قومي جرړې (منشاء)، سیاسي نظریو، جنس یا د هغۀ د ټولنیز موقف د ملحوظاتو پر بناء صورت موندلی وي.

۷- په هغۀ صورت کې چې د تورن د عدلي تعقیب په اړه غوښتنه، سیاسي ماهیت او انګیزه ولري.

(۲) بانکي محرمیت د غوښتنې د ردولو موجب کېدای نشي.

(۳) څارنوالي کولای شي، د غوښتنې د رد په برخه کې د محکمې د فیصلې پر خلاف د حکم دابلاغ له نېټې څخه دېرش ورځې وروسته، داستیناف غوښتنه وکړي.

(۴) د افغانستان دولت د غوښتنې د رد دلایل د اړوندو مراجعو له لارې بهرنیو دولتونو او حکومتونو ته په لنډ وخت کې خبر ورکوي.

مندرج درخواست قابل تطبیق نباشد.

۵- در صورتی‌که تقاضای تطبیق فیصله مغایر اسناد تقنینی نافذ کشور باشد.

۶- در صورتی‌که تقاضای اتخاذ تدابیر یا تطبیق حکم بالای شخص مورد نظر بنابر ملحوظات نژادی، مذهبی، تابعیت، منشاء قومی، نظریات سیاسی، جنس یا موقف اجتماعی وی، صورت گرفته باشد.

۷- در صورتی‌که تقاضای مربوط به تعقیب عدلی متهم، ماهیت و انگیزۀ سیاسی داشته باشد.

(۲) محرومیت بانکی موجب رد درخواست شده نمی‌تواند.

(۳) څارنوالی می تواند علیه فیصلۀ محکمه مبنی بر رد درخواست الی سی روز بعد از ابلاغ حکم طالب استیناف گردد.

(۴) دولت افغانستان دلائل رد درخواست را از طریق مراجع مربوطه به دول و حکومات خارجی به اسرع وقت اطلاع می‌دهد.

د تحقیقاتي تدبیرونو د نیولو غوښتنه

در ویشتمه ماده:

(۱) تدبیرونه د هېواد د نافذو تقنیني سندونو مطابق نیول کېږي، خو دا چې بهرنی واکمن مقام بېله کړنلاره چې د افغانستان له تقنیني سندونو سره مطابق وي، پیشنهاد کړي.

(۲) د قضایي ضبط مامور یا هغه شخص چې د بهرني واکمن مقام لخوا ټاکل شوی وي، کولای شي د معلوماتو د تر لاسه کولو او د تحقیقاتي تدبیرونو له اجراء څخه د ډډ د حاصلولو په منظور، په تحقیقاتو کې برخه واخلي.

درخواست اتخاذ تدابیر تحقیقاتی

مادۀ بیست و سوم:

(۱) تدابیر تحقیقاتی مطابق اسناد تقنینی نافذه کشور اتخاذ میگردد مگراینکه مقام ذیصلاح خارجی طرز العمل دیگری را که با اسناد تقنینی افغانستان مطابق باشد پیشنهاد نماید.

(۲) مامور ضبط قضائی یا شخصی که توسط مقام ذیصلاح دولت خارجی تعیین گردیده، می‌تواند بمنظور کسب معلومات و حصول اطمینان از اجرای تدابیر تحقیقاتی در تحقیقات اشتراك نماید.

د مؤقتو تدبیرونو د نیولو لپاره غوښتنه

څلېریشتمه ماده:

(۱) محکمه مکلفه ده، د افغانستان ددولت د نافذو تقنیني سندونو مطابق د مؤقتو تدبیرونو د نیولو په برخه کې د بهرني دولت د واکمن مقام د غوښتنې په هکله حکم صادر کړي.

(۲) په هغه صورت کې چې له هېواد څخه په بهر کې د صادرې شوې فیصلې د تطبیق په هکله

درخواست جهت اتخاذ تدابیر مؤقت

مادۀ بیست و چهارم:

(۱) محکمه مکلف است در مورد درخواست مقام ذیصلاح دولت خارجی مبنی بر اتخاذ تدابیر مؤقت مطابق به اسناد تقنینی نافذۀ دولت افغانستان، حکم صادر نماید.

(۲) در صورتی‌که درخواست مبنی بر تطبیق فیصلۀ صادر شده در خارج کشور به محکمه راجع

غوښتنه محکمې ته راجع شي او د هغې تطبیق د هېواد له نافذو تقنیني سندونو سره مغایرت ولري، محکمه واک لري، غوښتنه رد او له نافذو تقنیني سندونو سره په مطابقت کې غوښتل‌شوي ورته تدبیرونه ونیسي.

(۳) مؤقت اقدامات د دې قانون د پنځلسمې مادې په (۲) فقره کې ددرج شوي حکم مطابق، رفع کېدای شي.

گردد و تطبیق آن با اسناد تقنینی نافذ کشور مغایرت داشته باشد، محکمه صلاحیت دارد، درخواست را رد و تدابیر مشابه تقاضاء شده را در مطابقت به اسناد تقنینی نافذ اتخاذ نماید.

(۳) اقدامات مؤقت طبق حکم مندرج فقرۀ (۲) مادۀ پانزدهم این قانون مرفوع شده می‌تواند.

پنځم فصل
متفرقه حکمونه

د ثبت کړنلاره

پنځه ویشتمه ماده:

سازمانونه او غیر انتفاعي مؤسسې چې د وجوهو او شتمنیو یا هبو او مرستو په راټولولو، تر لاسه کولو، ورکولو یا انتقالولو بوخت وي، مکلف دي خپلو فعالیتونو ته د هېواد د نافذ و قوانینو د حکمونو مطابق، سازمان ورکړي.

فصل پنجم
احکام متفرقه

طرزالعمل ثبت

مادۀ بیست و پنجم:

سازمانها و مؤسسات غیر انتفاعی که مصروف جمع آوری، دریافت، اعطاء یا انتقال وجوه و دارائی ها یا هبه ها و اعانه ها میباشند، مکلفند فعالیت های خویش را مطابق احکام قوانین نافذۀ کشور سازماندهی نمایند.

هبه او اعانه

شپږ ویشتمه ماده:

سازمانونه او غیر انتفاعي مؤسسې هر ډول هبه یا اعانه چې د دې قانون په (۲۵) ماده کې د درج شوي حکم مطابق تر لاسه کوي او مقداریې د د افغانستان بانک له تاکل شوي حد سره برابر یا ورڅخه زیات وي، مکلف دي تر لاسه کړې هبې او اعانې له ټولو جزئیاتو سره په اړوندو سندونو کې ثبت او د پنځو کلونو لپاره یې وساتي او د څارونکو مراجعو د غوښتنې په صورت کې یې هغوي ته وړاندې کړي.

هبه و اعانه

مادۀ بیست و ششم:

سازمان ها و مؤسسات غیر انتفاعی هر نوع هبه یا اعانۀ را که مطابق حکم مندرج مادۀ (۲۵) این قانون دریافت می نماید و مقدار آن برابر یا بالاتر از حد تعیین شدۀ د افغانستان بانک باشد، مکلفند، هبه ها و اعانه های دریافت شده را با تمام جزئیات آن در اسناد مربوط ثبت و برای مدت پنج سال نگهداری و در صورت تقاضای مراجع نظارت کنندۀ مربوط، به آنها ارائه نمایند.

ممنوعه سازمانونه

اووه ویشتمه ماده:

(۱) په هغه صورت کې چې غیر انتفاعي مؤسسي او سازمانونه د دې قانون په دربیمه ماده کې درج شوي جرمونه په پوهې سره و هڅوي، ترویج یې کړي او سازمان ورکړي یا یې مرتکب شي، اړونده څارنوالۍ کولای شي د سازمان د مؤقتې منع قرار صادر کړي.

(۲) د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوو غیر انتفاعي سازمانونو انحلال، د څارنوالۍ په غوښتنه د

سازمانهای ممنوعه

مادۀ بیست و هفتم:

(۱) در صورتی که مؤسسات و سازمانهای غیر انتفاعی، جرائم مندرج مادۀ سوم این قانون را آگاهانه تشویق، ترویج و سازماندهی نموده یا مرتکب آن گردند، څارنوالی مربوط می‌تواند قرار منع مؤقت سازمان را صادر نماید.

(۲) انحلال سازمانهای غیر انتفاعی مندرج فقرۀ (۱) این ماده بالاثر درخواست څارنوالی توسط

محکمې لخوا صورت مومي.

محکمه صورت می گیرد.

د سازمانونو مجازات

اته ویشتمه ماده:

په هغه صورت کې چې غیر انتفاعي سازمانونه او مؤسسې د دې قانون په پنځه ویشتمه او شپږ ویشتمه ماده کې له درج شوو حکمونو څخه سر غړونه (تخلف) وکړي د حالاتو په پام کې نیولو سره، په لاندې توګه مجازات کېږي:

۱- نقدي جریمه چې له پنځو زرو افغانیو څخه لږ او له پنځوسو زرو افغانیو څخه زیاته نه وي.

۲- په مؤقت ډول د مؤسسې د فعالیت منع کول چې له شپږو میاشتو څخه زیات نه وي.

۳- د مؤسسې منحلول.

مجازات سازمانها

مادۀ بیست و هشتم:

در صورتی که سازمانها و مؤسسات غیر انتفاعی از احکام مندرج مواد بیست و پنجم و بیست و ششم این قانون تخلف نمایند، با نظرداشت حالات، قرار ذیل مجازات می گردند:

۱- جریمۀ نقدی ایکه از مبلغ پنج هزار افغانی کمتر و از پنجاه هزار افغانی بیشتر نباشد.

۲- منع مؤقت فعالیت مؤسسه که از شش ماه بیشتر نباشد.

۳- انحلال مؤسسه.

د الکترونیکي انتقالاتو ضمیمه معلومات

نهه ویشتمه ماده:

(۱) فرمایش ورکوونکی شخص مکلف دی خپل ټول ماوراء سرحد الکترونیکي انتقالات د بشپړ شهرت او د اړوند حساب د نومرې له درجولو سره یو ځای او د حساب د نومرې د نه موجودیت په صورت کې دې د خاص مأخذ یوه نومره له

معلومات ضمیمۀ انتقالات الکترونیکی

مادۀ بیست و نهم:

(۱) شخص فرمایش دهنده مکلف است تمام انتقالات الکترونیکی ماوراء سرحد خویش را با درج شهرت مکمله و نمبر حساب مربوط یکجا و در صورت عدم موجودیت نمبر حساب یك نمبر مأخذ خاص را با انتقال

انتقال سره ضمیمه کړي.
(۲) ټول کورنۍ الکترونیکي انتقالات، د دې مادې د (۱) فقرې د حکمونو تابع دي، خو دا چې د انتقال په فرمایش ورکوونکي شخص پورې اړوند معلومات منتفعو مالي مؤسسو او واکمنو مقاماتو ته په بله طریقه وړاندې شي، پدې صورت کې د حساب یوه نومره یا د خاص مأخذ نومره چې په مرسته یې استوونکی تعقیب کړل شي، له انتقال سره ضمیمه کېږي.
(۳) د دې مادې د حکمونو د نېسه تطبیق په منظور د د افغانستان بانک کولای شي ځانګړې کړنلاره وضع کړي.

انفاذ نېټه
دېرشمه ماده:
دغه قانون د توشېح له نېټې څخه نافذه او په رسمي جریده کې دې خپور شي.

ضمیمه نماید.
(۲) تمام انتقالات الکترونیکی داخلی تابع حکم مندرج فقرهٔ (۱) این ماده میباشد. مگر اینکه معلومات مربوط به شخص فرمایش دهندهٔ انتقال به مؤسسات مالی منتفع و مقامات ذیصلاح بطریق دیگری ارائه گردد، درین صورت یک نمبر حساب یا نمبر مأخذ خاص که به کمك آن فرستنده تعقیب گردیده بتواند، با انتقال ضمیمه می‌گردد.
(۳) به منظور تطبیق بهتر احکام این ماده، د افغانستان بانك می‌تواند طرز العمل خاصی را وضع نماید.

تاریخ انفاذ
مادهٔ سی ام:
این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریدهٔ رسمی نشر گردد.

قانون مبارزه علیه جرایم تروریستی

د تروریستی جرمونو پر علیه د مبارزې د قانون د توشیح په هلکه، د افغانستان د اسلامي جمهوریت د رئیس فرمان

گڼه: (۴۰)
نېټه: ۱۳۸۷/۴/۹

لومړۍ ماده:
د افغانستان د اساسي قانون د (۷۹) مادې د حکم له مخې د تروریستي جرمونو پر علیه د مبارزې قانون چې د افغانستان د اسلامي جمهوریت د وزیرانو د شوري د ۱۳۸۷/۳/۲۰ نېټې (۱۳) گڼې مصوبې پر بنسټ په (۴) فصلونو او (۲۶) مادو کې تصویب شوی دی، توشیح کوم.

دوه یمه ماده:
د عدلیې وزیر او په پارلماني چاروکې د دولت وزیر مؤظف دي، دغه فرمان، د ملي شوري د لومړنۍ غونډې د جوړېدو له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې د

فرمان
رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در مورد توشیح قانون مبارزه علیه جرایم تروریستی

شماره: (۴۰)
تاریخ: ۱۳۸۷/۴/۹

مادۀ اول:
به تأسی از حکم مادۀ (۷۹) قانون اساسی افغانستان، قانون مبارزه علیه جرایم تروریستی را که به اساس مصوبۀ شماره (۱۳) مؤرخ ۱۳۸۷/۳/۲۰ شورای وزیران جمهوری اسلامی افغانستان به داخل (۴) فصل و (۲۶) ماده تصویب گردیده است توشیح می دارم.

مادۀ دوم:
وزیر عدلیه و وزیر دولت در امور پارلمانی مؤظف اند این فرمان را در خلال (۳۰) روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسۀ شورای ملی،

ملـي شـوري ولـسي جرګـې تـه وړاندې کړي.

به ولسی جرگهٔ شورای ملی تقدیم نمایند.

درېيمه ماده:
دغه فرمان د توشېح له نېټې څخه نافذ او له قانون سره يو ځای دې په رسمي جريده کې خپور شي.

مادهٔ سوم:
این فرمان از تاریخ توشیح نافذ و همراه با قانون در جریدهٔ رسمی نشر گردد.

حامد کرزی
د افغانستان د اسلامي جمهوريت رئيس

حامد کرزی
رئیس جمهوری اسلامی افغانستان

د تروریستی جرمونو پر علیه د مبارزې قانون لومړی فصل عمومي حکمونه

مبني

لومړۍ ماده:

دغه قانون د افغانستان د اساسي قانون د اوومې مادې د دوه یمې فقرې دحکم په رڼا کې د تروریستي جرمونو پر علیه د مبارزې په منظور، وضع شوی دی.

د مبارزې مسئولی ادارې

دوه یمه ماده:

د کورنیو چارو وزارت، د ملي امنیت عمومي ریاست او نورې اړوندې ادارې، د خپلو دندو په ساحه کې په ګډه هاند او د معلوماتو په راکړې ورکړې سره ددې قانون او د تروریستی جرمونو پر علیه د اړوندو قوانینو د حکمونو مطابق، مبارزه کوي.

قانون مبارزه علیه جرایم تروریستی فصل اول احکام عمومی

مبنی

مادۀ اول:

این قانون در روشنی حکم فقرۀ دوم مادۀ هفتم قانون اساسی افغانستان به منظور مبارزه علیه جرایم تروریستی وضع گردیده است.

ادارات مسئول مبارزه

مادۀ دوم:

وزارت امور داخله، ریاست عمومی امنیت ملی و سایر ادارات ذیربط با تشریك مساعی وتبادل معلومات درساحۀ وظایف شان طبق احکام این قانون و قوانین مربوط علیه جرایم تروریستی مبارزه می نماید.

اصطلاحگانې

درېیمه ماده:

لاندې اصطلاحگانې پدې قانون کې دغه مفاهیم افاده کوي:

۱- تروریستي جرمونه: د افغانستان د دولت یا بهرني دولت یا د ملي او بین المللي مؤسسو او سازمانونو د سیاست تر اغېزې لاندې را وستلو یا د افغانستان دولت یا بهرني دولت د بې ثباته کولو په منظور پدې قانون کې ددرج شوو جرمي اعمالو ارتکاب دی.

۲- تروریست او تروریستی سازمان: حقیقي یا حکمي شخص دی چې پدې قانون کې له درج شوو جرمونو څخه د یوه مرتکب شوی وي یا د ملګرو ملتونو د سازمان د امنیت شوري د پرېکړه لیك مطابق تروریست یا تروریستي سازمان و پېژندل شي، پدې شرط چې پرېکړه لیك د ملي شوري لخوا تصدیق شوی وي.

۳- تشدد: په ضاربه، جارحه یا ناریه وسلې او یا جسمي توان ته په لاس اچولو سره هر مادي عمل (حمله) دی چې شخص د هغۀ

اصطلاحا ت

مادۀ سوم:

اصطلاحات آتی در این قانون مفاهیم ذیل را افاده می نماید:

۱- جرایم تروریستی: ارتکاب اعمال جرمی مندرج این قانون است، به منظور تحت تأثیر قرار دادن سیاست دولت افغانستان یا دولت خارجی و یا مؤسسات و سازمان های ملی یا بین المللی یا بی ثبات ساختن نظام دولت افغانستان و یا دولت خارجی.

۲- تروریست وسازمان تروریستی: شخص حقیقی یا حکمی است که یکی از جرایم مندرج این قانون را مرتکب گردیده باشد یا مطابق قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد تروریست یا سازمان تروریستی شناخته شود، مشروط بر اینکه قطعنامه از طرف شورای ملی تصدیق گردیده باشد.

۳- تشدد: هر عمل مادی (حمله) با اسلحه اعم از ضاربه، جارحه یا ناریه و یا با توسل به نیروی جسمی است که شخص به ارتکاب

ارتکاب ته اقدام وکړي او له اخطار سره یو ځای هغۀ ته دوام ورکړي.

۴- ملاتړ: د مالي سرچینو، استوګنځي، زده کړې، پناه ځای،سلا او مرستې، د پېژند پاڼو تزویر، مخابراتي تجهیزاتو، وسلې، کیمیاوي موادو، هستوي او نورو چاودېدونکو موادو، انساني منابعو، ترانسپورتي شونتیاوو او نورو آسانتیاوو برابرول دي.

۵- د بین المللي خوندیتوب لرونکی شخص: هغه شخص دی چې د بین المللي حقوقي سندونو مطابق، د خوندیتوب د ځانګړي حق لرونکی، ګڼل شوی وي.

۶- بنسټیز تأسیسات : هغه دولتي یا غیردولتي تأسیسات دي چې د ګاز، نفتو او اوبو، تولید، زېرمه کول، وېشل، د اوبو رسولو او کانالېزاسیون شبکه، د برېښنا د انرژۍ تولید، مالي خدمتونه، پوهنې، بانکداری، روغتیایي، د اور وژنې او ژغورنې، ترانسپورتي له جملې ځمکني، هوایي، سیندیز او یا سمندري، د مواصلاتي په ځارنې کې شامل ټول ګټې (عام

آن اقدام نموده و توأم بااخطار به آن ادامه دهد.

۴ - حمایت : فراهم نمودن منابع مالی، مسکن، آموزش، پناهگاه، مشاوره و معاونت، تزویر اسناد هویت، تجهیزات مخابراتی، اسلحه، مواد کیمیاوی، هستوی و سایر مواد منفلقه، منابع انسانی، امکانات ترانسپورتی یا سایر تسهیلات می باشد.

۵- شخص دارای مصؤنیت بین المللی: شخصی است که مطابق اسناد حقوقی بین المللی حایز حقوق مصؤنیت خاص پنداشته شده است.

۶- تأسیسات زیر بنائی : تأسیسات دولتی یا غیر دولتی است که خدمات عام المنفعه شامل تولید، ذخیره و توزیع گاز، نفت و آب، شبکۀ آبرسانی و کانالیزاسیون، تولید انرژی برق، خدمات مالی، معارف، بانکداری، صحی، اطفائیه و نجات، ترانسپورتی اعم از زمینی، هوایی، دریایی و یا بحری، مراقبت خطوط

المنفعه) خدمتونه، دفاعي، امنيتي، مخابراتي کرښو او يا نور ټولنيز- اقتصادي خدمتونه وړاندې کوي.

۷- سيندیز يا سمندري ثابت تأسيسات: هغه ساحه يا جوړښت (ساختمان) دی چې په دايمي توګه په سيند يا سمندر کې د هغۀ له تل سره جوخت، د سرچينو د تفحص او استخراج او يا نورو اقتصادي مقصدونو لپاره جوړېږي.

۸- چاودېدونکي مواد او وژونکي وسايل: هغه اور بلوونکي مواد، زهرجن کيمياوي مواد، بيولوژيکي عوامل او نور مواد دي چې د وژلو يا سخت ټپي کولو يا په مرضونو د اخته کولو يا د مادي زيان د اړولو وړتيا ولري.

۹- هسته يې مواد: لاندې مواد پکې شامل دي:

- پلوتونيوم.

- يورانيم چې د نه کاني ډبرې يا د کاني ډبرې د پاتې شونو په ډول وي او په طبيعي ډول د ايزوتوپونو پر مخلوط مشتمل وي.

- بډای شوي يورانيوم هغه يورانيم دي چې د ۲۳۳ يا ۲۳۵ ايزوتوپونو

مواصلاتی، دفاعی، امنیتی، مخابراتی و یا سایر خدمات اجتماعی ـ اقتصادی را عرضه می نماید.

۷- تأسیسات ثابت دریائی یا بحری: ساحه یا ساختمانی است که به صورت دایمی در دریا یا بحر متصل به بستر آن جهت تفحص و استخراج منابع و یاسایر مقاصد اقتصادی ایجاد می گردد.

۸- مواد منفجره و وسایل کشنده: مواد آتشزا، مواد کیمیاوی زهرآگین، عوامل بیولوژیکی و سایرموادی است که قابلیت هلاك نمودن یا جراحت شدید یا مصاب ساختن به امراض و یا وارد نمودن خسارات مادی را داشته باشد.

۹ - مواد هسته یی: شامل مواد ذیل می باشد:

- پلوتونیوم.

- یورانیم که نه به شکل سنگ معدنی یا بقایای سنگ معدنی بوده و مشتمل بر مخلوط از ایزوتوپ ها بشکل طبیعی باشد.

- یورانیم غنی شده یورانیم است که دارای ایزوتوپ ۲۳۳

لرونکي یا دواړه په هغۀ مقدار سره وي چې له ۲۳۸ ایزوتوپونو سره په مقایسه کې د دغو ایزوتوپونو د زیاتوالي (فراوانی) نسبت په طبیعت کې د موجودو ۲۳۵ پر ۲۳۸ ایزوتوپونو له نسبت څخه ستر وي.

- ۲۳۳ یورانیوم.

۱۰- راډیو اکتیف مواد: هسته یي مواد او نور راډیو اکتیف مواد دي چې د هستې لرونکي وي او خپل پخپله تجزیه کېږي (هغه پروسه ده چې د آیونیزه د یوې او یا زیاتو ډول ډول تشعشعاتو له خپرېدو سره یوځای وي لکه د الفا، بیتا، ګاما وړانګې او د نیوترون ذرې) او دغه تشعشعات د خپلو تشعشعي او انشقاقي خصوصیاتو له مخې په مړینه، سخت جسمي ټپ، روانې زیان یا ملکیتونو یا چاپېریال ته په لیدنې وړ زیان اړولو تمامه شي.

۱۱- د الوتلو په حال کې الوتکه: هغه الوتکه ده چې ټولې دروازې یې د الوتلو په منظور ټرلې وي او تر هغۀ وخته چې یوه دروازه یې د سپرلیو د وتلو په منظور، یا ۲۳۵ و یا هردو به مقدار باشد که نسبت فراوانی این ایزوتوپها در مقایسه با ایزوتوپ ۲۳۸ بزرگتر از نسبت فراوانی ایزوتوپ ۲۳۵ بر ایزوتوپ ۲۳۸ موجود در طبیعت باشد.

- یورانیم ۲۳۳.

۱۰- مواد رادیواکتیف: مواد هسته یی و دیگرمواد رادیو اکتیف می باشد که دارای هسته بوده و به صورت خود به خودی تجزیه می گردند (پروسه ای است که توأم با نشر یك و یا انواع بیشتر تشعشعات آیونیزه باشد مانند اشعۀ الفا، بیتا، گاما و ذرات نیوترون) و این تشعشعات بنا بر خصوصیات تشعشعی و انشقاقی خویش منجر به مرگ، جراحت شدید جسمی، صدمۀ روانی یا خسارات قابل ملاحظه به ملکیت ها یا محیط گردد.

۱۱- طیاره درحال پرواز: طیارۀ است که تمام دروازه های آن به منظور پرواز بسته شده و الی زمانیکه یکی از دروازه های آن به منظور خروج راکبین باز

خلاصپړي.
د اجباري ناستې په صورت کې تر هغۀ وخته پورې چې واکمن مقامات د الوتکې، سپرلیو او په الوتکه کې د دننه مالونو مسؤلیت په غاړه واخلي، الوتکه د الوتلو په حال کې ګډل کېږي.

می گردد.
در صورت نشست اجباری الی زمانیکه مقامات با صلاحیت، مسؤلیت طیاره، راکبین و اموال داخل طیاره را بعهده گیرند، طیاره درحال پرواز دانسته می شود.

د تطبیق ساحه

څلورمه ماده:
کـه چېرې د افغانستان تبعه، د بهرني دولت تبعه یا له تابعیت پرته شخص، پدې قانون کې درج شوي جرمونه، په لاندې حالاتوکې مرتکب شي، ددې قانون حکمونه پرې، د تطبیق وړ دي:
۱- جرم د افغانستان په قلمرو کې ارتکاب شوی وي.
۲- جرم د افغانستان د تبعه یا په افغانستان کې د نورو مېشتو اشخاصو پر علیه یا د افغانستان د ګټو پر ضد په بهر کې ارتکاب شوی وي.
۳- جرم د هغې الوتکې په دننه یا د هغې پر ضد چې په افغانستان کې ثبت شوې وي، ارتکاب شوی وی.

ساحۀ تطبیق

مادۀ چهارم :
هرگاه تبعۀ افغانستان، تبعۀ دولت خارجی یا شخص بدون تابعیت، جرایم مندرج این قانون را در احوال ذیل مرتکب گردد، احکام این قانون بر وی قابل تطبیق می باشد:
۱-جرم در قلمرو افغانستان ارتکاب گردیده باشد.
۲- جرم علیه تبعۀ افغانستان یا سایر اشخاص مقیم افغانستان یاعلیه منافع افغانستان در خارج ارتکاب گردیده باشد.
۳- جرم در داخل طیاره یا علیه آن که در افغانستان ثبت بوده، ارتکاب گردیده باشد.

۴- جـرم د افغانـستان د بیـرغ وړونکې ببړې په دننه یا د هغې پر ضد ارتکاب شوی وي.

۵- جرم د هغې ودانۍ په دننه او یا د هغې پر علیه چې د افغانستان د دولت دیپلوماتیکه نمایندګي یا نورې رسمي نمایندګۍ پکې واقع وي یا د افغانستان په دولت پورې د اړوندو آسانتیاوو (تسهیلاتو) پر ضد، ارتکاب شوی وي.

۶- جرم د هغې الوتکې په دننه کې چې په افغانستان کې ثبت شوې نه وي ارتکاب شوی وي او الوتکه د افغانستان په قلمرو کې ناسته وکړي او له الوتکې سره په اړه ددې قانون په نهمه ماده کې د درج شوي جرم مرتکب، د هغې په دننه کې وي.

۷- جرم، ددې قانون په دیارلسمه ماده کې د درج شوي شخص په اړه، چې د افغانستان له دولت سره کاري اړیکي ولري، ارتکاب شوی وي.

۴- جرم در داخل کشتی حامل بیرق افغانستان یا علیه آن ارتکاب گردیده باشد.

۵- جرم در داخل ساختمان و یا علیه آن که نمایندگی دیپلوماتیك یا سایر نمایندگی های رسمی دولت افغانستان درآن واقع بوده یا علیه تسهیلات متعلق به دولت افغانستان، ارتکاب گردیده باشد.

۶- جرم در داخل طیاره ای که در افغانستان ثبت نبوده ارتکاب گردیده و طیاره در قلمرو افغانستان نشست نماید و مرتکب جرم مندرج مادۀ نهم این قانون در ارتباط به طیاره در داخل آن باشد.

۷- جرم در ارتباط به شخص مادۀ سیزدهم این قانون که با دولت افغانستان روابط کاری داشته، ارتکاب گردیده باشد.

د اطفالو د تروريستي جرمونو څېړل (رسيدګی)

پنځمه ماده:

که چېرې پدې قانون کې درج شوي جرمونه، د اطفالو لخوا ارتکاب شي، د هغو څېړل، د اطفالو د سرغړونو د رسېدګۍ د قانون مطابق، صورت مومي.

رسیدگی به جرایم تروریستی اطفال

مادۀ پنجم :

هرگاه جرایم مندرج این قانون توسط اطفال ارتکاب گردد ، رسیدگی به آن طبق قانون رسیدگی به تخلفات اطفال صورت می گیرد.

د مظنون یا تورن حقوق

شپږمه ماده:

د تروريستي جرمونو مظنون يا تورن، د تحقيق او محاکمې په وخت کې د نورو جرمونو د مظنونينو او تورنو په څېر د عين قانوني حقوقو لرونکی دی.

حقوق مظنون یامتهم

مادۀ ششم:

مظنون یا متهم جرایم تروریستی ، حین تحقیق ومحاکمه مانند مظنونین ومتهمین سایر جرایم دارای عین حقوق قانونی می باشد.

د بهرنۍ تبعه مظنون يا تورن حقوق

اوومه ماده:

که چېرې پدې قانون کې د درج شوو جرمونو مظنون يا تورن بهرنی تبعه وي، له نيولو او توقيف وروسته، په نورو تقنيني سندونو کې پر درج شوو حقوقو برسېره د لاندې حقوقو لرونکی هم دی:

۱- د بهرنيو چارو د وزارت له لارې

حقوق مظنون یا متهم تبعۀ خارجی

مادۀ هفتم:

هرگاه مظنون یا متهم جرایم مندرج این قانون تبعۀ خارجی باشد ، بعد از گرفتاری و توقیف علاوه بر حقوق مندرج سایر اسناد تقنینی دارای حقوق ذیل نیز می‌باشد :

۱- اطلاع بدون تاخیر به

د متبوع دولت سیاسي نمایندګی ته بې له ځنډه خبر ورکول.
۲- د متبوع دولت له استازی سره لیدنه کتنه.
۳- ددې مادې په (۱او ۲) اجزاوو کې له درج شوو حقوقو څخه خبرتیا.

نمایندگی سیاسی دولت متبوع از طریق وزارت امورخارجه.
۲- بازدید بانمایندۀ دولت متبوع.
۳- آگاهی از حقوق مندرج اجزای (۱و۲) این ماده .

دوه یم فصل
تروریستي جرمونه او د هغو مجازات

فصل دوم
جرایم تروریستی و مجازات آن

د الوتکې، بېړۍ او یا د لارښوونې د ثابت ځای (سکو) تصرف یا تر کنترول لاندې راوستل

اتمه ماده:
(۱) هغه شخص چې د قوې (تشدد) یا وېرې اچونې د نورو اعمالو په استعمال سره، د الوتنې په حال کې الوتکه یا بېړۍ یا د لارښوونې ثابت ځای (سکو) یا د هغو یوه برخه تصرف یا تر کنترول لاندې را ولي، له احوالو سره سم د اوږدیا دوام حبس په جزا، محکومېږي.
(۲) کـه چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوی شخص د سخت تپ یا قتل مرتکب شي، له احوالو

تصرف یا تحت کنترول قرار دادن طیاره، کشتی و یامحل هدایت(سکو) ثابت

مادۀ هشتم:
(۱) شخصی که با استعمال قوه (تشدد) یاسایر اعمال ارعاب آمیز، طیارۀ در حال پرواز یا کشتی یا محل هدایت (سکو) ثابت و یا بخشی از آنها را، تصرف یا تحت کنترول قرار دهد، حسب احوال به جزای حبس طویل یا دوام محکوم می گردد.
(۲) هرگاه شخص مندرج فقرۀ (۱) این ماده مرتکب جراحت شدید یا قتل گردد، حسب احوال

سره سم د دوام حبس یا اعدام په جزا، محکومېږي.

(۳) که چېرې شخص صرف ددې مادې په (۱) فقره کې د درج شوو عملونو د ارتکاب ګواښ وکړي، مرتکب د متوسط حبس په جزا چې له دریو کلونو څخه لږ نه وي، محکومېږي.

(۴) که چېرې ددې مادې په (۳) فقره کې د درج شوي ګواښ له املې شخص تر جسمي یا رواني فشار لاندې و نیول شي، له احوالو سره سم، د هغه حبس په جزا چې له دریو کلونو څخه لږ او له اوو کلونو څخه زیات نه وي، محکومېږي.

به جزای حبس دوام یا اعدام، محکوم می گردد.

(۳) هرگاه شخص، صرف تهدید به ارتکاب اعمال مندرج فقرهٔ (۱) این ماده را نماید، مرتکب حسب احوال به جزای حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد ، محکوم می گردد.

(۴) هرگاه بالاثر تهدید مندرج فقرهٔ (۳) این ماده شخص تحت فشار جسمی یا روانی قرار گیرد، حسب احوال به جزای حبسی که از سه سال کمتر و از هفت سال بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

د هوایي خوندیتوب پر علیه جرمونه

نهمه ماده:

(۱) هغه شخص چې له لاندې عملونو څخه د یوهٔ مرتکب شي، په لاندې توګه مجازاتېږي:

۱- په هغهٔ صورت کې چې الوتکه د الوتنې په حال کې وي، د هغې د یوې سپرلۍ پر علیه له تشدد څخه په ډك عمل لاس پورې کړي او نومورې عمل د الوتکې خوندیتوب

جرایم علیه مصؤنیت هوائی

مادهٔ نهم:

(۱) شخصی که مرتکب یکی ازاعمال آتی شود ،حسب ذیل مجازات می گردد:

۱- درصورتی که طیاره در حال پرواز بوده، علیه یکی از راکبین آن دست به عمل تشدد آمیز بزند وعمل مذکور مصؤنیت طیاره

له خطر سره مخامخ کړي، مرتکب له احوالو سره سم، د هغه حبس په جزا چې له پنځو کلونو څخه لږ او له لسو کلونو څخه زیات نه وي، محکومېږي.

۲- په هغه صورت کې چې فعاله الوتکه داسې ډول زیانمنه کړي چې د الوتنې خنډ یې شي یا د الوتنې په حال کې الوتکې د خوندیتوب لپاره د خطر احتمال را منځته کړي یا غیر فعاله الوتکه زیانمنه یا ویجاړه کړي، مرتکب له احوالو سره سم، د اوږده یا دوام حبس یا اعدام په جزا محکومېږي.

۳- په هغه صورت کې چې په الوتکه کې داسې مواد او وسایل کښېږدي او یا یې د ابنودلو وسیله شي داسې چې د الوتکې د ویجاړېدو موجب شي یا هغې ته داسې زیان ورسوي چې د الوتنې خنډ یې شي یا د الوتنې په حال کې الوتکې خوندیتوب ته د خطر احتمال را منځته کړي، مرتکب له احوالو سره سم د حبس په جزا چې له لسو کلونو څخه لږ او له څوارلسو کلونو څخه زیات نه وي، محکومېږي.

را به خطر مواجه سازد، مرتکب حسب احوال به جزای حبسی که از پنج سال کمتر و از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

۲- درصورتی که طیارهٔ فعال را طوری خساره مند سازد که مانع پرواز آن گردد یا احتمال خطر را برای مصؤنیت طیارهٔ در حال پرواز ایجاد نماید، یا طیارهٔ غیر فعال را خساره مند و یا منهدم نماید مرتکب حسب احوال به جزای حبس طویل یا دوام و یا اعدام محکوم می گردد.

۳- درصورتی که در طیاره وسایل یا موادی را بگذارد و یا وسیلهٔ گذاشتن آن شود، طوری که موجب انهدام طیاره شده بتواند یا به آن صدمهٔ برساند که مانع پرواز آن گردد یا احتمال خطر را برای مصؤنیت طیاره در حال پرواز ایجاد نماید، مرتکب حسب احوال به جزای حبسی که از ده سال کمتر و از چهارده سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

۴- په هغهٔ صورت کې چې ملکي هوايي تأسيسات ويجاړ يا هغو ته زيان ورسوي يا يې په فعاليت کې پداسې توګه لاسوهنه وکړي چې د الوتنې خوندیتوب له خطره سره مخامخ کړي، له احوالو سره سم د اوږده حبس په جزا چې له لسو کلونو څخه لږ نه وي يا په دوام حبس، محکومېږي.

۵- په هغهٔ صورت کې چې پوهېږي هغه معلومات چې حقيقت نلري، وړاندې کړي، داسې چې د الوتنې خوندیتوب له خطر سره مخامخ وښيي، مرتکب د متوسط حبس په جزا چې له دريو کلونو څخه لږ نه وي، محکومېږي.

(۲) په هغهٔ صورت کې چې شخص د دولتي کارکوونکي يا هر بل حقيقي يا حکمي شخص د يوهٔ عمل اجراء يا له اجراء څخه ډډې کولو ته د مجبورولو په منظور ددې مادې د (۱) فقرې په (۱، ۲ او ۳) اجزاوو کې د درج شوو عملونو د ارتکاب ګواښ وکړي، مرتکب له احوالو سره سم د هغه حبس په جزاء چې له دريو کلونو څخه لږ او له اوو کلونو څخه زيات نه وي،

۴- درصورتی که تأسیسات هوائی ملکی را منهدم و یا به آن صدمه برساند یا درفعالیت آ ن به نحوی دخالت نماید که مصؤنیت پرواز را به خطر مواجه سازد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس طویلی که از ده سال کمتر نباشد یا حبس دوام، محکوم می گردد.

۵- درصورتی که معلوماتی را که می داند عاری از حقیقت است، ارائه نماید طوریکه مصؤنیت پروازرا مواجه به خطر وانمود سازد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد، محکوم می گردد.

(۲) در صورتی که شخص تهدید ارتکاب اعمال مندرج اجزای (۱، ۲ و ۳) فقرهٔ (۱) این ماده را به منظور مجبور ساختن کارکن دولتی یا هر شخص حقیقی یا حکمی دیگری برای اجراء یا امتناع از اجرای یك عمل نماید، مرتکب حسب احوال به جزای حبسی که از سه سال کمتر و از هفت سال بیشتر نباشد، محکوم

محکومېږي.
(۳) کـه چېـرې ددې مـادې د (۱) فقـرې پـه (۱) جـز کـې د درج شـوو عملونو د ګوابښ لـه املـه شـخص تر جـسمي يـا روانـي فـشار لانـدې و نيـول شـي، مرتکب لـه احوالـو سره سم د هغه حبس په جزا چې لـه لسو کلونو څخه لږ او لـه پنځلسو کلونـو څخه زيات نه وي، محکومېږي.

د هوايي ډګرونوپر عليه جرمونه
لسمه ماده:
(۱) هغـه شـخص چـې لـه لاتـدې عملونو څخه د يوه مرتکب شي او پـه پايلـه کـې يـې د بـين المللـي ترانـسپورت د ګټـې اخـستنې ور ملکـي هـوايي ډګر خونديتوب لـه خطر سره مخامخ کړي او يا له خطر سـره د مخـامخ کېـدو د احتـمال باعـث شـي، پـه لاتـدې توګـه مجازاتېږي:
۱- په هغه صورت کې چې د تشدد عمل د هغه شخص پر عليـه چې د ملکـي بـين المللـي هـوايي ډګر پـه خدمت کې وي او په هوايي ډګر کې د هغه د سـخت ټپ يـا قتـل سـبب اويـا يـې د سـخت ټپ يـا قتـل د

می گردد.
(۳) هرگـاه بـالاثـر تهديـد اعـمال مندرج جز(۱) فقرۀ (۱) ايـن مـاده ، شـخص تحـت فـشار جـسمی يـا روانـــی قـــرار گيـــرد، مرتکـــب حـــسب احـــوال بـــه جـــزای حبـــسی کـــه ازده ســـال کمتـــر واز پـانزده سـال بيـشتر نباشـد، محکوم می گردد.

جرايم عليه ميدان های هوائی
مادۀ دهم:
(۱) شخـصی کـه مرتکـب يکـی ازاعمـال آتـی گرديـده و در نتيجۀ آن مصؤنيت ميدان هوائی ملکی مـــورد اســـتفادۀ ترانـــسپورت بـين المللـی را بـه خطـر مواجـه سـازد و يـا احتمـال مواجـه شـدن بـــه خطـــر را باعـــث شـــود، حـــسب ذيـــل مجـــازات می گردد:
۱- در صـورتی کـه عمـل تـشدد عليه شخصی که در خدمت ميدان هوائی بين المللی ملکی بوده و در ميدان هوائی سبب جراحت شديد يـا قتـل وی و يـا باعـث بـه ميـان آوردن احتمال مجروحيت شديد يا

احتمال د منځته راتلو باعث شي، مرتکب له احوالو سره سم د دوام حبس یا اعدام په جزا محکومېږي.

۲- په هغهٔ صورت کې چې د بین المللي ګټې اخستنې وړ ملکي هوایي ډګر تأسیسات ویجاړ یا هغهٔ ته سخت زیان و رسوي یا د هوایي ډګر خدمتونه اخلال کړي، مرتکب د اوږدهٔ حبس د اکثر حد په جزا محکومېږي.

۳- په هغهٔ صورت کې چې شخص د دولتي کارکوونکي یا هر بل حقیقي یا حکمي شخص د یوهٔ عمل اجراء یا له اجراء څخه ډډې کولو ته د مجبورولو په منظور ددې مادې د (۱) فقرې په (۱) جز کې د درج شوو عملونو د ارتکاب ګواښ وکړي، مرتکب له احوالو سره سم د هغه حبس په جزا چې له دریو کلونو څخه لږ او له اوو کلونو څخه زیات نه وي، محکومېږي.

(۲) کـه چېـرې ددې مـادې د (۱) فقرې په (۱ او ۲) اجزاوو کې د درج شـوو عملونـو د ګـواښ لـه املـه شخص تر جسمي یا رواني فشار لاندې و نیـول شـي، مرتکـب لـه احوالو سره سم د هغه حبس په جزا قتـل وی گـردد، مرتکـب حـسب احوال به جزای حبس دوام یا اعدام محکوم می گردد.

۲- در صورتیکه تأسیسات میدان هـوائی مـورد اسـتفادهٔ خـدمات هوائی ملکی بین المللی را منهدم یـا بـه آن صدمهٔ شدید برساند یـا خدمات مـی‌دان هـوائی را اخـلال نمایـد، مرتکـب بـه حداکثر جزای حبس طویل محکوم می‌گردد.

۳- در صورتی کـه شـخص تهدید ارتکـاب اعـمال منـدرج جـز(۱) فقـرهٔ (۱) ایـن مـاده را بـه منظـور مجبـور سـاختن کـارکن دولتـی یـا هـر شـخص حقیقـی یـا حکمی دیگری به اجراء یا امتناع از اجرای یـك عمـل نمایـد، مرتکـب حـسب احـوال بـه جـزای حبـسی کـه از سـه سـال کمتـرو از هفت سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

(۲) هرگـاه بـالاثـر تهدیـد اعمـا ل منـدرج اجـزای(۱و۲) فقـرهٔ (۱) ایـن مـاده شـخص تحت فشار جسمی یا روانی قرار گیـرد، مرتکـب حـسب احـوال بـه جـزای حبـسی کـه ازپـنج

چې له پنځو کلونو څخه لږ او له لسو کلونو څخه زیات نه وي، محکومېږي.

سال کمتر واز ده سال بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

د بېړیو او ثابتو تأسیساتو د سپرلې (راکب) پر علیه جرمونه

یوولسمه ماده:

(۱) هغه شخص چې له لاندې عملونو څخه د یوۀ مرتکب شي، په لاندې توګه مجازاتېږي:

۱- په هغۀ صورت کې چې د تشدد عمل، په بېړۍ کې د سپور شخص پر علیه یا په ثابتو تأسیساتو کې صورت ومومي، مرتکب له احوالو سره سم، د اوږدۀ حبس په جزا محکومېږي.

۲- په هغۀ صورت کې چې عمل د بېړۍ، د بېړۍ د محمولې یا ثابتو تأسیساتو د ویجاړېدو یا زیات زیان سبب شي یا احتمالاً د سمندري ترانسپورت د ګټې اخستنې وړ ثابتو تأسیساتو خوندیتوب له خطر سره مخامخ کړي، مرتکب له احوالو سره سم د اوږدۀ حبس په جزاء، محکومېږي.

۳- په هغۀ صورت کې چې په بېړۍ یا ثابتو تأسیساتو کې داسې

جرایم علیه راکب کشتی ها وتأسیسات ثابت

مادۀ یازدهم:

(۱) شخصی که مرتکب یکی از اعمال آتی شود ،حسب ذیل مجازات می گردد:

۱- در صورتی که عمل تشدد علیه شخص سوار در کشتی یا در تأسیسات ثابت صورت گیرد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس طویل محکوم می‌گردد.

۲- در صورتی که عمل سبب انهدام یا خسارۀ شدید کشتی، محمولۀ کشتی یا تأسیسات ثابت گردد یا احتمالاً مصؤنیت کشتی یا تأسیسات ثابت مورد استفاده ترانسپورت بحری را به خطر مواجه سازد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس طویل محکوم می گردد.

۳- در صورتی که در کشتی یا تأسیسات ثابت و سایل یا موادی

وسایل یا مواد کنښړدي یا یې د اښنودلو وسیله شي چې د ښړې یا ثابتو تأسیساتو د ویجاړښدو یا زیان سبب شي، مرتکب له احوالو سره سم د اوږدې حبس په جزاء چې له شپږو کلونو څخه لږ اوله لسو کلونو څخه زیات نه وي، محکومېږي.

۴- په هغه صورت کې چې ددې فقرې په (۱ او ۲) اجزاوو کې درج شوي عملونه د ښړې د سفر خوندیتوب له خطر سره مخامخ کړي یا سمندري تأسیسات ویجاړ یا ورته زیان ورسوي یا یې خدمتونه اخلال کړي، مرتکب له احوالو سره سم، د اوږدې حبس په جزا او د سخت ټپ یا قتل په صورت کې په اعدام محکومېږي.

۵- په هغه صورت کې چې پوهېږي هغه معلومات چې حقیقت نلري، وړاندې کړي داسې چې د ښړې یا ثابتو تأسیساتو خوندیتوب له خطر سره مخامخ کړي، مرتکب له احوالو سره سم د متوسط حبس په جزا محکومېږي.

(۲) په هغه صورت کې چې شخص د دولتي کارکوونکو یا هر بل

را بگذارد و یا وسیلۀ گذاشتن آن شود که سبب انهدام یا صدمه به کشتی یا تأسیسات ثابت شده بتواند، مرتکب حسب احوال به جزای حبس طویلی که از شش سال کمتر و از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

۴- در صورتی که اعمال مندرج اجزای (۱و ۲) این فقره مصؤنیت سفر کشتی را به خطر مواجه سازد یا تأسیسات ترانسپورت بحری را منهدم یا به آن صدمه برساند و یا خدمات آنرا اخلال نماید، مرتکب حسب احوال به جزای حبس طویل و درصورت جراحت شدید یا قتل به اعدام محکوم می گردد.

۵- در صورتی که معلوماتی را که می‌داند عاری از حقیقت است ارائه نماید طوریکه مصؤنیت کشتی و یا تأسیسات ثابت را به خطر مواجه سازد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس متوسط محکوم می گردد.

(۲) در صورتی که شخص تهدید ارتکاب اعمال مندرج اجزای

حقیقي یا حکمي شخص د یوه عمل اجراء یا له اجراء څخه ډډې کولو ته د مجبورولو په منظور، ددې مادې د (۱) فقرې په (۱، ۲، ۳ و ۴) اجزاوو کې د درج شوو اعمالو د ارتکاب ګوابښ وکړي، مرتکب له احوالو سره سم د هغه حبس په جزاء چې له دریو کلونو څخه لږ او له اوو کلونو څخه زیات نه وي، محکومېږي.

(۳) که چېرې ددې مادې په (۲) فقره کې د درج شوي ګوابښ له املې، شخص تر جسمي یا رواني فشار لاندې و نیول شي، مرتکب له احوالو سره سم، د اوږدې حبس په جزاء چې له شپږو کلونو څخه لږ او له لسو کلونو څخه زیات نه وي، محکومېږي.

د اشخاصو پر علیه جرمونه

دوولسمه ماده:

(۱) که چېرې شخص، د افغانستان دولت یا بهرني دولت یا بین المللي سازمان یا بهرنۍ نا دولتي مؤسسې د مجبورولو په منظور، بل شخص د یوې عمل د اجراء یا له اجرا څخه د ډډې کولو په خاطر (۱، ۲، ۳و۴) فقرۀ (۱) این ماده را به منظور مجبور ساختن کارکن دولتی یا هر شخصی حقیقی یا حکمی دیگری به اجرای یا امتناع از اجرای یك عمل نماید، مرتکب حسب احوال به جزای حبسی که از سه سال کمتر و از هفت سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

(۳) هر گاه بالاثر تهدید مندرج فقرۀ (۲) این ماده، شخص تحت فشار جسمی یا روانی قرار گیرد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس طویلی که ازشش سال کمتر و از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

جرایم علیه اشخاص

مادۀ دوازدهم:

(۱) هرگاه شخص، به منظور مجبور ساختن دولت افغانستان یادولت خارجی یا سازمان بین المللی یا موسسۀ غیر دولتی خارجی، شخص دیگری را به مقصد اجرای یا امتناع از اجراء

ونیسي یا یې توقیف کړي، د مرګ یا جسمي تعذیب ګواښ ورته وکړي یا یې په اسارت کې و ساتي او آزادول یې واضحاً یا تلویحاً د هغهٔ عمل په اجراء یا له اجراء څخه په ډډې کولو مشروط کړي، مرتکب له احوالو سره سم، د اوږدهٔ حبس د اکثر حد په جزاء، محکومېږي.

(۲) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوی شخص، تپي یا معلول شي یا و وژل شي، مرتکب له احوالو سره سم، د دوام حبس د اکثر حد په جزا یا اعدام، محکومېږي.

(۳) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې د درج شوي عمل د ارتکاب له امله، شخص تر جسمي یا رواني فشار لاندې و نیول شي، مرتکب له احوالو سره سم، د اوږدهٔ حبس په جزاء چې له شپږو کلونو څخه لږ او له لسو کلونو څخه زیات نه وي، محکومېږي.

یک عمل گرفتار یا توقیف نموده و تهدید به مرگ یا تعذیب جسمی نماید یا در اسارت نگهدارد و آزاد ساختن وی را واضحاً یا تلویحاً مشروط به اجراء یا امتناع از اجرای آن عمل نماید، مرتکب حسب احوال به حداکثر جزای حبس طویل، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه شخص توقیف شدهٔ مندرج فقرهٔ(۱) این ماده ، مجروح یا معلول گردیده و یا به قتل رسانیده شود، مرتکب حسب احوال به حد اکثر جزای حبس دوام یا اعدام، محکوم می گردد.

(۳) هرگاه بالاثر ارتکاب عمل مندرج فقرهٔ (۱) این ماده، شخص تحت فشار جسمی یا روانی قرار گیرد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس طویلی که ازشش سال کمتر و از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

د بین المللي خوندیتوب لرونکو اشخاصو پرعلیه جرمونه

دیارلسمه ماده:

(۱) هغه شخص چې له لاندې عملونو څخه یو، د بین المللي خوندیتوب لرونکي شخص پر علیه مرتکب شي، په لاندې توګه مجازاتېږي:

۱- په هغهٔ صورت کې چې د بین المللي خوندیتوب لرونکي شخص، د هر ډول جسمي یا رواني حملې لاندې و نیسي، اختطاف یې کړي یا یې و وژني، له احوالو سره سم د اوږدهٔ حبس چې له لسو کلونو څخه لږ نه وي یا دوام حبس یا اعدام په جزا، محکومېږي.

۲- په هغهٔ صورت کې چې د بین المللي خوندیتوب لرونکي شخص په رسمي استوګنځي، شخصي استوګنځي یا نقلیه وسیلې باندې حمله وکړي یا د هغهٔ خپل خوندیتوب یا آزادۍ ته ګواښ پېښ کړي، له احوالو سره سم، د اوږدهٔ حبس په جزا چې له شپږو کلونو څخه لږ او له لسو کلونو څخه زیات نه وي، محکومېږي.

۳- په هغهٔ صورت کې چې د بین

جرایم علیه اشخاص دارای مصؤنیت بین المللی

مادهٔ سیزدهم:

(۱) شخصی که یکی از اعمال آتی را علیه شخص دارای مصؤنیت بین المللی مرتکب شود، حسب ذیل مجازات می گردد:

۱- در صورتی که شخص دارای مصؤنیت بین المللی را مورد هر نوع حملهٔ جسمی یا روانی قرار دهد، اختطاف نماید یا به قتل رساند، حسب احوال به جزای حبس طویلی که کمتر از ده سال نباشد یا حبس دوام یا اعدام، محکوم می گردد.

۲- در صورتی که بالای اقامتگاهٔ رسمی، منزل شخصی یا وسیلهٔ نقلیهٔ شخص دارای مصؤنیت بین المللی حمله نموده یا خطری را به مصؤنیت شخص خودش یا آزادی وی متوجه سازد، حسب احوال به جزای حبس طویلی که از شش سال کمتر و ازده سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

۳- در صورتی که تهدید به

المللـي خونـديتوب لرونکـي شخص، د يوه عمل اجراء يا له اجـراء څخه ډډې کولـو تـه د مجبورولو په منظور ددې فقرې په (۱او ۲) اجـزاوو کـې د درج شـوو اعمـالو د ارتکـاب ګـوابښ وکـړي، مرتکـب، لـه احوالـو سـره سـم د متوسط حبس په جزا چې له دريو کلونو څخه لږ نه وي، محکومېږي.

(۲) کـه چېـرې ددې مـادې د (۱) فقـرې پـه (۳) جز کـې د درج شـوي ګـوابښ لـه املـه، د بـين المللـي خونـديتوب لرونکـی شـخص، تـر جسمي يـا روانـي فـشار لانـدې و نيـول شـي، مرتکب له احوالـو سره سـم، د متوسـط حـبس يـا د اوږدۀ حبس په جزا چې له لسو کلونو څخه زيات نه وي، محکومېږي.

ارتکـاب اعـمال منـدرج اجـزای (۱و۲) ايـن فقـره را بـه منظـور مجبـور سـاختن شـخص دارای مصؤنيت بين المللی به اجراء يا امتنـاع از اجـرای يـك عمـل نمايـد، مرتکـب حـسب احـوال بـه جـزای حـبس متوسـط کـه ازسـه سـال کمتـر نباشـد، محکوم می گردد.

(۲) هرگـاه بـالاثر تهديـد منـدرج جـزء (۳) فقـرۀ (۱) ايـن مـاده، شـخص دارای مـصؤنيت بيـن‌المللی تحت فشار جسمی يـا روانـی قـرار گيـرد، مرتکـب حـسب احـوال بـه جـزای حـبس متوسط يا حبس طويلي که از ده سـال بيـشتر نبـاشد، محکـوم می گردد.

لـه چاودېـدونکو مـوادو او نـورو وژونکـو وسـايلو څخـه د ګټـې اخستنې جرمونه

څوارلسمه ماده:

(۱) هغـۀ شـخص چـې لـه لانـدې مـوادو او وسـايلو څخـه يـو د عامـه ګټې اخـستنې وړ ځـای يـا دولتـي ودانيـو او تأسيـساتو يـا د عامـه

جـرايم اسـتفاده از مـواد منفجـره و سـاير وسـايل کشنده

مادۀ چهاردهم:

(۱) شخـصی کـه يکـی از مـواد و وسـايل آتـی را بـه محـل مـورد اسـتفادۀ عامـه يـا بناهـا و تأسيـسات دولتـی يـا سيـستم

ترانسپورټ سیستم یا نورو بنسټیزو تأسیساتو ته یا د هغو په استقامت ولېږدوي، کنټرېدي، فیر یې کړي یا هغۀ ته انفجار ورکړي، له احوالو سره سم، د اوږدۀ حبس د اکثر حد او یا دوام حبس یا د اعدام په جزا ؛ محکومېږي:

۱- چاودېدونکي مواد، اوربلوونکي وسله یا هغه وسله چې د شخص د وژنې، سخت ټپي کولو یا دستر مالي زیان اړولوتوان ولري.

۲- هغه وسله یا وسیله چې د کیمیاوي، بیولوژیکي او یا راډیو اکتیف زهرجنو موادو د لګېدو (اصابت) یاخپرېدو له لارې، د شخص د وژنې او سخت ټپي کېدو یا سترمالي زیان رسولو توان ولري.

(۲) هغه شخص چې ددې مادې په (۱) فقره کې له درج شوو جرمونو څخه د یوۀ د ارتکاب په منظور، بل شخص ته لارښوونه وکړي یا په یو ډول نه یو ډول، په نومورې فقره کې درج، د یوۀ یا زیاتو جرمونو په ارتکاب کې د یوې ډلې اشخاصو له لارې چې د ګډې موخې لپاره ترانسپورت عامه و یا سایر تأسیسات زیر بنائی یا به استقامت آنها انتقال دهد، بگذارد، فیر نماید یا آنرا انفجار دهد، حسب احوال به حداکثر جزای حبس طویل و یا حبس دوام یا اعدام محکوم می گردد:

۱- موادمنفجره، سلاح آتش افزا یا وسیلۀ که توان کشتن یا شدیداً مجروح نمودن شخص و یا رسانیدن صدمۀ بزرگ مالی را داشته باشد.

۲- سلاح یا وسیله ای که از طریق اصابت یا انتشار مواد زهر ناك کیمیاوی، بیولوژیکی و یا رادیو اکتیف، توان قتل و یا شدیداً مجروح نمودن شخص یا رسانیدن صدمۀ بزرگ مالی را داشته باشد.

(۲) شخصی که به منظور ارتکاب یکی از جرایم مندرج فقرۀ (۱) این ماده شخص دیگر را رهنمائی نماید یا به نحوی از انحا در ارتکاب یکی یا بیشتر از جرایم مندرج فقرۀ مذکور از طریق گروهی از اشخاص سهم داشته باشد که برای هدف

کار کوي، برخه و لري، پدې شرط چې برخه اخستنه عمدي او د عمومي جرمي فعالیت د پرمخبیولو یا د ډلې د موخې د پرمخبیولو په هدف یا د نومورې جرم یا جرمونو د ارتکاب لپاره د ډلې له نیت (قصد) څخه په خبرتیا سره یې صورت مونډلی وي، مرتکب له احوالو سره سم د اصل جرم لپاره په اټکل شوې عین جزا محکومېږي.

مشترك کار می کنند، مشروط بر اینکه سهم گیری عمدی و به هدف پیشبرد فعالیت عمومی جرمی یا پیشبرد هدف گروه یا با اطلاع قبلی از قصد گروه برای ارتکاب جرم یا جرایم مذکور صورت گرفته باشد، مرتکب حسب احوال به عین جزای پیشبینی شده برای اصل جرم محکوم می‌گردد.

د هسته یي موادو جرمونه

پنځلسمه ماده:

هغه شخص چې له لاندې عملونو څخه د یوۀ مرتکب شي، په لاندې توګه مجازاتېږي:

۱- په هغۀ صورت کې چې اټومي مواد لاسته راوړي، په خپل واك کې یې واخلي یا یې استعمال، انتقال، تبادله، ویجاړ یا خپارۀ کړي چې له املې یې د سخت ټپ یا وژنې یا شتمنۍ ته د زیان رسولو سبب شي او یا د وژنې یا سخت ټپي کېدو د احتمال باعث شي او یا شتمنیو ته د زیان رسولو توان ولري، مرتکب له احوالو سره سم، د دوام حبس د

جرایم مواد هسته ئی

مادۀ پانزدهم:

شخصی که مرتکب یکی از اعمال آتی گردد، حسب ذیل مجازات می گردد:

۱-درصورتی که مواد اتومی را بدست آورد، در اختیار خویش قرار دهد یا استعمال، انتقال، تبادله، منهدم یا انتشار نماید که بالاثرآن سبب جراحت شدید یا قتل یا صدمه رسانیدن به دارائی گردد و یا احتمال مجروحیت شدید یا قتل را باعث شود ویا توانائی صدمه رسانیدن به دارائی ها را داشته باشد، مرتکب حسب

اکثر حد او یا د اعدام په جزا محکومېږي.

۲- په هغه صورت کې چې اتومي مواد غلا، تالا (غارت) یا اختلاس کړي یا یې له نا قانونه لارې ترلاسه کړي، مرتکب له احوالو سره سم، د اوږدې یا دوام حبس په اکثر حد جزا محکومېږي.

۳- په هغه صورت کې چې په ګوابښ یا له قوې (تشدد) یا د وېرې اچونې له نورو لارو څخه په ګټې اخستنې سره، د اتومي موادو د لاسته راوړلو غوښتنه وکړي، مرتکب له احوالو سره سم، د اوږدې حبس داکثرحد په جزاء محکومېږي.

۴- په هغه صورت کې چې د شخص د وژلو یا ټپي کولو یا د ستر مالي زیان د اړولو په نیت، د اتومي موادو د استعمال ګوابښ، صورت و مومي، مرتکب له احوالو سره سم، د اوږدې حبس په جزا چې له شپږو کلونو څخه لږ او له لسو کلونو څخه زیات نه وي، محکومېږي.

۵- د افغانستان دولت یا بل دولت یا بین الحکومتي سازمان یا غیر

احوال به حداکثر جزای حبس دوام و یا اعدام محکوم می گردد.

۲-درصورتی که مواد اتومی را سرقت، غارت یا اختلاس یا از سایر طرق غیر قانونی به دست آورد، مرتکب حسب احوال به حد اکثر جزای حبس طویل و یاحبس دوام محکوم می گردد.

۳-در صورتی که با تهدید یا استفاده ازقوه (تشدد) و سایر طرق ارعاب آمیز تقاضای بدست آوردن مواد اتومی را نماید، مرتکب حسب احوال به حداکثر جزای حبس طویل محکوم می گردد.

۴-درصورت تهدید به استعمال مواد اتومی به مقصد قتل یا جراحت شخص یا وارد نمودن صدمه بزرگ مالی صورت گیرد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس طویلی که از شش سال کمتر و از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

۵- در صورت تهدید به ارتکاب یکی از جرایم مندرج جزء (۲) این

حکومتي بين المللي سازمان يا بل حقيقي يا حکمي شخص د يوه عمل اجراء يا له اجراء څخه ډډي کولو ته د مجبورولو په منظور، ددې مادې په (۲) جزء کې له درج شوو جرمونو څخه د يوه د ارتکاب د ګواښ په صورت کې، مرتکب له احوالو سره سم د دوام حبس په جزا محکومېږي.

ماده به منظور مجبور ساختن دولت افغانستان یا دولت دیگر یا سازمان بین المللی بین الحکومتی یا سازمان بین المللی غیر حکومتی یا شخص حقیقی یا حکمی دیگری به اجراء یا امتناع از اجرای یك عمل صورت گیرد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس دوام محکوم می گردد.

د بنسټيزوتأسيساتو ويجاړول

شپاړسمه ماده:

(۱) هغه شخص چې د افغانستان په قلمرو کې ددې قانون د درېيمې مادې په (۶) جزء کې د درج شوو بنسټيزو تأسيساتو ته د زيان رسولو يا ويجاړولو باعث شي او يا پدې نيت چې يو تروريستي عمل سرته ورسوي، د هغو فعاليت اخلال کړي، د اوږدې حبس د اکثر حد په جزاء محکومېږي.

(۲) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوی جرم په مرګ تمام شي، مرتکب د اعدام په جزاء محکومېږي.

تخریب تأسیسات زیر بنائی

مادۀ شانزدهم:

(۱) شخصی که باعث وارد نمودن صدمه یا تخریب تأسیسات زیربنائی مندرج جزء(۶) مادۀ سوم این قانون در قلمرو افغانستان گردد ویا فعالیت آنرا مختل سازد به قصداینکه یك عمل تروریستی را انجام دهد به حد اکثر جزای حبس طویل محکوم می گردد.

(۲) هرگاه جرم مندرج فقرۀ (۱) این ماده منجر به مرگ شود، مرتکب به جزای اعدام محکوم می گردد.

د جرم ارتکاب ته هڅه او په هغه کې ګډون

اووه لسمه ماده:

(۱) هغه شخص چې ددې قانون له نهمې څخه تر شپاړسمې مادې پورې د درج شوو جرمونو ارتکاب ته هڅه وکړي یا د هغو په ترسره کولو کې له نورو سره شریك شي،له احوالو سره سم، د جرم د فاعل لپاره په اټکل شوې عین جزاء محکومېږي.

(۲) ددې قانون حکمونه، ددې قانون له نهمې څخه تر شپاړسمې مادې پورې له درج شوو جرمونو څخه د هر یوه د ارتکاب ګواښ ته د هڅې په هکله، د تطبیق وړ ندي.

سعی به ارتکاب جرم و شراکت آن

مادۀ هفدهم:

(۱) شخصی که به ارتکاب جرایم مندرج مواد نهم الی شانزدهم این قانون سعی نماید و یا در بسر رسانیدن آن با دیگران شریك گردد، حسب احوال به عین جزای پیش بینی شده برای فاعل جرم محکوم می گردد.

(۲) احکام این قانون درمورد سعی به تهدید ارتکاب هر یك از جرایم مندرج مواد نهم الی شانزدهم این قانون قابل تطبیق نمی باشد.

اتفاق

اتلسمه ماده:

هغه شخص چې ددې قانون له نهمې څخه تر شپاړسمې مادې پورې د درج شوو جرمونو په ارتکاب کې د ګډون په مقصد له بل شخص سره اتفاق وکړي یا اشخاص د هغۀ ارتکاب ته تحریك یا وهڅوي او یا د یادو شوو جرمونو د ارتکاب لپاره پلانونه

اتفاق

مادۀ هجدهم:

شخصی که به منظور اشتراك در ارتکاب جرایم مندرج مواد نهم الی شانزدهم این قانون با شخص دیگری اتفاق نموده یا اشخاص را به ارتکاب آن ، تحریك یا تشویق نماید و یا برای ارتکاب جرایم متذکره پلان گذاری و یا

(پلان جوړونه) وکړي او یا هغه تنظیم کړي، له احوالو سره سم د اوږدې حبس چې له لسو کلونو څخه لږ نه وي یا د دوام حبس په جزا محکومېږي.

آنرا تنظیم نماید، حسب احوال به جزای حبس طویلی که از ده سال کمتر نباشد یا حبس دوام محکوم می گردد.

د جرم ملاتړ یا هغه ته خدمت نولسمه ماده:

(۱) هغه شخص چې د تروریستي سازمان غړیتوب ترلاسه کړي، په متوسط حبس محکومېږي.

(۲) هغه شخص چې ددې قانون له نهمې څخه تر اتلسمې مادې پورې د درج شوو جرمونو په ارتکاب یا سرته رسولو کې بل شخص استخدام کړي، استخدامونکی د جرم د فاعل لپاره په اټکل شوې جزاء محکومېږي.

(۳) هغه شخص چې ددې مادې په (۱) فقره کې د درج شوو جرمونو په سرته رسولو کې په یو ډول نه یو ډول، د خدمت یا د وسلې د برابرولو چې د نومورو جرمونو په ارتکاب کې استعمالېږي، مرسته کړې وي، د جرم د فاعل لپاره په اټکل شوې عین جزاء محکومېږي.

حمایت جرم یاخدمت به آن مادۀ نزدهم:

(۱) شخصی که عضویت سازمان تروریستی را کسب نماید به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

(۲) شخصی که غرض اشتراك در ارتکاب یابه سر رسانیدن جرایم مندرج مواد نهم الی هجدهم این قانون شخص دیگری را استخدام نماید، استخدام کننده به جزای پیشبینی شده برای فاعل جرم، محکوم می گردد.

(۳) شخصی که به نحوی ازانحا در به سر رسانیدن جرایم مندرج فقرۀ (۱) این ماده با انگیزۀ حمایت به شمول خدمت و تهیۀ سلاح که درارتکاب جرایم متذکره استعمال می گردد ،کمك نموده باشد ،به عین جزای پیشبینی شده برای فاعل جرم، محکوم می گردد.

د خنډونو او ګډوډۍ جوړول
شلمه ماده:
هغه شخص چې د تروریستي جرمونو د کشف او تحقیق په بهیر یا یې د مرتکبینو په محاکمه کې خنډونه رامنځته یا هغه اخلال کړي یا د دروغ شهادت، رشوت ورکولو، ګواښ، د نفوذ د اعمال له لارې یا په یو ډول نه یو ډول د الزام دلایل یا د جرم اثباتیه مدارك له منځه یوسي، د اوږدۀ حبس په جزاء، محکومېږي.

ایجاد موانع واخلال
مادۀ بیستم:
شخصی که در جریان کشف و تحقیق جرایم تروریستی و یا محاکمۀ مرتکبین آن موانع ایجاد یا آنرا اخلال نماید یا از طریق شهادت دروغ ، دادن رشوه، تهدید ، اعمال نفوذ یا به نحوی از انحا دلایل الزام و مدارك اثباتیۀ جرم را از بین ببرد به جزای حبس طویل، محکوم می گردد .

درېیم فصل
متفرقه حکمونه

فصل سوم
احکام متفرقه

د جزایي اجراآتو د قانون د حکمونو رعایتول
یوویشتمه ماده:
د تروریستي جرمونو د مظنونینو او تورنو کشف، تحقیق او محاکمه، د جزائي اجراآتو د قانون او ددې قانون د حکمونو مطابق صورت مومي.

رعایت احکام قانون اجراآت جزائی
مادۀ بیست و یکم :
کشف، تحقیق و محاکمۀ مظنونین و متهمین جرایم تروریستی مطابق احکام قانون اجراآت جزائی و این قانون صورت می گیرد .

لنډمهاله تدبیرونه

دوه ویشتمه ماده:

(۱) لوی څارنوال د الزام د دلایلو او اثباتیه مدارکو پر بنسټ چې د دافغانستان بانک د مالي استخباراتو د اداري، د ملي امنیت د عمومي ریاست او پولیسو لخوا را غونډ شوي، د ملي امنیت له شوري سره له سلا وروسته، کولي شي د هغۀ شخص، مؤسسې یا سازمان په هکله چې له تروریستي سازمان څخه مادي ملاتړ کوي او یا د ملګرو ملتونو د معیارونو مطابق، د تروریستي اعمالو مادي ملاتړ کوونکي تشخیص شوي دي، مؤقتي تدبیرونه عملي کړي.

(۲) په هغۀ صورت کې چې د تروریستي قضیې په اړه د الزام دلایل راغونډ شي، څارنوالي را غونډ شوي سندونه او دلایل د قانون د حکمونو مطابق، په محرمانه توګه، واکمني محکمې ته وړاندې او د لازمو تدبیرونو د نیولو غوښتنه کوي.

تدابیر مؤقتی

مادۀ بیست و دوم:

(۱) لوی څارنوال بر اساس دلایل الزام ومدارك اثباتیه که توسط ادارۀ استخبارات مالی دافغانستان بانك ، ریاست عمومی امنیت ملی و پولیس جمع آوری شده بعد از مشوره با شورای امنیت ملی می تواند درمورد شخص ، موسسۀ یا سازمانی که از اعمال تروریستی حمایت مادی مینماید ویا مطابق معیار های ملل متحد حمایت کنندۀ مادی اعمال تروریستی تشخیص گردیده است، تدابیر مؤقتی را عملی نماید.

(۲) درصورتی که دلایل الزام در رابطه به قضیۀ تروریستی جمع آوری گردد ، څارنوالی اسناد و دلایل جمع آوری شده را طور محرمانه طبق احکام قانون به محکمۀ ذیصلاح ارائه واتخاذ تدابیر لازم را درخواست می‌نماید.

د شتمنۍ معلومات
درویشتمه ماده:
(۱) څارنوال کولی شي، د تحقیق په بهیر کې له بانك یا نورو مالي مؤسسو څخه د تروریستي جرم د مظنون د شتمنۍ په باره کې معلومات وغواړي، پدې شرط چې دمخه یې د واکمنې محکمې اجازه اخستی وي.
(۲) بانکونه او مالي مؤسسې مکلف دي، د بانکي اسرارو او بانکي محرمیت چې د قوانینو پر بنسټ یا په یو ډول نه یو ډول هغوی ته سپارل شوي وي د ساتنې له په پام کې نیولو پرته، ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوي معلومات، په مستدله او واقعي توګه وړاندې کړي.

د لیکونو (مراسلو) پلټنه
څلویشتمه ماده:
د ملي امنیت د عمومي ریاست مؤظفین، پولیس او څارنوال کولی شي د الزام د دلایلو او اثباتیه مدارکو د کشف او را غونډولو لپاره، مراسلې، ټیلفوني مکالمې او نور هغه شیان چې د پُست له

معلومات دارائی
مادۀ بیست و سوم:
(۱) څارنوال می تواند درجریان تحقیق ،دربارۀ دارائی مظنون جرم تروریستی از بانك ها یا سایر مؤسسات مالی معلومات مطالبه نماید ، مشروط بر اینکه اجازۀ قبلی محکمۀ ذیصلاح را حاصل نموده باشد.
(۲) بانك ها و مؤسسات مالی مکلف اند ، بدون نظر داشت مکلفیت مبنی برحفظ اسرار و محرمیت بانکی که بر اساس قوانین و یا به نحوی از انحا به آن ها تفویض گردیده باشد ، معلومات مندرج فقرۀ(۱) این ماده را طور مستدل و واقعی ارائه نمایند.

تفتیش مراسلات
مادۀ بیست و چهارم:
مؤظفین ریاست عمومی امنیت ملی،پولیس و څارنوال می توانند ، جهت کشف وجمع آوری دلائل الزام ومدارك اثباتیه مراسلات،مکالمات تیلفونی و سایر اشیائی را که از طریق پست

لارې يـــا پـــه بـــل ډول ســـره، د تروريستي عمل په ارتکاب تورن شخص ته استول شوي، د واکمنې محکمې په دمخنۍ اجازې سره وپلټي. د مشهود جرم حالات لدې حکم څخه مستثني دي.

و یا طور دیگری به شخص مظنون بـه ارتکـاب عمـل تروریـستی فرسـتاده شـده بـه اجـازۀ قبلـی محکمـــۀ ذیـــصلاح تفتـــیش نمایـد .حـالات جرم مـشهود ازایـن حکم مستثنی است.

څلورم فصل
وروستني حکمونه

فصل چهارم
احکام نهائی

بين المللي همکاري
پنځه ويشتمه ماده:
د افغانستان واکمن مقامات کولې شي د تروريستي جرمونو پر عليه د مبارزې په کار کې، د مظنونينو، تورنـو، او محکومينـو د قـانون د حکمونو مطابق، له نورو هېوادونو سره همکاري وکړي.

همکاری بین المللی
مادۀ بیست و پنجم:
مقامـات ذیـصلاح افغانـستان مـی توانند طبق احکام قانون استرداد مظنـونین ،متهمـین ومحکـومین در امـــر مبـــارزه علیـــه جـــرایم تروریـــستی بـا ســایر کـشور هـا همکاری نمایند.

د انفاذ نېټه
شپږويشمه ماده:
دغه قانون د توشېح له نېټې څخه نافـذ او پـه رسـمي جريـده کـې دې خپور شي.ددې قـانون په نافذېدو سره د هغۀ نور مغاير حکمونه لغو ګڼل کېږي.

تاریخ انفاذ
مادۀ بیست و ششم:
ایـــن قـانـــون از تـــاریخ تـــوشیح نـافذ و درجریدۀ رسمی نشرگردد. باانفـاذ ایـن قـانون سـایر احکـام مغـــــایرآن ملغـــــی شـــــمرده می شود.

قانون مبارزه علیه
تطهیر پول و عواید ناشی از جرایم

دافغانستان انتقالي اسلامي دولت

ګڼه : (۱۳۷۰۰)
نېټه : ۱۳۸۳/۷/۲۶

د عدلیې وزیر محترم قانونپوه عبدالرحیم "کریمی"!
د پیسو د تطهیر او له جرمونوڅخه د راپیدا شوو عواید و پر خلاف د مبارزې قانون چې په (۱۲) فصلونو او (۷۵) مادو کې د وزیرانو د عالي مجلس لخوا تصویب او د ۱۳۸۳/۷/۲۶ نېټې د (۸۱) ګڼې فرمان پر بنسټ زموږ لخوا منظور شوی دی، تاسوته د رواستول شو چې په رسمي جریده کې یې په خپرولو اقدام وکړئ.

حامد کرزی
د افغانستان د انتقالي اسلامي دولت رئیس

دولت انتقالی اسلامی افغانستان

شماره: (۱۳۷۰۰)
تاریخ: ۱۳۸۳/۷/۲۶

محترم قانونپوه عبدالرحیم "کریمی" وزیر عدلیه!
قانون مبارزه علیه تطهیر پول و عواید ناشی از جرایم را که بداخل (۱۲) فصل و (۷۵) ماده از طرف مجلس عالی وزراء تصویب و از جانب ما به اساس فرمان شماره (۸۱) مؤرخ ۱۳۸۳/۷/۲۶ منظور گردیده است، به شما ارسال شد تا به نشر آن در جریدۀ رسمی اقدام نمائید.

حامد کرزی
رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان

د پیسو د تطهیر او له جرمونو څخه د راپیدا شوو عوایدو پر خلاف د مبارزې د قانون د انفاذ په هکله د افغانستان د انتقالي اسلامي دولت د رئیس فرمان

ګڼه: (۸۱)
نېټه: ۱۳۸۳/۷/۲۶

لومړۍ ماده:
د پیسو د تطهیر او له جرمونو څخه د راپیدا شوو عوایدو پر خلاف د مبارزې قانون چې په (۱۲) فصلونو او (۷۵) مادو کې د ۱۳۸۳/۷/۲۰ نېټې د (۳۱) ګڼې مصوبې پر بنسټ د وزیرانو د عالي مجلس لخوا تصویب شوی دی، توشیح کوم.

دوه یمه ماده:
دغه فرمان د توشیح له نېټې څخه نافذ او له قانون سره یو ځای دې په رسمي جریده کې خپور شي.

حامد کرزی
د افغانستان د انتقالي اسلامي دولت رئیس

فرمان
رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در بارهٔ انفاذ قانون مبارزه علیه تطهیر پول و عواید ناشی از جرایم

شماره: (۸۱)
تاریخ: ۱۳۸۳/۷/۲۶

مادهٔ اول:
قانون مبارزه علیه تطهیر پول و عواید ناشی از جرایم را که به اساس مصوبهٔ شماره (۳۱) مؤرخ ۱۳۸۳/۷/۲۰ از طرف مجلس عالی وزراء بداخل (۱۲) فصل و (۷۵) ماده تصویب گردیده است، توشیح می‌دارم.

مادهٔ دوم:
این فرمان از تاریخ توشیح نافذ و همراه با قانون در جریدهٔ رسمی نشر گردد.

حامد کرزی
رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان

د پیسو د تطهیر او له جرمونو څخه د راپیدا شوو عوایدو پر خلاف د مبارزې قانون
لومړی فصل
عمومي حکمونه

هدف
لومړی ماده:
دغه قانون د پیسو د تطهیر او د تروریزم د تمویل په غرض د مالي مؤسسو یا هر اقتصادي فعالیت د استعمال د مخنیوي او بندولو په منظور وضع شوی دي.

اصطلاحګانې
دوه یمه ماده:
لاندې اصطلاحګانې پدې قانون کې لاندینۍ معنا وي افاده کوي:
۱- مصادره: د وجوهو او شتمنیو دایمي سلبول دي چې د واکمنې محکمې د وروستنې حکم په اساس یې صورت مونډلی او د هغه په موجب د وجوهو او شتمنیو مالکیت د هغو د ملکیت له مثبته سندونو سره، دولت ته انتقالېږي.
۲- جنایت کار سازمان: له دوو یا

قانون مبارزه علیه تطهیر پول و عواید ناشی از جرایم
فصل اول
احکام عمومی

هدف
مادۀ اول:
این قانون به منظور جلوگیری و ممانعت از استعمال مؤسسات مالی یا هر فعالیت اقتصادی غرض تطهیر پول و تمویل تروریزم وضع گردیده است.

اصطلاحات
مادۀ دوم:
اصطلاحات آتی در این قانون معانی ذیل را افاده می‌نماید:
۱- مصادره: سلب مالکیت دایمی وجوه و دارائی های است که به اساس حکم نهائی محکمۀ ذیصلاح صورت گرفته و به موجب آن مالکیت وجوه و دارایی ها با اسناد مثبتۀ ملکیت آن به دولت انتقال می‌نماید.
۲- سازمان جنایت کار: گروه

لـه دوو څخـه د زیـاتو غـړو جـوړه شـوې ډلـه ده چې د مـستقیمو یـا غیر مستقیمو وجوهو او شتمنیو یا هـر ډول مـالي او مـادي ګټـو د تـر لاسـه کولـو لپـاره د یـوه یـا لـه یـوه څخـه د زیـاتو جرمونـو د ارتکـاب د هدف په لرلـو سره یـو ځای (متفقاً) اقدام وکړي.

۳- مـشتري: لـه یـوې معـاملې یـا حساب سره په رابطه کې پر لاتـدنیو اشخاصو اطلاقېږي:

- هغه شخص چې په نامـه یې یـوه معامله یا حساب ترتیـب، پرانـستل او یا عقد شي.

- د یوه حساب یـا معـاملې لاسلیک کوونکی.

- هغـه شـخص چـې معاملـه ورتـه پرېښودل یا انتقال شي.

- هغـه شـخص چـې د معـاملې د اجراء د قانوني واک لرونکی وي.

- نور هغه اشخاص چې په معامله کې ذیدخل وپېژندل شي.

۴- مالي مؤسسې: هغه حقیقي یـا حـکمي اشخاص چـې مـشتري تـه یـا د هـغـه پـه اسـتـازیتوب لاتـدې یـو یـا لـه یـــوه څخـه زیـــات د تجـارت په نـوم فعالیت یـا عملیـه متـشکل از دو و یـا بیـشتر از دو عـضو میباشـد کـه بـا داشـتن هـدف ارتکـاب یـك یـا بیـشتر از یـك جـرم جهـت حـصول مـستقیم یـا غیـر مـستقیم وجـوه و دارایـی هـــا یـــا هرگونـــه منـــافع مـــالی و مـــادی، متفقـــاً اقـــدام نمایند.

۳- مـشتری: در رابطـه بـا یـك معامله یا حساب بر اشخاص آتی اطلاق می‌شود:

- شخصی‌که بنام وی یك معامله یا حساب ترتیب، افتتاح و یا عقد گردد.

- امـضاء کننـدۀ یـك معاملـه یـا حساب.

- شخصی‌که به وی معامله واگذار و یا منتقل می‌گردد.

- شخـصی کـه صـلاحیت قـانونی اجرای معامله را دارا باشد.

- سـائر اشـخاص کـه در معاملـه ذیدخل شناخته شوند.

۴- مؤسـسات مـالی: اشـخاص حقیقـی یـا حکمـی کـه یـك و یابیشتر از یك فعالیت و یا عملیۀ ذیـل را بـرای مـشتری و یـا بـه نمایندگی از وی به عنوان تجارت

سرته ورسوي:
الف: د خصوصي پانکوالۍ په ګډون له ټولو خلکو څخه د سپارنو او د بېرته ورکړې وړ نورو وجوهو منل.
ب: د مصرفي اعتبار، رهني اعتبار، له تنزيل سره د دين د ترلاسه کولو د حق د پېرودلو په ګډون يا له پېرودونکي څخه د تر لاسه کولو له حق سره يا د تر لاسه کولو له حق پرته د پورونو ورکول او د مالونو د تصرف د حق په شمول د تجارتي معاملو تمويلول.
ج: د مالونو او مصرفي توليداتو د اجارې په استثناء مالي اجاره.
د: د پيسو انتقال او يا يې معادل، د هغو فعاليتونو په ګډون چې په دواړو رسمي او غير رسمي سيستم کې صورت وموميِ.
هـ: د ورکړې (تأديې) د وسايلو، د کړېدت اودېبت دکارتونو، چکونو، مسافرتي چکونو، د حجت او برات، په الکترونيکي ډول د پيسو د انتقالاتو صادرول او اداره کول.
و: مالي تضمينونه او ژمنې.
ز: په لاندې ساحو کې سوداګري:
– د پيسو د بازار سندونه (چک، برات،

انجام دهند:
الف: پذیرش سپرده ها و سایر وجوه قابل بازپرداخت از عموم مردم به شمول بانکداری خصوصی.
ب: اعطای قروض به شمول اعتبار مصرفی، اعتبار رهنی، خرید حق حصول دین با تنزیل، با حق حصول یا بدون حق حصول از فروشنده و تمویل معاملات تجارتی به شمول حق تصرف اموال.
ج: اجارۀ مالی به استثناء اجارۀ اموال و تولیدات مصرفی.
د: انتقال پول و یا معادل آن به شمول فعالیت هائیکه در هر دو سیستم رسمی و غیر رسمی صورت گیرد.
هـ: صدور و ادارۀ وسایل تأدیه، کارتهای کریدت و دیبت، چکها، چك های مسافرتی، حجت و برات، انتقالات پول به شکل الکترونیکی.
و: تضمینات و تعهدات مالی.
ز: تجارت در ساحات آتی:
– اسناد بازار پول (چك، برات،

برات، حجت، مشتقات او امثالیې).
- بهرني اسعار.
- هغه سندونه چې ارزښت یې د ټکټانې د نرخ، د بهرنیو اسعارو د مبادلې د نرخ یا د قیمو د شاخص یا ټکټانې د نرخ د ارزښت، د بهرنیو اسعارو د مبادلې د نرخ یا د بهادارو سندونو او یا کالیو له نرخ سره په رابطه کې وټاکل شي.
- د انتقال وړ بهادار سندونه.
- د کالیو مستقبلي قرارداد.
ح: د بهادارو سندونو صادرول او په هغو پوري د اړوندو مالي خدمتونو برابرول.
ط: په مختلفو پانګې اچونو کې فرد او یا اشخاصوته د بهادارو سندونو اداره او انتخابول.
ي: د نورو اشخاصو په استازیتوب د نقدو پیسو او سیالو بهادارو سندونو ساتل او اداره کول.
ک: د نورو اشخاصو په استازیتوب پانګه اچونه، د وجوهو یا پیسو اداره یا مدیریت په بل ډول.
ل: د بیموي فعالیتونو او په هغو کې د وساطت (استازي او دلال) په

حجت، مشتقات و امثال آنها).
- اسعار خارجی.
- اسنادی که ارزش آن در رابطه به نرخ تکتانه، نرخ مبادلۀ اسعار خارجی یا شاخص قیم یا ارزش نرخ تکتانه، نرخ مبادلۀ اسعار خارجی، اسناد بهادار و یا کالاها تعیین می‌گردد.
- اسناد بهادار قابل انتقال.
- قرار داد مستقبلی کالا.
ح: صدور اسناد بهادار و تهیۀ خدمات مالی مربوط به آن.
ط: اداره و انتخاب اسناد بهادار برای فرد و یا اشخاص در سرمایه گذاری های مختلف.
ی: حفاظت و ادارۀ پول نقد و اسناد بهادار سیال به نمایندگی از سایر اشخاص.
ك: سرمایه گذاری، اداره یا مدیریت وجوه و یا پول به نحو دیگر، به نمایندگی از سایر اشخاص.
ل: عقد بیمۀ حیات و سایر بیمه‌های مربوط به سرمایه

ګډون د ژوند د بیمې او په پانګې اچونې پورې د نورو اړوندو بیمو عقد کول.

م: د پیسو او اسعارو تبادله.

۵- کنګلول: عبارت دي له:

- د یوې معاملې د اجراء مؤقتي ځنډول.

- د واکمنې مرجع د حکم یا دستور په اساس د وجوهو او شتمنیو د تغییر، تبدیل، پلورنې، له لاسه ورکولو او انتقال مؤقتي منع یا مخنیوي کول.

۶- د تروریزم تمویل: د قانون د حکم مطابق د تروریزم د تمویل د جرم ارتکاب.

۷- وجوه او شتمنی: له هر ډول شرکتي یا غیر شرکتي، منقولو یا غیر منقولو، عیني یا غیر عیني شتمنیو، د الکترونیکي او ډیجیتل سندونو په ګډون له سندونو یا قانوني مدارکو څخه عبارت دي چې په شتمنیو کې د مالکیت یا ګټو لرل ثابت کړي.

۸- وسیله: له هر ډول وجوهو او شتمنیو څخه عبارت ده چې په یوه دول نه یو ډول د جرم د ارتکاب په منظور استعمال او یا یې د

گذاری، بشمول فعالیت‌های بیموی و وساطت در آن (نماینده و دلال).

م: تبادلهٔ پول و اسعار.

۵- منجمد کردن: عبارت است از:

- به تعویق انداختن مؤقتی اجرای یك معامله.

- منع یا جلوگیری مؤقتی از تغییر، تبدیل، فروش، از دست دادن و انتقال وجوه و دارائی ها به اساس حکم یا دستور مرجع ذیصلاح.

۶- تمویل تروریزم: ارتکاب جرم تمویل تروریزم مطابق قانون.

۷- وجوه و دارایی ها: عبارت است از هر گونه دارایی شرکتی و غیر شرکتی، منقول و غیر منقول، عینی و غیر عینی و اسناد یا مدارك قانونی بشمول اسناد الکترونیکی و دیجیتل که مالکیت یا داشتن منافع در دارائی ها را ثابت نماید.

۸- وسیله: عبارت است از هرگونه وجوه و دارایی هائیکه بنحوی از انحاء به منظور ارتکاب جرم استعمال و یا قصد استعمال آن

استعمال قصد موجود وي.

۹- د پیسو تطهیر: د دې قانون په دریمه ماده کې له درج شوي جرم څخه عبارت دی.

۱۰- د پیسو د انتقال خدمتونه: له لاندې تجارتي فعالیتونو څخه عبارت دي:

- د نقدو پیسو یا یې دمعادل تبادله.

- د پیسو یا یې د معادل ټولول، تصرف، د تبادلې استول یا له نورو اشخاصو څخه په استازیتوب د پیسو یا یې د معادل د انتقال ترتیبول.

- د وجوهو تحویلول او رسول.

- د مسافرتي چکونو، حجت او ورته سندونو صادرول، پلورل او یا بیا پېرودنه.

۱۱- سیاسي متبارز شخص: له هغه شخص څخه عبارت دی چې په افغانستان او یا په نورو هېوادونو کې مهمه دولتي دنده ورته سپارل شوې وي، (د دولتونو یا حکومتونو رئیسان، ستر سیاستمداران لوړ پوړي حکومتي، قضایې او نظامي کارکوونکي، د دولتي مؤسسو لوړ پوړي مجریان

موجود باشد.

۹- تطهیر پول: عبارت از جرم مندرج مادۀ سوم این قانون می‌باشد.

۱۰- خدمات انتقال پول: شامل فعالیت های تجارتی ذیل می‌باشد:

- تبادلۀ پول نقد و یا معادل آن.

- جمع آوری، تصرف، تبادلۀ ارسال پول یا معادل آن و یا ترتیب انتقال پول و یا معادل آن به نمایندگی از اشخاص دیگر.

- تحویل و رسانیدن وجوه.

- صدور فروش و یا باز خرید چك‌های مسافرتی، حجت و اسناد مشابه.

۱۱- شخص متبارز سیاسی: عبارت از شخصی است که وظیفۀ مهم دولتی در افغانستان و یا در سایر کشور ها به وی سپرده شده باشد (رؤسای دول یا حکومات، سیاست مداران ارشد، کارکنان عالی رتبۀ حکومتی، قضائی و نظامی، مجریان عالی رتبۀ مؤسسات دولتی، شخصیت

او د سیاسي ګوندونو وتلي شخصیتونه، د نومورو اشخاصو د کورنیو ټول غړي او له هغوی سره د نږدې اړیکیو لرونکي اشخاص چې له دغو اشخاصو سره تجاري او مالي روابط لري).

۱۲- اصلي جرمونه: د دې مادې په (۱۳) جزء کې له درج شوو وجوهو او شتمنیو څخه د لاسته راغلو عایدو له اکستاب څخه عبارت دي.

۱۳- له جرمونو څخه راپیدا شوي عاید: له هغو وجوهو او شتمنیو څخه عبارت دي چې په مستقیم یا غیر مستقیم دول د جرم د ارتکاب له امله لاسته راغلي وي.

۱۴- رپوټ ورکونکې مرجع: د دې قانون په څلورمه ماده کې درج شوي حقیقي یا حکمي اشخاص دي.

۱۵- ضبط: د هغو وجوهو یا شتمنیو له مؤقتې ساتنې او یا مؤقتي کنترول څخه عبارت دی چې د محکمې د حکم په اساس د واکمن مقام په وسیله صورت مومي.

۱۶- شکمنه معامله: د دې قانون

های برجستهٔ احزاب سیاسی، کلیه اعضای خانوادههای اشخاص فوق و اشخاص دارای ارتباط نزدیك با آنها که روابط تجاری و مالی با چنین اشخاص دارند).

۱۲- جرایم اصلی: عبارت از اکتساب عواید حاصله از وجوه و دارائیهای مندرج جزء (۱۳) این ماده میباشد.

۱۳- عواید ناشی از جرایم: عبارت از وجوه و دارایی های است که بصورت مستقیم یا غیر مستقیم از اثر ارتکاب جرم حاصل گردیده باشد.

۱۴- مرجع راپور دهنده: اشخاص حقیقی یا حکمی مندرج مادهٔ چهارم این قانون میباشد.

۱۵- ضبط: عبارت از نگهداری مؤقتی و یا کنترول مؤقتی وجوه و داراییهای است که به اساس حکم محکمه توسط مقام ذیصلاح صورت میگیرد.

۱۶- معاملهٔ مشکوك: عبارت از

په شپارسمه ماده کې له درج شوې معاملې څخه عبارت ده.

معاملهٔ مندرج مادهٔ شانزدهم این قانون می‌باشد.

د پیسو د تطهیر د جرم ارتکاب درییمه ماده:

شخص په لاندې مواردو کې د پیسو د تطهیر د جرم مرتکب ګڼل کېږي:

۱- په هغه صورت کې چې وجوه او شتمنۍ پټې کړي، شکل ته یې تغییر ورکړي، تسعیر، انتقال او یا یې له هېواد څخه بهر یا واردې کړي، پدې شرط چې علم ولري چې نوموړې شتمنۍ په مستقیمه یا غیر مستقیمه توګه د هغه عمل یا غفلت په نتیجه کې لاسته راغلې دي چې دغه عمل یا غفلت د هېواد په دننه یا په بهر کې یا یې د ارتکاب په ځای کې، د نافذو قوانینو مطابق جرم ګڼل شوی وي.

۲- په هغه صورت کې چې وجوه او شتمنۍ، پدې باندې له پوهېدو سره سره چې په مستقیمه یا غیر مستقیمه توګه د جرم له ارتکاب څخه لاسته راغلې دي، تر لاسه، خپلې (تصاحب) او تر ګټې اخیستې لاندې ونیسي او یا د

جرم ارتکاب تطهیر پول

مادهٔ سوم:

شخص در موارد آتی مرتکب جرم تطهیر پول شناخته می‌شود:

۱- در صورتی‌که وجوه و دارایی‌ها را پنهان، تغییر شکل، تسعیر، انتقال و یا آنرا از کشور خارج و یا وارد نماید، مشروط براینکه علم داشته باشد که دارایی های متذکره بصورت مستقیم یا غیر مستقیم در نتیجهٔ عمل یا غفلتی حاصل گردیده باشد که این عمل یا غفلت در داخل یا خارج کشور یا محل ارتکاب آن مطابق قوانین نافذه جرم پنداشته شده باشد.

۲- در صورتی که وجوه و دارائی‌ها را با وصف آگاهی از اینکه طور مستقیم و یا غیر مستقیم از ارتکاب جرم به دست آمده است حصول، تصاحب و یا مورد استفاده قرار دهد

وجوهو او شتمنیو له جرمي منشاء څخه د نوموړي د خبرتیا په هکله دلایل موجود وي.

۳- پدې باندې د هغه سره سره یایې د خبرتیا په هکله د قوي دلایلو په موجودیت کې چې وجوه او شتمنۍ په مستقیمه یا غیر مستقیمه توګه د جرم له ارتکاب څخه لاسته راغلي، د وجوهو یا شتمنیو د تر لاسه کولو، ساتلو، استعمال او کنترول لپاره د آسانتیاوو د چمتو کولو په خاطر په مستقیمه توګه یا له شخص څخه په استازیتوب په یوه قرارداد یا معامله کې د شریکیدو یا داخلېدو په صورت کې.

۴- د دې مادې په (۱) جزء کې درج د وجوهو او شتمنیو پټول یایې شکل ته تغییر ورکول، د کتمان یا د شکل ماهیت، منبع، موقعیت، پلورنې له لاسه ورکولو، د انتقال او مالکیت په ګډون یا د وجوهو او شتمنیو په برخه کې هر ډول حقوقو ته تغییر ورکول دي. پوهېدنه او علم چې د دې مادې په (۱) جزء کې دجرم دمتشکله عنصر په توګه ګڼل کېږي په لاسته راغلو جرمي آثارو

و یا دلایلی مبنی بر آگاهی موصوف از منشاء جرمی وجوه و دارائی‌ها موجود باشد.

۳- در صورت شریك شدن یا داخل شدن در یك قرار داد یا معامله طور مستقیم و یا به نمایندگی از شخص به خاطر فراهم آوری تسهیلات جهت حصول، نگهداری، استعمال و کنترول وجوه و دارائی ها با وصف آگاهی و یا موجودیت دلائل قوی مبنی بر آگاهی وی براینکه وجوه و دارائی ها طور مستقیم و یا غیر مستقیم از ارتکاب جرم به دست آمده است.

۴- پنهان کردن یا تغییر شکل دادن وجوه و دارائی های مندرج جزء (۱) این ماده شامل کتمان یا تغییر شکل ماهیت، منبع، موقعیت، فروش از دست دادن، انتقال، مالکیت یا هرگونه حقوق در خصوص وجوه و دارائی های می‌باشد. آگاهی و علمی که در جزء (۱) این ماده به حیث عنصر متشکلۀ جرم پنداشته می-شود، به آثار و علائم جرمی به

او علایمو او د هغو د ماحول په حقایقو استناد کېږي.

دست آمده و حقایق ماحول آن استناد می‌گردد.

دوه یم فصل
د مؤسسو او حرفو له لارې د پیسو له تطهیر او د تروریزم له تمویلولو څخه مخنیوی

فصل دوم
جلوگیری از تطهیر پول و تمویل تروریزم از طریق مؤسسات و حرفه ها

د دې قانون تابع مؤسسې او حرفې
څلورمه ماده:
لاندې مؤسسې او حرفې چې وروسته تر دې د رپوټ ورکوونکو مراجعو په نوم یادېږي، پدې قانون کې د درج شوو تدبیرونو او مکلفیتونو تابع دي:
۱- د نمایندګیو او د غیر مقیمو مالي مؤسسو د نمایندګۍ د دفترونو په ګډون مالي مؤسسې.
۲- د افغانستان بانک، په هغه صورت کې چې د د افغانستان بانک د قانون مطابق بانکي تجارتي خدمتونه چمتو کړي.
۳- هغه اشخاص چې دطلا،قیمتي فلزاتو او کریمه احجارو په پېرودلو او پلورلو بوخت دي، په هغه صورت کې چې دنقدي معاملو

مؤسسات و حرفه های تابع این قانون
مادۀ چهارم:
مؤسسات و حرفه‌های ذیل که منبعد بنام مراجع راپور دهنده یاد می‌شوند، تابع تدابیر و مکلفیتهای مندرج این قانون می‌باشند:
۱- مؤسسات مالی بشمول نمایندگی ها و دفاتر نماینده گی مؤسسات مالی غیر مقیم.
۲- د افغانستان بانک در صورتی‌که مطابق قانون د افغانستان بانک خدمات بانکی تجارتی را فراهم نماید.
۳- اشخاصی که به خرید و فروش، طلا، فلزات قیمتی و احجار کریمه اشتغال دارند، در صورتی‌که حجم معاملۀ نقدی آنها

حجم يې له يو مليون افغانيو يايې دبهرنيو اسعار و له معادل سره برابر يا ور څخه زيات وي.

۴- حقوق پوه، د معاملو د لارښوونو خاوند، دحقوقو نور مسلکي اشخاص او يا محاسب چې په لاندې مواردو کې معاملې خپلو مشتريانو ته ترتيب يا اجراء کوي:

- د غير منقولو (عقاري) شتمنيو پېرودل او پلورل.

- د مشتريانو د پيسو، بهادارو سندونو او نورو شتمنيو اداره کول.

-د بانکي پس انداز حسابونو يا د بهادارو پانو د خدمتونو د چمتو کوونکو د حسابونو پرانيستل يا اداره کول.

-د شرکتونو د تأسيسولو، فعاليت يا اداري لپاره د لازمې پانګې برابرول.

- د حکمي اشخاصو او يا تجارتي مؤسسو تاسيسول،فعاليت او اداره کول او د هغو پېرودل او پلورل.

۵- د غير منقولو املاکو د معاملو لارښوونکی، تر هغو حدودو پورې چې د غيرمنقولو املاکو د پېردولو او پلورلو په اړوندو معاملو کې برابر و يا بيشتر از يك مليون افغانی يا معادل آن به ساير اسعار خارجی باشد.

۴- حقوقدان، مالك رهنمای معاملات، ساير اشخاص مسلکی حقوق و يا محاسب كه معاملات را در موارد ذيل برای مشتريان خود ترتيب و يا اجراء می‌نمايند:

- خريد و فروش دارايی غير منقول (عقاری).

- ادارۀ پول، اسناد بهادار يا ساير دارائی های مشتريان.

- افتتاح يا ادارۀ حسابات پس انداز بانکی يا حسابات فراهم کنندگان خدمات اوراق بهادار.

- فراهم نمودن سرمايۀ لازم برای تأسيس، فعاليت يا ادارۀ شرکت ها.

- تأسيس، فعاليت و ادارۀ اشخاص حکمی و يا مؤسسات تجارتی و خريد و فروش آنها.

۵- رهنمای معاملات املاك غير منقول تا حدوديكه در معاملات مربوط به خريد و فروش املاك غير منقول ذيدخل

ذیدخل وي.
۶- نور هغه مراجع یا فعالیتونه چې د افغانستان بانک په مقرراتو کې اتکل شویدي.

باشد.
۶- سایر مراجع و یا فعالیت های که در مقررات د افغانستان بانك پیشبینی گردیده است.

دریم فصل
په مالي معاملو کې شفافیت

فصل سوم
شفافیت در معاملات مالی

د مالي مؤسسو له لارې د وجوهو انتقالات او د وجوهو د الکترونیکي انتقالاتو د استوونکي په هکله معلومات

پنځمه ماده:

(۱) له بهر څخه د هېواد دننه ته د پیسو او بهادارو سندونو انتقال یایې عکس چې جمعاً د یو ملیون افغانیو یایې د بهرنیو اسعارو له معادل سره برابر یا ورڅخه زیات وي، د مجازو مالي مؤسسو یا د پیسو د انتقال د مجازو خدمتونو د برابرونکو له لارې صورت مومي.
(۲) مالي او د پیسو د انتقال د خدمتونو برابروونکي مؤسسه مکلفه ده د وجوهو د الکترونیکي انتقالاتو او د انتقالاتو د نورو ډولونو د استوونکي په هکله مؤثق معلومات برابر او وساتي.

انتقالات وجوه از طریق مؤسسات مالی و معلومات در مورد فرستندۀ وجوه انتقالات الکترونیکی

مادۀ پنجم:

(۱) انتقال پول و اسناد بهادار از خارج به داخل کشور و یا عکس آن که جمعاً مساوی و یا بیشتر از یك ملیون افغانی و یا معادل آن به اسعار خارجی باشد، از طریق مؤسسات مالی مجاز و یا تهیه کنندگان مجاز خدمات انتقال پول صورت می گیرد.
(۲) مؤسسۀ مالی و تهیه کنندۀ خدمات انتقال پول مکلف است معلومات مؤثق در مورد فرستندۀ انتقالات الکترونیکی وجوه و سایر اشکال انتقالات را تهیه و نگهداری نماید.

(۳) د دې مادې د (۲) فقرې حکم په لاندې مواردو کې د تطبیق وړ ندی:

۱-د هغو وجوهو د الکترونیکي انتقال په هکله چې پکې له کربدت کارت اودبیت کارت څخه دورکړې د وسیلې په توګه ګټه اخیستل شوې وي نه تطبیقېږي، پدې شرط چې د انتقال په ترڅ کې په منضمه معلوماتو کې د کربدت کارت او دبیت کارت نومره ذکر شي.

۲-د هغو مالي مؤسسو تر منځ د وجوهو الکترونیکي انتقال او د حسابونو تسویه چې په هغو کې مالي مؤسسې د استوونکي او منتفع په توګه له ځان څخه په استازیتوب عمل وکړي.

(۳) حکم فقرۀ (۲) این ماده در موارد ذیل قابل تطبیق نمی‌باشد:

۱-انتقال الکترونیکی وجوهی که در آن از کریدت کارت و دیبت کارت بعنوان وسیلۀ پرداخت استفاده شده باشد، مشروط براینکه نمبر کریدت کارت و دیبت کارت در معلومات منضمه، حین انتقال ذکر گردد.

۲-انتقال الکترونیکی وجوه و تسویۀ حسابات میان مؤسسات مالی ایکه در آن مؤسسات مالی بحیث فرستنده و منتفع به نمایندگی از خود شان عمل نمایند.

په پوله (سرحد) کې د اسعارو د رپوټ ورکول

شپږمه ماده:

(۱) هغه شخص چې له ملیون افغانیو څخه زیاتې یایې په بهرنیو اسعارو معادل پیسې په نقد ډول یا د بې نومه معاملې وړ سند په ډول له ځان سره د هېواد له پولې څخه بهر یایې داخلې کړي یایې د پستي

راپور دهی اسعار در سرحد

مادۀ ششم:

(۱) شخصی‌که مبلغ بیش از یك ملیون افغانی و یا معادل آن به اسعار خارجی را به شکل نقد و یا به شکل سند قابل معاملۀ بی اسم با خود از سرحد کشور خارج و یا داخل نماید و یا ذریعۀ ارسال

استوني، قاصد او په نورو ډولونو وار دې یا صادرې کړي، مربوطو مقاماتو ته د کتبي اطلاع د نه ورکولو په صورت کې مسئول ګڼل کېږي د محکومیت په صورت کې د نقدو پیسو او د معاملې د سندونو پر مصادرې بر سېره د هغو په معادل جریمې هم محکومېږي.

پستی، قاصد و سایر اشکال دیگر توزیع و یا صادر نماید، در صورت عدم اطلاع دهی کتبی قبلی به مقامات مربوطه مسؤل شناخته شده در صورت محکومیت بر علاوۀ مصادرۀ پول نقد و اسناد معامله به جریمۀ نقدی معادل آن نیز محکوم می‌گردد.

(۲) پدې ماده کې لاندې اصطلاحګانې لاندې معناوې لري:

(۲) در این ماده اصطلاحات آتی معانی ذیل را دارند:

۱- واکمن کارکوونکی: دپولیسو له افسر، دګمرکاتو له کارکوونکي او د مالي استخباراتو دواحدله مربوط کارکوونکي څخه عبارت دی.

۱-کارمند ذیصلاح: عبارت از افسر پولیس، کارمند گمرکات و کارمند واحد استخبارات مالی مربوط می‌باشد.

۲- د بې نومه معاملې وړ سند: د برات، حجت او تعهدي نوټونو، مسافرتي چکونو او د سپارل شوې ګواهي نامې په ګډون د پیسو د ورکړې د ژمنې له سند څخه عبارت دی چې حامل ته یې د ورکړې وړ دي.

۲- سند قابل معاملۀ بی اسم: عبارت از سند تعهد پرداخت پول به شمول برات، حجت و نوتهای تعهدی، چکهای مسافرتی و گواهی نامه سپرده که برای حامل آن قابل پرداخت بوده، می‌باشد.

(۳) هغه شخص چې د افغانستان دولت ته د ننوتلو یا وتلو په وخت کې یا کشتۍ یا الوتکې ته د

(۳) شخصی که در هنگام خروج یا ورود به دولت افغانستان و یا در صدد دخول و یا ترک کشتی و یا

ننوتلو یا راوتلو په لټه کې وي، واکمن کارکوونکی کولای شي شخص یا هغه مالونه چې له ځان یایې په مربوطو سفري وسایلو کې لري تر کتنې لاندې ونیسي، د تمر د په صورت کې واکمن کارکوونکی زور ته په لاس اچولو سره کولای شي کتنې تر سره کړي.

(۴) شکمن (مظنون) د همجنس شخص په واسطه د کتنې او تلاشۍ مورد ګرځي.

(۵) واکمن کارکوونکي او مرستندوی اشخاص یې کولای شي بیړۍ (کشتۍ)، الوتکه او نقلیه وسیله ودروي او تلاشي یې کړي.

(۶) که چېرې واکمن کارکوونکی د کتنې او تلاشۍ په بهیر کې نقدې پیسې یا د معاملې وړ بې نومه سندونه پیدا کړي چې د پټ کړی شوي جرم د ارتکاب لپاره اثباتیه مدرک برابر کړي، پدې صورت کې کولای شي نقدې پیسې یا د معاملې وړ بې نومه سندونه ضبط کړي.

(۷) واکمن کارکوونکی مکلف دی د پنځو رسمي ورځو په موده کې د

طیاره باشد، کارمند ذیصلاح می‌تواند شخص یا اموالی را که وی با خود یا در وسایل سفری مربوط دارد، مورد معاینه قرار دهد. در صورت تمرد، کارمند ذیصلاح با توسل به زور می‌تواند معاینات را انجام دهد.

(۴) مظنون توسط شخص همجنس مورد معاینه و تلاشی قرار می‌گیرد.

(۵) کارمندان ذیصلاح واشخاص کمک کنندۀ آنها، می‌توانند کشتی، طیاره و وسیلۀ نقلیه را متوقف نموده و آنرا معاینه و تلاشی نمایند.

(۶) هرگاه کارمند ذیصلاح در جریان معاینه و تلاشی پول نقد و یا اسناد قابل معاملۀ بی اسم را دریافت کند که مدرک اثباتیه را برای ارتکاب جرم مخفی شده تشکیل بدهد، در این صورت می‌تواند پول نقد و یا اسناد قابل معاملۀ بی اسم را ضبط نماید.

(۷) کارمند ذیصلاح مکلف است در مدت پنج روز رسمی در مورد

دې مادې په (۶) فقره کې درج د ضبط شوو نقدو پیسو او د معاملې وړ بې نومه سندونو او د هرې میاشتې په بهیر کې د سرحدي انتقالاتو د ټولو مواردو، نقدو پیسو او د معاملې وړ سندونو کتبي رپوټ د مالي استخباراتو واحد ته ولېږي.

(۸) که چېرې دنقدو پیسو او دمعاملې وړ بې نومه سندونو په هکله د هغو له ضبطولو وروسته د دوو کلونو په موده کې کومه ادعا صورت ونه مومي، واکمن کارکوونکی کولای شي د اړوندې څارنوالۍ له لارې له محکمې څخه د نقدو پیسو یا د معاملې وړ بې نومه سندونو مصادره وغواړي.

(۹) د نقدو پیسو یا د معاملې وړ بې نومه سندونو ضبط چې د دې مادې په حکم یې له محکمې څخه صورت مونډلی دی په لاندې حالاتو کې نشي رفع کېدای:

- په هغه صورت کې چې د دې قانون په دوه یم فصل کې د درج شوو حکمونو پر بنسټ، د ټولو یا د یوې برخې نقدو پیسو یا د معاملې وړ بې نومه سندونو د مصادرې ضبط پول نقد و سند قابل معاملۀ بی اسم مندرج فقرۀ (۶) این ماده و در جریان هر ماه راپور کتبی همه موارد انتقالات سرحدی پول نقد و سایر اسناد قابل معامله را به واحد استخبارات مالی ارسال نماید.

(۸) هرگاه در مورد پول نقد و اسناد قابل معاملۀ بی اسم در خلال مدت دو سال بعد از ضبط آن ادعایی صورت نگیرد، کارمند ذیصلاح می‌تواند از طریق څارنوالی مربوط مصادرۀ پول نقد یا سند قابل معاملۀ بی اسم را از محکمه تقاضا نماید.

(۹) ضبط پول نقد و یا اسناد قابل معاملۀ بی اسم که به موجب حکم این ماده از محکمه صورت گرفته در حالات ذیل رفع نمی شود:

- در صورتی که باساس احکام مندرج فصل دوم این قانون تقاضاء مبنی بر مصادرۀ تمامی یا قسمتی از پول و یا اسناد قابل معاملۀ

غوښتنې صورت موندلی وي.
- په هغه صورت کې چې د هغو د ضبط دوام د مصادرې د حکم تر صادرېدو پورې لازم وګڼل شي.
- په هغه صورت کې چې د هېواد په دننه یا په بهر کې د هغه شخص پر خلاف جزایي دعوي چې نقدې پیسې یا د معاملې وړ بې نومه سندونه ورپورې اړه لري، تر دوران لاندې وي.

بی اسم صورت گرفته باشد.
- در صورتی‌که ادامهٔ ضبط آن الی صدور حکم مصادره لازم پنداشته شود.
- در صورتی‌که دعوی جزائی در داخل و یا خارج کشور علیه شخصی که پول نقدیا اسناد قابل معاملهٔ بی اسم به وی مربوط است، تحت دوران باشد.

د محرمیت لغوه کول
اوومه ماده:
رپوټ ورکونکي مراجع، څارونکي مقامات او پلټونکی (بازرسان) مکلف دي د دې قانون حکمونه د اسرارو د ساتنې د مکلفیت له په پام کې نیولو پرته چې د قوانینو په اساس یا په بل دول هغوی ته سپارل شوي وي، رعایت کړي.

لغو محرمیت
مادهٔ هفتم:
مراجع راپور دهنده، مقامات نظارتی و بازرسان مکلفاند احکام این قانون را بدون درنظرداشت مکلفیت شان مبنی بر حفظ اسرار که بر اساس قوانین و یا به نحو دیگری به آنها تفویض گردیده باشد، رعایت نمایند.

د مجهوالهویه حسابونو ممنوعیت
اتمه ماده:
رپوټ ورکوونکي مراجع نشي کولای مجهول الهویه حسابونه یا هغه حسابونه چې په جعلي

ممنوعیت حسابات مجهول الهویه
مادهٔ هشتم:
مراجع راپور دهنده نمی‌توانند حسابات مجهول الهویه و یا حساباتی را که به نامهای جعلی

نومونـــو پرانیـــستل شـــوي وي، وساتي.

افتتـــاح شـــده باشـــد ، نگهـــداری نمایند.

د مشتریانو د هویت تشخیصول

نهمه ماده:

(۱) رپـــوټ ورکـــوونکي مراجـــع مکلف دي د خپلو مشتریانو هویت په لاندې حالاتو کې تشخیص او تثبیت کړي:

– لـــه اشخاصـــو ســـره د تجـــارتي مناسباتو د برقرارولو په وخت کې.

– دیـــو ملیـــون یـــا لـــه هغـــو څخـــه د زیاتو افغانیو یا په بهرنیو اسعارو د هغو د معادل معاملو د اجراء په وخت کې.

– هغـــه وخـــت چـــې دالکترونیـــک انتقـــال سند ، د هغـــه د اســـتوونکي پـــه هکلـــه د بـــشپړو معلومـــاتو لرونکی نه وي.

– هغه وخت چې د پیسو تطهیر یا د تروریـزم تمویـل تـر شـک لانـدې راشي.

– هغه وخت چې رپوټ ورکوونکي مراجع، د هغو اطلاعاتو د سم والي او بسوالي په هکله چې د مخه لاس ته راغلي د مشتري د هویت په اړه مشکوک وي.

تشخیص هویت مشتریان

مادۀ نهم:

(۱) مراجع راپور دهنده مکلف اند هـــویت مـــشتریان خـــود را در حـــالات ذیـــل تـــشخیص و تثبیـــت نمایند:

– حین برقراری مناسبات تجارتی با اشخاص.

– حـــین اجـــرای معـــاملات یـــک ملیـــون افغـــانی یـــا بـــشتر از آن و یـــا مـــعادل آن بـــه اســـعـــار خارجی.

– حینیکـــه ســـند انتقـــال الکترونیـــک، حـــاوی معلومـــات مکمـــل در مـــورد فرســـتندۀ آن نباشد.

– حینیکـــه تطهیـــر پـــول یـــا تمویـــل تروریـــزم مـــورد شـــک قـــرار گیرد.

– حینیکـــه مـــرجع راپـــور دهنـــده در مـــورد صـــحت و کـــافی بـــودن اطـــلاعات کـــه قـــبلاً راجـــع بـــه هویـــت مـــشتری بـــدست آمـــده مشکـــوک بـــاشد.

(۲) د حقیقي شخص هویت، د تابعیت د تذکرې د اصل یا قانوني پاسپورټ په اساس چې کاپي یا ریکارډ یې له رپوټ ورکوونکې مرجع سره ساتلی وي یا نور هغه سندونه چې د افغانستان بانک مقررات یې تجویزوي، ټاکل کېږي.

(۳) حکمي شخصیت د راجستر لیک د تصدیق، جواز او یا د شرکت د اساسنامې چې یوه کاپي یا ریکارډ یې له رپوټ ورکوونکې مرجع سره ساتلی وي او یا د هر بل سند په اساس چې د هویت د ټاکنې په وخت کې د دا ډول شخصیت د قانوني ثبت او راجستر او واقعي موجودیت معرف وي، د د افغانستان بانک له مقرراتو سره سم ټاکل کېږي.

(۴) هغه مدیران، کارکوونکي او استازي چې له مشتري څخه استازیتوب کوي یا د استازیتوب قصد لري، مکلف دي د وکالت لیک په شمول ټول لازم مدارک برابر کاندې.

د حقیقي شخص وکیل مکلف دي د خپل موکل د هویت د تشخیص په هکله، د دې مادې د (۲) فقرې د

(۲) هویت شخص حقیقی به اساس اصل تذکرهٔ تابعیت یا پاسپورت قانونی که کاپی یا ریکارد آن نزد مرجع راپور دهنده حفظ گردیده و یا سایر اسنادی که مقررات دافغانستان بانک آنرا تجویز مینماید، تعیین می‌گردد.

(۳) شخصیت حکمی به اساس تصدیق نامه راجستر، جواز و یا اساسنامهٔ شرکت که یك کاپی یا ریکارد آن نزد مرجع راپور دهنده حفظ گردیده و یا هر سند دیگری که معرف ثبت و راجستر قانونی و موجودیت واقعی چنین شخصیت در زمان تعیین هویت باشد، حسب مقررات د افغانستان بانك تعیین می‌گردد.

(۴) مدیران، کارمندان و نمایندگانی که از مشتری نمایندگی نموده یا قصد نمایندگی را دارند، مکلف اند تمام مدارك لازم را بشمول وکالت نامه تهیه نمایند.

وکیل شخص حقیقی مکلف است در مورد تشخیص هویت مؤکل خویش مطابق حکم فقرهٔ (۲) این

حکم مطابق د هویت اثباتوونکي مدارک برابر کړي او کاپي یا ریکارد یې له رپوټ ورکوونکې مرجع سره ساتل کېږي.

د اثباتیه مدارکو ښودونکي سندونه د د افغانستان بانک په اړوندو مقرراتو کې اټکل کېږي.

ماده مدارك اثبات كننده هويت را تهیه نموده و کاپی یا ریکارد آن نزد مرجع راپور دهنده حفظ می‌گردد.

اسناد مبین مدارك اثباتیه در مقررات مربوطهٔ د افغانستان بانك پیش بینی می‌گردد.

د مرتبطو معاملو د تسلسل په صورت کې د مشتریانو د هویت تثبیتول

لسمه ماده:

که چېرې معاملې له یو بل سره مرتبطې وي یا مرتبطې په نظر راشي او ارزښت یې مجموعاً یو ملیون افغانی یا په بهرنیو اسعارو د هغو له معادل څخه زیاتی وکړي، له معامله دارانو څخه د هر یوه د هویت تثبیت حتمي دی که څه هم چې د هر یوه د معاملې وجه له پورته ذکر شوو پیسو څخه لږ وي.

تثبیت هویت مشتریان در صورت تسلسل معاملات مرتبط

مادهٔ دهم:

هرگاه معاملات با هم مرتبط بوده و یا مرتبط به نظر برسد و ارزش آن مجموعاً از یك ملیون افغانی و یا معادل آن به اسعار خارجی تجاوز نماید، تثبیت هویت هر یك از معامله داران حتمی بوده ولو وجه معاملهٔ هرکدام کمتر از مبلغ فوق الذکر باشد.

د مشتریانو یا واقعي خاوندانو د هویت د نه تثبیت عواقب

یوولسمه ماده:

که چېرې رپوټ ورکوونکې مرجع د دې قانون په نهه اولسمه ماده کې درج دهویت دتاکلو د کړنلارې په برخه کې د خپلو مکلفیتونو په تر سره کولو قادره نشي او یا د اصلي مشتریانو او یا واقعي خاوندانو د هویت په هکله ابهام باقي پاتې شي، د حساب په پرلاټیستلو، د تجارتي روابطو په پیلولو یا تداوم یا د معاملې په اجراء کولو اقدام نشي کولای.

عواقب عدم تثبیت هویت مشتریان یا مالکین واقعی

مادۀ یازدهم:

هرگاه مرجع راپور دهنده به انجام مکلفیت های خود در قبال طرزالعمل تعیین هویت مندرج مواد نهم و دهم این قانون قادر نگردد، و یا ابهامی در مورد هویت اصلی مشتریان و یا مالکین واقعی باقی بماند، به افتتاح حساب، آغاز و یا تداوم روابط تجارتی و یا اجرای معامله مبادرت ورزیده نمی‌تواند.

پر معاملو باندې خاصه څارنه

دوولسمه ماده:

(۱) رپوټ ورکوونکي مراجع مکلف دي، ټولو پېچلو معاملو ته چې په غیر معمولـه توګه غټې (سترې) دي او د ټولو معاملو غیر معمولو شکلونو ته چې څرګند قانوني یا اقتصادي هدف نلري خاصه پالمرنه وکړي. د دغه ډول معاملو پس منظر او هدف باید تر ممکنه حده پورې تر کتنې (مطالعې) لاندې ونیول شي، تر

نظارت خاص بر معاملات

مادۀ دوازدهم:

(۱) مراجع راپور دهنده مکلفاند، به کلیه معاملات پیچیدۀ که به صورت غیر معمول بزرگ اند و کلیه اشکال غیر معمول معاملات که هدف واضح قانونی یا اقتصادی نداشته، توجه خاص مبذول دارند. پس منظر و هدف چنین معاملات باید تا حد ممکن، مورد مطالعه قرار گیرد، نتایج

لاسه شوې پایلې دې په کتبي توګه ترتیب اوواکمنومقاماتو اوپلټونکي (باز رسان) ته دې وړاندې شي.

(۲) رپوټ دې د دې قانون د څوارلسمې مادې د حکم مطابق وساتل شي.

(۳) رپوټ ورکوونکي مراجع مکلف دي له هغو اشخاصو سره تجارتي روابط او معاملي چې د هغوی اړوند هېوادونه له دې قانون سره په مقایسه کې د پیسو د تطهیر او د تروریستي فعالیتونو د تمویل پر خلاف د مبارزې ایجابات نه تطبیقوي یا یې په ناکافي ډول تطبیقوي تر خاصې پاملرنې لاندې ونیسي.

(۴) رپوټ ورکوونکي مراجع مکلف دي، د دې قانون په شپاړسمه ماده کې درج د شکمنو معاملو په هکله، د دې مادې د (۱ او ۳) فقرې د حکمونو په پام کې نیولو سره دمالي استخباراتو واحد ته رپوټ ورکړي.

حاصله طور کتبی ترتیب و به مقامات ذیصلاح و باز رسان ارائه گردد.

(۲) راپور طبق حکم مادۀ چهاردهم این قانون نگهداری گردد.

(۳) مراجع راپور دهنده مکلفاند روابط تجارتی و معاملات با اشخاصی را که کشور های مربوطۀ شان ایجابات مبارزه علیه تطهیر پول و تمویل فعالیت های تروریستی را در مقایسه با این قانون تطبیق نمی نمایند و یا آنرا به صورت ناکافی تطبیق می‌نمایند، مورد توجه خاص قرار دهند.

(۴) مراجع راپور دهنده مکلفاند در مورد معاملات مشکوک مندرج مادۀ شانزدهم این قانون با نظرداشت احکام فقرات (۱و۳) این ماده به واحد استخبارات مالی راپور ارائه نمایند.

د سیاسي متبارزو اشخاصو لپاره د لازمو څارنیزو (مراقبتي) تدبیرونو نیول

دیارلسمه ماده:

رپوټ ورکوونکي مراجع مکلف دي د معمولو څارنیزو تدبیرونو پر نیولو برسېره د سیاسي متبارزو اشخاصو په هکله لاندې موارد هم په پام کې ونیسي:

۱- د سیاسي متبارزو اشخاصو د معاملو د تشخیص لپاره دې د خطر (ریسک) د اداري او کنټرول له مناسبو سیستمونو څخه ګټه واخلي.

۲- د دې مادې په (۱) جزء کې له درج شوو مشتریانو سره د تجارتي مناسباتو د رامنځته کولو لپاره دې د واکمنو مقاماتو منظوري تر لاسه کړي.

۳- د شتمنۍ (ثروت) او وجوهو د سرچینو د تشخیص په منظور دې مناسب تدبیرونه ونیسي.

۴- د دې مادې په (۱) جزء کې د درج شوو اشخاصو له تجارتي روابطو څخه دې په دوامداره توګه څارنه وکړي.

اتخاذ تدابیر مراقبتی لازم برای اشخاص متبارز سیاسی

مادۀ سیزدهم:

مراجع راپور دهنده مکلف اند علاوه بر اتخاذ تدابیر مراقبتی معمول در مورد اشخاص متبارز سیاسی موارد ذیل را نیز در نظر گیرند:

۱- جهت تشخیص معاملات اشخاص متبارز سیاسی از سیستم های مناسب اداره و کنترول خطر (ریسك) استفاده نمایند.

۲- برای ایجاد مناسبات تجارتی با مشتریان مندرج جزء (۱) این ماده منظوری مقام ذیصلاح را حاصل نمایند.

۳- تدابیر مناسب را به منظور تشخیص منابع ثروت و وجوه اتخاذ نمایند.

۴- از روابط تجارتی اشخاص مندرج جزء (۱) این ماده طور دوامدار نظارت نمایند.

د سندونو ساتنه

څوارلسمه ماده:

(۱) رپـوټ ورکـوونکي مراجـع مکلـف دي، د مربوطـو اسـعارو د مقـادیرو او ډول پـه ګـډون چـې د معـاملو د نـوي کولـو او بیـا احیـا لپاره کافي وګڼل شي د کورنیـو او بهرنیـو معـاملو سندونه حداقل تر پنځو کلونو پورې وساتي.

(۲) رپـوت ورکـوونکي مراجـع مکلف دي دمشتري په هویت پورې اړوند اطلاعات چې د مشتریانو د مراقبت په بهیرکې ترلاسه شویدي، د دې قـانون پـه نهمـه مـاده کـې د درج شـوي حکـم مطـابق پـه داسـې ډول چـې د قـانوني واک لرونکـو کورنیومقاماتولپاره دلاس رسېدنې وړ وي، د تجـارتي مناسـباتو لـه پایتـه رسېدو وروسـته حداقل تر پنځو کلونو پورې وساتي.

(۳) د دافـغانـسـتان بانـک واک لـري لـه نـورو بـانکونو څخـه وغـواړي چـې پـه خپلـو اړونـدو نمایندګیو کې د مشتریانو، مؤکل اشخاصـو، منتفـع، اشخاصـو اسـتازو، واقعـي خاونـدانو او مـشکوکو معـاملو د هویـت د

حفظ اسناد

مادۀ چهاردهم:

(۱) مراجع راپور دهنده مکلف اند اسناد معـاملات داخلی و خـارجی را بـه شـمول مقـادیر و نـوع اسعار مربوطه که جهت تجدید و احیای مجـدد معـاملات مربـوط کـافی پنداشته شود، برای مدت حداقل پنج سال نگهداری نمایند.

(۲) مراجع راپور دهنده مکلف اند اطلاعات مربوط به هویت مشتری را کـه در جریـان مراقبـت از مـشتریان مطـابق بـه حکـم منـدرج مـادۀ نهـم ایـن قـانون حاصـل گردیده، به طوریکه برای مقامات داخلـی دارای صـلاحیت قـانونی قابـل دسـترس باشـد، بـه مـدت حـداقل پـنج سـال بعـد از خـتم مناسـبات تجـارتی نگهـداری نمایند.

(۳) د افغانستان بانـک صلاحیت دارد از سایر بانکها تقاضاء نماید کـه مرکـز معلومـاتی سراسـری (دیتـابیس) را در دفتـر مرکـزی و نماینـدگی هـای مربوطـه خـویش غرض تشخیص هویت مشتریان، اشخاص مؤکل، منتفع، نماینده،

تشخیص په غرض د (دیتابیس) معلوماتي مرکز جوړ کړي.

مالکین واقعی و معاملات مشکوک ایجاد نماید.

د ځینو معاملو په هکله رپوټ

پنځلسمه ماده:

رپوټ ورکوونکي مرجع مکلفه ده د هغو نقدي معاملو په هکله چې د دافغانستان بانک د ټاکلي ارزښت لرونکي وي، د شکلیاتو او د دافغانستان بانک په مقرراتو کې د اټکل شوې مودې او وخت مطابق د مالي استخباراتو واحد ته رپوټ ورکړي، مګر دا چې تر لاسه کوونکي او استوونکي، مالي مؤسسې وي.

راپور در مورد بعضی از معاملات

مادۀ پانزدهم:

مرجع راپور دهنده مکلف است در مورد معاملات نقدی ایکه دارای ارزش معینۀ د افغانستان بانک باشد، مطابق شکلیات و مدت زمان پیش بینی شده در مقررات دافغانستان بانک به واحد استخبارات مالی راپور ارائه نماید، مگر اینکه دریافت کننده و فرستنده، مؤسسات مالی باشد.

د شکمنو معاملو رپوټ ورکونه

شپاړسمه ماده:

(۱) رپوټ ورکوونکي مرجع مکلفه ده له ګمان وروسته او په ممکن لنډ وخت کې د دافغانستان بانک په مقرراتو کې د درج شوي ټاکلي میعاد له بشپړېدو (اکمال) د مخه، په لاندې حالاتو کې د شکمنو معاملو یا یې داجراء په هکله د مالي استخباراتو واحد ته رپوټ

راپور دهی معاملات مشکوک

مادۀ شانزدهم:

(۱) مرجع راپور دهنده مکلف است به اسرع وقت ممکنه بعد از ظن و قبل از اکمال میعاد معینه مندرج مقررات د افغانستان بانک به واحد استخبارات مالی در حالات آتی راجع به معاملات مشکوک یا قصد اجرای آن راپور

ورکړي.

۱- په هغه صورت کې چې شک ولري چې معامله یا د معاملې د اجراء قصد د جرم په ارتکاب پورې مرتبط دی یایې له هغه څخه منشاء اخیستې وي.

۲- په هغه صورت کې چې وجوه په تروریستي سازمانونو پورې مربوطې وي. یا د وېرې اچونې د عملونو د اجراء په نیت په کار واچول شي او یا د وېرې اچونې د سازمانونو په واسطه د استعمال وړ وګرځي.

(۲) هغه رپوټونه چې د دې قانون د حکمونو مطابق له رپوټ ورکوونکو مراجعو څخه غوښتل کېږي باید په فورم او ددافغانستان بانک په مقرراتو کې درج د چټک ارسال او مرسول له طریقې څخه په استفادې سره د مالي استخباراتو واحد ته واستول شي.

(۳) رپوټ ورکوونکي مراجع مکلف دي د اجراء شوو مشکوکو معاملو په هکله هم رپوټ ورکړي حتي که د معاملې له بشپړتیا وروسته د هغې د شکمنتوب دلایل څرګند شي.

دهد.

۱- در صورتی‌که شك داشته باشد که معامله و یا قصد اجرای معامله به ارتکاب جرم مرتبط بوده یا از آن منشاء گرفته باشد.

۲- در صورتی‌که وجوه به سازمان های تروریستی مربوط باشد و یا به قصد اجرای اعمال دهشت افگنی بکار انداخته شود و یا توسط سازمانهای دهشت افگن مورد استعمال قرار گیرد.

(۲) راپور های که طبق احکام این قانون از مراجع راپور دهنده تقاضاء می‌گردد، باید در فورم و با استفاده از شیوهٔ ارسال و مرسول سریع مندرج مقررات د افغانستان بانك به واحد استخبارات مالی ارسال گردد.

(۳) مراجع راپور دهنده مکلفاند در مورد معاملات مشکوك اجراء شده نیز راپور ارایه نمایند، حتی اگر بعداز اکمال معامله دلایل مشکوك بودن آن واضح گردد.

(۴) رپوټ ورکوونکي مراجع مکلف دي د دې قانون د حکمونو مطابق، د شکمنې معاملې د رپوټ له تسلیمولو وروسته هر ډول اضافي معلومات چې د معاملې شکمنتوب تائید او یا باطل کړي بې له ځنډه د هغو رپوټ ورکړي.

(۴) مراجع راپور دهنده مکلف اند طبق احکام این قانون بعد از تسلیمی راپور معاملهٔ مشکوک هر نوع معلومات اضافی را که مشکوک بودن معامله را تائید و یا باطل نماید، بدون تأخیر گزارش دهند.

د هغه څارنیز مقام یا پلټونکي مکلفیت چې د مشکوکو معاملو رپوټ ورته ورړاندې کېږي

اووه لسمه ماده:

د دې قانون د اتلسمې مادې په (۲) جزء کې درج څارنیز مقام یا لټونکی مکلف دي د شک له څرګندېدو وروسته په ممکن لنډ وخت کې، د افغانستان بانک په مقرراتو کې له درج شوې ټاکلې مودې د مخه، د شکمنې معاملې یایې د اجراء د نیت (قصد) په هکله په لاتدې حالاتو کې د مالي استخباراتو واحد ته رپوټ ورړاندې کړي:

۱- په هغه صورت کې چې شک ولري چې معامله یا د معاملې د اجراء نیت د جرم په ارتکاب پورې تړاو لري یا یې له هغه څخه منشاء

مکلفیت مقام نظارتی و یا بازرسیکه راپور معاملات مشکوك به آن ارائه می‌گردد

مادهٔ هفدهم:

مقام نظارتی و یا بازرس مندرج جزء (۲) مادهٔ هجدهم این قانون مکلف است بعد از ظهور شك به اسرع وقت ممکن قبل از میعاد معینه مندرج مقررات د افغانستان بانك به واحد استخبارات مالی در مورد معاملهٔ مشکوك و یا قصد اجرای آن در حالات آتی راپور ارایه نماید:

۱- در صورتی که شك داشته باشد معامله و یا قصد اجرای معامله به ارتکاب جرم مرتبط بوده و یا از آن منشاء گرفته

اخیستې وي.

۲- په هغه صورت کې چې لاسته راغلي معلومات د هغه د شک په اساس، د تروریزم د تمویل د جرم د ارتکاب په پیل پورې تړلي وي یا د جرم د ارتکاب په برخه کې د شخص یا اشخاصو په تحقیق یا عدلي تعقیب پورې اړه ولري او یا د دې قانون د حکمونو په تطبیق کې مرستندویه واقع شي.

باشد.

۲- در صورتی‌که معلومات دست داشته به اساس شك وی به شروع ارتکاب جرم تمویل تروریزم مرتبط بوده و یا به تحقیق یا تعقیب عدلی شخص یا اشخاص در خصوص ارتکاب جرم ارتباط داشته باشد و یا در تطبیق احکام این قانون ممد واقع شود.

د رپوټ ورکوونکو مراجعو کورنۍ (داخلي) برنامې

اتلسمه ماده:

(۱) رپوټ ورکوونکي مراجع مکلف دي د پیسو له تطهیر څخه د مخنیوي په منظور، لاندې برنامې طرح کړي:

۱-د قانون او مقرراتو د تطبیق او رعایت په منظور د کورنیو پالېسیو، کړنلارو او کنترولي تدبیرونو ترتیبول.

۲-د پالېسیو، کړنلارو او کنترولي تدبیرونو د اجراء لپاره د اداري مسئولینو ټاکل.

۳-د لوړو معیارونو له تر سره کېدو څخه د ډاډ د لاسته راوړلو

برنامه های داخلی مراجع راپور دهنده

مادۀ هجدهم:

(۱) مراجع راپور دهنده مکلف اند برنامه های ذیل را به منظور جلوگیری از تطهیر پول طرح نمایند:

۱- ترتیب پالیسی ها، طرزالعمل‌ها و تدابیر کنترولی داخلی بمنظور تطبیق و رعایت از قانون و مقررات.

۲-تعیین مسئولین اداری برای اجرای پالیسی‌ها، طرزالعمل‌ها و تدابیر کنترولی.

۳- ترتیب طرزالعمل‌های مناسب علم آوری و پژوهش کافی حین

لپاره د افرادو د استخدام په وخت کې د بشپړې علمي آوري او څېړنې د مناسبو کړنلارو ترتیبول.
۴-دکارکوونکوهمیشنی زده کړه.
۵-د هغو تدبیرونو د رعایت او اغیزمنتیا دسطحې دارزونې په منظور چې د دې قانون د حکمونو د تطبیق لپاره تجویز شویدي، د کورنیو څېړنو په غرض د لازمو تدبیرونو نیول.
(۲) په هغه صورت کې چې د رپوټ ورکوونکې مرجع د کارکوونکو مجموعي شمېر له (۵) تنو څخه لږ وي، نومورې مرجع د دې مادې د (۱) فقرې په (۲ او ۵) جزء کې د درج شوو مکلفیتونو په تر سره کولو مکلفه نده.

استخدام افراد جهت حصول اطمینان از برآورده شدن معیارهای عالی.
۴- آموزش مداوم کارکنان.
۵- اتخاذ تدابیر لازم غرض بررسی داخلی به منظور ارزیابی سطح رعایت و مؤثریت تدابیری که جهت تطبیق احکام این قانون تجویز گردیده است.
(۲) در صورتی که تعداد مجموعی کارکنان مرجع راپور دهنده کمتر از (۵) نفر باشد، مرجع متذکره مکلف به انجام مکلفیت های مندرج اجزای (۲ و ۵) فقرۀ (۱) این ماده نمی‌باشد.

څلورم فصل
د پیسو د تطهیر د جرم کشفول

فصل چهارم
کشف جرم تطهیر پول

دمالي استخباراتو دواحدتأسیسول او د پیسو د تطهیر په خلاف د مبارزې له مسئولینو سره همکاري

تأسیس واحد استخبارات مالی و همکاری با مسئولین مبارزه علیه تطهیر پول

نولسمه ماده:
(۱) د مالي استخباراتو واحد، د دافغانستان بانک تر لاس لاندې جوړېږي.

مادۀ نزدهم:
(۱) واحد استخبارات مالی تحت اثر د افغانستان بانك تأسیس می‌گردد.

(۲) د مالي استخباراتو واحد، د دې قانون د حکمونو د تطبیق په منظور کولای شي په خپلواکه توګه تصمیم ونیسي.

(۳) د مالي استخباراتو د واحد بودجه د دافغانستان بانک د مالي شوري لخوا ټاکل کېږي او تصویبېږي.

(۲) واحد استخبارات مالی بمنظور تطبیق احکام این قانون می‌تواند طور مستقل تصمیم اتخاذ نماید.

(۳) بودجهٔ واحد استخبارات مالی توسط شورای عالی د افغانستان بانک تعیین و تصویب می‌گردد.

تشکیلات

شلمه ماده:

(۱) د مالي استخباراتو د واحد رهبري او اداره د عمومي آمر په غاړه ده چې د عالي شوري لخوا د (۵) کلنې دورې لپاره ټاکل کېږي، د عمومي آمر بیا تقرر مجاز دی.

(۲) هغه شخص دمالي استخباراتو او عمومي آمر په توګه ټاکل کېدای شي چې د دافغانستان بانک د قانون د شلمې مادې په (۲) فقره کې ددرج شووشرایطو لرونکی وي.

(۳) عمومي آمر د دافغانستان بانک په قانون کې له اړوندو درج شوو شرایطو څخه د یوه د تحقق په صورت کې، د عالي شوري په واسطه له دندې څخه ګوښه کېږي،

تشکیلات

مادهٔ بیستم:

(۱) رهبری و ادارهٔ واحد استخبارات مالی بعهدهٔ آمر عمومی می‌باشد که از طرف شورای عالی برای دورهٔ (۵) ساله تعیین می‌گردد. تقرر مجدد آمر عمومی مجاز می‌باشد.

(۲) شخصی بحیث آمر عمومی واحد استخبارات مالی تعیین شده می‌تواند که واجد شرایط مندرج قانون د افغانستان بانک باشد.

(۳) آمر عمومی در صورت تحقق یکی از شرایط مربوط، مندرج قانون د افغانستان بانک، توسط شورای عالی از وظیفه سبکدوش می‌گردد، چنین سبکدوشی تا

د غسي ګوښه کېدنه تر هغه وخته پورې چې عمومي آمر يا د هغه قانوني وکيل ته د عالي شوري په وړاندې د دفاع مناسب فرصت ورکړل شي، مرعي الاجراء نه ده.

(۴) عمومي آمر، د مالي استخباراتو د واحد د کارکوونکو شمېر او د موقفونو ډول، د دافغانستان بانک د ټولو د رئيس په منظوری ټاکي، د مالي استخباراتو د کارکوونکو استخدام او ګوښه کول (برطرفی) د عمومي آمر واک دی.

زمانی‌که به آمر عمومی یا وکیل قانونی وی فرصت مناسب جهت دفاع از خود در پیشگاه شورای عالی داده شود، مرعی الاجراء نمی‌باشد.

(۴) آمر عمومی تعداد و نوع موقف های کارکنان واحد استخبارات مالی را به منظوری رئیس کل د افغانستان بانک تعیین می نماید. استخدام و برطرفی کارکنان واحد استخبارات مالی از صلاحیت آمر عمومی می باشد.

د محرمیت ساتل

یوویشتمه ماده:

د مالي استخباراتو د واحد کارکوونکي او نور هغه اشخاص چې د مالي استخباراتو په موقفونو کې توظيف کېږي مکلف دي د مالي استبخاراتو په واحد کې د دندې د سرته رسولو په وخت کې او د هغې له پایته رسېدو وروسته ټول تر لاسه شوي معلومات محرم وساتي. دغه معلومات د محکمې له حکم پرته نه افشاء کېږي او هغه وخت تر ګټې اخیستنې لاندې نیول

حفظ محرمیت

مادۀ بیست و یکم:

کارکنان واحد استخبارات مالی و سایر اشخاصی که در موقف های واحد استخبارات مالی توظیف می‌شوند مکلف اند حین اجرای وظایف در واحد استخبارات مالی و بعد از ختم آن تمام معلومات مکتسبه را محرم نگهدارند.

این معلومات جز به حکم محکمه افشا نگردیده و زمانی مورد استفاده قرار گرفته می‌تواند که توسط

کېدای شي چې د قانون د حکمونو په واسطه اټکل شوي وي.

احکام قانون پیش بینی گردیده باشد.

د کارکوونکو د دندو محدودیت

دوه ویشتمه ماده:

(۱)د مالي استخباراتو د واحد کارکوونکي او نور هغه اشخاص چې د مالي استخباراتو په موقفونو کې توظیف کېږي، نشی کولای په عین وخت کې (همزمان) په نورو رپوټ ورکوونکو مراجعو کې دنده تر سره کړي یا داسې ماموریت په غاړه واخلي چې د هغوی د خپلواکۍ (استقلالیت) موقف ته زیان ورسوي.

(۲) د مالي استخباراتو د واحد کارکوونکي نشي کولای په عین وخت کې بله دنده له مفاد سره یا بې له مفاده په غاړه واخلي، مګر دا چې دعالي شوري مخکنۍ کتبي منظوري یې لاسته راوړې وي.

(۳) د مالي استخباراتو د واحد کارکوونکي او نور اشخاص چې د مالي استخباراتو د واحد په موقفونو کې توظیف کېږي، نشي کولای د خپلو پخوانیو دندو تحقیقاتي واکونه اعمال کړي.

محدودیت وظایف کارکنان

مادۀ بیست و دوم:

(۱) کارکنان واحد استخبارات مالی و سایر اشخاصی که به موقف های واحد استخبارات مالی توظیف می‌گردند، نمی‌توانند همزمان در مراجع راپور دهندۀ دیگری ایفای وظیفه نموده یا ماموریتی را به عهده گیرند که به استقلالیت موقف آنها صدمه وارد نماید.

(۲) کارکنان واحد استخبارات مالی نمی‌توانند همزمان وظیفه دیگر را با مفاد یا بدون مفاد به عهده گیرند مگر اینکه منظوری کتبی قبلی شورای عالی را بدست آورده باشند.

(۳) کارکنان واحد استخبارات مالی وسایر اشخاصی‌که در موقف های واحد استخبارات مالی توظیف میگردند، نمی‌توانند صلاحیت های تحقیقاتی وظایف قبلی خویش را اعمال نمایند.

(۴) د مالي استخباراتو د واحد د کارکوونکو استخدام د هغو مقرراتو په اساس صورت مومي چې د دافغانستان بانک د عالي شوري لخوا تصویب شوي وي.

(۴) استخدام کارکنان واحد استخبارات مالی باساس مقرراتی صورت می‌گیرد که از طرف شورای عالی د افغانستان بانک تصویب گردیده باشد.

د رپوټونو اخیستل او تحلیلول
در ویشتمه ماده:
د مالي استخباراتو واحد، له رپوټ ورکوونکو مراجعو څخه رسېدلي رپوټونه تسلیموي او د موجودو اطلاعاتو پر بنست هغه تر تحلیل او ارزونې لاندې نیسي.

اخذ و تحلیل راپور ها
مادۀ بیست و سوم:
واحد استخبارات مالی راپور های واصله از مراجع راپور دهنده را تسلیم و به اساس اطلاعات موجود آنرا مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهد.

د معلوماتو راټولول
څلېریشتمه ماده:
د مالي استخباراتو واحد مکلف دی د (دیتابیس) معلوماتي مرکز د محرمیت په ساتنې او کمپیوتري دیتابیس پورې له اړوندو قوانینو او مقرراتو سره په مطابقت کې فعال وساتي.

جمع آوری معلومات
مادۀ بیست و چهارم:
واحد استخبارات مالی مکلف است مرکز معلوماتی (دیتابیس) را در مطابقت با قوانین و مقررات نافذه مربوط به حفظ محرمیت و دیتابیس کمپیوتری فعال نگهدارد.

کلنۍ رپوټ ورکونه

پنځه ویشتمه ماده:

(۱) د مالي استخباراتو واحد کلنی رپوټ ترتیبوي او د دافغانستان بانک عالي شوري او د وزیرانو عالي مجلس ته ئې وړاندې کوي، په رپوټ کې د پیسو د تطهیر د بهیر، دتروریزم دتمویل، د رسېدلو رپوټونو دمالي استخباراتو په واحد پوري د اړوندو دندو او نورو هغو مواردو تحلیل او هر اړخیزه ارزونه شامل دي چې عالي شوري او د وزیرانو عالي مجلس یې لازم وبولي.

(۲) د دې مادې په (۱) فقره کې درج د مالي استخباراتو د واحد په رپوټ کې په مشکوکو معاملو پورې د اړوندو شخصي اطلاعاتو کلنۍ رپوټ شامل ندی.

راپور دهی سالانه

مادۀ بیست و پنجم:

(۱) واحد استخبارات مالی راپور سالانه را ترتیب و به شورای عالی د افغانستان بانك و مجلس عالی وزراء تقدیم می‌نماید. راپور شامل تحلیل و ارزیابی همه جانبۀ راپور های واصله، روند تطهیر پول، تمویل تروریزم، وظایف مربوط به واحد استخبارات مالی و سایر مواردی که شورای عالی و مجلس عالی وزراء آنرا لازم بدانند، می باشد.

(۲) راپور واحد استخبارات مالی مندرج فقرۀ (۱) این ماده شامل راپور سالانۀ اطلاعات شخصی مربوط به معاملات مشکوك نمی‌گردد.

معلوماتو ته د لاس رسېدل او د هغو تبادله

شپږ ویشتمه ماده:

(۱) د مالي استخباراتو واحد واک لري د خپلو دندو د اعمالولو په منظور، د دې قانون د حکمونو مطابق له رپوټ ورکوونکې مرجع

دستیابی به معلومات و تبادلۀ آن

مادۀ بیست و ششم:

(۱) واحد استخبارات مالی صلاحیت دارد به منظور اعمال وظایف خود مطابق احکام این قانون، از مرجع راپور

څخه غوښتنه وکړي څو معلومات، سندونه او سوابق د اجرت له اخیستلو پرته ورکړي، رپوټ ورکوونکې مرجع د مالي استخباراتو د واحد د غوښتنې په اجراء کولو مکلفه ده.

(۲) د مالي استخباراتو واحد کولای شي مستقیماً او یا د غوښتنې له مخې، د خپلو دندو د اجراء په منظور، د دې قانون د حکمونو مطابق د معلوماتي دولتي ادارو مرکزونو ته لاړ ومومي. اړوند مسئولین مکلف دي معلوماتي غوښتنو ته په عاجل ډول ځواب ورکړي.

تر لاسه شوي معلومات د مالي استخباراتو د واحد له خوا د دې قانون د حکمونو مطابق تر ګټې اخیستنې لاندې نیول کېږي.

(۳) د مالي استخباراتو واحد، د دافغانستان بانک او قوانینو د تطبیق مسئولین کولای شي د دې قانون د حکمونو په حدودو کې یو له بل سره معلومات تبادله کړي.

دهنده تقاضا کند تا معلومات، اسناد و سوابق را بدون اخذ اجرت ارائه نماید. مرجع راپور دهنده مکلف به اجرای تقاضای واحد استخبارات مالی می‌باشد.

(۲) واحد استخبارات مالی می تواند مستقیماً و یا بنابر تقاضاء بمنظور ایفای وظایف خویش طبق احکام این قانون به مراکز معلوماتی ادارات دولتی دسترسی حاصل نماید. مسؤلین مربوط مکلف اند به تقاضا های معلوماتی، بصورت عاجل پاسخ ارائه نمایند.

معلومات حاصله از طرف واحد استخبارات مالی مطابق احکام این قانون مورد استفاده قرار می‌گیرد.

(۳) واحد استخبارات مالی د افغانستان بانك و مسؤلین تطبیق قوانین می توانند در حدود احکام این قانون با هم تبادل معلومات نمایند.

له بهرنیو مماثلو ادارو سره روابط اووه ویشتمه ماده:

(۱) د مالي استخباراتو واحد په خپله یا د مالي استخباراتو د بهرنیو مماثلو ادارو په غوښتنه چې د مشکوکو معاملو د رپوټونو په ارتباط ورته دندې سرته رسوي کولای شي معلومات برابر، تر لاسه او یا تبادله کړي، پدې شرط چې دغه عمل په متقابله توګه صورت ومومي، د مالي استخباراتو واحد کولای شي له بهرنیو مماثلو ادارو سره د همکاری موافقه لیکونه یا نورې مقاولې عقد کړي.

(۲) د مالي استخباراتو واحد، د دې قانون د حکمونو مطابق د بهرني مالي استخباراتو د واحد په غوښتنه د معلوماتو او مشکوکو معاملو د رپوټ د استولو په هکله چټک ځواب ورکړي.

(۳) د مالي استخباراتو واحد بهرنیو مقاماتو ته د معلوماتو له ورکړې کولو د مخه، ډاډ تر لاسه کوي چې معلومات د ورته

روابط با ادارات مماثل خارجی مادهٔ بیست و هفتم:

(۱) واحد استخبارات مالی خود یا بنابر تقاضای ادارات استخبارات مالی مماثل خارجی که وظایف مشابه را به ارتباط راپور های معاملات مشکوک انجام می‌دهند، می‌تواند معلومات را فراهم، دریافت و یا تبادله نماید، مشروط براینکه این عمل طور متقابل صورت گیرد و ادارهٔ مماثل خارجی تابع الزامات مشابه حاکم بر محرمیت باشد. واحد استخبارات مالی می‌تواند موافقتنامه‌های همکاری یا سایر مقاولات را با ادارات مماثل خارجی عقد نماید.

(۲) واحد استخبارات مالی مطابق احکام این قانون به درخواست واحد استخبارات مالی خارجی در مورد معلومات و ارسال راپور معاملات مشکوک پاسخ سریع ارائه می نماید.

(۳) واحد استخبارات مالی قبل از ارائهٔ معلومات به مقامات خارجی، اطمینان حاصل می نماید تا معلومات

معلوماتو په څېر چې د بهرنیو مالي استخباراتو د واحد په واسطه د هغه له کورنیو سرچینو څخه اخیستل شویديُ، د محرمیت پر ساتنې د نافذو عین حکمونو په رعایتولو سره ساتل کېږي.
بهرني مسئولین دغه اطلاعات یوازې د هغو مقصدونو لپاره تر ګټې اخیستنې لاندې نیسي چې پدې قانون کې تصریح شویدي.

مشابه ایکه توسط واحد استخبارات مالی خارجی از منابع داخلی آن اخذ گردیده، با رعایت عین احکام نافذ بر حفظ محرمیت نگهداری می‌شود.
مسؤلین خارجی این اطلاعات را صرف برای مقاصدی مورد استفاده قرار میدهند که در این قانون به آن تصریح گردیده باشد.

د پیسو له تطهیر څخه مخنیوی
اته ویشتمه ماده:
د مالي استخباراتو واحد د پیسو له تطهیر څخه د مخنیوي په منظور، لاندې دندې سرته رسوي:
۱- د اړوندو قوانینو او مقرراتو د تعدیل، ایزاد یا الغاء د تصویب لپاره د مراتبو د سلسلې په رعایتولو سره واکمنو مقاماتو ته د وړاندیزونو وړاندې کول.
۲- د مشکوکو معاملو لپاره د تشبیتیه شاخصونو د لست په ترتیبولو کې ګډون کول.
۳- د رپوټ ورکوونکو مراجعو، دولتي ادارو او د رسمي جواز لیک لرونکو مؤسسو د مسلکي

جلوگیری از تطهیر پول
مادۀ بیست و هشتم:
واحد استخبارات مالی بمنظور جلوگیری از تطهیر پول وظایف آتی را انجام می‌دهد:
۱- ارائۀ پیشنهادات به مقامات ذیصلاح با رعایت سلسلۀ مراتب جهت تصویب، تعدیل، ایزاد یا الغای قوانین و مقررات مربوط.
۲- اشتراك در ترتیب لست شاخصهای تثبیت کنندۀ معاملات مشکوك.
۳- آموزش مسلکی کارکنان مراجع راپور دهنده، ادارات دولتی و مؤسسات دارندۀ

کارکوونکو زده کړه.

جوازنامهٔ رسمی.

پنځم فصل
رپوټونه او د معاملو کنګلول (منجمد کول)

فصل پنجم
راپور ها و منجمد سازی معاملات

د رپوټونو تصدیقول
نهه ویشتمه ماده:
دمالي استخباراتو واحد، درپوټونو له وصول څخه تصدیق کوي.

تصدیق راپور ها
مادهٔ بیست و نهم:
واحد استخبارات مالی از وصول راپور ها تصدیق می نماید.

د وجوهو، شتمنیو او معاملو کنګلول
دېرشمه ماده:
(۱) د مالي استخباراتو واحد د قضیې د وخامت او استعجالیت له مخې کولای شي، تر یوې مودې پورې چې له (۷) ورځو څخه زیاته نه وي د وجوهو، شتمنیو او معاملو د کنګلولو امر صادر کړي. دغه امر بې له ځنډه د وجوهو او شتمنیو خاوند او رپوټ ورکوونکې مرجع ته ابلاغېږي. په هغه صورت کې چې د مالي استخباراتو واحد تر پورتني وخته پورې تثبیت کړي چې تر دې زیات د پیسو د تطهیر د ګمان (ظن) دلایل موجود ندي، د

منجمد سازی وجوه، دارایی‌ها و معاملات
مادهٔ سی ام:
(۱) واحد استخبارات مالی بنا بر وخامت و استعجالیت قضیه، می‌تواند امر منجمد سازی وجوه، دارایی ها و معاملات را برای مدتی که متجاوز از (۷) روز نباشد، صادر نماید. این امر بلاوقفه به مالك وجوه و دارایی ها و مرجع راپور دهنده ابلاغ می‌گردد. در صورتی‌که واحد استخبارات مالی طی میعاد فوق الذکر تثبیت نماید که دلایل مبنی بر ظن تطهیر پول بیش از این موجود نیست، امر انجماد را رفع

کنګل کولو امر رفع او له هغه څخه دوجوهو او شتمنیو خاوند او رپوټ ورکوونکې مرجع ته خبر ورکوي.

(۲) د الزام د دلایلو د موجودیت په صورت کې، د مالي استخباراتو واحد کولای شي موضوع د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوي وخت په ترڅ کې اړوندې څارنوالۍ ته محول کړي. څارنوال کولای شي د تحقیق په بهیر کې د وجوهو او شتمنیو دکنګل کولو او یا دمعاملې د اجراء د کنګلولو امر تر (۷) ورځو پورې تمدید کړي، دغه امر د وجوهو او شتمنیو خاوند او رپوټ ورکوونکې مرجع ته ابلاغېږي.

په هغه صورت کې چې تحقیق په ټاکلې موده کې بشپړ نشوای شي، څارنوال کولای شي د وجوهو او شتمنیو دکنګل کولو دمودې تمدید له واکمنې محکمې څخه وغواړي.

محکمه کولای شي حالاتو ته په پام سره تر څوارلسو ورځو پورې د کنګلولو موده وغځوي.

(۳) که چېرې د تحقیق په بهیر کې څارنوال ته ثابته شي چې تر دې

و از آن به مالك وجوه و دارایی ها و مرجع راپور دهنده اطلاع می‌دهد.

(۲) در صورت موجودیت دلایل الزام، واحد استخبارات مالی می تواند موضوع را طی میعاد مندرج فقرۀ (۱) این ماده به څارنوالی مربوط محول نماید. څارنوال می‌تواند در جریان تحقیق، امر انجماد وجوه و دارایی ها و یا انجماد اجرای معامله را برای مدت (۷) روز تمدید نماید. این امر به مالك وجوه و دارایی ها و مرجع راپور دهنده ابلاغ می‌شود.

در صورتی‌که تحقیق در مدت معینه تکمیل شده نتواند، څارنوال می‌تواند تمدید میعاد انجماد وجوه و دارائی ها را از محکمۀ ذیصلاح مطالبه نماید.

محکمه میتواند با نظرداشت حالات، الی مدت چهارده روز میعاد انجماد را تمدید نماید.

(۳) هرگاه در جریان تحقیق نزد څارنوال ثابت گردد که

زیات د پیسو د تطهیر د ظن دلایل وجود نلري، د کنګلولو د رفع قرار صادروي او د وجوهو او شتمنیو خاوند او رپوټ ورکوونکې مرجع ته یې ابلاغوي.

(۴) په هغه صورت کې چې د مالي استخباراتو واحد او یا څارنوالي د دې مادې په (۱ او ۲) فقره کې په درج شوې موده (میعاد) کې، د موضوع پر قانوني تعقیب اقدام ونکړي، د کنګلولو امر رفع شوی ګڼل کېږي.

(۵) پدې ماده کې درج شوې د وجوهو او شتمنیو اصطلاح، د دې قانون د دوه دېرشمې مادې د لومړۍ فقرې له (۱، ۲، ۳ او ۴) جزء څخه عبارت دی.

دلایل ظن تطهیر پول بیش از این وجود ندارد، قرار رفع انجماد را صادر و به مالك وجوه و دارائی ها و مرجع راپور دهنده ابلاغ می‌نماید.

(۴) در صورتی‌که واحد استخبارات مالی یا څارنوالی طی میعاد مندرج فقره های (۱و۲) این ماده به تعقیب قانونی موضوع اقدام ننمایند، امر انجماد مرفوع پنداشته می‌شود.

(۵) اصطلاح وجوه و دارایی های مندرج این ماده شامل کتگوری های اجزای (۱، ۲، ۳و۴) فقرۀ اول مادۀ سی و دوم این قانون می‌باشد.

د وجوهو او شتمنیو ضبط

یو دېرشمه ماده:

څارنوالۍ کولای شي د واکمنې محکمې په اجازه په هغه جرم پورې اړوندې وجوه او شتمنۍ چې د پیسو د تطهیر د څېړنې موضوع جوړ وي، له هغو څخه له تر لاسه شوو عوایدو او د وجوهو او شتمنیو د تشخیص د تسهیل له

ضبط وجوه و دارایی ها

مادۀ سی و یکم:

څارنوالی می‌تواند به استیذان محکمۀ ذیصلاح وجوه و دارایی های متعلق به جرمی که موضوع تحقیقات تطهیر پول را تشکیل می دهد، با عواید حاصله از آن و مدارك تسهیل کنندۀ تشخیص وجوه و دارایی‌ها،

مدارکو سره ضبط کړي.

شپږم فصل
مصادره

مصادره

دوه دېرشمه ماده:

(۱) لاندې وجوه او شتمنۍ د واکمنې محکمې له خوا مصادره کېږي:

۱- هغه وجوه او شتمنۍ چې د جرم د ارتکاب په منظور تر ګټې اخیستنې لاندې نیول شوي یا له هغو څخه د ګټې اخیستنې قصد موجود وي.

۲- هغه وجوه او شتمنۍ چې له جرمي عوایدو څخه راپیدا شوي یا له دې ډول عایداتو سره ګډې او یا له هغو څخه مشتقې شوي او یا یې له تبادلې څخه لاسته راغلې وي.

۳- د دې فقرې په (۱ او ۲) جزء کې درج شوي وجوه او شتمنۍ چې بل شخص ته منتقل شوي وي، مګر دا چې خاوند یې ثابته کړي چې د دې ډول وجوهو او شتمنیو په مقابل کې یې مناسبه بیه ورکړې او یا یې هغه د هغو د معادل ارزښت خدمتونو په بدل کې او یا ضبط نماید.

فصل ششم
مصادره

مصادره

مادۀ سی و دوم:

(۱) وجوه و دارائی های ذیل از طرف محکمۀ ذیصلاح مصادره می گردد:

۱- وجوه و دارایی های که به منظور ارتکاب جرم مورد استفاده قرار گرفته یا قصد استفاده از آن موجود باشد.

۲- وجوه و دارایی های که از عواید جرمی بدست آمده یا با چنین عایدات مخلوط یا از آن مشتق گردیده و یا از تبادلۀ آن بدست آمده باشد.

۳- وجوه و دارایی های مندرج اجزای (۱و۲) این فقره که به شخص دیگری منتقل گردیده باشد، مگر اینکه مالك ثابت نماید که در مقابل دریافت چنین وجوه و دارایی ها قیمت مناسبی را پرداخته یا آنرا در بدل خدمات معادل به ارزش آن یا از طرق

له نورو مشروعو لارو څخه لاس ته راوړي او د دغو وجوهو او شتمنيو د منشاء له غير قانوني والي څخه خبر ندی.

۴- هغه وجوه او شتمنی چې په مستقيمه يا غير مستقيمه توګه له جرمي عمل څخه راپيدا شوي له هغو وجوهو او شتمنيو سره چې له مشروعو سرچينو څخه لاس ته راغلي دي ګډې وي، د دغه ډول وجوهو او شتمنيو مصادره کول په هغه اندازه صورت مومي چې د محکمې د ارزونې مطابق، له جرم څخه د تر لاسه شوو وجوهو او شتمنيو د عوايدو له ارزښت سره معادل وي.

۵- که چېرې هغه وجوه او شتمنی چې په مصادره يې حکم صادر شوي وي تر لاسه نشوی شي، د هغو د معادل وجوهو او شتمنيو په مصادرې حکم صادرېږي. پدغه حکم کې هغه وجوه او شتمنی شاملې دي چې په مستقيمه يا غير مستقيمه توګه د پيسو د تطهير د جرم په مرتکب پورې اړه لري او يا هغه وجوه او شتمنی چې د محکوم عليه د مېرمنې يا تر کفالت لاندې

مشروع ديگری بدست آورده و از غير قانونی بودن منشأ چنين وجوه و دارايی ها آگاهی نداشته است.

۴- وجوه و دارايی های که بصورت مستقيم يا غير مستقيم از عمل جرمی حاصل گرديده با وجوه و دارايی های که از منابع مشروع بدست آمده مخلوط باشد، حکم مصادرۀ چنين وجوه و دارايی ها به اندازه ای صورت می‌گيرد که با ارزش عوايد وجوه و دارايی های حاصله از جرم، مطابق ارزيابی محکمه معادل باشد.

۵- هرگاه وجوه و دارايی هائيکه حکم به مصادرۀ آن صادر گرديده، دستياب شده نتواند، حکم به مصادرۀ وجوه و دارائی های معادل آن صادر می‌گردد. اين حکم شامل وجوه و دارايی هايست که بصورت مستقيم يا غير مستقيم به مرتکب جرم تطهير پول متعلق بوده يا وجوه و دارايی هائيکه توسط همسر يا اولاد تحت کفالت محکوم عليه از

اولاد په واسطه له هغه څخه تر لاسه شوي، مګر دا چې د دغه ډول وجوهو او شتمنیو په مقابل کې معادله بیه ورکول شوې وي.
(۲) د مصادرې په حکم کې، د نظر وړ وجوهو او شتمنیو اندازه په ګوته (مشخصه) کېږي.

وی حاصل گردیده باشد، مگر اینکه قیمت معادل در مقابل چنین وجوه و دارایی ها پرداخته شده باشد.
(۲) در حکم مصادره، اندازۀ وجوه و دارایی های مورد نظر مشخص می‌گردد.

د مصادرې حکمونه
دري د پرشمه ماده:
که چېرې یو جرم چې د جرمي عوایدو د تولید باعث ګرځېدلی وي او د مجرم یا مجرمینو د نه پېژندنې او یا د قانوني خنډونو د موجودیت له امله تعقیب نشوای شي، محکمه کولای شي، د څارنوالۍ د غوښتنې له مخې د ضبط شوو وجوهو او شتمنیو د مصادرې حکم صادر کړي.

احکام مصادره
مادۀ سی و سوم:
هرگاه جرمی که باعث تولید عواید جرمی گردیده و بنابر عدم شناخت مجرم یا مجرمین و یا موجودیت موانع قانونی تعقیب شده نتواند، محکمه به اساس مطالبۀ څارنوالی حکم مصادرۀ وجوه و دارایی های ضبط شده را صادر می نماید.

د جنایتکار سازمان د وجوهو او شتمنیو مصادره
څلور د پرشمه ماده:
د جنایت کار سازمان وجوه او شتمنۍ چې د هغو د خرڅلاو یا دله لاسه ورکولو نور ډولونه یې په واک کې وي د مجرمیت یا له جرم سره د

مصادرۀ وجوه و دارایی های سازمان جنایتکار
مادۀ سی و چهارم:
وجوه و دارایی های سازمان جنایتکار که صلاحیت فروش یا سایر اشکال از دست دادن آنرا داشته باشد، بدون نظرداشت

رابطې د لرلو له په پام کې نیولو پرته، مصادره کېږي.

مجرمیت یا رابطه با جرم مصادره می‌گردد.

د ځینو قانوني سندونو ابطال
پنځه دېرشمه ماده:
هغه قانوني سندونه چې د دې قانون په دوه دېرشمه او څلور دېرشمه ماده کې له مصادرې څخه د وجوهو او شتمنیو د ساتنې په منظور، په وړیا توګه یا د بیې په بدل کې په ژوندونې یا د هبې په صورت له مړینې د مخه ترتیب شوي وي، د محکمې د حکم پر بنسټ باطلېږي، پدې صورت کې یوازې هغه پیسې مشتري ته مسترد ېږي چې په رښتیا (واقعاً) یې ورکړې وي.

ابطال بعضی از اسناد قانونی
مادۀ سی و پنجم:
اسناد قانونی ایکه بمنظور حفاظت وجوه و دارایی ها از مصادرۀ مندرج مواد سی و دوم و سی و چهارم این قانون، بصورت رایگان و یا در بدل قیمت در زمان حیات و یا بصورت هبه قبل از مرگ ترتیب گردیده باشد، به اساس حکم محکمه باطل می‌گردد، درین صورت صرف مبلغی به مشتری مسترد می‌گردد که واقعاً آنرا پرداخته باشد.

د مصادره شوو وجوهو او شتمنیو تعلقیت
شپږ دېرشمه ماده:
(۱) د مصادره شوو وجوهو او شتمنیو او له هغو څخه د تر لاسه شوو عوایدو مالکیت په دولت پورې اړه نیسي. په مصادره شوو وجوهو او شتمنیو کې د اشخاصو رهني حقوق په هغه صورت کې چې

تعلقیت وجوه و دارایی های مصادره شده
مادۀ سی و ششم:
(۱) مالکیت وجوه و دارایی های مصادره شده و عواید حاصله از آن به دولت تعلق می‌گیرد. حقوق رهنی اشخاص ثالث در وجوه و دارایی های مصادره شده در صورتی‌که قانوناً تثبیت گردد،

قانوناً تثبیت شي، خوندي دي.
(۲) د وجوهو او شتمنیو پر مصادرې باندې د غیابي حکم د صادرېدو په صورت کې د هغو مالکیت په دولت پورې اړه نیسي، که چېرې محکمه د حکم په اساس تورن تبرئه او د مصادرې حکم لغوه کړي، مصادره شوي وجوه او شتمنی او یا یې معادل ارزښت خاوند ته بېرته ورکول کېږي.

په مصادره شوو وجوهو او شتمنیو کې د ثالثو اشخاصو حقوق
اووه دېرشمه ماده:
په مصادره شوو وجوهو او شتمنیو کې د ثالثو اشخاصو د مالکیت ادعا د حکم د صادرېدو له نېټې څخه تر یوه کاله پورې په واکمنه محکمه کې د اورېدو وړ ده.

د رپوټونو خپرول
اته دېرشمه ماده:
(۱) د پیسو د تطهیر د جرم د ارتکاب په ګمان، د مؤجه دلایلو د موجودیت په صورت کې، د مالي استخباراتو واحد بلاوقفه مستند رپوټ له خپلو نظریو سره یو ځای د

محفوظ میباشد.
(۲) در صورت صدور حکم غیابی مبنی بر مصادرۀ وجوه و دارایی ها، مالکیت آن به دولت تعلق می گیرد. هرگاه محکمه به اساس درخواست، متهم را تبرئه و حکم مصادره را لغو نماید، وجوه و دارایی های مصادره شده و یا ارزش معادل آن به مالك اعاده می گردد.

حقوق اشخاص ثالث در وجوه و دارایی های مصادره شده
مادۀ سی و هفتم:
ادعای مالکیت اشخاص ثالث در وجوه و دارایی های مصادره شده از تاریخ صدور حکم الی یك سال در محکمۀ ذیصلاح قابل سمع می باشد.

انتشار راپور ها
مادۀ سی و هشتم:
(۱) در صورت موجودیت دلایل مؤجه به ظن ارتکاب جرم تطهیر پول، واحد استخبارات مالی بلاوقفه راپور مستندی را توأم با نظریاتش پیرامون موضوع به

موضوع په اړه څارنوالۍ ته وړاندې کوي او څارنوالۍ پدې هکله قانوني تصميم نيسي.

(۲) له لاندې حالاتو پرته، د رپوټ ورکوونکې مرجع هويت، په رپوټ کې نه ذکر کېږي:

۱- دلايل پدې ګمان موجود وي چې نومورې مؤسسه يا د هغې مربوط کارکوونکی د پيسو د تطهير دجرم مرتکب ګرځېدلې دی.

۲- د عدلي تعقيب په وخت کې د حقايقو د اثبات لپاره دې، د رپوټ ورکوونکې مرجع د هويت يا دول حتمي وګڼل شي.

۳- د څارنوالۍ يا د واکمنې محکمې د ليکلې غوښتنې په وخت کې.

خارنوالی ارائه و خارنوالی در مورد تصمیم قانونی اتخاذ می نماید.

(۲) به استثنای حالات ذیل هویت مرجع راپور دهنده در راپور تذکر نمی یابد:

۱- دلایل مبنی بر این ظن موجود باشد که مؤسسهٔ متذکره یا کارکن مربوط آن مرتکب جرم تطهیر پول گردیده است.

۲- حین تعقیب عدلی برای اثبات حقایق، تذکر هویت مرجع راپور دهنده حتمی پنداشته شود.

۳- حین مطالبهٔ کتبی خارنوالی یا محکمهٔ ذیصلاح.

د څېړنې واک

نهه دېرشمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک کولای شي پدې قانون کې د درج شوو مسئلو په هکله د پيسو او بانکوالۍ په قانون کې درج شوي واکونه، پر هغو مراجعو باندې چې له د افغانستان بانک څخه يې جواز اخيستی او د هغه لخوا تنظيم او

صلاحیت بازرسی

مادهٔ سی و نهم:

(۱) د افغانستان بانک می‌تواند صلاحیت های مندرج قانون پول و بانکداری را در موارد مسایل مندرج این قانون بالای مراجعی که از طرف د افغانستان بانک جواز اخذ نموده و توسط آن تنظیم و نظارت می‌گردند،

څارل کېږي، اعمال کړي. دغه مراجع لدې وروسته د تنظیم شوو مراجعو په نوم یادېږي.

(۲) د مالي استخباراتو واحد او یا هغه شخص چې د دې اداري لخوا مؤظف شي، کولای شي د رپوټ ورکوونکې مرجع سندونه، سوابق او اجراآت وپلټي چې هدف يې په دې قانون کې درج له (۴) څخه تر (۴۵) مادې پورې د حکمونو له تطبیق څخه د ډاډ تر لاسه کول دې، خو نشي کولای په دې برخه کې تحقیق وکړي. تنظیم شوي مراجع لدې حکم څخه مستثني دي.

(۳) د مالي استخباراتو واحد کولاي شي په هره مناسبه موقع کې د رپوټ ورکوونکو مراجعو هغو تجارتي دفترونو ته ننوزي چې د مالي استخباراتو د واحد په نظر، د دې قانون له (۴) څخه تر (۴۵) مادې له تطبیق څخه د ډاډ د تر لاسه کولو اړوند سندونه او سوابق په هغو کې وجود ولري.

د رپوټ ورکوونکې مرجع منسوبین مکلف دي د رپوټ ورکوونکې مرجع په اداري او فعالیتونو پورې اړوند ټول معلومات چې د مالي اعمال نماید. این مراجع منبعد بنام مراجع تنظیم شده یاد می شوند.

(۲) واحد استخبارات مالی و یا شخصی که توسط این اداره مؤظف گردد، می‌تواند اسناد، سوابق و اجراآت مراجع راپور دهنده را تفتیش نماید که هدف آن حصول اطمینان از تطبیق احکام مندرج مواد (۴) الی (۴۵) این قانون می باشد ولی نمی تواند در مورد تحقیق نمایند. مراجع تنظیم شده از این حکم مستثنی است.

(۳) واحد استخبارات مالی می‌تواند در هر موقع مناسب به دفاتر تجارتی مراجع راپور دهنده داخل گردد که به نظر واحد استخبارات مالی دلایل موجه مبنی بر موجودیت اسناد و سوابق مربوط به حصول اطمینان از تطبیق مواد (۴) الی (۴۵) این قانون در آن وجود داشته باشد.

منسوبین مرجع راپور دهنده مکلف اند تمام معلومات مربوط به اداره و فعالیت های مرجع راپور دهنده را که واحد

استخباراتو واحد یې د تر لاسه کولو غوښتنه لري، وړاندې کړي.

(۴) د مالي استخباراتو واحد هغه معلومات چې د دې مادې په (۱، ۲ او ۳) فقره کې له درج شوو غورونو څخه لاس ته راوړي دي، د قانون تطبیقوونکو کورنیو او بهرنیو واکمنو مراجعو ته انتقالوي، پدې شرط چې د نوموړو معلوماتو د شکمنتوب یا د دې قانون د نه تطبیق د قضیو په څېړنو پورې د هغو د تړاو جنایې جرم، د پیسو د تطهیر د جرم او یا د تروریزم د جرم د تمویل په هکله مؤجه دلایل وجود ولري.

(۵) هغه شخص چې پدې ماده کې درج د مالي استخباراتو په واکونو کې عمداً خنډونه رامنځته کړي او یا پدې برخه کې همکارې ونه کړي، د جرم مرتکب ګڼل کېږي، د محکمې په واسطه په لاندې توګه مجازات کېږي:

– حقیقي شخص د پنځو زرو افغانیو په نقدي جریمه او یا هغه حبس چې له دریو میاشتو څخه زیاتي ونکړي او یا په دواړو جزاوو محکومېږي.

استخبارات مالی تقاضای دریافت آنرا دارد، ارایه نمایند.

(۴) واحد استخبارات مالی معلوماتی را که از بررسی های مندرج فقره های (۱، ۲ و ۳) این ماده بدست آورده است، به مراجع ذیصلاح داخلی و خارجی تطبیق کنندۀ قانون انتقال می دهد، مشروط براینکه دلایل موجهی مبنی بر مشکوك بودن معلومات متذکره یا ذیربط بودن آن به تحقیقات قضایای عدم تطبیق این قانون جرم جنایی، جرم تطهیر پول و یا جرم تمویل تروریزم وجود داشته باشد.

(۵) شخصی‌که عمداً در صلاحیت های واحد استخبارات مالی مندرج این ماده موانع ایجاد نماید و یا در این زمینه همکاری ننماید، مرتکب جرم شناخته شده، توسط محکمه قرار آتی مجازات می‌گردد:

– شخص حقیقی به جریمۀ نقدی مبلغ پنجهزار افغانی یا حبسیکه از سه ماه تجاوز ننماید و یا هر دو جزاء محکوم می‌گردد.

- حکمي شخص د پنځه ویشتو زرو افغانیو په نقدي جریمه.

- شخص حکمی به جریمهٔ نقدی مبلغ بیست و پنجهزار افغانی.

د تطبیق واک

څلوېښتمه ماده:

د دافغانستان بانک، د مالي استخباراتو واحد او نورې څارنیزې اداري د دوی تر څارنې لاندې د رپوټ ورکوونکو مراجعو په هکله د دې قانون د حکمونو د تطبیق په منظور، دلاندې واکونو لرونکې دي:

۱- د تجارتي جواز لیک تعلیق او استرداد.

۲- پر رپوټ ورکوونکې مرجع باندې تر دري زرو افغانیو پورې د نقدي جریمې وضع کول.

۳- د بهرني پلټونکي په واسطه د اړوندو چارو د بهرنۍ پلټنې په منظور چې د د افغانستان بانک ته د منلو وړ وي، په خپل لګښت، رپوټ ورکوونکې مرجع ته د دستور صادرول.

۴- د لاندې یوه یا ټولو مواردو د تطبیق په منظور، رپوټ ورکوونکې مرجع ته د دستور صادرول:

- د رپوټ ورکوونکو مراجعو د کارکوونکي یا کارکوونکو عزلول.

صلاحیت تطبیق

مادهٔ چهلم:

د افغانستان بانک، واحد استخبارات مالی و سایر ادارات نظارتی بمنظور تطبیق احکام این قانون در مورد مراجع راپور دهندهٔ تحت نظارت آنان دارای صلاحیت های ذیل می‌باشند:

۱- تعلیق و استرداد جواز تجارتی.

۲- وضع جریمهٔ نقدی الی سه هزار افغانی بالای مرجع راپور دهنده.

۳- صدور دستور به مرجع راپور دهنده بمنظور بررسی بیرونی امور مربوطه، به مصرف خود توسط بررس بیرونی که برای دافغانستان بانک قابل قبول باشد.

۴- صدور دستور به مرجع راپور دهنده بمنظور تطبیق یک یا تمام موارد آتی:

- عزل کارکن و یا کارکنان مراجع راپور دهنده.

- د رپوټ ورکوونکو په اداري چارو او یا تجارتي فعالیتونو کې د رپوټ ورکوونکو مراجعو د کارکوونکو له نه برخې اخیستنې څخه د ډډ تر لاسه کول، مګر دا چې د دافغانستان بانک بل تجویز ونیسي.

- حصول اطمینان از عدم سهمگیری کارکنان مراجع راپور دهنده در امور اداری و یا فعالیتهای تجارتی مراجع متذکره، مگر اینکه د افغانستان بانک تجویز دیگری اتخاذ نماید.

- د هغې مودې او زمان لپاره چې په دستور کې په ګوته (مشخص) شوي دي او د دافغانستان بانک د منلو وړ وګرځي، د رپوټ ورکوونکې مرجع دمسئول په توګه دشخص ټاکنه.

- تعیین شخص بحیث مسؤل مرجع راپور دهنده، برای مدت زمانیکه در دستور مشخص شده است و مورد قبول د افغانستان بانک واقع گردد.

- د هغو دایمي او مؤقتي دساتیرو لیکوالـه (کتبي توب) چې د دې قانون د حکمونو له مخې رپوټ ورکوونکې مرجع ته صادرېږي.

- تحریری بودن دساتیر دایمی و مؤقتی که بتأسی از احکام این قانون به مرجع راپور دهنده صادر می‌شود.

- د رپوټ ورکوونکو مراجعو مرکزي دفتر ته د دایمي او مؤقتو دساتیرو صادرول، مګر دا چې کورنیو نمایندګیو او غیر مقیمو مراجعو ته د دساتیرو صادرول تجویز شوي وي، د دغو دساتیرو هر یو، د دافغانستان بانک د تصمیم له یوه نقل سره چې د دغه دستور د صادرېدو د دلایلو لرونکی وي، ضمیمه کېږي.

- صدور دساتیر دایمی و مؤقت به دفتر مرکزی مراجع راپور دهنده، مگر اینکه صدور دساتیر به نمایندگی های داخلی و مراجع غیر مقیم تجویز گردیده باشد.

هر یك ازین دساتیر با یك کاپی تصمیم د افغانستان بانك که شامل دلایل صدور این دستور می‌باشد، ضمیمه می‌گردد.

– په هغه صورت کې چې د دافغانستان بانک دستور د رپوټ ورکوونکې مرجع د منلو وړ نه وي، پدې صورت کې د دلایلو په وړاندې کولو سره د دافغانستان بانک په قانون کې درج د مالي خدمتونو کمېسیون ته سپارل کېږي. کمېسیون مکلف دی رپوټ ورکوونکې مرجع ته د دستور د صادرېدو له نېټې څخه اعتبار د (۳۰) ورځو په موده کې هغه تر نوې کتنې لاندې ونیسي.

– در صورتی که دستور د افغانستان بانک مورد قبول مرجع راپور دهنده نباشد، در اینصورت با ارائه دلایل به کمیسیون خدمات مالی مندرج قانون د افغانستان بانک سپرده می‌شود. کمیسیون مکلف است در مدت (۳۰) روز اعتبار از تاریخ صدور دستور به مرجع راپور دهنده، آن را مورد تجدید نظر قرار دهد.

– دایمي او مؤقت دساتیر، رپوټ ورکوونکې مرجع ته د ابلاغ له نېټې څخه مرعی الاجراء دي، مګر دا چې په دستور کې یې د تطبیق لپاره بله نېټه ټاکل شوې وي. دساتیر تر هغه وخته پورې نافذ ګڼل کېږي چې موده (میعاد) یې د درج شوو شرایطو مطابق پای ته ورسېږي یا د دافغانستان بانک د نورو دایمي یا مؤقتو دساتیرو په واسطه بدل (تعویض) شي یا د مالي خدمتونو د کمېسیون له نوې کتنې وروسته ملغي شي او یا د دافغانستان بانک په وسیله د رپوټ ورکوونکې مرجع په عنوان د کتبي

– دساتیر دائمی و مؤقت از تاریخ ابلاغ آن به مرجع راپور دهنده مرعی الاجراء می باشد، مگر اینکه در دستور تاریخ دیگری برای تطبیق تعیین شده باشد. دساتیر تا زمانی نافذ پنداشته می‌شود که میعاد آن طبق شرایط مندرج ختم یا توسط دستور دائمی و مؤقتی دیگر دافغانستان بانك تعویض یا بعد از تجدید نظر کمیسیون خدمات مالی ملغی گردد و یا توسط د افغانستان بانك ذریعهٔ یادداشت کتبی عنوانی مرجع راپور دهنده فسخ شود. د

یادښت په واسطه فسخ شي. د دافغانستان بانک کولای شي دایمي یا مؤقت دساتیر هر کله چې د هغو زیات دوام لازم ونه ګڼي لغوه کړي.

افغانستان بانك می‌تواند دساتیر دایمی یا مؤقت را هر زمانیکه دوام بیشتر آنرا لازم ندانند لغو نماید.

نتیجه اخیستنه

یو څلوېښتمه ماده:

د مالي استخباراتو واحد وخت په وخت د هغو اطلاعاتو پایلې چې د مشکوکو معاملو د رپوټونو د کیفیت، د پیسود تطهیر د کشف، تصنیف بندی (تر هغو حدودو پورې چې محرم نه وي)، د پیسو په تطهیر او د تروریزم په تمویل پورې د اړوندو جرمونو څېړل او تعقیب پکې شامل دي، رپوټ ورکوونکو مراجعو ته وړاندې کوي.

نتیجه گیری

مادۀ چهل و یکم:

واحد استخبارات مالی وقتاً فوقتاً نتیجۀ اطلاعاتی را که شامل کیفیت راپور های معاملات مشکوك، کشف تطهیر پول، تصنیف بندی (تا حدودی که محرم نباشد)، تحقیقات و تعقیب عدلی جرایم مربوط به تطهیر پول و تمویل تروریزم را به مراجع راپور دهنده ارائه می نماید.

اووم فصل
معافیت

د مشکوکو مواردو د رپوټ ورکولو له مسئولیت څخه معافیت چې په ښه نیت سره یې صورت موندلی وي

دوه څلوېښتمه ماده:

(۱) هغه شخص چې په ښه نیت، د دې قانون د حکمونو مطابق معلومات او رپوټونه وړاندې کړي، دا عمل د بانکوالۍ یا مسلکي محرمیت نقض نه ګڼل کېږي، د ده په خلاف جزایي یا مدني یا اداري دعواوې نه اقامه کېږي او د انضباطۍ (مسلکي) مجازاتو لاندې نه راځي.

(۲) که چېرې د دې قانون د دېرشمې مادې د حکم مطابق د وجوهو، شتمنیو او معاملو کنګلول د مادي زیان سبب شي، د رپوټ ورکوونکو مراجعو، د هغو د مدیرانو یا نورو کارکوونکو په خلاف جزایي، مدني یا اداري دعواوې نشي اقامه کېدای.

فصل هفتم
معافیت

معافیت از مسئولیت راپور دهی، موارد مشکوک که با حسن نیت صورت گرفته باشد.

مادۀ چهل و دوم:

(۱) شخصی‌که با حسن نیت مطابق احکام این قانون معلومات و راپور ها را ارائه نماید، این عمل نقض محرمیت بانکداری یا مسلکی پنداشته نمی‌شود. دعاوی جزائی، مدنی یا اداری علیه وی اقامه نگردیده و مورد مجازات انضباطی (مسلکی) قرار نمی‌گیرد.

(۲) هرگاه طبق حکم مادۀ سی‌ام این قانون منجمد ساختن وجوه، دارائی ها و معاملات موجب زیان مادی گردد، علیه مراجع راپور دهنده، مدیران یا سایر کارکنان آن دعوی جزائی، مدنی یا اداری اقامه شده نمی‌تواند.

د مالي استخباراتو د واحد د مسئوليت معافيت

دري څلوېښتمه ماده:

د مالي استخباراتو د واحد عمومي آمر، کارکوونکي، استازي او د هغو نور کار پېژاندي چې سپارل شوې د ندې د دې قانون له حکمونو سره په مطابقت کې په ښه نيت سرته رسوي جزايي مدني يا اداري دعواوې د دوی په خلاف نه اقامه کېږي، تر انضباطی مجازاتو لاندې نه راځي.

معافیت مسئولیت واحد استخبارات مالی

مادۀ چهل و سوم:

آمر عمومی واحد استخبارات مالی، کارکنان، نمایندگان و سایر کارشناسان آن که وظایف محوله را با حسن نیت در مطابقت با احکام این قانون انجام میدهند، دعاوی جزائی، مدنی یا اداری علیه ایشان اقامه نه شده، مورد مجازات انضباطی قرار نمی‌گیرند.

اتم فصل
تحقيقاتي اسلوبونه

فصل هشتم
اسلوب های تحقیقاتی

د تحقيق ډول

څلور څلوېښتمه ماده:

(۱) پدې قانون کې د درج شوو جرمونو د اثباتيه مدارکو د لاس ته راوړلو په منظور، د قضايي ضبط مامورين کولای شي، د يوې ټاکلې مودې لپاره لاندې تصميمونه ونيسي:

۱- پر بانکي او هغو ته ورته حسابونو باندې څارنه.

۲- پرکمپيوټري سيستمونو، شبکو

طرز تحقیق

مادۀ چهل و چهارم:

(۱) به منظور دریافت مدارک اثباتیۀ جرایم مندرج این قانون، مامورین ضبط قضایی می‌توانند تصامیم ذیل را برای یک مدت معین اتخاذ نمایند:

۱- نظارت بر حسابات بانکی و امثال آن.

۲- دسترسی به سیستم های

او سرویس ورکوونکو کمپیوترونو (سرور) باندې لاس بری.
۳- پر تېلفوني مکالمو، د فکس پر ماشینونو او نورو انتقالاتي او الکترونیکي مخابراتي آسانتیاوو باندې څارنه او کنترول.
۴- د فعالیتونو، روشونو او یا مکالمو صوتي یا تصویري ثبت.
(۲) د قضایي ضبط مامورین کولای شي د شرعي، عرفي قبالو او یا د بانکي، مالي او تجارتي ریکاردونو په هکله د معلوماتو د ضبط یا تر لاسه کولو قرار صادر کړي.
(۳) د قضایي ضبط مامورین په هغه صورت کې کولای شي د دې مادې په (۱ او ۲) فقره کې درج شوي اجراآت عملي کړي چې پدې باب قوي دلایل موجود وي چې دا ډول حسابونه، د تېلفون سیمونه، کمپیوتري سیستمونه او شبکې او یا سندونه د هغه شخص په واسطه چې د دې مادې په (۱) فقره کې په درج شوي جرم کې په ګډون شکمن دی، تر ګټې اخیستنې لاندې راغلي او یا ممکنه ده تر ګټې اخیستنې لاندې راشي.

کمپیوتری، شبکه ها و کمپیوتر های سرویس دهنده (سرور).
۳- نظارت و کنترول بر مکالمات تیلفونی، ماشین های فکس و سایر تسهیلات انتقالاتی و مخابراتی الکترونیکی.
۴- ثبت صوتی و یا تصویری فعالیتها، روشها و یا مکالمات.
(۲) مامورین ضبط قضایی می‌توانند قرار ضبط یا حصول معلومات در مورد قباله جات شرعی، عرفی و یا ریکاردهای بانکی، مالی و تجارتی را صادر نمایند.
(۳) مامورین ضبط قضائی در صورتی می‌توانند اجراآت مندرج فقره های (۱و۲) این ماده را عملی نمایند که دلایل قوی مبنی بر این ظن موجود باشد که چنین حسابات، لین های تیلفون، سیستم های کمپیوتری و شبکه ها و یا اسناد توسط شخصی که مشکوک به اشتراك در جرم مندرج فقرهٔ (۱) این ماده می‌باشد، مورد استفاده قرار گرفته و یا ممکن است مورد استفاده قرار گیرد.

پټ (خفیه) عملیات او تر کنترول لاندې انتقال

پنځه څلوېښتمه ماده:

(۱) د قضایي ضبط هغه مامورین چې د دې قانون په درېیمه، اته څلوېښتمه او پنځوسمه ماده کې د درج شوو جرمونو د اثباتیه مدارکو د لاس ته راوړلو په منظور، د جرم د متشکله عناصرو په توګه فعالیتونه تر سره کوي، تر عدلي تعقیب لاندې نه نیول کېږي.

(۲) دقضائي ضبطمامورین مکلف دي د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوو عملیاتو له سرته رسولو د مخه، د قضایي واکمنو مقاماتو اجازه تر لاسه کړي او رپوټ یې د اقدام د صحت په منظور، اړوندو مقاماتو ته وړاندې کړي.

(۳) د قضایي ضبط مامورین کولای شي د وجوهو او شتمنیو د کنګل کولو یا ضبط او د ګټو د ځنډونې په هکله د محکمې د حکم له تر لاسه کولو وروسته تصمیم ونیسي او عنداللزم د وجوهو او شتمنیو د تحفظ لپاره د خاصو تدبیرونو د نیولو په برخه کې امر صادر کړي.

عملیات خفیه و انتقال تحت کنترول

مادۀ چهل و پنجم:

(۱) مامورین ضبط قضائی ایکه بمنظور حصول مدارك اثباتیۀ جرایم مندرج مواد سوم، چهل و هشتم و پنجاهم این قانون فعالیت های را به حیث عناصر متشکلۀ جرم انجام می‌دهند، مورد تعقیب عدلی قرار نمی گیرند.

(۲) مامورین ضبط قضائی مکلف اند اجازۀ مقامات ذیصلاح قضایی را قبل از انجام عملیات مندرج فقرۀ (۱) این ماده بدست آورده و راپور آنرا بمنظور صحت اقدام بمقامات مربوط ارائه نمایند.

(۳) مامورین ضبط قضائی می‌توانند بعد از حصول حکم محکمه در مورد انجماد یا ضبط وجوه و دارائی ها و تأخیر منافع، تصمیم اتخاذ و عنداللزوم امر مبنی بر اتخاذ تدابیر خاص را جهت تحفظ وجوه و دارائی ها صادر نمایند.

نهم فصل
اجباري تدبيرونه او مجازات

د حقیقی اشخاصو مجازات
شپږم څلوېښتمه ماده:
۱- د پیسو د تطهیر د جرم فاعل په هغه حبس چې موده يې له دوو کلونو څخه لږ او له پنځو کلونو څخه زياته نه وي او يا نقدي جريمه چې له پنځوسو زرو افغانيو څخه لږ او له دوه سوه او پنځوسو زرو افغانيو څخه زياته نه وي او يا په دواړو جزاوو باندې محکومېږي.
(۲) د پیسو د تطهیر د جرم د ارتکاب ګډون کوونکی، مرسته کوونکی، دآسانتياوو برابروونکی، قصد کوونکی، سلا ورکوونکی او هغه اشخاص چې ورو سره په يووالي او اتفاق کې وي لکه د جرم د فاعل په شان مجازات کېږي.

د حکمي اشخاصو مجازات
اووه څلوېښتمه ماده:
۱- په هغه صورت کې چې د پيسو د تطهير جرم د حکمي شخصيت د کارکوونکي، وکيل او يا استازي په واسطه صورت وموميِ، حکمي

فصل نهم
تدابیر اجباری و مجازات

مجازات اشخاص حقیقی
مادۀ چهل و ششم:
(۱) فاعل جرم تطهیر پول به حبسی که مدت آن از دو سال کمتر و از پنج سال بیشتر نباشد و یا جریمۀ نقدی ایکه از پنجاه هزار افغانی کمتر و از دو صد و پنجاه هزار افغانی بیشتر نباشد و یا به هر دو جزاء محکوم می‌گردد.
(۲) اشتراك کننده، معاونت کننده، تسهیلات فراهم آورنده، قصد کننده، مشوره دهنده به ارتکاب جرم تطهیر پول و اشخاصیکه در اتحاد یا توافق به آن قرار داشته باشند مانند فاعل جرم مجازات می‌گردند.

مجازات اشخاص حکمی
مادۀ چهل و هفتم:
(۱) در صورتی‌که جرم تطهیر پول توسط کارمند، وکیل و یا نمایندۀ شخصیت حکمی صورت گیرد شخصیت حکمی به جریمۀ نقدی

شخصیت په نقدي جریمه چې له دوه سوه پنځوسو زرو افغانیو څخه لږ او له یو ملیون او دوه سوه پنځو سو زرو افغانیو څخه زیاته نه وي محکومېږي، دغه حکم حکمي شخصیت ته په منسوبو حقیقي اشخاصو باندې، د دې قانون په شپږ څلوېښتمه ماده کې د درج شوو مجازاتو د تطبیق خنډ نه کېږي. دولتي حکمي شخصیتونه لدې امر څخه مستثنی دي.

(۲) حکمي شخصیت ددې مادې د (۱) فقرې پر مجازاتو بر سېره په لاندې مجازاتو هم محکومېدی شي:

۱- د هغې مودې لپاره چې له پنځو کلونو څخه زیاته نه وي، په مستقیم یا غیر مستقیم صورت سره د تجارتي فعالیتونو د تاکلو ډګرونو له پر مخ بیولو څخه ممنوعیت.

۲- د شرکت انحلال، پدې شرط چې فعالیت یې د پام وړ جرم په ارتکاب منجر شوی وي او یا د داسې یوه هدف لپاره له اړوندو ودانیو څخه د ګټې اخیستنې اجازه ورکړي.

که از دوصد و پنجاه هزار افغانی کمتر و از یک ملیون و دوصد و پنجاه هزار افغانی بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد. این حکم مانع تطبیق مجازات مندرج مادۀ چهل و ششم این قانون بالای اشخاص حقیقی منسوب به شخصیت حکمی نمی‌گردد. شخصیت های حکمی دولتی از این امر مستثنی است.

(۲) شخصیت حکمی علاوه بر مجازات مندرج فقرۀ (۱) این ماده به جزاء های آتی نیز محکوم شده می‌تواند:

۱- ممنوعیت از پیشبرد عرصه های معین فعالیت های تجارتی بصورت مستقیم یا غیر مستقیم برای مدتی‌که بیش از پنج سال نباشد.

۲- انحلال شرکت، مشروط براینکه فعالیت آن منجر به ارتکاب جرم مورد نظر گردد یا اجازۀ استفاده از ساختمانهای مربوط را برای چنین هدفی اعطا نماید.

۳- د ټولیزو رسنیو له لارې د حکم خپرول.

۳- نشر حکم از طریق رسانه های همگانی.

د مجازاتو ور جرمونه

اته څلوېښتمه ماده:

(۱) هغه حقیقي یا حکمي شخص چې له لاندې اعمالو څخه د یوه مرتکب شي، د دې قانون د شپږ څلوېښتمې اووه څلوېښتمې مادې د حکمونو مطابق مجازات کېږي:

۱- په هغه ریوټ پورې اړوند معلومات چې د دې قانون د حکمونو مطابق باید ثبت شي، هغه شخص یا اشخاصو ته چې ریوټ د هغوي په هکله دی او یا هر بل شخص ته چې د تر لاسه کولو حق یې نلري، افشاء کړي.

۲- د ثبت او راجستر دفترونه، سندونه او سوابق چې د دې قانون د حکمونو مطابق د ساتنې ور وي، معدوم یا محوه کړي.

۳- هغه اجراآت چې د دې قانون په (۵، ۹، ۱۱ او ۱۸) مادو کې په ګوته (مشخص) شویدي، تر کاذب هویت لاندې سرته ورسوي او یا یې د تر سره کولو قصد ولري.

جرایم قابل مجازات

مادۀ چهل و هشتم:

(۱) شخص حقیقی یا حکمی ایکه مرتکب یکی از اعمال ذیل گردد، مطابق احکام مواد چهل و ششم و چهل و هفتم این قانون مجازات می گردد:

۱- معلومات مربوط به راپوری را که طبق احکام این قانون باید ثبت شود، به شخص یا اشخاصی که راپور در مورد آنان بوده و یا به هر شخص دیگری که حق دریافت آنرا ندارد، افشاء نماید.

۲- دفاتر ثبت و راجستر اسناد و سوابق را که طبق احکام این قانون قابل نگهداری باشد، معدوم و یا محو نماید.

۳- اجراآتی را که در مواد (۵،۹، ۱۱ و ۱۸) مندرج این قانون مشخص گردیده، تحت هویت کاذب انجام دهد و یا قصد انجام آنرا داشته باشد.

۴- د اړوندو تجارتي یا حرفوي فعالیتونو له املې د مالي استخباراتو د واحد د اقداماتو، پلټنې، د پیسو د تطهیر د تحقیقاتو په هکله د قانون د تطبیقوونکو مقاماتو په واسطه خبرتیا تر لاسه کړي او د اړوندو مسئولینو په واسطه د پلټنې یا تحقیقاتو له اشاعې د مخه یې عمداً هغه شخص یا اشخاصو ته چې تحقیق د هغو په برخه کې روان دی او یا هر بل شخص ته چې د دا ډول معلوماتو د تر لاسه کولو حق نلري، افشاء کړي.

۵- د دې قانون په څلور څلوېښتمه ماده کې درج شوې قبالې او سندونه لدې څخه په خبرتیا سره چې دغه ډول سندونه او معلومات تزویري دي، قضایي مقاماتو یا د قضایي ضبط واکمنو مامورینو ته واستوي او هغوی د موضوع له حقایقو څخه خبر نکړي.

۶- هغه معلومات او سندونه چې د دې قانون د حکمونو مطابق باید په محرمه توګه وساتل شي، هغه شخص ته چې د دغه ډول معلوماتو او سندونو د تر لاسه کولو حق

۴- بالاثر فعالیتهای تجارتی و یا حرفوی مربوط در مورد اقدامات واحد استخبارات مالی، تفتیش، تحقیقات تطهیر پول توسط مقامات تطبیق کنندۀ قانون آگاهی حاصل نموده و قبل از اشاعۀ اقدام تفتیش یا تحقیقات توسط مسئولین مربوطه، آنرا عمداً به شخص یا اشخاصی که تحقیق در مورد آنها جریان دارد و یا هر شخص دیگری که حق دریافت چنین معلومات را ندارد، افشاء نماید.

۵- قباله جات و اسناد مندرج مادۀ چهل و چهارم این قانون را با وصف آگاهی از اینکه چنین اسناد و معلومات تزویری بوده، به مقامات قضایی یا مامورین ذیصلاح ضبط قضایی ارسال نماید و ایشانرا از حقایق موضوع مطلع نسازد.

۶- معلومات و اسنادی را که طبق احکام این قانون باید بصورت محرم نگهداری شود، به شخصی‌که حق دریافت چنین معلومات و یا اسناد را نداشته

ونلري په يو ډول نه يو ډول اطلاع او افشاء کړي.

۷- د دې قانون په شپاړسمه ماده کې د درج شوو حکمونو مطابق، د شکمنې معاملې رپوټ عمداً اړوندو مراجعو ته خبر ورنکړي.

(۲) هغه حقيقي يا حکمي شخص چې له لاندې اعمالو څخه د يوه مرتکب شي مجرم ګڼل کېږي:

۱- د دې قانون په شپاړسمه ماده کې د درج شوې مشکوکې معاملې رپوټ وړاندې نکړي.

۲- په استوونکي پورې اړوند د وجوهو او معلوماتو له نړيوالو انتقالاتو سره په رابطه کې د دې قانون په پنځمه ماده کې له درج شوي حکم څخه سر غړونه وکړي.

۳- د دې قانون له اتمې څخه تر څوارلسمې مادې پورې له درج شوي حکم څخه سر غړونه وکړي.

(۳) د دې مادې په دوه يمه فقره کې درج د جرمونو مرتکبين په لاندې توګه مجازات کېږي:

۱- حقيقي شخص په هغه حبس چې له شپږو مياشتو څخه لږ او له يوه کال څخه زيات نه وي او يا په نقدي جريمه چې له پنځه زرو

باشد، به شکلی از اشکال اطلاع و یا افشاء نماید.

۷- عمداً راپور معاملهٔ مشکوک را طبق احکام مندرج مادهٔ شانزدهم این قانون بمراجع مربوط اطلاع ندهد.

(۲) شخص حقیقی یا حکمی ایکه مرتکب یکی از اعمال ذیل گردد، مجرم شناخته میشود:

۱- راپور معاملهٔ مشکوک مندرج مادهٔ شانزدهم این قانون را ارائه نه نماید.

۲- از حکم مندرج مادهٔ پنجم این قانون در رابطه با انتقالات بین المللی وجوه و معلومات مربوط به فرستنده، تخلف نماید.

۳- از حکم مندرج مواد هشتم الی چهاردهم این قانون تخلف نماید.

(۳) مرتکبین جرایم مندرج فقرهٔ دوم این ماده ذیلاً مجازات می‌گردد:

۱- شخص حقیقی به حبسی که از (۶) ماه کمتر و از یك سال بیشتر نباشد یا جریمهٔ نقدی ایکه از مبلغ پنجهزار افغانی کمتر و از

افغانیو څخه لږ او له پنځه ویشت زره افغانیو څخه زیاته نه وي او یا په دواړو جزاوو محکومېږي.

۲- حکمي شخصیت په هغه جریمه چې له پنځه ویشت زره افغانیو څخه لږ او له یو سلو پنځه ویشت زره افغانیو څخه زیاته نه وي محکومېږي.

(۴) هغه حقیقي یا حکمي اشخاص چې د دې مادې په (۱ او ۲) فقره کې له درج شوو جرمونو څخه د یوه مرتکب شوی وي، د حالاتو له په پام کې نیولو سره د تل لپاره یا لږ تر لږه د پنځو کلونو لپاره د هغوی د فعالیت جواز سلب کېږي.

بیست و پنج هزار افغانی بیشتر نباشد و یا هر دو جزاء محکوم می‌گردد.

۲- شخصیت حکمی به جریمه ایکه از مبلغ بیست و پنج هزار افغانی کمتر و از یکصد و بیست و پنج هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

(۴) اشخاص حقیقی یا حکمی ایکه مرتکب یکی از جرایم مندرج فقره های (۱و۲) این ماده گردیده باشند، با نظرداشت حالات طور دایم یا برای مدت حداقل پنج سال جواز فعالیت آنها سلب می‌گردد.

مشدده او مخففه احوال

نهه څلوېښتمه ماده:

(۱) که چېرې د پیسو د تطهیر جرم د جنایتکار سازمان یا د هغه حکمي شخصیت په واسطه چې د جنایتکار سازمان تر تملک یا کنترول لاندې دی صورت ومومي، د دې قانون د حکمونو مطابق په لاندې توګه مجازات کېږي:

۱- حقیقي شخص په هغه حبس چې له پنځو کلونو لږ او له

احوال مشدده و مخففه

مادۀ چهل و نهم:

(۱) هرگاه جرم تطهیر پول توسط عضو سازمان جنایتکار و یا شخصیت حکمی ایکه تحت تملك ویا کنترول سازمان جنایتکار قرار دارد، صورت گیرد، طبق احکام این قانون طور ذیل مجازات می‌گردد:

۱- شخص حقیقی به حبسی که از پنج سال کمتر و از چهارده

ځوارلسو کلونو زیات نه وي او نقدي جریمه چې له پنځوسو زرو افغانیو څخه لږ او له دوو ملیونو افغانیو څخه زیاته نه وي محکومېږي.

۲- حکمي شخص په هغه نقدي جریمه چې له دوو ملیونو افغانیو څخه لږ او له لسو ملیونو افغانیو څخه زیاته نه وي محکومېږي.

(۲) پدې قانون کې د درج شوو جرمونو د مرتکبینو په هکله د هېواد په جزایي قوانینو کې درج مخففه احوال د رعایت وړ دي.

سال بیشتر نباشد و جریمه نقدی ایکه از مبلغ پنجاه هزار افغانی کمتر و از دو ملیون افغانی بشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

۲- شخص حکمی به جریمه‌ای نقدی ایکه از مبلغ دو ملیون افغانی کمتر و از ده ملیون افغانی بشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

(۲) احوال مخففهٔ مندرج قوانین جزائی کشور در مورد مرتکبین جرایم مندرج این قانون قابل رعایت می‌باشد.

انضباطي مجازات

پنځوسمه ماده:

پر حقیقي او حکمي اشخاصو باندې د دې قانون په حکمونو کې د درج شوو مجازاتو تطبیق، د اړوندو تقنیني سندونو د حکمونو مطابق د اداري یا انضباطي مجازاتو د تطبیق مانع نه ګرځي.

مجازات انضباطی

مادهٔ پنجاهم:

تطبیق مجازات مندرج احکام این قانون بالای اشخاص حقیقی و حکمی مانع تطبیق مجازات اداری یا انضباطی طبق احکام اسناد تقنینی مربوط نمی‌گردد.

لسم فصل
د نړیوالې متقابلې همکارۍ غوښتنه

د متقابلې همکارۍ غوښتنه
یو پنځوسمه ماده:
کـه چېرې بهرنـي دولتونـه پـدې قـانون او د تروریـزم د تمویـل پـر خلاف د مبـارزې پـه قـانون کې لـه درج شوو جرمونو سره په رابطه کې د متقـابلې همکـارۍ غوښـتنه وکـړي، دغـه غوښـتنه د لاندې مـواردو پـه پـام کـې نیولـو سـره د اجراء وړ ده:
۱- د اثباتیـه مـدرکونو راټولـول او یا د ذیربطو اشخاصو د څرګندونو (اظهاراتو) اخیستل.
۲- تر څارنې یا تر توقیف لاندې اشخاصو په تسلیمۍ کې مرسته او د غوښـتونکي دولـت پـه قـضایي مقاماتو پورې په اړوندو تحقیقاتو کې د مـدرکونو د وړاندې کولـو او مرستې په منظور د نورو اشخاصو احضارول.
۳- د قضایي سندونو استول.
۴- د تلاشۍ اجراء کول او د شیانو ضبطول.

فصل دهم
درخواست همکاری متقابل بین المللی

درخواست همکاری متقابل
مادۀ پنجاه و یکم:
هرگـاه دول خـارجی در رابطـه بـا جـرایم منـدرج ایـن قـانون و قـانون مبـارزه علیـه تمویـل تروریـــزم درخواســـت همکـاری متقابـل نماینـد، ایـن درخواسـت بـا نظرداشـت مـوارد ذیـل قابـل اجـراء می‌باشد:
۱- جمع آوری مدارك اثباتیه و یا اخـذ اظهـارات از اشـخاص ذیربط.
۲- مـساعدت در تـسلیمی اشـخاص تـحت نـظارت یـا توقیف و احضار سایر اشخاص به منظـور ارایـۀ مـدارك و مساعدت در تحقیقات مربوط به مقامات قضایی دولت درخواست کننده.
۳- فرستادن اسناد قضائی.
۴- اجـرای تـلاشی و ضـبط اشیاء.

۵- د شیانو کتنه او د ځایونو (محلاتو) لیدنه.
۶- د معلوماتو او د جرم د اثباتیه مدرکونو وړاندې کول.
۷- د بانکي صورت حساب، محاسبوي سندونو او نورو هغو سندونو او سوابقو چې د شرکت د عملیاتو او یا د هغو د تجارتي فعالیتونو ښودونکي وي په ګډون، د اړوندو سندونو او سوابقو د اصل یا مصدقه کاپۍ وړاندې کول.

۵- معاینهٔ اشیاء و مشاهدهٔ محلات.
۶- ارایهٔ معلومات و مدارک اثباتیهٔ جرم.
۷- ارائه اصل یا کاپی مصدقهٔ اسناد و سوابق مربوطه، بشمول صورت حساب بانکی، اسناد محاسبوی و سایر اسناد و سوابقیکه نشان دهندهٔ عملیات شرکت یا فعالیت های تجارتی آن باشد.

د غوښتنې ردول

دوه پنځوسمه ماده:

(۱) د متقابلې همکارۍ غوښتنه په لاندې حالاتو کې رد کېږي:
۱- په هغه صورت کې چې غوښتنه د غوښتونکي هېواد د تقنیني سندونو مطابق نه وي وړاندې شوې.
۲- په هغه صورت کې چې د غوښتنې اجراء کول دهېواد دنافذو تقنیني سندونو مغایر وي، د نظم او عامه امن د ګډوډۍ موجب شي.
۳- په هغه صورت کې چې غوښتل شوی مجرم تر محاکمې لاندې وي او یا د مخه د هیواد په قلمرو کې د

رد درخواست

مادهٔ پنجاه و دوم:

(۱) درخواست همکاری متقابل در حالات آتی رد می‌گردد:
۱- در صورتی‌که درخواست مطابق به اسناد تقنینی کشور درخواست کننده ارایهٔ نگردیده باشد.
۲- در صورتی‌که اجرای درخواست، مغایر اسناد تقنینی نافذ کشور بوده، موجب اخلال نظم و امن عامه گردد.
۳- در صورتی‌که مجرم تقاضاء شده تحت محاکمه قرار داشته و یا قبلاً در مورد آن در قلمرو

هغه په هکله قضايي فيصله صادره شوې وي.

۴- په هغه صورت کې چې غوښتل شوي تدبيرونه، د هېواد د تقنيني سندونو مطابق مجاز نه وي او يا د هېواد د نافذو تقنيني سندونو د حکمونو مطابق، په غوښتنه کې پر درج شوي جرم باندې د تطبيق وړ نه وي.

۵- په هغه صورت کې چې د فيصلې د تطبيق غوښتنه، د هېواد د نافذو تقنيني سندونو مغاير وي.

۶- په هغه صورت کې چې د تدبيرونو دنيولو يا په پام وړ شخص باندې د حکم د تطبيق غوښتنه د هغه د نژادي، مذهبي، تابعيت، قومي منشاء، سياسي نظرياتو، جنس يا ټولنيز موقف د ملحوظاتو له مخې صورت موندلی وي.

۷- په هغه صورت کې چې د مجرم په عدلي تعقيب پورې اړونده غوښتنه، سياسي ماهيت او انګيزه لرلې وي.

(۲) بانکی محرميت د غوښتنې د ردولو مؤجب کيدای نشی.

(۳) څارنوالی کولای شي د غوښتنې د رد په اړه د محکمې د

کشور فیصلهٔ قضائی صادر شده باشد.

۴- در صورتی‌که تدابیر تقاضاء شده مطابق به اسناد تقنینی کشور مجاز نبوده یا طبق احکام اسناد تقنینی نافذهٔ کشور در مورد جرم مندرج درخواست، قابل تطبیق نباشد.

۵- در صورتی‌که تقاضای تطبیق فیصله مغایر اسناد تقنینی نافذ کشور باشد.

۶- در صورتی‌که تقاضای اتخاذ تدابیر یا تطبیق حکم بالای شخص مورد نظر بنابر ملحوظات نژادی، مذهبی، تابعیت، منشاء قومی، نظریات سیاسی، جنس و یا موقف اجتماعی وی، صورت گرفته باشد.

۷- در صورتی‌که تقاضای مربوط به تعقیب عدلی مجرم، ماهیت و انگیزهٔ سیاسی داشته باشد.

(۲) محرمیت بانکی موجب رد درخواست شده نمی‌تواند.

(۳) څارنوالی می‌تواند بر علیه فیصلهٔ محکمه مبنی بر رد

فیصلې پر خلاف د حکم له ابلاغ څخه تر دېرش ورځو وروسته د استیناف غوښتونکی شي.

(۴) د افغانستان دولت، د غوښتنې د رد دلایل د اړوندې مرجع له لارې په لنډ وخت کې بهرنیو دولتونو او حکومتونو ته خبر ورکوي.

درخواست الی سی روز بعد از ابلاغ حکم، طالب استیناف گردد.

(۴) دولت افغانستان دلایل رد درخواست را از طریق مراجع مربوطه به دول و حکومات خارجی به اسرع وقت اطلاع می‌دهد.

د تحقیقاتي تدبیرونو د نیولو غوښتنه

دري پنځوسمه ماده:

(۱) تحقیقاتي تدبیرونه د هېواد د نافذو تقنیني سندونو مطابق نیول کېږي.

(۲) د قضائي ضبط مامور او یا هغه شخص چې د بهرني دولت د واکمن مقام لخوا ټاکل شوی دی، کولای شي د معلوماتو د تر لاسه کولو او د تحقیقاتي تدبیرونو له اجراء څخه د اطمینان د حاصلولو په منظور په تحقیقاتو کې ګډون وکړي.

درخواست اتخاذ تدابیر تحقیقاتی

مادۀ پنجاه و سوم:

(۱) تدابیر تحقیقاتی مطابق اسناد تقنینی نافذ کشور اتخاذ می‌گردد.

(۲) مامور ضبط قضایی و یا شخصی که توسط مقام ذیصلاح دولت خارجی تعیین گردیده، می‌تواند بمنظور کسب معلومات و حصول اطمینان از اجرای تدابیر تحقیقاتی در تحقیقات اشتراک نماید.

د مؤقتو تدبیرونو لپاره غوښتنه (درخواست)

څلور پنځوسمه ماده:

(۱) محکمه مکلفه ده، د مؤقتو تدبیرونو د نیولو په اړه د بهرني دولت د واکمن مقام د غوښتنې په هکله د افغانستان د دولت د نافذو تقنیني سندونو مطابق حکم صادر کړي.

(۲) په هغه صورت کې چې له هېواده په بهر کې د صادرې شوې فیصلې د تطبیق په اړه غوښتنه محکمې ته راجع شي او د هغې تطبیق د هېواد له نافذو تقنیني سندونو سره مغایرت ولري، محکمه واک لري غوښتنه رد او له نافذو تقنیني سندونو سره په مطابقت کې غوښتل شوي ورته تدبیرونه ونیسي.

درخواست جهت اتخاذ تدابیر مؤقت

مادۀ پنجاه و چهارم:

(۱) محکمه مکلف است در مورد درخواست مقام ذیصلاح دولت خارجی مبنی بر اتخاذ تدابیر مؤقت مطابق به اسناد تقنینی نافذۀ دولت افغانستان حکم صادر نماید.

(۲) در صورتی‌که درخواست مبنی بر تطبیق فیصلۀ صادر شده در خارج کشور به محکمه راجع گردد و تطبیق آن با اسناد تقنینی نافذ کشور مغایرت داشته باشد، محکمه صلاحیت دارد درخواست را رد و تدابیر مشابه تقاضاء شده را در مطابقت به اسناد تقنینی نافذ اتخاذ نماید.

د مصادرې لپاره غوښتنه

پنځه پنځوسمه ماده:

(۱) په هغه صورت کې چې غوښتنه د وجوهو او شتمنیو د مصادرې د حکم د صادرولو په هکله وي، محکمه کولای شي د څارنوال د غوښتنې په اساس پدې برخه کې

درخواست برای مصادره

مادۀ پنجاه و پنجم:

(۱) در صورتی‌که درخواست در مورد صدور حکم مصادرۀ وجوه و دارائی ها باشد، محکمه می‌تواند به اساس مطالبۀ څارنوال در زمینه فیصله نماید. حکم مصادره

فیصله وکړي. د مصادرې په حکم کې هغه وجوه او شتمنۍ شاملېږي چې د دې قانون د حکمونو مطابق له جرم یا د جرم د ارتکاب له وسیلې څخه تر لاسه شوي عواید تشکیلوي او یا هغه وجوه او شتمنۍ چې د دې قانون او د تروریزم د تمویل په خلاف د مبارزې د قانون د حکمونو مطابق، د تروریزم د تمویل د جرم د ارتکاب لپاره تر کټې اخیستنې لاندې نیول شوي وي. د مصادرې حکم پر هغو وجوهو او شتمنیو باندې تطبیقېږي چې د افغانستان د دولت په قلمرو کې واقع وي. که چېرې د اصل وجوهو او شتمنیو حصول ممکن نه وي، محکمه د هغو د معادل مبلغ په حصول حکم صادروي.

(۲) په هغه صورت کې چې د بهرنۍ محکمې د مصادرې د حکم د تطبیق غوښتنه افغاني محکمې ته راجع شي، د افغاني محکمې حکم د هغو حقایقو پر پایلو مقید دی چې د بهرنۍ محکمې حکم د هغو په اساس رامنځته شوی دی. افغاني محکمه واک لري، د دې شامل وجوه و دارائی های می‌گردد که مطابق احکام این قانون عواید ماحصل از جرم یا وسیلۀ ارتکاب جرم را تشکیل داده و یا وجوه و دارایی های که مطابق احکام این قانون و قانون مبارزه علیه تمویل تروریزم جهت ارتکاب جرم تمویل تروریزم مورد استفاده قرار گرفته باشد. حکم مصادره بالای وجوه و دارایی‌های تطبیق می‌شود که در قلمرو دولت افغانستان واقع باشد. هرگاه حصول اصل وجوه و دارایی ها ممکن نباشد، محکمه به حصول مبلغ معادل آن حکم صادر می‌نماید.

(۲) در صورتی‌که درخواست تطبیق حکم مصادرۀ محکمۀ خارجی به محکمۀ افغانی راجع گردد، حکم محکمۀ افغانی مقید به نتایج حقایقی می‌باشد که به اساس آن حکم محکمۀ خارجی بناء یافته است. محکمۀ افغانی صلاحیت دارد در صورت تحقق

قانون په دوه پنځوسمه ماده کې د درج شوو دلایلو د یوه د تحقق په صورت کې غوښتنه رد کړي.

یکی از دلایل مندرج مادۀ پنجاه و دوم این قانون درخواست را رد نماید.

د مصادره شوو وجوهو او شتمنیو پلورل یا پرېښودل

شپږ پنځوسمه ماده:

د بهرني دولت د واکمنو مقاماتو د غوښتنې په صورت کې، د افغانستان دولت د هغو وجوهو او شتمنیو چې په قلمرو کې یې مصادره شوي دي، د پلورلو یا پرېښودلو د واک لرونکی دی، کولای شي د موافقه لیک په اساس په مصادره شویو وجوهو او شتمنیو کې شریک شي.

فروش یا واگذاری وجوه و دارایی های مصادره شده

مادۀ پنجاه و ششم:

در صورت درخواست مقامات ذیصلاح دولت خارجی، دولت افغانستان صلاحیت فروش و واگذاری وجوه و دارایی های را که در قلمرو آن مصادره شده است، دارا بوده، می‌تواند باساس موافقتنامه در وجوه و دارائی های مصادره شده شریك گردد.

یوولسم فصل
بېرته ورکول (استرداد)

فصل یازدهم
استرداد

د بېرته ورکولو غوښتنه

اووه پنځوسمه ماده:

(۱) د دې قانون په درېیمه او شپږ څلوېښتمه ماده او د تروریزم د تمویل په خلاف د مبارزې په قانون کې له درج شوو جرمونو څخه د یوه د ارتکاب په صورت کې او یا د

درخواست استرداد

مادۀ پنجاه و هفتم:

(۱) درصورت ارتکاب یکی از جرایم مندرج مواد سوم و چهل و ششم این قانون و قانون مبارزه علیه تمویل تروریزم و یا به منظور

نومورو جرمونو د مرتکبینو د مجازاتو د حکم د تطبیق په منظور، د بهرنیو هېوادونو غوښتنه د تورنو د ېپرته ورکولو (استرداد) لپاره تر اجراء لاندې نیول کېږي.

(۲) د مجرم استرداد د غوښتونکي دولت او د افغانستان د دولت تر منځ د مجرمینو د ېپرته ورکولو په موافقه لیک کې د درج شوې کړنلارې یا د هغو نړیوالو کنوانسیونونو مطابق چې د افغانستان دولت ورسره الحاق کړی، صورت مومي.

تطبیق حکم مجازات مرتکبین جرایم متذکره، تقاضای کشورهای خارجی مبنی بر استرداد متهمین مورد اجراء قرار می‌گیرد.

(۲) استرداد مجرم مطابق طرز العمل مندرج موافقت نامۀ استرداد مجرمین میان دولت درخواست کننده و دولت افغانستان یا کنوانسیونهای بین المللی که دولت افغانستان به آن الحاق نموده، صورت می‌گیرد.

احتیاطي تدبیرونه

اته پنځوسمه ماده:

که چېرې څارنوالی یې تشخیص کړي، هغه شخص چې استرداد یې غوښتل شوی دی، په افغانستان کې پاتې شي، پدې برخه کې احتیاطي تدبیرونه نیسي، محکمه واک لري چې د څارنوالی د غوښتنې په اساس د استرداد موضوع تر قضایي غور لاندې ونیسي یا د توقیف امر صادر کړي.

تدابیر احتیاطی

مادۀ پنجاه و هشتم:

هرگاه څارنوالی تشخیص دهد، شخصی‌که استرداد وی مطالبه گردیده، در افغانستان باقی بماند، در زمینه تدابیر احتیاطی را اتخاذ می‌نماید. محکمه صلاحیت دارد که باساس درخواست څارنوالی موضوع استرداد را تحت غور قضائی قرار داده یا امر توقیف را صادر نماید.

دوه ګونی مجرمیت

نهه پنځوسمه ماده:

د دې قانون او د تروریزم د تمویل پر خلاف د مبارزې د قانون د حکمونو مطابق، د مجرمینو استرداد هغه وخت صورت مینداى شي چې ارتکابی جرم د دواړو هېوادو په تقنیني سندونو کې د عدلي تعقیب وړ ګڼل شوی وي.

د اجباري ډډې کولو (امتناع) دلایل

شپېتمه ماده:

د مجرمینو استرداد په لاندې مواردو کې صورت نشي مونداى:

۱- په هغه صورت کې چې د مجرم د استرداد او مجازاتو غوښتنه د توکمیز (نژادي)، مذهبي، تابعیت، قومي منشاء، سیاسي نظریاتو، جنس، ټولنیز موقف د علتونو له مخې صورت مونډلی وي او یا یې شخصیت ته د زیان رسېدلو احتمال متصور وي.

۲- په هغه صورت کې چې د مجرم په هکله فیصله په هېواد کې شوې وي.

۳- په هغه صورت کې چې د یوه هېواد د تقنیني سندونو په موجب،

مجرمیت دوګانه

مادۀ پنجاه و نهم:

مطابق احکام این قانون و قانون مبارزه علیه تمویل تروریزم، استرداد مجرمین زمانی صورت گرفته می‌تواند که جرم ارتکابی در اسناد تقنینی هر دو کشور قابل تعقیب عدلی دانسته شده باشد.

دلایل امتناع اجباری

مادۀ ششتم:

استرداد مجرمین در موارد آتی صورت گرفته نمی‌تواند:

۱- در صورتی‌که درخواست استرداد و مجازات مجرم بنابر علل نژادی، مذهبی، تابعیت، منشاء قومی، نظریات سیاسی، جنس و موقف اجتماعی صورت گرفته یا احتمال صدمه بر شخصیت او متصور باشد.

۲- در صورتی‌که فیصله نهائی در مورد مجرم در کشور صورت گرفته باشد.

۳- در صورتی‌که بموجب اسناد تقنینی یکی از کشور ها مجرم از

مجرم د مودې (میعاد) د انقضاء او عمومي عفوی په شمول د ځینو دلایلو له مخې معاف شوی وي.

۴- په هغه صورت کې چې مجرم په غوښتنونکي هېواد کې له شکنجې او ظالمانه او غیر انساني او یا شرموونکو (توهین آمېزو) مجازاتو سره مخامخ شي او یا د نړیوال مدني او سیاسي حقوقو د میثاق د څوارلسمې مادې د حکم مطابق، د جزایي اجراآتو په موده کې ضمانت تر لاسه نکړی شي.

۵- په هغه صورت کې چې د غوښتنې وړاندې کوونکي دولت قضایي فیصلې، په غیابي توګه صورت مونډلی وي او تورن د محاکمې په هکله او یا له ځانه د دفاع لپاره د چمتووالي فرصت نه وي لرلی.

تعقیب عدلی و یا مجازات بنابر دلایلی بشمول انقضاء میعاد و عفو عمومی معاف گردیده باشد.

۴- در صورتی‌که مجرم در کشور درخواست کننده به شکنجه و مجازات ظالمانه و غیر انسانی یا توهین آمیز مواجه گردد و یا ضمانتی را در میعاد اجراآت جزایی طبق حکم مادۀ چهاردهم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی دریافت نموده نتواند.

۵- در صورتی‌که فیصلۀ قضایی دولت درخواست دهنده، غیابی صورت گرفته و متهم اطلاع قبلی در مورد محاکمه و یا فرصت آمادگی برای دفاع از خود را نداشته باشد.

د اختیاري ډډې کولو دلایل

یو شپېتمه ماده:

د مجرمینو د استرداد غوښتنه په لاندې مواردو کې ردېږي:

۱- کله چې د هېواد واکمنو مقاماتو دوی ته د قضیې له ارجاع کېدو وروسته، د مجرم په هکله

دلایل امتناع اختیاری

مادۀ شصت و یکم:

درخواست استرداد مجرمین در موارد آتی رد گردیده می‌تواند:

۱- هرگاه مقامات ذیصلاح کشور بعد از ارجاع قضیه به آنها اجراآت جزائی را در مورد متهم

جزایي اجراآت پیل او یایې پای ته رسولي وي.

۲- که چېري د هغه جرم د عدلي تعقیب په هکله چې د مجرم استرداد یې غوښتل شوی دی، په هېواد کې تر غور او څېړنې لاندې وي.

۳- که چېرې هغه جرم چې د مجرم استرداد یې غوښتل شوی دی، د دواړو هېوادو له قلمرو څخه بهر صورت مونږ دلی وي او د افغانستان په تقنیني سندونو کې په دغه ډول مواردو کې د قضاوت لپاره کوم حکم نه وي اټکل شوی.

۴- که چېرې غوښتونکي هېواد په پام کې نیولي وي، هغه شخص چې استرداد یې غوښتل شوی دی، د خپلې اختصاصي محکمې په واسطه په فوري توګه محاکمه کړي.

۵- که چېرې واکمن مقامات د جرم ماهیت او د غوښتونکي هېواد ګټو ته په کتنې سره ومومي چې د پام وړ شخص استرداد د سن، روغتیایي حالت او نورو شخصي حالاتو له نظره د بشر دوستۍ له ملاحظاتو سره په مطابقت کې آغاز و یا آنرا اختتام نه بخشیده باشند.

۲- هرگاه تعقیب عدلی در مورد جرمی که استرداد متهم آن تقاضاء گردیده، در افغانستان تحت غور و بررسی قرار داشته باشد.

۳- هرگاه جرمی که استرداد متهم آن تقاضاء گردیده، در خارج از قلمرو هر دو کشور صورت گرفته و در اسناد تقنینی افغانستان برای قضاوت در مورد چنین جرایم حکمی پیش بینی نگردیده باشد.

۴- هرگاه دولت درخواست کننده در نظر داشته باشد، شخصی را که استرداد وی مطالبه گردیده، توسط محکمهٔ اختصاصی خویش طور فوری محاکمه نماید.

۵- هرگاه مقامات ذیصلاح با مطالعهٔ ماهیت جرم و منافع کشور درخواست دهنده دریابد که استرداد شخص مورد نظر از نقطه نظر سن، حالت صحی و سایر احوال شخصی با ملاحظات بشر دوستی در مطابقت

ندی.

۶- که چېرې هغه جرم چې تورن يې غوښتل شوی دی په کلي یا قسمي توګه د هېواد په دننه کې ارتکاب شوی وي او د اړوندو تقنیني سندونو مطابق يې استرداد مجاز نه وي.

نمی‌باشد.

۶- هرگاه جرمی که متهم آن درخواست گردیده، طوری کلی یا قسمی در داخل کشور ارتکاب گردیده و مطابق اسناد تقنینی مربوط استرداد آن مجاز نباشد.

د استرداد او یا عدلي تعقیب مکلفیت

دوه شپېتمه ماده:

په هغه صورت کې چې د افغانستان دولت د تورن استردادونه مني، قضیه د عدلي تعقیب لپاره اړوندو مراجعوته ارجاع کوي.

مکلفیت استرداد و یا تعقیب عدلی

مادۀ شصت و دوم:

در صورتی‌که دولت افغانستان استرداد متهم را نپذیرد، قضیه را جهت تعقیب عدلی به مراجع مربوط ارجاع می نماید.

د وجوهو او شتمنیو پرېښودل

درې شپېتمه ماده:

(۱) په هغه صورت کې چې تورن غوښتونکي دولت ته مسترد شي، ټول هغه موجود وجوه او شتمنۍ چې د افغانستان په قلمرو کې د جرم د ارتکاب په نتیجه کې تر لاسه شوي دي، د هېواد د نافذو تقنیني سندونو مطابق او د درېیم ګړو (ثالثو) اشخاصو د حقوقو په

واگذاری وجوه و دارایی ها

مادۀ شصت و سوم:

(۱) در صورتی‌که متهم به دولت درخواست دهنده مسترد گردد، تمام وجوه و دارایی های موجود که در نتیجه ارتکاب جرم در قلمرو افغانستان حاصل گردیده، مطابق اسناد تقنینی نافذ کشور و با رعایت حقوق اشخاص ثالث نیز به

رعـایتولو سـره هـم غوښـتونکي هېواد ته پرېښودل کېږي.

(۲) که چېرې غوښتونکي هېواد تـه د مجرم د استرداد په اړه لـه توافق سره سره، د مجرم استرداد صورت ونـه مونـدلی شـي، لـه جرم څخه تر لاسـه شـوي وجـوه او شـتمنۍ، هغـه هېواد ته تسلیمېږي.

(۳) که چېرې هغه وجوه او شـتمنۍ چې د افغانسـتان پـه قلمرو کـې د ضبط او یا مصادرې وړ وي، دولت کـولای شـي هغـه پـه مؤقتـه توګـه وساتي او یا يې غوښتونکي هېواد ته تسلیم کړي.

(۴) کـه چېـرې يـې د هېـواد تقنینـي سندونه او یادثالثو اشخاصو حقوق ایجاب کړي چې مستردشوي وجوه او شتمنۍ بیا (دو باره) افغانسـتان تـه مسـترد شـي، بهرنـی هېـواد د افغانسـتان د غوښـتنې پـه صـورت کـې د جزایـي اجراآتـو لـه بشـپړېدو وروسته، یاد شوي وجوه او شتمنۍ په وړیا توګه د افغانستان دولت ته ېبرته ورګرځوي.

دولـت درخواسـت کننـده واګـذار می‌گردد.

(۲) هرگاه با وجود توافق مبنی بر استرداد مجرم به کشور درخواست دهنـده، اسـترداد مجـرم صـورت گرفته نتواند، وجوه و دارائی های حاصله از جرم بـه آن کشور تـسلیم می‌گردد.

(۳) هرگاه وجوه و دارایی های که در قلمرو افغانستان قابل ضبط یا مـصادره باشـد، دولـت مـی‌توانـد طور مؤقت آنرا نگهداری و یـا بـه کـشور درخواسـت دهنـده تـسلیم نماید.

(۴) هرگاه اسناد تقنینی کشور یـا حقوق اشخاص ثالث ایجاب نماید کـه وجـوه و دارایـی هـای مـسترد شده دوبـاره بـه افغانستان مسترد گردد، کـشور خـارجی در صـورت تقاضای افغانستان بعد از اکـمال اجـراآت جزائـی، وجـوه و دارایـی هـــای ذکـــر شـــده را بـــصورت رایگـان بـه دولـت افغانـستان بـاز می‌گرداند.

دوولسم فصل
متفرقه حکمونه

د جرم ماهیت
څلور شپېتمه ماده:
د دې قانون او دتروریزم دتمویل په خلاف دمبارزې دقانون دحکمونو مطابق د دې قانون په درېیمه ماده کې درج شوی جرم، دسیاسي ماهیت په لرونکو جرمونو، په سیاسي اړوندو جرمونو، سیاسي انګېزې اومالي جرمونو نه اطلاقېږي.

د غوښتنلیک استول
پنځه شپېتمه ماده:
(۱) د بهرنیو واکمنو مقاماتو د غوښتنلیکونو استول چې له هغو څخه هدف، د پیسو د تطهیر د جرمونو، د تروریزم د تمویل د جرمونو اثباتول، د مؤقتي تدبیرونو نیول او یا د مجرمینو استرداد وي، له دیپلوماتیکو مجاریو څخه صورت مومي.
(۲) د دې مادې په (۱) فقره کې درج شوي غوښتنلیکونه د جنایي پولیسو د نړیوالې مؤسسې

فصل دوازدهم
احکام متفرقه

ماهیت جرم
مادۀ شصت و چهارم:
مطابق احکام این قانون و قانون مبارزه علیه تمویل تروریزم، جرم مندرج مادۀ سوم این قانون به جرایم دارای ماهیت سیاسی مرتبط به جرایم سیاسی، انگیزۀ سیاسی و جرایم مالی اطلاق نمی گردد.

ارسال درخواست
مادۀ شصت و پنجم:
(۱) ارسال درخواست های مقامات ذیصلاح خارجی که هدف از آن اثبات جرایم تطهیر پول، جرایم تمویل تروریزم، اتخاذ تدابیر مؤقتی و یا استرداد مجرمین باشد، از مجاری دیپلوماتیک صورت می گیرد.
(۲) درخواست های مندرج فقرۀ (۱) این ماده در حالات عاجل از طریق مؤسسۀ بین المللی پولیس

(ICPO/Interpol) یا مستقیماً د بهرنیو مقاماتو په واسطه د افغانستان د دولت قضایي مقاماتو ته د پست له لارې یا د نورو چټکو استونو له لارو څخه چې لیکلی ربکارد یا یې معادل ولري لېږل کېدای شي، مګر پدې حالت کې له دیپلوماتیکي لارې څخه د خبرتیا تر رسېدو پورې، غوښتنلیک ته رسمي ځواب نشي وړاندې کېدای.

غوښتنلیک او ضمیمې یې د افغانستان د دولت په یوه د منلو وړ ژبو باندې د هغه له ژباړې سره یو ځای وړاندې کېږي.

جنایی (ICPO/Interpol) یا مستقیماً توسط مقامات خارجی به مقامات قضایی دولت افغانستان از طریق پست یا سایر طرق ارسال سریع که ریکارد تحریری یا معادل آنرا داشته باشد، فرستاده شده می‌تواند. مگر در این حالت الی و صول اطلاع از طریق دیپلوماتیك به درخواست، پاسخ رسمی ارائه شده نمی‌تواند.

درخواست و ضمایم توأم با ترجمۀ آن به یکی از لسان های قابل قبول دولت افغانستان ارائه می‌گردد.

د غوښتنلیک محتوي

شپږ شپېتمه ماده:

(۱) غوښتنلیک د لاندې مطالبو لرونکی وي:

۱- د غوښتونکي مقام نوم او عنوان.

۲- د هغه مقام نوم او عنوان چې ور څخه غوښتنه کېږي.

۳- په غوښتنلیک کې شامل هدف، موضوعګانې او ملاحظات.

۴- دغوښتنلیک تاییدوونکي

محتوای درخواست

مادۀ شصت و ششم:

(۱) درخواست حاوی مطالب آتی می باشد:

۱- اسم و عنوان مقام درخواست کننده.

۲- اسم و عنوان مقامیکه از آن درخواست صورت میگیرد.

۳- هدف، موضوعات و ملاحظات شامل درخواست.

۴- حقایق تائید کننده

حقایق.
۵- د پام وړ شخص د مدني حالت، تابعیت، پتې (آدرس) او شغل ټاکل.
۶- د هغو قانوني حکمونو ذکر کول چې پر اساس یې جرم اثبات شوی او د تطبیق وړ وي.
۷- د اشخاصو، وسایلو، تر لاسه شوو عوایدو او د نظر وړ وجوهو او شتمنیو د تشخیص او د پل د میندلو لپاره نور لازم معلومات.
(۲) غوښتنلیک په ځینو ټاکلو قضیو کې د لاندې مشخصاتو لرونکی هم وي:
۱- د مؤقتي تدبیرونو نیول او پدې برخه کې د هغو د څرنګوالي شرح کول.
۲- د نافذو قوانینو مطابق د قضایي ضبط مامورینو او محکمو ته د مصادرې د حکم د صادرېدو د حقایقو او دلایلو توضیح کول.
۳- د احتیاطي تدبیرونو یا د مصادرې د غوښتنو په هکله لاندې مطالب په پام کې نیول کېږي:
- د حکم او دهغو موجباتو په هکله یو تصدیق شوی نقل چې پر بنسټ یې حکم صورت مونډلی دی.

درخواست.
۵- تعیین حالت مدنی، تابعیت، آدرس و شغل شخص مورد نظر.
۶- تذکر احکام قانونی که به اساس آن جرم اثبات گردیده و قابل تطبیق باشد.
۷- سایر معلومات لازم برای تشخیص و ردیابی اشخاص، وسایل، عواید حاصله، وجوه و دارایی های مورد نظر.
(۲) درخواست در بعضی قضایای معین، حاوی مشخصات ذیل نیز می‌باشد:
۱- اتخاذ تدابیر مؤقتی و شرح چگونگی آن در زمینه.
۲- توضیح حقایق و دلایل صدور حکم مصادره به مأمورین ضبط قضایی و محاکم طبق قوانین نافذه.
۳- مطالب آتی در مورد درخواست های تدابیر احتیاطی یا مصادره مدنظر گرفته می‌شود:
- یك نقل تصدیق شدهٔ حکم و ذکر موجباتی که به اساس آن حکم صورت گرفته است.

- هغه سند چې د حکم د قطعیت تصدیقوونکی وي او په عادي توګه د استیناف غوښتنې وړ نه وي.
- د حکم د تطبیق د حدودو او د هغو ټولو (مجموعي) پیسو شرح چې استرداد یې له وجوهو او شتمنیو څخه غوښتل کېږي.
۴- د ثالثو اشخاصو د حقوقو او په وسایلو، تر لاسه شوو عوایدو، وجوهو او شتمنیو او د نظر وړ په نورو شیانو کې د هغو د طلباتو په هکله د معلوماتو حاصلول.
(۳) د تورن د محکومیت او د هغه داستردادپه صورت کې غوښتنلیک د لاندې مطالبو لرونکی هم وي:
۱- د فیصلې او نورو هغو سندونو تصدیق شوی اصل او نقل چې اړوند محکومیت او مجازات تصریح کوي.
۲- د مجازاتو او هغو حدودو مرعي الاجراء والی چې مجازات پکې د تطبیق وړ وي.

- سندیکه تصدیق کنندۀ قطعیت حکم بوده و بطور عادی قابل استیناف طلبی نباشد.
- توضیح حدود تطبیق حکم و شرح مبلغ مجموعی پولیکه استرداد آن از وجوه و دارایی ها مطالبه می گردد.
۴- حصول معلومات در مورد حقوق اشخاص ثالث و طلبات آنها در وسایل، عواید حاصله، وجوه و دارایی ها و سایر اشیای مورد نظر.
(۳) در صورت محکومیت متهم و استرداد آن درخواست دارای مطالب ذیل نیز می‌باشد:
۱- اصل و نقل تصدیق شدۀ فیصله و سایر اسنادیکه محکومیت و مجازات مربوطه را تصریح می‌نماید.
۲- مرعی الاجراء بودن مجازات و حدودیکه مجازات در آن قابل تطبیق می باشد.

د غوښتنلیک د څېړنې ډول
اووه شپېتمه ماده:
(۱) د افغانستان د دولت د بهرنیو چارو وزارت د استرداد د

طرز رسیدگی به درخواست
مادۀ شصت و هفتم:
(۱) وزارت امور خارجۀ دولت افغانستان بعد از تائید درخواست

غوښتنليک له تاييد وروسته هغه لويې څارنوالۍ ته د څېړنې لپاره راجع کوي. لويه څارنوالي موضوع د تحقيق لپاره د جرم د ارتکاب ځای، د تورن د استوګنې يا هغه ځای ته چې وجوه او شتمنۍ هلته موجودې وی، لېږي.

(۲) څارنوالۍ موضوع هغو مؤظفينو ته چې د څېړنې (تحقيق) واک لري يا واکمنې محکمې ته د احتياطي تدبيرونو د نيولو، مصادرې او يا د تورن د استرداد په منظور، راجع کوي.

(۳) د قضايي ضبط مامور چې د بهرني واکمن مقام په واسطه معرفي شوی دی، کولای شي د تحقيق او محاکمې په بهير کې ګډون وکړي.

استرداد، آنرا جهت رسیدگی به لوی څارنوالی راجع می سازد.

لوی څارنوالی موضوع را جهت تحقیق به محل ارتکاب جرم، سکونت متهم یا محلیکه وجوه و دارایی ها در آن موجود باشد، ارسال می کند.

(۲) څارنوالی موضوع را به مؤظفین حایز صلاحیت تحقیق یا محکمۀ ذیصلاح به منظور اتخاذ تدابیر احتیاطی، مصادره و یا استرداد متهم، راجع می‌سازد.

(۳) مأمور ضبط قضایی که توسط مقام ذیصلاح خارجی معرفی شده است، می تواند در جریان تحقیق و محاکمه اشتراک نماید.

اضافي معلومات

اته شپېتمه ماده:

د بهرنيو چارو وزارت د قضايي ضبط د مامورينو او هغې افغاني محکمې په غوښتنه چې قضيه ورته محول شوې ده، کولای شي له ديپلوماتيکو لارو يا مستقيماً له بهرني واکمن مقام څخه غوښتنه

معلومات اضافی

مادۀ شصت و هشتم:

وزارت امور خارجه به اثر درخواست مامورین ضبط قضایی و محکمۀ افغانی ایکه قضیه به آن محول گردیده، می‌تواند از طرق دیپلوماتیک یا مستقیماً از مقام ذیصلاح خارجی تقاضاء نماید تا

وکړي تر څو ټول اضافي معلومات د غوښتنلیک د تطبیق او یا آسانتیا لپاره برابر کړي.

تمام معلومات اضافی را برای تطبیق درخواست و یا تسهیل آن فراهم نمایند.

د محرمیت لزوم

نهه شپېتمه ماده:

که چېرې د غوښتنلیک محتوي د محرمیت ایجاب وکړي، دغه اصل رعایت کېږي، د نه امکان په صورت کې دې موضوع له لنډ وخت کې غوښتونکو مقاماتو ته خبر ورکړي.

لزوم محرمیت

مادۀ شصت و نهم:

هرگاه محتوای درخواست ایجاب محرمیت را نماید، این اصل رعایت می گردد. در صورت عدم امکان، موضوع به مقامات درخواست کننده به اسرع وقت اطلاع داده می شود.

تعویق

اویایمه ماده:

که چېرې د بهرنیو مقاماتو غوښتنلیک د څېړنو یا اجراآتو تګلوری ګډ و ډکړي، څارنوالی کولای شي د قضایي ضبط مامورینو یا محکمې ته د موضوع ارجاع کول وغندوي (تعلیق کړي) او له څرنګوالي څخه یې بې له وقفې له دیپلوماتیکو لارو غوښتنلیک ورکوونکې مرجع ته خبر ورکړي.

تعویق

مادۀ هفتادم:

هرگاه درخواست مقامات خارجی سیر تحقیقات یا اجراآت را اخلال نماید، څارنوالی می‌تواند ارجاع موضوع را به مامورین ضبط قضائی و یا محکمه به تعویق اندازد و از چگونگی آن بلا وقفه از طرق دیپلوماتیک به مقامات درخواست دهنده اطلاع دهد.

د مشروط استرداد کړنلاره

یو اویایمه ماده:

د هېواد واکمن مقامات کولای شي تورن د دې قانون او د تروریزم د تمویل په خلاف د مبارزې د قانون د حکمونو مطابق، د مؤقتې نیونې د غوښتنلیک له تر لاسه کولو وروسته استرداد کړي، پدې شرط چې هغه شخص چې استرداد یې غوښتل شوی دی، صراحتاً پر هغه موافقه وکړي.

طرز العمل استرداد مشروط

مادۀ هفتاد و یکم:

مقامات ذیصلاح کشور می‌توانند، متهم را طبق احکام این قانون و قانون مبارزه علیه تمویل تروریزم، بعد از دریافت درخواست بازداشت مؤقت استرداد نماید، مشروط بر اینکه شخصی که استردادش تقاضاء گردیده، صراحتاً به آن موافقه نماید.

له مدارکو څخه داستفادې محدودیت

دوه اویایمه ماده:

د هېواد د واکمنو مقاماتو په واسطه، له هغه څه نه پرته چې په غوښتنلیک کې مشخص شوي دي، د تحقیقاتو او یا اجراآتو لپاره د بهرنیو مقاماتو په غوښتنلیک کې له شاملو اثباتیه مدارکو څخه استفاده ممنوع ده، مګر دا چې د بهرني حکومت په مخکني رضایت یې صورت مونډلی وي.

هغه تحقیقات یا اجراآت چې د دې مادې د حکم مخالف صورت ومومي، باطل ګڼل کېږي.

محدودیت استفاده از مدارک

مادۀ هفتاد و دوم:

استفاده از مدارک اثباتیه شامل درخواست مقامات خارجی برای تحقیقات و یا اجراآت غیر از آنچه در درخواست مشخص گردیده، توسط مقامات ذیصلاح کشور ممنوع میباشد، مگر اینکه با رضایت قبلی حکومت خارجی صورت گرفته باشد.

تحقیقات یا اجراآتیکه مخالف حکم این ماده صورت گیرد، باطل شمرده می‌شود.

د لګښتونو تخصیص

دري اویایمه ماده:

د دې قانون یا د تروریزم د تمویل پر خلاف د مبارزې د قانون د غوښتنلیکونو له تطبیق څخه رامنځ ته شوي لګښتونه، د غوښتونکي هېواد په غاړه دي، مګر دا چې په دې هکله په بل ډول سره موافقې صورت موندلی وي.

تخصیص مصارف

مادۀ هفتاد و سوم:

مصارف ناشی از تطبیق درخواستهای مندرج این قانون یا قانون مبارزه علیه تمویل تروریزم بعهدۀ کشور درخواست کننده بوده، مگر اینکه در مورد طور دیگری موافقه صورت گرفته باشد.

د د افغانستان بانک په وسیله د مقرراتو وضع کول

څلور اویایمه ماده:

د د افغانستان بانک کولای شي د دې قانون د نبه تطبیق په منظور، مقررات وضع کړي.

وضع مقررات بوسیله د افغانستان بانك

مادۀ هفتاد و چهارم:

د افغانستان بانك می‌تواند به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون، مقررات را وضع نماید.

انفاذ

پنځه اویایمه ماده:

دغه قانون د توشیح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جریده کې دې خپور شي.

انفاذ

مادۀ هفتاد و پنجم:

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریدۀ رسمی نشر گردد.

قانون رسیدگی به تخلفات اطفال

د افغانستان اسلامي جمهوريت

ګڼه: (۷۶۵)
نېټه: ۱۳۸۳/۱۲/۱۹

د عدلیې وزیر محترم سرور دانش!
د اطفالو د سرغړونې د رسیدګۍ قانون چې په (۸) فصلونو او (۶۶) مادو کې د وزیرانو د عالي مجلس له خوا تصویب شوی او زموږ له لوري د ۱۳۸۳/۱۲/۱۹ نېټې د (۴۶) ګڼې فرمان په اساس منظور شوی دی، تاسې ته در واستول شو چې په رسمي جریده کې یې په خپرولو اقدام وکړئ.

حامد کرزی
د افغانستان د اسلامي جمهوريت
جمهور رئیس

جمهوری اسلامی افغانستان

شماره: (۷۶۵)
تاریخ: ۱۳۸۳/۱۲/۱۹

محترم سرور دانش وزیر عدلیه!
قانون رسیدگی به تخلفات اطفال بداخل (۸) فصل و (۶۶) ماده که از طرف مجلس عالی وزراء تصویب و از جانب ما به اساس فرمان شماره (۴۶) مؤرخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۹ منظور گردیده است، بشما ارسال شد تا به نشر آن در جریدهٔ رسمی اقدام نمائید.

حامد کرزی
رئیس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان

د اطفالو د سرغړونو د رسیدګۍ د قانون د انفاذ په باب د افغانستان د اسلامي جمهوریت د جمهور رئیس
فرمان

ګڼه: (۴۶)
نېټه: ۱۳۸۳/۱۲/۱۹

لومړۍ ماده:
د اطفالو د سرغړونو د رسیدګۍ قانون چې په (۸) فصلونو او (۶۶) مادو کې د ۱۳۸۳/۱۱/۲۶ نېټې د (۱۰)ګڼې مصوبې په اساس، د وزیرانو د عالي مجلس له خوا تصویب شوی دی، توشیح کوم.

دوه یمه ماده:
دا فرمان د توشیح له نېټې څخه نافذ او له قانون سره یوځای دې په رسمي جریده کې خپور شي.

حامد کرزی
د افغانستان د اسلامی جمهوریت جمهور رئیس

فرمان
رئیس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان در بارۀ انفاذ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال

شماره: (۴۶)
تاریخ: ۱۳۸۳/۱۲/۱۹

مادۀ اول:
قانون رسیدگی به تخلفات اطفال را که به اساس مصوبۀ شماره (۱۰) مؤرخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۶ از طرف مجلس عالی وزراء بداخل (۸) فصل و (۶۶) ماده تصویب گردیده است، توشیح می‌دارم.

مادۀ دوم:
این فرمان از تاریخ توشیح نافذ و همراه با قانون در جریدۀ رسمی نشر گردد.

حامد کرزی
رئیس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان

د اطفالو د سرغړونو د رسیدګۍ قانون لومړی فصل عمومي حکمونه

مبنی

لومړۍ ماده:

دغه قانون د اساسي قانون په څلور پنځوسمه ماده کې د درج شوو ارزښتونو د په نظر کې نیولو او د بشر د حقوقو د ملاتړ د نړېوالو کنوانسیونونو، په خاص ډول د اطفالو د ګټو له په پام کې نیولو سره، له قانون څخه د سرغړونکو اطفالو د جرمونو، له خطر سره د مخامخ اطفالو او څارنې او ساتنې ته اړو اطفالو د رسیدګۍ د ډول او د تحقیق او محاکمې په بهیر کې د هغو د حقوقو د تأمینولو په منظور وضع شوی دی.

هدفونه

دوه یمه ماده:

ددې قانون هدفونه عبارت دي له:

۱- له قانون څخه د سرغړوونکو اطفالو اصلاح کول او بیا روزل.

۲- د ټولنې په جوړولو کې د

قانون رسیدگی به تخلفات اطفال فصل اول احکام عمومی

مبنی

مادۀ اول:

این قانون با نظر داشت ارزش های مندرج مادۀ پنجاه و چهارم قانون اساسی و رعایت کنوانسیون های بین‌المللی حمایه حقوق بشر و به خصوص منافع اطفال به منظور طرز رسیدگی به جرایم اطفال متخلف از قانون، اطفال در معرض خطر و اطفال نیازمند مراقبت و حفاظت و تأمین حقوق آنها در جریان تحقیق و محاکمه وضع گردیده است.

اهداف

مادۀ دوم:

اهداف این قانون عبارت است از:

۱- اصلاح و تربیت مجدد اطفال متخلف از قانون.

۲- محترم شمردن نقش اساسی

اطفالو د بنسټیز نقش محترم ګڼل او دهغو دجسمي، اخلاقي، معنوي او ټولنیزې هوساینې څخه ملاتړ.

۳- د اطفالو د والدینو، سرپرست او قانونی وکیل د مسئولیت مشخص کول.

۴- دتحقیق په بهیر او له محاکمې څخه وروسته د طفل د حقوقو د کنوانسیون په پام کې نیول.

۵- د تحقیق او محاکمې په وخت کې د اطفالو د ویناوو او نظریو اوربدل په خپله ددوی یا ئې د قانوني ممثل لخوا.

۶- د اطفالو د سرغړونو د مخنیوي په منظور نظارت ته د غیر دولتي ټولنیزو خدمتونو د اختصاصي مؤسسو هڅول.

۷- د هغو اطفالو چې له خطر سره مخامخ وي او څارنې او ساتنې ته اړ دي، ساتل.

اطفال در اعمار جامعه و حمایت جسمی، اخلاقی، معنوی و رفاه اجتماعی آنها.

۳- مشخص نمودن مسئولیت والدین، سرپرست یا وکیل قانونی اطفال.

۴- رعایت کنوانسیون حقوق طفل در جریان تحقیق و بعد از محاکمه.

۵- استماع بیانات و نظریات اطفال حین تحقیق و محاکمه، توسط خود یا ممثل قانونی آنها.

۶- تشویق به نظارت مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی غیر دولتی به منظور جلوگیری از تخلفات اطفال.

۷- حفاظت از اطفالیکه در معرض خطر قرار داشته و نیازمند مراقبت و محافظت باشند.

د چلند ډول

درپیمه ماده:

هغه طفل چې تر تور لاندې راشي، له قانون څخه د سرغړونې مرتکب شي یا له خپل ځان څخه غیر عادي اعمال و ښیی او یا داچې ساتنې او

طرز برخورد

مادۀ سوم:

طفلیکه مورد اتهام قرارگیرد، مرتکب تخلف از قانون شود یا اعمال غیر عادی را از خود نشان دهد و یا اینکه نیازمند مراقبت و

څارنې ته اړوي، ددې قانون د حکمونو مطابق له هغه سره چلند ترسره کېږي.

حفاظت باشد، مطابق احکام این قانون با وی برخورد صورت می‌گیرد.

اصطلاح ګاني

څلورمه ماده:

په دې قانون کې لاندې اصطلاح ګاني لاندينې معناوی لري:

۱- طفل: هغه شخص چې د اتلس کلنۍ عمر ئې نه وي بشپړ کړي.

۲- غیر ممیز طفل: هغه شخص دی چې د اتلس کلنۍ سن ئې نه وي بشپړ کړی.

۳- ممیز طفل: هغه شخص دی چې د اووه کلنۍ سن ئې بشپړ او د دولس کلنۍ ئې نه وي بشپړ کړی.

۴- ځوانکی طفل: هغه شخص دی چې د دولس کلنۍ سن ئې بشپړ او د اتلس کلنۍ سن ئې نه وي بشپړ کړي.

۵- حجز: داطفالو داصلاح اوروزنې په مرکز کې دمحکوم طفل د آزادۍ له تحدیدولوڅخه عبارت دی.

۶- په کور کې حجز: په کور، خصوصي یا عمومي ځای او د

اصطلاحات

مادۀ چهارم:

اصطلاحات آتی در این قانون معانی ذیل را دارد:

۱- طفل: شخصی است که سن هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد.

۲- طفل غیر ممیز: شخصی است که سن هفت سالگی را تکمیل نکرده باشد.

۳- طفل ممیز: شخصی است که سن هفت سالگی را تکمیل و دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشد.

۴- طفل نوجوان: شخصی است که سن دوازده سالگی را تکمیل و هجده سالگی را تکمیل نه کرده باشد.

۵- حجز: عبارت است از تحدید آزادی طفل محکوم در مراکز اصلاح و تربیت اطفال.

۶- حجز در منزل: عبارت است از مقید نمودن طفل درخانه، محل

ټولنیزو خدمتونو په اختصاصي مؤسسو کې د ټاکلې مودې لپاره د طفل مقید کول دي.

۷- قانوني ممثل: د طفل له والدینو، اولیاو، اوصیاو، خپلوانو، قیم، وکیل یا قانوني سرپرست څخه عبارت دی.

خصوصی یا عمومی و یا در یکی از مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی برای مدت معیین.

۷- ممثل قانونی: عبارت است از والدین، اولیا، اوصیا، اقارب، قیم، وکیل یا سرپرست قانونی طفل.

نه مسئولیت

پنځمه ماده:

(۱) هغه شخص چې د دولس کلنۍ سن نې نه وي بشپړ کړی، د جرم د ارتکاب په صورت کې ورته جزایی مسئولیت نه راجع کیږي.

(۲) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې ارتکاب شوی جرم د والدینو د غفلت له امله وي او د مادې زیان سبب شي، والدین د هغه په جبرانولو مکلف کېږي.

عدم مسئولیت

مادۀ پنجم:

(۱) شخصی که سن دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشد، درصورت ارتکاب جرم مسئولیت جزائی به او راجع نمی شود.

(۲) هر گاه جرم مرتکبۀ مندرج فقره (۱) این ماده ناشی از غفلت والدین بوده و موجب ضرر مادی شود، والدین به جبران آن مکلف می گردند.

د سن تثبیت

شپږمه ماده:

(۱) دطفل سن دتحقیق او محاکمې په بهیر کې د هغه د تابعیت د تذکرې پربنسټ تثبیتېږي.

(۲) که چېرې طفل تذکره و نه لري یائي ظاهري حالت د تابعیت په

تثبیت سن

مادۀ ششم:

(۱) سن طفل در جریان تحقیق ومحاکمه به اساس تذکره تابعیت وی تثبیت می‌گردد.

(۲) هر گاه طفل تذکره نداشته باشد یا حالت ظاهری وی با سن

تذکره کې له درج شوي سن سره مطابقت و نه ښيي، په دي هکله د عدلي طب نظريه غوښتل کېږي.
(۳) په هغه مواردو کې چې د سن ټاکل د عدلي طب د ډاکتر يا بل طبيب د نظر پر بنسټ د قضيې د سوابقو او د طفل د ظاهري حالت سره مغاير وي، د سن د بيا ټاکنې موضوع، هغه طبي هيئت ته چې له دري تنو ډاکترانو څخه لږ نه وي، راجع کېږي.
(۴) د طفل دسن ټاکل او تثبټول د جرم د پيښېدو د نېټې په اعتبار صورت مومي.

منـدرج تـذکره تابعيـت عـدم مطابقت را نشان دهد، نظريه طب عدلی در زمينه خواسته ميشود.
(۳) در موارد يکه تعيين سن به اساس نظر داکتر طب عدلی و يا طبيب ديگر با سوابق قضيه و حـالات ظـاهری طفـل مغـاير باشد، موضـوع تعييـن مـجدد سـن بـه هيئت طبـی کـه کمتـر از سـه نفـر داکتـر نباشـد، راجع می‌گردد.
(۴) تعيين و تثبيت سن طفل به اعتبار تاريخ وقوع جرم صورت می‌گيرد.

مجازات
اوومه ماده:
د طفل مجازات حتی د اصلاح او روزنې په منظور په شديد ډول او له سپکاوي سره جواز نه لري.

مجازات
مادۀ هفتم:
مجازات طفل حتی بمنظور اصلاح و تربيت بطور شديد و حقارت آميز جواز ندارد.

د حجز د مودې حد اقل ټاکل
اتمه ماده:
دطفل حجز دهغه داصلاح اوروزنې دحل د وروستنی لارې په توګه ګڼل کېږي. محکمه د حجز د مودې په ټاکلو کې ددې قانون د حکمونو

تعيين حد اقل مدت حجز
مادۀ هشتم:
حجز طفل به عنوان آخرين راه حل اصلاح و تربيت آنها تلقی ميشود. محکمه در تعيين مدت حجز حد اقل مدت ممکنه آن را

مطابق د هغه دشوني (ممکنه) حداقل موده په پام کې نیسي.

مطابق احکام این قانون در نظر می‌گیرد.

دوه یم فصل
داطفالو دجرمونو کشف او تحقیق

فصل دوم
کشف و تحقیق جرایم اطفال

اختصاصي څارنوالي
نهمه ماده:

(۱) د اطفالو د جرمونو کشفول د پولیسو لخوا او څېړنه، تحقیق او تعقیب ئې د اطفالو د اختصاصي څارنوالی لخوا صورت مومي. پدې منظور د اطفالو اختصاصي څارنوالی په مرکز او ولایتونو کې جوړېږي.

(۲) د اطفالو اختصاصي څارنوالی د رئیس او مسلکي او اداري غړو څخه جوړه ده چې د اطفالو د اړونده جرمونو په هکله ددې قانون د حکمونو مطابق اجراآت کوي.

(۳) د اطفالو د اختصاصي څارنوالی مسلکي غړي په اړوند قانون کې ددرج شوو شرایطو دلرلو برسېره داطفالو په مسایلو کې د استعداد، مسلکي پوهې او خاصې تجربې لرونکی هم وي.

ثارنوال اختصاصی
مادۀ نهم:

(۱) کشف جرایم اطفال توسط پولیس و بررسی، تحقیق و تعقیب آن توسط ثارنوالی اختصاصی اطفال صورت میگیرد. بدین منظور ثارنوالی اختصاصی اطفال درمرکز و ولایات ایجاد می‌گردد.

(۲) ثارنوالی اختصاصی اطفال متشکل از رئیس و اعضای مسلکی و اداری میباشد که در مورد جرایم مربوط به اطفال مطابق احکام این قانون اجراآت می نمایند.

(۳) اعضای مسلکی ثارنوالی اختصاصی اطفال برعلاوه داشتن شرایط مندرج قانون مربوط دارای استعداد، آموزش مسلکی و تجربه خاص در مسایل اطفال نیز می‌باشند.

(۴) د اطفالو اختصاصي څارنوال نه شي کولای مستقیماً، د هغو اطفالو پر علیه چې د جرم مرتکب شوی وي، قانوني اقدامات پیل کړي، خو دا چې شخص یا کومه مرجع په دې هکله څارنوال ته لیکلی شکایت وړاندې کړي.

(۴) څارنوال اختصاصی اطفال نمیتواند مستقیماً اقدامات قانونی علیه اطفالیکه مرتکب جرم شده اند، آغاز نماید، مگر اینکه شخص یا مرجعی در این رابطه به څارنوال شکایت تحریری را ارایه نماید.

د نیولو حالات

لسمه ماده:

(۱)د جنحې یا جنایت د جرم د ارتکاب په هکله د علني شواهدو د موجودیت په صورت کې، پولیس واک لري چې طفل په یوله لاندې حالاتوکې و نیسي.

۱- د طفل د تیښتې د امکان په صورت کې.

۲- د جرم د اسنادو او شواهدو د له منځه تللو د خطر په صورت کې.

۳- د نوي جرم د تکرار د خطر دامکان په صورت کې.

(۲) له اتلس کلنۍ عمر څخه کم شخص ته لاس ترونی(ولچک) نه ور اچول کېږي.خو داچه د هغه د تېښتې د پېښېدو یا ځان یا نورو ته دزیان رسولو امکان موجود وي.

(۳) د اطفالو اختصاصي محکمه

حالات دستگیری

مادۀ دهم:

(۱) درصورت وجود شواهد علنی مبنی بر ارتکاب جرم جنحه یا جنایت، پولیس صلاحیت دارد طفل را در یکی از حالات ذیل دستگیر نماید:

۱- در صورت امکان خطر فرار طفل.

۲- درصورت خطر از بین رفتن اسناد و شواهد جرم.

۳- درصورت امکان خطر تکرار جرم جدید.

(۲) شخص کمتر از هجده سال دستبند (ولچک) زده نمی شوند، مگر اینکه امکان وقوع فرار یا صدمه زدن به خودشان یا دیگران موجود باشد.

(۳) محکمه اختصاصی اطفال

واک لري چې له محاکمې څخه دمخه د توقیف د حکم د صادرولو په وخت کې د طفل د توقیف کولو په عوض کې د حل نورې مناسبې لارې چارې مطالعه کړي.
(۴) تر توقیف لاندې اطفال له لویانو څخه جلا ساتل کېږي.

صلاحیت دارد، حین صدور حکم توقیف قبل از محاکمه، عوض توقیف نمودن طفل راه های حل مناسب دیگری را مطالعه نماید.
(۴) اطفال تحت توقیف جدا از بزرگسالان نگهداری می‌شوند.

د نیولو خبر

یوولسمه ماده:

(۱) پولیس مکلف دي د طفل د نیولو او د هغه د څارنې د ځای په هکله د نیولو له نېټې څخه په څلېرویشت ساعتونو کې د طفل قانوني ممثل او ټولنیزو خدمتونو اختصاصي مؤسسو ته خبر ورکړي. په نومورې موده کې د نه خبر ورکولو په صورت کې پولیس مکلف دی د موضوع لیکلي رپوټ د ځنډ (تاخیر) دلایلو له وړاندې کولو سره اړوندې څارنوالۍ ته روښانه کړي. که چېرې پولیس د دلایلو په وړاندې کولو قادر نه وي، موضوع د عدلي تعقیب وړ ګڼل کېږي.
(۲) قانوني ممثل کولای شي د طفل له نیولو څخه وروسته پرته له

اطلاع دستگیری

مادۀ یازدهم:

(۱) پولیس مکلف است موضوع دستگیری و محل مراقبت طفل را در مدت بیست و چهار ساعت از زمان دستگیری به ممثل قانونی طفل و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی اطلاع دهد، در صورت عدم اطلاع در مدت مذکور، پولیس مکلف است راپور کتبی موضوع را با ارائه دلایل تأخیر به څارنوالی مربوط توضیح نماید. هرگاه پولیس قادر به ارائه عذر معقول نباشد، موضوع قابل تعقیب عدلی پنداشته می‌شود.
(۲) ممثل قانونی میتواند بلا فاصله بعد از دستگیری طفل،

ځنډه، د ضمانت په قید سره د هغه د ایله کېدو غوښتنه وکړي. پولیس او څارنوال مکلف دي دځلېرویشت ساعتونو په موده کې د طفل د ایله کېدو د غوښتنې په هکله خپل تصمیم و نیسي او اعلام ئي کړي، د تصمیم د نه نیولو په صورت کې، قانوني ممثل کولای شي لوړ (مافوق) څارنوال ته شکایت وکړي.

(۳) څارنوال او قاضي کولای شي، طفل د ضمانت په قید سره له مالي تضمین پرته ایله کړي، خو دا چې د هغه حالت د توقیف غوښتنه وکړي.

(۴) قانوني ممثل کولای شي چې د توقیف شوي طفل ایله کېدل د ضمانت په قیدسره اویائي تمدېدول د تحقیق یامحاکمې په بهیر کې له محکمې څخه غوښتنه وکړي، په هغه صورت کې چې محکمه د طفل زیات توقیفېدل لازم و نه بولي، کولای شي چې له ضمانت څخه پرته دطفل د ایله کولو حکم صادر کړي.

رهائی وی را به قید ضمانت تقاضا نماید. پولیس و څارنوال مکلف است در مدت بیست و چهار ساعت در مورد درخواست رهائی طفل تصمیم خویش را اتخاذ و اعلام نماید. در صورت عدم اتخاذ تصمیم، ممثل قانونی می تواند، به څارنوال ما فوق شکایت نماید.

(۳) څارنوال و قاضی می‌توانند طفل را به قید ضمانت بدون تضمین مالی رها کنند، مگر اینکه حالت وی ایجاب توقیف را نماید.

(۴) ممثل قانونی میتواند رهائی طفل توقیف شده را به قید ضمانت یا تمدید آن را در طول جریان تحقیق یا محاکمه تقاضا نماید. در صورتی که محکمه توقیف بیشتر طفل را لازم نداند، میتواند حکم رهائی طفل را بدون ضمانت صادر نماید.

د ساتلو ځای
دوولسمه ماده:
نیول شوی مظنون طفل په یوه خاص ځای کې په مؤقت ډول تر توقیف لاندې نیول کېږي. د توقیف اداره مکلفه ده د تر توقیف لاندې طفل لپاره د هغه د سن او جنس د غوښتنې د په نظر کې نیولو سره ورته د ټولنیزو، روزنیزو، حرفوي، روحي او روغتیائي خدمتونو ته دلاس رسېدنې زمینه برابره کړي.

محل نگهداری
مادۀ دوازدهم:
طفل مظنون دستگیر شده در یک محل خاص مؤقتاً تحت توقیف قرار می‌گیرد. ادارۀ توقیف مکلف است برای طفل تحت توقیف زمینه دسترسی به خدمات اجتماعی، تعلیمی، حرفه ئی، روحی و صحی را با نظرداشت اقتضای سن و جنس وی مساعد سازد.

د محضر ترتیب
دیارلسمه ماده:
(۱) پولیس مکلف دي د کشف د نېټې څخه د څلېرویشت ساعتونو په موده کې هغه پانې چې د محضر او د مظنون طفل په اړوند د ټولو لازمو معلوماتو لرونکي دي، برابر او د اطفالو اختصاصي څارنوالۍ ته ئي د تحقیق د بشپړولو لپاره راجع کړي.
(۲) که چېرې د محضر او د اړوندو لازمو معلوماتو لرونکي ټولې پانې د څلېرویشت ساعتونو په موده کې بشپړې نه شي، د اطفالو اختصاصي څارنوال واک لري چې

ترتیب محضر
مادۀ سیزدهم:
(۱) پولیس مکلف است از تاریخ کشف در مدت بیست و چهار ساعت، اوراقی را که حاوی محضر و تمام معلومات لازم مربوط به طفل مظنون باشد، ترتیب و به څارنوالی اختصاصی اطفال جهت تکمیل تحقیق رجعت دهد.
(۲) در صورتی‌که اوراق حاوی محضر و تمام معلومات لازم مربوط در مدت بیست و چهار ساعت تکمیل شده نتواند، څارنوال اختصاصی اطفال

د پولیسو د لیکلې غوښتنې وروسته د پاڼو او لازمو معلوماتو د سپارلو موده د اته څلوېښت ساعتونو لپاره تمدیدېږي. همدارنګه څارنوال واک لري چې طفل د هغه قانوني ممثل ته وسپاري.

صلاحیت دارد، بعد از تقاضای کتبی پولیس میعاد تسلیمی اوراق و معلومات لازم را برای مدت چهل وهشت ساعت تمدید نماید. همچنان څارنوال صلاحیت دارد طفل را به ممثل قانونی وی تسلیم نماید.

د تحقیق د بشپړولو موده

څوارلسمه ماده:

(۱) د اطفالو اختصاصي څارنوال مکلف دی، ددوسیې د رسېدو له نېټې څخه وروسته تحقیق د یوې اونۍ په ترڅ کې بشپړ کړي. په هغه صورت کې چې تحقیق په نوموړې موده کې بشپړ نه شي، څارنوال مکلف دی چې له اړوندې محکمې څخه د نورو دریو اونیو لپاره د مودې تمدید بدل و غواړي.

د اطفالو محکمه مکلفه ده دځلېرویشتو ساعتونو په موده کې خپل تصمیم د توقیفولو یا نه توقیفولو په هکله ونیسي.

(۲) طفل یا دهغه قانوني ممثل یا مدافع وکیل کولای شي چې په هر وخت کې د محاکمې څخه دمخه د توقیف د حکم څخه محکمې ته

میعاد اکمال تحقیق

مادۀ چهار دهم:

(۱) څارنوال اختصاصی اطفال مکلف است تحقیق را بعداز مواصلت دوسیه درمدت یک هفته تکمیل نماید. درصورتیکه تحقیق درمدت مذکور تکمیل شده نتواند، څارنوال مکلف است تمدید مدت را برای سه هفته دیگر از محکمۀ مربوط مطالبه نماید.

محکمۀ اطفال مکلف است در مدت بیست و چهار ساعت تصمیم خویش را مبنی بر توقیف یا عدم آن ابلاغ نماید.

(۲) طفل یا ممثل قانونی یا وکیل مدافع وی میتواند در هر زمان از حکم توقیف قبل از محاکمه به محکمه شکایت

شکایت وکړي.

د دعوی دصورت د برابرولو موده
پنځلسمه ماده:
داطفالواختصاصی څارنوال مکلف دی چې د تحقیق له بشپړېدو او ددې قانون په اوولسمه ماده کې ددرج شوو معلوماتو د راټولولو وروسته د یوې اونۍ په موده کې د دعوی صورت برابر او رسماً ئې محکمې ته وړاندې کړي. په هغه صورت کې چې د دعوی د صورت وړاندې کول په نوموړې موده کې ممکنه نه شي، څارنوال کولای شي له اړوندې محکمې څخه د دریو اونیو لپاره د مودې تمدېدل و غواړي، په دې شرط چې طفل تر توقیف لاندې نه وي.

د دوسیې ساتل
شپاړسمه ماده:
د طفل د محاکمې لپاره د الزام د دلیلونو د نه موجودیت په صورت کې، څارنوال دوسیه ساتی او بهیر (جریان) د یوې اونۍ په موده کې، مجنی علیه او حق العبد مدعي ته ابلاغوي. حق العبد مدعي کولای

نماید.

میعاد ترتیب صورت دعوی
مادۀ پانزدهم:
څارنوال اختصاصی اطفال مکلف است، بعداز تکمیل تحقیق و جمع آوری سوابق مندرج مادۀ هفدهم این قانون در مدت یک هفته صورت دعوی را ترتیب و رسماً به محکمه ارایه نماید. درصورتیکه ارایۀ صورت دعوی در مدت متذکره ممکن نگردد، څارنوال می‌تواند از محکمه مربوط برای مدت سه هفته تقاضای تمدید را نماید، مشروط براینکه طفل تحت توقیف قرارنداشته باشد.

حفظ دوسیه
مادۀ شانزدهم:
در صورت عدم موجودیت دلایل الزام جهت محاکمه طفل، څارنوال دوسیه را حفظ و جریان را در مدت یک هفته برای مجنی علیه و مدعی حق العبد ابلاغ می نماید. مدعی حق العبد میتواند

شي دخپل زيان دجبران غوښتنليک اړوندې محکمې ته د دې برشو ورځو په موده کې وړاندې کړي.

در خواست جبران خساره خویش را به محکمه مدنی مربوط طی مدت سی روز تقدیم نماید.

د الزام د دليلونو د برابرولو لپاره معلومات

اووه لسمه ماده:

(۱) د اطفالو اختصاصي څارنوال مکلف دی د اطفالو د اړوندو جرمونو د تحقيق په وخت کې د الزام د دليلونو د برابرولو لپاره لاندې ټکې په نظر کې ونيسي:

۱- سن، د زېږېدنې ورځ، ميا شت او کال.

۲- د روحي سطحي پرمختيا.

۳- شخصيت او لياقت.

۴- د جرم د ارتکاب علتونه او انګېزې.

۵ - د جرم د ارتکاب په وخت کې د ښوونې سطح.

۶- د جرم د ارتکاب په وخت کې د ژوندانه د چاپېريال شرايط.

۷- د جرم شدت او خفت.

۸- جرمي سابقه.

۹- د جرم د راتکاب په وخت کې اوله هغه نه وروسته دسلوک ډول.

۱۰- د جرم ډول، شواهد، وسايل،

معلومات غرض تهیهٔ دلایل الزام

مادهٔ هفدهم:

(۱) څارنوال اختصاصی اطفال مکلف است حین تحقیق جرایم مربوط اطفال نکات ذیل را غرض تهیه دلایل الزام در نظر گیرد:

۱- سن، روز، ماه و سال تولد.

۲- سطح انکشاف روحی.

۳- شخصیت ولیاقت.

۴- علل و انگیزه های ارتکاب جرم.

۵- سطح تعلیمی حین ارتکاب جرم.

۶- شرایط محیط زندگی حین ارتکاب جرم.

۷- خفت وشدت جرم.

۸- سابقه جرمی.

۹- طرز سلوک حین ارتکاب جرم و بعد از آن.

۱۰- نوع، شواهد، وسائل،

قصد، زمان او مکان.
۱۱- زیانمن شخص ته د ور اووښتو زیانونو اندازه.
۱۲- د جرم د شریکانو، عاملینو او محرکینو شته والی.
۱۳- نور هغه حالتونه چې د جزاء په ټاکلو کې اغیزمن و ګڼل شي.
(۲) څارنوال مکلف دی د اطفالو د جرمونو د تحقیق او دهغو دقضیو د تثبیتولو په وخت کې له پولیسو، والدینو، مربي، ښوونکي، اهل خبره و او نورو هغو اشخاصو څخه چې د هغو په هکله خبرتیا لري، معلومات تر لاسه کړي.
(۳) څارنوال مکلف دی د تحقیق جزئیات او سوابق په محرمانه توګه وساتي، یوازې اړونده محاکم او دهغه مدافع وکیل کولای شي جرمي سوابقو ته لاس رسي ولري.

قصد، زمان و مکان جرم.
۱۱- میزان خطرات وارده به شخص متضرر.
۱۲- وجود شرکاء، عاملین و محرکین جرم.
۱۳- سایر حالاتی‌که در تعیین جزاء مؤثر پنداشته شود.
(۲) څارنوال مکلف است حین تحقیق جرایم اطفال و تثبیت قضایای آنها از پولیس، والدین، مربی، معلم، اهل خبره و سائر اشخاصی‌که راجع به آنها اطلاعات دارند، معلومات حاصل نماید.
(۳) څارنوال مکلف است سوابق و جزئیات تحقیق را به صورت محرمانه نگهداری نماید، صرف محاکم مربوط و وکیل مدافع وی می‌توانند به سوابق جرمی دسترسی داشته باشند.

اړونده مراجعو ته د تر اتلسو کلونو څخه زیات د تورن د قضیې راجع کول

اتلسمه ماده:

(۱) که چېرې د اطفالو څارنوال یا محکمې ته د تحقیق یا محاکمې له

ارجاع قضیهٔ متهم بلندتر از هجده سال به مراجع مربوط

مادهٔ هجدهم:

(۱) درصورتی‌که نزد څارنوال یا محکمهٔ اطفال بعداز شروع تحقیق

پیل څخه وروسته ثابته شي چې د تورن سن د جرم د ارتکاب په وخت کې له اتلسو کلونو څخه زیات وو، هغوی مکلف دي قضیه اړوندو مراجعو ته وسپاري.

(۲) که چېرې تورن ددې مادې په (۱) فقره کې په درج شوي تصمیم قناعت ونه لري، کولای شي له لوړو مقاماتوڅخه استیناف غوښتونکی شي، لوړمقامات موضوع د شپږمې مادې په (۳) فقره کې درج شوي طبي هیئت ته سپاري او د وروستنۍ فیصلې صادرول ځنډول کېږي. که چېرې تورن تر توقیف لاندې وي، طبي هیئت مکلف دی د یوې اونۍ مودې په ترڅ کې خپل نظر وړاندې کړي.

یا محاکمه ثابت شود که سن متهم حین ارتکاب جرم بیشتر از هجده سال بوده، آنها مکلف اند قضیه را به مراجع مربوط آن محول نماید.

(۲) در صورتی‌که متهم به تصمیم مندرج فقره (۱) این ماده قناعت نداشته باشد، می تواند به مقامات فوقانی استیناف طلب گردد، مقامات فوقانی موضوع را به هیئت طبی مندرج فقره (۳) مادۀ ششم این قانون محول نموده و صدور فیصله نهائی معطل می گردد. هرگاه متهم تحت توقیف قرارداشته باشد، هیئت طبی مکلف است در مدت یک هفته، نظر خویشرا ارائه نماید.

د ساتنې د مؤقتو تدبیرونو نیول

نولسمه ماده:

(۱) د اطفالو اختصاصي محکمه کولای شي د هغو تورنو اطفالو په هکله چې غیر عادي رفتار لري، د ځارنوال یا د هغه د قانوني ممثل په غوښتنه د ساتنې مؤقت تدبیرونه ونیسي.

(۲) په رواني ناروغیو اخته تورن

اتخاذ تدابیر مؤقت حفاظتی

مادۀ نزدهم:

(۱) محکمه اختصاصی اطفال می‌تواند، درمورد اطفال متهمیکه رفتار غیر عادی دارند، به اساس تقاضای څارنوال یا ممثل قانونی وی تدابیر مؤقت حفاظتی را اتخاذ نماید.

(۲) طفل متهم مصاب به

طفل د درملنې لپاره روانې روغتیائي مؤسسو ته ور پیژندل کېږي، په دې صورت کې په روغتیائي مؤسسه کې دهغه داوسېدو موده د طبي متخصصینو د سپارښتنې د په نظرکې نیولو سره د قاضي لخوا ټاکل کېږي.

امراض روانی، جهت تداوی به مؤسسات صحت روانی معرفی می گردد، درین صورت مدت اقامت وی در مؤسسه صحی از طرف قاضی با نظرداشت توصیه متخصصین طبی تعیین می‌شود.

قانوني ممثل ته د طفل سپارل

شلمه ماده:

(۱) د عقل او پوهې خاوند طفل چې د دولس کلنۍ سن ئې نه وي بشپړ کړی، د جنحې یا جنایت د جرم د ارتکاب په صورت کې د تحقیقاتو د بشپړولو لپاره تر حجز لاندې نه نیول کېږي، ځارنوال هغه د ځارنې لپاره قانوني ممثل یا خپلوانو ته د درجو له په پام کې نیولو او ضمانت اخیستلو سره سپارلی شي.

(۲) هغه طفل چې د دولس کلنۍ سن ئې بشپړ او د اتلس کلنۍ سن ئې نه وي بشپړ کړی، د جنحې د جرم د ارتکاب په صورت کې د تحقیقاتو د بشپړولو لپاره د اړوند ځارنوال په وړاندیز او د واکمنې محکمې له استیذان وروسته د هغه

سپردن طفل به ممثل قانونی

مادۀ بیستم:

(۱) طفل صاحب عقل و درایت که سن دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جرم جنحه یا جنایت جهت تکمیل تحقیق تحت حجز قرار داده نشده، ځارنوال وی را جهت مراقبت به ممثل قانونی یا اقارب با رعایت درجات و اخذ ضمانت سپرده می‌تواند.

(۲) طفلی‌که سن دوازده سالگی را تکمیل و هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جرم جنحه جهت تکمیل تحقیق به پیشنهاد ځارنوال مربوط بعد از استیذان محکمه ذیصلاح به ممثل

قانوني ممثل يا خپلوانو ته د درجوله په پام کې نيولو او ضمانت اخيستلوسره سپارل کېږي.

(۳) که چېرې ددې مادې په (۱ او ۲) فقرو کې درج شوي اطفال، قانوني ممثل يا خپلوان و نه لري، دساتنې لپاره د اطفالو د اصلاح او روزنې مرکزونو يا نورو ټوونيزو او روزنيزو مؤسسو ته سپارل کېږي.

(۴) هغه طفل چې د دولس کلنۍ سن يې بشپړ او د اتلس کلنۍ سن ئې نه وي بشپړ کړی، د جنايت د جرم د ارتکاب په صورت کې د تحقيق د بشپړولو لپاره د اړوندې څارنوالۍ په وړاندیز او د واکمنې محکمې په استيذان د حجز لپاره د اصلاح او روزنې مرکزونو ته سپارل کېږي.

(۵) د اطفالو څارنوال مکلف دی، ددې قانون په (۳) فقره کې د درج شوي طفل پر عليه د قانوني تصميم له نيولو دمخه موضوع د اصلاح او روزنې له مرکزونو يا د ټولنيزو خدمتونو له اختصاصي مؤسسو سره شريکه کړي.

(۶) د اطفالو د اصلاح او رزونې مرکزونه او د اړونده ټولنيزو

قانونی یا اقارب شان با رعایت درجات و اخذ ضمانت سپرده می‌شوند.

(۳) هرگاه اطفال مندرج فقره های (۱ و ۲) این ماده، ممثل قانونی یا اقارب نداشته باشند، جهت مراقبت به مراکز اصلاح وتربیت اطفال یا سائر مؤسسات آموزشی و پرورشی تسلیم داده می‌شوند.

(۴) طفلی‌که سن دوازده سالگی را تکمیل و هجده سالگی را تکمیل نکرده باشند، در صورت ارتکاب جرم جنایت جهت تکمیل تحقیق به پیشنهاد څارنوالی مربوط و استیذان محکمهٔ ذیصلاح جهت حجز به مراکز اصلاح و تربیت اطفال سپرده می‌شوند.

(۵) څارنوال اطفال مکلف است قبل از اتخاذ تصمیم قانونی علیه طفل مندرج فقره (۳) این ماده، موضوع را با مراکز اصلاح و تربیت اطفال یا مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی مربوط در میان بگذارد.

(۶) مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات

خدمتونو مؤسسې مکلفې دي چې د طفل د ژوندانه د شرایطو، رفتار او سلوک په اړه بشپړ اضافی معلومات له وړاندیزونو سره یو ځای، اړونده څارنوالۍ او محکمې ته وړاندې کړي.

اجتماعی مربوط مکلف اند، معلومات مکمل اضافی را در مورد شرایط زندگی، رفتار وسلوک طفل توأم با پیشنهادات در زمینه به څارنوالی و محکمهٔ مربوط ارائه نمایند.

روغې جوړې ته سپارښتنه او هڅول

یوویشتمه ماده:

(۱) څارنوال کولی شي د اطفالو د اصلاح او روزنې مرکزونه او د ټولنیزو خدمتونو اختصاصي مؤسسې راوبلي ترڅو د طفل قانوني ممثل او زیانمن هغې روغې جوړې ته چې د قانون خلاف نه وي، سپارښتنه وکړي او وئې هڅوي، په دې شرط چې طفل د جنحې یا جنایت د جرم مرتکب شوي نه وي.په نورو مواردو کې څارنوال مکلف دی ددې قانون د څوارلسمې مادې د حکم مطابق، تحقیق بشپړ او دوسیه اړونده محکمې ته احاله کړي.

(۲) په روغې جوړې او د غرامت په ورکړه باندې د طفل د قانوني ممثل او زیانمن د موافقې په

توصیه و تشویق به مصالحه

مادهٔ بیست و یکم:

(۱) څارنوال می‌تواند آمرین مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی را دعوت نماید تا ممثل قانونی طفل و متضرر را به مصالحه ایکه خلاف قانون نباشد، توصیه و تشویق نماید، مشروط براینکه طفل مرتکب جرم جنحه یا جنایت نگردیده باشد. درسائر موارد څارنوال مکلف است طبق حکم مادهٔ چهارد هم این قانون تحقیق را تکمیل و دوسیه را به محکمهٔ مربوط احاله نماید.

(۲) در صورت موافقت ممثل قانونی طفل و متضرر به مصالحه و پرداخت

صورت کې، څارنوال کولای شي د دوسیې په ساتلو (حفظ کولو) اقدام وکړي.

غرامت، څارنوال می‌تواند به حفظ دوسیه اقدام نماید.

د مدافع وکیل د لرلو حق

دوه ویشتمه ماده:

(۱) طفل د تحقیق او محاکمې په ټولو پړاوونو کې د مدافع وکیل دلرلو او د ژباړونکي د غوښتنې حق لري. د مدافع وکیل یا ژباړونکي د استخدامولو په هکله د طفل دوالدینو یا د هغه د قانوني ممثل د مالي توان د نه لرلو په صورت کې، د اطفالو اختصاصي محکمه د دولت په لګښت طفل ته مدافع وکیل یا ژباړونکی مؤظف کوي.

(۲) د طفل قانوني ممثل، مدافع وکیل یا ئی ژباړونکی حق لري چې د قانوني اجراآتو په ټولو پړاوونو کې چې د څارنوال یا محکمې لخوا عملي کېږي، ګډون وکړي.

(۳) د تحقیق په وخت کې د طفل د قانوني ممثل نه ګډون، د تحقیق د بهیر خنډ نه ګرځي، خو دا چې څارنوال د هغه حضور حتمي و بولي.

حق داشتن وکیل مدافع

مادۀ بیست و دوم:

(۱) طفل در تمام مراحل تحقیق و محاکمه حق داشتن وکیل مدافع و مطالبه ترجمان را دارد. در صورت عدم توانانی مالی والدین و یا ممثل قانونی طفل مبنی بر استخدام وکیل مدافع یا ترجمان، محکمۀ اختصاصی اطفال، وکیل مدافع یا ترجمان رابه مصرف دولت برای طفل مؤظف می نماید.

(۲) ممثل قانونی، وکیل مدافع یا ترجمان طفل حق دارد از کلیه مراحل اجراآت قانونی ایکه توسط څارنوال یا محکمه عملی می گردد ،آگاه و در آن اشتراک نماید.

(۳) عدم اشتراک ممثل قانونی طفل حین تحقیق، مانع جریان تحقیق نمی گردد، مگر اینکه څارنوال حضور آن را حتمی بداند.

د قانوني ممثل د شکایت څېړل
درویشتمه ماده:
د طفل قانوني ممثل حق لري د تحقیق له بهیر څخه د معلوماتو له لاس ته راوړلو وروسته، لوړ څارنوال ته شکایت وکړي. لوړ څارنوال مکلف دی، شکایت په ښېرنې توګه و څېړي او په هکله ئې تصمیم و نیسي.

د فورموراتولول
څلېریشتمه ماده:
(۱) څارنوال مکلف دی د تورن طفل د نسبتي دوسیې د بشپړولو لپاره، هغه مخصوصې فورمې چې ددې قانون په اووه لسمه ماده کې درج شوي دقیق معلومات ولري، راتولې کړي.
(۲) په هغه صورت کې چې طفل له اتلس کلنۍ څخه دلوړ سن شخص سره په ګډه دجرم مرتکب شوي وي، دهغه پرعلیه قانوني اقدامات په جلا ډول ددې قانون دحکمونو مطابق صورت مومي.

بررسی شکایت ممثل قانونی
مادۀ بیست و سوم:
ممثل قانونی طفل حق دارد بعد از حصول معلومات از جریان تحقیق، به څارنوال فوقانی شکایت نماید. څارنوال فوقانی مکلف است، شکایت را طور عاجل بررسی نموده، در مورد تصمیم مقتضی اتخاذ نماید.

جمع آوری فورم ها
مادۀ بیست و چهارم:
(۱) څارنوال مکلف است غرض تکمیل دوسیۀ نسبتی طفل متهم فورمه های مخصوصی که حاوی معلومات دقیق مندرج مادۀ هفدهم این قانون میباشد، جمع آوری نماید.
(۲) درصورتی که طفل با شخص بالاتر از هجده سال مشترکاً مرتکب جرم شده باشد، اقدامات قانونی علیه وی به صورت مجزا طبق احکام این قانون صورت می گیرد.

د طفل احضارول

پنځه ویشتمه ماده:

(۱) تـورن طفـل د تحقیـق یـا محـاکمې لپـاره د هغـه د قـانوني ممثـل لـه لارې احضارېږي په هغـه صـورت کـې چې قـانوني ممثـل د احضارولو په وخت کې له طفل سره هملاري توب (همراهي) ونه کړي. د محکمې په حکم پنځه سوه افغـانۍ جریمه کېږي.

(۲) کـه چېـري طفـل د اصـلاح او روزنـي پـه مرکزونـو کـې تر توقیـف لاندې وي، د اړتیا په صورت کې د تحقیـق د بـشپړولو یـا محـاکمې لپـاره د هغـوی جلبـول د نومـوړو مرکزونو له لارې صورت مومي.

(۳) د طفل قانوني ممثل، د اطفالو د اصـــلاح او روزنـــې او نـــورو ښـــوونیزو او روزنیـــزو مؤســـسو مـسئولین مکلـف دي، د اړتیـا پـه صـورت کې هغـه طفـل چې د دوی ترځارنې یـا توقیـف لانـدې دی، د تحقیـق یـا محـاکمې د بـشپړولو لپـاره پـه ټاکلي وخـت کـې حاضـر کړي.

احضار طفل

مادۀ بیست و پنجم:

(۱) طفـل مـتهم جهـت تحقیـق یـــا محاکمـــه از طریـــق ممثـــل قـــانونی وی احـــضار مـی‌گـردد. در صـورتی‌کـه ممثـل قـانونی طفـل را حـین احـضار همراهـی نکنـد، بـه حکـم محکمـه مبلـغ پنجـصد افغـــانی جـــریمه می گردد.

(۲) هـر گـاه طفـل درمراکـز اصـلاح وتربیت اطفال تحت توقیف باشـد، در صـورت ضـرورت جهـت اکمـال تحقیق و یـا محاکمـه جلب آنهـا از طریـق مـــراکز مـــذکور صـــورت می‌گیرد.

(۳) ممثل قانونی طفل، مسئولین مراکـز اصـلاح و تربیـت اطفـال یـا ســـائر مؤســـسات آموزشـــی و پرورشـــی مکلـــف انـــد در صـورت ضـرورت طفلیکـه تحـت مراقبـت یـا توقیـف شـان قـرار دارد، جهـت اکـمال تحقیـق یـا محاکمـه در وقـت معینـه حاضـر نمایند.

درېيم فصل
د اطفالو د محاکمې ډول

اختصاصي محکمه
شپږ ویشتمه ماده:
(۱) د اطفالو د جرمونو څېړنه د اطفالو د اختصاصي محکمې لخوا صورت مومي. په دې منظور د ولایتونو په مرکزونو کې د اطفالو اختصاصي ابتدائیه محکمې جوړېږي.
(۲) د اطفالو اختصاصی ابتدائیه محکمه له رئیس، غړو او اداري کارکوونکو څخه جوړه ده.
(۳) داطفالو د اختصاصي محکمې قاضیان د محکمو د تشکیلاتو او واکونو د قانون په حکمونو کې د درج شوو شرایطو د لرلو برسېره د اطفالو دمحاکمې پەاړونده مسایلو پورې د استعداد، مسلکي ښوونې اوخاصې تجربې لرونکي هم وي.

د څېړنې پراوونه
اووه یشتمه ماده:
د عدالت د ښه تأمین په منظور له قانون څخه د سرغړونکو اطفالو اړوندې قضایاوې، په دریو پراوونو

فصل سوم
طرز محاکمۀ اطفال

محکمۀ اختصاصی
مادۀ بیست و ششم:
(۱) رسیدگی به جرایم اطفال توسط محکمۀ اختصاصی اطفال صورت می گیرد. بدین منظور در مراکز ولایات محاکم ابتدائیۀ اختصاصی اطفال ایجاد می گردد.
(۲) محکمۀ ابتدائیه اختصاصی اطفال متشکل از رئیس، اعضاء و کارمندان اداری می‌باشد.
(۳) قضات محکمۀ اختصاصی اطفال بر علاوه داشتن شرایط مندرج در قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم دارای استعداد، آموزش مسلکی و تجربۀ خاص در مسائل مربوط به محاکمۀ اطفال نیز می‌باشند.

مراحل رسیدگی
مادۀ بیست و هفتم:
به منظور تأمین بهتر عدالت، قضایای مربوط به اطفال متخلف از قانون، درسه مرحله (ابتدائیه،

(ابتدائیه، استیناف او فرجام) کې تر رسیدګۍ لاندې نیول کېږي.

استیناف و فرجام) مورد رسیدگی قرار می گیرد.

حوزوي واک
اته ویشتمه ماده:
(۱) د اطفالو اختصاصي محکمه د اړونده ولایت د حوزې د اطفالو لخوا د ارتکاب شوي جرمونو رسیدګي کوي.
(۲) که چېرې دجرم دارتکاب ځای مشخص نه وي، موضوع دهغه محکمې لخوا چې طفل ئې په حوزه کې مېشت وي رسیدګي کېږي، د طفل داستوګنې د ځای د تثبیتېدو د نه امکان په صورت کې، موضوع د هغه محکمې لخوا چې طفل په هماغه حوزه کې نیول شوی یا توقیف شوی وي، رسیدګي کېږي.

صلاحیت حوزه وی
مادۀ بیست و هشتم:
(۱) محکمۀ اختصاصی اطفال جرایم مرتکبه توسط اطفال حوزۀ ولایت مربوط را رسیدگی می نماید.
(۲) هرگاه محل ارتکاب جرم مشخص نباشد، موضوع توسط محکمه ایکه طفل در آن حوزه اقامت دارد، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. در صورت عدم امکان تثبیت محل اقامت طفل، موضوع توسط محکمه ایکه طفل در آن حوزه دستگیر یا توقیف شده است، بررسی می گردد.

د رسیدګۍ وړ قضیې
نهه ویشتمه ماده:
د اطفالو اختصاصي محکمه ددې قانون د حکمونو مطابق لاندې قضیې چې په وړاندې ئې اقامه کېږي، رسیدګۍ کوي:
۱- د اطفالو جرمونه.
۲- د هغو اطفالو غیر عادي کړه

قضایای قابل رسیدگی
مادۀ بیست و نهم:
محکمۀ اختصاصی اطفال، قضایای ذیل را که مطابق احکام این قانون در پیشگاه آن اقامه میشود، رسیدگی می نماید:
۱- جرایم اطفال.
۲- رفتار غیر عادی اطفالیکه

وړه چې د والدینو یا هغه شخص چې پر نفس ئې ولایت لري او یا د مروجو روزنیزو تدبیرونو په نیولو سره د اصلاح وړ نه وي.
۳- د هغو اطفالو قضیې چې له خطر سره مخامخ وي او ساتنې او ملاتړ ته اړتیاو لري.

توسط والدین یا شخصی‌که بر نفس آنها حق ولایت دارند و یا با اتخاذ تدابیر مروج تربیوی، قابل اصلاح نه باشند.
۳- قضایای مربوط به اطفالیکه در معرض خطر قرار داشته و نیاز مند مواظبت و حمایت باشند.

د حکم د صادرېدو موده
دېرشمه ماده:
(۱) د اطفالو اختصاصي محکمه دوسیه د ورسېدو له نېټې څخه په دري ورځو کې مطالعه کوي. په هغه صورت کې چې په دوسیه کې نیمګړتیاوې و لیدل شي، هغه د تحقیقاتو د بشپړولو او د نیمګړتیا وو د لیرې کولو لپاره د اطفالو اختصاصي څارنوالۍ ته مستردوي. څارنوال مکلف دی، پرته له ځنډه له موضوع څخه د تورن قانونی ممثل ته خبر ورکړي.
(۲) څارنوال مکلف دی د یوې اونۍ په موده کې د دوسیې نیمګړتیاوې لیرې او دوسیه بیا اړونده محکمې ته وسپاري.
(۳) د اطفالو اختصاصي محکمه مکلفه ده د دوسیې له بیا

میعاد صدور حکم
مادۀ سی ام:
(۱) محکمۀ اختصاصی اطفال دوسیه را از تاریخ مواصلت آن در مدت سه روز مطالعه می‌نماید. در صورتی‌که نواقص در دوسیه ملاحظه گردد، آن را غرض تکمیل تحقیقات و رفع نواقص به څارنوالی اختصاصی اطفال مسترد مینماید. څارنوال مکلف است بلافاصله از موضوع به ممثل قانونی متهم اطلاع دهد.
(۲) څارنوال مکلف است طی مدت یک هفته نواقص را رفع و دوسیه را مجدداً به محکمۀ مربوط احاله نماید.
(۳) محکمۀ اختصاصی اطفال مکلف است بعد از مواصلت

رسېدو وروسته د لسو ورځو په موده کې په دې هکله خپل حکم صادر کړي.

مجدد دوسیه در مدت ده روز حکم خود را در زمینه صادر نماید.

د لااجراء دوسیو د رپوټ ورکول

یودېرشمه ماده:

د اطفالو داختصاصی محکمې قضائی هیئت یا قاضیان مکلف دي، په هرو پنځلسو ورځو کې د لا اجراء دوسیو رپوټ له دلائلو سره ئې یو ځای دمحکمې رئیس ته وړاندی کړي. دمحکمې رئیس مکلف دی پدې هکله ډېر ژر لازم تدبیرونه و نیسي.

ارایهٔ گزارش دوسیه های لا اجراء

مادهٔ سی و یکم:

هیئت قضائی یا قضات محکمهٔ اختصاصی اطفال مکلف اند در هر پانزده روز گزارش دوسیه های لااجرأ را توأم با دلایل آن به رئیس محکمه ارائه نمایند. رئیس محکمه مکلف است هرچه زودتر تدابیر لازم را در زمینه اتخاذ نماید.

د څېړنې محرم والی

دوه دېرشمه ماده:

(۱) د اطفالو د سرغړونو څېړنه په پټه (سري) توګه او د حکم ابلاغ په هر حالت کې په علني توګه صورت مومي.

(۲) د اطفالو د محاکمې د بهیر د سندونوخپرول دشاهدانو د شهادت او د اهل خبره وو د نظر په شمول په ټولنیزو رسنیو کې جواز نلري.

(۳) د طفل د شخصیت په هکله د

محرمیت رسیدگی

مادهٔ سی و دوم:

(۱) رسیدگی به تخلفات قانونی اطفال طور سری و ابلاغ حکم در هر حالت به صورت علنی صورت می‌گیرد.

(۲) نشر اسناد جریان جلسات محاکمهٔ اطفال بشمول شهادت شهود و نظر اهل خبره در رسانه های جمعی جواز ندارد.

(۳) افشای معلومات در

معلوماتو افشاء کول او یا هغه اطلاعات چې د طفل د هویت په کشف کېدو باندې منجر شي، تر هېڅ عنوان لاندې جواز نه لري.
(۴) د محاکمې د غونډې بهیر ثبت او ساتل کېږي.

مورد شخصیت طفل و یا اطلاعاتی‌که منجر به کشف هویت طفل گردد، تحت هیچ عنوان جواز ندارد.
(۴) گزارش جریان جلسهٔ محاکمه ثبت ونگهداری می‌شود.

د فیصلې ابلاغ

دري دېرشمه ماده:

(۱) د اطفالو د اختصاصي محکمې قاضیان د طفل، شاهدانو، قانوني ممثل، ژارنوال، مدافع وکیل، د ټولنیزو خدمتونو د اختصاصي مؤسسوکارکوونکو او د اهل خبره وو د نظریو له اورېدلو وروسته خپله فیصله د طفل په حضور کې ابلاغوي.
(۲) که چېرې محکمې ته ثابته شي چې د تر توقیف لاندې طفل پر علیه تورونه په ځای (وارد) نه دي، محکمه د هغه په ایله کولو باندې حکم کوي. دغه حکم د مجنی علیه او زیانمن د حق العبدي ادعا خنډ نه ګرځي. ژارنوال کولای شي د دغه حکم پر علیه د استیناف غوښتنه وکړي.
(۳) که چېرې د محاکمې په بهیر

ابلاغ فیصله

مادهٔ سی و سوم:

(۱) قضات محکمهٔ اختصاصی اطفال بعد از استماع اظهارات و استدلال طفل، شاهدان، ممثل قانونی، ژارنوال، وکیل مدافع، کارمندان مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی و نظریات اهل خبره، فیصله خویش را در حضور طفل ابلاغ می‌نماید.
(۲) هرگاه نزد محکمه ثابت گردد که اتهامات وارده علیه طفل تحت توقیف وارد نیست، محکمه به رهائی وی حکم مینماید. این حکم مانع ادعای حق العبدی مجنی علیه و متضرر نمی گردد. ژارنوال می تواند علیه این حکم استیناف خواهی نماید.
(۳) هرگاه موضوعات مورد بحث

کې د بحث وړ موضوع ګڼي طفل روحاً زیانمن کړي، محکمه د طفل په غیاب کې د محاکمې بهیر ته ادامه ورکولی شي، په دې شرط چې د محاکمې لنډ بهیر وروسته هغه ته توضیح کړي.

در جریان محاکمه، طفل را روحاً متضرر سازد، محکمه در غیاب طفل جلسهٔ محاکمه را ادامه داده میتواند، مشروط بر اینکه خلص جریان محاکمه را بعداً برای وی توضیح نماید.

د محاکمې په غونډو کې ګډون

څلور دېرشمه ماده:

(۱) طفل، قانوني ممثل، مدافع وکیل، حقوقي مساعد، شاهدان، قضائي هیئت، مجني علیه او څارنوال د محاکمې په غونډه کې ګډون کولای شي، که چېرې د قانوني ممثل حضور د طفل په مصلحت نه وي یا دمحاکمې دبهیر د اخلال موجب و ګرځي، محکمه کولای شي د محاکمې له غونډې څخه د هغه د ویستلو امر ورکړي.

(۲) محکمه کولای شي د طفل د روزنې او هوسایني په چارو کې مسلکي او اهل خبره وو اشخاصو ته اجازه ورکړي تر څو د محاکمې په غونډه کې ګډون وکړي.

(۳) محکمه نه شي کولای هېڅ شخص د طفل دروحي وضعیت د پرمختیا او د هغه د شخصیت او

اشتراک در جلسات محاکمه

مادهٔ سی و چهارم:

(۱) طفل، ممثل قانونی، وکیل مدافع، مساعد حقوقی، شاهدان، هیئت قضائی، مجنی علیه و څارنوال در جلسهٔ محاکمه شرکت کرده میتوانند. هرگاه حضور ممثل قانونی به مصلحت طفل نبوده یا موجب اخلال جریان محاکمه گردد، محکمه میتواند امر خروج وی را از جلسه محاکمه بدهد.

(۲) محکمه میتواند اشخاص مسلکی و اهل خبره در امور تربیه و رفاه طفل را غرض ریسرچ و مطالعه اجازه دهد تا در جلسه محاکمه شرکت ورزند.

(۳) محکمه نمیتواند هیچ شخص را از ادای شهادت مبنی بر ارائهٔ معلومات راجع

داستوګني د چاپېريال په هکله د معلوماتو د وړاندې کولو په اړه په محکمه کې د شهادت له ورکولو څخه منع کړي.

د تصميم نيول

پنځه دېرشمه ماده:

محکمه واک لري د تورن طفل په هکله د حالاتو د په نظر کې نيولو سره يو له لاندې تصميمونو څخه و نيسي:

۱- د ټولنيزو خدمتونو په تر سره کولو باندې مکلف کول.

۲- د ټولنيزو خدمتونو مؤسسو ته لېږل.

۳- د اخطار يي صادرول.

۴- د محاکمې ځنډول.

۵- د مجازاتو مشروط تعليقول.

۶- په کور کې حجزول.

۷- يو له والدينو يا هغه شخص ته ئې سپارل چې د هغه د سرپرستۍ حق لري.

۸- دتر حجز لاندې نيولو لپاره د اطفالو د اصلاح او روزنې مرکزونو ته لېږل.

به انکشاف وضعیت روحی طفل، شخصیت و محیط زیست وی در محکمه مانع شود.

اتخاذ تصمیم

مادۀ سی و پنجم:

محکمه صلاحیت دارد درمورد طفل متهم با نظرداشت حالات یکی از تصامیم ذیل را اتخاذ نماید:

۱- مکلف نمودن به انجام خدمات اجتماعی.

۲- فرستادن به مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی.

۳- صدور اخطاریه.

۴- تعویق محاکمه.

۵- تعلیق مشروط مجازات.

۶- حجز در منزل.

۷- تسلیم نمودن به یکی از والدین یا شخصی‌که حق سرپرستی وی را دارد.

۸- اعزام به مراکز اصلاح و تربیت اطفال غرض تحت حجز قراردادن.

د حکم صادرولو په وخت کې د معلوماتو په پام کې نیول

شپږمه ماده:

د اطفالو د اختصاصي محکمې قاضیان مکلف دي د حکم د صادرولو په وخت کې ددې قانون په اووه لسمه ماده کې درج شوي ټکي په پام کې ونیسي.

رعایت معلومات حین صدور حکم

مادۀ سی و ششم:

قضات محکمۀ اختصاصی اطفال مکلف اند حین صدور حکم نکات مندرج مادۀ هفدهم این قانون را در نظر گیرند.

د لیکلې ژمنې اخیستل

اووه دېرشمه ماده:

(۱) که چېرې طفل دمحکمې د حکم په اثر، قانوني ممثل ته وسپارل شي، هغه مکلف دی د طفل د سلوک او چلند څخه خارنه وکړي او خارنوال په دې هکله لیکلې ژمنه اخلي.

(۲) که چېرې د طفل قانوني ممثل خپلې دندې د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوې ژمنې مطابق په صحیح صورت سره تر سره نه کړي، محکمه واک لري چې بل ممثل په مؤقت ډول و ټاکي.

(۳) د دې مادې په (۱ او ۲) فقرو کې درج شوي حکمونه د طفل د اتلس کلنۍ سن په بشپړولو سره ساقطېږي.

اخذ تعهد کتبی

مادۀ سی و هفتم:

(۱) در صورتی‌که طفل بالاثر حکم محکمه به ممثل قانونی سپرده شود، وی مکلف است از حسن سلوک ورفتار طفل مراقبت نماید وخارنوال تعهد کتبی را در این زمینه اخذ می نماید.

(۲) هرگاه ممثل قانونی طفل وظایف خود را مطابق تعهد مندرج فقره (۱) این ماده بصورت درست ایفأ نه نماید، محکمه صلاحیت دارد ممثل دیگری را طور مؤقت تعیین نماید.

(۳) احکام مندرج فقره های (۱ و ۲) این ماده با تکمیل سن هجده سالگی طفل ساقط می‌گردد.

رواني روغتيائي مؤسسو ته د طفل ور پېژندل

اته دېرشمه ماده:

که چېرې طفل د قضيې دځېرنې په وخت کې غيرعادي په نظراشي، څارنوالي اومحکمه کولای شي د قرار په صادرولو هغه د تشخيص او درملنې لپاره اړوندو روانې روغتيائي مؤسسو ته وروپېژني.

معرفی طفل به مؤسسات صحت روانی

مادۀ سی و هشتم:

هرگاه طفل حین رسیدگی قضیه غیر عادی به نظر آید، څارنوالی و محکمه می‌توانند با صدور قرار، وی را جهت تشخیص و معالجه به مؤسسات مربوط صحت روانی معرفی نماید.

مجازات

نهه دېرشمه ماده:

(۱) د تورن طفل د جزا د ټاکلو په وخت کې لاندې مراتب په پام کې نيول کېږي:

۱- د هغه طفل مجازات چې د دولس کلنۍ سن ئې بشپړ او د شپاړس کلنۍ سن ئې نه وي بشپړ کړی،د عين ارتکاب شوی جرم د حد اکثر د يو پر دريېمي (۳/۱) له مجازاتو څخه چې له اتلسو کلنو زيات، اشخاصو لپاره د جزاء په قانون کې اټکل شوي دي، زياتېدی نه شي.

۲- د هغه طفل مجازات چې د شپاړس کلنۍ سن ئې بشپړ او د اتلس کلنۍ سن ئې نه وي بشپړ

مجازات

مادۀ سی و نهم:

(۱) حین تعیین جزای طفل متهم مراتب ذیل مد نظر گرفته می‌شود:

۱- مجازات طفلیکه سن دوازده سالگی را تکمیل و شانزده سالگی را تکمیل نکرده باشد، از یک سوم (۳/۱) حد اکثر مجازات که برای عین جرم ارتکاب شده توسط اشخاص بلند تر از سن هجده سالگی در قانون جزاء پیشبینی گردیده است، بیشتر بوده نمی‌تواند.

۲- مجازات طفلیکه سن شانزده سالگی را تکمیل و هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد، از نصف

کړي، د عين جرم د حداکثر د نيمائي (۲/۱) له مجازاتو څخه چې له اتلسو کلنو زيات اشخاصو لپاره د جزاء په قانون کې اټکل شوي دي، زياتېدی نه شي.

۳- طفل د دوام حبس يا اعدام په مجازاتو باندې محکومېدای نه شي.

(۲) هغه موده چې طفل ئې په توقيف کې تېروي، د محکوم بها حجز له مودې څخه کمېږي.

(۲/۱) حد اکثر مجازاتی که برای عین جرم توسط اشخاص بلند تر از سن هجده سالگی در قانون جزاء پیشبینی گردیده است، بیشتر بوده نمی‌تواند.

۳- طفل به جزای حبس دوام یا اعدام محکوم شده نمی‌تواند.

(۲) مدتی را که طفل در توقیف به سر می‌برد از مدت حجز محکوم بها کاسته می‌شود.

تعليقي او تنفيذي حجز

څلوېښتمه ماده:

(۱) که چېرې د طفل د حجز موده له دوه کلونو څخه زياته نه وي، محکمه کولای شي، د محکوم بها حجز د مودې د تېرولو لپاره، هغه د ټولنيزو خدمتونو اختصاصي مؤسسو يوې ته ئې وروپېژني. برسېره پر دې محکمه کولای شي د لاندې قيودو په يوه يا له يوه څخه په زيات هم حکم وکړي:

- په ټاکلي وخت کې استوګنه.
- د ټاکلو کارونو ترسره کول.
- ښوونه او روزنه.
- په خاصو ځايونوکې ګرځېدل را

حجز تعلیقی و تنفیذی

مادۀ چهلم:

(۱) درصورتی‌که مدت حجز طفل از دوسال بیشتر نباشد، محکمه می تواند غرض سپری نمودن مدت حجز محکوم بها، وی را به یکی از مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی معرفی نماید. علاوتاً محکمه می تواند به یکی ویا بیشتر از یکی از قیودات آتی نیز حکم نماید:

- اقامت در اوقات معینه.
- انجام کارهای معینه.
- تعلیم وتربیه.
- گشت و گذار در محلات

ګرځېدل.
- د ټولنې بیا رغونې د پروګرامونو لرونکو مؤسسو په یوه کې دنوم ثبتول.
- عذر غوښتلو ته اړ کول او د زیانمن د زیان جبرانول.
- د طفل سپارل یو له والدینو یا هغه شخص ته چې قانوناً د هغه د سرپرستۍ حق لري، په دې صورت کې محکمه د طفل دساتنې په هکله لازم هدایتونه هم صادروي، دهغو په واسطه دژمنو او وجائبودنه ترسره کولو په صورت کې، محکمه کولای شي، طفل د ټولنیزو خدمتونو اختصاصي مؤسسو یوې ته ئې تسلیم کړي.
- د نه اصلاح کېدو په صورت کې، له اصلي جزاء څخه د ډېرو شدیدو مجازاتو د ټاکلو د اخطار صادرول.
(۲) کـه چېرې طفل د داسې جرم مرتکب شوی وي چې مجازات ئې له دوه کلونو حجز مودې څخه زیات او د دریو کلونو څخه لږوي، محکمه کولای شي د هغه په تعلیقی حجز حکم ورکړي، که چېرې طفل د حکم د تنفیذ د تعلیق په موده کې د بل جرم مرتکب و نه

خاص.
- ثبت نام در یکی از مؤسسات دارای پروگرام های احیای مجدد به جامعه.
- وادار ساختن به عذر خواهی و جبران خسارۀ متضرر.
- تسلیم نمودن طفل به یکی از والدین ویا شخصی‌که قانوناً حق سرپرستی وی را دارا باشد، درین صورت محکمه هدایات لازم را مبنی بر مواظبت طفل نیز صادر می نماید، درصورت عدم ایفای تعهدات ووجایب توسط آنها محکمه می تواند طفل را به یکی از مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی تسلیم نماید.
- درصورت اصلاح ناپذیری، صدور اخطار مبنی بر تعیین مجازات شدید تر از جزای اصلی.
(۲) درصورتیکه طفل مرتکب جرمی شده باشد که مجازات آن از دو سال حجز بیشتر و از سه سال کمتر باشد، محکمه می‌تواند به حجز تعلیقی وی حکم نماید. هرگاه طفل در خلال مدت تعلیق تنفیذ حکم مرتکب جرم دیگری نگردد، آثار حکم از

ګرځي، د حکم آثار له منځه ځي او داسې ګڼل کېږي چې اصلاً حکم ندی صادر شوی.

د تعلیق د تنفیذ د حکم لغوه کول د هغې محکمې لخوا صادر ېږي چې د تعلیق دتنفیذ حکم ئې صادر کړی وي. که چېرې طفل دتعلیق د مودې تر پای ته رسېدو دمخه په یوه ډول د تعلیق د حکم شرایط نقض او بیا د جرم مرتکب شي، محکمه کولای شي چې طفل د تعلیقي حجز د مجازاتو په اوږدو کې، د خیریه کارونو د تر سره کولو لپاره دټولنیزو خدمتونو د اختصاصي مؤسسو یوې ته ئې وروپېژني.

(۳) محکمه واک لري چې د دعوي له اورېدلو وروسته، د محاکمې بهیر د طفل د شخصیت د زیاتې څېړنې لپاره وروسته کړي، د محاکمې د وروسته والي موده حداکثر د جنایت د جرم د ارتکاب په صورت کې درې کاله او د جنحې په جرم کې یو کال ده. په دې صورت کې طفل د کتنو، درملنې او ملاتړ (حمایت) لپاره د ټولنیزو خدمتونو اختصاصي مؤسسو یوې

بین رفته، چنان پنداشته می‌شود که اصلاً حکم صادر نگردیده است.

الغای حکم تعلیق تنفیذ از طرف محکمهٔ صادر می‌گردد که حکم تعلیق تنفیذ را صادر نموده است. هرگاه طفل قبل از ختم میعاد تعلیق به نحوی شرایط حکم تعلیق را نقض ومجدداً مرتکب جرم گردد، محکمه می‌تواند طفل را در طول مدت مجازات حجز تعلیقی، تحت نظارت مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی غرض انجام کارهای خیریه معرفی نماید.

(۳) محکمه صلاحیت دارد بعد از استماع دعوی، جریان محاکمه را غرض بررسی بیشتر شخصیت طفل بتعویق اندازد. حد اکثر مدت تعویق محاکمه در صورت ارتکاب جرم جنایت سه سال و در جرم جنحه یک سال می‌باشد، در این صورت طفل به یکی از مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی غرض مشاهدات، معالجه و حمایت تسلیم

ته ئې تسلیمېږي.
محکمه واک لري چې د جرم د عواقبو د اصلاح او له زیانمن یا مجني علیه سره د مصالحې د هڅولو لپاره، نوراضافي مکلفیتونه هم په خپل حکم کې تصریح کړي. د محاکمې وروسته کول د هغه د شرایطو د بیا نقضولو په صورت کې، باطلېږي.

د تعلیقي حجز موده
یوځلوېښتمه ماده:
(۱) محکمه واک لري چې تنفیذي حکم د هغه طفل په هکله چې د جنحې د جرم مرتکب ګرځېدلی وي، تریو کال او د جنایت په هکله تر دریو کلونو پورې له شرط سره یا له هغه پرته تعلیق کړي.
(۲) د تعلیق حکم د خاصو روزنیزو یا ټولنیزو خدمتونو د پروګرامونو د نشتوالي په صورت کې نه شي صادرېدلی. د تعلیق حکم د محاکمې له پای ته رسېدو دمخه صادرېږي. څارنوال کولای شي د حکم له ابلاغ وروسته د درې ورځو په موده کې، د استیناف غوښتنه وکړي او د طفل قانوني ممثل له

می‌گردد.
محکمه صلاحیت دارد جهت اصلاح عواقب جرم و تشویق به مصالحه با متضرر یا مجنی علیه، مکلفیت های اضافی را نیز در حکم خویش تصریح نماید. تعویق محاکمه در صورت نقض مکرر شرایط آن باطل می‌گردد.

مدت حجز تعلیقی
مادۀ چهل و یکم:
(۱) محکمه صلاحیت دارد حکم تنفیذی را در مورد طفلیکه مرتکب جرم جنحه گردیده، الی مدت یکسال و درمورد جنایت الی مدت سه سال با قید شرط یا بدون آن تعلیق نماید.
(۲) حکم تعلیق در صورت عدم موجودیت پروگرام های تربیوی خاص یا خدمات اجتماعی، صادر شده نمی‌تواند. حکم تعلیق قبل از ختم محاکمه صادر می‌گردد. څارنوال می‌تواند بعد از ابلاغ حکم، در مدت سه روز استیناف خواهی نموده و ممثل قانونی طفل را از

موضوع څخه خبر کړي.

استیناف غوښتنه

دوه څلوېښتمه ماده:

(۱) محکوم علیه طفل، دهغه قانوني ممثل یا څارنوال کولای شي د ابتدائیه محکمی د فیصلې پرعلیه د استیناف غوښتنه وکړي.

(۲) د استیناف غوښتنې واکمنه مرجع، د استیناف محکمې ریاست دی.

د استیناف غوښتنې غوښتنلیک د حکم د صادروونکې محکمې د تحریراتو دفتر یا د استیناف محکمې د تحریراتو دفتر ته د یوویشت ورځو په موده کې تسلیمیږي. دغه موده د لاندې حالاتو په پام کې نیولو سره محاسبه کېږي:

۱- په هغه صورت کې چې محکمې د فیصلې متن او د هغه دلایل د محاکمې د جلسې په پای او د تورن طفل یا دهغه د مدافع وکیل په حضور کې لوستلی وي.

۲- په هغه صورت کې چې محکمې د حکم د صادرېدو دلایل له حکم سره یوځای نه وي لوستلي موضوع مطلع سازد.

استیناف طلبی

مادۀ چهل و دوم:

(۱) طفل محکوم علیه، ممثل قانونی وی یا څارنوال می‌تواند علیه فیصلۀ محکمۀ ابتدائیه، استیناف طلبی نماید.

(۲) مرجع با صلاحیت استیناف خواهی، ریاست محکمه استیناف می‌باشد.

درخواست استیناف خواهی، به دفتر تحریرات محکمۀ صادر کنندۀ حکم یا به دفتر تحریرات محکمه استیناف مربوط در مدت بیست ویک روز تسلیم داده می‌شود. این مدت با در نظر داشت حالات ذیل محاسبه می‌گردد:

۱- در صورتی‌که محکمه متن فیصله و دلایل آن را در ختم جلسه محاکمه و در حضور طفل متهم و یا وکیل مدافع وی قرائت نموده باشد.

۲- در صورتی‌که محکمه دلایل اصدار حکم را با حکم یکجا قرائت نه نموده و به طفل متهم یا

او تورن طفل یا د هغه مدافع وکیل ته ئې بیا ابلاغ کړي، په دې حالت کې د پیل موده د دوه ہمې ابلاغیې له نېټې څخه محاسبه کېږي.

۳- په هغه صورت کې چې په عین فیصلې کې له یوه طفل څخه زیات محاکمه شوی وي، د مودې پیل د وروستنې ابلاغیې له نېټې څخه محاسبه کېږي.

(۳) د نه قناعت په صورت کې، طفل، د هغه قانوني ممثل یا څارنوال کولاي شي د صادرېدو له نېټې څخه د یوویشت ورځو په موده کې د اطفالو د اختصاصې محکمې د فیصلې پر علیه د استیناف غوښتنه وکړي او له موضوع څخه مقابل لوري ته خبر ورکړي.

(۴) طفل نه شي کولاي د قانوني ممثل له موافقي پرته د خپلې استیناف غوښتنې له حق څخه تیر شي.

(۵) که چیرې طفل یا د هغه قانوني ممثل د محکمې د صادري شوي فیصلې پرعلیه استیناف غوښتنه وکړي، د لوړې محکمې په فیصله کې درج شوې جزاء د ابتدائیه وکیل مدافع وی مجدداً ابلاغ نماید، در این حالت آغاز میعاد از تاریخ ابلاغیه دوم محاسبه می‌گردد.

۳- در صورتی‌که در عین فیصله بیشتر از یک طفل محاکمه گردیده باشد، آغاز میعاد از تاریخ آخرین ابلاغیه محاسبه میگردد.

(۳) در صورت عدم قناعت، طفل، ممثل قانونی وی و یا څارنوال می تواند در مدت بیست و یک روز از تاریخ صدور، علیهٔ فیصله محکمهٔ اختصاصی اطفال استیناف طلبی نموده و از موضوع جانب مقابل را مطلع سازد.

(۴) طفل نمی تواند بدون موافقت ممثل قانونی از حق استیناف خواهی انصراف ورزد.

(۵) درصورتی‌که طفل یا ممثل قانونی وی علیهٔ فیصلهٔ صادرهٔ محکمهٔ، استیناف خواهی کند، جزای مندرج فیصلهٔ محکمهٔ فوقانی شدیدتر از

محکمې له فیصلې څخه سختېدلی نه شي.
(۶) دنه قناعت په صورت کې طفل، دهغه قانوني ممثل یا څارنوال کولای شي د صادرېدوله نېټې څخه د دېرشو ورځو په موده کې د استیناف د محکمې د فیصلې پرعلیه له سترې محکمې څخه فرجام غوښتنه وکړي.د فرجام غوښتنې غوښتنلیک د حکم صادروونکې محکمې د تحریراتو دفتر یا د سترې محکمې د اړوند دیوان د تحریراتو دفتر ته تسلیم ورکول کېږي.

فیصلهٔ محکمهٔ ابتدائیه بوده نمی‌تواند.
(۶) در صورت عدم قناعت، طفل، ممثل قانونی وی یا څارنوال، می تواند در مدت سی روز از تاریخ صدور علیهٔ فیصلهٔ محکمهٔ استیناف به ستره محکمه فرجام خواهی نماید. درخواست فرجام خواهی به دفتر تحریرات محکمهٔ استیناف صادر کنندهٔ حکم یا به دفتر تحریرات دیوان مربوط ستره محکمه تسلیم داده می‌شود.

څلورم فصل
د اطفالو د اصلاح او روزنې د مرکزونو او دټولنیزو خدمتونو د اختصاصي مؤسسو دندې

فصل چهارم
وظایف مراکز اصلاح وتربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی

د رپوټ وړاندې کول

دري څلوېښتمه ماده:
د اطفالو د اصلاح او روزنې مرکزونه او د ټولنیزو خدمتونو اختصاصي مؤسسې مکلفې دي چې د دوی د ترحجز لاندې اطفالو د مجازاتو د تطبیق په وخت کې،په

ارایهٔ گزارش

مادهٔ چهل و سوم:
ادارات مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی مکلف اند، حین تطبیق مجازات اطفال تحت حجز شان، در هر

هـرو دریـو میاشـتوکې او یـا دغوښتنې پـه وخـت کـې اړونـدې څـارنوالۍ او محکمـې تـه رپـوټ وړاندې کړي. د اطفالو اختصاصي څارنـوال او قاضـي لږترلـره پـه میاشت کې یوځل د ترحجز لاندې اطفالو له ځای څخه لیدنه کوي.

سـه مـاه و یـا عندالمطالبـه بـه څـارنوالی و محکمـۀ مربـوط گـزارش ارائـه نماینـد. څارنـوال و قاضـی اختـصاصی اطفـال حـداقل مـاه یکبـار از محـل تحـت حجـز اطـفال دیدن می نماید.

د حکم له تطبیق څخه څارنه څلورڅلوېښتمه ماده:

د ټـولنیزو خـدمتونو اختـصاصي مؤسسی مکلفې دي چې د اصلاح او روزنې په مرکزونو کې د حجز د حکـم او نـورو هغـو لارښـوونو لـه تطبیـق څخـه چـې پـه دې هکلـه د محکمـې لخـوا صـادر شـوي وي، څارنـه وکـړي او د طفـل د اصـلاح کېـدو پـه هکلـه رپـوټ پـه هرودریـو میاشـتو کـې او یـا د قاضـي د دستور مطابق اړوندې محکمې تـه وړاندې کړي.

مراقبت از تطبیق حکم مادۀ چهل و چهارم:

مؤسـسات اختـصاصی خـدمات اجتمـاعی مکلـف انـد از تطبیـق حکـم حجـز در مراکـز اصـلاح و تـرتیب اطفـال و سـایر هدایاتیکـه از طـرف محکمـۀ اختـصاصی اطفـال در زمینـه صـادر گردیـده اسـت، مراقبـت نمـوده وگزارشـی مبنـی بـر اصـلاح پـذیری طفـل را درهـر سـه مـاه یـا طبـق دسـتور قاضـی، بـه محکمـۀ مربـوط ارایـه نمایند.

د اصلاحي پروګرامونو نوې کتنه پنځه څلوېښتمه ماده:

د طفـل قـانوني ممثـل، د اطفـالو د اصلاح او روزنې د مرکز رئیس یا د ټـولنیزو خـدمتونو د اختـصاصي

تجدید نظر پروگرام های اصلاحی مادۀ چهل و پنجم:

ممثـل قـانونی طفـل، رئـیس مرکـز اصـلاح و تربیـت اطـفال یـا رئـیس مؤسـسۀ اختـصاصی خـدمات

مؤسسې رئیس چې طفل ورسره ترحجز لاندې دی، کولای شي هروخت د اطفالو د اختصاصي محکمې څخه پر اصلاحي پروګرامونو یا نورو سپارښت شوو تدبیرونو باندې د نوې کتنې غوښتنه وکړي.

اجتماعی که طفل نزد آنها تحت حجز قرار دارد، می‌توانند هر زمان از محکمه اختصاصی اطفال تقاضای تجدید نظر پروگرام های اصلاحی یا تدابیر توصیه شدهٔ دیگر را نمایند.

په ترحجزلاندې ځایونوکې لیدنه
شپږم څلوېښتمه ماده:
د طفل قانوني ممثل حق لري چې له هغه سره په ترحجز لاندې ځایونو کې لیدنه وکړي، په دې شرط چې د هغه ځایونو مقررات رعایت شي.

ملاقات در محلات تحت حجز
مادهٔ چهل و ششم:
ممثل قانونی طفل حق دارد وی را درمحلات تحت حجز ملاقات نماید، مشروط براینکه مقررات آن محلات رعایت گردد.

پنځم فصل
د غیرعادي چلند او سلوک لرونکو اطفالو سره د چلند ډول

فصل پنجم
طرز برخورد با اطفال دارای روش و سلوک غیر عادی

د حقایقو وړاندې کول
اووه څلوېښتمه ماده:
(۱) که چېرې طفل غیرعادي چلند له ځانه وښیي، د اطفالو اختصاصي څارنوال یا د ټولنیزو خدمتونو اختصاصي مؤسسې کولای شي د موضوع حقایق اړوندې محکمې ته وړاندې

ارایهٔ حقایق
مادهٔ چهل و هفتم:
(۱) هرگاه طفل رفتار غیر عادی از خود نشان بدهد، څارنوال اختصاصی اطفال، ممثل قانونی یا مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی می‌توانند حقایق موضوع را به محکمهٔ مربوط ارائه

کړي.
(۲) د اطفالو اختصاصي محکمه ددې مادې د(۱) فقرې د حکم له په پام کې نیولو سره، د طفل د شخصیت په هکله معلومات ددې قانون په اووه لسمه ماده کې ددرج شوو اړوندو معلوماتو په ګډون، بشپړوي او یو له لاندې تصمیمونو څخه نیسي:
۱- د ټولنیزو خدمتونو د اختصاصي مؤسسې په یوې کې د هغه د تسلیمولو په هکله د هدایت صادرول.
۲- د دولتي روزنیزو یا روغتیائي مؤسسو په یوه کې د هغه د شاملولو په هکله د هدایت صادرول.

نمایند.
(۲) محکمهٔ اختصاصی اطفال با رعایت حکم فقره (۱) این ماده معلومات لازم به شمول معلومات مربوط مندرج مادهٔ هفدهم این قانون را در مورد شخصیت طفل تکمیل نموده ویکی از تصامیم ذیل را اتخاذ می نماید:
۱- صدور هدایت مبنی بر تسلیم نمودن وی در یکی از مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی.
۲- صدور هدایت مبنی بر شامل نمودن وی در یکی از مؤسسات تربیوی یا صحی دولتی.

د محکمې تصمیم
اته څلوېښتمه ماده:
(۱) د اطفالو د اختصاصي محکمې قضائي هیئت ددې قانون د اووه څلوېښتمې مادې په (۲) فقره کې درج شوي تصمیمونه د طفل یا د هغه د قانوني ممثل په حضور کې د څارنوال د نظر له په پام کې نیولو سره په سري جلسې

تصمیم محکمه
مادهٔ چهل و هشتم:
(۱) هیئت قضائی محکمهٔ اختصاصی اطفال تصامیم مندرج فقره (۲) مادهٔ چهل و هفتم این قانون را با حضور داشت طفل یا ممثل قانونی وی بانظرداشت نظر څارنوال در جلسهٔ سری اتخاذ

کې نیسي.
(۲) کـه چېـرې محکمـه د ټـولنیزو خـدمتونو د اختـصاصي مؤسـسو یوې ته د طفل د تسلیمولوپه هکله تصمیم ونیسي، په دې صورت کې د طفل د ښوونې، مسلکي روزنې، استخدام، د بیکارۍ په ساحو کې د بوختیـا او روغتیـایي درملنې د جزئیـاتو او شـرایطو شـرح هـم پـه تصمیم کې په پام کې نیول کېږي.
(۳) د اطفـالو د ټـولنیزو خـدمتونو اختـصاصي مؤسسه مکلفه ده چې د طفـل د سـلوک او چلنـد څارنـه وکـړي او ټولنیز عـادي ژوندانـه تـه دطفل د بیاورتګ په منظور لازمې آسـانتیاوې برابـرې کـړي او پـه دې هکلـه د طفـل لـه کـورنۍ سـره دوامداره تماسونه تأمین کړي او له موضوع څخه اړوندې محکمې ته د طفل د اصلاح کېدو او د سپارښت شـوو دسـتورونو د تطبیـق پـه اړه وخت په وخت رپوټ وړاندې کړي.
(۴) د ټولنیزو خدمتونو اختصاصي مؤسسه کولای شي، لازمې نظریي او وړاندیزونـه د محکمـې پـه حکـم کې د جزئي تعدیلاتو د راوستلو په هکله چې د طفل په اصلاح کېدو

می‌نماید.
(۲) هرگاه محکمه تصمیم مبنی بر تسلیم نمودن طفل را بـه یکی از مؤسـسات اختـصاصی خـدمات اجتمـاعی اتخـاذ نمایـد، در ایـن صـورت شـرح جزئیـات و شـرایط تعلیم، تربیـه مسلکی، استخدام، مـشغولیت در سـاحات بیکـاری وتداوی صحی طفل نیز در تصمیم مد نظر گرفته می‌شود.
(۳) مؤسسه اختـصاصی خدمات اجتمـاعی مکلـف اسـت سـلوک ورفتـــار طفـــل را مراقبـــت و تـسهیلات لازم را بـــه بمنظـــور برگشت طفـل بـه زنـدگی عـادی اجتماعی فراهم نموده و درزمینه تماس های دوامدار را با فامیل طفـل تـأمین و از موضـوع وقتـاً فوقتـاً گزارشـی مبنـی براصـلاح پـذیری طفـل و تطبیـق دسـاتیر توصیه شده را بـه محکمۀ مربوط ارائه نماید.
(۴) مؤسسه اختـصاصی خـدمات اجتمـاعی مـی‌توانـد نظریـات و پیشنهادات لازم مبنی برتعدیلات جزئـی در حکـم محکمـه کـه در اصـلاح پـذیری و بازگـشت

او ټولنې ته په بیا ورتګ کې اغیزمن واقع شي، محکمې ته وړاندې کړي.

مجدد طفل به جامعه مؤثر واقع گردد، به محکمه ارائه نماید.

د آسانتیا وو برابرول

نهه څلوېښتمه ماده:

(۱) د ټولنیزو خدمتونو اختصاصي مؤسسه مکلفه ده چې له کورنۍ او چاپېریال سره ئې د طفل د لیدنو کتنو لپاره لازمې آسانتیاوې برابرې کړي.

(۲) د ټولنیزو خدمتونو اختصاصي مؤسسه مکلفه ده چې د طفل په هکله د محکمې د سپارښت شوو دستورونو له تطبیقېدو څخه ځارنه وکړي او په هره میاشت یا د غوښتنې په وخت کې د اطفالو اختصاصي محکمې ته رپوټ وړاندې کړي.

فراهم آوری تسهیلات

مادۀ چهل و نهم:

(۱) مؤسسه اختصاصی خدمات اجتماعی مکلف است تسهیلات لازم را جهت ملاقات طفل با خانواده و محیط اش فراهم نماید.

(۲) مؤسسه اختصاصی خدمات اجتماعی مکلف است از تطبیق دساتیر توصیه شدۀ محکمه در مورد طفل مراقبت نموده و در هر ماه یا عندالمطالبه گزارشی را به محکمۀ اختصاصی اطفال ارائه نماید.

د حکم تعدیل

پنځوسمه ماده:

د اطفالو اختصاصي محکمه واک لري چې د طفل د ګټو د ساتنې په منظور د هغه د روزنې او ټولنې ته د بیا ورتګ په هکله عندالاقتضا، خپل حکم تعدیل

تعدیل حکم

مادۀ پنجاهم:

محکمۀ اختصاصی اطفال صلاحیت دارد به منظور حفظ منافع طفل مبنی بر تربیه و بازگشت مجدد آن به جامعه حکم خویش را عندالاقتضأ تعدیل

کړي.

د طفل د ساتنې لګښتونه

یو پنځوسمه ماده:

د ټولنیزو خدمتونو په اختصاصي مؤسسو یا روزنیزو او روغتیائې مؤسسو کې د طفل د استوګنې لګښتونه، د هغه د قانوني ممثل په غاړه وي. که چېرې قانوني ممثل د هغه د ورکړې توان و نه لري، دغه لګښتونه د دولت د بودجې څخه تمویلېږي.

شپږم فصل

ځارنې او ساتنې اړو اطفالو ته مرسته او هغوی ته د رسیدګۍ ډول

ځارنې او ساتنې ته اړ طفل

دوه پنځوسمه ماده:

(۱) ځارنې او ساتنې ته اړ طفل هغه شخص دی چې:

۱- د هغه جسمي، روحي، عاطفي او ساتنیز(حفاظتی) سلامتیا له خطر سره مخامخ وي.

۲- د هغه ښوونیزې ګټې او شرایط له خطر سره مخامخ شوې وي.

۳- د لوړ عمر لرونکي یا هغه

نماید.

مصارف نگهداری طفل

مادۀ پنجاه و یکم:

مصارف طفل حین اقامت در مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی یا مؤسسات تربیوی یا صحی بدوش ممثل قانونی وی می‌باشد. درصورتی‌که ممثل قانونی توانائی پرداخت آنرا نداشته باشد، این مصارف از بودجه دولت تمویل می‌گردد.

فصل ششم

کمك به اطفال نیازمند مراقبت و حفاظت و طرز رسیدگی به آن

طفل نیازمندبه مراقبت و حفاظت

مادۀ پنجاه و دوم:

(۱) طفل نیازمند به مراقبت و حفاظت‌عبارت ازشخصی‌است که:

۱- سلامت جسمی، روحی، عاطفی و حفاظتی وی درمعرض خطر قرار داشته باشد.

۲- منافع و شرایط تعلیمی وی مورد مخاطره قرار گرفته باشد.

۳- مورد تجاوز کلان سال و

شخص چې پرې تسلط لري ترتېري لاندې راغلی وي.
۴- والـــدينو، هغـــه پرېيـــښې وي.
(۲) د اطفالو اختصاصي محکمه د طفل، قانوني ممثل، څارنوال يا نورو واکمنو مراجعو د غوښتنې په صورت کې کولای شي، ددې مادې د (۱) فقرې په درج شوو حالاتو کې لازم تصميمونه ونيسي.

د اظهاراتو اورېدل
دري پنځوسمه ماده
(۱) د اطفالو اختصاصي محکمه د طفل ويناوې (اظهارات) اوري، خو دا چـې قـضائي جلـسه د سـن، روغتيا او عقلي پياوړتيا له امله د طفل روحي يا جسمي وضعيت ته د زيان رسولو موجب وګرځي.
(۲) د اطفالو اختصاصي محکمه د طفـل د قـانوني ممثـل اظهـارات اوري او هغـه تـر غـور لانـدې نيسي.
(۳) قـانوني ممثـل کـولای شـي لـه اړونـدې محکمـې څخـه غوښـتنه وکـړي چې د متخصـصينو او اهـل خبره وو له نظريو څخه د هغه طفل

یاشخـصی‌کـه بـالای وی تـسلط دارد، قرار گرفته باشد.
۴- والـدین، وی رارهـا نمـوده باشد.
(۲) محکمهٔ اختصاصی اطـفال در صـورت درخواسـت طفـل، ممثـل قـانونی، ثارنـوال یـا سـایر مراجع بـا صـلاحیت مـی‌توانـد در مـوارد مندرج فقره (۱) این مـاده تصامیم لازم را اتخاذ نماید.

استماع اظهارات
مادهٔ پنجاه و سوم:
(۱) محکمـهٔ اختـصاصی اطـفال اظهـارات طفـل را اسـتماع مـی نمایـد، مگر اینکه جلسهٔ قضائی موجب ضرر بـه وضعیت روحی یـا جسمی طفل از لحاظ سن، صحت و یا توانائی عقلانی وی گردد.
(۲) محکمـهٔ اختـصاصی اطـفال اظهـارات ممثـل قـانونی طفـل را اسـتماع و آنـرا مـورد غـور قـرار می‌دهد.
(۳) ممثـل قـانونی مـی‌توانـد از محکمهٔ مربوط تقاضا نماید تـا از نظریـات متخصـصین و اهـل خبـره راجـع بـه طفلـی‌کـه مـورد

په اړه چې تر جنسي، فزيکي يا روحي تېري لاندې راغلی وي، ګټه واخلي.

(۴) د اطفالو اختصاصي محکمه کولای شي چې متخصصين او اهل خبره د طفل د وضعيت په هکله معلوماتو د وړاندې کولو لپاره محکمې ته احضار کړي.

تجاوز جنسی، فزیکی یا روحی قرار گرفته است، استفاده نماید.

(۴) محکمه اختصاصی اطفال می‌تواند متخصصین و اهل خبره را جهت ارایهٔ معلومات در مورد وضعیت طفل به محکمه احضار نماید.

د محکمو له صادرشوو دستورونو څخه ځارنه

څلور پنځوسمه ماده:

د ټولنيزو خدمتونو اختصاصي مؤسسې مکلفې دي چې د اطفالو د اختصاصي محکمو له صادر شويو دستورونو څخه ځارنه او د طفل د اصلاح کېدو رپوټ په مياشتنې ډول اړوندو محکمو ته ورکړي.

مراقبت از دساتیر صادره محاکم

مادهٔ پنجاه و چهارم:

مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی مکلف اند، دساتیر صادرهٔ محاکم اختصاصی اطفال را مراقبت نموده و گزارش اصلاح پذیری طفل را ماهانه به محاکم مربوط ارائه نمایند.

د مرسته ایزو روزنیزو تدبیرونو نیول

پنځه پنځوسمه ماده:

(۱) د اطفالو اختصاصي محکمه واک لري، ددې قانون د دوه پنځوسمې مادې د (۱) فقرې په حکم کې د درج شوي طفل په هکله

اتخاذ تدابیر کمکی و تربیوی

مادهٔ پنجاه و پنجم:

(۱) محکمهٔ اختصاصی اطفال صلاحیت دارد در مورد طفل مندرج فقره (۱) مادهٔ پنجاه و دوم این قانون یکی

لـه لاتـدې مرسـته ایـزو روزنیـزو تدبیرونو څخه یو ئې و نیسي:
۱- طفـل دې پـه خپـل اوسـني چاپېریـال (محیط) کې پاتې شي. پدې حالت کې محکمـه مکلفـه ده چې د هغـه لپـاره قـانوني سرپرست وټاکي تر څو د محکمې د حکم لـه مخـې طفـل خلاصـو روزنیـزو مؤسسو ته واستوي.
۲- طفـل دې پـه خپـل اوسـني چاپېریال کې پدې شرط پاتې شي چې په دوامداره توګه روغتیـائي او مـسلکي ښـوونیزو یـا روزنیـزو مؤسسو ته مراجعه وکړي.
۳- طفـل د خپـل اوسـني چاپـېریال څخـه جـلا او د قـانوني سرپرسـت ترڅـارنې لاتـدې دې راشـي، ترڅـو د محکمې دحکم په صورت کې طفل روغتیـایي او مسلکي ښـوونیزو یـا روزنیزو مؤسسو ته واستوي.
(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې درج شـوې روغتیـایي، ښـوونیزې او روزنیزې مؤسسې او د طفل قانوني سرپرست مکلف دي چې د طفل لـه چلند او سلوک څخه څارنه وکړي او دهغـه د اصـلاح کېـدو پـه هکلـه د لارښـوونې مطـابق لیکلـی رپـوټ، از تـدابیر کمکـی تربیـوی ذیـل را نیز اتخاذ نماید:
۱- طفـل در محـیط فعلـی اش بـاقی بمانـد. در ایـن حالـت محکمـه مـکلف است سرپـرست قـانونی بـرای وی تعیـین نمـاید تـا در صـورت حکـم محکمـه، طفـل را بـه مؤسـسات تعلیمی باز بفرستد.
۲- طفل در محیط فعلی اش به شـرطی بـاقی بمانـد کـه بـه طـور دوامـدار بـه مؤسـسات صـحی، تعلیمـی یـا تربیـوی مـسلکی مراجعه نماید.
۳- طفل از محیط فعلی اش جدا و تحت مراقبت سرپرست قـانونی قـرار گیـرد، تـا درصـورت حکـم محکمـه طفـل را بـه مؤسـسات صـحی، تعلیمـی یـا تربیـوی مسلکی بفرستد.
(۲) مؤسـسات صـحی تعلیمـی و تربیـوی مـسلکی و سرپرسـت قانونی طفل مندرج فقره (۱) این ماده مکلف اند از رفتـار و سلوک طفـل مراقبـت نمـوده و درمـورد اصـلاح پـذیری وی گـزارش کتبـی رامطابق هدایت، بـه محکمـه ارائه

محکمې ته وړاندې کړي.
(۳) ددې مادې د (۱) فقرې په (۱او۲) اجزاوو کې درج په حالاتو کې، قانوني سرپرست مکلف دی چې دده د سرپرستۍ د عزل کېدو یا د اوسني محیط څخه د طفل د جلاوالي په هکله د اطفالو د اختصاصي محکمې د ثاني حکم تروخته پورې طفل وساتي.
(۴) ددې مادې د (۱) فقرې د (۳) جزء په درج شوي حالت کې، قانوني سرپرست مکلف دی چې دده د سرپرستۍ دعزل کېدو یا کورنۍ ته د طفل د بېرته ستنېدو په هکله د محکمې د ثاني حکم تر وخته پورې، طفل وساتي.
(۵) طفل ددې مادې د (۱) فقرې په درج شوو حالاتو کې، هر وخت کولای شي د اطفالو له اختصاصي محکمې څخه غوښتنه وکړي چې له خپلو والدینواو قانوني سرپرست سره لیدنه کتنه وکړي.

نماید.
(۳) در حالات مندرج اجزای (۱و۲) فقره (۱) این ماده، سرپرست قانونی مکلف است طفل را تا زمان حکم ثانی محکمۀ اختصاصی اطفال مبنی بر عزل سرپرستی وی یا جدائی طفل از محیط فعلی اش نگهداری نماید.
(۴) در حالت مندرج جزء (۳) فقره (۱) این ماده سرپرست قانونی مکلف است طفل را الی حکم ثانی محکمه مبنی بر عزل سرپرستی یا باز گشت طفل به فامیل اش، نگهداری نماید.
(۵) طفل با نظرداشت حالات مندرج فقره (۱) این ماده هر زمان می‌تواند از محکمۀ اختصاصی اطفال تقاضا نماید تا با والدین و سرپرست قانونی خویش ملاقات نماید.

پرنیول شووتدبیرونو باندې نوې کتنه

شپږپنځوسمه ماده:

(۱) د اطفالو اختصاصي محکمه واک لري چې ددې قانون د یوپنځوسمې مادې په (۱) فقره کې درج پر نیول شوو تدبیرونو باندې دطفل د چلند ،سلوک او اصلاح کېدو د په پام کې نیولو سره، عنداللزوم نوې کتنه وکړي.

(۲) د اطفالو اختصاصي محکمه واک لري ددې قانون د پنځه پنځوسمې مادې په (۱) فقره کې درج پر نیول شوو تدبیرونو باندې د والدینو، قانوني سرپرست یا د ټولنیزو خدمتونو د اختصاصي مؤسسو د غوښتنې له مخې په هرو شپږو میاشتو کې نوې کتنه وکړي.

تجدید نظر بر تدابیر اتخاذ شده

مادۀ پنجاه و ششم:

(۱) محکمۀ اختصاصی اطفال صلاحیت دارد تدابیر اتخاذ شده مندرج فقره (۱) مادۀ پنجاه و پنجم این قانون را با در نظرداشت روش، سلوک و حالات اصلاح پذیری طفل عنداللزوم مورد تجدید نظر قرار دهد.

(۲) محکمۀ اختصاصی اطفال صلاحیت دارد تدابیر اتخاذ شده مندرج فقره (۱) مادۀ پنجاه و پنجم این قانون را حسب تقاضای والدین، سرپرست قانونی، یا مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی در هر شش ماه تجدید نظر نماید.

اووم فصل
د اطفالو سرپرستي

فصل هفتم
سرپرستی اطفال

قانوني سرپرست

اووه پنځوسمه ماده:

(۱) هغه طفل چې د اتلس کلنۍ سن یې نه وي بشپړ کړی، والدین یې قانوني سرپرست ګڼل

سرپرست قانونی

مادۀ پنجاه وهفتم:

(۱) طفلیکه سن هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد، والدین، سرپرست قانونی وی شمرده

کېږي.
(۲) په هغه صورت کې چې طفل قانوني ممثل و نه لري، محکمه هغه ته سرپرست ټاکي.
(۳) د قانوني سرپرست د ټاکلو لپاره د قضايي واک حوزه،هغه قلمرو ګڼل کېږي چې طفل په هغه کې استوګنه ولري يا هغه ځای چې طفل په هغه کې حاضر وي او پر علیه يې قانوني اقدامات پیل شوي وي.

می‌شوند.
(۲) در صورتی‌که طفل ممثل قانونی نداشته باشد، محکمه برای وی سرپرست تعیین می‌نماید.
(۳) حوزهٔ صلاحیت قضائی برای تعیین سرپرست قانونی، قلمروی شمرده می‌شود که طفل در آن اقامت داشته و یا محلیکه طفل در آنجا حاضر و علیه آن اقدامات قانونی آغاز گردیده باشد.

د سرپرستۍ غوښتنلیک

اته پنځوسمه ماده:

(۱) هغه شخص چې د طفل هوساینې ته علاقه ولري، کولای شي چې د سرپرستۍ غوښتنلیک چې دلاندې معلوماتو لرونکی وي، اړوندې محکمې ته وړاندې کړي:
۱- پېژندګلوي او بشپړ آدرس.
۲- د طفل نوم، سن، د اوسېدونې ځای او آدرس.
۳- له طفل سره د اړیکو او علایقو څرنګوالی.
۴- د طفل د اصولو، فروعو او نږدې خپلوانو پېژندګلوي او آدرس.

در خواست سرپرستی

مادهٔ پنجاه و هشتم:

(۱) شخصی‌که علاقمند به رفاه طفل بوده، می‌تواند درخواست سرپرستی را که حاوی معلومات ذیل باشد، به محکمه مربوط ارائه نماید:
۱- شهرت و آدرس مکمل.
۲- اسم، سن، محل سکونت و آدرس طفل.
۳- چگونگی رابطه و علایق با طفل.
۴- شهرت و آدرس اصول، فروع، واقارب نزدیک طفل.

۵- د طفل د ښې سرپرستۍ په هکله د وړتیا دلایل.
۶- د سرپرستۍ ډول او حدود.
(۲) د اطفالو اختصاصي محکمه ددې مادې په (۱) فقره کې درج د سرپرستۍ غوښتنلیک د څېړنو د تر سره کولو او لازمو معلوماتو د وړاندې کولو لپاره ټولنیزو اختصاصي مؤسسو ته لېږي او اړوندې مؤسسې مکلفې دي چې د څېړنو رپوټ محکمې ته وړاندې کړي.
(۳) د اطفالو اختصاصي محکمه د طفل، والدینو، غوښتنلیک ورکوونکي شخص او د ټولنیزو خدمتونو د اختصاصي مؤسسو د استازي په حضور د قانوني سرپرست د ټاکلو په هکله تصمیم نیسي.

د سرپرست واک

نهه پنځوسمه ماده:

(۱) هغه شخص چې د قانوني سرپرست په توګه ټاکل شوی دی، د بیا حکم تر صادرېدو پورې واک لري چې له طفل څخه ساتنه وکړي.
(۲) قانوني سرپرست د ټولو هغو

۵- دلایل شایستگی مبنی بر سرپرستی بهتر طفل.
۶- نوع و حدود سرپرستی.
(۲) محکمهٔ اختصاصی اطفال درخواست سرپرستی مندرج فقره (۱) این ماده را غرض انجام تحقیقات لازم و ارایهٔ معلومات به مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی ارسال و مؤسسات مربوط مکلف اند گزارش تحقیقات را به محکمه ارائه نمایند.
(۳) محکمهٔ اختصاصی اطفال باحضورداشت طفل، والدین، شخص درخواست دهنده و نمایندهٔ مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی در مورد تعیین سرپرست قانونی تصمیم لازم اتخاذ می‌نماید.

صلاحیت سرپرست

مادهٔ پنجاه و نهم:

(۱) شخصی‌که به حیث سرپرست قانونی تعیین گردیده است، الی صدور حکم مجدد صلاحیت دارد از طفل نگهداری نماید.
(۲) سرپرست قانونی دارای کلیه

واکونو او مسئولیتونو لرونکی دی چې والدین یې لري.
د طفل لپاره د نفقې برابرول او درېیم شخص ته د اوښتي زیان جبرانول لدې حکم څخه مستثني دي.

صلاحیت ها و مسئولیت های والدین طفل می‌باشد.
تهیه نفقه برای طفل و جبران خساره ضرر وارده به شخص سوم از این حکم مستثنی است.

د سرپرست مسئولیت
شپېتمه ماده:
د طفل قانوني سرپرست په مدني قانون کې د درج شوو مکلفیتونو برسېره د لاندې مسئولیتونو لرونکی هم دی:
۱- د طفل د شخصي منقولو او غیر منقولو شتمنیو څخه ساتنه او پدې هکله د لازمو ساتنیزو (حفاظتی) تدبیرونو نیول.
۲- د طفل د منقول او غیرمنقولو مالونو نه پلورل، خو دا چې محکمه د هغه په پلورلو باندې تصمیم و نیسي.
۳ د هغو پیسو یا اجناسو تر لاسه کول چې د طفل د نفقې لپاره د والدینو، ولي یا د هغه د قانوني وکیل په نامه رالېږل شوي دي، پدې شرط چې قانوني سرپرست تر لاسه شوې پیسې یا اجناس یوائې

مسئولیت سرپرست
مادۀ شصتم:
سرپرست قانونی طفل بر علاوه مکلفیت های مندرج در قانون مدنی دارای مسئولیت های آتی نیز می‌باشد:
۱- مواظبت از دارائی منقول و غیر منقول شخصی طفل و اتخاذ تدابیر لازم حفاظتی در زمینه.
۲- عدم فروش اموال منقول و غیر منقول طفل مگر اینکه محکمه به فروش آن تجویز اتخاذ نماید.
۳- دریافت پول یا اجناسیکه برای نفقۀ طفل عنوانی والدین، ولی یا وکیل قانونی وی ارسال گردیده، مشروط براینکه سرپرست قانونی، پول یا اجناس دریافت شده را صرف

د طفل د اوسنیو اړتیاوو د لیرې کولو لکه نفقې، ښوونې یا د هغه د ساتنې لپاره و لګوي او اضافي پیسې د هغه د راتلونکې لپاره زېرمه کړي.

۴- د طفل له پیسو او شتمنیو څخه شخصي ګټه نه اخیستل، خو داچې محکمې د هغه د خدمتونو د ترسره کولو په مقابل کې یو مبلغ ټاکلی وي.

۵- د هغو اشخاصو پر علیه د قانوني اقداماتو نیول چې د قانوني ژمنو په ترسره کولو یا د طفل د ټولنیزې هوساینې په ترسره کولو ژمن وي.

۶- د طفل د تحصیلي، ټولنیزو او نورو فعالیتونو د آسانتیاوو د برابرولو په هکله د قانوني اقداماتو نیول.

۷- محکمې ته د آدرس د بدلون په هکله تر څوارلس ورځو پورې د خبر ورکول.

۸- د اطفالو اختصاصي محکمې ته د طفل د چلند، سلوک او اصلاح کېدو د حالاتو د ټولو جزئیاتو په هکله په هرو دریو میاشتو کې د رپوټ ورکول.

برای رفع ضروریات فعلی طفل مبنی برنفقه، تعلیم یا مواظبت از وی مصرف وپول اضافی را برای آیندۀ آن ذخیره نماید.

۴- عدم استفادۀ شخصی از پول و دارائی طفل مگر اینکه محکمه در مقابل انجام خدمات وی مبلغی را تعیین نموده باشد.

۵- اتخاذ اقدامات قانونی علیه اشخاصی‌که متعهد به ایفای تعهدات قانونی یا بهبود رفاه اجتماعی طفل باشد.

۶- اتخاذ اقدامات قانونی در رابطه به فراهم نمودن تسهیلات تحصیلی، اجتماعی وسایر فعالیت های طفل.

۷- اطلاع تغییر آدرس الی مدت چهارده روز به محکمه.

۸- ارایۀ گزارش رفتار، سلوک و حالات اصلاح پذیری طفل با تمام جزئیات آن در هر سه ماه به محکمۀ اختصاصی اطفال.

رپوټ باید د طفل د روانې او روغتیایي انکشافاتو لرونکی وي.

گزارش باید حاوی انکشافات روانی و صحی طفل باشد.

د سرپرستۍ د موضوع څېړل

یو شپېتمه ماده:

(۱) محکمه د دولس کلنۍ څخه د لږ سن لرونکو اطفالو د قانوني سرپرستۍ موضوع په میاشت کې یو ځل او له دولس کلنۍ سن څخه پورته په هرو دریو میاشتو کې څېړي.

(۲) محکمه ددې مادې په (۱) فقره کې د درج شوي طفل د سرپرستۍ د موضوع د څېړنې په وخت کې لاندې ټکي په پام کې نیسي:

۱- د سرپرست لخوا طفل ته د ټولنیزې هوسایني د لاړمو آسانتیاوو برابرول.

۲- د سرپرستۍ د دوام ارتیا.

۳- د طفل د ټولنیزې هوسایني د برابرولو ددوام لپاره د قانوني سرپرست اشتیاق او توان.

۴- د سرپرست لخوا د طفل پرټولنیزې هوسایني باندې د سرپرستۍ د دوام اغېزه.

۵- د سرپرستۍ په هکله د محکمې د نظر وړ نور عوامل.

بررسی موضوع سرپرستی

مادۀ شصت و یکم:

(۱) محکمه موضوع سرپرستی قانونی اطفال کمتر از سن دوازده سالگی را ماه یکبار و بلندتر از سن دوازده سالگی را در هر سه ماه بررسی می‌نماید.

(۲) محکمه حین بررسی موضوع سرپرستی اطفال مندرج فقره (۱) این ماده نکات ذیل را رعایت می‌نماید:

۱- فراهم آوری تسهیلات لازم برای رفاه اجتماعی طفل توسط سرپرست.

۲- ضرورت ادامۀ سرپرستی.

۳- اشتیاق و توانائی سرپرست قانونی مبنی بر ادامۀ فراهم آوری رفاه اجتماعی طفل.

۴- تأثیر ادامۀ سرپرستی بالای رفاه اجتماعی طفل توسط سرپرست.

۵- سایر عوامل مورد نظر محکمه در قسمت سرپرستی.

(۳) د ټولنیزو خدمتونو اختصاصي مؤسسې مکلفې دي چې د محکمې د لارښوونې مطابق ددې مادې په (۲) فقره کې د درج شوو مطالبو په هکله لازمې کتنې ترسره کړي او پدې اړه خپل رپوټ اړوندې محکمې ته وړاندې کړي.

(۴) د اطفالو اختصاصي محکمه کولای شي ددې مادې په (۲ او ۳) فقرو کې د درج شوو څېړنو له بشپړېدو وروسته د سرپرستۍ د دوام یا لغوه کولو په هکله تصمیم و نیسي.

(۳) مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی مکلف اند مطابق هدایت محکمه مطالعات لازم را در مورد مطالب مندرج فقره (۲) این ماده انجام داده وگزارش خویشرا در زمینه به محکمهٔ مربوط ارائه نمایند.

(۴) محکمهٔ اختصاصی اطفال می‌تواند بعد از تکمیل بررسی های مندرج فقره های (۲) و (۳) این ماده در مورد ادامه یا لغو سرپرستی تصمیم اتخاذ نماید.

د سرپرستۍ د حکم لغو

دوه شپېتمه ماده:

که چېرې والدین یا یو له هغو څخه د سرپرستۍ د ځای ناستي په هکله د محکمې لارښوونې په بشپړه توګه رعایت کړي وي، پدې صورت کې محکمه کولای شي، سرپرستي لغوه او والد یا والدینو ته یې د طفل د بیا ورتګ په هکله د سرپرستۍ د وخت د ختمېدو څخه شپږمیاشتې دمخه حکم صادر کړي.

لغو حکم سرپرستی

مادهٔ شصت و دوم:

هرگاه والدین یا یکی از آنها هدایات محکمه را مبنی بر جاگزینی سرپرستی کاملاً رعایت نموده باشد درین صورت محکمه می‌تواند سرپرستی را لغو و حکم بازگشت مجدد طفل را به والد یا والدین اش شش ماه قبل از میعاد سرپرستی صادر نماید.

اتم فصل
وروستني حکمونه

د حکم تنفیذ

دري شپېتمه ماده:

د اطفالو په اړه د محکمو وروستني او قطعي حکمونه واجب التنفیذ دي، هر هغه څوک چې په مستقیمه یا غیر مستقیمه توګه له هغه څخه اطاعت و نه کړي یا د هغه په تطبیقولو کې، خنډ را منځ ته کړي او یا د هغه په قانوني اجراآتو کې مداخله وکړي، د قانون د حکمونو مطابق مجازات کېږي.

د نورو نافذوقوانینو د حکمونو رعایتول

څلور شپېتمه ماده:

په هغه صورت کې چې د اطفالو د قضیو د رسیدګۍ په هکله پدې قانون کې کوم حکم نوي اتکل شوی، موضوع د نافذه قوانینو د حکمونو مطابق تر رسیدګۍ لاندې نیول کېږي.

فصل هشتم
احکام نهائی

تنفیذ حکم

مادۀ شصت و سوم:

احکام نهائی و قطعی محاکم در رابطه به اطفال واجب التنفیذ بوده، هر شخصی‌که بطور مستقیم یا غیر مستقیم از آن اطاعت ننماید یا در تطبیق آن موانع ایجاد و یا در اجراآت قانونی آن مداخله کند، مطابق احکام قانون مجازات می‌گردد.

رعایت احکام سایر قوانین نافذه

مادۀ شصت و چهارم:

درصورتی‌که حکمی در مورد رسیدگی به قضایای اطفال در این قانون پیشبینی نگردیده باشد، موضوع مطابق احکام قوانین نافذه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

مؤقت مدافع وکیل

پنځه شپېتمه ماده:

تر هغه ځایه چې په اوسني وخت کې په هېواد کې مدافع وکیلان په کافي شمېر کې وجود نلري مظنون یا تورن طفل کولای شي تحصیل لرونکو اشخاصو ته چې په حقوقي قضایاوو کې عالم وي، مراجعه وکړي. پدې منظور د هرې محکمې رئیس د شرایطو لرونکو اشخاصو لست چې په مرکز کې د عدلیې وزارت او په ولایتونو کې د دولت د قضایاو و د ادارو لخوا، د استیناف محاکمو ته ور پېژندل کېږي، برابروي.

وکیل مدافع مؤقت

مادۀ شصت و پنجم:

از آن جائیکه در حال حاضر در کشور وکلای مدافع به تعداد کافی وجود ندارند، طفل مظنون یا متهم می‌تواند به اشخاص تحصیل یافته که به قضایای حقوقی عالم باشند، مراجعه نماید. به این منظور رئیس هر محکمه لست اشخاص واجد شرایط را که در مرکز از طرف وزارت عدلیه و در ولایات ازطرف ادارات قضایای دولت به محاکم استیناف معرفی می‌شوند، ترتیب می‌نماید.

د انفاذ نېټه

شپږشپېتمه ماده:

دغه قانون د توشېح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جریده کې دې خپور شي او د هغه په نافذېدو سره مغایر حکمونه لغوه کېږي.

تاریخ انفاذ

مادۀ شصت و ششم:

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریدۀ رسمی نشر گردد و با انفاذ آن احکام مغایر ملغی می‌گردد.

قانون جزای عسکری

دعسکرۍ جزا دقانون دتوشیح په هکله د افغانستان داسلامي جمهوریت د رئیس فرمان ګڼه :(۹) نېټه : ۱۳۸۷/۱/۲۸

لومړۍ ماده :
دافغانستان داساسي قانون دځلورشپېتمې مادې د (۱۶) فقرې او سلمې مادې له مخې ،په (۳) فصلونو او (۴۸) مادوکې دعسکري جزا دقانون د تصویب په اړه د ا . ا . ج دملي شوري دولسي جرګې او مشرانو جرګې د ګډ هیئت (۸۳) ګڼه پرېکړه لیک ، توشیح کوم .

دوه یمه ماده :
دغه فرمان دتوشیح له نېټې څخه نافذ او له پرېکړې سره یوځاي دې په رسمي جریده کې خپورشي .

حامد "کرزی "
دافغانستان داسلامي جمهوریت
رئیس

فرمان
رئیس جمهوری اسلامی
افغانستان درمورد توشیح قانون
جزای عسکری
شماره : (۹)
تاریخ ۱۳۸۷/۱/۲۸

مادۀ اول :
به تأسی ا زحکم فقره (۱۶) ماده شصت و چهارم و ماده صدم قانون اساسي افغانستان ، فیصله شماره (۸۳) هیئت مختلط ولسی جرګه و مشرانو جرګه شورای ملی ج . ا . ا را مبنی برتصویب قانون جزای عسکری در (۳) فصل و (۴۸) ماده توشیح می دارم .

مادۀ دوم :
این فرمان ازتاریخ توشیح نافذ و همراه با فیصله درجریدۀ رسمی نشر گردد.

حامد "کرزی "
رئیس جمهوری اسلامی
افغانستان

دافغانستان اسلامي جمهوريت
ملي شوري
دعسكري جزادقانون په هكله
دملي شوري مصوبه

ګڼه :(۸۳)
نېټه : / /۱۳۸۷

داساسي قانون دسلمې مادې دحكم مطابق ،دملي شوري ګډه هيئت (دهرې جرګې له دريو دريوغړوڅخه جوړ) دعسكري جزا قانون په (۳) فصلونو او(۴۸) مادو کې د ۱۳۸۶ کال دکب دمياشتې په نهمه نېټه تصويب کړ.

دګډ هيئت رئيس
عبدالهادي "صافي"
دګډ هيئت منشي
منور "نظامي "

جمهوری اسلامی افغانستان
شورای ملی
مصوبۀ شورای ملی درمورد قانون جزای عسکری

شماره : (۸۳)
مؤرخ : / /۱۳۸۷

مطابق حکم مادۀ صدم قانون اساسی ،هیئت مختلط شورای ملی (مرکب از سه سه عضو از هرجرگه) قانون جزای عسکری را به تاریخ ۹ ماه حوت سال ۱۳۸۶ در(۳) فصل و (۴۸) ماده تصویب نمود.

رئیس هیئت مختلط
عبدالهادی "صافی"
منشی هیئت مختلط
منور "نظامی "

دعسکري جزا قانون
لومړی فصل
عمومي حکمونه

مبني
لومړی ماده:

دغه قانون د افغانستان د اساسي قانون د اووه ویشتمې مادې دحکم پربنسټ په مسلحو قواوو (ملي اردو) کې دقانونیت، نظم،دسپلین او انضباط دتحکیم لپاره دعسکري منسوبانو د دنده ایزو جرمونو دټاکلو او دهغو د مرتکبینو دمجازاتولو په منظور، وضع شوی دی.

دعسکري جرمونو مفهوم
دوه یمه ماده:

عسکري جرمونه په دې قانون کې دقابلیت او دمسلحو قواوو دمحاربوي احضاراتو او دعسکري خدمت په ترسره کولو کې دټاکلي نظم،دسپلین اوانضباط پرضد جرمونه شامل دي.

قانون جزای عسکری
فصل اول
احکام عمومی

مبنی
مادۀ اول:

این قانون به تأسی از حکم مادۀ بیست و هفتم قانون اساسی افغانستان به منظور تعیین جرایم وظیفوی منسوبین عسکری و مجازات مرتکبین آن جهت تحکیم قانونیت، نظم، دسپلین و انضباط درقوای مسلح (اردوی ملی)، وضع گردیده است.

مفهوم جرایم عسکری
مادۀ دوم:

جرایم عسکری در این قانون شامل جرایم علیه قابلیت و احضارات محاربوی قوای مسلح نظم، دسپلین و انظباط در انجام خدمت عسکری می‌باشد.

اصطلاحګاني

درېيمه ماده:

لاندې اصطلاحګاني په دې قانون کې دلاندې مفاهيمو لرونکې دي:

۱- عسکري منسوب: افسران، دقطعې او مکتبي واړه ضابطان، دنظامي تعليمي مؤسسو طلاب، سرتيري او نورهغه اشخاص چې په محاربه کې د مسلحو قواوو مرسته کوي.

۲- د جګړې حالت: دافغانستان دمسلحو قواوو او د دښمن دقواوو ترمنځ دخصومت حالت دی.

۳- دمحاربې حالت: له دښمنوګروپونو سره دمسلحو قواوو دقطعې او عسکري جزوتام با لفعل تصادم دی ياهغه حالت دی چې عسکري قطعې او جزوتامونه د دښمن د دفع او طرد ياماتې په غرض توظيف شوي وي. دغه حالت له پيل څخه ترپايه پورې محاربوي دنده احتوا کوي.

۴- د سفرحالت: عسکري سوقيات او حرکتونه دي چې دهېواد کورنی آسايش ياامنيت دهغو ايجاب کوي او له دښمن سره تصادم واقع شوی نه وي.

اصطلاحات

مادۀ سوم:

اصطلاحات آتی در این قانون دارای مفاهیم ذیل می باشد:

۱-منسوب عسکری: افسران، خورد ضابطان قطعه و مکتبی، طلاب مؤسسات تعلیمی نظامی، سربازان و سایر اشخاصی که قوای مسلح را در محاربه همراهی می‌کنند.

۲- حالت جنگ: حالت خصومت میان قوای مسلح افغانستان و قوای دشمن می باشد.

۳- حالت محاربه : تصادم بالفعل قطعه و جزو تام عسکری قوای مسلح با گروپ‌های دشمن بوده یا حالتی است که قطعات و جزو تام‌های عسکری غرض دفع و طرد یا شکست دشمن توظیف شده‌اند. این حالت از شروع الی ختم وظیفۀ محاربوی را احتوا می‌نماید.

۴- حالت سفر: سوقیات و حرکات عسکری بوده که آسایش داخلی یا امنیت کشور ایجاب آنرا می‌نماید و تصادم با دشمن واقع نگردیده باشد.

۵- دحضرحالت: دجګړې، محاربې او سفر له حالتونو څخه پرته حالت دی.

۶- درانه عواقب: دمحاربوي دندې دترسره کولو ناشوني کېدل، لویه مالي خساره (له یوملیون افغانیو څخه زیاته)، دوسایطو دتخریب او انهدام په اثر دقطعې یا جزوتام دمحاربوي احضاراتو او قابلیت دسطحې کښته راتګ، ځاني تلفات، حریق، دعسکري زېرمتونونو (دیپوګانو) او نورو تأسیساتو تخریبېدل دي.

۷-زیان بخښونکي عواقب: مالي ډېرزیات زیان له سل زره څخه تریو ملیون افغانیو پورې ، داشخاصو جسمي جراحت او دوسایطو عارضه داره کول دي.

۸- دپام وړ ضرر:له لس زرو څخه ترسل زرو افغانیو پورې دمحاربوي ټاکلې دندې د ترسره کولو اخلالول، په قطعې یا جزوتام کې دعسکري نظم او انضباط جدي تضعیفول، دعسکري تخنیک او نورو تجهیزاتو له منځه وړل او عارضه داره کول.

۹- مصادره: دمنقولو او

۵- حالت حضر: به غیر از حالات جنگ، محاربه و سفر می باشد.

۶- عواقب سنگین: بهم خوردن اجرای وظیفۀ محاربوی، خسارۀ بزرگ مالی بیشتر از یك ملیون افغانی، پایین آمدن سطح احضارات و قابلیت محاربوی قطعه یا جزوتام بالاثر تخریب و انهدام وسایط، تلفات جانی، حریق، تخریب دیپوها و سایر تأسیسات عسکری می باشد.

۷-عواقب زیان بخش: خسارات هنگفت مالی مبلغ یك صد هزار افغانی الی یك ملیون افغانی، جراحت جسمی اشخاص و عارضه دار ساختن وسایط می باشد.

۸- ضرر قابل ملاحظه: مبلغ ده هزار الی یك صد هزار افغانی، اخلال اجرای وظیفۀ مشخص محاربوی، تضعیف جدی نظم و انضباط عسکری در قطعه یا جزوتام، از بین بردن یا عارضه دار ساختن تخنیك و سایر تجهیزات عسکری می باشد.

۹- مصادره: سلب مالکیت دایمی

غیرمنقولـو وجوهـو او شـتمنیو دمالکیـت سـلبېدل دي چـې د واکمنې محکمې د وروستنې حکم په اساس صورت مومي او دهغه په موجب وجوه او شتمنۍ د هغو له مثبته سندونو سره دولت ته لېږدول کېږي.

وجـوه و دارایـی هـای منقـول و غیرمنقول بوده که به اساس حکم نهـایی محکمـۀ ذیـصلاح صـورت گرفتـه و بـه موجـب آن وجـوه و دارایـی هـا بـا اسـناد مثبتـۀ آن بـه دولـت انـتقال می‌نماید.

د قانون دتطبیق ساحه داشخاصو له حیثه

څلورمه ماده:

ددې قـانون حکمونـه پـه لانـدې اشخاصو باندې د تطبیق وړ دي:

۱-هغه شخص‌چې‌عسکري تحلیف (سوګند) ئې پرځای کړی وي.

۲-هغه شخص چې قانوني سن ئې بشپړکړی او په داوطلبانه توګه اویا دقانون دحکم او عسکری مکلفیت پـه اسـاس دمـسلحو قـواوو پـه صفوفوکې شامل شوی وي.

۳- هغـه شـخص چـې د مـسلحو قـــواوو برحـــال منـــسوب وي او دخدمت موده ئې دقانون دحکمونو مطابق بشپړه شوې نه وي.

۴- هغـه شـخص چـې د احتیـاط قوتونوتـه منـسوب وي او دبرحالی په وخت کې د جرمي عمل مرتکب

ســـاحۀ تطبیـــق قـــانون از حیـــث اشخـاص

مادۀ چهارم:

احکـام ایـن قـانون بـالای اشـخاص ذیل قابل تطبیق می باشد:

۱- شخـصی کـه تحلیـف عـسکری را به جا نموده باشد.

۲- شخـصی کـه سـن قـانونی را تکمیـل و به طور داوطلبانه و یا بـه اسـاس حکـم قـانون و یـا مکلفیـت عـسکری شـامل صـفوف قـوای مسلح گردیده باشد.

۳- شخـصی کـه منـسوب برحـال قوای مسلح بـوده و میعـاد خدمت وی طبـق قـانون تکمیـل نگردیـده باشد.

۴- شخصی که منسوب قوت‌های احتیـاط بـوده و در زمـان بـر حـالی مرتکـب عمـل جرمـی

ګرځېدلی او د تحقیقاتو د ترسره کولو او محاکمې په خاطر دعسکري محکمې په واسطه احضار ېږي.

۵- هغه شخص چې د تزویري سندونو څخه په ګټه اخستنه ئې خپل انفکاک دمسلحو قواوو له صفوفو څخه ترلاسه کړی وي.

۶- هغه شخص چې دمسلحو قواوو له صفوفو څخه تښتېدلی او نیول شوی وي.

۷- جنګي اسیران او هغه افراد چې دمسلحوقواوو ترنظارت لاندې قرارولري او یا خپله دحبس موده دمسلحوقواوو په محبس کې تېروي.

۸- هغه اشخاص چې دهغوی دجرمي قضیو دڅېړلو واک دهېواد دنافذو قوانینو او نړیوالو پیمانونو او موافقت لیکونو مطابق عسکري محکمې ته تفویض شوي وي.

گردیده و به خاطر انجام تحقیقات و محاکمه توسط محکمۀ عسکری احضار می گردد.

۵- شخصی که با استفاده از اسناد تزویری انفکاك خود را از صفوف قوای مسلح حاصل نموده باشد.

۶-شخصی که از صفوف قوای مسلح فرار نموده و گرفتار گردیده باشد.

۷- اسرای جنگی و افرادی که تحت نظارت قوای مسلح قرار داشته و یا مدت حبس خویش را در محبس قوای مسلح سپری می‌نمایند.

۸- اشخاصی که صلاحیت رسیدگی قضایای جرمی آنها طبق قوانین نافذۀ کشور و پیمان ها و موافقتنامه های بین‌المللی، به محکمۀ عسکری تفویض شده باشد.

دعسکري رتبې تنزیل اوکسرمعاش

پنځمه ماده:

(۱) که چېرې عسکري منسوب دهغه جرم مرتکب شي چې

تنزیل رتبۀ عسکری و کسرمعاش

مادۀ پنجم:

(۱) هرگاه منسوب عسکری مرتکب جرمی شود که مجازات آن

مجازات ئې دشپږو میاشتو څخه تریوه کالـه پـورې حـبس وي، عسکري محکمه کولای شي دحبس دمجازاتو په عوض دهغه دیوې رتبې په تنزیل حکم وکړي.

(۲) کـه چېرې عسکري منسوب هغه جرم مرتکب شي چې جزائې ترشپږومیاشتو پـورې حـبس وي. عسکري محکمه کولای شي د حبس دجزاء په عوض دمعاش د یوپردرېمې برخې په کسرتر شپږومیاشتو حکم وکړي. دمحکوم علیه کسر شوی معاش، د دولت دعوایدو په حساب، بانک ته تحویلېږي.

حبس از شش ماه الی یک سال باشد، محکمۀ عسکری می‌تواند به عوض مجازات حبس به یک رتبه تنزیل وی حکم نماید.

(۲) هرگاه منسوب عسکری مرتکب جرمی شود که جزای آن حبس الی شش ماه باشد. محکمۀ عسکری می‌تواند به عوض جزای حبس به کسر یک بر سه حصه معاش الی شش ماه حکم نماید. معاش کسر شدۀ محکوم علیه به حساب عواید دولت تحویل بانک می‌شود.

طرد

شپږمه ماده:

که چېرې افسر، دقطعې یا مکتبي وړوکی ضابط دهغه جرم مرتکب شي چې مجازات ئې اوږد حبس له لسو کالونوڅخه زیات، دوام حبس یا اعدام وي، داصلي مجازاتو برسېره، دلاندې حقوقو او امتیازونو څخه هم محرومېږي:

۱- په مسلحو قواوو (ملي اردو) کې خدمت.

طرد

مادۀ ششم :

هرگاه افسر، خورد ضابط قطعه یا مکتبی مرتکب جرمی گردد که مجازات آن حبس طویل بیش از ده سال، حبس دوام یا اعدام باشد، علاوه برمجازات اصلی، از حقوق و امتیازات آتی نیز محروم می‌گردد:

۱- خدمت درقوای مسلح (اردوی ملی).

۲- د عسکري علایمو استعمالول، دنښانونواومدالونو تعلیق ، د دولتي لقبونو او نورو امتیازونو څخه ګټه اخستنه.
۳- په نورو دولتي ادارو کې داستخدام حق.
۴- په پارلمان ، ولایتي، ولسوالیو او ښاروالیو په شوري ګانو کې غړیتوب.
۵-دتقاعد حقوق.

۲- استعمال علایم عسکری، تعلیق نشانها و مدالها، استفاده از القاب و سایر امتیازات دولتی.
۳- حق استخدام در سایر ادارات دولتی.
۴- عضویت در پارلمان، شوراهای ولایتی، ولسوالی وشاروالی‌ها.
۵- حقوق تقاعد.

له دندې څخه ګوښه کېدل (برطرفي)

اوومه ماده:

(۱)که چېرې افسر، دقطعې یا مکتبي وړوکی ضابط دهغه جرم مرتکب شي چې مجازات ئې له یو کال څخه زیات متوسط حبس وي، دحبس دمجازاتودتطبیق برسېره، محکمه کولای شي د احوالو سره سم هغه له دندې څخه ګوښه کړي او داګوښه والی له ملي اردو څخه دبرطرفي درلودونکی دی چې د هغې پر اساس په حبس باندې محکوم شخص تقاعد ته سوق کېږي.
(۲) افسران ،دقطعې یا مکتبې وړوکي ضابطان او دملي اردو

برطرفی از وظیفه

مادۀ هفتم:

(۱) هرگاه افسر، خورد ضابط قطعه یا مکتبی مرتکب جرمی شود که مجازات آن حبس متوسط بیشتر از یك سال باشد ، علاوه برتطبیق مجازات حبس، محکمه می‌تواند حسب احوال وی را از وظیفه سبکدوش نماید و این سبکدوشی دربرگیرندۀ برطرفی از اردوی ملی بوده که براساس آن شخص محکوم به حبس به تقاعد سوق می‌گردد.
(۲) افسران، خورد ضابطان قطعه یا مکتبی و سربازان اردوی

سربازان چې د جرم د ارتکاب پر اساس د صلاحیت درلودونکې محکمې په وروستنې حکم د یوکال تنفیذی حبس په جزا محکوم شوي وي ،خپل محکوم بها حبس دمقررې له مخې په خپله اړونده قطعه کې تیروي.

ملی که براساس ارتکاب جرایم به حکم نهایی محکمه ذیصلاح به جزای الی یك سال حبس تنفیذی محکوم به مجازات شوند ، حبس محکوم بها خویش را طبق مقرره درقطعۀ مربوطه سپری می نمایند.

دمصادرې حکم

اتمه ماده:

(۱) محکمه کولای شي په هغو مواردو کې چې قانون مصادره دجزاپه توګه نه وي اټکل کړې، دهغو شیانو په مصادرې چې د جرم له ارتکاب څخه لاس ته راغلي یا دهغه په ارتکاب کې استعمال شوي یا دجرم په ارتکاب کې داستعمال په قصدبرابرشوي وي،حکم وکړي.

(۲)محکمه مکلفه ده چې د جزا دقانون د(۱۳۲) مادې په رعایتولو سره هغه شیان چې وړاندي کول ، خرڅول ،ساتل او استعمال یې په خپل ذات کې جرم وي ،مصادره کړي.

حکم مصادره

مادۀ هشتم:

(۱)محکمه می تواند درمواردی که قانون مصادره را به حیث جزا پیشبینی نکرده باشد ، به مصادرۀ اشیایی که از ارتکاب جرم به دست آمده یا در ارتکاب آن استعمال گردیده و یا به قصد استعمال در ارتکاب جرم تهیه شده باشد ،حکم نماید.

(۲) محکمه مکلف است با رعایت مادۀ (۱۳۲) قانون جزا اشیایی را که عرضه، فروش، نگهداشت و استعمال آن به ذات خود جرم تلقی می‌گردد ، مصادره نماید.

په عسکري جرمونو کې ګډون او دهغو پټول (کتمان)

نهمه ماده:

دعسکري جرم د ارتکاب سازمان ورکوونکی ، محرک یا شریک او یاهغه شخص چې دجرم د ارتکاب آلات او وسیلې برابرې کړي او یا یې دمجرم په پټولو (اختفا) کې له مخکې نه توافق کړی وي لاس پورې کړي،اصلي مرتکب ته په اټکل شوې عین جزاء محکومېږي.

اشتراک در جرایم عسکری و کتمان آن

مادۀ نهم:

سازمانده، محرک و شریک در ارتکاب جرم عسکری یا شخصی که آلات و وسایل ارتکاب جرم را فراهم می نماید و یا به اختفای مجرم قبلاً توافق نموده باشد ، به عین جزای پیش بینی شده برای مرتکب اصلی محکوم می گردد.

دزیان(خساري) جبرانول

لسمه ماده:

که چېرې عسکري منسوب په دې قانون کې د درج شویو جرمونو د ارتکاب په اثر زیان واردکړي ، د وارد شوي زیان په جبرانولو هم محکومېږي.

جبران خساره

مادۀ دهم:

هرگاه منسوب عسکری بالاثر ارتکاب جرایم مندرج این قانون خساره ای وارد نماید به جبران خسارۀ وارده نیز محکوم می گردد.

دحبس دمجازاتو تعلیقول

یوولسمه ماده:

که چېرې عسکري منسوب هغه جرم مرتکب شي چې جزائې په دې قانون کې تردوو کلونو پورې حبس بدل شوي وي، عسکري محکمه دمحکوم اخلاقو، سوابقو او سن او

تعلیق مجازات حبس

مادۀ یازدهم:

هرگاه منسوب عسکری مرتکب جرمی گردد که جزای آن در این قانون حبس الی دو سال پیش بینی شده باشد ، محکمۀ عسکری نظر به اخلاق، سوابق و سن محکوم

یا نورو احوالو ته په پام سره چې د جرم د ارتکاب سبب شوي، متیقنه شي چې هغه بیا دجرم نه مرتکب کېږي، کولای شي دحکم دتنفیذ په تعلیق تصریح وکړي.
دحکم دتنفیذ دتعلیق نورې اړوندې چارې او دهغه لغوه کېدل دجزاء دقانون دحکمونو مطابق صورت مومي.

و یا احوال دیگری که سبب ارتکاب جرم گردیده، متیقن شود که وی دوباره مرتکب جرم نمی‌گردد، می‌تواند به تعلیق تنفیذ حکم، تصریح نماید.
سایر امور مربوط به تعلیق تنفیذ حکم و الغای آن مطابق احکام قانون جزا صورت می‌گیرد.

دوه یم فصل
جرمونه او مجازات

فصل دوم
جرایم ومجازات

له دنده ایز خدمت څخه دعسکري منسوب تعلل

دوولسمه ماده:

(۱) که چېرې عسکري منسوب ددنده ایز خدمت دترسره کولو څخه خپلې روغتیاته دعمدي ضرر د واردولو، تمارض، دتزویري سندونودوړاندې کولو، دمؤظف شخص د تطمیع کولو او یابلې حیلې او غولونې په وسیله، تعلل وکړي، داحوالو سره سم له دووڅخه ترڅلوروکلونو پورې حبس، محکومېږي.
(۲) که چېرې ددې مادې په (۱)

تعلل منسوب عسکری از خدمت وظیفوی

مادۀ دوازدهم:

(۱) هرگاه منسوب عسکری از انجام خدمت وظیفوی به وسیلۀ وارد نمودن ضرر عمدی به صحت خود، تمارض، ارایۀ اسناد مزور، تطمیع شخص مؤظف یا حیله و فریب دیگری تعلل نماید، حسب احوال به حبس از دو الی چهار سال، محکوم می‌گردد.
(۲) هرگاه جرم مندرج فقرۀ (۱)

فقره کې درج شوی جرم ، دسفریاجګړې یامحاربې په حالت کې ارتکاب شي ، مرتکب د احوالو سره سم له څلورو څخه ترلسو کلونو پورې دحبس په جزاء،محکومېږي.

این ماده درحالت سفر یا جنگ یا محاربه ارتکاب یابد ، مرتکب حسب احوال به جزای حبس از چهار الی ده سال محکوم می‌گردد.

دعسکري منسوب پخپل سرغیابت دیارلسمه ماده:

(۱) که چېرې عسکري منسوب له رخصتی ،د روغتیائي مؤسسو خد متی یا دتعییناتو یاتبدیلیو په اثنا کې دمؤجه عذر پرته خپلې قطعې یا دخدمت محل ته حاضر نشي او یا له خپلې وظیفې څخه په خپل سر غایب او دهغه غیابت له یوې څخه ترشپږو میاشتو پورې دوام وکړي، د احوالو سره سم دشپږومیاشتو څخه تریوه کاله پورې په حبس یا په نقدي جزاء چې له دري زره څخه لږ او له لسو زرو افغانیو څخه زیاته نه وي، محکومېږي.

(۲) کـه چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوی جرم ، له شپږومیاشتو څخه زیات وي، مرتکب د احوالو سره سم له یوه

غیابت خودسرانۀ منسوب عسکری

مادۀ سیزدهم:

(۱) هرگاه منسوب عسکری از رخصتی، خدمتی مؤسسات صحی یا در اثنای تعیینات و تبدیلات بدون عذر موجه به قطعه یا محل خدمت خود حاضر نشود و یا از وظیفه خود سرانه غایب و غیابت وی از یك الی شش ماه دوام نماید ، حسب احوال به حبس از شش ماه الی یك سال یا جزای نقدی که از سه هزار کمتر واز ده هزار افغانی بیشتر نباشد ، محکوم می‌گردد.

(۲) هرگاه جرم مندرج فقرۀ (۱) این ماده بیش از شش ماه باشد مرتکب، حسب احوال به حبس از یك

څخه تردې کلونو پورې په حبس یادلسو څخه ترشلوزرو افغانیو پورې په نغدي جزاء، محکومېږي.

(۳) که چېرې ددې مادې په (۱ او ۲) فقرو کې درج شوي جرمونه دسفرپه حالت کې ارتکاب شي او په خپل سرغیابت له دریو شپو او ورځو څخه زیات وي، مرتکب د احوالو سره سم له یوه څخه ترڅلورو کلونو پورې دحبس په جزاء محکومېږي.

دسفریاجګړې یامحاربې په حالت کې دقطعې دپخپل سر ترکول څوارلسمه ماده:

که چېرې عسکري منسوب دسفریا جګړې یا محاربې په حالت کې په خپل سرقطعه یا دخدمت محل ترک کړي، دهغه دمودې له په پام کې نیولو پرته، د احوالو سره سم دیوه څخه ترپنځه کلونوپورې په حبس محکومېږي.

الی سه سال یا جزای نقدی از ده الی بیست هزار افغانی، محکوم می‌گردد.

(۳) هرگاه جرایم مندرج فقره‌های (۱و۲) این ماده در حالت سفر ارتکاب یابد و غیابت خودسرانه بیشتر از سه شبانه روز باشد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس ازیك الی چهار سال محکوم می‌گردد.

ترك خودسرانۀ قطعه در حالت سفر یا جنگ یا محاربه مادۀ چهاردهم:

هرگاه منسوب عسکری خودسرانه قطعه یا محل خدمت را در حالت سفر یا جنگ یا محاربه ترك نماید، صرف نظر از مدت آن، حسب احوال به حبس از یك الی پنج سال محکوم می‌گردد.

تښته

پنځلسمه ماده:

(۱) عسکري منسوب چې له دندې څخه عمداً په دایمي توګه وتښتي، داحوالوسره سم له دووڅخه ترپنځو کلونوپورې دحبس په جزاء محکومېږي.

(۲) په هغه صورت کې چې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوی عمل دسفر یا جګړې یا محاربې په حالت کې ارتکاب شي، مرتکب د احوالو سره سم له پنځوڅخه ترپنځلسو کلونو پورې دحبس په جزاء محکومېږي.

وطن ته خیانت

شپاړسمه ماده:

(۱) دعسکري منسوبینو او ددې قانون د نورو تابع اشخاصو عمدي اعمال د استقلال، ارضي بشپړتیا، ملي حاکمیت او دافغانستان د اسلامي جمهوریت ددفاعي قدرت پرضد، وطن ته خیانت ګڼل کېږي اولاندې موردونه پکښې شامل دي:

۱- دښمن سره یوځای کېدل.

۲- دښمن ته د اثرلاندې نیروګانو

فرار

مادۀ پانزدهم:

(۱) منسوب عسکری که از وظیفه طور دایمی عمداً فرار نماید، حسب احوال به جزای حبس از دو الی پنج سال محکوم می گردد.

(۲) در صورتی که عمل مندرج فقرۀ (۱) این ماده در حالت سفر یا جنگ یا محاربه ارتکاب گردد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس پنج الی پانزده سال محکوم می‌گردد.

خیانت به وطن

مادۀ شانزدهم:

(۱) اعمال عمدی منسوبین عسکری و سایر اشخاص تابع این قانون علیه استقلال، تمامیت ارضی حاکمیت ملی و قدرت دفاعی دولت جمهوری اسلامی افغانستان، خیانت به وطن پنداشته شده وشامل موارد ذیل می‌باشد:

۱- پیوستن به دشمن.

۲-تسلیمی نیروهای تحت اثربه

تسلیمول.
۳- دښمن ته د مرستې په منظوردسلاح، محاربوي تخنیک، استحکاماتو او دجګړې دپرمخ بیولو دنورو وسیلو پرښوول.
۴- د دولتي قدرت دنیولو په مقصد، د دولت پرضد توطئه.
۵- د دولت پرضد دګټې اخستنی په غرض، بهرني دولت، دولتي ضد سازمانونو او دهغو جاسوسانوته دتسلیمولو په منظور دمسلحو قواوو، دوطن د دفاع په لاره کې دمحاربوي عملیاتو، داحضاراتو دنیولو، دهېواد د دفاعي وړتیا او دنورو معلوماتو غلاکول او دپټو معلوماتو ټولول.
۶- دمسلحو قواوو دمحاربوي وړتیا پرضد دعسکري منسوبانوپه منځ کې تبلیغات او دافغانستان اسلامي جمهوریت پرضد دهرډول خصمانه عملونو ترسره کول.
(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې ددرج شویو جرمونو یو له مرتکبینو څخه، داحوالو سره سم له پنځلسو څخه ترشل کلونوپورې دحبس په جزایا اعدام محکومېږي.
(۳) که چېرې عسکري منسوب دشمن.
۳- واګذاری سلاح، تخنیک محاربوی، استحکامات و سایر وسایل پیشبرد جنګ به منظور مساعدت به دشمن.
۴- توطئه علیه دولت به مقصد گرفتن قدرت دولتی.
۵- سرقت و جمع آوری معلومات سری راجع به قوای مسلح، عملیات محاربوی جهت دفاع از وطن، گرفتن احضارات، قابلیت دفاعی کشور و سایر معلومات غرض استفاده علیه دولت به منظور تسلیمی به دولت خارجی، سازمان های ضد دولتی یا جواسیس آنها.
۶- تبلیغات در بین منسوبین عسکری علیه قابلیت محاربوی قوای مسلح و انجام هر نوع اعمال خصمانه علیه جمهوری اسلامی افغانستان.
(۲) مرتکبین یکی از جرایم مندرج فقرهٔ (۱) این ماده، حسب احوال به جزای حبس از پانزده الی بیست سال یا اعدام محکوم می‌گردد.
(۳) هرگاه منسوب عسکری

دافغانستان اسلامي جمهوريت پرضد دخصمانه عملونو دترسره کولو لپاره ، ددې مادې په (۱) فقره کې د درج شويو عملونو په ارتکاب ، بهرني دولت ، دولتي ضد سازمان يا دهغوله جاسوسانو سره موافقه وکړي، په هغه صورت کې چې په عمل له اقدام مخکې دولتي ارګانونوته داوطلبانه له موضوع څخه خبرورکړي، له مجازاتو څخه معافېږي.

جهت اجرای اعمال خصمانه علیه جمهوری اسلامی افغانستان در ارتکاب اعمال مندرج فقرۀ (۱) این ماده با دولت خارجی، سازمان ضد دولتی یا جواسیس آنها موافقت نماید در صورتی که قبل از اقدام به عمل، به ارگانهای دولتی داوطلبانه از موضوع اطلاع دهد ، از مجازات معاف می‌گردد.

د ډار او وهم له اثره تسليمېدل اووه لسمه ماده:

که چېرې عسکري منسوب د ډار او وهم له اثره دښمن ته تسليم شي، د احوالو سره سم له يوه څخه تر پنځوکلونوپورې دحبس په جزاء محکومېږي.

تسلیمی از اثر ترس و وهم مادۀ هفدهم:

هرگاه منسوب عسکری از اثر ترس و وهم به دشمن تسلیم گردد ، حسب احوال به جزای حبس از یك الی پنج سال محکوم می‌گردد.

دمحاربې له صحني څخه تېښته يادوسلې له استعمالولوڅخه امتناع اتلسمه ماده:

که چېرې عسکري منسوب د محاربې له صحني څخه وتښتي يا دوسلې له استعمالولو څخه د محاربې په اثنا کې امتناع وکړي ،

فرار از صحنۀ محاربه یا امتناع از استعمال سلاح مادۀ هجدهم:

هرگاه منسوب عسکری از صحنۀ محاربه فرار یا از استعمال سلاح در اثنای محاربه امتناع ورزد ، حسب

داحوالوسره سم له پنځوڅخه ترلسوکلونو پورې دحبس په جزاء محکومېږي.

احوال به جزای حبس از پنج الی ده سال محکوم می‌گردد.

دښمن ته دجګړې دپرمخ بیولو وسیلو پرېښودنه

نولسمه ماده:

که چېرې عسکري منسوب محاربوي تخنیک، وسله، استحکامات یا نور دجګړې دپرمخ بیولو وسایل دښمن ته چې دجګړې حالت هغه ایجاب نکړي او دهغه هدف وطن ته خیانت نه وي، پرېږدي، داحوالو سره سم له دووڅخه ترلسوکلونو پورې دحبس په جزاء محکومېږي.

واگذاری وسایل پیشبرد جنگ به دشمن

مادۀ نزدهم:

هرگاه منسوب عسکری تخنیك محاربوی، سلاح، استحکامات یا سایر وسایل پیشبرد جنگ را به دشمن که حالت محاربه آنرا ایجاب نکند و هدف آن خیانت به وطن نباشد، واگذار شود. حسب احوال به جزای حبس از دو الی ده سال محکوم می گردد.

نه اطاعت

شلمه ماده:

(۱) که چېرې عسکري منسوب دآمردقانونی امرله ترسره کولو څخه صریحاً امتناع وکړي یا عمداً دهغه له ترسره کولو خودداري وکړي، دهغه دغه عمل نه اطاعت ګڼل کېږي، داحوال سره سم له شپږومیاشتو څخه تریوه کاله دحبس په جزاء محکومېږي.

عدم اطاعت

مادۀ بیستم:

(۱) هرگاه منسوب عسکری از اجرای امر قانونی آمر صریحاً امتناع ورزد یا عمداً از اجرای آن خود داری نماید، این عمل وی عدم اطاعت پنداشته شده، حسب احوال به جزای حبس ازشش ماه الی یك سال محکوم می‌گردد.

(۲) کـه چېـرې ددې مـادې پـه (۱) فقره کې درج شوی عمل دسفر یا جګړې یامحـاربې پـه حالـت کـې ارتکاب ومومی، مرتکب د احوالو سره سم لـه یـوه څخـه تر پنځوکلونو پورې دحبس په جزاء محکومېږي.

(۲) هرگاه عمـل منـدرج فقرۀ (۱) ایـن مـاده در حالـت سـفر یـا جنگ یـا محاربـه، ارتکـاب یابـد، مرتکـب حسب احـوال بـه جـزای حبس یـك الـی پـنج سـال محکـوم می‌گردد.

دآمرتهدیدول

یوویشتمه ماده:

(۱) کـه چېـرې عـسکري منسوب، آمـر دعـسکري دنـدو دترسره کولـو په اړوند پـه ضرب او جرح یـا وهلو او ټکولـو یـا وژلـو تهدیـد کـړي، داحوالـو سره سم لـه یـوې میاشـتې څخـه تریـوکال دحـبس پـه جـزاء محکومېږي.

(۲) کـه چېـرې ددې مـادې پـه (۱) فقره کې درج شـوي عملونـه دسفر یـاجګړې یامحـاربې پـه وخـت کـې ارتکاب ومـومي، مرتکب د احوالـو سره سم لـه شپږومیاشـتو څخـه تـر درې کلونـــو دحـــبس پـــه جـــزاء محکومېږي.

تهدید آمر

مادۀ بیست و یکم:

(۱) هرگـــاه منـــسوب عـــسکری آمـر را بـه ارتبـاط اجرای وظـایف عـسـکری بـــه ضـــرب و جـرح یـا لـت و کـــوب یـــا قتـــل تهدیـد نمایـد، حسب احـوال بـه جـزای حـبس ازیـك مـاه الـی یـك سـال محکوم می گردد.

(۲) هرگاه اعمال مندرج فقرۀ (۱) ایـــن مـــاده در زمـــان ســـفر، یـــا جنـــگ یـــا محاربـــه ارتکـــاب یابـــد، مرتکـــب حـــسب احـــوال بـــه جـــزای حـــبس از شـــش مـــاه الـــی ســـه ســـال محکـــوم می‌گردد.

دعسکري منسوب توهين
دوه ويشتمه ماده:
(۱) کـه چېـرې عـسکري منـسوب خپل آمر يـا مـادون په غير اجبـاري عمـل چـې دعـسکري شـرف او حيثيت دتحقير موجب شي، توهين کړي، له يوې څخه ترشپږو مياشتو دحبس په جزاء محکومېږي.
(۲) کـه چېـرې عـسکري منـسوب خپل آمر يا مادون په اجباري عمل چـې دعـسکري شـرف او حيثيـت دتحقير موجب شي، تـوهين کړي، د احوالـو سره سم لـه درې څخـه تر شپږومياشـتو دحـبس پـه جـزاء محکومېږي.

توهين منسوب عسکری
مادۀ بيست و دوم:
(۱) هرگاه منسوب عسکری آمر يا مادون خود را با عمل غير اجباری کـه موجب تحقيـر شـرف وحيثيـت عـسکری گـردد ، تـوهين نمايـد ، حسب احوال بـه جزای حبس ازيك الی شش ماه محکوم می گردد .
(۲) هرگـاه منـسوب عـسکری آمـر يا مـادون خود را بـا عمـل اجبـاری که موجب تحقيـر شـرف و حيثيـت عـسکری گـردد ، تـوهين نمايـد ، حـسب احـوال بـه جـزای حـبس از سـه الـی شـش مـاه مـحکوم می گردد .

په اجباري عمل سره ديوه عسکر په واسطه دبل عسکر توهين درويشتمه ماده:
که چېرې يوعسکر، بل عسکر چې دهغـو تـرمنځ دآمريـت او مادونيـت اړيکـې موجـودې نـه وي، تـوهين کـړي، د احوالـو سـره سـم لـه يـوې څخـه ترشـپږو مياشـتو دحـبس پـه جزاء محکومېږي.

توهين يك عسکر توسط عسکر ديگر با عمل اجباری
مادۀ بيست و سوم:
هرگاه يك عسکر، عسکر ديگری را که در بين آن ها ارتباط آمريت و مادونيت موجود نباشد ، توهين نمايد ، حسب احوال به جزای حبس از يـك الـی شـش مـاه محکـوم می گردد .

عسکري بغاوت

څلپریشتمه ماده:

کـه چېرې عـسکري منـسوبین پـه شوراو غوغا په ښکاره ټولنې سره دخپـل آمـر پـه وړانـدې پـه بـې اطاعتی ِ یامقاومت سره په تعرض اقدام وکړي، دغـه عمـل عـسکري بغـــاوت محـــسوبېږي، دهغـــه مرتکبین د احوالو سره سم دحضرپه حالت کې لـه یونـه ترپنځـو کلونـو حبس په جزاء، دسفرپه حالت کې لـه دوونه ترلسو کلونو دحبس په جزاء، دجګړې پـه حالـت کـې دپنځـو نـه ترپنځلسو کلونو دحبس په جزاء او دمحاربې په حالت کې لـه لسونه ترشـلو کلونـو دحـبس پـه جـزاء محکومېږي.

بغاوت عسکری

مادۀ بیست و چهارم:

هـــرګاه منـــسوبین عـــسکری بـا شـــور و غـــوغا بـــه اجتماع علنی در برابر آمر خود با بی اطاعتی یا مقاومت به تعرض اقدام نمایند ایـن یـك عمـل بغـاوت عـسکری محسوب شده، مرتکبین آن حسب احـــوال درحالـــت حـــضر بـــه جـــزای حـــبس یـــك الـــی پـــنج ســـال در حالـــت ســـفر بـــه جـــزای حـــبس دو الـــی ده ســـال، در حالـــت جنـــگ بـــه جـــزای حـــبس پـنج الـی پـانزده سـال و در حالـت محاربـــه بـــه جـــزای حـــبس ده الـــی بیـــست ســـال محکـــوم می گردند.

د نوکریـــوالی ِ دترســـره کولـــو دمقرراتو نقضول

پنځه ویشتمه ماده:

(۱) که چېرې دنوکریوالی ِ دجزوتـام پـه ترکیـب کـې شـامل عـسکري منسوب چې د اړونده آمرپه واسطه ددښمن دناڅاپي حملې دمخنیوي لپـــاره توظیـــف شـــوی وي، دنوکریـوالی ِ ترسره کولـو مقـررات

نـــقض مـــقررات اجـــرای نوکریوالی

مادۀ بیست و پنجم:

(۱) هرگاه منسوب عسکری شامل ترکیـب جزوتـام نوکریـوال کـه توسط آمر مربوطه جهت جلوگیری از حملۀ ناگهـانی دشـمن توظیـف شـده باشـد، مقـررات اجـرای نوکریـوالی را نقـض نمایـد، حسب

نقض کړي، داحوالو سره سم له شپږومیاشتو څخه تریوه کاله دحبس په جزاء محکومېږي.
(۲) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوی عمل دسفر، جنګ یادمحاربې په حالت کې ارتکاب ومومي یا د درنو عواقبو موجب شوی وي، مرتکب داحوالو سره سم له یوه څخه ترپنځوکلونو دحبس په جزاء محکومېږي.

احوال به جزای حبس از شش ماه الی یک سال محکوم می‌گردد.
(۲) هرگاه عمل مندرج فقرۀ (۱) این ماده در حالت سفر، جنگ یا محاربه ارتکاب یابد یا موجب عواقب سنگین شده باشد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس از یك الی پنج سال محکوم می‌گردد.

دقراول دخدمتونودمقرراتو نقضول شپږویشتمه ماده :
(۱) که چېرې دقراول یا هغې پوستې په ترکیب کې شامل عسکري منسوب چې دوسلې، مهماتو، محاربوي تخنیک یا دنورو مهمو هدفونو دساتنې په غرض توظیف شوی وي، دقراول د خدمتونو مقررات نقض کړي او دهغه عمل د زیان بښونکوعواقبو موجب نشي، داحوالو سره سم له یوې څخه ترشپږو میاشتو دحبس په جزاء محکومېږي.
(۲) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوی عمل دسفر یا جګړې یامحاربې په حالت کې

نقض مقررات خدمات قراول مادۀ بیست و ششم:
(۱) هرگاه منسوب عسکری شامل ترکیب قراول یا پوسته‌ای که غرض حفاظت سلاح، مهمات، تخنیك محاربوی یا سایر اهداف مهم توظیف شده باشد، مقررات خدمات قراول را نقض و عمل وی موجب عواقب زیان بخش نشده، حسب احوال به جزای حبس از یك الی شش ماه محکوم می‌گردد.
(۲) هرگاه عمل مندرج فقرۀ (۱) این ماده در حالت سفر یا جنگ یا محاربه ارتکاب یابد،

ارتکاب ومومي، مرتکب د احوالو سره سم له شپږومیاشتوڅخه تریوه کاله دحبس په جزاء محکومېږي.

(۳) کـه چېـرې د قـراول يـاهغې پوسـتې پـه ترکيـب کـې شـامل عـسکري منـسوب چې دو سلې ، مهماتو، محاربوي تخنیک یا نورو مهمـو هـدفونو دساتنې پـه غـرض توظيـــف شـــوی وي د قـــراول دخدمتونو مقررات نقض کړي او دهغـه عمـل دزيـان بـښونکوعواقبو موجـب شـي چې قـراول یاپوسـته دهغـو دمخنيـوی لپـاره توظيـف شوې، له يوه څخه تر دوو کلونو د حبس په جزاء محکومېږي.

(۴) کـه چېـرې ددې مـادې پـه (۳) فقـره کـې درج شـوی عمـل دسـفر يـاجګړې يامحـاربې پـه حالـت کـې ارتکاب ومومي ، مرتکب د احوالو سـره سـم لـه دووڅخـه ترپنځوکلونـو دحبس په جزاء محکومېږي.

مرتکـب حـسب احـوال بـه جـزای حبس از شش مـاه الـی یـك سـال محکوم می گردد.

(۳) هرگاه منسوب عسکری شامل ترکیـب قـراول یـا پوسـته‌ای کـه غـرض حفاظـت سـلاح، مهمـات، تخنیك محاربوی یا سایر اهداف مهم توظیف شده باشد، مقررات خـدمات قـراول را نقـض نمایـد و عمـل وی موجـب عواقـب زیـان بخـشی گـردد کـه قـراول یـا پوســته جهــت جلــوگیری از آن توظیف شده حسب احوال به جزای حبس از یك الی دو سال، محکوم می‌گردد.

(۴) هرگـاه عمـل منـدرج فقـرۀ (۳) ایــن مــاده در حالــت ســفر یــا جنـگ یـا محاربـه ارتکـاب یابـد مرتکـب حـسب احـوال بـه جـزای حـــبس از دو الـــی پـــنج ســـال، محکوم می گردد .

دګزمې دمقرراتو نقضول

اووه ویشتمه ماده:

(۱) که چېرې دګزمې په ترکیب کې عـسکري منـسوب دګزمـې دترسـره کولـو مقـررات نقـض کړي او دهغـه

نقض مقررات گزمه

مادۀ بیست و هفتم:

(۱) هرگاه منسوب عسکری شامل ترکیب گزمه، مقررات اجرای گزمه را نقض نماید و عمل وی موجب

عمل دزیان بښونکو عواقبو موجب شي چې ګزمه دهغو دمخنیوی لپاره توظیف شوې ده، داحوالو سره سم له شپږومیاشتو څخه تریوه کاله دحبس په جزاء محکومېږي.
(۲) کـه چېرې ددې مادې پـه(۱) فقره کې درج شوی عمل دسفریا جګړې یامحاربې په حالت کې ارتکاب ومومي، مرتکب د احوالو سره سم لـه یـوه څخه ترپنځـو کلونودحبس په جزاء محکومېږي.

عواقب زیان بخشی گردد که گزمه جهت جلوگیری از آن توظیف شده باشد، حسب احوال به جزای حبس از شش ماه الی یك سال، محکوم می‌گردد.
(۲) هرگاه عمل مندرج فقرۀ (۱) این ماده در حالت سفر یا جنگ یا محاربه ارتکاب یابد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس از یك الی پنج سال، محکوم می‌گردد.

د داخله خدمتونو دمقرراتو نقضول اته ویشتمه ماده:

(۱) کـه چېرې په قطعې کې داخل د(۲۴) ساعته نوکریوالی په ترکیب کې شامل عسکري منسوب چې د داخله خدمتونو دترسره کولو لپاره تؤظیف شوی، د داخله خدمتونو مقررات نقض کړي او دهغه دغه عمل دزیان بښونکوعواقبو موجب شي چې نومورې مؤظف دهغو په مخنیوی مکلف شوی دی، داحوالو سره سم له یوې میاشتې څخه تریوه کاله دحبس په جزاء محکومېږي.
(۲) کـه چېرې ددې مادې پـه(۱) فقـره کـې درج شـوی عمـل

نقض مقررات خدمات داخله مادۀ بیست و هشتم:

(۱) هرگـاه منـسوب عـسکری مؤظـف شـامل ترکیـب نوکریـوال (۲۴) ساعتۀ داخل قطعه که جهت اجـرای خـدمات داخلـه تؤظیـف شـده، مقـررات خـدمات داخلـه را نقض نماید و این عمل وی موجب عواقـب زیـان بخـشی کـه مؤظـف مـذکور مکلـف بـه جلـوگیری از آن باشـد گـردد، حـسب احـوا ل بـه جـزای حـبس از یـك مـاه الـی یـك سال، محکوم می‌گردد.
(۲) هرگـاه عمـل منـدرج فقـرۀ (۱) ایـن مـاده در زمـان سـفر، جنـگ

دسفر،جګړې یامحاربې په وخت کې ارتکاب ومومي ، مرتکب د احوالو سره سم له یوه څخه تردرې کلونو دحبس په جزاء محکومېږي.

یا حالت محاربه ارتکاب یابد ، مرتکب حسب احوال به جزای حبس از یك الی سه سال، محکوم می گردد.

د الوتنویادهغولپاره داحضاراتو دمقرراتو نقضول

نهه ویشتمه ماده:

(۱) که چېرې عسکري منسوب د الوتنویاداحضاراتو دنیولو په اړوندو اصولنامو او دستورالعملونو کې درج شوي مقررات نقض کړي او دهغه دغه عمل دزیان موجب نشي د احوالو سره سم له شپږومیاشتو څخه تریوه کاله دحبس په جزاء محکومېږي.

(۲) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې د درج شویو مقراتو نقضېدل، دشخص یااشخاصو د مړینې، دالوتنې د دستګاه دتخریب یانورو زیان بښونکو او درنو عواقبو باعث شي مرتکب د احوالو سره سم له پنځوڅخه ترپنځلسو کلونو دحبس په جزاء محکومېږي.

نقض مقررات پروازها یا احضارات برای آن

مادۀ بیست و نهم:

(۱) هرگاه منسوب عسکری مقررات پروازها یا گرفتن احضارات مندرج اصولنامه و دستورالعمل‌های مربوط را نقض نماید و این عمل وی موجب خساره نگردد حسب احوال به جزای حبس از شش ماه الی یك سال، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه نقض مقررات مندرج فقرۀ (۱) این ماده باعث مرگ شخص یا اشخاص، تخریب دستگاه پرواز یا سایر عواقب زیان بخش و یا سنگین گردد ، مرتکب حسب احوال به جزای حبس از پنج الی پانزده سال، محکوم می گردد.

د چلوني دمقرراتو نقضول
دپرشمه ماده:

(۱) کـه چېـرې عـسکري منـسوب دمحـــاربوي، مخـــصوصې يـــا عـــسکري ترانـــسپورتي واســـطې دچلوني مقررات نقض کړي اودغـه عمل دشخص يااشخاصو دجسمي جراحـاتو يـا دلـسوزروافغانيوڅخه په زيات ارزښت دمالي زيان موجب شـي، د احوالـو سـره سـم دشـپړو مياشتو څخه تريـوه کالـه دحبس پـه جـزاء او د اړول شـوي زيـان پـه جبرانولو محکومېږي.

(۲) کـه چېـرې ددې مـادې پـه(۱) فقـره کـې درج شـوی عمـل ديـوه شخص دمړينې ،دعسکري واسطې دتخريـب ،دزيـان بـښونکو يـا نـورو درنـو عواقبـو باعـث شـي ،مرتکـب داحوالو سره سم لـه يـو نـه تـر پنځـو کالونو دحبس په جزامحکومېږي.

(۳) که چيرې ددې مادې په لومړۍ فقـره کـې درج شـوی عمـل د اشخاصـو دمړينـې ،دمحـاربوي دنـدې د ترسـره کولوداخـلال او يـا درنـو عواقبـو سبب شـي ،مرتکـب داحوالو سره سم لـه دريـو نـه تـرلسو کلونـو پـوري دحـبس پـه جـزا

نقض مقررات رانندگی
مادۀ سی ام:

(۱) هرگـاه منـسوب عـسکری مقـررات راننـدگی واسـطۀ محـاربوی، مخـصوص يـا ترانـسپورت عـسکری را نقـض نماید و این عمل موجب جراحات جـسمی شـخص يـا اشـخاص يـا خسارۀ مالی به ارزش بیشتر از ده هزار افغـانی گردد، حسب احـوال به جزای حبس از شش ماه الی يك سـال و جبـران خـسارۀ وارده، محکوم می‌گردد.

(۲) هرگـاه عمـل منـدرج فقـرۀ (۱) این ماده باعث مرگ شخص واحد و يـا تخريـب واسـطه عـسکری يـا عواقـب زيـان بخـش گـردد، مرتکـب حسب احـوال بـه جـزای حبس از يك الی پنج سال محکوم می‌گردد.

(۳) هرگـاه عمـل منـدرج فقـره (۱) ايـن مـاده باعـث مـرگ اشـخاص، اخـلال اجـرای وظيفـه محـاربوی يـا عواقـب سـنگين گـردد، مرتکـب حـسب احـوال بـه جـزای حـبس از سـه الـی ده سـال محکـوم

محکومیږي.

دعسکري تخنیک دساتنې اواستعمالولو دمقرراتونقضول یودپرشمه ماده:

(۱) که چېرې عسکري منسوب دعسکري تخنیک دساتنې او استعمالولو مقررات نقض کړي اودهغه عمل دشخص یا اشخاصو دجسمي جراحتونو یامالي زیان موجب شي، د احوالو سره سم دیوه څخه تردرې کلونو دحبس او د اړول شوي زیان د جبرانولو په جزاء محکومیږي.

(۲) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوی عمل دشخص یااشخاصودمرینې، دعسکري تخنیک دتخریب، دزیان ښونکو یا درنو عواقبوموجب شي، مرتکب داحوالو سره سم د درې څخه ترپنځلسو کلونو دحبس او داړول شوي زیان دجبرانولو په جزاء محکومیږي.

می گردد.

نقض مقررات حفاظت واستعمال تخنیك عسکری

مادۀ سی و یکم:

(۱) هرگاه منسوب عسکری مقررات حفاظت و استعمال تخنیك عسکری را نقض نماید و عمل وی موجب جراحات جسمی شخص و یا اشخاص یا خسارۀ مالی گردد، حسب احوال به جزای حبس از یك الی سه سال و جبران خسارۀ وارده، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه عمل مندرج فقرۀ (۱) این ماده موجب مرگ شخص یا اشخاص، تخریب تخنیك عسکری عواقب زیان بخش و یا سنگین گردد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس از سه الی پانزده سال و جبران خسارۀ وارده محکوم می گردد.

دوسلي، مهماتو، چاودبدونکو موادو او نورو خطرناکو موادو داستعمالولو دمقرراتو نقضول دوه دېرشمه ماده:

(۱) که چېرې عسکري منسوب دوسلي، مهماتو، چاودبدونکو موادو او نورو خطرناکو موادو داستعمالولو مقررات نقض کړي اودهغه عمل دشخص یااشخاصو دجسمي راحتونو، یامالي زیان موجب شي، د احوالو سره سم له یوه څخه تردرې کلونو دحبس په جزاء محکومېږي.

(۲) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوی عمل دشخص اویااشخاصودمرینې یا اطرافیانو ته دزیان ښبونکواو یا درنو عواقبو باعث شي، مرتکب د احوالو سره سم دپنځوڅخه ترپنځلسو کلونو دحبس په جزاء محکومېږي.

د نورو عسکري مقرراتو نقضول دري دېرشمه ماده:

(۱) که چېرې عسکري منسوب نور عسکري مقررات نقض کړي اودهغه عمل دزیان ښبونکو یادرنو عواقبو موجب نه وي ګرځېدلی،

نقض مقررات استعمال سلاح، مهمات، مواد منفلقه و سایر مواد خطرناك

مادۀ سی و دوم:

(۱) هرگاه منسوب عسکری مقررات استعمال سلاح، مهمات، مواد منفلقه و سایرمواد خطرناك را نقض نماید و عمل وی موجب جراحات جسمی شخص یا اشخاص یا خسارۀ مالی گردد، حسب احوال به جزای حبس از یك الی سه سال، محکوم می‌گردد.

(۲) هرگاه عمل مندرج فقرۀ (۱) این ماده باعث مرگ شخص و یا اشخاص یا عواقب زیان بخش و یا سنگین برای اطرافیان گردد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس از پنج الی پانزده سال، محکوم می‌گردد.

نقض سایر مقررات عسکری

مادۀ سی و سوم:

(۱) هرگاه منسوب عسکری سایر مقررات عسکری را نقض نماید و عمل وی موجب عواقب زیان بخش یا سنگین نگردیده باشد،

داحوالوسره سم له شپږو میاشتو څخه تردږې کلونو دحبس په جزاء محکومېږي.

(۲) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوی عمل دسفر، جګړې یامحاربې په حالت کې ارتکاب او دزیان ښښونکو او درنو عواقبو موجب شي، مرتکب داحوالو سره سم له پنځوڅخه ترلسوکلونو دحبس په جزاء محکومېږي.

(۳) که چېرې ددې مادي په لومړۍ فقره کې درج شوی عمل دحضر په حالت کې ارتکاب او د زیان ښښونکواو درنو عواقبو سبب شی، مرتکب داحوالو سره سم له یونه ترپنځوکلونو پوري دحبس په جزا محکومېږي.

حسب احوال به جزای حبس از شش ماه الی سه سال، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه عمل مندرج فقرهٔ (۱) این ماده در حالت سفر، جنگ یا محاربه ارتکاب، و موجب عواقب زیان بخش یا سنگین گردد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس از پنج الی ده سال، محکوم می‌گردد.

(۳) هرگاه عمل مندرج فقره (۱) این ماده در حالت حضر ارتکاب و موجب عواقب زیان بخش یا سنگین گردد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس از یك الی پنج سال محکوم می‌گردد.

دوسلې، مهماتو، چاودېدونکو موادو، عسکري تخنیک او نورو محاربوي وسایلو غیرقانوني اکتساب

څلورديرشمه ماده:

(۱) که چېرې عسکري منسوب، په دولت پورې مربوط وسلې، مهمات، چاودېدونکي مواد او نور

اکتساب غیرقانونی سلاح، مهمات، مواد منفلقه، تخنیك عسکری و سایر وسایل محاربوی

مادهٔ سی و چهارم:

(۱) هرگاه منسوب عسکری سلاح، مهمات، مواد منفلقه و سایر وسایل محاربوی

محاربوي وسايل په غير قانوني توګه ترلاسه (اکتساب) کړي، د احوالو سره سم له پنځو نه ترلسو کلونو پورې د حبس په جزاء محکومېږي.

(۲) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوی عمل په متوالي صورت سره داشخاصو دګروپ په واسطه دمخکني تصميم په نيولو سره يادهغه شخص په واسطه چې محاربوي وسايل دهغه ترساتنې لاندې قرارلري، ارتکاب ومومي، مرتکب د احوالو سره سم له لسو څخه ترپنځلسو کلونو د حبس په جزاء محکومېږي.

(۳) که چېرې ددې مادې په (۲) فقره کې درج شوی عمل ، دسفر، جګړې يامحاربې په حالت کې ارتکاب او دزيان بښونکو او درنو عواقبو موجب شي ، مرتکب د احوالو سره سم د دوام حبس په جزاء محکومېږي.

مربوط به دولت را به طور غیر قانونی اکتساب نماید ، حسب احوال به جزای حبس از پنج الی ده سال، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه عمل مندرج فقرۀ (۱) این ماده به صورت متوالی، توسط گروپ اشخاص با اتخاذ تصمیم قبلی یا توسط شخصی که وسایل محاربوی تحت حفاظت وی قرار دارد ارتکاب یابد ، مرتکب حسب احوال به جزای حبس ده الی پانزده سال، محکوم می گردد.

(۳) هرگاه عمل مندرج فقرۀ (۲) این ماده در حالت سفر، جنگ یا محاربه ارتکاب و موجب عواقب زیان بخش یا سنگین گردد ، مرتکب حسب احوال به جزای حبس دوام محکوم می گردد.

دوسلي، مهماتو، چاودېدونکومواډو، عسکري تخنیک او نورومحاربوي وسایلو پېرودل یا پېرل

پنځه دېرشمه ماده:

(۱) کـه چېرې عسکري منسوب وسلې، مهمات، چاودېدونکي مواد، عسکري تخنیک او نورمحاربوي وسایل چې ددندې دترسره کولولپاره هغه ته سپارل شوي دي وپلوري، پلورونکی او پېرودونکی د احوالو سره سم له دوو کلونو څخه ترپنځوکلونو دحبس او دزیان دجبرانولو په جزاء محکومېږي. په دې شرط چې دهغوی هدف له دښمن سره مرسته نه وي.

(۲) کـه چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوی عمل دسفر، جګړې یامحاربې په حالت کې ارتکاب ومومي اویا دزیان ښښونکو یادرنو عواقبو موجب شي، مرتکب داحوالو سره سم له پنځو څخه ترشلوکلونودحبس او داړول شوي زیان دجبرانولو په جزاء محکومېږي.

فروش یا خریداری سلاح، مهمات، مواد منفلقه، تخنیک عسکری و سایر وسایل محاربوی

مادۀ سی و پنجم:

(۱) هرگاه منسوب عسکری سلاح، مهمات، مواد منفلقه، تخنیک عسکری و سایر وسایل محاربوی را که جهت اجرای وظیفه به وی سپرده شده است بفروشد، فروشنده و خریدار حسب احوال به جزای حبس از دو الی پنج سال و جبران خسارۀ وارده، محکوم می‌گردد. مشروط بر اینکه هدف آنها مساعدت به دشمن نباشد.

(۲) هرگاه عمل مندرج فقرۀ (۱) این ماده در حالت سفر، جنگ یا محاربه ارتکاب یابد و یا موجب عواقب زیان بخش یا سنگین گردد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس پنج الی بیست سال و جبران خسارۀ وارده، محکوم می‌گردد.

دوسلې،مهماتو، چاودېدونکو موادو، عسکري تخنيک او نورو محاربوي وسايلو ورک کېدل اوتخريبېدل

شپږمه برشمه ماده:

(۱) کـه چېرې عسکري منسوب وسلې، مهمات، چاودېدونکي مواد، عسکري تخنيک او نورمحاربوي وسايل چې ددندې دترسره کولو لپاره هغه ته سپارل شوي دي دهغو دساتنې دمقرراتو دنقضولو په اثر ورک يا تخريب کړي، د احوالو سره سم له يوې مياشتې څخه تريوه کاله دحبس او دارول شوي زيان دجبرانولو په جزاء محکومېږي.

(۲) کـه چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوی عمل دسفر ياجګړې يامحاربې په حالت کې ارتکاب او د زيان بښونکو او يادرنوعواقبو موجب شي، مرتکب له يوه څخه ترپنځوکلونو دحبس او د اړول شوي زيان دجبرانولو په جزاء محکومېږي.

مفقودی یا تخریب سلاح، مهمات، مواد منفلقه، تخنیک عسکری و سایر وسایل محاربوی

مادۀ سی و ششم:

(۱) هرگاه منسوب عسکری سلاح، مهمات، مواد منفلقه، تخنیک عسکری و سایر وسایل محاربوی را که جهت اجرای وظیفه به وی سپرده شده بالاثر نقض مقررات حفاظت آن مفقود یا تخریب نماید، حسب احوال به جزای حبس از یک ماه الی یک سال و جبران خسارۀ وارده محکوم می گردد.

(۲) هرگاه عمل مندرج فقرۀ (۱) این ماده در حالت سفر یا جنگ یا محاربه ارتکاب و یا موجب عواقب زیان بخش و یا سنگین گردد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس از یک الی پنج سال و جبران خسارۀ وارده محکوم می گردد.

د وسلې، مهماتو، عسکري تخنیک او نورو محاربوي وسایلو له منځه وړل او عارضه داره کول

اووه دېرشمه ماده:

(۱) کـه چېـرې عـسکري منـسوب، وسلې، مهمـات یاعسکري تخنیـک او نورمحـاربوي وسـایل پـه عمـدي توګه عارضـه داره کړي او یـایې لـه منځـه یوسي، داحوالـو سره سم لـه یوه څخه ترلسو کلونو دحبس او د اړول شوي زیان د جبرانولو پـه جزاء محکومېږي.

(۲) کـه چېـرې ددې مـادې پـه (۱) فقـره کـې درج شـوی عمـل دسـفر، جګړې یامحـاربې پـه حالـت کـې ارتکـاب او دزیـان بـښونکو او یادرنو عواقبو موجب شي، مرتکب د احوالـو سـره سـم لـه پنځوڅخـه ترشـلوکلونو دحبس او دا ړول شـوي زیـان دجبرانولوپـه جـزاء محکومېږي.

(۳) دواکمنـو مقـامونو دتجـویز مطابق دوسلو، مهماتو، عسکري تخنیک او نورو محاربوي وسایلو له منځـه وړل ددې مـادې پـه (۱ او۲) فقرو کې لـه درج شـوي حکم څخه مستثني دی.

از بین بردن وعارضه دار ساختن سلاح، مهمات، تخنیك عسکری و سایر وسایل محاربوی

مادۀ سی و هفتم:

(۱) هرگـاه منـسوب عـسکری سلاح، مهمات یا تخنیك عسکری و سایر وسایل محاربوی را عمداً عارضـه دار سـاخته و یـا از بـین ببـرد، حـسب احـوال بـه جـزای حبـس از یـك الـی ده سـال و جبـران خـسارۀ وارده، مـحـکوم می گردد.

(۲) هرگاه عمل مندرج فقرۀ (۱) ایـن مـاده در حالـت سـفر، جنـگ، یـا محاربـه ارتکـاب و موجـب عواقـب زیـان بخـش و یـا سـنگین گـردد، مرتکـب حـسب احـوال بـه جـزای حـبس از پـنج الـی بیـست سـال و جبـران خـسارۀ وارده، محکـوم می‌گردد.

(۳) از بین بردن سلاح و مهمات، تخنیك عـسکری و سـایر وسـایل محـاربوی طبـق تجـویز مقامـات ذیصلاح از حکم مندرج فقره های (۱و۲) ایـن مـاده مـستثنی می باشد.

د دولتي اسرارولرونکي عسکري معلوماتو افشاء کول

اته دېرشمه ماده :

(۱) که چېرې عسکري منسوب د دولتي اسرارو لرونکي عسکري معلومات چې هدف ئې وطن ته خیانت نه وي، افشاء کړي، د احوالو سره سم له دري میاشتو څخه تردرې کلونو دحبس په جزاء محکومېږي.

(۲) که چېرې معتمد شخص ، دعسکري معلوماتو لرونکي سندونه یاهغه شیان چې دهغو په هکله معلومات د دولتي اسرارو دحیثیت لرونکي وي دګټې اخستنې او ساتلو دمقرراتو د نقضولو په اثر ورک کړي، داحوالو سره سم له شپږومیاشتو څخه ترپنځوکلونو دحبس په جزاء محکومېږي.

(۳) که چېرې ددې مادې په (۱ و۲) فقروکې درج شوي عملونه دزیان ښبنونکو او یا درنو عواقبو موجب شي، مرتکب د احوالو سره سم له دوو څخه ترپنځلسو کلونو دحبس په جزاء محکومېږي.

(۴) که چېرې عسکري منسوب

افشای معلومات عسکری حاوی اسرار دولتی

مادۀ سی و هشتم:

(۱) هر گاه منسوب عسکری معلومات عسکری حاوی اسرار دولتی را که هدف آن خیانت به وطن نباشد افشاء نماید ، حسب احوال به جزای حبس از سه ماه الی سه سال، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه شخص معتمد ، اسناد حاوی معلومات عسکری یا اشیایی که معلومات در مورد آنها حیثیت اسرار دولتی را دارا است، بالاثر نقض مقررات استفاده و نگهداری، مفقود نماید ، حسب احوال به جزای حبس از شش ماه الی پنج سال، محکوم می‌گردد.

(۳) هرگاه اعمال مندرج فقره‌های (۱ و۲) این ماده موجب عواقب زیان بخش و یا سنگین گردد ، مرتکب حسب احوال به جزای حبس از دو الی پانزده سال، محکوم می‌گردد.

(۴) هرگاه منسوب عسکری

عسکري معلومات چې دهغه افشاء کول ممنوع وي ولې د دولتي اسرارو حیثیت ولري، افشاء کړي ، د احوالو سره سم له یوې میاشتې څخه ترشپږو میاشتو دحبس په جزاء محکومېږي.

معلومات عسکری را که افشای آن ممنوع بوده ولی حیثیت اسرار دولتی را داشته باشد افشاء نماید ، حسب احوال به جزای حبس از یك الی شش ماه، محکوم می‌گردد.

له واك څخه ناوړه ګټه اخستل، تجاوز یا نه ګټه اخستل

نهه دېرشمه ماده :

(۱) که چېرې عسکري منسوب له خپل دنده ایز واک څخه ناوړه ګټه واخلي یاله هغه څخه تجاوز وکړي او یاله هغه څخه ګټه وانخلي او دغه عملونه په متواتره توګه او مغرضانه وي او یا دپام وړ ضرر موجب شي، د احوالو سره سم له یوه څخه ترلسو کلونو دحبس په جزاء محکومېږي.

(۲) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوي عملونه دزیان ببنونکو او یا درنو عواقبو موجب شي، مرتکب د احوالو سره سم له دووڅخه ترپنځلسوکلونودحبس په جزاء محکومېږي.

(۳) که چېرې ددې مادې په (۱او۲) فقروکې درج شوي عملونه

سوء استفاده، تجاوز و یا عدم استفاده از صلاحیت

مادۀ سی و نهم:

(۱) هرگاه منسوب عسکری از صلاحیت وظیفوی خویش سوء استفاده نموده و یا از آن تجاوز نماید و یا از آن استفاده ننماید این اعمال به طور متواتر و مغرضانه باشد و یا موجب ضرر قابل ملاحظه گردد ، حسب احوال به جزای حبس از یك الی ده سال، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه اعمال مندرج فقرۀ (۱) این ماده موجب عواقب زیان بخش و یا سنگین گردد ، مرتکب حسب احوال به جزای حبس از دو الی پانزده سال، محکوم می‌گردد.

(۳) هرگاه اعمال مندرج فقره‌های (۱و۲) این ماده در حالت سفر

دسفر یا جګړې یامحاربې په حالت کې ارتکاب ومومي، مرتکب د احوالو سره سم له پنځو څخه ترپنځلسو کلونو دحبس په جزاء محکومېږي.

په دنده کې غفلت او سهل انګاري څلوېښتمه ماده:

(۱) که چېرې عسکري منسوب ددندې په ترسره کولوکې غفلت او سهل انګاري وکړي، داحوالو سره سم له یوې میاشتې څخه تریوه کاله دحبس په جزاء محکومېږي.

(۲) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوي عملونه دزیان ښبونکو او یادرنو عواقبو موجب شي دهغه مرتکب د احوالو سره سم له یوه څخه تردرې کلونو دحبس په جزاء محکومېږي.

(۳) که چېرې ددې مادې په (۱و۲) فقروکې درج شوي عملونه دسفر، جګړې یا محاربې په حالت کې ارتکاب ومومي، مرتکب داحوالو سره سم له پنځوڅخه تر پنځلسو کلونو د حبس په جزاء محکومېږي.

یاجنګ یا محاربه ارتکاب یابد مرتکب حسب احوال به جزای حبس از پنج الی پانزده سال، محکوم می‌گردد.

غفلت و سهل انگاری در وظیفه

مادۀ چهلم:

(۱) هرگاه منسوب عسکری در اجرای وظیفه غفلت و سهل انگاری نماید، حسب احوال به جزای حبس از یك ماه الی یك سال، محکوم می‌گردد.

(۲) هرگاه اعمال مندرج فقرۀ (۱) این ماده موجب عواقب زیان بخش ویا سنگین گردد مرتکب آن حسب احوال به جزای حبس از یك الی سه سال، محکوم می‌گردد.

(۳) هرگاه اعمال مندرج فقره‌های (۱و۲) این ماده در حالت سفر، جنگ، یا محاربه ارتکاب یابد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس از پنج الی پانزده سال، محکوم می‌گردد.

له قانوني مقام ياواک څخه ګوښه کول

يوځلوښتمه ماده:

(۱)که چېرې عسکرې منسوب له يوه شخص يا له هغه څخه د ډېرو سره يوځای ديوه عسکري قانوني مقام دګوښه کېدو په قصدموافقه وکړي يالـه قانوني اوامروڅخه سرغړونه وکړي ياد دندو دترسره کولوڅخه امتناع وکړي اويا ګډوډي (تشنج) پيداکړي،داحوالو سره سم له پنځوڅخه تر پنځلسو کلونود حبس په جزاء محکومېږي.

(۲)که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شويوعملونو ديوه ملکي قانوني مقام په اړه صورت موندلي وي چې د شورش، تشنج يانورو بې نظميو باعث شي،مرتکب داحوالوسره سم له پنځوڅخه تر پنځلسو کلونو دحبس په جزاء محکومېږي.

(۳)که چېرې عسکري منسوب ديوه عسکري قانوني مقام دګوښه کولو لپاره دناوړه قصد څخه خبرتياولري، اړوند قوماندان يانور مسؤول مراجع خبرنکړي، داحوالو سره سم له يوه څخه تردرې کلونو

بر کنار نمودن از مقام و یا صلاحیت قانونی

مادۀ چهل و یکم:

(۱) هرگاه منسوب عسکری همراه با یک شخص یا بیشتر از آن به قصد بر کناری یک مقام قانونی عسکری موافقه یا از اوامر قانونی سرکشی نماید یا از اجرای وظایف امتناع ورزد و یا ایجاد تشنج کند، حسب احوال به جزای حبس از پنج الی پانزده سال، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه اعمال مندرج فقرۀ (۱) این ماده در رابطه به یک مقام قانونی ملکی صورت گرفته باشدکه باعث شورش، تشنج و یا سایر بی نظمی ها گردد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس از پنج الی پانزده سال، محکوم می گردد.

(۳) هرگاه منسوب عسکری از سوء قصد جهت برکناری یک مقام قانونی عسکری آگاهی داشته قوماندان مربوط یا سایر مراجع مسئول را مطلع ننماید، حسب احوال به جزای حبس از یک الی

دحبس په جزاء محکومېږي.

سه سال، محکوم می‌گردد.

دګرفتاري (نیولو) پروخت تېښته او مقاومت

دوه څلوېښتمه ماده:

کـه چېـرې ددې قـانون پـه څلورمـه مـاده کـې درج شـوي اشـخاص لـه هغـه شـخص څخـه چـې دهغـو د نیولوواک لـري وتښتي او یـا دهغه په وړاندې مقاومت وکړي دمرتکبه جرم دجزاء برسېره لـه یـوې څخه تر شپږومیاشـتودحبس پـه جـزاء هـم محکومېږي.

فـــرار و مقاومـــت حـــین گرفتاری

مادۀ چهل و دوم:

هرگاه اشخاص مندرج مادۀ چهارم ایـن قـانون از نـزد شخـصی کـه صـلاحیت دسـتگیری وی را دارد، فـرار و یـا در مقابـل آن مقاومـت نمایـد، عـلاوه برجـزای جـرم مرتکبـه بـه جـزای حـبس از یـك الـی شـش مـاه نیـز محکـوم می گردد.

لـه بازداشـت، توقیـف خـانې او یامحبس څخه تېښته

دري څلوېښتمه ماده:

(۱) کـه چېـرې ترنظـارت یـاتوقیف لاندې عسکري منسوب وتښتي یا پرمؤظفـــو اشخاصـــو بانـــدې دغیرقانوني نفوذ له اعمالولو څخه په ګټه اخستنې سره خپله دخوشې کېدو زمینـه برابره کړي، داحوالو سـره سـم لـه دري څخـه ترشـپږو میاشـــتو دحـــبس پـــه جـــزاء محکومېږي.

(۲) کـه چېـرې عـسکري منـسوب

فرار از بازداشت، توقیف خانه و یا محبس

مادۀ چهل و سوم:

(۱) هرگـاه منـسوب عـسکری تحـت نظـارت یـا توقیـف فـرار نمایـد یـا بـا اسـتفاده از اعـمال نفـوذ غیـر قـانونی بـر اشـخاص مؤظـف زمینـه رهـایی خـود را مـساعد سـازد، حسب احـوال بـه جـزای حـبس از سـه الـی شـش مـاه، محکـوم می‌گردد.

(۲) هرگـاه منـسوب عـسکری کـه

چې دواکمنې محکمې دحکم په اساس محکوم شوی خوپه مسلحو قواووکې له دندې څخه منفصل شوی نه وي وتښتي، داحوالو سره سم له شپږو میاشتو څخه تریوه کاله دحبس په جزاء محکومېږي.

به اساس حکم محکمهٔ با صلاحیت به حبس محکوم گردیده ولی از وظیفه در قوای مسلح منفصل نگردیده باشد فرار نماید، حسب احوال به جزای حبس از شش ماه الی یك سال، محکوم می‌گردد.

دشخصي شتمنی تخریب او اتلاف څلورڅلوېښتمه ماده:

که چېرې عسکري منسوب دغیر ملکیت منهدم، تخریب، تلف او یاهغه بی ګټې کړي او یاهغه ته ضرر ورسوي، داحوالو سره سم له یوې څخه ترپنځوکلونو دحبس اودزیان دجبرانولو په جزاء محکومېږي.

تخریب و اتلاف دارایی شخصی

مادهٔ چهل و چهارم:

هرگاه منسوب عسکری ملکیت غیر را منهدم، تخریب، تلف و یا آنرا غیر قابل استفاده نماید و یا به آن ضرر رساند، حسب احوال به جزای حبس از یك الی پنج سال وجبران خسارهٔ وارده، محکوم می‌گردد.

ضرب اوجرح

پنځه څلوېښتمه ماده:

(۱) که چېرې عسکري منسوب دخپل موقف څخه په ګټه اخستنې سره په عمدي توګه بل شخص غیرقانوني تر وهلو او ټکولو لاندې ونیسي او یا دهغه شخص دجسمي جراحت موجب شي د احوالو سره سم له شپږو میاشتو څخه تردوو

ضرب و جرح

مادهٔ چهل و پنجم:

(۱) هرگاه منسوب عسکری با استفاده از موقف خود عمداً شخص دیگری را غیر قانونی مورد لت و کوب قرار دهد یا موجب جراحت جسمی شخص گردد، حسب احوال به جزای حبس از

کلونو دحبس اومتضررته دارول شوي ضرر دجبرانولو په جزاء محکومېږي.

(۲) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوی عمل دوسلې یانورو وسایلو او شیانو څخه په ګټه اخستنې یادقوې په استعمالولو سره صورت نیولی وي اودشخص یا اشخاصو د جسمی جراحتونویا مړینې موجب شي په داسي حال کې چې هدف یې عمدي قتل نه وي، مرتکب د احوالو سره سم له یوه څخه ترلسو کلونو دحبس او متضررته دضرر دجبرانولو په جزاء محکومېږي.

(۳) ددې مادې په (۲) فقره کې اسلحه له هغو آلاتو او ضاربه، جارحه،ناریه او منفلقه وسایلو څخه عبارت ده چې دجراحت اړولو او تخریب قابلیت ولري او دشخص د هلاکېدو باعث شي .

شش ماه الی دو سال و جبران ضرر وارده به متضرر، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه عمل مندرج فقرۀ (۱) این ماده با استفاده از اسلحه یا سایر وسایل و اشیاء و استعمال قوه صورت گرفته و موجب جراحات جسمی یا مرگ شخص یا اشخاص گردد که هدف آن قتل عمد نباشد، مرتکب حسب احوال به جزای حبس از یک الی ده سال و جبران ضرر وارده به متضرر، محکوم می گردد.

(۳) اسلحه در فقره (۲) این ماده عبارت از آلات ووسایل ضاربه، جارحه، ناریه و منفلقه است که قابلیت وارد آوردن جراحت یا تخریب را داشته و باعث هلاکت شخص گردد.

تهدید

شپږځلوېښتمه ماده:

کـه چېرې عسکري منسوب یو شخص په غیرقانوني توګه د تهدید دلارې متضررکړي، داحوالوسره سم

تهدید

مادۀ چهل و ششم:

هرگاه منسوب عسکری شخص را به طور غیر قانونی از طریق تهدید متضررسازد، حسب احوال

لـه يـوې مياشـتې څخـه تريـوه کـال دحـبس او متـضررته دضـرر د جبرانولو په جزاء محکومېږي.

به جزای حبس از یك ماه الی یك سـال و جبـران ضـرر وارده بـه متضرر، محکوم می‌گردد.

درېيم فصل
وروستني حکمونه

فصل سوم
احکام نهایی

دجزاء دقانون دحکمونو تطبيقول اووه څلوېښتمه ماده:

(۱) که چېرې ددې قانون په څلورمه ماده کې درج شوي اشخاص دهغو جرمونـو مرتکـب شـي چې پـه دې قـانون کـې نـه وي اتکـل شـوي، د **۱۳۵۵** کال په (**۳۴۷**) ګڼه رسمي جريـده کـې خپـور شـوي دجـزاء دقـانون دحکمونـو مطابق مجازات کېږي.

(۲) ددې مـادې پـه(۱) فقـره کـې د درج شـووجرمي قـضيو څېړل دجرم د ارتکاب دځای او د قضيې دنورو حالاتو دپه پام کې نيولـو ، داحـوال سـره سـم پـه عـسکري اويـا ملکـي محکموکې صورت مومي.

(۳) دحـدودو، قـصاص او ديـت دجـزا ټاکـل داسـلامي شـريعت دحکمونو سره سم ترسره کېږي.

تطبیق احکام قانون جزاء
ماده چهل و هفتم:

(۱) هرگـاه اشـخاص منـدرج مـادۀ چهـارم ايـن قـانون جرايمـی را مرتکـب گردنـد کـه در ايـن قـانون پـيش بينـی نگرديـده است، مطابق احکام قانون جزاء منتـشرۀ جريـدۀ رسـمی شـماره (**۳۴۷**) سـال **۱۳۵۵** مجـازات می‌گردند.

(۲) رسیدگی بـه قـضایای جرمـی منـدرج فقـرۀ (۱) ايـن مـاده بـا نظرداشـت محـل ارتکـاب جـرم و سـایر حـالات قـضیه حسب احـوال در محـاکم عـسکری و يـا ملکـی صورت می‌گیرد.

(۳) تعیین جزای حدود، قـصاص، وديـت مطـابق احکـام شـريعت اسلامی صورت می‌گیرد.

دانفاذ نېټه

اته څلوېنښتمه ماده:

دغه قانون دتوشېح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جريده کې دې خپور شي او په نافذېدو سره ئې د ۱۳۸۴ کال دسلواغې دمياشتې د ۲۰ نېټې په (۸۷۶) ګڼه رسمي جريده کې خپور شوی دعسکري جزا دقانون حکمونه سره له تعديلاتو يې ملغي ګڼل ګېږي.

تاریخ انفاذ

مادۀ چهل و هشتم:

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریدۀ رسمی نشر گردد و با انفاذ آن احکام قانون جزای عسکری منتشرۀ جریدۀ رسمی شماره(۸۷۶) مؤرخ (۲۰) دلو سال ۱۳۸۴ با تعدیلات آن ملغی پنداشته می شود.

قانون نظارت بر تطبیق استراتیژی
مبارزه علیه فساد اداری

د اداري فساد پر علیه د مبارزې د ستراتیژۍ پر تطبیق باندې د څارنې د قانون د توشېح په هکله د افغانستان د اسلامي جمهوریت د رئیس فرمان

ګڼه: (۶۳)
نېټه: ۱۳۸۷/۴/۳۱

لومړۍ ماده:
د افغانستان د اساسي قانون د نهه اویایمې مادې د حکم له مخې د اداري فساد پر علیه د مبارزې د ستراتیژۍ پر تطبیق باندې د څارنې قانون چې په (۵) فصلونو او (۲۲) مادو کې د افغانستان د اسلامي جمهوریت د وزیرانو شوري د ۱۳۸۷/۴/۱۶ نېټې د (۱۷) ګڼې مصوبې پر بنسټ تأیید شوی دی توشېح کوم.

دوه یمه ماده :
(۱) د ارتشاء او اداري فساد پر علیه د مبارزې خپلواکه اداره، ددې قانون په نافذېدو سره منحل کېږي.
(۲) د اداري فساد پر علیه د

فرمان
رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در بارۀ توشیح قانون نظارت بر تطبیق استراتیژی مبارزه علیه فساد اداري

شماره: (۶۳)
تاریخ: ۱۳۸۷/۴/۳۱

مادۀ اول:
به تأسی از حکم مادۀ هفتاد و نهم قانون اساسی افغانستان، قانون نظارت بر تطبیق استراتیژی مبارزه علیه فساد اداری را که به اساس مصوبۀ شماره (۱۷) مؤرخ ۱۳۸۷/۴/۱۶ شورای وزیران جمهوری اسلامی افغانستان بداخل (۵) فصل و(۲۲) ماده تائید گردیده است، توشیح می دارم.

مادۀ دوم :
(۱) ادارۀ مستقل مبارزه علیه ارتشاء وفساد اداری با انفاذ این قانون منحل می گردد.
(۲) ادارۀ عالی نظارت

مبارزې د ستراتیژۍ پر تطبیق باندې د څارنې عالي اداره د موجودو اړتیاوو له په نظر کې نیولو سره خپل نوي تشکیل او بودجه ترتیبوي او د پراوونو د تېرولو لپاره یې وړاندې کوي.

برتطبیق استراتیژی مبارزه علیه فساد اداری با نظر داشت نیازمندی های موجود، تشکیل وبودجهٔ جدید خویشرا ترتیب وجهت طی مراحل ارائه نماید.

دېرېمه ماده:
د عدلېې وزیر او په پارلماني چارو کې د دولت وزیر مؤظف دي، دغه فرمان د ملي شوري د لومړنۍ غونډې د جوړېدو له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې هغې شوري ته وړاندې کړي.

مادهٔ سوم:
وزیر عدلیه و وزیر دولت در امور پارلمانی مؤظف اند، این فرمان را در خلال (۳۰) روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسهٔ شورای ملی، به آن شورا تقدیم نمایند.

څلورمه ماده:
دغه فرمان د توشېح له نېټې څخه نافذ او له قانون سره یو ځای دې په رسمي جریده کې خپور شي.

مادهٔ چهارم:
این فرمان از تاریخ توشیح نافذ و همراه با قانون در جریدهٔ رسمی نشر گردد.

حامد کرزی
د افغانستان د اسلامي جمهوریت رئیس

حامد کرزی
رئیس جمهوری اسلامی افغانستان

د اداري فساد پر علیه دمبارزې دستراتیژۍ پرتطبیق باندې دځارنې قانون

لومړی فصل

عمومي حکمونه

مبني

لومړۍ ماده:

دغه قانون دافغانستان د اساسي قانون په اوومه ماده، د پنځه اویایمې مادې په (۳) جزءاو یو سلو دوه څلوېښتمه ماده کې د درج شوو حکمونو په رنا کې او د اداري فساد پر علیه د ملګرو ملتونو د میثاق له په پام کې نیولو سره د اداري فساد پرعلیه دمبارزې د ستراتیژۍ پرتطبیق باندې د څارنې د اړوندو چارو د تنظیم په منظور وضع شوی دی.

موخې

دوه یمه ماده:

ددغۀ قانون موخې عبارت دي له :

۱- د اداري فساد د مخنیوي او پر علیه د اغېزمنې مبارزې لپاره په ټولو ادارو کې د اداري د اصلاح د ستراتیژۍ اوکړنلارې پرتطبیق

قانون نظارت برتطبیق استراتیژی مبارزه علیه فساد اداری

فصل اول

احکام عمومی

مبنی

مادۀ اول :

این قانون درروشنی احکام مندرج مادۀ هفتم ، جزء (۳) مادۀ هفتاد و پنجم و مادۀ یکصدو چهل ودوم قانون اساسی افغانستان و رعایت میثاق ملل متحد علیه فساد اداری به منظور تنظیم امور مربوط به نظارت برتطبیق استراتیژی مبارزه علیه فساد اداری وضع گردیده است.

اهداف

مادۀ دوم :

اهداف این قانون عبارت اند از:

۱- اتخاذ تدابیر جهت نظارت بر تطبیق استراتیژی و طرزالعمل اصلاح اداره و مبارزه علیه فساد اداری درتمام ادارات ،غرض

باندې د څارنې لپاره د تدبیرونو نیول.

۲- دادارې فساد د قضایاوو په هکله د ادارو له اجراآتو څخه څارنه.

۳- د ادارو لخوا د ادارې داصلاح او د ادارې فساد پرعلیه دمبارزې په چارو کې د نیول شوو تدبیرونو د تطبیق ارزونه .

۴- د ادارو په اجراآتو کې له حساب ورکونې څخه د ډاډ ترلاسه کولو لپاره د رونوالي (شفافیت) تأمینېدل.

۵- د وظیفوي رښتینولۍ او حساب ورکونې د مسئولیت پر بنسټ د عام المنفعه چارو د سالمې او مسئولې ادارې او مدیریت رامنځ ته کول.

۶- له عامه او د اشخاصو له ملکیتونو څخه ساتنه.

۷- د قانون د حاکمیت ټینګښت او تعمیم .

جلوگیری و مبارزۀ مؤثر علیه فساد اداری.

۲- مراقبت از اجراآت ادارات در مورد قضایای فساد اداری.

۳ - ارزیابی از تطبیق تدابیر اتخاذ شده در امر اصلاح اداره و مبارزه علیه فسادادارى ازطرف ادارات.

۴- تأمین شفافیت در اجراآت ادارات جهت حصول اطمینان از حساب دهی.

۵- ایجاد اداره و مدیریت سالم امور عام المنفعه بر مبنای صداقت وظیفوی ومسئولیت حسابدهی.

۶- حراست از ملکیت های عامه و اشخاص.

۷- تحکیم و تعمیم حاکمیت قانون.

اداري فساد

درېیمه ماده:

د دولتي ادارو د مؤظفینو یا ددې قانون په اوومه ماده کې د درج

فساد اداری

مادۀ سوم:

ارتکاب اعمال ذیل توسط مؤظفین ادارات دولتی یا

شوو نورو مراجعو د منسوبینو لخوا د لاټدې اعمالو تر سره کول اداري فساد ګڼل کېږي:

۱- رشوت.

۲- اختلاس.

۳- د سندونو سرقت.

۴- د رسمي پاڼو او سندونو غیر مجاز اتلاف.

۵- د قانوني واک له حدودو څخه تېری.

۶- له وظیفوي موقف څخه ناوړه ګټه اخستنه.

۷- د عدالت د تطبیق په بهیر کې خنډ اچول یا لاسوهنه کې مخنیوي.

۸- په شخصي چارو کې له دولتي امکاناتو او رسمي وختونو څخه ګټه اخستنه.

۹- له قانوني عذر پرته له دندې څخه ډډه کول او استنکاف.

۱۰- د حقیقت کتمان.

۱۱- دشتمنی غیرقانوني زیاتېدل.

۱۲- د سندونو تزویر.

۱۳- د دندې انتحال (د هغو چارو د اجراء یا ډډې کولو د واک نبودل چې شخص په هغو باندې نه وي ګمارل شوی).

۱۴- په اړوندو چارو کې د کار د

منسوبین سایر مراجع مندرج مادۀ هفتم این قانون فساد اداری شمرده می شود:

۱- رشوت.

۲- اختلاس.

۳- سرقت اسناد.

۴- اتلاف غیر مجاز اوراق واسناد رسمی.

۵- تجاوز از حدود صلاحیت قانونی.

۶- سوء استفاده ازموقف وظیفوی.

۷- ممانعت در روند یا اخلال تطبیق عدالت.

۸- استفاده از امکانات دولتی واوقات رسمی در امور شخصی.

۹- امتناع واستنکاف از وظیفه بدون عذر قانونی.

۱۰- کتمان حقیقت.

۱۱- افزایش غیر قانونی دارایی.

۱۲- تزویر اسناد.

۱۳- انتحال وظیفه (وانمود ساختن صلاحیت اجرا یا امتناع اموری که شخص به آن مؤظف نباشد).

۱۴- اخذ هر نوع تحفه به منظور

اجراء یا له هغۀ څخه د ډډې کولو په منظور د هر ډول تحفې اخستل.

۱۵- د سپارل شوې دندې په اجراء کې تعلل.

۱۶- د اړونـدې اداري د سـلوکې قواعدو نه په پام کې نیول.

۱۷- پـه ورسپـارل شـوو چـارو کـې د سـیمه ییـزو، مـذهبي، جنـسیتي او شخـصي کتنـو (ملاحظو) شاملول.

۱۸- د اداري فـساد پـر علیـه د مبـارزې پـه سـتراتیژۍ کـې د درج شوو نورو اعمالو ترسره کول او یا ورڅخه ډډه کول.

اجرا یـا امتنـاع از کـار در امـور مربوط.

۱۵- تعلـل در اجـرای وظیفـۀ محوله .

۱۶- عدم رعایت قواعد سلوکی ادارۀ مربوط.

۱۷- دخیل ساختن ملاحظات قومی، منطقـوی، مـذهبی، حزبـی، جنسیتی و شخصی دراجرای امور محوله.

۱۸- اجـرا و یـا امتنـاع سـایر اعمـا ل منـدرج اسـتراتیژی مبـارزه علیـه فـساد اداری.

مسئوله اداره

څلورمه ماده:

د اداري فساد پر علیه د مبارزې د ستراتیژۍ پر تطبیق باندې د څارنې عـالي اداره، د هېـواد پـه کچـه د اداري د اصـلاح د کـړنلارې او اداري فـساد پـر علیـه د مبـارزې د سـتراتیژۍ د تطبیـق هـم غـړې کوونکې او تطبیق کوونکې اداري په توګه ده او په خپلو اجراآتو کې مـستقله او د جمهـور رئـیس پـه وړاندې مسئوله ده.

ادارۀ مسئول

مادۀ چهارم:

ادارۀ عـالی نظـارت بـر تطبیـق اسـتراتیژی مبـارزه علیـه فـساد اداری بـه حیـث عـالی تـرین ادارۀ هماهنـگ کننـده ونظـارت کننـدۀ تطبیـق اسـتراتیژی طرزالعمـل اصلاح اداره و مبارزه علیه فساد اداری در سـطح کـشور بـوده، در اجـراآت خـود مـستقل و نـزد رئـیس جمهـور مـسئول می باشد .

لنډ نوم

پنځمه ماده:

د اداري فساد پر علیه د مبارزې د ستراتیژۍ پرتطبیق باندې دځارنې عالي اداره، په دې قانون کې د څارنې دعالي اداري په نوم یاد ېږي.

نام اختصاری

مادۀ پنجم:

ادارۀ عالی نظارت برتطبیق استراتیژی مبارزه علیه فساد اداری درایین قانون بنام ادارۀ عالی نظارت یاد می گردد.

خپلواکتوب

شپږمه ماده:

هېڅ شخص اومقام په ادارو کې د اداري فساد پرعلیه د مبارزې د ستراتیژۍ د تطبیق لپاره د څارنې د عالي اداري د اجراآتو خنډ نه کېږي.

استقلالیت

مادۀ ششم:

هیچ شخص و مقامی مانع اجراآت ادارۀ عالی نظارت، جهت نظارت از تطبیق استراتیژی مبارزه علیه فساد اداری در ادارات نمی شود .

د تطبیق ساحه

اوومه ماده:

ددغۀ قانون حکمونه د خاصو کړنلارو له په پام کې نیولو سره پر لاندې ادارو او اشخاصو باندې د تطبیق وړ دي:

۱- دولتي اداري او تاکنیزي (انتخابي) عهدې.

۲- خپلواک کمېسیونونه.

۳- له دولت سره په د معاملې

ساحۀ تطبیق

مادۀ هفتم :

احکام این قانون با رعایت طرزالعمل های خاص بالای ادارات و اشخاص ذیل قابل تطبیق می باشد:

۱- ادارات دولتی و عهده های انتخابی .

۲- کمیسیون های مستقل.

۳- بانک های طرف معامله با

طرف کې بانکونه .
۴- د اداري فساد پر علیه د ملګرو ملتــو د میثــاق او نــورو نړیوالــو ژمنلیکونــو پــه چوکــاټ کــې غیــر دولتــي مؤسســې (N.G.Os)، بــین المللي مؤسسې اوله دولت سره په معامله کې طرف خصوصي تشبثونه.

دوه یم فصل
د څارنې د عالي اداري تشکیل، دندې او واکونه

تشکیل
اتمه ماده:
(۱) د څــارنې عــالي اداره خپلــواك بودجــوي واحــد دی، لــه رئــیس، مرستیال یــا مرستیالانو،مرکزي او حوزوي رئیسانو او لــه مسلکي او اداري غړو څخه جوړه ده.
(۲) د څارنې د عــالي اداري رئیس د جمهور رئیس لخوا ټاکل کېږي. د هغــې د نــورو کــارکوونکو استخدامېدل د قــانون د حکمونــو مطابق صورت مومي.
(۳) د څــارنې عــالي اداره خپلــه بودجــه جــوړ وي او د پراوونــو د بشپړولو لپاره ئې د ملي بودجې لــه دولت.
۴- مؤسســات غیــر دولتــی (N.G.Os)، مؤسسات بین المللی و تشبثات خصوصی طرف معاملۀ مالی با دولت در چارچوب میثاق ملــل متحــد علیــه فســاد اداری و سایر معاهدات بین المللی.

فصل دوم
تشکیل، و ظایف و صلاحیت ادارۀ عالی نظارت

تشکیل
مادۀ هشتم:
(۱) ادارۀ عــالی نظــارت واحــد بود جوی مستقل بوده، متشکل از رئــیس، معــاون یــا معاونــان، رؤسای مرکزی وحوزوی واعضای مسلکی واداری می باشد.
(۲) رئــیس ادارۀ عــالی نظــارت از طــرف رئــیس جمهــور تعیــین مــی گــردد. اســتخدام ســایر کارکنــان آن طبــق احکــام قــانون صورت می گیرد.
(۳) ادارۀ عــالی نظــارت بودجــۀ خــویش را ترتیــب نمــوده و غــرض طی مراحل از راه بودجۀ ملی بــه

لارې د وزیرانو شورىٰ ته وړاندې کوي. د څارنې عالي اداره خپله بودجه په خپلواکه توګه د اړوندو قوانینو مطابق تطبیقوي.
(۴)د تشکیل جزئیات د قانون دحکمونو مطابق، له پراوونوڅخه تېرېږي.

شورای وزیران ارائه می نماید.
ادارۀ عالی نظارت بودجۀ خویش را طور مستقلانه مطابق قوانین مربوط تطبیق می نماید.
(۴) جزئیات تشکیل طبق احکام قانون طی مراحل می گردد .

دندې

نهمه ماده:

د څارنې عالي اداره د لاندې دندو او واکونو لرونکې ده:
۱- دادارې د اصلاح او د اداري فساد پرعلیه د مبارزې د ستراتیژۍ او کړنلارې پر تطبیق باندې نظارت کول .
۲- جمهور رئیس ته د دې مادې په(۱)جزءکې ددرج شوې ستراتیژۍ په هکله د نوې کتنې وړاندیز.
۳- د ادارې د اصلاح د کړنلارې او د اداري فساد پرعلیه د مبارزې د ستراتیژۍ پر تطبیق باندې د څارنې د پلان او پروګرام طرح کول اود منظورۍ لپاره ئې د جمهوري ریاست مقام ته وړاندې کول.
۴- د ادارې د اصلاح او د اداري فساد پر ضد د مبارزې په مقصد د

وظایف

مادۀ نهم :

ادارۀ عالی نظارت دارای وظایف وصلاحیت های ذیل می باشد :
۱-نظارت بر تطبیق استراتیژی وطرزالعمل اصلاح اداره و مبارزه علیه فساد اداری.
۲- پیشنهاد در مورد تجدید نظربراستراتیژی مندرج جز (۱) این ماده به رئیس جمهور.
۳- طرح پلان و پروگرام جهت نظارت بر تطبیق استراتیژی اصلاح اداره و مبارزه علیه فساد اداری وارائۀ آن غرض اخذ منظوری به مقام ریاست جمهوری.
۴- انجام مطالعات لازم جهت دریافت شیوه های مؤثر و

مناسبو او اغیزمنو لارو چارو د پیدا کولو لپاره د لازمو مطالعاتو ترسره کول.

۵- د هغو علتونو او سببونو د له منځه وړلو لپاره چې د اداري فساد د رامنځ ته کېدو موجب ګرځي، د لاړمو تدبیرونو نیول.

۶- د اداري فساد د مخنیوي په کار کې له مادي او تخنیکي امکاناتو څخه د معقولې ګټې اخستنې د لارو چارو په هکله اړوندې اداري ته سپارښتنه.

۷- د اداري فساد پر علیه د مبارزې دستراتیژۍ د تطبیق په هکله د ادارو له اجراآتو څخه څارنه.

۸- اړوندې اداري ته د اداري د اصلاح او د اداري فساد د مخنیوي په اړه د یادداښت ورکول.

۹- د استخدام په پراووکې د روښوالي (شفافیت) وړتیا، لیاقت او عدالت د څرنګوالي ارزونه.

۱۰- د اداري فساد پرعلیه د مبارزې په اړه د قوانینو، فرمانونو او نورو تقنیني سندونو له تطبیق او په پام کې نیولو څخه ډاډ ترلاسه کول.

مناسب به مقصد نظارت بر تطبیق استراتیژی اصلاح اداره و مبارزه علیه فساد اداری .

۵- اتخاذ تدابیر لازم و مؤثر جهت ازبین بردن علل و اسبابی که موجب ایجاد فساد اداری می گردد.

۶- سفارش به ادارۀ مربوطه درمورد شیوه های استفادۀ معقول ازامکانات مادی و تخنیکی درامر جلوگیری از فساد اداری .

۷- نظارت از اجراآت ادارات درمورد تطبیق استراتیژی مبارزه علیه فساد اداری.

۸- ارایۀ یادداشت مبنی بر اصلاح اداره و جلوگیری از فساد اداری به ادارۀ مربوط .

۹- ارزیابی چگونگی شفافیت، شایستگی، لیاقت و عدالت درمراحل استخدام .

۱۰- حصول اطمینان از تطبیق و رعایت قوانین، فرامین و سایر اسناد تقنینی در رابطه به مبارزه علیه فساد اداری .

۱۱- جمهور رئیس ته د تدارکاتي چارو او د دولتي مالونو یا املاکو د پلورنې یا اجارې د درولو (توقف) په اړه د وړاندیز وړاندې کول ، چې د څارنې په وخت کې ئې نه روڼوالی او اغېزمنتوب تثبیت شي.

۱۲- د موجه دلیلونو د موجودیت په صورت کې د څېړل شوو سندونو بیا ارزونه.

۱۳- ددې قانون په اوومه ماده کې له درج شوو ادارو او اشخاصو څخه د اړتیا وړ سندونو او معلوماتو غوښتنه.

۱۴- ددې قانون په اوومه ماده کې د درج شوو ادارو د اجراآتو د کړنلارو د ساده کولو د څرنګوالي ارزونه.

۱۵- د اړوندو مراجعو له لارې له اداري فساد څخه راپیدا شوو شکایتونو ته رسیدګي.

۱۶- د متحابه دولتونو له مماثلو ادارو او نړیوالو مؤسسو سره د مناسباتو او توأمیتونو ټینګول او پراختیا ورکول او په دې هکله په ګډه کوښښ کول.

۱۷- په مرکز او ولایتونو کې د اداري فساد پر علیه د

۱۱- ارائهٔ پیشنهاد به رئیس جمهور در بارهٔ متوقف ساختن امور تدارکاتی و فروش یا اجارهٔ اموال یا املاك دولتی که عدم شفافیت و مؤثریت آن حین نظارت تثبیت می گردد.

۱۲- ارزیابی مجدد اسناد بررسی شده درصورت موجودیت دلایل مؤجه.

۱۳- مطالبهٔ اسناد و معلومات مورد ضرورت از ادارات و اشخاص مندرج مادهٔ هفتم این قانون.

۱۴- ارزیابی چگونگی ساده سازی طرزالعمل های اجراآت ادارات مندرج مادهٔ هفتم این قانون.

۱۵- رسیدگی به شکایات ناشی از فساد اداری از طریق مراجع مربوط .

۱۶- برقراری و توسعهٔ مناسبات و توآمیت ها با ادارات مماثل دول متحابه و مؤسسات بین المللی و تشریك مساعی در زمینه .

۱۷- تدویر کورس ها ، سیمینار ها ، ورکشاپ ها

مبارزې په کار کې د کارکوونکو د کاري ظرفیت او اغېزمنتوب د لوړولو لپاره د کورسونو، سیمینارونو، ورکشاپونو او کنفرانسونو دایرول.

۱۸- د عامه خبرتیا لپاره د څارنې د عالي اداري د کلنیو فعالیتونو خپرول.

۱۹- دجمهوري ریاست مقام ته د څارنې د عالي اداري د اجراآتو او لاسته راوړنو د منظم رپوټ وړاندې کول.

۲۰- نورې هغه دندې چې د جمهور رئیس لخوا ورته سپارل کېږي.

و کنفرانس ها غرض ارتقای ظرفیت و مؤثریت کاری کارکنان در امر مبارزه علیه فساد اداری در مرکز و ولایات.

۱۸- نشر فعالیت های سالانۀ ادارۀ عالی نظارت جهت آگاهی عامه .

۱۹- ارایۀ گزارش منظم در مورد اجراآت و دست آورد های ادارۀ عالی نظارت به مقام ریاست جمهوری.

۲۰- سایر وظایفی که از جانب رئیس جمهور محول می شود .

درېیم فصل
له ادارو سره توامیت

فصل سوم
توامیت با ادارات

د پلټنې او کنټرول له اداري سره توامیت

لسمه ماده:

د څارنې عالي اداره د دې قانون په اوومه ماده کې د درج شوو ادارو او اشخاصو مشکوک مالي او حسابي فعالیتونه د پلټنې او کنټرول عمومي اداري ته سپاري.

توامیت با ادارۀ تفتیش و کنترول

مادۀ دهم:

ادارۀ عالی نظارت، فعالیت های مالی وحسابی مشکوك ادارات واشخاص مندرج مادۀ هفتم این قانون را جهت باز رسی به ادارۀ عمومی تفتیش وکنترول محول می نماید .

د کنترول او پلټنې عمومي اداره مکلفه ده موضوع وڅېړي او له پایلو څخه ئې د څارنې عالي اداري ته رپوټ وړاندې کړي.

د ادارو همکاري

یوولسمه ماده:

اداري مکلفې دي چې په دې قانون کې د درج شوو موخو په پلي کولو کې د څارنې له عالي اداري سره په لاندې مواردو کې همکاري وکړي:

۱- د څارنې د عالي اداري مؤظفینو ته د نظر وړ موضوع ګانو، د څېړلو په وخت کې د لازمو آسانتیاوو برابرول.

۲- له غوښتنې سره سم د نظارت د عالي اداري مؤظفینو ته د سندونو، معلوماتو او څرګندونو وړاندې کول.

۳- له غوښتنې سره سم د بررسۍ په وخت کې د نظارت د عالي اداري له مؤظفینو سره د همکارۍ لپاره د متخصصو مسلکي کارکوونکو توظیفول.

۴- د مخکنیو پلټنو د پایلو د پلي کولوپه هکله د رپوټ وړاندې کول.

ادارهٔ عمومی تفتیش و کنترول مکلف است موضوع را بازرسی نموده و نتیجه را به ادارهٔ عالی نظارت گزارش دهد.

همکاری ادارات

مادهٔ یازدهم:

ادارات مکلف اند درتحقق اهداف مندرج این قانون با ادارهٔ عالی نظارت درموارد ذیل همکاری نمایند :

۱- فراهم آوری تسهیلات لازم برای مؤظفین ادارهٔ عالی نظارت حین بررسی موضوعات مورد نظر .

۲- ارائهٔ اسناد ، معلومات و توضیحات لازم به مؤظفین ادارهٔ عالی نظارت عندالمطالبه .

۳- توظیف کارکنان متخصص مسلکی عندالمطالبه جهت همکاری با مؤظفین ادارهٔ عالی نظارت حین بررسی .

۴- ارائهٔ گزارش درمورد تحقق نتایج بررسی های قبلی .

د شتمنۍ ثبتول او خپرول

دوولسمه ماده:

(۱) دځارنې عالي اداره دافغانستان د اساسي قانون په یو سلو څلور پنځوسمه ماده کې د درج شوو مقامونو شتمنۍ ثبت وي، څېړي او د لزوم په صورت کې ئې خپروي.

(۲) د څارنې عالي اداره مکلفه ده چې د ملي شورۍ، ولایتي او ولسوالیو د شوراګانو، د وزارتونو د معینانو، د خپلواکوادارو او کمېسیونونو د رئیسانو، سفیرانو، والیانو او ښاروالانو او د هغو د مرستیالانو، قاضیانو، څارنوالانو، د ملي دفاع او کورنیو چارو وزارتونو د افسرانو، ولسوالانو، د دوه یمې رتبې مامورینو او له هغو نه پورته او دمالي، حسابي او تدارکاتي چارو د کارکوونکو شتمنۍ، د دندې له نیولو دمخه او هرکال ثبت، رسیدګي او عنداللزوم خپرې کړي.

ثبت ونشردارایی

مادۀ دوازدهم:

(۱) ادارۀ عالی نظارت دارایی مقامات مندرج مادۀیکصد و پنجاه و چهارم قانون اساسی افغانستان را ثبت ، رسیدگی و عنداللزوم نشر می نماید.

(۲) ادارۀ عالی نظارت مکلف است دارائی اعضای شورای ملی، شوراهای ولایتی و ولسوالی ها، معینان وزارت ها، روسای ادارات وکمیسیون های مستقل، سفرا، والی ها و شاروال ها ومعاونان آنها، قضات ، څارنوالان، افسران وزارت های دفاع ملی و اموراخله، ولسوالان، مامورین رتبه دوم و بالاتر از آن و کارکنان بخش های امور مالی ،حسابی وتدارکاتی را قبل از اشغال وظیفه و همه ساله ثبت، رسیدگی وعنداللزوم نشر نماید.

څلورم فصل
متفرقه حکمونه

مؤقت انفصال او عدلي تعقيب
ديارلسمه ماده:
(۱) که چېرې د څېړنې په پايله کې، د عامه خدمتونو مؤظف د اداري فساد په اړه مظنون واقع شي، د عدلي تعقيب لپاره څارنوالۍ ته ورپېژندل کېږي.
(۲) که چېرې قاضي د اداري فساد په اړه مظنون واقع شي او يا د هغو چارو له اجراء کولو څخه چې دی ئې په ترسره کولو مکلف دی، سرغړونه وکړي، دځارنې عالي اداره موضوع دتصميم نيونې لپاره سترې محکمې ته احاله کوي.

د خبر ورکوونکي او شاهد خوندیتوب
څوارلسمه ماده:
(۱) هغه اشخاص چې د اداري فساد د قضيو په کشفولو کې په ښه نيت د خبر ورکوونکي په توګه ياد تحقيق اومحاکمې په بهير کې يې د شاهد په توګه همکاري يا مؤجه اثباتيه سندونه او مدرکونه

فصل چهارم
احکام متفرقه

انفصال مؤقت و تعقیب عدلی
مادۀسیزدهم:
(۱) هرگاه در نتیجۀ بررسی، مؤظف خدمات عامه درارتباط به فساد اداری مظنون واقع شود، غرض تعقیب عدلی به څارنوالی معرفی می گردد.
(۲) هرگاه قاضی در ارتباط به فساد اداری مظنون واقع شود یا از اجرای اموری که مکلف به انجام آن است، تخلف ورزد، ادارۀ عالی نظارت موضوع را به ستره محکمه احاله می نماید.

مصؤنیت اطلاع دهنده وشاهد
مادۀ چهاردهم:
(۱) اشخاصی که در کشف قضایای فساد اداری باحسن نیت به حیث اطلاع دهنده یا در جریان تحقیق و محاکمه به حیث شاهد همکاری یا اسناد و مدارك مؤجۀ اثبات را ارائه نموده باشند، از

وړاندې کړي وي، له هر ډول تهدید او فشار څخه خوندي دي او له حال سره سم خبر ورکوونکي ته مکافات ورکول کېږي.

(۲) د خبر ورکوونکي، شاهد، اهل خبره او د سندونو او مدرکونو د وړاندې کوونکي د پېژندګلوی (هویت) ښکاره کول د هغوی له رضایت پرته، ممنوع دي.

هر نوع فشار وتهدید و رفتار غیر مؤجه مصئون بوده، حسب احوال برای اطلاع دهنده مکافات اعطاء می گردد.

(۲) افشای هویت اطلاع دهنده، شاهد، اهل خبره وارائه کنندۀ اسناد ومدارك بدون رضایت آن ها ممنوع می باشد.

له حقوقو څخه بې برخې والی

پنځلسمه ماده:

(۱) اداري فساد د جرمونود مرتکبینوپه هکله تعلیقي مجازات ممنوع دي.

(۲) هغه اشخاص چې د اداري فساد د جرمونو په تور له دریو کلونو څخه زیات تر لسو کلونو پورې په حبس محکومېږي، دمجازاتو د نېټې له پایته رسېدو څخه تر دوو کلونو مودې لپاره په دولتي اداروکې د کارکوونکي په توګه یا د ټاکنیزو عهدوکاندید نه شي منل کېدی.

(۳) ددې مادې په (۲) فقره کې درج شوي اشخاص د جمهور رئیس د عفوې او د مجازاتو د تخفیف د

محرومیت از حقوق

مادۀ پانزدهم:

(۱) مجازات تعلیقی درمورد مرتکبین جرایم فساد اداری ممنوع می باشد.

(۲) اشخاصی که به اتهام جرایم فساد اداری به حبس بیشتر از سه سال الی ده سال محکوم میگردند، از تاریخ ختم مجازات برای مدت دو سال به حیث کارکن در ادارات دولتی یاکاندید عهده های انتخابی پذیرفته نمی شود.

(۳) اشخاص مندرج فقرۀ (۲) این ماده از مزایای فرامین عفو وتخفیف

فرامینوله ګټو (مزایاوو) څخه نشي برخمن کېدی.

مجازات رئیس جمهور مستفید شده نمی توانند.

د منلو شرایط

شپاړسمه ماده:

هغه اشخاص د څارنې د عالي اداري د رئیس، مرستیال، مرکزي او حوزوي رئیسانو او مسلکي غړو په توګه منل کېدی شي چې د ملکي خدمتونو د کارکوونکو په قانون کې د درج شوو شرایطو پر لرلو برسېره د لاندې شرایطو لرونکي هم وي:

۱- د لیسانس یا له هغۀ څخه د لوړو تحصیلاتو لرل.

۲- د جنحې یا جنایت په جرم باندې نه محکومیت.

۳- د دندې د تصدی په وخت کې په سیاسي ګوندونو کې نه غړیتوب.

شرایط پذیرش

مادۀ شانزدهم:

اشخاصی به حیث رئیس، معاون،رؤسای مرکزی وحوزوی واعضای مسلکی ادارۀ عالی نظارت پذیرفته شده می توانند که علاوه بر داشتن شرایط مندرج قانون کارکنان خدمات ملکی واجد شرایط ذیل نیز باشند:

۱-داشتن تحصیلات عالی لسانس یا بالاتر از آن.

۲-عدم محکومیت به جرایم جنحه یا جنایت.

۳- عدم عضویت در احزاب سیاسی در دورۀ تصدی وظیفه.

د تخصصي زده کړې د زمینې برابرول

اوولسمه ماده:

د څارنې عالي اداره، د اغېزمنې او فعالې مبارزې په منظور، د خپلو او نورو اړوندو ادارو کارکوونکو،

فراهم آوری زمینۀ آموزش تخصصی

مادۀ هفدهم:

ادارۀ عالی نظارت به منظور مبارزۀ مؤثر و فعال، زمینۀ آموزش تخصصی کارکنان خود

څارنوالانو او قاضیانو ته چې د اداري فساد د قضیو په کشف او څېړلو (رسیدګی) کې ذیدخل دي، د تخصصي زده کړې زمینه برابروي.

وسایر ادارات ذیربط، څارنوالان و قضاتی را که در کشف و رسیدگی قضایای فساد اداری ذیدخل می باشند، فراهم می نماید.

د رپوټ وړاندې کول
اتلسمه ماده:
د کنترول او پلټنې اداري، پولیس، څارنوالۍ او محکمه د اداري فساد د قضایاوو په هکله له خپلو اجراآتو څخه د څارنې عالي اداري ته رپوټ وړاندې کوي.

ارایهٔ گزارش
مادهٔهجدهم:
ادارات کنترول و تفتیش، پولیس، څارنوالی ومحکمه از اجراآت خود در مورد قضایای فساد اداری به ادارهٔ عالی نظارت گزارش می دهند.

د څارنوالۍ او دیوان جوړېدل
نولسمه ماده:
(۱) د لویې څارنوالۍ اداره، د اداري فساد د جرمونو د تحقیق او د هغو د مرتکبینو پر علیه د دعوي د اقامه کولو په منظور په مرکز او ولایتونو کې د قانون د حکمونو مطابق د اداري فساد پر علیه د مبارزې څارنوالۍ جوړ وي.
(۲) ستره محکمه د اداري فساد د جرمونو د قضیو د رسیدګۍ په منظور، په مرکز او ولایتونو کې د قانون د حکمونو مطابق د اداري

ایجاد څارنوالی ودیوان
مادهٔ نزدهم:
(۱) ادارهٔ لوی څارنوالی به منظور تحقیق جرایم فساد اداری واقامهٔ دعوی علیه مرتکبین آن، څارنوالی مبارزه علیه جرایم فساد اداری را در مرکز و ولایات طبق احکام قانون ایجاد می نماید.
(۲) ستره محکمه به منظور رسیدگی قضایای جرایم فساد اداری، دیوان های جرایم فساد اداری را طبق احکام قانون در

فساد د جرمونو دیوانونه، جوړوي.

مرکز وولایات ایجاد می نماید.

پنځم فصل
وروستني حکمونه

فصل پنجم
احکام نهائی

د واک نه اخلالول
شلمه ماده:
ددغه قانون حکمونه د څارنوالۍ او محکمې قانوني واکونه نه اخلالوي.

عدم اخلال صلاحیت
مادۀ بیستم:
احکام این قانون صلاحیت های قانونی څارنوالی ومحکمه را اخلال نمی نماید.

دلوایحو او کړنلارو وضع کول
یوویشتمه ماده:
دنظارت عالي اداره ددې قانون د حکمونو د ښه تطبیق په منظور د مقررو وړاندیز کوي او لایحې او کړنلارې وضع او تصویبوي.

وضع لوایح و طرزالعمل ها
مادۀ بیست ویکم:
ادارۀ عالی نظارت به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون مقرره ها راپیشنهاد و لوایح وطرز العملها را وضع و تصویب می‌نماید.

انفاذ
دوه ویشتمه ماده:
دغه قانون د توشیح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جریدې کې خپرېږي او په نافذېدو سره ئې د ۱۳۸۳/۷/۲۰ نېټې په (۸۳۸) ګڼه رسمي جریده کې خپور شوی له ارتشاء او اداري فساد سره د مبارزې قانون لغو ګڼل کېږي.

انفاذ
مادۀ بیست ودوم:
این قانون از تاریخ توشیح نافذ و درجریدۀ رسمی نشر می گردد و با انفاذ آن قانون، مبارزه علیه ارتشأ وفساد اداری منتشرۀ جریدۀ رسمی شماره (۸۳۸) مؤرخ ۱۳۸۳/۷/۲۰ ملغی شمرده می‌شود.